۳

استفتائات جدید



مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحیم

رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید

نویسنده:

ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور : رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید/ مطابق با فتاوای مکارم‌شیرازی.

وضعیت ویراست : [ویراست ؟].

مشخصات نشر : قم: قدس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۴۹۶ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۹۵-۰۹-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ شصت و پنجم.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۷ر۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۱۳۹۰۸

فصل اوّل: احکام تقلید

محدودهٔ تقلید

سؤال ۱- جنابعالی در ابتدای رساله مرقوم فرموده‌اید: «عقیدهٔ مسلمان به اصول دین، باید از روی دلیل باشد.» اگر مسلمانی به دنبال تحقیق رفت، و در نتیجه دینی غیر از اسلام را برگزید، آیا حق دارد پیرو آن دین شود؟ آیا حکم مرتد بر او جاری نمی‌شود؟ اگر جاری می‌شود، چرا؟ آیا این فتوا با فتوای به لزوم تحقیق در اصول دین، و عدم جواز تقلید در آن سازگار است؟ اصولًا کسی که می‌داند، اگر به نتیجه‌ای غیر از دین پدر و مادرش برسد کشته خواهد شد، چگونه می‌تواند با فکری آزاد در اصل دین تحقیق کند؟

جواب: تحقیق در دین و اعتقاد به یکی از مذاهب، غیر از تظاهر به آن است.

توضیح این که: بر همه واجب است در اصول دین به اندازهٔ توانایی خود تحقیق کنند، و اگر واقعاً بعد از تحقیق کامل و کمک گرفتن از آگاهان، به آیینی غیر از آیین اسلام معتقد شوند، معذور هستند؛ زیرا وظیفهٔ عقلی و شرعی خود را انجام داده، ولی به خطا رفته‌اند. امّا کسی که قبلًا مسلمان بوده، و به عللی دین جدید اختیار کرده، اگر تظاهر کند محکوم به احکام مرتد است؛ و احکام مرتد در واقع از جمله احکام سیاسی اسلام، برای جلوگیری از نفوذ دشمنان در محیط اسلام، و اغفال و اغوای مردم است.

سؤال ۲- برای مسلمان بودن همین مقدار که در دوران نوجوانی، یا جوانی اصول دین را از ما سؤال کردند، و ما قبول داشتیم کافی است؟ یا تحقیق بیشتری لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴

جواب: کافی است؛ ولی سعی کنید عقاید خود را از روی دلیل و برهان و استدلال فراگیرید.

سؤال ۳- مقلّد در چه زمینه‌هایی مکلّف به تقلید از مرجع تقلید است؟ آیا تقلید محدود به احکام عبادی (نماز و روزه و مانند آن)

می‌شود، یا احکام معاملات و اعمال حقوقی و مانند آن را نیز شامل می‌شود؟
جواب: تمام اعمال و احکام شرع، غیر از ضروریّات دین را، شامل می‌شود؛ ولی تقلید در اعتقادات راه ندارد.

گسترهٔ فقه

سؤال ۴- با پیشرفت علم، ممکن است مسائلی پیش آید که در قرآن و دیگر منابع اسلامی ذکری از آن به میان نیامده باشد، و کمک گرفتن از عقل به تنهایی، با توجّه به این که اشتباهات بسیاری دارد، کافی نباشد. با توجّه به این مطلب، آیا مراجع محترم می‌توانند پاسخگوی تمام مسائل شرعی نسل آینده باشند؟
جواب: در اسلام یک سلسله قواعد کلّی وجود دارد که پاسخگوی همهٔ مشکلات در تمام اعصار است. و به همین جهت هر سؤالی از ما در مورد مسائل جدید بشود به کمک آنها به حمد الله پاسخ‌گو هستیم، و هیچ بن‌بستی وجود ندارد.

راههای شناخت مرجع اعلم

سؤال ۵- آیا زن و فرزند باید از مرجعِ تقلیدِ شوهر و پدر تقلید کنند، یا در تقلید آزاد هستند؟
جواب: هرکس در تقلیدش آزاد است؛ باید تحقیق کند و مطابق آن تقلید نماید.
سؤال ۶- مسألهٔ رجوع به اعلم در مسائل مورد اختلاف فقها، از جمله مسائلی است که در تمام رساله‌های عملیّه آمده است؛ ولی حقیقت این است که تشخیص اعلم کاری سخت، بلکه شاید از محالات باشد! چون هر شخص یا گروهی، شخص خاصّی را اعلم دانسته، و غیر او را اعلم نمی‌داند. سؤال این است که: «مراجعی بودند
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵
که گفته می‌شد در زمان حیات، و حتّی پس از حیات اعلم از دیگران هستند. ولی آیا ممکن است این مراجع (رضوان اللّه علیهم) پس از گذشت زمان طولانی از وفاتشان، و با آمدن مراجع جدید- که مشغول درس و بحث هستند، و علوم و تحقیقات جدیدی در دست دارند- بازهم اعلم از احیا باشند؟
جواب: شکّی نیست که علم و دانش همراه زمان در حال تطوّر و تکامل است.
و همان گونه که در تعلیقهٔ بر عروهٔ الوثقی، مبحث عدم جواز تقلید ابتدایی از میّت، نوشته‌ایم، ممکن است بسیاری از مجتهدین زنده از مراجع گذشته اعلم باشند؛ چون مراجع زنده معلومات و دانش گذشتگان، را به اضافهٔ علوم جدیدی در اختیار دارند. بدین جهت ممکن است در بین مراجع میّت کسانی باشند که از مراجع زنده استعدادی قوی‌تر داشته باشند، ولی اطّلاعات احیا ممکن است نسبت به اموات اقرب به واقع باشد؛ و ملاک اعلمیّت، اقربیّت به واقع است. همان گونه که ممکن است طبیب امروز از ابن سینا ماهرتر باشد؛ در حالی که استعداد بوعلی بیشتر بوده است. همچنین در سایر علوم؛ و روشن است که علم فقه و اصول از این قاعده کلّی مستثنیٰ نیست، و این دو علم دائماً در حال تطوّر و تکامل است.
سؤال ۷- حضرت عالی در پاسخ سؤال ۵۶۹ کتاب استفتائات جدید، جلد اوّل، در مورد جواز غیبت شخصی که ریش خود را می‌تراشد، فرموده‌اید: «با توجّه به این که بعضی از علما در گذشته و حال فتوا به جواز عمل فوق می‌دهند، غیبت این فرد جایز نیست.» با عنایت به همین پاسخ، و با توجّه به این که حضرتعالی در مورد عدم جواز تراشیدن ریش احتیاط فرموده‌اید، آیا می‌توان با همین علم اجمالی به فتوای عدّه‌ای از علمای زنده در مورد جواز آن، استناد کرد، و بدان عمل نمود؟
جواب: باید در مسائل اختلافی اعلمیّت احراز شود.
سؤال ۸- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون تقلید پاسخ فرمایید:

الف) اهل خبره، که با معرّفی و شهادت آنها مرجعیّت و اعلمیّت ثابت می‌شود، چه کسانی هستند؟

جواب: منظور از اهل خبره، علمای درجه دو و سه حوزه‌های علمیّه و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶

شهرهاست، که با مبانی فقهی آشنایی دارند.

ب) آیا ممکن است غیر روحانی، توانایی شناخت مجتهد و مرجع اعلم را داشته باشد؟ در این صورت، آیا قول چنین شخصی در اثبات اجتهاد یا اعلمیّت حجّت است؟

جواب: در صورتی که آن فرد ثقه و مورد اعتماد باشد، و از اهل خبره پرسش کند، می‌توان به حرف او اعتماد کرد.

ج) نسبت به شخصی که از حوزه‌های علمیّه دور است، چگونه امکان دارد که بفهمد فلان آقای اهل علم از اهل خبره است یا نه، تا در مورد شناخت مرجع اعلم به قول او اعتماد کند؟

جواب: علمای معروف هر محل معمولًا اهل خبره هستند.

د) برای تشخیص اعلم، آیا اهل فن باید مجتهد باشند؟

جواب: اجتهاد در اهل خبره شرط نیست.

ه) در صورت تعارض شهادت اهل خبره نسبت به اعلم، آیا بهتر نیست ببینیم خُبرویّت کدام خُبره بیشتر و کاملتر است، و به قول او اعتماد کنیم؟

جواب: از هر طریقی علم یا اطمینان حاصل شود کافی است.

و) در صورت تعارض شهادت اهل خبره نسبت به اعلمیّت مجتهدین، وظیفه چیست؟

جواب: در صورت تعارض مخیّر هستید.

سؤال ۹- برخی از مردم روشهای دیگری، غیر از آنچه در توضیح المسائل آمده، برای انتخاب مرجع تقلید در نظر می‌گیرند. نظیر:

الف) از مرجعی تقلید می‌کنیم که شاگرد مرجع قبلی ما باشد.

ب) مرجعی را انتخاب می‌نماییم که فتاوای آسانتری داشته باشد.

ج) مرجعی که بیشتر اقوام و آشنایان از او تقلید می‌کنند را بر می‌گزینیم.

د) مقلّد مرجعی می‌شویم که پدر و مادر، یا معلّم ما معرّفی نماید.

آیا انتخاب مرجع تقلید با روشهای فوق صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷

جواب: هیچ کدام از اینها معیار نیست؛ معیار آگاهتر بودن آن مرجع است، از هر طریقی که علم به آن حاصل شود.

اصطلاحات تقلید

سؤال ۱۰- من گاهی که رسالۀ توضیح المسائل را مطالعه می‌کنم، به جملاتی مانند «احتیاط واجب» و «احتیاط مستحبّ» برخورد می‌کنم. آیا باید به آنها عمل کنم؟

جواب: منظور از «احتیاط واجب» آن است که مجتهد روی جهاتی فتوای نهایی خود را بیان نکرده باشد، در این صورت مقلّد می‌تواند به آن احتیاط عمل کند، و می‌تواند به مرجع دیگری مراجعه نموده، و به فتوای او عمل نماید. ولی «احتیاط مستحبّ» چنین نیست؛ می‌تواند آن را عمل کند، یا رها نماید.

سؤال ۱۱- آیا جملۀ «جایز نیست» معادل جملۀ «حرام است» می‌باشد، یا تفاوت دارند؟ اگر تفاوت دارند، تفاوت آن در چیست؟

جواب: تفاوتی ندارد.

سؤال ۱۲- تفاوت «فتوای به احتیاط» با «احتیاط در فتوا» را در ضمن مثالی گویا بیان فرمایید.

جواب: فتوای به احتیاط آن است که مجتهد دستور به احتیاط بدهد. مثلًا بگوید: «اگر دو ظرف آب وجود دارد، و می‌دانی یکی از آن دو نجس است، امّا نجس را نمی‌شناسی باید احتیاط نموده، و از هر دو اجتناب کنی.» ولی احتیاط در فتوا این است که مثلًا بگوید: «قناعت کردن به یک تسبیح اربعه در رکعت سوّم و چهارم اشکال دارد، و احتیاط آن است که سه مرتبه بخوانی».

تقلید از میّت

سؤال ۱۳- یکی از اقوام قبلًا جزء فرقهٔ اهل حق بود، و به حمد اللّه اکنون راه خود را یافته، و شیعه گردیده است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸

الف) ایشان در زمان حیات امام خمینی رحمه الله بالغ بوده، ولی تقلید ننموده است.

آیا اکنون می‌تواند معظّم له را به عنوان مرجع تقلید برگزیند؟

جواب: تقلید ابتدایی از مجتهد میّت اشکال دارد.

ب) با توجّه به این که فرقهٔ اهل حقّ غرب کشور نماز نمی‌خوانند، و به جای روزهٔ ماه رمضان، فقط سه روز در ماه آبان روزه می‌گیرند، آیا باید نمازها و روزه‌هایی را که در آن مدّت به جا نیاورده قضا کند، یا ساقط است؟

جواب: ساقط است.

سؤال ۱۴- اگر کسی بعد از فوت مرجع تقلیدش (امام خمینی رحمه الله) به علّت شدّت علاقه به آن مرجع، به مجتهد حیّ مراجعه نکند، تا با اجازهٔ او بر تقلید مرجع سابق باقی باشد، با توجّه به این که از رسانه‌ها هم نشنیده که باید با اجازهٔ مرجع جامع الشرائط زنده بر تقلید باقی بماند، اعمال چندین سالهٔ او چگونه است؟

جواب: به مجتهد حیّ رجوع می‌کند، و بر طبق فتوای او بر تقلید امام راحل رحمه الله باقی می‌ماند. و در این صورت اعمال گذشتهٔ او صحیح خواهد بود.

سؤال ۱۵- بسیاری از کسانی که بر تقلید میّت باقی مانده‌اند، مایلند در تمام مسائل از مرجع تقلید زنده پیروی کنند؛ زیرا در برخی از مسائل دچار شکّ و تردید می‌شوند که آیا در زمان مرجع متوفّی به فتوای او در خصوص فلان مسأله عمل کرده‌اند، یا خیر؟ آیا راهی وجود دارد که به طور کلّی از مرجع زنده تقلید کنند؟

جواب: تنها در مواردی که در زمان حیات مرجع متوفّی به فتوای او عمل نکرده‌اند، یا لااقل شکّ در عمل دارند، می‌توانند به فتوای مرجع زنده عمل کنند.

ولی اگر اعلمیّت مرجع حیّ نسبت به متوفّی ثابت شود، در تمام مسائل می‌توانند از مرجع زنده تقلید کنند.

تبعیض در تقلید

سؤال ۱۶- با توجّه به پیشنهاد برخی از شخصیّتها، در زمینهٔ تخصّصی شدن مرجعیّت تقلید، نظر خود را در این باره بفرمایید.

تخصّصی شدن مراجع تقلید در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹

زمینه‌های مختلف علمی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که هر یک از آنها در بخشی از فقه اعلم باشند، و ضوابط مرجعیّت بر آنها تطبیق کند، اشکال ندارد.

سؤال ۱۷- در بعضی از مسائل مربوط به حرفهٔ پزشکی، نظر علما با هم مغایر است. کدام فتوا حجّت است؟ آیا می‌شود در مسائل پزشکی از یک مرجع، و در موضوعات دیگر- مثل عبادات- از مرجع تقلید دیگری تقلید کرد؟

جواب: مانعی ندارد.

مسائل دیگر تقلید

سؤال ۱۸- آیا می‌شود به حرف مردم، که هرکس در مورد مطالب دینی نظری می‌دهد، گوش داد، و طبق آن عمل کرد؟

جواب: مسائل دینی را باید از مجتهدین و علمای دین فرا گرفت.

سؤال ۱۹- آیا نظر ولیّ فقیه در مسائل شرعی بر نظر سایر فقها ترجیح دارد؟ در این صورت، تکلیف مقلّد چیست؟

جواب: در مسائل مربوط به حکومت از نظر ولیّ فقیه، و در مسائل دیگر از نظر مرجع تقلید پیروی می‌شود.

سؤال ۲۰- اگر قاضی غیر مجتهد مأذون، که از جانب ولیّ فقیه به قضاوت منصوب شده، به هنگام صدور رأی (مثلًا در زمینهٔ حدود، قصاص، معاملات و مانند آن) متوجّه شود که مادّهٔ قانونی مربوطه (که مصوَّب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است) با فتوای مرجع تقلیدش متعارض است، (با توجّه به این که، اگر در این مواقع از صدور رأی خودداری کند، یا بدون توجّه به قانون مربوطه صرفاً با استناد به فتوای مرجع تقلیدش حکم دهد، قانوناً مرتکب تخلّف انتظامی شده) تکلیف او چیست؟

جواب: قوّهٔ قضائیّه باید این تضاد را حل کند، و این گونه پرونده‌ها را به دیگری ارجاع دهد؛ زیرا قاضی نمی‌تواند بر خلاف فتوای مرجع تقلیدش حکم کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰

سؤال ۲۱- خداوند بزرگ یکی است، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی، و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام هر کدام در زمان خود یکی بوده، و دستورات آنها نیز یکی بوده است. چرا در زمان فعلی نظر مراجع بزرگوار تقلید دربارهٔ موضوعات و مسائل دین متفاوت است، و هر یک از آنان دیدگاه خاصّی دارد؟

جواب: اوّلًا، مراجع تقلید در اصول مسائل یک فتوا دارند، و اگر اختلافی هست در جزئیّات است. ثانیاً، این اختلاف به خاطر دور ماندن ما از زمان حضرات معصومین علیهم السلام است؛ زیرا روایاتی که از آن بزرگواران نقل شده، به وسیلهٔ اشخاصی است که بعضی، آن اشخاص را افراد مطمئن، و بعضی ممکن است همهٔ آنها را مطمئن ندانند. البتّه مراجع نهایت کوشش خود را در شناخت آنان انجام می‌دهند، ولی ممکن است نظر همه یکسان نباشد. به علاوه فهم کلمات معصومین علیهم السلام با گذشت این همه زمان آسان نیست، و گاه در آن اختلاف نظر پیدا می‌شود. و این، رمز اختلاف فتاواست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱

فصل دوّم: احکام آبها

فاضلاب تصفیه شده

سؤال ۲۲- نظر جنابعالی در مورد آب به دست آمده از تصفیه خانهٔ فاضلاب، و استفاده از آن در مصارف گوناگون چیست؟ ضمناً آب تصفیه شده مراحل زیر را طی می‌کند.

۱- آشغالگیری: در این مرحله آشغالهای درشت از فاضلاب ورودی جدا می‌شود.

۲- دانه گیری: که در آن، ذرّات شن و ماسه و آشغالهای ریز گرفته می‌شود.
۳- استخرهای وسیع در اندازهٔ ۱۰۰* ۱۰۰ متر به تعداد ۵ عدد که پشت سر هم واقع شده، و فاضلاب به ترتیب در یک یک آنها وارد، و سپس خارج می‌شود. نهایتاً آب خروجی به طور تقریباً صاف از تصفیه خانه خارج می‌شود. در طول این مسیر، با انجام اعمالی، میکروبها فعّال شده، و فاضلاب را تجزیه نموده، و موادّ فاضلاب در پایان در استخرها ته‌نشین می‌شود، به گونه‌ای که آب خروجی، تقریباً صاف، ولی همراه با رنگ و بوی خیلی کم می‌باشد.
جواب: آبهای مزبور پاک نیست؛ ولی می‌توان برای زراعت و شرب حیوانات از آن استفاده کرد. شرح بیشتر در این باره را در پاسخ سؤال ۱۸ جلد دوّم همین کتاب مطالعه فرمایید.

آب مضاف

سؤال ۲۳- گاهی از اوقات آبی که از شیر خارج می‌شود، به علّت وجود کلر، یا
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲
چیزهایی دیگر، رنگ آب ندارد. آیا این آب مضاف به حساب می‌آید؟ آیا وضو با چنین آبی جایز است؟
جواب: چنین آبی مضاف نیست؛ و وضو با آن اشکالی ندارد.
سؤال ۲۴- آبی که با آن وضو گرفته، یا غسل مستحب یا واجبی کرده‌ایم، در ظرفی جمع شده است. آیا می‌توان از این آب مجدّداً برای تطهیر، یا وضو و حتّی غسل استفاده کرد؟
جواب: با آب وضو می‌توان وضو گرفت یا غسل کرد، ولی با آب غسل (البتّه منظور در اینجا آب قلیل است،) غسل و وضو اشکال دارد، ولی بدون شک انتخاب آبی که مورد استعمال واقع نشده، در هر حال بهتر است.
سؤال ۲۵- آیا استفاده از آبی که با نور آفتاب گرم شده، مطلقاً کراهت دارد؟
یعنی اگر سرد شود، یا با آب سردی مخلوط گردد، و خنک شود، آیا استفاده از آن برای وضو یا غسل یا آشامیدن، کراهت دارد؟
جواب: ظاهر روایات این است که کراهت تا زمانی است که حرارت آب وجود دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳

فصل سوّم: احکام نجاسات

[نجاسات]

۱ و ۲- بول و غائط

سؤال ۲۶- اگر آبی از محلّ دفع مدفوع انسان خارج شود، و بوی مدفوع هم ندهد، چه حکمی دارد؟ آیا وضو را باطل می‌کند؟
جواب: در فرض مسأله نجس نیست، و وضو را هم باطل نمی‌کند.
سؤال ۲۷- چنانچه بول یا غائط از محلّی غیر از محلّ متعارف آن خارج شود، چه حکمی دارد؟
جواب: احکام بول و غائط متعارف را دارد؛ مگر آن که رعایت این احکام موجب عسر و حرج شدید شود.

۳- مردار

سؤال ۲۸- اگر عضوی از بدن میّت غیر مسلمان، به بدن مسلمانی وصل شود، ولی روح در آن حلول نکند، لمس آن چه حکمی

دارد؟
جواب: چنانچه عرفاً جزء بدن کسی که به او پیوند زده شده محسوب شود، پاک است.
سؤال ۲۹- اگر چشم انسانِ مرده یا زنده، یا چشم حیوان نجس العین مرده یا زنده‌ای را به چشم شخص نابینا پیوند بزنند، چشم پیوندی و رطوبتی که از آن بیرون می‌آید چه حکمی دارد؟
جواب: هنگامی که پیوند گرفت، و آن عضو عملًا جزء بدن گیرنده شد، پاک است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴

۴- خون

سؤال ۳۰- سله‌ای که روی زخم می‌بندد، و خونریزی ندارد، چه حکمی دارد، آیا باید به هنگام غسل آن را برداشت؟
جواب: در صورتی که از حالت خون بیرون آمده، و با شستن زایل نمی‌شود، پاک است، و به همان حالت غسل می کند.
سؤال ۳۱- یونیت دندان پزشکی معمولًا متّصل به آب شهر است. با توجّه به این مطلب، ترشّحاتی که به هنگام ترمیم دندان از دهان خارج می‌شود، و غالباً با آب دهان، و موادّ مخصوص دندان پزشکی، و بخار و قطرات خون ملاقات کرده، و به بدن و لباس می‌ریزد، پاک است، یا نجس؟
جواب: چنانچه آبی که در دهان می‌ریزد متّصل به آب شهر باشد، و معلوم نباشد ترشّحات از آن آب است یا چیز دیگر، پاک است.

۵- کافر، و کسانی که در حکم کفّارند.

سؤال ۳۲- لطفاً در مورد اهل کتاب به سؤالات زیر پاسخ دهید:
الف) در خصوص ابزار و وسایل و ادوات و صنایع آنها چگونه باید عمل شود؟
جواب: در مواردی که معاشرت با آنها ضرورتی ندارد، از آنها پرهیز کنید. ولی برای کسانی که در بیرون کشورهای اسلامی، یا بعضی از مناطق داخل کشورهای اسلامی، ناچارند با آنها معاشرت داشته باشند، پرهیز لازم نیست.
ب) موادّ خوراکی و دارویی اهل کتاب چه حکمی دارد؟
جواب: استفاده از موادّی که احتمال دارد به وسیلهٔ کارخانه‌ها تولید شده، یا به وسیلهٔ ابزار و آلاتی، بدون دخالت دست، تهیّه شده باشد، یا احتمال دارد که با دستکش تهیّه کرده باشند، اشکالی ندارد، ولی از خوردن گوشتهای ذبح‌شدهٔ آنها حتماً پرهیز کنید.
ج) صید و ذبیحهٔ آنان چگونه است؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد؛ ولی اگر ماهی را زنده از آب بگیرند، حلال است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵
د) ورود اهل کتاب به اماکن مقدّسه- مانند مکّهٔ مکرّمه، مدینهٔ منوّره، حرم أئمّه علیهم السلام، مساجد و مانند آن- چه حکمی دارد؟
جواب: در مواردی که باعث هتک و بی‌احترامی این مراکز شود، حرام است.
ه) دفن اهل کتاب در بلاد اسلامی و قبرستان مسلمانان چطور است؟
جواب: اشکال دارد.
و) آیا شهدای اهل کتاب در حکم شهیدند؟

جواب: اگر در راه اسلام و کشورهای اسلامی شهید شوند، نزد خدا مأجور هستند؛ امّا چگونگی آن اجر الهی نزد ما روشن نیست.

ز) پیوند اعضای اهل کتاب به مؤمنان و عکس آن، چه حکمی دارد؟

جواب: پیوند اعضای مؤمن به کافر و بالعکس اشکالی ندارد.

ح) آیا درمان بیماران اهل کتاب و استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی آنان جایز است؟

جواب: مانعی ندارد؛ مگر در مواردی که آنها بر ضدّ مسلمین سوء استفاده کنند.

ط) نماز در معابد اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

ی) آیا استفاده از لباس و ظروف اهل کتاب جایز است؟

جواب: در صورتی که علم به نجاست آن نباشد، اشکالی ندارد. و اگر یقین به نجاست آن دارید باید آب بکشید.

ک) غسل دادن میّت مسلمان توسّط اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در صورت ضرورت جایز است.

ل) آیا ازدواج با اهل کتاب جایز است؟

جواب: ازدواج موقّت اشکالی ندارد؛ ولی ازدواج دائم اشکال دارد.

م) آیا پرداخت نفقهٔ همسر، اگر از اهل کتاب باشد، لازم است؟

جواب: با توجّه به این که ازدواج موقّت نفقه ندارد، جواب این سؤال معلوم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶

۶- سگ

سؤال ۳۳- گاه برخی حیوانات غیر معمول را برای معاینه نزد دامپزشکان می‌آورند، که از نظر نجاست و پاکی مورد سؤال است، از جمله نژادهای مخلوطی که از اختلاط گرگ و سگ ایجاد شده است. با توجّه به پاک بودن گرگ، این حیوان که شباهت زیادی به گرگ دارد، از نظر نجاست و پاکی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که شباهت آن به گرگ زیادتر باشد، پاک است.

سؤال ۳۴- همراه داشتن سگ در ماشین و خیابان، و نگهداری آن در خانه، که نوعی تقلید از بیگانگان است، چه صورت دارد؟

جواب: این کارها شایستهٔ مسلمانان با شخصیّت نیست، و از جهات شرعی مشکلات زیادی ایجاد می کند.

سؤال ۳۵- آیا در نجاست به سبب تماسِ مستقیم جایی از بدن انسان با سگ، نیز سرایت شرط است؟

جواب: آری سرایت از طریق رطوبت شرط است.

۷- شراب و سایر مسکرات

سؤال ۳۶- آیا رفتن به مجالسی که در آن مشروبات الکلی مصرف و موسیقی پخش می‌شود، جایز است؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۷- شخصی قبل از تشرّف به اسلام مشروبات الکلی می‌فروخته، و از در آمد آن به پدر و مادرش کمک می کرده است. حال که مسلمان شده، آیا می‌تواند به کار مذکور ادامه دهد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۳۸- آیا برای زن مسلمان جایز است مشروب روی میز غذاخوری بگذارد، تا کسانی که آن را حلال می‌دانند مصرف کنند؟
جواب: جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.
سؤال ۳۹- یک واحد تولیدی در نظر دارد نسبت به تولید ماء الشعیر از موادّ اوّلیّه
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷
عصاره یا پودر وارداتی اقدام نماید. با توجّه به این که در مراحل تهیّهٔ موادّ اوّلیّهٔ فوق، این احتمال وجود دارد که اوّل الکل وجود داشته، و بعداً طیّ مراحلی الکل آن گرفته شده، آیا تولید ماء الشعیر از موادّ فوق جایز می‌باشد؟
جواب: هرگاه وجود الکل در آن در مراحل اوّلیّه باشد، (به این معنا که نخست مبدّل به یک مایع مست‌کننده شود، سپس الکل آن را با حرارت یا مانند آن بگیرند) اشکال دارد. و اگر چنین نیست، یا مست‌کننده بودن آن مشکوک است، مانعی ندارد.

وسواس

سؤال ۴۰- مشکل اصلی من دیوار خانه و شستن بچّه‌ام می‌باشد، زیرا دستمالی را که نجس بود روی لبهٔ دیوار که رنگ روغن شده گذاشتم. البتّه عین نجس روی دیوار ریخته نشد، ولی رطوبت دستمال با دیوار ارتباط داشت. و چون بچّه‌ام به تازگی چهار دست و پا راه می‌رود، و دستهایش را مرتّب به دیوارها می‌زند، من مرتّب دستهایش را آب می‌کشم، و این مرا آزار می‌دهد. لطفاً به سؤالهای زیر پاسخ دهید، تا ان شاء اللّه نجات یابم.
۱) راههای سرایت نجاست را خوانده‌ام، ولی نمی‌دانم منظور از رطوبت کم و غیر مسری چقدر است؟ خواهش می‌کنم توضیح دهید.
جواب: شما بی‌شک گرفتار وسواس شده‌اید، و اگر به دستوراتی که می‌دهیم عمل کنید بزودی نجات خواهید یافت، و الّا مشکلات شما زیاد خواهد شد.
ابتدا پاسخ سؤالهای شما، و بعد یک دستور کلّی:
منظور از رطوبت برای سرایت این است که وقتی دست خشک بر آن شیء مرطوب بگذارد، انسان به آسانی آثار تری را ببیند.
۲) آیا دیوارهای خانه بخاطر مسأله‌ای که پیش آمده نجس است؟
جواب: دیوارهای خانه به صورتی که نوشته‌اید کاملًا پاک است.
۳) ظرفی که زیر شیر (منظور آب لوله‌کشی) گذاشته می‌شود، حتّی اگر سر نرود آیا حکم آب کر را دارد؟ آیا می‌توان لباس نجس را در آن آب کشید؟
جواب: ظرفی که زیر آب لوله‌کشی است حکم آب کر دارد؛ پر باشد، یا خالی.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸
۴) اگر جایی مثل دستهٔ در، سردی آن احساس شود، آیا نجاست با دست خشک به آن منتقل می‌گردد؟
جواب: سردی دستهٔ در هیچ ارتباطی به رطوبت ندارد، و نجاست به آن منتقل نمی‌شود، و این سؤال دلیل وسواسی بودن شماست.
و امّا دستور کلّی:
وسواسی بودن شما به علّت ندانستن مسائل است. اگر مسائل را درست، یاد بگیرید، راحت می‌شوید. مسألهٔ مهم این است که علم و یقین وسواسی نه ملاک نجاست است، نه ملاک طهارت؛ و به عبارت واضح‌تر، باید ببینید افراد عادی متدیّن چه موقع علم به نجاست پیدا می‌کنند، و چه موقع علم به طهارت، به همان مقدار قناعت کنید، و اگر قلب شما راضی نشد به آن اعتنا نکنید، و مسئولیّت آن را به عهدهٔ ما بگذارید. به شک و تردید اعتنا نکنید، حتّی کف توالت مادامی که با چشم خود نجاستی در آن نبینید

بگویید پاک است؛ کوچه‌ها، خیابانها، مغازه‌ها همه پاک است. اتومبیل‌های عمومی، صندلی‌ها و دستهٔ درهای آنها پاک است، حمّام مادامی که چیز نجسی به یقین در آن نباشد پاک است. تمام مسلمانها و بچّه‌های آنها مادامی که نتوانید قسم به نجس بودن آنها بخورید پاک هستند. وظیفهٔ شرعی شما این است که به آنچه گفته‌ایم عمل کنید، و بعد از یک هفته آثار مثبت آن را خواهید دید.

مسائل متفرّقهٔ نجاسات

سؤال ۴۱- آیا استفراغ نجس است؟ آیا تفاوتی بین استفراغ بزرگ‌سالان و اطفال هست؟

جواب: استفراغ نجس نیست؛ مگر این که بدانید خونی همراه آن است. و فرقی بین بچّه و بزرگ، دختر یا پسر نمی‌باشد.

سؤال ۴۲- هنگامی که مادر به بچّه شیر می‌دهد قطراتی از شیر به زمین، یا جای دیگر می‌ریزد، آیا زمین، یا آن شیء، نجس می‌شود؟!

جواب: در صورتی که لباسهای بچّه نجس نباشد، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹

فصل چهارم: احکام مطهّرات

۱- استحاله

سؤال ۴۳- مادّهٔ کلاژین که در ساختمان استخوان، زرد پی، رباط، پوست و جلد حیوانات قرار دارد، به خودی خود و در ساختار طبیعی‌اش دارای پروتئینهای فراوانی است، که تحصیل این پروتئینها جز با به جوش آوردن آن در آب ممکن نیست. با حرارت مخصوص و قلیایی، یا اسیدی نمودن کلاژین، و انجام فعل و انفعالات مختلف، در نهایت این پروتئینها تبدیل به «ژلاتین» که یک مادّهٔ بدون طعم، بو، رنگ ولی مقوّی است می‌شود، و پس از ترکیب این مادّه با اسانسهای مختلفِ میوه‌ای، رنگهای خوراکی، و شکر به صورت مادّهٔ خوراکی در آمده، و در ساخت شکلات، کاکائو، شیرینی، بستنی، بیسکویت و مانند آن استفاده می‌شود.

در اغلب موارد «ژلاتین» از «کلاژین» های موجود در ساختمان بدن گاو یا گوسفند، که بهترین نوع آن می‌باشد، اخذ می‌شود، ولی ممکن است این عمل از ساختمان بدن حیوانات حرام گوشت، یا حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده باشند، نیز انجام پذیرد. با توجّه به استحاله شدن کلاژین و تبدیل آن به محصول جدیدی به نام ژلاتین، و این که امروزه این مادّه در اکثر موادّ خوراکی مورد مصرف جهانیان موجود است، آیا فرقی بین حیوانات حلال گوشت، یا حرام گوشت، و ذبح شرعی شده، یا ذبح شرعی نشده وجود دارد؟

جواب: اوّلًا: در موارد مشکوک که نمی‌دانید از چه مادّه‌ای گرفته شده، حکم حلّیّت و طهارت است، و جستجو لازم نیست. ثانیاً: اگر یقین داشته باشید از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰

حیوان حرام گوشت، یا حیواناتی که ذبح شرعی نشده‌اند گرفته شده، هرگاه تغییرات زیادی روی آن داده می‌شود تا بصورت فعلی درآید، حکم استحاله را دارد، و پاک و حلال است. در غیر این صورت خوردن آن حرام است؛ مگر در موارد ضرورت.

۲- ثلثان

سؤال ۴۴- در روستای ما شیرهٔ انگور را به طریق زیر تهیّه می کنند:
«ابتدا انگورها را می‌چینند، و در حوضهای مخصوص ریخته، و می‌شویند. سپس انگورها را لِه کرده و آب آن را می گیرند. پس از آن، خاک مخصوصی با آن مخلوط کرده، و آن را رها می کنند، تا ته‌نشین شود. آنگاه آب انگور را در ظرفهای مخصوص بزرگی می‌ریزند، و آن را به وسیلهٔ آتش می‌جوشانند، تا ۱۳ یا ۱۴ آن تبخیر شود. سپس باقیماندهٔ آن را در ظرفهای کوچکتر ریخته و در آفتاب قرار می‌دهند، تا دو ثلث، یا بیشتر آن، تبخیر شود، در حدّی که سفت می‌شود.» با توجّه به توضیحات بالا لطفاً بفرمایید:
۱- آیا خوردن شیره‌ای که به این طریق به دست آمده حلال است؟ و بر فرض حرمت، آیا نجس هم می‌باشد؟ وظیفهٔ کسانی که سالهای متمادی به این طریق، شیره تهیّه کرده، و خود مصرف نموده، و مقدار زیادی از آن را به فروش رسانده‌اند، چیست؟
جواب: چنین شیره‌ای نجس نیست؛ ولی خوردن و معاملهٔ آن اشکال دارد. باید آن را با آتش ثلثان کنند.
۲- در صورتی که آن قدر آب انگور را بجوشانند تا دو ثلث آن با آتش کم شود، سپس جهت سفت شدن آن را در آفتاب قرار دهند، حکم آن چیست؟
جواب: هیچ اشکالی ندارد.
۳- آیا استحالهٔ «آب انگور» به «شیرهٔ انگور» باعث حلّیّت می‌شود؟
جواب: این موضوع داخل در عنوان استحاله نیست.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱

فصل پنجم: احکام وضو

طریقهٔ وضو گرفتن

سؤال ۴۵- دست چپ من نرسیده به آرنج قطع می‌باشد. این موضوع هنگام وضو مرا آزار می‌دهد، و همواره در صحّت وضویم شک و تردید دارم. لطفاً نحوهٔ وضو گرفتن را با نداشتن دست چپ برای بنده توضیح دهید.
جواب: وضو گرفتن برای شما کار مشکلی نیست؛ صورت را با دست راست می‌شویید، سپس دست راست را زیر شیر آب می گیرید، به طوری که آب همهٔ آن را فراگیرد، و با دست راست باقیمانده دست چپ را می‌شویید، سپس سر و هر دو پا را با آن مسح می کنید. و اگر شیر آب وجود نداشته باشد، و بخواهید با آب قلیل وضو بگیرد، کافی است یک نفر کف دست شما آب بریزد، و شما صورت خود را بشویید، و بعد یک لیوان آب بر روی دست شما از بالا به پایین بریزد، و شما نیّت وضو می کنید، و سپس سر و پاها را مسح می کنید.
سؤال ۴۶- فردی که دستهایش دچار لرزه و رعشه مداوم است، و بی‌اختیار تکان می‌خورد، تکلیف او برای وضو چیست؟
جواب: در صورتی که می‌تواند دستش را حرکت بدهد، وضو گرفتن اشکال ندارد. منتها نیّتش این باشد که حرکاتی که از بالا به پایین است جزء وضو باشد، و عکس آن جزء وضو نباشد.
سؤال ۴۷- شخصی که هر دو دست او فاقد حسّ و حرکت است، به طوری که نمی‌تواند هنگام وضو دستها و صورت را آب بکشد، و قادر بر مسح سر و پاها نیز نمی‌باشد، برای وضو چگونه باید عمل کند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲
جواب: از کسی کمک می گیرد که او را وضو دهد. و اگر وضو گرفتن برای او شاقّ است، با کمک کسی تیمّم می کند. و اگر دسترسی به کسی نبود، با همان حال نماز می‌خواند.

سؤال ۴۸- فردی که از کمر قطع نخاع شده، فقط بعضی از اعمال را شخصاً می‌تواند انجام دهد. آیا برای قسمتی از اعمال که انجام دادنش مشقّت دارد، می‌تواند از کسی کمک بگیرد؟

جواب: آری، مانعی ندارد.

سؤال ۴۹- جانبازی هستم که بر اثر جراحت وارده، دستانم هیچ گونه حسّ و حرکتی ندارد، تکلیف این جانب برای وضو چه می‌باشد؟

جواب: صورت را زیر شیر آب می‌گیرید، و همچنین اگر می‌توانید دست‌ها را زیر شیر آب می‌گیرید، و اگر این کار هم مشکل است، نائب بگیرید. و اگر نائب گرفتن هم میسّر نیست یا مشکل است، همان مقدار که می‌توانید کافی است.

افعال وضو

اشاره

سؤال ۵۰- اگر یک دست جانبازی قطع شده، و به خاطر حسّاسیّت مقداری از دست خود را بانـدپیچی کرده باشد، چگونه وضو بگیرد؟

جواب: با دست دیگر صورت را می‌شوید، و یا صورت را زیر شیر آب می‌گیرد، و آن قسمت که باندپیچی شده مانند جبیره دست روی آن می‌کشد.

سؤال ۵۱- فردی هستم که دو دستم قطع شده، و بجای آن دست مصنوعی می‌بندم، و به هنگام وضو در آوردن دستهای مصنوعی برایم مشکل است. چه کنم؟

جواب: در صورتی که واقعاً در آوردن دست مصنوعی برای شما موجب عسر و حرج می‌شود، شستن صورت زیر شیر آب و در صورت امکان مسح سر و پاها با دست مصنوعی از باقیماندهٔ آب صورت کافی است.

سؤال ۵۲- آیا برای جانبازی که دو دستش از آرنج قطع شده، شستن صورت لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳

جواب: آری لازم است. و چنانچه بتوانـد، با باقیماندهٔ دست (و اگر میسّر نشد با دست مصنوعی) سر و پاها را با آب صورت مسح می‌کشد.

سؤال ۵۳- آیا شستن باقیماندهٔ دستها برای جانبازی که دو دستش از آرنج قطع شده در وقت وضو لازم است؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۵۴- جانبازی هستم که بر اثر انفجار مین دو دستم از کتف قطع شده است.

تکلیف من برای وضو چیست؟

جواب: اگر می‌توانید باید صورتتان را به قصد وضو زیر شیر آب بگیرید، و از کسی کمک بگیرید تا با آب صورت، سر و پای شما را مسح کند. و اگر گرفتن کمک مشکل باشد، به همان شستن صورت قناعت کنید.

سؤال ۵۵- وضو گرفتن برای افرادی که از کمر قطع نخاع می‌باشند، ولی دستهایشان را می‌توانند حرکت دهند، چگونه است؟

جواب: آن مقدار که می‌توانند وضو بگیرند.

سؤال ۵۶- نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع، که دستهایش بی‌حس است و حرکتی ندارد، از دستهای خود کمک می‌گیرد. آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازهٔ فاصلهٔ انگشت شصت و انگشت وسط دست خود، صورت آن فرد

را وضو دهد؟ یا باید مقدار بیشتری از صورت او را بشوید؟

جواب: احتیاط آن است که مقدار فاصله دست او را در نظر بگیرد.

سؤال ۵۷- فردی نابینا هستم، گاهی از اوقات برای وضو در هنگام شستن دست یا صورت ناخودآگاه دوباره دستانم به زیر شیر آب می‌رود، و خیس می‌شود. آیا این کار هم یک بار شستن به حساب می‌آید؟

جواب: این، شستن جداگانه‌ای محسوب نمی‌شود. قصد کنید همه به نیّت یک بار شستن باشد.

سؤال ۵۸- دو دستم در جنگ تحمیلی از مچ قطع شده است. هنگام شستن پهنای صورت، که باید مقدار بین انگشت وسط و شصت شسته شود، وظیفهٔ من

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴

چیست؟ چه مقداری از صورت را باید بشویم؟

جواب: به همان مقدار که دیگران می‌شویند، یا قبلًا خودتان می‌شسته‌اید، بشویید.

سؤال ۵۹- جانبازی هستم که به دلیل قطع دو دست، مجبورم برای شستن صورت آن را زیر شیر آب بگیرم، و سپس صورت را دست می‌کشم تا آب به آن برسد، آیا این مقدار کفایت می‌کند؟

جواب: آری کافی است.

سؤال ۶۰- در هنگام وضو به علّت قطع دو دست، گاه از پایین به بالا- شسته می‌شود. آیا خللی بر وضو وارد می‌شود؟ تکلیف نمازهای قبلی چیست؟

جواب: با توجّه به این که آنچه از پایین به بالا شسته می‌شود در نیّت شما نیست، و سپس آن را از بالا به پایین می‌شویید، ضرری به وضوی شما نمی‌زند.

سؤال ۶۱- برادر جانبازی است که در جنگ تحمیلی دستانش از آرنج قطع شده، و نمی‌تواند با باقیماندهٔ دستها هر دو طرف صورت را بشوید. آیا مجاز است طرف چپ صورت را با بازوی دست چپ، و طرف راست صورت را با بازوی دست راست بشوید؟

جواب: شستن صورت به هر طریق جایز است.

مسح

سؤال ۶۲- آیا فردی که دستش از مچ قطع شده، می‌تواند با دست مصنوعی مسح کند؟

جواب: احتیاط آن است که با ذراع خود مسح بکشد.

سؤال ۶۳- وظیفهٔ شخصی که زخم یا دمل یا شکستگی، در سر یا پاهایش دارد، و روی آن باز است، و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چیست؟

جواب: هرگاه چیزی از پشتِ پا، یا پیشِ سر، برای مسح کردن- و لو به اندازهٔ یک انگشت- سالم باشد، بر آن مسح می‌کند. و اگر نباشد، جبیره‌ای بر آن می‌گذارد، و وضوی جبیره‌ای می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵

مسح سر

سؤال ۶۴- شخصی که روی سرش موی مصنوعی می‌گذارد، و در صورتی که نگذارد دچار مشکل می‌گردد، آیا مسح بر آن موها جایز است؟

جواب: هرگاه نتواند آب را به پوست سر برساند، بر همان موها مسح می‌کند. و احتیاط آن است که تیمّم هم بکند.
سؤال ۶۵- آیا می‌توان مسح سر را با رطوبت دست چپ (همانند دست راست) انجام داد؟ و آیا مسح سر از پایین به بالا جایز است؟
جواب: در صورتی که با دست راست نتواند، با دست چپ مسح می‌کند. و از پایین به بالا اشکالی ندارد.
سؤال ۶۶- آیا در مسح سر کافی است که موی سر مرطوب گردد، یا لازم است رطوبت دست به پوست سر برسد؟ و اگر شخصی از موی مصنوعی استفاده کند، چگونه مسح کند؟
جواب: کافی است که موی پیش سر مرطوب شود، و رساندن آب به پوست سر لازم نیست. و در مورد موی مصنوعی هرگاه به صورت کاشتن باشد باید فرق خود را باز کند، و آب را به پوست سر برساند. و اگر به صورت کلاه باشد، و برداشتن آن ممکن نشود یا مشکل باشد، بر آن مسح نموده، احتیاطاً تیمّم هم کند.
سؤال ۶۷- فردی هستم قطع نخاع، که دستهایم بی‌اراده تکان می‌خورد. هنگام مسح سر، یا پا، قبل از آن که بخواهم مسح کنم دستم بی‌اختیار به سر، یا پایم کشیده می‌شود؛ آیا می‌توانم روی همان خیسی سر یا پا مسح نمایم، یا باید محلّ مسح را خشک کنم؟
جواب: اگر خشک کردن محلّ مسح مشکل زیادی ندارد خشک کنید. و الّا، می‌توانید به همان صورت مسح کنید.
سؤال ۶۸- جانبازی هستم که دو دستم قطع شده، و با باقیماندهٔ دستهایم سر و پایم را مسح می‌کنم، ولی به دلیل کوتاهی دست، آب وضویی که بر روی دستها مانده به قدری نیست که بتوان مسح سر و پا را کاملًا انجام داد، تکلیف چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶
جواب: می‌توانید از بقیّهٔ اعضای وضو آب بگیرید.
سؤال ۶۹- آیا برای کسی که دو دستش قطع شده، و به هیچ وجه نمی‌تواند مسح بکشد، مسح سر لازم است؟ مسح پا چطور؟
جواب: اگر بتواند بدون مشقّت نائب بگیرد، سر را مسح می‌کند. و الّا از او ساقط است.
سؤال ۷۰- آیا مسح سر و پا را از پایین به بالا قبول دارید؟ (یا از بالا به پایین)
جواب: در مسح سر هر دو صورت جایز است؛ ولی در مسح پا، از سر انگشتان به بالا باید کشید.
سؤال ۷۱- فردی هستم قطع نخاع که با دستهایم به سختی می‌توانم مسح بکشم، امّا هنگام مسح کشیدن آب شره می‌کند، و از روی موها به صورتم می‌ریزد.
آیا وضوی من صحیح است؟ اگر صحیح نیست، تکلیفم چیست؟
جواب: رسیدن آب سر به صورت اشکالی برای وضو ندارد؛ ولی دست را به آب صورت نرسانید.
سؤال ۷۲- این جانب به علّت ترمیم موی سر، جهت مسح سر دچار تردید می‌باشم، زیرا موهای ترمیم شده طوری است که در هر وضو، امکان بازشدن ندارد.
در این مورد راهنمایی فرمایید.
جواب: در صورتی که از این نظر ضرورتی احساس کنید، می‌توانید همان مو را مسح کنید.

مسح پا

سؤال ۷۳- پاهایم به گونه‌ای دچار آسیب شده که دائماً باید کفشهای طبّی به پا داشته باشم، و بیرون آوردن کفشها برای مسح پا، بالاخص خارج از منزل، بسیار مشقّت دارد. وظیفه‌ام چیست؟
جواب: در فرض مسأله می‌توانید روی کفش مسح کنید. و اگر به زحمت نمی‌افتید، احتیاط آن است که تیمّم را هم اضافه نمایید.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷

سؤال ۷۴- فردی هستم که پایم قطع شده، و لذا از پای مصنوعی استفاده می‌کنم. آیا به هنگام مسح پا لازم است روی پای مصنوعی را مسح بکنم، یا نیازی نیست؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۷۵- اگر کسی پایش دچار شکستگی شده، و روی آن را گچ گرفته باشد.

برای مسح پا چه کند؟

جواب: روی گچ مسح کند، و اگر به زحمت نمی‌افتد تیمّم هم نماید.

سؤال ۷۶- پاهایم دچار زخم و جراحت شده، و آن را با باند پانسمان کرده‌ام.

برای مسح پا تکلیفم چیست؟

جواب: مانند مسأله بالا عمل کنید.

سؤال ۷۷- انگشت شصتِ پا، و چند انگشت دیگرم قطع شده است. برای کشیدن مسح پا چه کنم؟

جواب: مسح را روی بقیّهٔ پا می‌کشید.

سؤال ۷۸- در دوران دفاع مقدّس پایم قطع شده است، چگونه مسح بکشم؟

جواب: اگر از مچ پا قطع شده مسح ساقط است، ولی احتیاط آن است که روی ساق پا را مسح کنید. و اگر از بالاتر است، مسح از شما ساقط است.

سؤال ۷۹- پایم از مچ به پایین در جنگ تحمیلی قطع شده، و فقط بخش کوچکی از روی پا باقی مانده است. آیا برای مسح پا لازم است روی این قسمت را مسح کنم، یا نیازی نیست؟

جواب: کافی است همان قسمت را مسح کنید.

سؤال ۸۰- فردی هستم که پای راستم قطع شده است. آیا در هنگام وضو، برای کشیدن مسح، فقط مسح پای چپ کافی است، یا کار دیگری باید انجام بدهم؟

جواب: مسح پای چپ کافی است. ولی اگر ساق پای راست مانده باشد، احتیاط آن است که بر ساق پای راست نیز مسح کنید.

سؤال ۸۱- به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طبّی و عصای چوبی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸

راه می‌روم. از آنجا که بیرون آوردن بوت (کفش) در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی من در ارتباط با مسح پاها چیست؟

جواب: کافی است که روی همان کفش مسح کنید، و احتیاطاً تیمّم هم بنمایید.

سؤال ۸۲- آیا برای فردی که دو دستش قطع شده، جایز است که با باقیماندهٔ دست، روی قسمت باریکی از پا مسح بکشد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳- گاه به هنگام مسح پا، به دلیل این که دو دستم قطع شده، ناخودآگاه بقیّهٔ دستم به قسمت‌های بالاتر از پا که هنوز مسح نشده برخورد کرده، و آن را خیس می‌کند. آیا وضوی بنده در این حالت صحیح است؟

جواب: در صورتی که محلّ مسح خشک باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۴- از آنجا که دستهایم قطع شده، در آوردن و سپس پوشیدن جوراب برایم سخت است. آیا می‌توانم بر روی جوراب مسح بکشم؟

جواب: در صورتی که گرفتار زحمت می‌شوید، مسح بر جوراب مانعی ندارد.

سؤال ۸۵- اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد، آیا مسح پای راست، از او ساقط می گردد؟

جواب: با دست چپ مسح می کند.

سؤال ۸۶- کسی که قادر بر وضو نیست، نایب گرفته، و خودش نیّت وضو نموده، و با دست خود مسح می کند، و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می کند، و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می‌دهد. اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: نائب با دست خود از آب وضوی او گرفته و مسح می کند. و اگر پیدا کردن نائب مشکل باشد، مسح از او ساقط است.

سؤال ۸۷- فردی هستم قطع نخاع که در هنگام وضو گرفتن آب روی پاهایم می‌چکد. آیا برای مسح پا باید نایب بگیرم تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد چه کنم؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برایم مشقّت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹

جواب: در صورتی که مشقّت دارد، خشک کردن آن لازم نیست.

سؤال ۸۸- فردی هستم قطع نخاع که برای مسح پا تنها می‌توانم با پشت انگشتان دستم مسح بکشم. آیا این کار صحیح است؟

جواب: همین مقدار برای شما کافی است.

سؤال ۸۹- فردی هستم قطع نخاع که اگر بخواهم خودم مسح کنم، از بالا به پایین و به طرف نوک انگشتان مسح کشیده می‌شود. آیا کافی است، یا باید نایب بگیرم؟

جواب: خودتان مسح بکشید مقدّم است.

سؤال ۹۰- از جانبازان دفاع مقدّس هستم. خودم می‌توانم وضو بگیرم، امّا برای کشیدن مسح پا در آوردن کفش یا جوراب برایم مشقّت دارد، و کمک گرفتن از دیگران برایم سخت است. آیا می‌توانم از روی کفش مسح بکشم؟ از روی جوراب چطور؟

جواب: در صورتی که واقعاً مشقّت دارد، می‌توانید از روی جوراب یا کفش مسح بکشید.

شرایط وضو

سؤال ۹۱- اگر با حولهٔ متعلّق به دیگری دست خود را که وضو گرفته‌ایم خشک کنیم، وضوی ما در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

۱- اگر بدانیم راضی نیست.

۲- چنانچه ندانیم راضی هست یا نه؟

۳- هرگاه پس از خشک کردن متوجّه شویم، و اطّلاع دادن به او موجب مفسده شود.

جواب: این امور هیچ تأثیری در وضو ندارد؛ ولی بدون احراز رضایت، نباید در مال دیگری تصرّف کرد.

سؤال ۹۲- بعضی اوقات به هنگام وضو از بینی‌ام خون می‌آید. آیا وضویم باطل می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰

جواب: هرگاه صورت خود را شسته باشید، آمدن خون از بینی، وضو را باطل نمی‌کند.

سؤال ۹۳- فردی نابینا هستم. پس از وضو متوجّه شدم که در قسمتی از بدنم، غیر از اعضای وضو، خون یا نجاستی وجود دارد، که به هنگام وضو متوجّه آن نبودم.

وضو و نمازهایی که با آن خوانده‌ام چه حکمی دارد؟

جواب: ضرری به وضوی شما نمی‌زند. و نمازهایی که با آن خوانده‌اید اشکالی ندارد.

سؤال ۹۴- یکی از شرایط وضو آن است که مکلّف وقت کافی برای گرفتن وضو و خواندن نماز داشته باشد. حال اگر فردی نابینا باشد، و نداند که وقت کافی برای کارهای مذکور دارد یا نه، تکلیف او چیست؟

جواب: چنین کسی باید وضو بگیرد؛ مگر این که خوف این داشته باشد که وقت تنگ است و به نماز نمی‌رسد، در این صورت تیمّم می کند.

سؤال ۹۵- فردی هستم قطع نخاع از گردن که بناچار نایب مرا وضو می‌دهد.

بعضی از اوقات وضو دادن من طول می کشد، و به همین خاطر بعضی از اعضای وضو مانند دست یا صورت خشک می‌شود. آیا در وضو خللی وارد می‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۶- با توجّه به این که دو دستم قطع می‌باشد، زمان زیادی طول می کشد تا تک تک اعضا را وضو بدهم. آیا وضویم باطل است؟

جواب: برای شما اشکالی ندارد.

سؤال ۹۷- آیا حرکات غیر ارادی اعضای وضو در افرادی که معلولیّت جسمی دارند، به هنگام وضو یا مسح کشیدن، وضو را دچار اشکال می کند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۸- اگر نایب بخواهد فرد وضوگیرنده را وضو دهد، احتمال آن می‌رود که طول بکشد و اعضای وضو خشک شود، آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱

جواب: در صورتی که وضو پی‌درپی باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۹- از جانبازان جنگ تحمیلی هستم. آیا جایز است که در هنگام وضو بعضی از اعضا را وضو دهم، و برای بعضی دیگر (مثلًا مسح پا یا سر) مسافتی را طی نموده، آنگاه وضو را ادامه دهم؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰- بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیر بالغ باشد؟ بچّهٔ غیر ممیّز چطور؟ در هر دو صورت نیّت وضو بر عهدهٔ کیست؟

جواب: بهتر این است از افراد بالغ، در صورتی که میسّر باشد، استفاده کنند. و در هر حال باید شخص وضوگیرنده نیّت کند.

سؤال ۱۰۱- فردی هستم قطع نخاع که اگر برای وضو نایب بگیرم، وضو به شکل صحیح انجام می‌شود؛ امّا اگر خودم وضو بگیرم، در بعضی از اعضا به جای آن که آب از بالا- به پایین ریخته شود، عضو از پایین به بالا- شسته می‌شود. نایب بگیرم بهتر است، یا خودم انجام دهم؟

جواب: در صورتی که گرفتن نایب بدون مشقّت ممکن باشد مقدّم است، و الّا خودتان وضو بگیرید.

سؤال ۱۰۲- فردی هستم قطع نخاع از گردن، که برای وضو نایب می گیرم. نایبِ مرد در دسترس نیست، ولی زن نامحرم حاضر است. تکلیف من چیست؟

جواب: در صورتی که زن نامحرم آب به روی صورت و دست‌های شما بریزد مانعی ندارد، ولی واضح است دست کشیدن جایز نیست. و اگر بدون دست کشیدن میسّر نباشد، به مقداری که میسّر است عمل کنید.

سؤال ۱۰۳- جانبازی هستم که هنگام وضو گرفتن احیاناً دستم طوری قرار می گیرد که آب وضو به طرف بالا سرازیر می‌شود، آیا

اشکالی در وضو ایجاد می‌شود؟

جواب: هرگاه از بالا به پایین دست بکشید اشکالی ندارد، هر چند آب بدون این که شما نیّت کرده باشید به بالا حرکت کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲

سؤال ۱۰۴- آیا لازم است مکلّف برای وضو، نایب را راضی کند؟ این در حالی است که او حقوق خود را جهت پرستاری از جانباز دریافت می‌کند، ولی برای وضو دادن اکراه دارد، و دستمزد بیشتری می‌طلبد.

جواب: در صورتی که وضو دادن جزء وظایف او در برابر حقوقش باشد، رضایت او شرط نیست.

سؤال ۱۰۵- جانباز قطع نخاع از گردن، خودش نمی‌تواند وضو بگیرد، و باید نایب داشته باشد. آیا می‌تواند برای راضی کردن نایب به او دستمزد بدهد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۶- آیا فردی که از گردن قطع نخاع است، و خود قادر بر انجام وضو نیست، ولی می‌تواند نایب بگیرد، جایز است بدون وضو نماز بخواند؟

جواب: در صورتی که خودش قادر به وضو نیست، و گرفتن نایب برای او عسر و حرج ندارد، باید نایب بگیرد. در غیر این صورت، بدون وضو نماز می‌خواند.

سؤال ۱۰۷- فردی هستم قطع نخاع از گردن که همیشه نایب مرا وضو می‌دهد. اگر نایب از منزل بیرون رود، و تا پایان وقت برنگردد، تکلیفم چیست؟ آیا وضو از من ساقط می‌شود؟

جواب: آری در این صورت بدون وضو نماز بخوانید.

سؤال ۱۰۸- چشمهایم در جبهه آسیب‌دیده است. لذا وضو گرفتن همواره برای من مشکل ایجاد می‌کند، امّا من هیچ‌گاه توجّه نمی‌کنم و این سختی را تحمّل کرده و وضو می‌گیرم؛ هر چند گاهی باعث می‌شود که ترشّح چشمانم زیادتر شود. آیا وضوی من اشکالی دارد؟ آیا نمازهایی که با آن خوانده‌ام دچار مشکل است؟

جواب: در صورتی که رساندن آب به آن ضرر داشته باشد، تیمّم کنید.

سؤال ۱۰۹- به توصیهٔ چشم پزشک در چشمم قطره ریخته‌ام. اگر وضو بگیرم، قطرهٔ چشمهایم شسته می‌شود. و این در حالی است که وقت نماز اندک است، در این حالت چه کنم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳

جواب: می‌توانید وضو بگیرید، و اگر قطره شسته شد بار دیگر قطره بریزید.

مگر این که ضرر داشته باشد.

سؤال ۱۱۰- آیا وجود چربی طبیعی، که در موهای سر و روی پوست بدن است، و از غدّه‌های زیر پوست ترشّح می‌شود، برای وضو و غسل، مانع محسوب می‌شود؟

جواب: این مقدار چربی، که در موها و بدن وجود دارد، معمولًا مانع از وضو و غسل نیست.

سؤال ۱۱۱- آیا با انگشتر می‌توان وضو یا غسل انجام داد؟

جواب: در صورتی که آب زیر آن برود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۲- دو دست یکی از برادران جانباز بر اثر انفجار از مچ قطع شده، و باقیماندهٔ دستها دائماً دچار حسّاسیّت پوستی می‌شود، تا آنجا که مجبور است بسیاری از اوقات دستها را به وسیلهٔ پماد یا کرم چرب نماید، و مصلحت نیست که برای وضو چربی را پاک کند. تکلیف ایشان برای ادای فریضهٔ وضو چیست؟

جواب: می تواند صورت خود را زیر شیر آب بشوید، و دست‌ها را بدون برطرف کردن چربی نیز بشوید. و اگر می‌تواند با آن مسح کند.

سؤال ۱۱۳- به مرض پوستی- بی‌خطری- مبتلا گردیده‌ام، به گونه‌ای که هر وقت غسل می کنم خشکی روی پوستم ظاهر می‌شود، چه بسا این خشکی حتّی با شستن دست و صورت هم پیدا شود. به این جهت مجبورم به پوست بدنم پماد بمالم، از این رو در وقت وضو با مشکلاتی مواجه می‌شوم؛ خصوصاً در وضو برای نماز صبح. آیا می‌توانم بجای وضو در نمازهای صبح تیمّم کنم؟

جواب: در صورتی که چربی زیاد نباشد مانع از وضو نیست. و اگر چربی زیاد است، می‌توانید با همان حال وضو بگیرید و بعد تیمّم کنید.

سؤال ۱۱۴- چشمهایم مدام ترشّح می کند. اگر بخواهم به هنگام وضو، ترشّح چشمانم را پاک کنم، با تکرار این کار، ترشّح آن به مرور بیشتر می‌شود. امّا اگر بدون پاک کردن آن ترشّحات وضو بگیرم، مشکلی پیش نمی‌آید. آیا می‌توانم به همین شکل وضو بگیرم؟

جواب: مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴

احکام وضو

سؤال ۱۱۵- متأسّفانه دچار وسواس شده، وضو و غسل و طهارت و قرائت نماز و به خصوص «وَ لَا الضّالِينَ» را زیاد تکرار می کنم. به طوری که خودم هم خسته می‌شوم، بلکه به خاطر این کار من، دیگران نیز خسته و ناراحت می‌شوند. اگر (مثلًا) چیزی از دستم به زمین بیافتد، حتماً باید آن را آب بکشم. و یا خیلی وقتها، روی زمین نمی‌نشینم، چون زمین را نجس می‌دانم. اگر امکان دارد حکم بنده را بیان فرمایید، و مرا از وسواس نجات دهید.

جواب: نماز و وضوی شما به ترتیبی که نوشته‌اید، اشکال دارد، و اگر ادامه دهید شرعاً مسئول خواهید بود. تنها وظیفهٔ شما این است که به همان مقدار که افراد معمولی متدیّن عمل می کنند، همان‌طور عمل کنید. و اگر شیطان وسوسه کرد که عملتان باطل است گوش نکنید. و ما مسئولیّت صحّت اعمال شما را بر عهده می گیریم.

سؤال ۱۱۶- کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، آیا می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند؟

جواب: دو نماز پشت سر هم را می‌تواند با یک وضو بخواند. یا مثلًا تمام نماز شب را با یک وضو بخواند.

سؤال ۱۱۷- آیا مجروحین جنگ و کسانی که قطع نخاع شده، و قدرت بر نگهداری بول ندارند، می‌توانند با یک وضو در نماز جمعه شرکت کرده، و به استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر بپردازند؟

جواب: آنها باید مقارن شروع خطبه‌ها وضو بگیرند، و بلافاصله در نماز جمعه شرکت کنند. در این صورت، نمازشان (حتّی نماز عصر) با همان وضو صحیح است.

سؤال ۱۱۸- آیا افراد قطع نخاع که قادر بر کنترل و حفظ وضوی خود نیستند، و متوجّه باطل شدن وضو نمی‌شوند، برای هر نماز باید وضوی جداگانه‌ای بگیرند، یا مثلًا برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵

جواب: برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می کند.

سؤال ۱۱۹- جانباز قطع نخاع هستم، بدین جهت بول و غائط بی‌اختیار از من خارج می‌شود. آیا برای هر نماز باید وضو بگیرم؟ برای

سجدۀ سهو و نماز احتياط چطور؟

جواب: مى توانيد يک وضو براى دو نماز بگيريد. و نماز احتياط و سجده و وضوى ديگرى لازم ندارد.

سؤال ١٢٠- فردى هستم قطع نخاع كه بول و غائط بى‌اختيار از من خارج مى‌شود. و هنگامى كه وضو مى گيرم بايد سريعاً نماز بخوانم تا وضويم باطل نشود، اگر احتمال بدهم كه با طولانى شدن نماز وضويم باطل مى‌شود، آيا جايز است مستحبّات نماز، مانند اذان و اقامه را بجا آورم؟

جواب: بهتر است تا مطمئن نباشيد مستحبّات را بجا نياوريد.

سؤال ١٢١- آيا براى مجروحين جنگى، كه قطع نخاع هستند، و قادر بر جلوگيرى از خروج بول نمى‌باشند، جايز است كه بين وضو و نمازشان فاصله بيندازند، تا بتوانند در نماز جماعت شركت كنند؟

جواب: در صورتى كه فاصله به مقدارى باشد كه مثلًا از خانه به مسجد برسند اشكالى ندارد.

سؤال ١٢٢- كسى كه بول او پى‌درپى خارج مى‌شود، اگر در وسط نماز اوّل بول خارج شود، ولى بين دو نماز بولى خارج نشود، آيا مى‌تواند با يک وضو هر دو نماز را بخواند؟

جواب: اشكالى ندارد.

سؤال ١٢٣- كسى كه مرضى دارد كه در بين نماز چند مرتبه غائط از او خارج مى‌شود، وظيفه‌اش چيست؟

جواب: چنانچه تجديد وضو براى او مشكل نباشد، وضو را تجديد كند. و اگر مشقّت زياد دارد، با همان يک وضو مى‌تواند نماز را به جا آورد.

سؤال ١٢۴- كسى كه غائط طورى پى‌درپى از او خارج مى‌شود كه وضو گرفتن بعد

استفتاءات جديد (مكارم)، ج‌٣، ص: ۴۶

از هر دفعه براى او سخت است. اگر بتواند مقدارى از نماز را با وضو بخواند، آيا همان يک وضو كافى است؟

جواب: يک وضو كافى است؛ بلكه مى‌تواند براى دو نماز پشت سر هم به يک وضو قناعت كند.

سؤال ١٢۵- وظيفۀ كسى كه دائماً به اندازۀ ناچيزى باد از او خارج مى‌شود چيست؟

جواب: يک وضو براى هر نماز كافى است؛ بلكه مى‌تواند دو نماز را هم با همان يک وضو بخواند.

امورى كه بايد براى آن وضو گرفت

سؤال ١٢۶- بعضى از جوانان پلاكهايى به گردن مى‌اندازند كه جملۀ «يا أبا عبد اللّه» و مانند آن، روى آن نوشته شده است. آيا اين كار، درست است؟

جواب: اين كار اشكالى ندارد، ولى در هنگامى كه وضو ندارند بايد نامهاى خدا و اسامى معصومين عليهم السلام، بنابر احتياط واجب، با بدن آنها تماس پيدا نكند.

سؤال ١٢٧- با توجّه به اين كه واژۀ «رضوى» منسوب به امام رضا عليه السلام است، آيا لگد كردن يا در زباله دان انداختن كاغذها و پلاستيكهايى كه روى آن جملات «محصولات آستان قدس رضوى»، «كيک رضوى»، «بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى» يا مانند آن نوشته شده، از نظر شرعى اشكال دارد؟

جواب: ظاهراً اينها جنبۀ اسمى براى آن مؤسّسات و محصولات پيدا كرده، و اشكالى ندارد؛ هر چند بهتر است احترام آن رعايت شود.

سؤال ١٢٨- نام فاميلى بعضى از هموطنان «حسينى»، «موسوى»، «علوى» و مانند آن كه برگرفته از اسامى اهل بيت عليهم السلام

می‌باشد. حکم شرعی زیر پا انداختن یا سوزاندن چنین اوراقی چیست؟

جواب: مانند مسألهٔ سابق است.

سؤال ۱۲۹- آیا سوزاندن یا انداختن اسامی از قبیل «خیابان امام رضا»، «میدان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷

امام حسین»، «مسجد موسی بن جعفر» از نظر شرعی حرام است؟

جواب: در صورتی که نامهای معصومین علیهم السلام روی آن نوشته شده باشد، احترام آنها لازم است.

سؤال ۱۳۰- آیا بر افراد نابینا نیز لازم است که هر گاه بر روی آیات قرآن دست می‌کشند وضو داشته باشند، یا نیازی نیست؟

جواب: آنها نیز باید وضو داشته باشند.

سؤال ۱۳۱- فردی نابینا هستم. اگر بدون توجّه دستم را روی اسم جلالهٔ خداوند که در جایی نوشته شده بکشم، مرتکب گناهی شده‌ام؟

جواب: در صورت عدم اطّلاع بر وجود اسم جلاله، مرتکب خلافی نشده‌اید.

سؤال ۱۳۲- فردی قطع نخاع هستم. و به دلیل آن که بول و غائط بی‌اختیار از من خارج می‌شود از کیسهٔ ادرار استفاده می‌کنم (سند و کاندوم) به همین جهت دائماً ادرار من جریان دارد، و داخل کیسه می‌ریزد. به چه شکلی می‌توانم قرآن بخوانم، و دست به آیات قرآن بزنم؟

جواب: شما می‌توانید وضو بگیرید و مشغول قرائت قرآن شوید. و مادام که فاصلهٔ زیادی نشده، می‌توانید خطّ قرآن را لمس کنید.

سؤال ۱۳۳- فردی قطع نخاع از گردن هستم. به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچارم از لب و دهان کمک می‌گیرم، و کمک گرفتن از دیگری برایم مشکل است، وضو گرفتن نیز برایم مشقّت دارد. آیا می‌توانم بدون وضو این کار را انجام دهم؟

جواب: اگر واقعاً وضو برای شما مشقّت دارد، این کار برای شما مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۴- فردی هستم قطع نخاع که ادرار و مدفوع بی‌اختیار از من خارج می‌شود، و بسیاری از اوقات بدنم نجس است. آیا می‌توانم قرآن همراه خود داشته باشم، یا حمل قرآن برای من مجاز نیست؟

جواب: مجاز هستید.

سؤال ۱۳۵- نابینایان برای خواندن از خط برجسته‌ای به نام «بریل» که با لمس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸

انگشتان خوانده می‌شود، استمداد می‌گیرند. می‌دانیم که این خط از نقاط ششگانه تشکیل شده است. با توجّه به مطلب فوق، آیا بر نابینایان لازم است در موقع فراگیری قرائت قرآن، و در وقت لمس اسامی مقدّسه که با خط برجسته نوشته شده، وضو داشته باشند؟

جواب: آری باید وضو داشته باشند، یا از دستکش‌های پلاستیکی نازک استفاده کنند.

سؤال ۱۳۶- آیا بر نابینایان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته‌ای، مطمئن شوند اسامی مقدّسه بر روی آن نوشته نشده است؟

جواب: تحقیق برای آنها لازم نیست.

سؤال ۱۳۷- تمبرهایی وجود دارد که مزیّن به آیاتی از قرآن شده، و در طول روز افراد زیادی آن را بدون وضو لمس می‌کنند، و حتّی برخی از آنها در خارج از کشور مورد لمس کفّار قرار می‌گیرد. نمونه‌های دیگری مزیّن به جملاتی مانند «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ» یا «الله اکبر» یا مثل آن است. آیا چاپ چنین تمبرهایی کار صحیحی است؟

جواب: باید توجّه داشته باشید که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یا ائمّهٔ هدی علیهم السلام سکّه‌هایی وجود داشته که «لا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ» * و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ» بر آن منقوش بوده، و مردم همه روز به آن دست می‌زدند. وجود چنین تمبرها یا سکّه‌هایی سبب

ترویج اسلام و قرآن است. منتها مردم وظیفه دارند که بدون وضو دست بر آن نزنند. ما وظیفه داریم از این طریق شعائر اسلام را تبلیغ کنیم، مردم هم وظیفهٔ خاصّ خود را دارند.

سؤال ۱۳۸- اگر مهری با نام «عبد الله » ... داخل چاه توالت (که در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرد) افتاده باشد، حکم آن چه می‌باشد؟

جواب: اگر مهر به همان صورت که در بالا نوشته‌اید «عبد الله» بوده، مشکلی ندارید. ولی اگر به صورت «عبد الله» بوده، مادام که نقش مُهر باقی است، باید آن محلّ را تخلیه یا تعطیل کنید، و اگر دیگران خبر ندارند، لازم نیست اعلام کنید. امّا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹

آنان که می‌دانند، باید رعایت کنند. و اگر چاه متّصل به لوله کشی فاضلاب است، هنگامی که اطمینان حاصل شود آن مهر همراه فاضلاب به نقطهٔ دوری منتقل شده، مشکلی ندارد.

وضوی جبیره

سؤال ۱۳۹- آیا دست مصنوعی در حکم جبیره است، و در هنگام وضو باید دست مرطوب بر آن کشید؟

جواب: دست مصنوعی حکم جبیره ندارد.

سؤال ۱۴۰- فردی هستم که به خاطر جراحت دائماً آمپول می‌زنم، و نمی‌توانم چسبی که روی محل تزریق زده می‌شود را جدا نموده، سپس وضو بگیرم. تکلیف من چیست؟

جواب: اگر می‌توانید، چیزی روی آنها بگذارید، و وضوی جبیره بگیرید.

سؤال ۱۴۱- دائماً به دستم آمپول می‌زنم، و اثر چسب زخم بطور کامل پاک نمی‌شود. آیا برای وضو گرفتن اشکالی پیش می‌آید؟

جواب: اگر راهی برای برطرف کردن آن نباشد، به همان صورت وضو می گیرید.

سؤال ۱۴۲- شخصی در یکی از اعضای وضو، زخمی دارد که خونریزی آن حتّی با گذاشتن جبیره قطع نمی گردد. چگونه باید وضو بگیرد؟

جواب: بقیّهٔ اعضا را می‌شوید، و مسح سر و پا را انجام می‌دهد، و احتیاطاً تیمّم هم می کند.

سؤالات متفرّقهٔ وضو

سؤال ۱۴۳- فردی هستم قطع نخاع که اگر در منزل بمانم با وسائلی که دارم یا با کمک نائب می‌توانم به راحتی وضو بگیرم، امّا مجبورم برای کار یا تحصیل از خانه خارج شده، و به هنگام نماز نمی‌توانم در خارج از منزل وضو بگیرم، یا وضویی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰

می گیرم ناقص است. آیا لازم است دائم در خانه بمانم، و کار و تحصیل را رها سازم؟

جواب: شما می‌توانید کار و تحصیل را ادامه دهید، و به مقداری که در خارج از منزل میسّر است وضو بگیرید، و نماز را بخوانید.

سؤال ۱۴۴- اگر در موقع وضو آب شیر را نبندیم، آیا اسراف محسوب شده، و جایز نمی‌باشد؟

جواب: مسلّماً اسراف است، و جایز نیست.

سؤال ۱۴۵- اگر در موقع وضو قطراتی از آب بر اعضای وضوی ما بپاشد، چه حکمی دارد؟

جواب: چند قطره تأثیری ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱

فصل ششم: احکام غسل

غسل جنابت

سؤال ۱۴۶- کسانی که بر اثر عمل جرّاحی پروستات، در بیشتر اوقات، همراه ادرارشان منی خارج می‌شود، آیا با خروج یقینی، غسل بر آنها واجب می گردد، هر چند دفعات آن فراوان باشد؟ یا ادلّهٔ وجوب غسل فقط شامل خروج متعارَف می‌شود؟
جواب: با توجّه به این که خروج منی در چنین فرضـی، داخل ادرار به صورت مستهلك خواهد بود، سـبب غسل نمی‌شود؛ ولی اگر به صورت مستقلّ و یا شبه مستقل خارج شود، غسل واجب می‌شود. ولی چنانچه تکرار غسل موجب عسر و حرج شدید گردد، تیمّم بدل از غسل می کند.

غسل استحاضه

سؤال ۱۴۷- جدیـداً پزشـکان کاری می کنند که به وسـیلهٔ تقویتهای هورمونی، خون‌ریزی قاعدگی ادامه می‌یابد. در این صورت آیا خونی که بعد از پنجاه سالگی دیده می‌شود، و تمام شرایط خون حیض را دارد، استحاضه است یا حیض محسوب می‌شود؟
جواب: در صورتی که تمام شرایط قاعدگی در آن جمع باشد، حیض محسوب می‌شود.
سؤال ۱۴۸- بـا توجّه به درمـان جدیـد یائسـگی، و بـا عنایت به این که یائسـگی یک بیماری تلقّی می‌شود، و پزشك با زن یائسه به عنوان بیمار برخورد می کند، و
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲
داروهـایی که به این بیمـاران داده می‌شود همان حیض و خونریزی قبل از یائسـگی را ایجاد می کنـد، و از آنجا که بعـد از یائسـگی تمـام خونهایی که دیـده می‌شود اسـتحاضه محسوب می‌شود، تکلیف فردی که از سن ۴۸ سـالگی (سنّ طبیعی یائسـگی) و گاهاً در سنّ ۲۰ سالگی یا کمتر یا بیشتر یائسه می‌شود، و تحت این درمانها قرار می گیرد چیست؟ از آنجا که یائسـگی بیماری تلقّی می‌شود، و این فرد خود با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کند تکلیفش چیست؟ با توجّه به این که اگر استحاضه قرار دهیم، غسل‌های پی‌درپی گاهاً باعث زحمت زیاد می‌شود، آیا در صورت ضـرر نداشـتن آب می‌توانـد تیمّم کند؟ از آنجا که ۷۰ درصد زنان به این گونه احکام عمل نمی‌کنند، تکلیف این افراد چیست؟
جواب: راه حلّ اسـلام در این زمینه آسان است. یائسـگیماننـد پیری نوعی سـیر طبیعی عمر است، و نباید آن را بیماری دانست. هر چنـد تقویت کردن برای پیشـگیری از عوارض آن خوب است. همان گونه که در سالخوردگان نیز مطلب چنین است. بنابراین، تمام کسـانی که به سنّ پنجـاه سال قمری می‌رسـند، خونهایی که می‌بیننـد اسـتحاضه است، مگر این که دارای تمام شـرایط عادت ماهیانه باشد. و در مواردی که غسل کردن برای آنها ضرر یا مشقّت زیاد دارد، می‌توانند به جای آن تیمّم کنند، و نماز خود را بخوانند.

غسل بدون خارج کردن لباس از بدن

سؤال ۱۴۹- آیا در استخر عمومی در حالی که لباس بر تن است، می‌توان غسل ارتماسی کرد؟
جواب: غسـل ارتماسـی با لباس مشـکل است؛ ولی غسل ترتیبی با تکان دادن لباس، به طوری که آب به زیر آن برود، و مقـداری از بدن را از آب بیرون آورد، و سپس به زیر آب برگرداند، مانعی ندارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳

فصل هفتم: [در بارهٔ مردگان]

احکام مردگان

۱- غسل میّت

سؤال ۱۵۰- از یک سال پیش بیماری خطرناکی تحت عنوان «تب خونریزی دهندهٔ کریمهٔ کنگو» در بعضی از نقاط کشور گزارش شد. این بیماری که در کشورهای همسایه، به ویژه افغانستان، پاکستان، و عراق، شیوع داشته از طریق گزش کنه موجود در روی پوست دامها، به انسان منتقل می‌شود. عامل بیماری ویروسی است که ابتدا علائمی نظیر تب، استفراغ، کمر درد را به وجود می‌آورد، و بعد از چند روز به علّت اختلالی که در سیستم انعقاد خونی به وجود می‌آید، بیمار دچار خونریزی شدید و غیر قابل کنترل می‌شود. این خونریزی ممکن است از تمامی منافذ بدن رخ دهد. سرویس دهی به این بیماران نیازمند پرسنلی ورزیده و تجهیزات مدرن می‌باشد، و علی‌رغم همهٔ مراقبتها احتمال مرگ تا ۵۰٪ وجود دارد. متأسّفانه علی‌رغم تمامی تلاشها، بعضی از مبتلایان به این بیماری فوت می‌کنند. نظر به این که علّت اصلی مرگ خونریزی است، بعد از فوت نیز نشت مایعات مختلف جسد، به عنوان یک عامل آلودگی شدید محسوب می‌گردد، و وضعیّت جسد به نحوی است که خود در مراحل مختلف (حمل تا سردخانه و سپس غَسّالخانه) به عنوان یک عامل انتشار بیماری قلمداد می‌گردد. و بر اساس تحقیقات انجام شده، بایستی اجساد مبتلایان به بیماری درون بسته‌های پلاستیکی مخصوص گذاشته شده، و هرچه سریعتر و بدون هیچ گونه تماس با افراد زنده به خاک سپرده شود. با توجّه به این که بر اساس آخرین یافته‌های علمی، هرگونه تماس با اجساد این مبتلایان و مواد مترشّحه از بدن آنان، به ویژه خونابه و سایر مایعات خونی، برای همهٔ افراد بسیار خطرناک بوده،
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴
و ممکن است منجر به سرایت بیماری مهلک فوق الذکر گردد، پیشنهاد مجامع علمی محدود سازی مراسم مذهبی مرتبط با کفن و دفن می‌باشد. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟
جواب: در صورتی که از نظر شما پزشکان متعهّد و متخصّص خطر جدّی باشد، لازم است مراسمی از قبیل غسل و مانند آن، که سبب آلودگی می‌شود حذف گردد. و اگر تیمّم دادن و کفن کردن هر چند از روی پلاستیک اشکالی ایجاد نکند، باید انجام شود. و اگر آن هم ایجاد خطر می‌کند، باید به نماز سریع و ساده قناعت گردد.

۲- کفن

سؤال ۱۵۱- تمام فقهای شیعه اتّفاق دارند که نوشتن شهادتین و اقرار به امامت امامان علیهم السلام و دعای جوشن صغیر و کبیر و قرآن کریم بر جمیع قطعه‌های کفن مستحب است. و می‌فرمایند: «اینها در جایی نوشته شود که مأمون از آلودگی به نجاست و قذرات باشد، و هتک حرمت نشود.» لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:
۱- منظور از نجاست و قذرات، چیزی است که به سبب پوسیدن بدن میّت حاصل می‌شود، یا نجاست دیگر؟
۲- آیا نوشتن دعاها و قران کریم به رنگ سیاه جائز نیست. (چنانچه مرحوم حاج شیخ عباس قمّی رحمه الله در مفاتیح الجنان می‌فرماید که به سیاهی ننویسد.) و اگر جائز نیست، به چه رنگ نوشته شود؟
۳- آیا آویزان کردن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در گردن و دست میّت جائز است؟
جواب: پوسیدن بدن میّت سبب نجس شدن آن نمی‌شود؛ زیرا پس از غسل، بدن پاک خواهد بود. مگر این که خونی در زمان

پوسیدن در بدن بوده باشد، که آن هم محرز نیست. بنابراین، منظور از نجاست چیزهایی است که از قسمت پایین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵

بدن دفع می‌شود. و در ضمن اگر با آب زعفران و مانند آن بنویسید، بعید نیست اولویّت داشته باشد.

۳- حَنُوط

سؤال ۱۵۲- اگر غسل جنازهٔ میّتی، به واسطهٔ عذری که در جسد دارد، ممکن نباشد؛ بلکه وظیفه تیمّم تشخیص داده شود، آیا در این صورت نیز حَنُوط واجب است، یا حَنُوط اختصاص به صورت غسل دارد؟

جواب: در این صورت نیز باید حَنُوط انجام شود.

۴- نماز میّت

سؤال ۱۵۳- نماز خواندن بر جنازهٔ شخصی که اقدام به خودکشی کرده، چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، و باید نماز خوانده شود.

سؤال ۱۵۴- آیا لازم است بر اجساد مسلمانان گناهکاری که طبق حکم دادگاههای اسلامی اعدام می‌شوند، مانند قاچاقچیان موادّ مخدّر، محاربین، زناکاران به عنف، و مانند آنها، نماز میّت خوانده شود؟

جواب: آری بر هر میّت مسلمانی باید نماز میّت خوانده شود.

سؤال ۱۵۵- برگزاری مجالس فاتحه برای افرادی که در دو سؤال فوق ذکر شد، و شرکت در مجالس آنها چه حکمی دارد؟

جواب: طلب مغفرت برای آنها اشکالی ندارد؛ ولی اگر شرکت در این مجالس سبب ترویج این گونه اعمال گردد، جایز نیست.

۵- دفن میّت

سؤال ۱۵۶- در طول تاریخ با اجساد مردگان دو گونه برخورد شده است: گروهی آن را سوزانده و در واقع اجساد را تبدیل به گاز نموده، و فقط قدری خاکستر تحویل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶

زمین می‌دهند. گروه کثیری اجساد را در بستر زمین دفن نموده، و آن را به طور کامل تحویل زمین می‌دهند.

سؤال این است: کار کدام یک از این دو گروه درست بوده، و کدامین روش در حاصلخیزی خاک و رشد گیاهان و به طور کلّی در چرخهٔ حیات، تأثیر درستی ایفا می‌نماید؟

جواب: بی‌شک سوزاندن کار درستی نیست، و علاوه بر این که نوعی بی‌احترامی محسوب می‌شود، به چرخهٔ حیات هم لطمه می‌زند.

سؤال ۱۵۷- ما جماعت خوجه شیعه اثنی عشری یکی از شهرهای کانادا در حال حاضر حدود هشت قبر خالی در قبرستان داریم. در این قبرستان مسیحی، یهودی و سایر کفّار به صورت مخلوط دفن شده‌اند. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) همان‌طور که گفته شد. دفن بعضی از مسلمانان با کفّار مخلوط شده است.

لذا با توجّه به مسألهٔ ۵۸۱ رسالهٔ توضیح المسائل جناب عالی، که دفن مسلمان در قبرستان کفّار و دفن کفّار در قبرستان مسلمانان را جایز نمی‌دانید، آنچه شیعیان شهر ما انجام داده‌اند از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت امکان باید محلّ مستقلّی برای دفن اموات مسلمین انتخاب کنید، و اگر این کار مشکلات زیادی دارد دفن در

مقبره‌های مشترک ضرری ندارد.

ب) بعضی از شیعیان، که علناً گناه انجام می‌دهند (تا حدّی که حتّی در مسجد اعلام نموده‌اند که فلان گناه را انجام می‌دهیم) اظهار داشته‌اند که حتّی اگر دفن نمودن در آن قبرها، که فعلًا خالی است، طبق نظر مراجع تقلید حرام باشد برای ایشان مشکلی نیست! اگر چنین وصیّتی کنند، باید طبق وصیّتشان عمل کنیم؟

جواب: چنانچه اعتقاد آنها نسبت به اسلام و تشیّع ثابت است، فرقی میان آنها و سایر مسلمین نیست؛ هر چند گنهکار باشند.

ج) حکم مؤمنین و مؤمناتی که در سی سال اخیر در این قبرستان دفن شده‌اند چیست؟! آیا عذاب کفّار بر آنها اثر می‌گذارد؟

جواب: ان شاء اللّه از عذاب کفّار در امان هستند؛ اقدام به نبش قبر نکنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷

سؤال ۱۵۸- شخصی ۱۵ سال قبل از دنیا رفته است. ایشان به فرزند بزرگ خود وصیّت کرده که جسدش را به امانت بگذارد، و هر وقت راه کربلا بازشد، او را در کربلا دفن کنند. بدن میّت را در یک صندوق چوبی گذاشته، و در یک اتاقک اسکان داده‌اند. لطفاً بفرمایید:

۱- با توجّه به این که تاکنون راه کربلا باز نشده، و یقین هم نداریم که در آینده بازشود، آیا می‌توان متوفّی را به خاک سپرد؟

جواب: لازم است ایشان را به خاک بسپارید.

۲- آیا می‌توان جسد را به طور موقّت و با همان صندوق به خاک سپرد، و هر زمان راه کربلا بازشد، جسد را به آنجا منتقل کرد؟

جواب: ایشان را دفن کنید و بعداً هم نبش قبر ننمایید.

سؤال ۱۵۹- می‌گویند: «مستحب است روی قبر تازه، آب بپاشند» این استحباب یک مرتبه بوده، یا یک هفته، یا یک ماه، یا یک سال، می‌باشد؟ و در هر حال چه نفعی برای میّت دارد؟

جواب: از بعضی روایات استفاده می‌شود که پاشیدن آب تا چهل روز مستحب است.

سؤال ۱۶۰- خانم حامله‌ای در اثر تصادف فوت نموده است. پس از فوت، پزشکی قانونی بچّه‌ای را که چهار ماهش کامل شده و حتّی جنسیّت آن کاملًا قابل تشخیص بوده از شکم مادر بیرون آورده، و مجدداً آن را داخل شکم متوفّی گذاشته و آن را بخیه نموده است. اکنون جهت تدفین آنها به چه شکلی باید عمل شود؟ آیا لازم است مجدّداً بچّه از شکم مادر خارج و به طور جداگانه غسل داده شود و کفن و دفن شود، یا به همان کیفیّت همراه مادر دفن می‌گردد؟

جواب: به همان کیفیّت در شکم مادر دفن می‌شود.

۶- نبش قبر

سؤال ۱۶۱- در برخی از کشورها رسم بر این است که قبر میّت بعد از گذشت سی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸

سال برای دفنِ میّتِ تازه مورد استفاده قرار می‌گیرد. آیا نبش قبر بعد از مدّت فوق اشکال دارد؟

جواب: در صورتی که مسلّم شود آثار میّت در این مدّت به کلّی از بین رفته، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۲- بعضی از مسلمانان معتقدند که نباید قبر میّت تا ابد شکافته شود، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این عقیده درست نیست، و نبش آن بعد از محو آثار مانعی ندارد؛ مگر در مورد قبور بزرگان و اولیاء اللّه.

سؤال ۱۶۳- لطفاً در مورد نبش قبر به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) چنانچه جسد هنوز سالم باشد، و در هنگام شکافتن قبر سعی در عدم کشف بدن متوفّی شود، و روی کفن پارچه یا حائل

دیگری که باعث عدم کشف بدن شود قرار دهند، نبش قبر و انتقال جسد چه حکمی دارد؟

ب) چنانچه جسد هنوز متلاشی نشده، ولی متعفّن و بد بو شده باشد، و کفن هم سالم و نپوسیده باشد، در این صورت نبش قبر چه حکمی دارد؟

ج) انتقال جسد به گونه‌ای که قبر کاملًا قالب‌گیری شود، و جسد به همراه مقبره منتقل گردد، چه حکمی دارد؟

جواب الف: این کار عین نبش قبر است؛ نبش قبر این نیست که بدن نمایان شود، نمایان شدن جسد پوشیده در کفن هم نبش قبر است.

جواب ب: جایز نیست.

جواب ج: اشکالی ندارد، مشروط بر این که سبب هتک مؤمن نباشد. البتّه در صورتی که اختلاف شدیدی میان ورثه واقع شود و ناراحتی‌های مهمّی حاصل گردد، نبش قبر یا انتقال جسد برای پایان دادن به این امور مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۴- جهاد دانشگاهی دانشگاه، به عنوان مشاور شهرداری تهران، در نظر دارد طرح ساماندهی گورستانهای متروکهٔ شهر را که در آنها تدفین صورت نمی‌گیرد به اجرا در آورد. این گورستانها که مجزّا از گورستان بهشت زهرا بوده، و حدود ۶۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹

مورد می‌باشد، به علّت ممانعت از دفن و متروکه شدن به تدریج از صحنهٔ شهر ناپدید، یا به کانونهایی پرمسأله تبدیل شده، و بعضاً به مأمن افراد فاسد و معتاد مبدّل گشته‌اند. در حالی که با امکانات فضای سبز، یا مجتمعات آموزشی و فرهنگی، توان بالقوّهٔ تبدیل شدن به فضای عمومی و عرصهٔ اجتماعی را دارا می‌باشند. لیکن با توجّه به احکام شرعی خاص گورستانها، در این راستا ابهاماتی وجود دارد که خواهشمند است در هر مورد فتوای خود را مرقوم فرمایید:

۱- آیا حرمت نبش قبر فقط مربوط به مسلمانان است، یا شامل همهٔ پیروان ادیان آسمانی، بلکه نوع انسانها می‌شود؟

۲- نبش قبر پس از چند سال جایز است؟ آیا نسبت به همهٔ متوفّیان یکسان است؟

۳- آیا پس از انقضای مدّت فوق، محدودیّتی از جهت شخصیّت متوفّی وجود دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۵۹

۴- آیا پس از انقضای مدّت فوق، محدودیّتی از جهت تغییر کاربری، بدون این که اثری از گورستانها باقی بماند، وجود دارد؟

۵- تخریب قبور قبل از موعد، بدون این که منجر به نبش آن شود، چه حکمی دارد؟

جواب ۱ تا ۵: نبش قبر مسلمین و غیر مسلمانانی که در پناه اسلام زندگی مسالمت‌آمیز دارند جایز نیست. و چنانچه قبرستان کاملًا متروکه باشد می‌توان از آن برای کارهای عام المنفعه مانند مسجد، مدرسه و امثال آن استفاده کرد. البتّه تخریب قبر با نبش قبر متفاوت است، و اگر قبور مربوط به بزرگان علما و شخصیّت‌های برجستهٔ جامعه بوده باشد، تخریب آن جایز نمی‌باشد.

سؤال ۱۶۵- آیا شکافتن قبر به منظور تشریح بدن میّت، برای نجات فرد متّهم به قتل، یا شناخت قاتل، و اصولًا اموری که اهمیّت آن بیش از هتک حرمت میّت است، جایز می‌باشد؟

جواب: در فرض مسألهٔ بالا، که پای امور مهمتری در میان است، نبش قبر جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰

احکام قبرستان

سؤال ۱۶۶- گورستان عمومی شهر ما در شرق این شهر قرار دارد. اخیراً جمعی از اهالی یکی از محلّات غرب شهر، باغی را به عنوان گورستان در نزدیکی بافت مسکونی (حدود ۱۰۰ متری) در نظر گرفته، و اقدام به دفن یک مرده در آن نموده‌اند. این امر باعث نارضایتی شدید ساکنین همجوار گردیده، به گونه‌ای که جهت دفن مردهٔ یاد شده، درگیری مختصری نیز بین اهالی (موافق و مخالف) رخ داده است. با عنایت به مخالفت شهرداری، احداث این گونه گورستانها و ادامهٔ دفن اموات در آن، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه احداث گورستان در چنین مناطقی مخالف مقرّرات و قوانین حکومت اسلامی باشد، یا باعث اذیّت و آزار مردم گردد، از این کار خودداری شود.

سؤال ۱۶۷- سنگ‌چینی قبرستان برای دفن خانوادگی چه حکمی دارد؟

جواب: سنگ‌چینی قبرستان اشکال دارد؛ هر موقع کسی مرحوم شد، می‌توان به اندازهٔ متعارف از آن قبرستان برای او استفاده کرد.

سؤال ۱۶۸- آیا ضرورت دارد که زمین قبرستان وقف ابدی برای قبرستان باشد، یا در زمین‌های «کرایه‌ای» طویل المدّت هم می‌توان به تدفین اموات مسلمانها پرداخت؟

جواب: در صورتی که مدّت به اندازه‌ای باشد که آثار آخرین میّت دفن شده به کلّی محو گردد، یا این که مالک بعد از پایان مدّت، ملزم به تصرّفاتی شود که سبب نبش قبور نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹- در صورتی که قبرستان مسلمانها (در خارج از کشور) در جوار قبرستان مسیحی‌ها واقع شود، چه حکمی دارد؟ بدین شکل که قبرستان مسلمانها به صورت واحد جداگانه‌ای، که دیوار احاطه، در ورودی، و دیگر تسهیلات مختصّ به خود داشته باشد.

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱

سؤال ۱۷۰- چون محل مناسب دیگری برای شستشو و غسل میّت در محل‌های دیگر در این کشورها موجود نیست، در نظر است یک اطاق جهت شستشو و غسل میّت و یک سالن جهت نماز میّت مخصوص مسلمانان بنا شود. آیا شستشو، غسل و ادای نماز میّت در جوار قبرستان غیر مسلمانان اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۱- هرگاه قبور را با سنگهای مرمر، یا سیمان فرش نمایند، و چند متر پارچه روی قبر بیندازند تا مندرس و کهنه نشود، چه حکمی دارد؟ آیا این کارها برای میّت منفعت دارد؟

جواب: این کارها خرج‌های اضافی است که برای میّت سودی ندارد؛ مگر در مواردی که تعظیم شعائر ایجاب می‌کند.

سؤال ۱۷۲- در بعضی مناطق مرسوم است که سنگریزه‌های سفید، سرخ و زردی روی قبر پدر و مادر خود می‌ریزند. آیا این کار برای میّت فایده‌ای دارد، یا فقط تشریفاتی است؟

جواب: این امور از نظر شرعی اعتبار ندارد.

سؤال ۱۷۳- در بعضی مناطق مرسوم است که روز و شب پنج شنبه و جمعه که برای زیارت قبور اموات‌شان می‌روند، عطر و گلهای قیمتی و یا غیر قیمتی روی قبر می‌ریزند. آیا این کار مشروع و درست است؟

جواب: به مقدار کم اشکالی ندارد، ولی اگر اسراف باشد جایز نیست، مگر در مواردی که جنبهٔ تعظیم شعائر داشته باشد، و در آنجا اسراف محسوب نشود.

سؤال ۱۷۴- آیا نوشتن آیات قرآن کریم بر سنگ مزار اشکال دارد؟

جواب: اگر هتک احترام نشود اشکالی ندارد.

احکام شهید

سؤال ۱۷۵- از طرف دشمن هیچ گونه تهدیدی برای ما وجود نداشت و جان و مال و عزّت ما به طور کامل در امان بود، تا این که به فرمان فرماندار سنگرهای دشمن را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲

قبضه نمودیم. در این جنگ، درگیری شدیدی رخ داد و عدّه‌ای از مسلمانان کشته شدند، آیا به چنین افرادی احکام شهید را دارند؟

جواب: کشته‌شدگان در راه حفظ دین، احکام شهید را دارند؛ ولی آنها که در راه دفاع از ناموس و اموال خود یا مسلمین کشته می‌شوند، هر چند ثواب شهید دارند، ولی احکام شهید را ندارند.

مراسم عزاداری

سؤال ۱۷۶- در بین مهاجرین افغانستان مرسوم است که هرگاه یکی از بستگانشان فوت می‌کند، عدّه زیادی از اقوام و دوستان بعد از کفن و دفن میّت، همه در منزل یا مسجدی که از طرف صاحبان مصیبت مهیّا شده، گرد آمده غذای ظهر یا شب را صرف می‌کنند، و بعد از آن منزل صاحب عزا تا چهل روز محلّ رفت آمد مردم قرار می‌گیرد. خانوادهٔ مصیبت‌دیده، از دست رفتن عزیزش را فراموش کرده به مهمانداری مشغول می‌شود، اگر خودش پول نداشته باشد، باید از مردم قرض کند تا آبرویش حفظ شود. در مدّت یاد شده بیش از یک میلیون و دویست هزار تومان خرج می‌شود. همچنین اگر شخصی در افغانستان فوت کند تمام مصارف کفن و دفن و مستحبات در آنجا انجام می‌شود و بستگانش در جمهوری اسلامی ایران بلافاصله مراسم ختم برگزار نموده، و مصارف سرسام‌آوری هزینه می‌کنند، و به مدّت یک هفته یا بیشتر رفت و آمد برقرار می‌باشد. لطفاً بفرمایید حکم این گونه مراسم و هزینه‌ها چیست؟

جواب: آنچه از مصارف بی‌رویّه- که در بالا نوشته‌اید. و تحمیل بر صاحب عزا می‌شود- شرعاً حرام است. برادران و خواهران افغانی باید هرچه زودتر این رسم غیر مشروع را ترک کنند، تا خدا از آنان راضی گردد؛ ولی خیرات و مبرّات برای اموات در حدّ محدود و معقول، و به دور از هر گونه اسراف و تحمیل، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳

سؤال ۱۷۷- هنگامی که کسی از دنیا می‌رود، بستگان میّت به افرادی که در مراسم جمع شده‌اند، می‌گویند: «اگر کسی حقّی بر گردن میّت دارد، معاف بدارد، و او را ببخشد» همهٔ حضّار در جواب می‌گویند: «هزار هزار بار بخشیدیم» آیا ذمّهٔ میّت ساقط می‌شود؟

جواب: هرگاه صاحب حقّ از صمیم دل گذشت کند، ذمّهٔ میّت بری می‌شود؛ ولی اگر بستگان میّت می‌دانند که صاحب حقّ در اثر حیا یا اجبار چنین گفته، باید رضایت او را تحصیل کنند.

سؤال ۱۷۸- پدر بنده متأسّفانه دار فانی را وداع نموده است. لطفاً بفرمایید علاوه بر مراسم متداول عزاداری، بهترین عملی که می‌توانم برای شادی روح ایشان انجام دهم چیست؟

جواب: جستجو کنید اگر دیونی به مردم دارد قبل از هر چیز دین او را بپردازید، و اگر واجباتی از او فوت شده قضا کنید، و تا می‌توانید برای او صدقات و خیرات دهید؛ یعنی به مردم نیازمند به نیّت پدرتان کمک کنید.

سؤال ۱۷۹- اخیراً در برخی از مناطق رسم شده که بستگان متوفّی به جای برگزاری مراسم عزاداری و فاتحه، پول آن را هزینهٔ امور خیریّه می‌کنند. به نظر می‌رسد با توسعهٔ این تفکّر، مردم و میّت از برکات مجالس مذکور که آشنایی با معارف دین و تذکّر و تنبیه و به یاد جهان آخرت افتادن، همدردی با صاحبان عزا، و قرائت فاتحه و قرآن برای میّت، و ذکر توسّل و مانند آن است، محروم

می‌شوند. با توجّه به این مطلب، کدام یک اولویّت دارد؟
جواب: بهتر است مجلس ساده‌ای بگیرند، و هزینه‌های اضافی را صرف کارهای خیر کنند.
سؤال ۱۸۰- در سفری که به یکی از شهرهای استان خوزستان داشتم، در مجلس فاتحهٔ جوانی که قبل از ازدواج مرحوم شده بود شرکت کردم. هنگامی که برای قرائت فاتحه به سر مزارش حاضر شدیم، در کمال بهت و ناباوری شاهد اجرای موسیقی
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۴
محلّی و حرکاتی شبیه رقص توسّط برخی زنان و مردان گشتم، و لهذا سریعاً محل را ترک کردم. نظر حضرتعالی در مورد این مراسم چیست؟
جواب: این گونه کارها جایز نیست، و دور از شأن افراد با ایمان است، و سبب آزار روح میّت می‌شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۵

فصل هشتم: احکام تیمّم

سؤال ۱۸۱- در دوران دفاع مقدّس مجروح شده‌ام، دوست دارم که در طول مدّت روز و شبها در هنگام خوابیدن با وضو باشم، ولی وضو گرفتن برایم مشقّت دارد. آیا می‌توانم تیمّم کنم؟
جواب: در صورتی که مشقّت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد تیمّم کنید.
سؤال ۱۸۲- از جانبازان دوران دفاع مقدّس هستم که قطع نخاع شده‌ام؛ عادت کرده‌ام که دائماً با وضو باشم، امّا گاهی از اوقات کسالت جسمی، اجازهٔ وضوی مستحبّی به من نمی‌دهد، آیا می‌توانم تیمّم کنم؟ در این صورت، آیا ثواب وضوی مستحبّی را می‌برم؟ آیا با این تیمّم می‌توانم نماز مستحبّی بخوانم؟
جواب: مانعی ندارد، و ان شاء اللّه ثواب وضوی مستحبّی را می‌برید، و نماز مستحبّی را می‌توانید با آن بخوانید.
سؤال ۱۸۳- جانبازی هستم که خود را عادت داده‌ام همیشه با وضو باشم امّا بعضی از اوقات به خاطر سختی و یا کسالت جسمی آمادگی انجام وضو یا تیمّم بر روی خاك را ندارم، آیا می‌توانم بر روی لباس، یا اشیای دیگر که در دسترس است، مانند ملحفه، تیمّم کنم؟
جواب: می‌توانید روی یک قطعه سنگ پاک تیمّم کنید.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۷

فصل نهم: احکام نماز

وقت نماز

سؤال ۱۸۴- شخصی در یکی از شهرهای هندوستان مقاله‌ای بدین مضمون نوشته است: «جمع بین نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا مطابق آیین اهل بیت علیهم السلام نیست! حضرت علی علیه السلام در نامهٔ ۵۲ نهج البلاغه خواندن نمازها را به طور جداگانه و در پنج وقت سفارش فرموده، و در نامهٔ ۲۷ از خواندن نماز قبل و بعد از وقت منع نموده است» بنابراین جمع بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا تحریف است؟
جواب: شک نیست که خواندن نمازهای پنج‌گانه در اوقات فضیلت، که در رساله‌ها آمده و پنج وقت جداگانه است، افضل می‌باشد؛ ولی جمع میان نماز ظهر و عصر، یا مغرب و عشا نیز رخصت است، و در منابع اهل سنّت آمده که گاه پیامبر صلی الله علیه

و آله بدون هیچ عذری آن دو را با هم می‌خواند، که عملًا بیان کند این رخصت است، و تجربه نشان داده که استفاده از این رخصت، مخصوصاً در عصر و زمان ما، باعث کثرت نمازگزاران می‌شود، در حالی که اصرار بر جدا خواندن پنج نماز از یکدیگر بسیاری را به ترک نماز دعوت می کند. باید از افراط و تفریط پرهیز کرد، و به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّهٔ معصومین علیهم السلام، که در بالا اشاره شد، عمل نمود.

سؤال ۱۸۵- با توجّه به مسألهٔ ۲ و ۶ مبحث وقت نماز مغرب تحریر الوسیله، وقت فضیلت نماز مغرب محدود، و وقت نماز غفیله بعد از نماز مغرب تا تمام شدن حمرهٔ مغربیّه می‌باشد. در این صورت، آیا صحیح است که بعضی از رسانه‌ها (در بعضی از استانها) و یا تبلیغات بعضی از اماکن مهمّ زیارتی، به مجرّد این که احیاناً تقویمی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۸

نوشته باشد مثلًا قم مقدّسه ۲ دقیقه از تهران از جهت افق عقب‌تر است، اذان را با آن تقویم پخش کنند؟ و آیا شرعاً می‌توان با این کار مردم را از فضیلت نماز اوّل وقت و فضیلت نماز غفیله بازداشت؟ (در حالی که بعضی از شهرها مثل اهواز، افق صبح آن از تهران حدود ۲۰ دقیقه عقب‌تر است ولی مغرب آن گاهی همزمان است.

یا طلوع فجر در اصفهان گاهی چند دقیقه عقب‌تر از افق تهران است، ولی مغرب حدوداً ده دقیقه زودتر است، و رسانه‌های آنها اوقات را رعایت می کنند، و در شهر قم اذان مغرب حدود ۵ دقیقه از تهران زودتر است.

جواب: معمولًا وقتی تفاوت افق را بیان می کنند، منظور تفاوت نصف النهارها و وقت ظهر است؛ ولی صبح و مغرب در فصول سال کاملًا متغیّر است. مثلًا اصفهان همیشه ظهرش کمی بعد از تهران است، ولی صبح آن در تابستان دیرتر و در زمستان زودتر است.

لباس نمازگزار

اشاره

سؤال ۱۸۶- بدن برخی از بیماران بستری در بیمارستان به واسطهٔ خون‌گیری و مانند آن نجس است، و بعضی نیز دارای لباس نجس می‌باشند. در صورتی که امکان غسل و دسترسی به لباس پاک نباشد، برای ادای نماز چگونه باید عمل کنند؟

جواب: با همان حال نماز می‌خوانند، و اگر غسل بر آنها واجب شده باشد، تیمّم می کنند.

سؤال ۱۸۷- آیا با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی، می‌توان نماز خواند؟

جواب: در صورتی که زخمها در خارج بوده باشد، نماز خواندن مانعی ندارد و ملحق به قروح و جروح است؛ ولی اگر زخم، داخل باشد و خون بیرون آید، نماز خواندن با آن اشکال دارد؛ مگر در مواردی که عسر و حرج داشته باشد.

سؤال ۱۸۸- اگر در دو جای بدن یا لباس، لکّهٔ خونی، که هر کدام به اندازهٔ حدوداً یک درهم است، باشد. آیا نماز خواندن با آن اشکال دارد؟

جواب: آری، اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۹

سؤال ۱۸۹- نماز خواندن با کفش و دستکش، اگر چه پاک باشند چه حکمی دارد؟

جواب: با دستکش مانعی ندارد، و با کفش نیز، اگر مانع رسیدن سر انگشت پا به زمین نشود، اشکال ندارد.

سؤال ۱۹۰- استفاده از عینکی که دستهٔ آن مخلوط به طلاء یا طلای آن ظاهر است، برای مردان چه حکمی دارد؟ نماز خواندن با آن چه صورت دارد؟

جواب: اگر مخلوط به طلا باشد، اشکالی ندارد؛ امّا اگر قسمت طلا به صورت روکش باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۹۱- در مسألهٔ ۷۷۴ رساله آمده: «اگر لباسهای کوچک، مثل جوراب نجس باشد نماز او صحیح است» آیا شُورت هم جزء لباسهای کوچک است؟

جواب: شُورت جزء لباسهای کوچک نیست؛ زیرا منظور از لباس کوچک، لباسی است که عورت با آن قابل پوشاندن نباشد.

سؤال ۱۹۲- پوشیدن شلوار، یا پیراهن مردانه، و سر کردن چفیه توسّط بانوان چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط این است که چنین کاری نکنند.

حجاب زنان

سؤال ۱۹۳- همانطور که می‌دانیم خداوند متعال در سورهٔ نور، حجاب را مختصّ مؤمنان، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مؤمنین دانسته است. حال سؤال این است که: ۱- آیا حجاب برای غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی واجب است؟ ۲- اگر واجب است، همانطور که در فرانسه و ترکیه بر اعتقادات اسلامی ما می‌تازند، و ما آنها را ظالم و ضدّ اسلام می‌دانیم، آیا ما هم با پوشاندن زنان خارجی که به ایران می‌آیند و یا پیروان سایر مذاهب داخل کشور، به آنها اجحاف ننموده‌ایم؟ ۳- اگر حجاب اختیاری بود، بهتر نبود، و معضلات اجتماعی حلّ نمی‌شد؟

جواب: یک اصل مسلّم در اسلام داریم که هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلّف به آن هستند (الکفّار مکلّفون بالفروع کما انّهم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۰

مکلّفون بالأصول)، بنابراین آنها هم موظّف به حکم حجاب و ترک شراب‌خوری (حدّ اقلّ آشکارا) و گناهان دیگر هستند، و نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه‌ای است، و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده‌ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند و اکثر جوانان را به فساد کشیدند؛ و نوشته‌اید که اگر ما به کشورهای آنها برویم و ما را اجبار به بی‌حجابی کنند، چه می‌شود؟ فراموش نکنید که آنها بی‌حجابی را واجب نمی‌دانند، در حالی که ما حجاب را واجب می‌دانیم.

سؤال ۱۹۴- آیا حکومت می‌تواند، یا بر او لازم است، از بد حجابی یا بی‌حجابی بعضی از خانم‌هایی که در این امر مهم کوتاهی می‌کنند جلوگیری نماید؟ توضیح این که: بنده دانشجو هستم. چندی قبل استاد در کلاس این شبهه را مطرح کرد، و مدّعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم‌ها باشد، همان‌طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. علاوه بر این گفتند: حضرت امیر علیه السلام دستور دارد که حجاب را از سر کنیزانی که خود را شبیه زنان آزاد کرده بودند، بردارند. نظر شما چیست؟

جواب: حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه‌ای ندارند، ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می‌شود وظیفهٔ نهی از منکر دارند، و الّا جایی برای انجام این وظیفهٔ مهم باقی نمی‌ماند. البتّه با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند، و از هر گونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می‌تواند وارد این مرحله نیز بشود؛ و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است.

مکان نمازگزار

سؤال ۱۹۵- نماز خواندن، یا تلاوت قرآن، در پرتو روشنایی برق و گازی که بدون اجازهٔ دولت کشیده شده، چه صورتی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۱

جواب: استفادهٔ غیر قانونی از این امور جایز نیست؛ ولی نماز خواندن در چنان فضایی اشکال ندارد، امّا خواندن قرآن اشکال دارد.

سؤال ۱۹۶- هرگاه کسی کوچهٔ محلّ عبور و مرور مردم را به زور تصرّف کند، و روی آن دو اتاق بسازد، و آن را متّصل به ساختمان خود نماید، آیا می‌توان در آن ساختمان نماز و سایر احکام الهی را انجام داد؟

جواب: اگر مزاحم عابرین نباشد و در آن منطقه ساختن اتاق روی کوچه‌ها معمول باشد (آن گونه که در زمانهای قدیم معمول بود)، اشکالی ندارد، در غیر این صورت، جایز نیست.

سؤال ۱۹۷- آیا انسان می‌تواند در بیابان یا مزرعه‌ای که حصار ندارد ولی مالک دارد، نماز بخواند، یا از آب تلمبه‌ای که در آن مزرعه وجود دارد، استفاده نماید؟

جواب: در صورتی که مزاحمت و فسادی ایجاد نکند، مانعی ندارد.

آداب و احکام مسجد

اشاره

سؤال ۱۹۸- آیا منبر مسجد، در حرمت نجس نمودن و لزوم تطهیر فوری، حکم خود مسجد را دارد؟

جواب: منبر حکم مسجد را ندارد.

سؤال ۱۹۹- انجام کارهایی که مزاحم نماز است، مثل سخنرانی، موعظه، تفسیر قرآن، بلند خواندن تعقیبات، برپایی مجلس ترحیم، در مساجد چه حکمی دارد؟

جواب: این امور معمولًا مزاحم نمازگزاران نیست و اگر مزاحمتی ایجاد کند، باید ترتیبی بدهند که نمازگزاران بتوانند نماز خود را بخوانند.

سؤال ۲۰۰- آیا می‌توان زیرزمین متروکهٔ مسجدی که هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود را اجاره داد، و در آمد آن را صرف هزینه‌های مسجد کرد؟

جواب: جایز نیست.

فعّالیّتهای مساجد

سؤال ۲۰۱- یکی از روحانیّون مدّتی است کلاسهایی با عنوان، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۲

تکنیکهای موفقیّت، برگزار می‌کند، که بعضاً در این کلاسها مباحثی از «یوگا» و «انرژی درمانی» و مانند آن نیز مطرح می‌شود. سؤال این است که:

۱- آیا این علم مفید و جایز می‌باشد؟

۲- تبلیغ آن در مساجد، و با هزینهٔ بیت المال چه حکمی دارد؟

۳- آیا اجرای آن توسّط شخصی که لباس دین به تن دارد اشکالی ندارد؟

جواب: یوگا و انرژی درمانی اگر در حدّ معقول و مفید باشد اشکالی ندارد؛ ولی باید محلّ دیگری غیر از مسجد برای آن انتخاب کرد.

سؤال ۲۰۲- غذا خوردن در مجلس ختم و مانند آن، که در مسجد برگزار می‌شود، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد نکنند، و سبب آلودگی مسجد نگردد، اشکالی ندارد.

ورود کفّار به مسجد

سؤال ۲۰۳- مسجد وکیل شیراز یکی از بناهای معظم و تاریخی تمدّن اسلامی است، که مورد علاقهٔ اغلب جهانگردان و ایرانگردان بوده و هست. در سنوات اخیر به علّت عدم تعمیرات اساسی، آسیبهای غیر قابل جبرانی به وجود آمده که این جانب حسب وظیفهٔ شرعی خود به عنوان متولّی شرعی و قانونی مسجد با همکاری و هماهنگی و نظارت ادارهٔ اوقاف در خارج ساعات نماز و عبادات مسلمین، اقدام به تهیّه و فروش بلیط به جهانگردان خارجی با حفظ رعایت شئونات اسلامی نموده‌ام (همانند مساجد امام و شیخ لطف اللّه و مسجد جامع اصفهان) تا در آمد حاصله، صرف هزینهٔ تعمیرات و نظافت و نگهداری مسجد شود؛ چنانچه این موضوع خلاف شرع و اسلام می‌باشد، ما را ارشاد فرمایید.
جواب: آمدن آنها به مسجد در صورتی که جهات شرعی را رعایت کنند و سبب آلودگی مسجد نشود و موجب خوش‌بینی آنها به اسلام و مسلمین گردد، اشکالی ندارد. و گرفتن وجهی از آنها در صورتی جایز است که با میل و رضای خود آن را بدهند، و الزامی برای این کار نباشد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۳

موقوفات مسجد

سؤال ۲۰۴- آیا وقف کردن اجناسی که احتمال سرقت آن زیاد است، و همین امر سبب می‌شود که اغلب اوقات درِ مسجد بسته باشد، صحیح است؟
جواب: چنین وقفی اشکال ندارد؛ و وظیفهٔ مردم آن است که از آن مواظبت کنند.
سؤال ۲۰۵- فروختن برخی از اجناس، که مورد نیاز مسجد نیست، یا امروزه استفاده از چنان وسایلی متعارف نمی‌باشد، و در مساجد دیگر نیز به همین جهت قابل استفاده نیست (مانند فرش کهنه، یا بخاری نفت‌سوز) چه حکمی دارد؟
جواب: در فرض مسأله فروختن آن اجناس و تهیّهٔ اجناس مورد لزوم مانعی ندارد؛ ولی اولویّت با اجناس مشابه است (مثلًا فرش نو به جای فرش کهنه).
سؤال ۲۰۶- فرش یا وسیلهٔ دیگری از مسجد، که از ارزش بسیار بالایی برخوردار است، اگر مورد استفاده قرار گیرد، در مدّت بسیار کوتاهی ارزش آن به مقدار زیادی کاهش می‌یابد، در صورتی که فروش آن به نفع مسجد باشد، آیا فروش آن جایز است؟
جواب: در فرض مسأله، فروش آن اشکالی ندارد، و مانند مسألهٔ قبل عمل شود.
سؤال ۲۰۷- فروش فرشهای مسجد که دارای اندازه‌های متفاوت و رنگهای مختلف است، به منظور یکنواخت کردن آنها و ایجاد جذّابیّت بیشتر، که در نهایت سبب جذب افراد بیشتری به مسجد خواهد شد، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر فرشها وقف مسجد باشند، چنین کاری جایز نیست، چون ضرورتی ندارد. ولی اگر ملک مسجد باشد، این کار مانعی ندارد. (ملک مسجد مانند وسایلی که از درآمد موقوفه و مانند آن خریداری می‌شود.)

تخریب ساختمان مسجد

سؤال ۲۰۸- مقرّر گردید با تخریب و توسعه و تبدیل به احسن مسجدی که از نظر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۴

ساختمان عمر مفید خود را سپری کرده، مصلّای شهر ما احداث گردد. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱- آیا حکم مسجد سابق در طبقات فوقانی یا تحتانی بنای جدید هم جاری است؟ آیا می‌توان فضای فوقانی آن بخش از شبستان جدید که جایگزین شبستان قدیم می‌گردد را به استفادهٔ جدیدی نظیر کتابخانه، کلاس آموزش و امثال آن اختصاص داد؟

جواب: احکام مسجد دربارهٔ آنچه روی زمین سابق ساخته می‌شود، جاری است، ولی اگر زمین‌هایی اضافه گردد، تابع صیغهٔ وقف جدید است؛ و امّا ساختن کتابخانه و مانند آن در صورتی که مزاحمتی با نمازگزاران نداشته باشد، اشکالی ندارد.

۲- در بنای جدید ضرورت دارد بخش کمی از شبستان قدیم برای تعریض دیوارها، یا احداث ستون، یا مأذنه (گلدسته)، یا محل ایراد خطبه اختصاص داده شود. آیا این تصرّفات جایز است؟

جواب: این گونه تصرّفات، که مزاحمتی با نمازگزاران ندارد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۰۹- محلّی، طبق اسناد معتبر و مسلّم، وقف مسجدی شده است. از طرفی قسمت اعظم آثار مسجد در اثر مرور زمان از بین رفته ولی قسمتی از آثار از جمله محراب آن هنوز باقی است. با توجّه به وقف بودن محلّ برای مسجد، متولّی موقوفه قصد احداث مسجد در محلّ مسجد مخروبهٔ سابق را دارد؛ ولی احداث مسجد و عمل به نیّت واقف با بعضی از مقرّرات میراث فرهنگی تعارض دارد؛ در صورتِ تعارضِ نیّتِ واقف با مقرّرات میراث فرهنگی، عمل به کدام یک مقدّم است؟ تکلیف شرعی متولّی موقوفه چیست؟

جواب: تا ممکن است باید با کمک گرفتن از اهل خبره و اطّلاع، جمع میان بنای مسجد و حفظ آثار فرهنگی شود. و اگر ممکن نشد، اولویّت با مسجد است.

سؤال ۲۱۰- مسجد محمّدیّه واقع در سه راه موزه قم در طرح توسعهٔ حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است. این اداره ناچار به واگذاری و تخریب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۵

ساختمان موجود مسجد و بازسازی مجدّد آن در دو طبقه به صورت هماهنگ با طرح حرم می‌باشد. در این واگذاری به صورت کتبی شرط شده که در هر حال محدودهٔ مسجد به عنوان مسجدیّت، باید برای همیشه ثابت و مشخّص بوده باشد.

نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که مطمئن باشید مسجد مجدّداً بازسازی می‌شود، و چیزی از آن کم‌وکاست نمی‌گردد، و بلایی که بر سر بعضی از مساجد آوردند بر سر آن نمی‌آورند، تخریب و بازسازی آن اشکالی ندارد.

دیگر احکام مسجد

سؤال ۲۱۱- امام جماعتی از منزل موقوفهٔ مسجد در طول سالیان حضورش در آن مسجد، استفاده نموده است، در حالی که خود، صاحب منزل شخصی می‌باشد. آیا می‌تواند پس از ترکِ منزلِ مسجد، و انتقال به منزل شخصی خویش، این منزل موقوفه را به شخص ثالثی اجاره داده و خود، مال الاجاره را تملّک کند؟

جواب: چنانچه منزل برای سکونت امام جماعت مسجد ساخته شده، اجارهٔ آن جائز نیست؛ مگر آن که امام جماعت از آن استفاده نکند و بلا مصرف بماند؛ در این صورت می‌توان آن را اجاره داد و مال الاجارهٔ آن را صرف نیازهای مسجد کرد، و اگر امام جماعت ناچار است در جای دیگری خانه اجاره کند، می‌توان مال الاجارهٔ آن خانه را از این وجه پرداخت کرد؛ ولی در صورتی که منزل ملکی داشته باشد، مال الاجاره به او تعلّق نمی‌گیرد.

سؤال ۲۱۲- برای بهبود عبور و مرور بر اساس طرح تفصیلی شهر، شهرداریِ محلّ، اصرار بر عقب‌نشینی دیوار قبلی شبستان مسجد- در حدود نیم متر- دارد، در این مورد چه می‌فرمایید؟

جواب: تا مجبور نشوید، عقب‌نشینی نکنید.

سؤال ۲۱۳- مسجدی در محلّهٔ ما وجود دارد که سابقاً حمّامی در جلوی آن قرار داشت، و بین حمّام و مسجد، کوچه‌ای فاصله شده بود. بر اثر مخروبه شدن حمّام و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۶

توسعهٔ خیابان و احداث میدان، حمّام جزء خیابان شده و کوچه، جلوی مسجد و کنار میدان قرار گرفته است. از آنجا که این کوچه فعلًا هیچ استفاده‌ای جز برای مسجد ندارد، قرار شد در صورت مجاز بودن، جهت نما و کفشداری مسجد از آن استفاده شود. زمین مذکور متعلّق به افرادی است که به جهت خروج از کشور، یا عدم حیات مالکین اصلی و تعدّد ورثه تحصیل رضایت همگی آنها میسّر نیست. از طرفی زمین مسجد و حمّام سابق و کوچه، با رضایت خودشان و برای استفادهٔ عموم ساخته شده بود. با توجّه به شرح بالا، الحاق کوچه به مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که کوچهٔ مزبور در حال حاضر هیچ استفاده‌ای برای عبور و مرور ندارد و میدان و خیابان، مشکل عبور و مرور را کاملًا حلّ می‌کند، و همان‌طور که نوشته‌اید، تنها فایدهٔ کوچهٔ سابق این است که برای مسجد مورد استفاده قرار گیرد، در چنین شرایطی مانعی ندارد که از آن به نفع مسجد استفاده کنند.

سؤال ۲۱۴- شخصی گوشه‌ای از ملک خود را برای عبادت برگزیده، و حجره‌ای در آن ساخته، و در آنجا به عبادت می‌پردازد. به تدریج همسایگان او نیز در حال حیاتش در آن محل نماز می‌خوانند. مردم بعد از وفات شخص مذکور، حجره‌اش را خراب کرده، و آن را به صورت مسجد در می‌آورند. ولی ورثه نه قبلًا راضی به این کار بوده، و نه اکنون راضی هستند، بلکه آن زمین را غصبی اعلان کرده‌اند، امّا مردم به حرف آنها اعتنایی ننموده، و نمازشان را در آنجا به جا می‌آورند. حکم چنین مسجدی، و نمازهایی که در ظرف بیست سال در آن خوانده شده چیست؟

جواب: هرگاه وقف آن محل برای مسجد ثابت نشود، و مالک وصیّتی هم نکرده باشد، اقامهٔ نماز در آنجا بدون رضایت ورثه جایز نیست.

سؤال ۲۱۵- اگر زمینی غصبی به مرور ایّام به صورت مسجد درآمده باشد، آیا می‌توان بالای آن، طبقات دیگری ساخت؟ مثلًا در طبقهٔ اوّل ساختمان مسکونی، و در دوّم کتابخانهٔ عمومی، و در طبقهٔ سوّم درمانگاه ساخت؟

جواب: هرگاه زمین به طور یقین غصبی باشد، هیچ یک از این تصرّفات درست نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۷

سؤال ۲۱۶- عدّه‌ای گمان می‌کنند که خانقاه، خصوصیّت و شرافتی بر سایر امکنهٔ مقدّسه دارد. لذا در آنجا جمع شده، و طلب حاجت نموده، و تبرّک تقسیم می‌کنند. نظر جناب عالی چیست؟

جواب: خانقاه از بدعتهای صوفیّه است، و در اسلام جایگاهی ندارد. از شرکت در مجالس آن خودداری کنید.

سؤال ۲۱۷- مسجد ما، به علّت قدمت بنا، رو به خرابی است. بدین جهت اهالی می‌خواهند ساختمان آن را تجدید بنا کنند. بدین منظور، لازم است زمین مسجد به مقدار پنج متر، خاک‌برداری شود، اگر این خاکها دور ریخته شود، اشکال دارد؟

جواب: چنانچه آن مسجد یا مساجد دیگر احتیاجی به آن خاک ندارند، و قابل فروش هم نیست، دور ریختن آن مانعی ندارد.

سؤال ۲۱۸- متولّی مسجد دارای چه مسئولیّتی است؟ و در قبال مسجد چه وظایفی دارد؟ آیا ادارهٔ مسجد و برنامه‌های آن به عهدهٔ متولّی است، یا هیئت امنای مسجد این مسئولیّتها را به عهده دارد؟

جواب: وظیفهٔ متولّی آن است که اگر مسجد موقوفاتی دارد، آنها را حفظ نموده، و صرف مسجد کند، و بقیّهٔ امور مربوط به نمازگزاران است.

سؤال ۲۱۹- آیا هنگام ساختن مسجد، می‌توان طبقهٔ اوّل را به عنوان مسجد، و طبقهٔ دوّم را به عنوان حسینیّه ساخت؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۰- با توجّه به وجود متولّی منصوص، افراد خیّر بدون حضور و اجازهٔ ایشان دست به تغییر بنا و ساختمان‌سازی نموده‌اند. نمازگزاردن در محلّ جدید مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: باید در این گونه موارد با اجازهٔ متولّی محترم کار کنند؛ ولی اگر بر خلاف آن کاری انجام شده، ضرری به نماز خواندن در مسجد و حتّی ساختمانهای جدید نمی‌رساند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۸

اذان و اقامه

سؤال ۲۲۱- طبق آنچه در مسئلهٔ ۸۴۴ توضیح المسائل جنابعالی آمده، از جمله موارد سقوط اذان، جایی است که دو نماز مثل «ظهرین» یا «عشائین» با هم خوانده می‌شود و فقط به مقدار تعقیب و نافله، فاصله می‌شود. اگر در چنین مواردی اذان گفته شود، خلاف شرع صورت گرفته است؟

جواب: گفتن اذان در این حالت خلاف است.

سؤال ۲۲۲- بعضی دوستان میل دارند که اذان صبح، ظهر و مغرب در خوابگاه‌های دانشجویی پخش شود؛ برخی دیگر به بهانهٔ «ایجاد مزاحمت برای دانشجویان» با این کار مخالفت می‌کنند؛ نظر مبارك جنابعالی چیست؟

جواب: اذان شعار اسلام، و برای بیان وقت نماز است. پخش آن با بلندگو به صورت معتدل و متعارف و خالی از افراط اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۳- اخیراً در بعضی مناطق، علاوه بر جملهٔ

«اشهد ان علیاً ولی اللّه»

، جمله «اشهد ان فاطمهٔ الزهراء عصمهٔ اللّه الکبری» را نیز به اذان اضافه می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار جایز نیست، و علاوه بر عدم مشروعیّت زیانهای فراوانی برای عالم تشیّع دارد. ابراز علاقه به آن بزرگوار راههای بسیار بهتری دارد.

واجبات نماز:

۱- قیام

سؤال ۲۲۴- بیماری که ایستاده نماز می‌گذارد، بناگاه احساس سرگیجه و عجز می‌کند. آیا می‌تواند بقیّهٔ نماز را به حالت نشسته یا خوابیده بخواند؟

جواب: مانعی ندارد؛ ولی اگر تا آخر وقت قدرت پیدا کند، احتیاط اعاده است.

۲- قرائت

سؤال ۲۲۵- آیا باید نهایت دقّت را در درست خواندن اذکار نماز به کار ببریم، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۷۹

کافی است به عربی صحیح خوانده شود؟ مثلًا من در نماز ظهر و عصر، که باید حمد و سوره آهسته خوانده شود، مشکل دارم. و باید کمی بلندتر بخوانم، وگرنه نمی‌توانم حروف حلقی را درست تلفّظ کنم. آیا نمازم باطل است؟

جواب: در این گونه مسائل سخت‌گیری نکنید. کافی است طوری بخوانید که عربها بگویند صحیح است، و هرگز در قرائت نماز ظهر و عصر، صدای خود را بلند نکنید؛ و به نظر می‌رسد گرفتار وسوسه شده‌اید، که باید سعی کنید آن را ترک نمایید.

سؤال ۲۲۶- آیا نمازهای مستحبّی، مثل نماز شب و نافله‌ها را نیز باید به عربی صحیح خواند؟ زیارتها و دعاها چطور؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۲۲۷- نظر به این که در کلمهٔ «صراط» هم تلفّظ «س» صحیح است و هم تلفّظ «ص»، اگر کسی قصد هیچ کدام را نکند، آیا هر کدام به زبان آمد صحیح است؟ اگر قصد «س» کرد، و اتّفاقاً «ص» تلفّظ شد، یا بعکس، چه حکمی دارد؟

جواب: تلفّظ «صراط» با «سین» از نظر ما خلاف احتیاط است؛ ولی اگر مقلّد کسی باشد که هر دو را اجازه می‌دهد، می‌تواند نیّت مطلق کند که هر کدام تلفّظ شود همان منظور باشد، در این صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۸- برخی از نمازگزاران در کلماتی مانند «یَوْم» در «مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ»، و «تَوَاصَوْا» در «وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»، حرکت فتحهٔ قبل از واوِ ساکن را، شبیه به ضمّه می‌خوانند. هم چنین در کلماتی مانند «عَلَیْکَ، عَلَیْنَا، عَلَیْکُمْ» حرکت فتحهٔ قبل از یای ساکن را نزدیک به کسره، یا به صورت مکسور قرائت می‌کنند، نماز آنها چه حکمی دارد؟

جواب: عرب در تلفّظهای معمول، فتحه‌های قبل از واو را کمی شبیه به ضمّه، و فتحه‌های قبل از یاء را کمی شبیه به کسره ادا می‌کنند.

سؤال ۲۲۹- برخی از نمازگزاران، حرکت فتحهٔ قبل از حرف ساکن را در موارد زیر بیش از مقدار یک حرکت (و متعارف عرب زبانان) می‌کشند: ۱- «مغضوب» ۲- «أَحَدٌ»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۰

در «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». ۳- «صمد» در «اللَّهُ الصَّمَدُ» ۴- «أَمْرٍ» در «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» ۵- «الْفَجْرِ» در «حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ». در حالی که زبان‌شناسان عرب (قدیم و جدید) می‌گویند:

حرکت فتحه، تفاوتی با الف مدّی (صدای کشیدهٔ «آ») ندارد، مگر در مقدار کشش صدا. به عبارت دیگر، اگر حرکت «فتحه» را مقدار بیشتری بکشیم، تبدیل به «الف مدّی» می‌شود. لطفاً نظر مبارک را در این مورد بفرمایید.

جواب: در صورتی که صدق عربی صحیح کند اشکالی ندارد؛ هر چند موافق قواعد تجوید نباشد.

سؤال ۲۳۰- دربارهٔ تلفّظ «مالک» در سورهٔ «حمد» نظر شریف خود را بیان فرمایید:

الف) آیا می‌توان «مَالِکِ» را «مَلِکِ» خواند؟ در صورت جواز، کدام بهتر است.

ب) آیا می‌توان در یک رکعت «مَالِکِ» و «مَلِکِ» هر دو را با هم خواند؟

ج) آیا می‌توان در رکعت اوّل، «مَالِکِ» و در رکعت دوّم «ملک» خواند؟

جواب: احتیاط آن است که فقط مالک بخوانند.

سؤال ۲۳۱- آیا می‌توان نماز را به غیر از قرائت عاصم، به سایر قرائات نیز خواند؟

در فرض مذکور، مثلًا کلمهٔ «مَالِکِ» تنها در قرائت عاصم و کسائی «مَالِکِ» خوانده شده است. سایر قرّاء سبعه، آن را «مَلِکِ یوم الدّین» خوانده‌اند. اگر نمازگزار بخواهد «ملک» بخواند، آیا لازم است قبل از شروع نماز، نوع قرائت خود را در نماز معلوم کند؟

جواب: خواندن غیر قرائت حفص از عاصم در شرایطی که فقط این قرائت مشهور است اشکال دارد.

سؤال ۲۳۲- آیا رعایت ادغام نون ساکن و تنوین در حروف «یرملون»، مثلًا در «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ»، یا «مَحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» در نماز واجب است؟

جواب: همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است.

سؤال ۲۳۳- آیا قصد انشا در سورهٔ حمد و سایر اذکار نماز جایز است؟

جواب: در مورد اذکار و الفاظ نماز و قرائت حمد و غیره فهم معنا و قصد انشا نه تنها جایز، بلکه بسیار خوب است، و در اینجا توجّه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۱

۱- شکّی نیست که هدف از این الفاظ معانی آن است. هدف، تسبیح و تهلیل و حمد و ستایش خداست، و این امر با قصد لفظ بدون قصد معنا حاصل نمی‌شود.

حتّی به عقیدهٔ ما سورهٔ حمد نیز چنین است. آیات و تعبیرات سورهٔ حمد به خوبی نشان می‌دهد که از لسان بنده در برابر پروردگار است، و این تصوّر، که قصد انشا در آن با قصد قرآنیّت منافات دارد، اشتباه بزرگی است، که باید از آن به خدا پناه برد؛ زیرا هدف سورهٔ حمد را به کلّی از بین می‌برد. به خصوص بعد از ملاحظهٔ روایاتی که دربارهٔ سورهٔ حمد آمده است.

۲- شکّی نیست که سورهٔ توحید، یا سوره‌های دیگر که در نماز می‌خوانیم، از این امر مستثنیٰ است. و هدف حکایت کلمات خداوند برای گرفتن پند و اندرز و تعلیم است (مثلًا هیچ کس در «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» قصد انشا نمی‌کند).

۳- قصد معنا گاه تفصیلی است (مانند قصد خواص) و گاه اجمالی است (مانند آنچه عوام قصد می‌کنند.) عوام اجمالًا می‌دانند این کلمات، حمد و تسبیح و تمجید و ثنا و دعاست؛ ولی جزئیّات آن را نمی‌دانند.

۴- حق این است که قصد اجمالی کافی است، و بر عوام لازم نیست که معانی الفاظ نماز را به طور تفصیل بدانند، زیرا می‌دانیم اقوام زیادی غیر از اهل لسان وارد اسلام شدند، که به غیر زبان عربی سخن می‌گفتند، اگر دانستن معانی تفصیلیّهٔ قرائت و اذکار نماز واجب بود، باید در کلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، یا در روایات ائمّه علیهم السلام، اشاره‌ای به آن می‌شد. مخصوصاً بعضی امامان مانند حضرت امام رضا علیه السلام که مدّتها در میان ایرانیان می‌زیسته‌اند.

سؤال ۲۳۴- شخصی طیّ سالیان متمادی، بر اثر ندانستن مسأله، سوره را قبل از حمد خوانده است. آیا نمازهایی که به شکل فوق خوانده قضا دارد؟

جواب: در صورتی که جاهل مقصّر باشد باید قضا کند؛ ولی اگر دسترسی به فراگرفتن مسأله نداشته، یا اصلًا احتمال بطلان نمی‌داده، قضا ندارد.

سؤال ۲۳۵- بنده بعد از مدّتی نزد یکی از روحانیّون معظّم امتحان قرائت دادم، و متوجّه شدم بعضی از الفاظ نماز من صحیح نبوده است. آیا باید نمازهای قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۲

تصحیح قرائت را قضا نمایم؟

جواب: در صورتی که قبلًا تصوّر می‌کرده‌اید نمازتان صحیح است، اعاده لازم نیست.

سؤال ۲۳۶- لطفاً به سؤالات زیر در مورد قرائت نماز پاسخ دهید:

۱- در بحث قرائت نماز، وقف به چه معناست؟ آیا ملاک نَفَسْ گرفتن است، حتّی اگر توقّفی صورت نگیرد؟ یا ملاک وقف عرفی است، حتّی اگر نَفَسی گرفته نشود؟

۲- آیا بر هر کلمه‌ای از کلمات نماز می‌توان وقف کرد؟ یا ملاک درستی معناست؟
مثلًا اگر «الْحَمْدُ لِلّهِ» بگوید، و بعد از مدّتی «رَبِّ الْعالَمینَ» گفته شود، آیا نمازش صحیح است؟
جواب ۱ و ۲: ملاکِ وقف، فاصلهٔ عرفی است؛ خواه نَفَس بگیرد، یا نگیرد، و تنها در جایی جایز است که رابطهٔ جمله را قطع نکند.
۳- آیا وقف به حرکت در همهٔ اجزای نماز اشکال دارد؟ یا فقط در قرائت اشکال دارد؟ مثلًا اگر بگوید
«سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیم»
(با حرکت) و بعد از مدّتی بگوید
«وَ بِحَمْدِه»
، آیا وقف به حرکت محسوب می‌شود؟
جواب: تفاوتی نمی‌کند.
۴- آیا گفتن اذکاری که کاملًا جدای از هم هستند، به صورتهای زیر صحیح است:
الف) مثلًا گفته شود «سُبْحانَ اللّهِ» * سه بار بدون توقّف (با حرکت).
ب) گفته شود «سُبْحانَ اللّهِ» * با توقّف (با حرکت).
جواب: وقف با حرکت در هر جای نماز خلاف احتیاط است.

۳- سجده

سؤال ۲۳۷- هنگامی که شیعیان جهت اقامهٔ نماز به مسجد الحرام و مسجد النّبی مشرّف می‌شوند، بعضاً از مهر یا کاغذ، یا چوب، یا حصیر، یا مانند آن، به صورت بارز و آشکار استفاده می‌کنند، و در نتیجه با هتک حرمت و برخورد انفعالی وهّابیّون، یا افراد متعصّب سایر مذاهب اسلامی مواجه می‌شوند، که گاهی منجر به درگیری
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۳
می‌شود. لذا به منظور جلوگیری از این صحنه‌های ناخوشایند، دو نمونه سجّاده که در محلّ سجده به جای مهر و حصیر «برگ نخل خرما» و نخ کنف «گونی‌بافی» جهت رفع حسّاسیّت مذکور به طور نامحسوس تعبیه شده که به پیوست ارسال می‌گردد؛ خواهشمند است حضرتعالی نظر مبارک خود را در مورد سجده بر نخ کنف «نخ گونی‌بافی» و حصیر «برگ نخل» تعبیه شده روی سجّاده‌های مزبور مرقوم فرمایید.
جواب: در صورتی که از برگ نخل بوده باشد اشکالی ندارد؛ ولی از کنف اشکال دارد.
سؤال ۲۳۸- آیا سجده بر مهرهایی که جملاتی مانند: «تربت اعلا- مال کربلا» یا نام پنج تن آل عبا را بر روی آن نوشته‌اند جایز است؟ به طور کلّی سجده بر طرف نوشته، یا منقوش مهر چه حکمی دارد؟
جواب: اشکال ندارد؛ ولی اگر عکس گنبد و بارگاه است، بهتر است آن را محو کند.
سؤال ۲۳۹- لطفاً در مورد سجدهٔ واجب قرآن به سؤالات زیر پاسخ دهید:
۱- اگر حرف یا کلمه‌ای از آن آیات سجدهٔ واجب خوانده شود، آیا سجده واجب می‌شود؟
۲- آیا لازم است بر مهر سجده کرد، یا می‌توان انگشتان دست را به عنوان مهر قرار داد؟
۳- شنیدن آیهٔ سجدهٔ واجب به طور غیر مستقیم چه حکمی دارد؟
جواب: با خواندن تمام آیهٔ سجده، یا شنیدن آن، سجده واجب می‌شود، و در مثل شنیدن از رادیو یا نوار، احتیاط انجام سجده است.
و باید پیشانی را روی چیزی بگذارد که سجده بر آن جایز است.

۴- تشهّد

سؤال ۲۴۰- اگر شک کند که تشهّد را گفته یا نه، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: اگر در محل است باید به جا آورد، و اگر از محل گذشته اعتنا نکند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۴

مبطلات نماز

سؤال ۲۴۱- اگر چیزی از واجبات نماز را عمداً یا سهواً، کم یا زیاد کنیم، چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که عمداً باشد نماز باطل می‌شود. و اگر سهواً باشد و از ارکان نماز نباشد ضرری به نماز نمی‌زند، و اگر از محل نگذشته باید جبران کند.
سؤال ۲۴۲- آیا گفتن کلمهٔ «یا زهرا»، «یا حسین» و مانند آن، در نماز به عنوان ذکر اشکال دارد؟
جواب: اشکال دارد.
سؤال ۲۴۳- آبْ جاری، وقتْ باقی، زمینْ مباح، نمازْ باطل، علّت آن چیست؟
جواب: علل مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ مانند غصبی بودن آب، یا باطل بودن غسل یا وضو، یا عدم نیّت نماز، یا این که یکی دیگر از شرایط و اجزای نماز حاصل نباشد.
سؤال ۲۴۴- آیا در حال نماز می‌توان عمداً و با اختیار به یاد ائمّهٔ معصومین علیهم السلام گریه کرد؟ اگر کسی به اختیار در غم آنها گریه کند، نمازش چه حکمی دارد؟
جواب: در نماز اشکال دارد.
سؤال ۲۴۵- آیا وجود ذرّات غذای غصبی، یا مشتبه در دهان، نماز را باطل می‌کند؟
جواب: این گونه ذرّات، حتّی اگر علم به بقای آن داشته باشیم، مشمول احکام غصب نیست، و در حکم تالف است.
سؤال ۲۴۶- در بین بعضی از مردم دو مطلب زیر مشهور است. مستند علمی و فقهی دارد؟
۱- نماز خواندن در زیر سقفی که در آنجا حشیش مصرف شده، باطل است.
۲- مادّهٔ مخدّر حشیش نجس است.
جواب: استفاده از حشیش حرام و کار بسیار بدی است؛ ولی دو مطلبی که نوشته‌اید، هیچ کدام صحیح نیست.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۵

شکّیات نماز

سؤال ۲۴۷- با توجّه به این که شکّ در نمازهای ۲ و ۳ رکعتی موجب ابطال است، آیا در نماز جماعت نیز شکّ مذکور موجب ابطال خواهد شد؟
جواب: در صورتی که دیگران شک نداشته باشند، باید همراه دیگران نماز را انجام داد.

شکستن نماز

سؤال ۲۴۸- اگر زمانی که مشغول نماز هستیم پدر یا مادر ما را صدا بزنند، آیا می‌توان نماز واجب را شکست، و پاسخ آنها را داد؟

جواب: اشکال دارد، مگر در مواردی که کار بسیار ضروری باشد.

نماز مسافر

سؤال ۲۴۹- چرا نماز و روزهٔ شخص مسافر شکسته است؟

جواب: شکسته بودن نماز و روزهٔ شخص مسافر در واقع یک لطف الهی در برابر مشکلات سفر است. و معیار، مشکلات سفرِ نوعِ مردم می‌باشد، نه فرد فرد آنها.

سؤال ۲۵۰- همان گونه که مستحضرید، در حال حاضر، شکار به منظور ارتزاق جز در برخی مناطق کشور، مثل بخشهایی از شمال و حاشیهٔ دریاهای جنوب، صورت نمی‌گیرد، و تقریباً غالب شکارها توسّط افراد متموّل، و به عنوان تفریح و تفرّج، و از روی تفنّن است. شکار جانوران وحشی در فرضهای فوق شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که شکار برای نیاز زندگی یا برای کسب و کار باشد، و طبق ضوابط صورت گیرد، شرعاً جایز است. ولی شکار کردن به عنوان تفریح و خوشگذرانی- هر چند گوشت آن را مصرف کنند- شرعاً حرام است، و لذا، در چنان سفری به عنوان سفر حرام نماز و روزه تمام خواهد بود.

سؤال ۲۵۱- شکار و صید به جهت تفریح و تفنّن، و صدور مجوّز از طرف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۶

سازمانهای مسئول در این مورد، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۵۲- حکم نماز و روزهٔ دانشجویان، اساتید و معلّمان محترم را در فروض و صورتهای مختلف بیان فرمایید.

جواب ۱: محلّ تحصیل، یا تدریس، اگر برای مدّت قابل ملاحظه‌ای، مثلًا یک سال یا بیشتر، ادامه پیدا کند در حکم وطن است، و نماز و روزه در آن تمام می‌باشد، و ماندن ده روز پی‌درپی در آن شرط نیست.

۲- کسانی که از وطن خود هفته‌ای سه روز یا بیشتر به محلّ تحصیل می‌روند، و این کار برای مدّت قابل ملاحظه‌ای (مثلًا یک سال یا بیشتر) ادامه دارد، آن محلّ نیز به حکم وطن آنهاست.

۳- کسانی که یک یا دو روز برای تحصیل به محلّی می‌روند و بازمی‌گردند، نماز و روزهٔ آنها شکسته است.

۴- هرگاه در ایّام تعطیلی برای انجام کارهای دیگری غیر از تحصیل، به محلّ تحصیل برود، همان احکام بالا- دربارهٔ او جاری می‌شود.

۵- کسانی که همه روزه، یا حدّ اقل سه روز در هفته، به محلّ تحصیل یا تدریس می‌روند، یعنی صبح به محلّ تحصیل یا تدریس می‌روند و عصر بازمی‌گردند و این کار مدّتی ادامه می‌یابد، کثیرالسفر محسوب می‌شوند، و نماز و روزهٔ آنها در آن محل و به هنگام رفت و برگشت تمام است.

۶- کسانی که به مدّت یک ماه یا بیشتر همه روزه به جایی، به اندازهٔ مسافت شرعیّه می‌روند و بازمی‌گردند، حکم کثیرالسّفر را دارند.

۷- دانشجویان یا معلّمان مشمول بند یک و دو، در صورتی که بخواهند روزهٔ آن روزی که به محلّ تحصیل یا تدریس سفر می‌کنند درست باشد، یا باید طوری بروند که قبل از ظهر به محلّ تحصیل یا تدریس برسند، و نیّت روزه کنند، یا بعد از ظهر از وطن خود حرکت کنند، تا روزهٔ آنها مشکلی پیدا نکند.

۸- بعد از فراغت از تحصیل یا تدریس و کارهای مربوط به امتحان و پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۷

نـامه و امثال آن، در صورتی که به آن محلّ بروند، دیگر حکم وطن آنها را نـدارد، مگر این که قصـد داشـته باشـند در آنجا اقامت مستمر کنند.

سؤال ۲۵۳- شخصی قصد دارد در عرض ۶ ماه یا بیشتر به جاهای متعدّد برای کار سفر کند. مثلًا فرمانده نیروی انتظامی منطقه‌ای بر حسب ضـرورت کاری بایستی به پایگاههای تابعهٔ تحت فرمانـدهی خود و حتّی تا آخرین مرز منطقهٔ امنیّتی مربوطه سرکشـی و امور امنیّتی را از نزدیک کنترل نماید و هیچ‌گاه در مرکز ده روز نمی‌ماند:

الف) آیا چنین شخصی دائم السفر محسوب می‌شود؟

جواب: چنین شخصی کثیر السفر است، و نماز و روزه‌اش تمام است.

ب) اگر از اوّل قصد داشـته باشد علاوه بر سـفرهای شـغلی، به سـفرهای دیگری نیز برود، مثل این که به مشهد یا تهران، یا امثال آن سفر کند، آیا حکم دائم السفر را دارد؟

جواب: در سفرهایی غیر از سفر شغلی، نماز و روزه‌اش شکسته است.

ج) اگر به سـفر غیر شـغلی برود، آیا بعد از این سـفر حکم دائم السفر بودن باقی است؟ حتّی اگر یک سفر دائم السفری برود، و بعد سفر اسـتثنایی کند، آیا بعد از این سـفر اسـتثنایی سـفر اوّل دائم السفری سفر دوّم حساب می‌شود؟ بدین معنا که این سفر استثنایی به دائم السفر بودن لطمه نمی‌زند؟

جواب: اگر آن سفر زیاد طولانی نشود، لطمه‌ای به کثیرالسفر بودن او نمی‌زند.

سؤال ۲۵۴- چگونه جایی وطن انسان می‌شود؟

جواب: هرگاه کسـی قصـد داشـته باشـد برای مـدّتی طولانی، مثلًا یک سال یا بیشتر، در جایی سـکونت کنـد آنجا در حکم وطن او خواهد بود.

سؤال ۲۵۵- لطفاً در مورد وطن به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) کسـی که به وطن پـدر خود رفت و آمـد می‌کند (در چند مرحله، ولی در طول سال کمتر از شـش ماه در آنجا اقامت دارد) و آن مکان را به عنوان وطن قبول دارد، آیا آنجا وطن او محسوب می‌شود؟

ب) کسی که در جایی به دنیا آمده، ولی در آنجا زندگی نکرده، یا کمتر از شش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۸

ماه در آنجا بوده، آیا آنجا وطن او محسوب می‌شود؟

جواب الف و ب: وطن جایی است که انسان در آن زندگی مستمر دارد، و لااقل هر سال چند ماه در آنجا می‌ماند، و بقیّهٔ اموری که ذکر کردید تأثیری ندارد.

د) کسـی که در جایی به دنیا آمـده، و چند سال ابتدایی عمر در آنجا زندگی نموده، و از آنجا به شـهر دیگری مهاجرت کرده، و از وطنش اعراض نکرده، و در صورت امکان برای زندگی به آنجا بازخواهدگشت، (هر سال در تابسـتان مدّتی به آنجا می‌رود) حکم نماز و روزهٔ او چگونه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که قصـد داشـته باشـد در آینـدهٔ نه چندان دور (مثلًا در چند سال دیگر) برای سـکونت مسـتمر به آنجا بازگردد، اعراض حاصل نشده و نماز و روزه‌اش در آنجا تمام است. در غیر این صورت، نمازش شکسته است.

ه) آیا همسر و فرزندان هم در مسائل و احکام، مثل مرجع تقلید، وطن و اعراض از وطن، تابع پدر خانواده می‌باشند؟

جواب: در مسألـهٔ تقلیـد تـابع نیسـتند و در وطن و اعراض هرگـاه بـا پـدر زنـدگی می‌کننـد و موافق نظرات او هسـتند تـابع محسوب

می‌شوند.

و) آیا داشتن ملک و املاک شخصی، یا پدری تأثیری در حکم وطن دارد؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۲۵۶- کسانی که برای مأموریّت محدود (دو تا پنج سال) به جدّه می‌آیند و گاه‌وبیگاه به خارج از حد مسافرت می‌کنند، نمازشان تمام است یا قصر؟

جواب: نماز و روزه آنها در جدّه تمام و در سفرهای خارج از حدّ مسافت شرعی شکسته است.

سؤال ۲۵۷- با توجّه به مسئلهٔ فوق، اگر در هفته یک بار به مکّهٔ مکرّمه یا مدینهٔ منوّره سفر کنند، کثیرالسفر محسوب می‌شوند؟

جواب: به این مقدار کثیرالسفر نمی‌شوند؛ ولی همان‌طور که می‌دانید در تمام مکّه و مدینه مخیّر هستند نماز را تمام بخوانند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۸۹

نماز قضا

اشاره

سؤال ۲۵۸- برخی از بیماران در اثر بیماری به حالت اغما می‌روند، یا طیّ عمل جرّاحی توسّط پزشک بیهوش می‌شوند و نمی‌توانند نماز بخوانند، آیا نمازهای این مدّت را باید قضا کنند؟

جواب: نماز در موقع بیهوشی قضا ندارد.

سؤال ۲۵۹- در عبادات قضا دائر مدار فعلیّت حکم است، یا دائر مدار تنجّز حکم؟

جواب: در بسیاری از موارد تنجّز حکم کافی است؛ مانند کسی که خواب می‌ماند و نمازش قضا می‌شود، یا فراموش می‌کند، و یا در غفلت می‌ماند.

سؤال ۲۶۰- در صورتی که یک یا دو رکعت از نماز در وقت، و بقیّه در خارج از وقت واقع شود، آیا این نماز ادا محسوب می‌شود، یا قضا، یا ادا و قضا؟

جواب: اگر حتّی یک رکعت آن در وقت واقع شود، ادا است.

نماز قضای پدر و مادر

سؤال ۲۶۱- اگر کسی فوت کند، و اولاد او ندانند میّت نماز یا روزهٔ قضا دارد یا خیر؟ چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: باید حمل به صحّت کنند، و بگویند ان شاء اللّه چیزی بر ذمّه ندارد.

[نماز جماعت]

فضیلت نماز جماعت

سؤال ۲۶۲- روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز صبح را با جماعت خواند ولی علی علیه السلام را در مسجد ندید. از فاطمه علیها السلام علّت را جویا شد، آن حضرت عرض کرد: «علی دیشب تا سپیدهٔ صبح مناجات داشت، خستگی ناشی از سنگینی عبادت شبانه باعث شد که نماز صبح را در خانه بخواند». حضرت فرمودند: «به علی بگو که مناجات شب را کوتاه کند، و قدری استراحت نماید، تا نماز جماعت صبح را از دست ندهد».

الف) آیا حدیث فوق از نظر سند و دلالت مورد قبول شماست؟

جواب: روایت مزبور از نظر سند قابل گفتگوست؛ ولی به هر حال کم کردن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۰

مناجات شب برای شرکت در نماز جماعت صبح اولویّت دارد.

ب) شیعه معتقد است که امامان علیهم السلام حتّی قبل از امامت دچار گناه و معصیت، و حتی ترک اولی، نمی‌شدند. اگر مطلب فوق را بپذیریم باید قبول کنیم که امام علی علیه السلام در آن مورد دچار اشتباه شده است؛ زیرا فضیلت نماز جماعت را رها کرده، و به مناجات شبانه روی آورده است! شما چه می‌فرمایید؟

جواب: ترک نماز جماعت گناه نیست، و منافات با مقام عصمت ندارد؛ بلکه نوعی ترک اولی است و اگر جنبهٔ تعلیم به دیگران داشته باشد، ترک اولی هم محسوب نمی‌شود.

ج) حدیث فوق به گونه‌ای است که شخصیّت حضرت علی علیه السلام را پایین آورده، و در مقابل عظمت نماز جماعت را بالا برده است، نظر شما چیست؟

جواب: همانطور که گفتیم ممکن است هدف، آموزش این حکم شرعی برای عامّهٔ مردم باشد. در این صورت مقام آن حضرت پایین نمی‌آید. فراموش نکنید روایت از نظر سند هم محلّ بحث است.

سؤال ۲۶۳- در قطعه زمینی که در نزدیکی مسجد قرار دارد، نماز جماعت برقرار است. آیا اقامهٔ نماز به جماعت در آن مکان اولویّت دارد، یا به صورت فرادی و در مسجد افضل است؟

جواب: جماعت ترجیح دارد.

شرایط امام جماعت

اشاره

سؤال ۲۶۴- امام جماعت ما کمرش خمیده است، امّا این خمیدگی به حدّ رکوع نمی‌رسد، و برای رکوع مقدار بیشتری خم می‌شود که صدق رکوع می‌کند، آیا اقتدا به چنین امامی صحیح است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۲۶۵- عدالت یکی از شرایط امام جماعت است که در تعریف عدالت می‌فرمایند: «گناه کبیره نکند، و اصرار بر صغیره نداشته باشد» اگر کسی مدّتی امام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۱

جماعتی را می‌شناسد و می‌داند که او شخصی بزرگوار است و از لحاظ عقیده و سائر مسائل، انحرافی در او وجود ندارد؛ ولی یکی دو مورد از او غیبتی سر زده است. این کار باعث سقوط عدالت او می‌شود؟

جواب: باید این موارد استثنایی را توجیه کرد؛ شاید او معتقد بوده که در موارد فوق، فردِ غیبت شده جایز الغیبهٔ بوده؛ هر چند در اعتقاد خود خطا کرده باشد.

سؤال ۲۶۶- آیا کسی که پشت سر امام جماعتی غیبت کرده، می‌تواند به آن امام اقتدا کند؟

جواب: در صورتی که امام جماعت را عادل می‌داند اقتدا به او اشکالی ندارد؛ ولی در هر حال باید از گناه خود توبه کند، و اگر مشکل خاصّی ایجاد نمی‌شود از او حلالیّت بطلبد.

اقتدا به غیر روحانی

سؤال ۲۶۷- در صورتی که با حضور روحانی به امام جماعت غیر روحانی اقتدا شود، حکم نماز مأمومین از لحاظ صحّت و بطلان چیست؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۲۶۸- در صورتی که طلبه‌ای بتواند به صورت غیر مرتّب و نامنظّم نماز جماعت را در مسجدی اقامه کند، و برای فردی غیر معمّم امکان اقامهٔ جماعت به صورت منظّم وجود داشته باشد، وظیفهٔ مأمومین اقتدا به کدام یک است؟

جواب: در این گونه موارد هرگاه روحانی حضور پیدا کند، او اقامهٔ جماعت می‌کند، و هرگاه او حضور پیدا نکند، فرد غیر روحانی اقامهٔ جماعت می‌کند.

سؤال ۲۶۹- در مساجدی که در طول سال به فرد غیر روحانی اقتدا می‌شود، در زمانهای خاصّ تبلیغ، مانند ایّام ماه مبارک رمضان که روحانیّون محترم برای تبلیغ اعزام می‌گردند، اولویّت اقامهٔ جماعت با کدام است؟

جواب: اولویّت با روحانی جامع الشرائط است.

سؤال ۲۷۰- در صورتی که در مساجد دیگری، دور یا نزدیک، به وسیلهٔ روحانیّون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۲

جماعت اقامه گردد، وظیفهٔ اصحاب مسجدی که امام جماعت غیر روحانی دارند چیست؟ اقامهٔ جماعت در همین مسجد با فرد غیر روحانی، یا تعطیل جماعت در این مسجد و اقامهٔ جماعت با فرد روحانی در مسجد دیگر؟

جواب: اگر مسجدی در آن نزدیکی نیست، و دسترسی به امام جماعت روحانی نباشد، امامت غیر روحانی که واجد شرایط باشد مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۱- آیا یک طلبه می‌تواند در مواقعی که امام جماعت نیامده، نماز جماعت را برپا کند؟

جواب: می‌تواند امامت کند تا نماز جماعت تعطیل نشود.

احکام جماعت

سؤال ۲۷۲- در بعضی از مساجد اعتکاف در طبقهٔ بالا برگزار می‌گردد. قرار گرفتن مردان معتکف به هنگام نماز جماعت در طبقهٔ بالا، در حالی که زنان در طبقهٔ زیرین آن مکان واقع شده‌اند، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بین آنها حجابی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۳- در مسجد جامع شهر ما بین قسمت نماز خواهران (طبقه بالا) و قسمت برادران (طبقه پایین) دیواری به ارتفاع حدود هفتاد و عرض چهل سانتی‌متر حائل است. آیا این مقدار مانع اتّصال صفوف خواهران و برادران می‌شود؟

جواب: چنانچه خواهران هنگام ایستادن مقداری از صفوف جماعت را مشاهده کنند، و هر دو محل یکی حساب شود، مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۴- اگر امام نماز استیجاری بخواند، آیا مأمومین می‌توانند به او اقتدا کنند؟

جواب: در صورتی که نماز استیجاری از کسی باشد که به طور قطع نماز از او فوت شده، امامت چنین کسی اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۵- اگر مرجع تقلید امام جماعت و نمازگزار مختلف باشد، و در بعضی از مسائل نماز، مراجع آنها با هم اختلاف نظر داشته باشند، وظیفهٔ مأموم چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۳

جواب: در صورتی که نداند نماز امام طبق فتوای مرجع او باطل است، می‌تواند به او اقتدا کند.

سؤال ۲۷۶- وظیفهٔ طلّاب در مورد مساجدی که فاقد امام جماعت است، و احیاناً امکاناتی برای پرداخت حق الزحمه ندارند، چیست؟

جواب: سزاوار است طلّاب در این گونه موارد اقامهٔ جماعت کنند.

سؤال ۲۷۷- طبق معمول مراسم ترحیم در مساجد برگزار می‌گردد، که بعضاً در روز جمعه واقع می‌شود؛ مسجد تا مصلّای شهر حدّ اقل یک کیلومتر فاصله دارد. با توجّه به تحقیقاتی که از حاضرین شده، کسی قصد شرکت در نماز جمعه ندارد، همان گونه که قصد تحقیر نماز جمعه هم در کار نیست. آیا می‌شود اوّل وقت نماز را به جماعت خواند؟

جواب: خواندن نماز جماعت در شرایط مزبور اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است برای احترام نماز جمعه، جماعت را در وقت نماز جمعه ترک کنند.

سؤال ۲۷۸- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر امام جماعتی به عنوان اعتراض نماز جماعت را ترک کند، و با مراجعهٔ مکرّر هیأت أمنا و مؤمنین، حاضر نشود به مسجد بیاید، و مسجد، خصوصاً در ایّام تبلیغی محرّم و صفر، تعطیل گردد. آیا هیأت امنا می‌توانند از امام جماعت دیگری، که جامع الشرائط باشد، جهت اقامهٔ نماز جماعت در مسجد دعوت کنند؟

۲- اگر امام جماعت قبلی بگوید: «راضی نیستم کسی در این مسجد نماز جماعت بخواند.» آیا این سخن مسموع است؟

۳- آیا امام جماعت می‌تواند از هیأت امنای مسجد حقوق ماهانه مطالبه کند؟

جواب: هرگاه امام جماعتی به هر دلیلی مسجد را ترک کند، و حاضر به اقامهٔ جماعت در آن نگردد، رضایت او برای اقامهٔ جماعت توسّط امام جماعت دیگر- که جامع الشرائط باشد- شرط نیست. و امام جماعت نمی‌تواند برای نماز جماعت مطالبهٔ وجه کند، ولی سزاوار است مؤمنین او را تأمین کنند. و در هر حال، شایسته است اختلافات را به طور مسالمت‌آمیز حل کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۴

سؤال ۲۷۹- چندی است که مکبّر نماز جماعت مسجد روستایمان، تکبیرات نماز را به وسیلهٔ بلندگو می‌گوید. شخصی به عدّهٔ قلیلی از مأمومین القا کرده که نماز جماعتی که تکبیر آن با بلندگو گفته شود باطل، و قضای آن واجب است! بدین جهت، آن عدّهٔ قلیل همزمان با نماز جماعت، نماز خود را به صورت فُرادی می‌خوانند. در حالی که زمانی که نماز جماعت با بلندگو برگزار می‌گردد، به تعداد مأمومین افزوده شده، و در استفاده از بلندگو انگیزه‌ای جز تبلیغ در امر نماز و تشویق سایرین نمی‌باشد. لطفاً نظر خود را در رابطه با امور زیر مرقوم فرمایید:

۱- جماعتی که تکبیراتش با بلندگو گفته شود چه حکمی دارد؟

۲- نماز کسانی که نماز خود را همزمان با جماعت به صورت فرادیٰ می‌خوانند چگونه است؟

۳- شخصی که با القای نظریّهٔ مذکور باعث تفرقه و جدایی در جماعت شده، چه حکمی دارد؟

جواب: ۱- در صورتی که تکبیر را بلند بگویند هیچ گونه ضرری به نماز جماعت نمی‌رساند، ولی باید صدای بلندگو طوری تنظیم شود که مزاحمتی برای مردم ایجاد نشود. مخصوصاً در نماز صبح اوّل وقت؛ و در هر حال اگر گویندهٔ تکبیر از این دستور تخلّف کند، لطمه‌ای به جماعت نمی‌زند.

۲- کسانی که به هنگام اقامهٔ جماعت نماز فرادیٰ می‌خوانند اگر نماز آنها اهانت به جماعت، یا هتک امام جماعت باشد نمازشان اشکال دارد.

۳- افراد نباید بدون اطّلاع از مسأله پیش خود اظهار نظری کنند که باعث تفرقهٔ بین مؤمنین گردد.

سؤال ۲۸۰- برخی از جلسات قرائت قرآن، که به طور هفتگی و مستمر در منازل تشکیل می‌شود، قبل از مغرب شروع و ساعتی پس از مغرب خاتمه پیدا می کند.

روحانی محل از اعضای آن جلسات خواسته که جهت حفظ احترام مسجد، و به منظور این که روش مذکور فراگیر نشود، وقت جلسه را طوری قرار دهند که قبل از مغرب تمام، یا پس از پایان نماز جماعت آغاز شود. امّا آنها نپذیرفته‌اند و می گویند:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۵

«ما نماز جماعت را، توسّط یکی از اعضا، در محلّ تشکیل جلسه برقرار می کنیم.» به نظر حضرت عالی حق با کیست؟

جواب: سزاوار نیست جلسات قرائت قرآن مزاحم نماز اوّل وقت شود؛ ولی اگر هنگام اذان جلسه را موقّتاً تعطیل کنند، و نماز جماعت را برپا دارند، و بعد از نماز جلسه را ادامه دهند، مانعی ندارد. و اگر مراعات جماعت مسجد نیز بشود، بهتر است.

سؤال ۲۸۱- واقف خواهان اعلمیّت و اهل محل بودن پیش نماز می‌باشد، ولی هم اکنون پیش نماز امام جمعهٔ محترم شهر است، که اهل این شهر نمی‌باشد. اقامهٔ نماز به امامت فرد مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: نظر واقف نسبت به تعیین امام جماعت شرط نیست.

سؤال ۲۸۲- امام جماعت محلّ در یکی از سخنرانیهای خود فرمود: «انسان می‌تواند اعمال مستحبّی هر روز خود را، به یکی از امامان معصوم علیهم السلام اهدا کند تا مورد استجابت واقع گردد.» نظر جنابعالی در این مورد چیست؟

جواب: اهدای اعمال مستحبّی به معصومین علیهم السلام اشکالی ندارد، بلکه مستحبّ است؛ ولی اگر عمل اشکالی داشته باشد، با این کار برطرف نمی گردد.

نماز آیات

سؤال ۲۸۳- لطفاً در مورد نماز آیات، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) این که فرموده‌اید این نماز واجب فوری است، آیا کارهایی مانند قضای حاجت، یا پرداخت بدهی، و مانند آن، منافات با فوریّت آن دارد؟

ب) اگر در حین خواندن نماز واجب، زلزله‌ای رخ دهد، وظیفهٔ ما در مورد نماز واجب و آیات چیست؟

ج) اگر فرد مورد اطمینانی به انسان بگوید: «دیروز زلزله آمده» و انسان اطمینان پیدا کند، در صورتی که در مجامع عمومی، مثل بازار و خیابان بوده، و چیزی نشنیده است وظیفهٔ او چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۶

جواب الف: مراد آن است که سهل انگاری نکند و عقب نیاندازد.

جواب ب: چنانچه در وسط نماز واجب زلزله‌ای رخ دهد، بعد از اتمام نماز واجب، نماز آیات را به جا می‌آورد.

جواب ج: نماز آیات بر چنین کسی واجب نیست، هر چند احتیاط آن است که آن را بجا آورد.

سؤال ۲۸۴- در روز ۱۹ خرداد ۱۳۸۳ سیّارهٔ زهره در مدار گردش خود به دور خورشید، از مقابل خورشید عبور کرد. به طوری که برای زمینیان با چشم مسلّح به صورت لکه‌ای سیاه رنگ بر روی خورشید قابل رؤیت بود.

۱- آیا این پدیده همچون کسوف جزئی محسوب گشته، و موجب وجوب نماز آیات می گردد؟

۲- آیا قرار گرفتن دیگر سیّارات در مقابل یکدیگر، بطوری که مانع از رؤیت همدیگر شوند، باعث وجوب نماز آیات می‌شود؟

جواب ۱: این مقدار کسوف جزئی محسوب نمی‌شود.

جواب ۲: نماز آیات مخصوص به خسوف و کسوف خورشید و ماه است.

نماز جمعه

سؤال ۲۸۵- در رسالهٔ توضیح المسائل آمده است: «وقت نماز جمعه از اوّل ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود، و با گذشتن آن، وقت نماز جمعه پایان می‌یابد.» مستدعی است مقدار زمان آن را از نظر ساعت بیان فرمائید.

جواب: وقت نماز جمعه عبارتست از مقدار زمانی که برای ایراد خطبه‌ها به صورت متعارف و انجام نماز به طور متعادل لازم است، و ممکن است در حدود یک ساعت الی یک ساعت و ربع از اوّل زوال متعارف باشد، و بعد از آن وقت نماز جمعه می گذرد.

سؤال ۲۸۶- در منطقهٔ ما دو نماز جمعه اقامه می‌شود، که مسافت بین این دو

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۷

محل دارای دو راه است؛ نخست راهی قدیمی که مسافت آن کمتر از یک فرسخ است، و ده درصد مردم با پای پیاده آن را طی می کنند؛ راه دوّم که جدید و مسافت آن بیش از یک فرسخ است نود درصد مردم با وسیلهٔ نقلیّه آن را طی می کنند.

بفرمایید معیار در تعیین مسافت بین جمعتین کدام راه است؟

جواب: معیار راهی است که غالب مردم از آن استفاده می کنند.

سؤال ۲۸۷: ۱- حکم حضرت عالی دربارهٔ دو نماز جمعه که از مدّتی قبل در محدودهٔ کمتر از یک فرسخ برگزار می‌شود چیست؟

جواب: نمازی که مقدّم است صحیح است، و دوّمی باطل.

سؤال ۲۸۸: ۲- نمازی که تأخّر تکبیری داشته و لو از نظر زمان تأسیس نسبت به دیگری تقدّم داشته باشد صحیح است، یا ملاکِ صحّت تقدّم تأسیسی است هر چند از نظر تقدّم و تأخّر تکبیری تقدّم نداشته باشد؟

جواب: معیار شروع در خطبه‌هاست؛ هر کدام قبلًا شروع کنند نمازشان صحیح است.

سؤال ۲۸۹- امام جمعه‌ای در رکعت دوّم نماز پس از رکوع قنوت خواند، و بعد از قنوت اشتباهاً دوباره به رکوع رفت، تکلیف نماز امام جمعه و مأمومین چیست؟

جواب: نماز امام و مأمومینی که همراه امام به رکوع اضافی رفته‌اند باطل است، و آنها که متوجّه اشتباه امام شده و به رکوع نرفته‌اند نماز خود را به صورت جمعه تکمیل می کنند، و سپس احتیاطاً نماز ظهر را هم به جا می‌آورند.

سؤال ۲۹۰- اقامه نماز مستحبّی، یا قضا، یا استیجاری، پس از پایان خطبه و قبل از اقامهٔ نماز جمعه چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط ترک آن است.

سؤالاتی دیگر پیرامون نماز

سؤال ۲۹۱- آیا بر کسی که یقین دارد برای نماز صبح خواب می‌ماند، لازم است به کسی سفارش کند که برای نماز او را صدا کند، یا کار دیگری کند که خواب نماند؟ در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۸

صورت احتمال چطور؟ دلیل آن چیست؟

جواب: این کار واجب نیست ولی احتیاط آن است که در صورت علم به فوت

نماز کاری کند که بیدار شود.

سؤال ۲۹۲- آیا ازالهٔ موهای زائد بدن واجب است؟ ترک این کار تأثیری در صحّت، یا قبولی نماز دارد؟

جواب: واجب نیست؛ ولی ازالهٔ موهای اطراف عورت مستحب است.

سؤال ۲۹۳- اگر «تراشیدن ریش» و «حقّ الناس بر ذمّه داشتن» فحشا و فساد محسوب شود، و استمرار داشته باشد، آیا موجب بطلان تمام نمازهای انسان می‌شود؟ چون به گفتهٔ قرآن «نماز انسان را از فساد و فحشا دور می کند» پس استمرار این فحشا و فسادها باعث می‌شود نماز ما نماز واقعی نباشد. نظر شما چیست؟

جواب: هر نمازی انسان را از گناه و فساد بازمی‌دارد، ولی دائرهٔ آن مختلف

است. هر قدر نماز کاملتر باشد نهی از فساد و فحشایش گسترده‌تر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۹۹

فصل دهم: احکام روزه

مبطلات روزه

سؤال ۲۹۴- آیا در هنگام روزه می‌توان دندانها را مسواک کرد؟ اگر مسواکِ مرطوب شده، در اثر تماس با آب دهان مجدّداً برای تمیز کردن دندانها به کار رود، چه حکمی دارد؟

جواب: مسواک کردن در حال روزه، مانعی ندارد. ولی اگر رطوبت پیدا کند و مسواک را بیرون آورده و به دهان بازگرداند و رطوبت آن در آب دهان مستهلک نگردد، جایز نیست، و در صورتی که با خمیر دندان مسواک کند، باید دهان را بعد از آن کاملًا بشوید.

سؤال ۲۹۵- در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان در کنار موتوری بودم که دود می کرد. فکر می کنم در آن موقع از ناحیهٔ بینی بیشتر تنفّس می کردم. آیا روزهٔ من باطل شده است؟

جواب: اگر در عرف آن را دود غلیظ بدانند، و شما هم عمداً و با توجّه استنشاق کرده باشید، روزهٔ شما اشکال پیدا می کند، و اگر مشکوک بوده است، اشکالی ندارد.

سؤال ۲۹۶- در محلّی کار می کنیم که به خاطر موازین بهداشتی مجبوریم هر روز یک یا چند بار در استخر «کلر+ آب» فرو رفته و خارج شویم؛ با توجّه به این که کلّ سر و بدن ما در آب فرو می‌رود، روزه‌های ما چه حکمی دارد؟ در ضمن من و دوستانم نمی‌توانیم تمام ماه رمضان را مرخّصی بگیریم. وظیفهٔ ما چیست؟

جواب: بهترین راه آن است که در استخر بروید و سر را زیر آب نکنید؛ بلکه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۰

آب بر سر خود بریزید، یا نیمی از سر را یک بار در آب فرو برید، و نیم دیگر را بار دیگر.

کفّاره و قضای روزه

سؤال ۲۹۷- آیا جایز است به وسیلهٔ کفّارهٔ روزه، به فقرا اطعام داده شود؟ این حکم شامل مساکین نیز می‌شود؟

جواب: کفّارهٔ روزه را به فقرا و مساکین هر دو می‌توان داد.

سؤال ۲۹۸- اگر کسی در ماه مبارک رمضان سه روز از روزه‌های خود را عمداً با کار حرامی باطل کرده، و اکنون سخت پشیمان باشد، و نتواند برای هر روز ۶۰ روز روزه بگیرد، یا یک بنده آزاد کند، آیا می‌تواند فقط به ۶۰ نفر فقیر غذا دهد؟

جواب: مطابق، مسألهٔ ۱۴۰۲ رسالهٔ توضیح المسائل ما عمل کند.

سؤال ۲۹۹- شخصی به خیال این که در روز ماه مبارک رمضان، آمیزش با زوجه نه حرام است و نه روزه را باطل می کند، مرتکب

آن شده است، آیا کفّاره هم دارد؟

جواب: فقط قضا دارد.

تشخیص ضرر برای بیمار

سؤال ۳۰۰- پزشکان شخص بیماری را از روزه گرفتن منع می‌کنند؛ ولی او می‌داند که روزه برایش ضرر ندارد. چه باید بکند؟

جواب: باید روزه بگیرد.

سؤال ۳۰۱- در بعضی موارد، پزشکان در مورد بیماران چنین اظهار نظر می‌کنند:

«روزه برای این فرد ۸۰٪ مضر است» و منظورشان این است که طبق آمار علمی ۸۰٪ افرادی که با این بیماری روزه می‌گیرند دچار ضرر شده‌اند. در صورتی که این اظهار نظر برای انسان یقین‌آور باشد، ولی وضعیّت خود را از نظر تطبیق آمار بر خودش نداند حکم روزهٔ او چیست؟

جواب: چنین آمارهایی در صورتی که از اطبّای متعهّد شنیده شود طبعاً موجب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۱

خوف ضرر می‌شود، و روزه با آن واجب نیست.

سؤال ۳۰۲- متأسّفانه کلیه‌ام سنگ‌ساز است. بدین جهت پزشک مرا از روزه منع کرده، و دستور داده که روزانه حدّ اقل ۱۰ لیوان آب بنوشم. آیا نظر ایشان، که فردی متدیّن می‌باشد، لازم الاتّباع است؟ اگر روزه بگیرم، و به علّت عدم شرب مایعات در روزهای ماه رمضان کلیه‌ام طبق پیش‌بینی پزشک دچار مشکل شود، آیا مرتکب معصیت شده و روزه‌ام باطل است؟

جواب: هرگاه از گفتهٔ طبیب حاذق متعهّد خوف ضرر پیدا کنید که روزه برایتان ضرر دارد روزه را افطار می‌کنید، و چنانچه پس از ماه مبارک توانستید، قضای آن را به جا آورید. و اگر بیماری شما تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرد، قضا بر شما واجب نیست؛ بلکه برای هر روز فقط یک مدّ طعام (هفتصد و پنجاه گرم گندم، یا مانند آن) به فقیری می‌پردازید. و با توجّه به این که اشتیاق زیادی برای روزه گرفتن دارید، خداوند ان شاء اللّه به شما اجر روزه داران را عنایت خواهد کرد.

رؤیت هلال

سؤال ۳۰۳- اگر از سوی حاکم شرع اهل سنّت اوّل ماه رمضان اعلام شود، برای کسانی که در آن بلاد هستند، و تقیّه‌ای هم در تبعیّت نیست، و خودشان هم یقین به اوّل ماه پیدا نکرده‌اند، آیا تبعیّت لازم است؟

جواب: در فرض مسأله، تبعیّت واجب نیست.

سؤال ۳۰۴- با توجّه به این که در زمان حاضر وسایل پیشرفته در زمینهٔ نجوم وجود دارد، و افرادی در این علم دارای تخصّص بوده، و در این فن، خِبره می‌باشند، و رجوع به اهلِ خبره یک سیره بوده، و صحیح می‌باشد؛ و با توجّه به این که این افراد بر اساس محاسبات دقیق اعلان نظر می‌کنند. مثلًا می‌گویند: «در فلان سال، فلان روز و ساعت و دقیقه و ثانیه، در فلان کشور، کسوف اتّفاق می‌افتد» و چنین هم می‌شود، پرسش ما این است که: چرا در رابطه با حلولِ ماه مبارک رمضان، یا شوّال،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۲

به آنان رجوع نمی‌شود، و افراد عادی برای رؤیت ماه به خارج شهرها فرستاده می‌شوند، تا تکلیف صوم و افطار روشن گردد؟

جواب: ما معتقدیم که اگر علمای نجوم در عصر ما با استفاده از وسایل دقیقی که در دست دارند در مسألهٔ هلال ماه اتّفاق نظر داشته باشند، مخالفت با آنها مشکل است، مگر این که گروه کثیری ادّعای رؤیت بر خلاف آن بنمایند. و این نظریّه را در سالهای

گذشته منتشر کردیم.

سؤالات متفرّقهٔ روزه

سؤال ۳۰۵- این جانب با یکی از باشگاههای فوتبال اروپا قرار داد امضا کرده، که در طول یک سال در اختیار آن تیم باشم. قاعدتاً بایستی در تمام برنامه‌های ورزشی و تمرینهای سخت بدنی، که لازمهٔ پیروزی تیم در مسابقات آتی است، تابع باشم. از آنجا که بخشی از تمرینات سخت بدنی در ماه مبارک رمضان واقع خواهد شد، و امکان انجام آن با زبان روزه میسّر نیست، و از سوی دیگر مسئول باشگاه می گوید:

«شما انسان متدیّن و مؤمنی هستید، و ما میلیونها خرج شما کرده، و وقت شما را از قبل خریده‌ایم، و در صورت خودداری شما از شرکت در تمرینات و شکست تیم، از شما راضی نیستیم. و لهذا با توجّه به این که شما در این سال از ما حقوق می گیرید، و متعهّد به ما هستید نباید روزه بگیرید» آیا می‌توانم بر اساس قرار داد با آن باشگاه، و به منظور تعهّد به آن تیم، برای پیروزی در مسابقات- که مستلزم افطار روزه است- روزه نگیرم، و سال بعد قضا کنم؟

جواب: در شأن یک مسلمان نیست که اقدام به عقد چنین قرار دادی کند؛ زیرا این قرار داد شرعاً باطل است، و باید به دیگران گفت که عقیدهٔ مذهبی ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. و اگر راهی ندارید، می‌توانید روز اوّل را به مسافرت مثلًا یک ساعته بروید و برگردید، و باز هم قبل از ده روز سفری مانند آن انجام دهید. البتّه به شرط این که بخواهید مدّت طولانی مثلًا یک سال، در آن محل بمانید.

سؤال ۳۰۶- هنگامی که یک قسمت کرهٔ زمین شب است، قسمت دیگر آن روز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۳

می‌باشد. بنابراین زمانی که ما در شب قدر قرار می گیریم، در سوی دیگر کرهٔ زمین روز است. شب قدر در این قسمت از کرهٔ زمین چه وقت است؟

جواب: منظور از شب همان قرار گرفتن سایهٔ قسمتی از کرهٔ زمین بر روی قسمت دیگر است؛ بنابراین، اگر شب قدر مثلًا از ایران شروع شود تا زمانی که این سایه تمام کرهٔ زمین را فراگیرد شب قدر ادامه دارد. و در واقع ۲۴ ساعت طول می کشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۵

فصل یازدهم: احکام اعتکاف

اهمیّت اعتکاف

سؤال ۳۰۷- اهمیّت اعتکاف را برای همه مخصوصاً نسل جوان، بیان فرمایید:

جواب: در دنیای پرغوغای مادّی، که جاذبه‌ها به سوی مادّیّت است، بر قلب و روح انسان زنگار می‌نشیند. زنگاری از غفلت و دوری از خدا، که اگر با نیایش و عبادت برطرف نگردد، ممکن است روحانیّت و معنویّت را از وجود انسان برچیند. و این که در روایات اسلامی نماز تشبیه به نهر آب پاکیزه‌ای شده که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد، اشاره به همین نکته است.

در میان عبادات «اعتکاف» ویژگی خاصّی دارد، و از جهاتی شبیه به مراسم حج و احرام است، که انسان را به جهانی مملوّ از روحانیّت و معنویّت سوق می‌دهد. در محیط یک مسجد جامع سه روز ماندن، روزه گرفتن، و به عبادت پرداختن، و در خودسازی

کوشیدن، و به غیر خدا نیندیشیدن، تحوّل عظیمی در روح انسان پدید می‌آورد، که صفا و نورانیّت آن بی‌نظیر است. به حمد اللّه در سالهای اخیر اعتکاف از سوی قشر جوان، و مخصوصاً دانشجویان عزیز، مورد استقبال واقع شده، و لذّت و آثار این عبادت روحانی را دریافته‌اند، و ما این استقبال عظیم را به آنها تبریک می‌گوییم. امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان در این امر، که وسیلهٔ مؤثّری برای قرب پروردگار است، نیز نسبت به دیگران پیشگام باشند، و از نتایج معنوی آن کاملًا بهره‌مند شوند.

شرایط اعتکاف

سؤال ۳۰۸- اگر مردی به همسرش اجازهٔ اعتکاف بدهد، ولی در روز سوّم پشیمان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۶

شود، تکلیف زن چیست؟ اگر کفّاره واجب شود بر عهدهٔ کیست؟

جواب: زن اعتکاف را تا آخر ادامه می‌دهد.

سؤال ۳۰۹- حکم اعتکاف کودک نابالغ، خصوصاً بعد از ورود به روز سوّم اعتکاف، چیست؟

جواب: در صورتی که ممیّز باشد، و شرایط اعتکاف را انجام دهد، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۰- آیا شرکت در مراسم و راه‌پیمایی‌های مهم مانند روز قدس، ۲۲ بهمن، و مانند آن، جزء مصادیق ضرورت عرفی، یا شرعی محسوب می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که معتکف در این امور شرکت نکند.

مکان اعتکاف

سؤال ۳۱۱- با توجّه به استقبال زیادِ مشتاقینِ اعتکاف، و عدم ظرفیّت مساجد جامع برای انجام این امر، نظر حضرت عالی در مورد اعتکاف در سایر مساجد چیست؟

جواب: اعتکاف باید در مسجد جامع باشد.

خروج از مسجد

سؤال ۳۱۲- کسانی که مشکل خاصّی از نظر تغذیه دارند، آیا می‌توانند جهت آوردن غذا از محلّ اعتکاف خارج شوند، و مجدّداً بازگردند؟

جواب: در صورت ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۳۱۳- هرگاه معتکف برای کار ضروری از مسجد خارج شود، حکم ایستادن و راه رفتن در سایه چیست؟

جواب: اشکالی ندارد.

مبطلات اعتکاف

سؤال ۳۱۴- آیا در حال اعتکاف می‌توان صیغهٔ عقد خواند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۷

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۵- اگر معتکف در معامله‌ای پول نپردازد، بلکه جنس را نسیه بخرد، یا نسیه بفروشد، یا برای معامله نائب بگیرد، یا پول را

به دست خود فروشنده ندهد، یا مستقیماً پول از دست خریدار نگیرد، اعتکاف چه حکمی پیدا می کند؟

جواب: حکم معامله کردن قبلًا گذشت؛ ولی اگر دیگری را نائب بگیرد، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۶- معتکف از کسی طلبکار است، آیا می‌تواند طلب خویش را بازستاند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۱۷- پول دادن به حمّامی به خاطر استفاده از حمّام مستحبّ است؛ آیا این عمل به عنوان خریدوفروش، که مبطل اعتکاف است، محسوب می‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۸- آیا رفتن به حمّام نزدیک محلّه، جهت انجام مستحبّات اعتکاف، خروج از اعتکاف محسوب، و موجب ابطال آن می‌شود؟ رفتن به منزل نزدیک مسجد جهت حمّام استحبابی چطور؟

جواب: هر دو اشکال دارد.

سؤال ۳۱۹- پول دادن به افرادی که معتکف نیستند، جهت خرید لوازم مورد نیاز، مثل شامپو و خمیر دندان و مانند آن، چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه ضروری است، مانعی ندارد.

سؤال ۳۲۰- در مساجد معمولًا عطر می‌زنند، و گریزی از آن نیست، وظیفهٔ معتکف چیست؟

جواب: عمداً استنشاق نکند.

سؤال ۳۲۱- آیا معتکف می‌تواند از صابونها و شامپوهای معطّر استفاده کند؟

جواب: احتیاطاً پرهیز کند.

سؤال ۳۲۲- ملاقات و گفتگوی اعتکاف‌کننده با اعضای خانواده‌اش (همسر، خواهر، مادر) در طول اعتکاف چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۸

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۲۳- اگر روزه برای کسی ضرر داشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکاف اشخاصی که روزه برای آنها ضرر دارد باطل است.

سؤال ۳۲۴- آیا نگاه شهوت‌انگیز موجب بطلان اعتکاف و وجوب کفّاره می‌شود؟

جواب: موجب بطلان اعتکاف نمی‌شود.

محرّمات اعتکاف

سؤال ۳۲۵- کدام یک از محرّمات اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ و در چه مواردی کفّاره واجب می‌شود؟

جواب: پنج چیز بر معتکف حرام است:

۱- تمتّع از همسر، خواه جماع باشد، یا لمس و بوسیدن، بنابر احتیاط.

۲- استمناء بنابر احتیاط؛ هر چند از طریق حلال باشد، مانند ملاعبهٔ با همسر.

۳- بوییدن عطریّات و بوهای خوش؛ هر چند به قصد لذّت نباشد.

۴- خریدوفروش، بلکه مطلق تجارت با نبودن ضرورت بنابر احتیاط؛ ولی پرداختن به امور مباح دنیوی مانند خیّاطی و امثال آن اشکال ندارد.

۵- جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، و در این امور فرقی میان شب و روز نیست و هر یک از امور فوق اعتکاف را باطل می کند.

سؤال ۳۲۶- اگر در حال اعتکاف معامله‌ای انجام دهد آیا معامله نیز باطل می‌شود؟

جواب: معامله باطل نیست.

متفرّقات اعتکاف

سؤال ۳۲۷- گفتن شعر در اعتکاف نهی شده است؛ اگر در اعتکاف اشعاری در مدح اهل بیت علیهم السلام بیان شود، آیا خللی در اعتکاف ایجاد می کند؟

جواب: خللی وارد نمی کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۰۹

سؤال ۳۲۸- اگر کسی در نیّت خود شرط رجوع کند، آیا بدون بروز مانع می‌تواند اعتکاف را در روز سوّم بهم بزند؟

جواب: اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۱

فصل دوازدهم: احکام خمس

منافع کسب

سؤال ۳۲۹- پزشکان برای معاینهٔ بیمار نیاز به وسائل پزشکی دارند. حکم خمس این وسائل، در موارد ذیل چگونه است؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۱۱۱

الف) در صورتی که این وسائل را نقداً خریداری کرده باشند.

ب) در صورتی که این وسائل را به صورت اقساطی خریداری کرده، و اقساط آن را به تدریج در ظرف چند سال می‌پردازند.

ج) در صورتی که مبلغی را قرض گرفته، و این وسائل را خریده، و ماهانه اقساط وام را می‌پردازند، و بر این وام سود هم تعلّق گرفته باشد.

د) وسائل مصرفی پزشکی، که پزشکان برای بیماران استفاده می کنند مثل لوازم پانسمان و تزریق و مانند آن.

جواب الف تا د: تمام این امور جزء سرمایه محسوب می‌شود. اگر از پول نقد تهیّه شده، یا اگر اقساطی بوده قسط آن را پرداخته‌اند و سال بر آن گذشته، خمس دارد.

سؤال ۳۳۰- شخصی پارچهٔ چادری تهیّه نموده، ولی به خاطر مشغلهٔ کاری، یا علل دیگر، نتوانسته آن را برای دوختن به خیّاط بدهد، و اکنون سال خمسی او فرا رسیده است، آیا خمس این چادر را باید بپردازد؟

جواب: در صورتی که نیاز به آن داشته، هر چند اتّفاقاً آمادهٔ مصرف نشده، خمس ندارد.

سؤال ۳۳۱- اگر ملکی را برای افراد معیّن، مثلًا فرزندان خود، وقف کند خمس دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۲

جواب: هرگاه قبل از گذشتن سال خمس وقف کند خمس ندارد.
سؤال ۳۳۲- آیا اشیای زینتی که در حدّ شأن خانواده است، مانند قاب عکس، ولی نداشتن آن نقص محسوب نمی‌شود، مشمول خمس است؟
جواب: لوازم زندگی اگر در حدّ شأن باشد خمس ندارد.
سؤال ۳۳۳- آیا به مبالغی که شخص بیمه شده در طول چندین سال به شرکت بیمه پرداخت می‌کند، و بعداً به تدریج به عنوان حقوق ماهیانه به وی پرداخت می‌شود، خمس تعلّق می‌گیرد؟
جواب: خمس تعلّق نمی‌گیرد؛ مگر این که چیزی از هزینهٔ سال او اضافه بماند.
سؤال ۳۳۴- کسانی که از نظر موقعیّت مالی ضعیف هستند، آیا می‌توانند برای مخارج ازدواج پسر، یا برای تهیّه جهیزیّه دخترشان، پول پس‌انداز کنند؟
جواب: خمس به آن تعلّق می‌گیرد؛ امّا اگر زیاد در زحمت باشد ما خمس آن را به آنها می‌بخشیم.
سؤال ۳۳۵- از دانشگاه وام گرفته‌ام، و پنج سال دیگر این وام را از من پس می‌گیرند. و به عبارتی من الان به آنها بدهکار هستم. آیا سر سال خمسی که می‌رسد، می‌توانم مقادیر فوق را از موجودی کسر نمایم؟ یا پنج سال بعد که قسط آن قرضها را دادم جزء مؤونهٔ همان سال محسوب می‌شود، و نباید سر سال خمسی پنج سال بعد آن مقادیر را به موجودی اضافه نمایم؟
جواب: اقساط مذکور جزء مؤونهٔ همان سالی محسوب می‌شود که پرداخت می‌گردد.
سؤال ۳۳۶- امروزه برای حجّ واجب ثبت نام می‌کنند و پس از چند سال شخص را به حج می‌فرستند. با توجّه به این که پول چند سال نزد آنها می‌ماند و در همان سال خرج نمی‌شود، با رسیدن سال خمسی باید خمس آن را داد؟
جواب: هرگاه از درآمد همان سال ثبت نام باشد خمس ندارد.
سؤال ۳۳۷- شخصی لباس یا وسیلهٔ دیگری برای جهیزیّهٔ فرزندش می‌خرد. پس از گذشت چند سال آن را از جهیزیّه بر داشته و به عنوان هدیه به فرزند دیگرش
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۳
می‌دهد، یا در مصادف ضروری‌تر هزینه می‌کند. آیا پرداخت خمس آن واجب است؟
جواب: خمس ندارد.
سؤال ۳۳۸- آیا به سرمایهٔ ثابت طلافروشان خمس تعلّق می‌گیرد؟
جواب: آری سرمایه خمس دارد؛ ولی یک بار که خمس بدهند کافی است، و بعداً فقط افزایش را حساب می‌کنند.

مصرف خمس

سؤال ۳۳۹- شخصی از سیّد فقیری طلبی دارد. می‌خواهد طلبش را از بابت سهم سادات حساب کند، ولی فعلًا سهم سادات بدهکار نیست، و از طرفی هم می‌خواهد این سیّد به او بدهکار نباشد. آیا راهی وجود دارد که سیّد مذکور به این شخص مدیون نباشد، و از سوی دیگر این شخص بتواند سهم ساداتی که سالهای آینده بر ذمّهٔ او می‌آید را بابت طلب این سیّد بردارد؟
جواب: می‌تواند با اجازهٔ حاکم شرع آن را بپردازد؛ یعنی در واقع به حاکم شرع وام می‌دهد، که بعداً از باب وجوه با او محاسبه کند.
سؤال ۳۴۰- شخصی جنس معیّنی از سیّد نیازمندی طلبکار است، و می‌خواهد مقداری از طلبش را از بابت سهم ساداتی که بر ذمّه‌اش آمده، حساب کند. با توجّه به این که بدهکار مذکور قدرت پرداخت هیچ مقدار از بدهیش را ندارد. به چه شکل عمل

کند؟

جواب: می‌تواند بدهی او را از بابت سهم سادات قیمت کرده، و حساب کند.

سؤال ۳۴۱- کسانی که تنها از طرف مادر سیّد هستند، چه امتیازاتی دارند؟

جواب: از جهاتی حکم سیّد دارنـد، و از جهاتی ندارنـد. خمس نمی‌تواننـد بگیرند، و از لباس مخصوص سادات نمی‌توانند استفاده کنند؛ امّا از جهاتی شرافت سیادت دارند.

سؤالات متفرّقهٔ خمس

سؤال ۳۴۲- پدرم اعتقاد چندانی به مسائل دینی ندارد، و فقط نماز و روزه را به جا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۴

می‌آورد؛ آن هم کاملًا سرسری، امّا بقیّهٔ تکالیف مانند خمس و زکات و مانند آن را رعایت نمی‌کند. نمی‌خواهم اموال ایشان در مسائل زندگی من داخل شود، امّا اصرار دارند که به من کمک کنند. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- چه کار کنم؟ تکلیف غذا خوردن در آنجا چیست؟

جواب: شما می‌توانید از مال ایشان استفاده کنید، و خمسش را بپردازید.

۲- مبلغی که تاکنون کمک کرده‌اند، مرا به ایشان زیاد وابسته کرده است. به نظر شما چه کاری در این شرایط مناسب است؟

جواب: وابستگی به پدر چیز مهمّی نیست. سعی کنید با اخلاق خوش و منطق مؤدّبانه، پدر را به راه راست بیاورید.

۳- عـدم رعـایت فروع دین، عـدم اعتقـاد عملی به اصول را نشـان می‌دهـد. دوستی بـا ایشـان من را نسبت به دین و حلال و حرام و واجبـات بی‌تفـاوت می‌کنـد. چگونه می‌توان این مطلب را به ایشـان متـذکّر شـد به طوری که ناراحت نشود، و از طرف من نیز اتمام حجّت شـده باشـد. با توجّه به این که ایشان بسیار عاطفی هستند، و به کوچکترین انتقادات سازنـده‌ای ناراحت می‌شونـد، و اشـک می‌ریزند؟

جواب: سـعی کنیـد با تواضع و بردباری و زبان خوش، تـدریجاً در ایشان نفوذ کنیـد، و هرگز مأیوس نشویـد. و تـذکّرات در خلوت باشد، نه در جلوی مردم، و به صورت خیراندیشـی باشد، نه به صورت انتقاد و خشونت و بدانید سـهل انگاری در فروع، همیشه دلیل بر عدم ایمان به اصول نیست.

سؤال ۳۴۳- تصـرّف در وجوه صـدقه، کفّاره، زکات، خمس و مانـند آن، به عنوان قرض و سـپس برگرداندن آن چه صورت دارد؟ پولهایی که به عنوان امانت در نزد انسان است چطور؟

جواب: در صورتی که صاحب پول، آنها را به عنوان صـدقه یا خمس جـدا کرده، می‌توانـد در آنها تصـرّف کند؛ ولی اگر کسـی به عنوان امانت به آنها سپرده، حقّ تصرّف ندارند.

سؤال ۳۴۴- در بعضی از محافل بحثی مطرح هست که آیا مالیات در نظام اسلامی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۵

(آن هم گـاهی بـا در صـد زیاد) جایگزین خمس و زکات می‌شود؟ و در صورتی که جایگزین نمی‌شود، برای کسانی که خمس و زکات می‌دهند، چاره‌ای اندیشیده شده تا مالیات کمتری (لا اقل به میزان خمس و زکاتِ پرداختی) بدهکار باشند؟

مخصوصاً با توجّه به این که در صدر ادارهٔ مالیات و اخذ وجوهات، فقیه جامع الشرائط نظارت و حضور دارد؟

جواب: مسألـهٔ مهمّ این است که مالیـات نوعی هزینـهٔ کـار اقتصادی است. یعنی کسـی که فعّالیّت اقتصادی دارد، از جادّه‌ها اسـتفاده می‌کنـد، از امنیّت بهره می‌گیرد، از رسانه‌های جمعی کمک می‌گیرد، و از دیگر امکانات بهره‌منـد می‌گردد. اگر این امکانات نبود،

کار اقتصادی ممکن نمی‌شد، یا بهرهٔ کمی داشت. بنابراین وظیفه دارد سهمی از هزینه‌های کارهای عمومی دولت، که در انجام امور اقتصادی او مؤثّر است را بپردازد، و این یک امر طبیعی است. حال اگر بعد از پرداختن مالیات، چیز اضافه‌ای برای او باقی نماند، خمس به او تعلّق نمی‌گیرد، و اگر اضافه بماند ۸۰ درصد آن مال خود اوست، و ۲۰ درصد دیگر که خمس است در حال حاضر عمدتاً صرف مسائل فرهنگ اسلامی، و حفظ عقاید و ارزشها می‌گردد، که سود آن عائد مردم می‌شود. چون اگر حوزه‌ها نباشد، نسل آینده از اسلام دور و جدا می‌گردد. بنابراین، اساساً نباید قلمرو مالیاتها را با وجوه شرعیّه مخلوط کرد.

سؤال ۳۴۵- نظر به این که متدیّنین اهل پرداخت خمس و زکات هستند، و بر انجام این وظیفه افتخار دارند. اگر بر حسب اتّفاق کسی از آنها فقیر و نیازمند شد، آیا برای آنها در شرع مقدّس نهادی منظور شده که به آن مراجعه کند؟ تا هم محلّ رفع نیاز محتاجین باشد، و هم متدیّنین بدانند اگر امروز از روی اخلاص و قصد قربت خمس پرداخت می‌کنند، روزی هم به آنها کمک می‌شود؟

جواب: البتّه بیت المال مرجعی برای این کار است.

سؤال ۳۴۶- هرگاه کسی بدهکار خمس یا زکات باشد، و قرض هم داشته باشد، بدهیهایی از بابت کفّاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب شده باشد، چنان چه نتواند همهٔ آنها را بپردازد تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۶

جواب: هرگاه عین مالی که خمس یا زکات یا نذر به آن تعلّق گرفته موجود است، خمس و زکات و نذر مقدّم می‌باشد، و اگر عین آن موجود نیست، حق النّاس اولویّت دارد.

سؤال ۳۴۷- کسی که حساب سال ندارد، و خمس نمی‌پردازد، آیا شرعاً می‌تواند فقط مقداری از اموال را مخمّس کند و به حج برود؟

جواب: این کار جایز است؛ ولی اگر می‌خواهد از حج خود به طور کامل نتیجه بگیرد تمام اموال خود را پاک کند.

سؤال ۳۴۸- آیا بر مالی که صاحبش شک دارد خمس آن را داده یا نه، خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: احتیاط آن است که خمس آن را بپردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۷

فصل سیزدهم: احکام زکات

زکات فطره

سؤال ۳۴۹- حد اقلّ مدّت زمانی که باید شخصی میهمان صاحبخانه باشد تا نانخور او محسوب شود، چند شبانه روز است؟

جواب: چهار پنج روز کافی است.

سؤال ۳۵۰- این جانب پنج شب قبل از شب عید میهمان شخصی بودم. شب عید را در منزل خود افطار کردم، و چند شب بعد از عید را هم میهمان آن شخص شدم.

فطریّه‌ام بر عهدهٔ کیست؟

جواب: بر عهدهٔ خود شماست؛ ولی احتیاط آن است که از میزبان خود برای پرداخت این فطریّه نیز اجازه بگیرید.

سؤال ۳۵۱- هرگاه میزبان مقلّد حضرتعالی باشد، که فطریّهٔ کسی که فقط شب عید را میهمان اوست بر عهدهٔ میزبان نمی‌داند، و میهمان مقلّد مرجعی باشد که فطریّه چنان شخصی را بر عهدهٔ میزبان می‌داند، تکلیف فطریّهٔ میهمان چیست؟

جواب: در فرض سؤال بر عهدهٔ هیچ کدام نیست.

سؤال ۳۵۲- در صورت عکس مسأله بالا چه می‌فرمایید؟

جواب: هر دو باید بپردازند، و مانعی ندارد که یکی از آن دو از دیگری اجازه بگیرد، که اصالتاً و نیابتاً فطریّه را بپردازد.

سؤال ۳۵۳- زکات فطرهٔ کارمندان دولت، چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، بر عهدهٔ کیست؟

جواب: بر عهدهٔ خود آنهاست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۸

سؤال ۳۵۴- زکات فطرهٔ روحانیّون در ماه مبارک رمضان، که جهت تبلیغ به شهرها و بخش‌ها و روستاها سفر می‌کنند، و غالباً در منزل یکی از اهالی محل سکونت دارند، و لکن هر شب برای افطاری به منزل اشخاص دعوت می‌شوند، بر عهدهٔ کیست؟

جواب: زکات فطرهٔ آنها بر هیچ کس واجب نیست؛ مگر این که چند روزی از ایّام آخر ماه رمضان در یک جا باشند، ولی اگر سحرها مرتّباً یک جا باشند، بر عهدهٔ صاحب آن منزل است.

سؤال ۳۵۵- زکات فطرهٔ دانشجویان داخل و خارج کشور، که در دانشگاهها تغذیه می‌شوند، بر عهدهٔ خودشان است، یا دانشگاه؟

جواب: با توجّه به این که دانشجویان محترم معمولًا غذا خریداری می‌کنند، هر چند با قیمت نازل باشد، زکات فطره بر خودشان است، یا بر کسی که خرجی آنها را می‌دهد.

سؤال ۳۵۶- آیا زکات فطرهٔ کارگرانی که در کارخانجات، یا مؤسّسات کار می‌کنند، بر عهدهٔ خودشان می‌باشد، یا آن مؤسّسه و کارخانه؟

جواب: با توجّه به این که تغذیه در این گونه موارد جزئی از حقوق آنها محسوب می‌شود، زکات فطره بر خود آنهاست.

مصرف زکات فطره

سؤال ۳۵۷- صرف زکات فطره در راه آزادی افراد فقیری که بر اثر اشتباهاتی در زندان به سر می‌برند، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۸- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون مصرف زکات فطره پاسخ فرمایید:

الف) آیا زکات فطره را می‌توان در ساخت یا تعمیر غسّالخانه، مساجد، مدارس و حسینیّه‌ها مصرف نمود؟

ب) آیا محلّه‌های فقیرنشین می‌توانند در جشنهای انقلاب، همانند ۲۲ بهمن، زکات فطره مصرف نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۱۹

ج) محلّی که اکثریّت اهالی آن توانایی مالی ندارند، آیا می‌توانند برای دست مزد کسی که زبالهٔ آنها را جمع‌آوری می‌کند، از پول زکات فطره استفاده کنند؟

د) در روستایی که اکثریّتشان فقیرند، جلساتی از طرف دولت برگزار می‌شود، یا مأمورین دولت به آنجا اعزام می‌شوند، (مثل مأمورین صندوقهای اخذ رأی) آیا می‌توان برای غذای آنها از زکات فطره هزینه کرد؟

ه) اهالی روستایی فقیر هستند. آیا می‌توان از زکات فطره در کارهای عام المنفعهٔ چنین روستایی مصرف نمود؟

جواب: مصرف زکات فطره، بنابر احتیاط واجب، فقط فقرا و مستمندان هستند؛ ولی از زکات مال می‌توان در کارهای دینی و فرهنگ دینی استفاده کرد.

سؤال ۳۵۹- مصرف زکات فطره برای درمان بیمارهای بی‌بضاعت چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶۰- استفاده از فطریّه جهت مصارف آموزشگاههای دولتی (با توجّه به مشکلات و کمبودهای مالی مدارس، و در صورت تمایل اولیای دانش‌آموزان) چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب این است که فطریّه را فقط صرف نیازهای فقرا کنند.

سؤال ۳۶۱- آیا برای مسئولین مدارس جایز است فطریّهٔ کسانی را که مایل هستند جمع‌آوری نموده، و به خانواده‌های دانش‌آموزانی که شرعاً مستحقّ هستند، برسانند؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۳۶۲- آیا زکات فطره را می‌توان به پدر و مادر، یا فرزند نیازمند خود داد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۶۳- آیا زکات فطره را می‌توان به برادر و خواهر فقیر، یا سایر اقوام نیازمند داد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶۴- آیا زکات فطره را می‌توان به سادات محترم داد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۰

جواب: تنها زکات فطرهٔ سادات را به سادات نیازمند می‌توان داد.

سؤال ۳۶۵- در صورتی که نوهٔ انسان نیازمند باشد، آیا می‌توانیم فطریّهٔ خود را به وی بدهیم؟

جواب: دادن فطریهٔ به نوه (چه دختری و چه پسری) اشکال دارد.

سؤال ۳۶۶- اگر مرد خانواده‌ای که سیّد بوده فوت کرده باشد، و اکنون خانمش که غیر سیّده است سرپرست خانواده باشد. آیا می‌تواند فطریّه غیر سادات را بگیرد، و صرف فرزندان نیازمندش که از سادات هستند نماید؟

جواب: می‌تواند خودش آن را تملّک کند، و بعد برای آنها صرف نماید.

سؤال ۳۶۷- وظیفهٔ شخصی که سالهای متمادی زکاهٔ فطره را جمع نموده، و صرف غیر نیازمندان کرده چیست؟

جواب: باید تمام آنها را اعاده کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۱

فصل چهاردهم: احکام حج

استطاعت

سؤال ۳۶۸- زوج، زوجهٔ عقد بستهٔ خود را از رفتن به عمره منع کرد، ولی با توجّه به این که هنوز زوجه در خانهٔ پدر هست، و نفقه خور همسرش به حساب نمی‌آید؛ عازم سفر عمره گردید، آیا سفر زوجه سفر معصیت است؟ آیا احرام او صحیح می‌باشد؟ به هر حال وظیفهٔ فعلی زوجه چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که رضایت شوهر را جلب کند، و حج و عمرهٔ او در هر حال صحیح است، ولی احتیاط آن است که نمازهای خود را جمع بخواند، و اگر سفر اوّل او باشد، خواه برای حج یا عمره، اجازهٔ شوهر شرط نیست.

سؤال ۳۶۹- سهم الارث شخصی به اندازهٔ استطاعت حج می‌باشد. ولی این شخص ماشین ندارد، و در شأن اوست که ماشین داشته باشد، هر چند در مضیقه نیست.

یعنی اگر ماشین نخرد هم زندگی او می‌گذرد، ولی با ماشین راحت‌تر زندگی می‌کند.

آیا این شخص واجب الحج است؟

جواب: در صورتی که ماشین نیاز دارد، می‌تواند صرف خرید ماشین کند.

سؤال ۳۷۰- در سؤال فوق، اگر اصلًا ماشین به او ارث رسیده باشد، فرقی دارد؟

جواب: در صورت نیاز به ماشین تفاوتی ندارد.

سؤال ۳۷۱- چند سالی است که سازمان حج و زیارت همه روزه از داوطلبان تشرّف به حجّ تمتّع، ثبت نام می‌کند. یعنی داوطلبان با واریز مبلغ یک میلیون تومان در نوبت اعزام قرار می‌گیرند. از طرفی این سازمان اعلام کرده: «با توجّه به تعداد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۲

افرادی که تا به امروز ثبت نام کرده‌اند، کسانی که از این به بعد برای ثبت نام مراجعه می‌کنند حدود سه سال دیگر به حج مشرّف خواهند شد.» لازم به توضیح است این برنامه به معنای انجام قرعه‌کشی نیست؛ بلکه اولویّت اعزام برای کسانی است که زودتر ثبت نام کرده یا می‌کنند. حال سؤال این است که: با توجّه به مراتب فوق، اگر کسی استطاعت مالی داشته باشد، واجب است اقدام به ثبت نام کند، و در این نوبت حدوداً سه‌ساله قرار گیرد؟ یا به دلیل باز نبودن راه مستطیع نیست، و می‌تواند در مال خود تصرّف نموده، و خود را از استطاعت مالی خارج کند، و تا زمانی که شرایط به صورتی درآید که در همان سالِ ثبت نام اعزام صورت گیرد ثبت نام واجب نیست؟

جواب: ثبت نام برای کسانی که استطاعت دارند واجب است.

میقات

سؤال ۳۷۲- مسافرانی که به قصد حجّ تمتّع وارد جدّه می‌شوند، و قصد دارند اوّل به مکّه مشرّف شوند (مثل حاجیان پاکستان،) آیا حتماً باید از جحفه محرم شوند، یا با توجّه به این که «جدّه» محاذی «جحفه» است، می‌توانند از جدّه نیز احرام ببندند؟

جواب: احرام حجّ تمتّع از جدّه جایز نیست؛ زیرا محاذات آن با هیچ یک از میقاتها ثابت نشده است. باید به جحفه، یا یکی دیگر از میقاتهای حج تمتّع بروند.

سؤال ۳۷۳- آیا با شرایط فعلی، که شهر مکّه بزرگ شده، و مسجد تنعیم در داخل مکّه قرار گرفته، این مسجد همچنان میقات است و می‌توان از آنجا احرام بست؟

در صورت میقات بودن، شب و روز، و در سایه رفتن و نرفتن از نظر حکم شرعی تفاوت می‌کند؟

جواب: مسجد تنعیم میقات عمرهٔ مفرده است، و شب و روز در آن فرق نمی‌کند، و زیر سایه رفتن در داخل شهر مکّه ضرری ندارد.

سؤال ۳۷۴- با توجّه به نظرات متفاوت مبنی بر محاذی بودن یا نبودن جدّه با میقات جحفه، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۳

الف) احرام بستن جهت عمرهٔ مفرده، از جدّه برای شاغلین در آن شهر چگونه است؟

ب) احرام برای مسافرینی که با هواپیما به جدّه می‌آیند، و می‌خواهند عمرهٔ مفرده بجا بیاورند چگونه است؟ در صورت طرح موضوع نذر، لطفاً مشخّص فرمایید که آیا می‌توان از جدّه نذر کرد، یا می‌بایست قبل از رسیدن به جدّه نذر نمود؟

جواب الف: جدّه محاذی با هیچ یک از میقاتهای شش‌گانه نیست؛ ولی یکی از میقاتهای عمرهٔ مفرده حدیبیّه است، که در وسط راه مکّه و جدّه قرار دارد. و امروزه در محاذات آن در نزدیکی پل شمسیّه علامتگذاری شده، و مسجدی بنا کرده‌اند، که از آن محرم می‌شوند.

جواب ب: نذر از جدّه مانعی ندارد.

احرام

سؤال ۳۷۵- وقفِ به حرکت، و وصلِ به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟

جواب: در هر دو صورت، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۷۶- آیا طهارت لباس احرام، یا سایر شرایط لباس نمازگزار، شرط صحّت احرام نیز هست؟ و آیا با ترک عمدی آن، احرام اشکال پیدا می‌کند؟

جواب: لباس احرام باید مثل لباس نمازگزار پاک باشد، و سایر شرایط لباس نمازگزار را نیز داشته باشد.

سؤال ۳۷۷- دو سال قبل به حج مشرّف شدم. به خاطر ناتوانی و بیماری و خوف از ازدحام و ترس از حیض، اعمال بعد از منیٰ را قبل از وقوفین به جا آوردم. لکن در اثر جهل به مسأله آنها را بدون احرام انجام دادم. سپس محرم به احرام حجّ شده، و به عرفات و مشعر رفتم، و اعمال منی را انجام دادم. اکنون متوجّه اشتباه خود شده‌ام. لطفاً تکلیف بنده را روشن فرمایید.

جواب: نگران نباشید، اعمال شما صحیح بوده و نیاز به اعاده نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۴

محرّمات احرام

سؤال ۳۷۸- گاه در شهر مکّه به قدری ملخ فراوان است، که هنگام راه رفتن، پا روی آن گذاشته می‌شود. آیا در این گونه مواقع مواظبت لازم است؟ و در صورت لزوم، اگر مراقبت نکند و ملخی کشته شود، کفّارهٔ آن چیست؟

جواب: مراقبت لازم است، و اگر مراقبت نکند کفّارهٔ آن یک کفِّ طعام است بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۳۷۹- آیا خون گرفتن از بدن با سرنگ، از مصادیق ادمای محرّم است، و در حال احرام پرهیز از آن لازم می‌باشد؟

جواب: جزء ادماء محسوب می‌شود؛ ولی به فتوای ما، ادماء برای مُحرِم مکروه است، نه حرام.

سؤال ۳۸۰- پرداختن کفّارهٔ تظلیل مُحرِم سیِّد، به سادات فقیر چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۸۱- آیا می‌شود به یک مستحقّ، سه کفّاره داد؟ در صورت عدم جواز، اگر کسی این کار را کرده باشد، آیا قضا لازم است؟

جواب: کفّارات حجّ را به هر تعداد به مستحقّ می‌شود داد، تا آن اندازه که غنی نشود.

طواف

سؤال ۳۸۲- خانمی برای آن که بتواند اعمال حج را انجام دهد، از قرص استفاده کرده است. لیکن در ایّام عادت یا خارج از آن ایّام خون دیده، و نمی‌داند که جریان خون تا سه روز ادامه پیدا می‌کند یا نه؟ یا احتمال می‌دهد که تا سه روز ادامه پیدا نکند، در فرض داشتن صفات یا نداشتن صفات حیض، تکلیف او چیست؟

جواب: در فرض مسأله به محض مشاهدهٔ خون احکام حائض را رعایت می‌کند، ولی چنانچه تا سه روز ادامه پیدا نکند، حیض نیست و باید نماز آن چند روز را قضا کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۵

سؤال ۳۸۳- آیا ریا در ادعیهٔ طواف موجب بطلان طواف می‌شود؟

جواب: موجب بطلان طواف نمی‌شود.

سؤال ۳۸۴- یک ماه پیش به سفر مکّه رفتم، و اعمال عمرهٔ مفرده را بجا آوردم.

پس از بازگشت متوجّه شدم که روی انگشت پای چپم به مقدار بسیار ناچیزی لاک (لکّه‌ای به اندازه ۳- ۲ میلیمتر) وجود داشته که متوجّه آن نشده و در نتیجه آن را پاک نکرده بودم. یقین دارم که این لاک پیش از سفر مکّه و غسل حیض، بر روی ناخن من بوده است. از این بابت بسیار نگران هستم. اعمالی که انجام داده‌ام چه حکمی دارد؟

جواب: اعمال شما ان شاء اللّه صحیح بوده، ولی سعی کنید در آینده چنین چیزی پیش نیاید.

سؤال ۳۸۵- أخیراً مأمورین سعودی مانع طواف افراد معذور (که با ویلچر طواف می‌کنند) در طبقهٔ همکف می‌شوند. طواف چنین اشخاصی در طبقهٔ بالا چه حکمی دارد؟ اگر نماز طواف و سعی را هم در همان طبقه بجا آورند چه صورت دارد؟

جواب: در فرض سؤال طواف آنها در طبقهٔ بالا اشکالی ندارد. و در مورد نماز طواف و سعی، اگر اجازه ندهند از پایین انجام گیرد، یا اجازه می‌دهند ولی مشقّت و عسر و حرج دارد، آن هم اشکالی ندارد.

نماز طواف

سؤال ۳۸۶- آیا در نیابت از چند نفر در یک عمره، یک نماز کفایت می‌کند، یا می‌بایست به تعداد منوب عنهم نماز طواف بجا آورد؟

جواب: یک نماز کافی است.

سؤال ۳۸۷- آیا نائب می‌تواند نماز منوب عنه را، بعد از انجام سعی توسّط منوب عنه بجا آورد؟

جواب: باید بعد از طواف بجا آورد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۶

رمی جمرات

سؤال ۳۸۸- با توجّه به این که ستون جمرات بازسازی شده و از طول و عرض و ارتفاع به مقدار زیادی به آن افزوده شده، رمی ستونهای جدید چه حکمی دارد؟

جواب: پرتاب کردن سنگریزه‌ها در حوضچه‌های فعلی کافی است، و نیز می‌توانند به ستونها بزنند تا در حوضچه‌ها بیفتد.

قربانی

سؤال ۳۸۹- با توجّه به این که سازمان حج تأکید می‌کند که با تلاشهایی که صورت گرفته، طبق تعهّد مسلّم مسئولین سعودی، امسال گوشتهای قربانی مطلقاً تلف نمی‌شود، بلکه تمام آن بسته‌بندی شده و صرف فقرا می‌گردد، و حتّی پوست و رودهٔ آن نیز مصرف می‌شود، آیا در این شرایط، مقلّدین حضرتعالی می‌توانند قربانی خود را در آنجا ذبح کنند؟

جواب: سازمان محترم حج نیز در نامه‌ای همین مطلب را از ما سؤال کرده‌اند و در پاسخ عرض کرده‌ایم: در شرایط جدید، مادام که گوشتهای قربانی کاملًا مصرف می‌گردد، بهتر است در آنجا ذبح شود؛ (هر چند قربانگاه‌ها خارج از منی است.) خدا را شکر می‌گوییم که فتوای مزبور تأثیر خود را گذاشت، و یکی از مشکلات مهمّ حج، یعنی اسراف عظیم و اتلاف گوشتهای قربانی، فعلًا حل شده است. بدیهی است شرایط تغییر کرده، و فتوا تغییر نکرده است. لذا هرگاه وضع برگردد و گوشت‌ها تلف شود، قربانی در آنجا جایز نیست.

عمرهٔ مفرده

سؤال ۳۹۰- فردی قبل از غروب آفتاب شب اوّل ماه، جهت عمرهٔ مفرده محرم شـده، و طبعاً اعمال مکّه را در ساعات اوّلیّهٔ ماه جدید انجام داده است، این عمره به حساب کدام ماه لحاظ می‌شود؟ در همین فرض، اگر بعد از غروب آفتاب محرم شود، چگونه محاسـبه می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۷

جواب: بعید نیست که معیار همان ماهی باشد که احرام در آن بسته شده است؛ هر چند احتیاط آن است که عمرهٔ ماه بعد را به قصد رجا بجا آورد.

سؤال ۳۹۱- ملاک برای انجام عمرهٔ مفرده در هر ماه، همان ماه است یا سی روز؟

جواب: ملاک همان ماه قمری است، نه سی روز.

حجّ کودکان

سؤال ۳۹۲- کودک ممیّزی بدون امر ولیّ در میقات محرم شده، و تنها سعی و تقصیر را انجام داده است. تکلیف او یا ولیّش نسبت به بقیّهٔ اعمال چیست؟

جواب: احتیاط آن است که برگردد و تمام اعمال، غیر از احرام، را انجام دهد.

و اگر توانایی ندارد از کسانی که به عمره می‌روند، خواهش کند که به نیابت از او انجام دهند.

سؤال ۳۹۳- اگر کودک ممیّزی بـدون اذن ولیّ، مُحرم شود و در حـال احرام، یکی از محرّمات را مرتکب شود، کفّارهٔ آن بر عهـدهٔ کیست؟

جواب: در غیر صید، کفّاره واجب نیست؛ نه بر ولیّ و نه بر طفل.

سؤال ۳۹۴- اگر ولیّ طفل، مقلّد مرجعی باشـد که به هنگام احرام، پوشـیدن لنگ و ازار را برای بانوان نیز لازم می‌دانـد، آیا هنگام محرم کردن دختربچّهٔ غیر ممیّز لازم است بر او لباس احرام بپوشاند؟

جواب: آری، لازم است.

سؤال ۳۹۵- پوشش دختر بچّه در حال طواف، چه اندازه است؟

جواب: احتیاط آن است که به مقدار معمول زنان باشد.

متفرّقه

سؤال ۳۹۶- مرحوم مـادرم، که مستطیع بوده، سـال گذشـته برای حـجّ تمتع ثبت نـام کرد، امّا متأسّـفانه بعـد از ثبت نام وفات یافت. ورّاث او، حقیر و دو پسر دیگر و یک دختر می‌باشیم. دختر آن مرحومه نیز بعد از مادر فوت کرده است. اینک که قرعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۸

برای حجّ سال جاری بنامش اصابت کرده، برادرانم طیّ موافقت نامه‌ای، رضایت داده‌اند که حقیر (که اولاد ارشد می‌باشم) به نیابت از او حجّ مذکور را برگزار نمایم.

امّا شوهر خواهر متوفّایم به ادّعای این که من یکی از ورّاث مادرتان (به واسطهٔ فوت خواهرتان بعـد از او) می‌باشم، راضـی به انجام حـجّ مـذکور نیستم، و تا سـهم الارث همسرم را برابر قیمت فعلی حـجّ تمتّع (که در بازار آزاد می‌خرنـد)، ندهید، امضا نمی‌کنم. با

توجّه به عرایض بالا، استدعا دارد بیان فرمایید:

الف) تتمّهٔ مخارج حجّ فوق الذّکر (که طبق فیش مزبور، بلدی می‌باشد) از اصل ترکهٔ مادرمان پرداخت می گردد، یا از ثلث آن؟

جواب: این مسأله چند حالت دارد: نخست این که مادر شما می‌توانسته حجّ برود و کوتاهی کرده، در این صورت، حجّ بر او واجب شده و باید از ترکهٔ او برداشته شود، ولی باید حجّ بلدی را به حجّ میقاتی تبدیل کرد، و تفاوت آن در میان ورثه تقسیم شود. مگر این که ورثه رضایت دهند.

دوّم: این که مادر جز از طریق فیش حجّ نمی‌توانسته به حجّ برود، ولی وصیّت کرده که با آن فیش، برای او حج بجا آورند. هرگاه این وصیّت زائد بر ثلث مال او نباشد، باید عملی شود و ورثه حقّی ندارند.

سوّم: این که نه مستطیع بوده که حجّ آزاد بجا آورد، و نه وصیّت کرده، بلکه فقط فیش حجّ داشته است. در این صورت حجّ بر او واجب نیست، و آن فیش تعلّق به همهٔ ورثه دارد، و باید بقیّهٔ ورثه یا رضایت دهند و یا سهم آنها به قیمت روز پرداخته شود. ضمناً توجّه داشته باشید در صورت اوّل و دوّم فقط هزینهٔ گوسفند و لباس احرام را می‌توان از مال میّت برداشت، نه چیز دیگر.

ب) در میان ورّاث آن مرحومه، چه کسی سزاوارتر است که حجّ مزبور را به نیابت از آن مرحومه انجام دهد؟

جواب: اگر وصیّت کرده، شخصی که دربارهٔ او وصیّت شده اوْلی است. در غیر این صورت، هر کدام که ورثه توافق کنند اولی است.

سؤال ۳۹۷- کسی که مستطیع است و در منطقه‌ای زندگی می کند که مسجد وجود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۲۹

ندارد، آیا می‌تواند پول حجّ را برای ساختن مسجد مصرف نماید؟

جواب: پول حجّ واجب را نمی‌توان در مسجد صرف کرد؛ ولی پول حجّ مستحبّ مانعی ندارد؛ بلکه بهتر است در چنین جایی مصرف گردد.

سؤال ۳۹۸- با توجّه به این که برخی از فقهای بزرگوار، حجر اسماعیل را جزو کعبه می‌دانند، خواندن نمازهای واجب، داخل حجر چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط این است که نماز واجب را در حجر اسماعیل و داخل کعبه نخوانند، ولی نماز مستحبّ مانعی ندارد؛ بلکه فضیلت دارد.

سؤال ۳۹۹- شخصی واجب الحج است؛ ولی دارای فامیل نزدیک، یا همسایهٔ فقیر و نیازمند به کمک‌های مالی می‌باشد، و چون زندگیش خیلی سخت می گذرد و آن قدر از نظر مالی پیشرفته نیست که بتواند هم به شخص فقیر برسد و هم حج بجا آورد، کدام یک به خیر و صلاح نزدیکتر است؟

جواب: کسی که حج بر او واجب شده باید به حج برود، و می‌تواند از وجوه شرعیّه‌ای که به اموالش تعلّق می گیرد به بستگانش نیز کمک کند.

سؤال ۴۰۰- در سالهای اخیر بانک به سپرده‌های مربوط به حجّ و عمره سود می‌دهد. لطفاً بفرمایید:

الف) گرفتن این سودها چه حکمی دارد؟

ب) آیا به سودهای مذکور که سال خمسی بر آن می گذرد خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: با توجّه به این که قراردادی بین مردم و سازمان حج در مورد سود منعقد نشده، و آنها با میل خود آن را می‌پردازند اشکالی ندارد. و هرگاه سود را جزء هزینهٔ حج به حساب آورند، خمس نیز به آن تعلّق نمی گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۱

فصل پانزدهم: احکام قضا

صفات قاضی

سؤال ۴۰۱- آیا عدالت در قاضی غیر مجتهد مأذون نیز شرط است؟ این امر برای شخص قاضی چگونه بایستی احراز گردد؟
جواب: آری عدالت شرط است. و آن عبارت از یک حالت خدا ترسی باطنی است، که او را از گناهان کبیره و اصرار بر صغیره حفظ می‌کند. و نباید در احراز آن زیاد سخت‌گیری کرد.

سؤال ۴۰۲- اگر قاضی در مورد کسبِ عدالت و یا حفظِ این شرط در خودش اطمینان نداشته باشد، و نسبت به آن مشکوک باشد، با توجّه به احتیاج مبرم جامعه و کمبود، تکلیف شرعی این فرد چیست؟
جواب: باید منصب قضا را به دیگری بسپارد.

سؤال ۴۰۳- طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قاضی مکلّف است طبق قانون عمل کند؛ نه بر مبنای اجتهاد شخصی. و از طرفی قضات مأذون فعلی در واقع قاضی شرع مذکور در فقه نبوده، بلکه کار آنها تقریباً حالت کارشناسی داشته، و از باب تطبیق موضوع بر قوانین مقرّره می‌باشد. با توجّه به این مطلب، و با پیشرفت روزافزون حضور زنان در مسائل و علوم مختلف، از جمله حقوق به عنوان ابزار اساسی در مسائل قضایی کنونی، بفرمایید:

۱- آیا در نظام قضایی موجود، ذکوریّت شرط لازم بر تصدّی قضاوت است؟
جواب: آری ذکوریّت شرط لازم است، بنابر احتیاط واجب؛ مگر این که زنان مقدّمات امر کارشناسی را انجام دهند، و قاضیِ مذکّرِ مافوق انشای رأی کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۲

۲- آیا زنان می‌توانند به عنوان قاضی تحکیم، عهده‌دار فصل خصومت شوند؟
جواب: اشکال دارد.

۳- با توجّه به این که امروزه رسیدگی به دعاوی غالباً دو مرحله‌ای است (مرحلهٔ بدوی و تجدید نظر،) و در مرحلهٔ بدوی، قاضی اصدار حکم می‌کند، به خلاف مرحلهٔ تجدید نظر، که در بسیاری موارد صرفاً کار آنها رسیدگی شکلی است (یعنی بررسی حکم صادره از لحاظ مطابقت و یا عدم مطابقت با قانون موضوعه) آیا در این صورت زنان می‌توانند به عنوان قاضی تجدید نظر انجام وظیفه نمایند؟
جواب: در صورتی که انشاء حکم از سوی مردان باشد، اشکال ندارد.

۴- با توجّه به این که در احکام قابل تجدید نظر، رأی قاضی در دادگاه بدوی قطعی نیست، و در صورت اعتراض هر یک از طرفین، دادگاه تجدید نظر نیز باید به رأی صادره را از لحاظ شکلی، و در مواردی از لحاظ ماهوی، رسیدگی کند، آیا در این گونه موارد می‌توان از زنان در دادگاه بدوی به عنوان قاضی استفاده کرد؟
جواب: هرگاه رأی نهایی از سوی مردان انشاء شود، اشکالی ندارد؛ ولی گشودن پای زنان به این گونه مراحل سرانجام منتهی به تصدّی آنها نسبت به منصب قضا به طور استقلال خواهد شد.

۵- با توجّه به این که در مسائل اختصاصی زنان، شهادت آنان معتبر بوده و قاضی نیز بر اساس آن حکم می‌دهد، آیا می‌توان گفت زنان در این موارد حقّ قضاوت دارند؟
جواب: مسألهٔ شهادت قابل مقایسه با مسألهٔ قضا نیست.

راه‌های اثبات جرم و برائت از اتّهام

الف و ب و ج) اقرار، بیّنه، علم قاضی

سؤال ۴۰۴- آیا شیوهٔ دادرسی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام از احکام ثابتِ غیر قابل تغییر است، یا غرض و هدف شارع مقدّس تحقّق عدالت و إحقاق حق است، و ابزار و روش تحقیق آن متغیّر و تابع مقتضیات زمان و مکان می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۳

جواب: راه اثبات جرم یا اقرار است، یا بیّنه، و یا علم حاکم که از قرائن حسّی یا قریب به حسّ حاصل می‌شود.

سؤال ۴۰۵- آیا نهادی مانند داد سرا در کنار دادگاه، که امور مقدّماتی مانند احضار و تحقیق از متّهم را بر عهده دارد، مخالف موازین شرع است؟ یا بودن این امور در دست غیر قاضی (صادرکننده حکم) مخالفتی با موازین شرع ندارد؟

جواب: در صورتی که نتیجهٔ تحقیقات دادسرا در اختیار قاضی قرار گیرد، و داخل در تحت یکی از عناوین سه‌گانه (اقرار، بیّنه و علم قاضی) باشد، منافاتی با احکام شرع ندارد.

سؤال ۴۰۶- آیا فتوای مراجع تقلید، مجتهدین و همچنین اخبار و احادیث و فرمایشات ائمّهٔ اطهار علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب احقاق حقّ، یا اثبات بی‌گناهی نافذ و قابل استناد است؟

جواب: در صورتی که قاضی مجتهد باشد، می‌تواند به اتّکای منابع اسلامی حکم صادر کند، و اگر مجتهد نباشد و از باب ضرورت متصدّی منصب قضا شده، باید طبق فتوای مراجع حکم صادر کند.

سؤال ۴۰۷- عدّه‌ای بر این عقیده‌اند که: «اگر اولیای دم مدّعی قتل عمدی گردند، ولی متّهم منکر عمدی بودن قتل شود، و دلایل موجود در پرونده به گونه‌ای باشد که برای حاکم شرع علم حاصل نشود، حاکم شرع قبل از احلاف متّهم حق ندارد قتل را شبه عمد یا خطای محض تلقّی کرده، و در مقام صدور حکم برآید.» نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: روشن است که در موارد تنازع باید یا به وسیلهٔ بیّنه و علم قاضی و یا به وسیلهٔ حلف منکر، دعوی حلّ و فصل شود، و این قاعدهٔ کلّی تمام ابواب دعاوی است، و صدور حکم قبل از آن جایز نیست.

د) قسم

سؤال ۴۰۸- هرگاه در قتل عمدی مورد از موارد لوث نبوده، و مدّعی هم بیّنه‌ای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۴

نداشته باشد، و به منکر اذن سوگند داده شود، چنانچه منکر از اتیان سوگند امتناع نماید، تکلیف چیست؟

جواب: در چنین مواردی مانند سایر موارد دعاوی عمل می‌شود؛ یعنی حاکم بعد از منکر یمین را به مدّعی می‌دهد، و با قسم خوردن او دعوی ثابت می‌شود.

سؤال ۴۰۹- با توجّه به قاعده‌ی

«البیّنة علی المدّعی و الیمین علی من انکر»

و با عنایت به حدیث شریف

«لا یمین فی حدّ»

بفرمایید:

الف) در صورت فقدان بیّنه و اقرار در دعاوی کیفری، آیا شاکی می‌تواند از متّهم تقاضای قسم نماید؟

جواب: در حدود و تعزیرات، همان گونه که در روایت بالا آمده، مطلقاً قسم نیست؛ ولی در قصاص و دیه قسم راه دارد.

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، در صورت نکول متّهم و ردّ قسم به شاکی، آیا با قسم شاکی می‌توان نامبرده را به مجازات مقرّر محکوم نمود؟

جواب: آری احکام ردّ قسم در قصاص و دیات نیز جاری است.

ج) چنانچه متّهم عمل ارتکابی را انکار نماید، و بگوید: «اگر شاکی قسم یاد کند مسئولیّت آن را می‌پذیرم» آیا به استناد حلف شاکی می‌توان متّهم را به مجازات جرم ارتکابی محکوم نمود؟

جواب: منکر باید قسم یاد کند. و اگر حاضر به قسم نشد و قسم را به شاکی ردّ کرد، و شاکی قسم خورد ادّعای شاکی ثابت می‌شود. (این در قصاص و دیات است، نه حدود و تعزیرات.)

د) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا در جرائمی مانند سرقت- که دارای جنبهٔ حقّ اللّهی و حق النّاسی هر دو می‌باشد- از جهت اثبات جنبهٔ مالی و کیفری تفاوتی وجود دارد؟

جواب: نسبت به مسائل مالی احکام یمین مردوده جاری است، ولی در حدّ یمین راه ندارد، بلکه باید از طریق بیّنه یا اقرار ثابت شود.

ه) در فرض فوق آیا بین حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تفاوتی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۵

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۴۱۰- شخصی مدّعی است که توسّط دیگری مصدوم شده، ولی برای اثبات ادّعای خود شاهدی ندارد، و مدّعی علیه منکر حضور خود در صحنهٔ مصدومیّت مدّعی می‌باشد. آیا در این فرض می‌توان قاعدهٔ فقهی

«البیّنة علی المدّعی و الیمین علی من انکر»

را جاری و مدّعی علیه را سوگند داد؟ آیا قاضی بدون درخواست شاکی می‌تواند متّهم را سوگند دهد؟

جواب: آری قاضی مستقلّاً از منکر تقاضای یمین می‌کند.

سؤال ۴۱۱- شخصی با بافندهٔ فرش ابریشم قرار داد می‌بندد که نخ ابریشم و هزینهٔ بافتن فرش به عهدهٔ وی، و فقط بافتن به عهدهٔ بافنده باشد، و پس از اتمام فرش و کسر هزینه‌های مربوطه، هر دو در سودش شریک باشند. بافنده پس از شروع به کار و بافتن مقداری از فرش، به صاحب کار اعلام می‌نماید: «شبانه به صحرا رفته بودم و در خانه هم کسی نبود، شخصی آمده و فرش را سرقت نموده است» در مقابل کارفرما به عنوان خیانت در امانت، شکایت نموده و مأمورین نیز پس از بررسی اعلام نمودند:

«در سرقت مورد ادّعا به قفل در خسارت وارد نشده، و دست نخورده است. و به نظر می‌رسد کار خود بافنده باشد» اکنون سؤال این است: آیا با توجّه به مراتب فوق الذّکر، و بر فرض صحّت ادّعای خود بافنده، نامبرده به عنوان سهل انگاری در امانت قابل مجازات، و ضامن خسارت است، یا موضوع با قسم بافنده حلّ و فصل می‌گردد، و وی ضامن پرداخت خسارت نخواهد شد؟

جواب: تا خیانت او ثابت نشود، ضامن نیست؛ ولی باید قسم یاد کند.

سؤال ۴۱۲- در محاکم دادگستری، به خصوص در بخش کیفری، در مواردی بستگان متوفّی یا مقتول از دادن سوگند به متّهم امتناع نموده، می‌گویند ما سوگند او را قبول نداریم. آیا در این فرض، که فصل خصومت و پایان دادن به نزاع متوقّف بر سوگند مدّعی علیه است، قاضی می‌تواند به دلیل این که ولیّ ممتنع است، برای فصل خصومت، خود اقدام به احلاف مدّعی علیه نموده و متعاقباً حکم به برائت صادر نماید، یا باید حکم به توقّف دعوی صادر نماید، تا حقّ احلاف شکات محفوظ بماند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۶

جواب: قاضی إحلاف متّهم می کند، و پرونده را مختومه می‌سازد.

سؤال ۴۱۳- هرگاه مدّعی جهت اثبات ادّعای خود دلیلی به محکمه ارائه ننماید، و در خواست سوگند از طرف مقابل نماید، آیا منکِر می‌بایست عادل باشد و قسم بخورد، یا عدالت در اینجا شرط نیست؟

جواب: در اینجا عدالت شرط نیست.

سؤال ۴۱۴- چنانچه شاکی در بحث ضرب و جرح دارای دلیل و بیّنه نباشد، آیا جهت اثبات ادّعای خود، مانند مورد قتل، می‌تواند به قسم استناد نماید (قاعدهٔ یمین و منکر) تا پس از قسم منکر، دادگاه رأی بر برائت مدّعی علیه صادر نماید، یا در این مورد قسم جاری نمی‌شود؟

جواب: آری مدّعی علیه قسم می‌خورد، و برائت حاصل می‌نماید.

سؤال ۴۱۵- تقاضامندیم فتوای شریف را در خصوص سؤالات زیر بیان فرمایید:

الف) دینی بر عهدهٔ مدیون برای دائن ثابت گردیده، و چون دسترسی به مدیون نبوده با اذن حاکم شرع مالی منقول، که مدّتی در ید و اختیار مدیون بوده و در آن تصرّف به ظاهر مالکانه داشته، برای پرداخت بدهی دائن توقیف می گردد. شخص ثالثی مدّعی مالکیّت مال توقیف شده گردیده، و ادلّهٔ شرعی نیز اقامه نموده که قبل از آن که مال در اختیار مدیون قرار گیرد، در مالکیّت وی (شخص ثالث) بوده است.

لکن چگونگی انتقال مال به مدیون احراز نگردیده، و او مدّعی است مال به صورت امانت با اذن در تصرّف، یا عاریه به مدیون منتقل گردیده، و دائن مدّعی مالکیّت مدیون نسبت به مال مورد توقیف می‌باشد. با توجّه به ید مدیون، آیا می‌توان دائن را منکر محسوب و قسم را متوجّه او دانست؟ در این صورت آیا مورد قسم به عدم انتقال مالکیت تعلّق می گیرد، یا به «عدم اطّلاع از انتقال مالکیّت»؟ یا این که باید معترض را منکر تلقّی، و بالتّبع قسم را متوجّه او دانست؟

ب) آیا عقد رهن با مال عاریه توسّط مستعیر بدون اذن معیر و عدم اذن او بعد از اطّلاع، صحیح است یا باطل؟

جواب الف: در صورتی که بیّنهٔ شرعیّه شهادت بر ملکیّت شخص ثالث در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۷

حال حاضر بدهد، ید از درجهٔ اعتبار ساقط می‌شود، ولی اگر فقط شهادت دهند که در گذشته مال شخص ثالث بوده کافی نیست، و ادّعای زوال ید قبول است، و باید قسم یاد کند.

جواب ب: عقد رهن بدون اذن مالك جایز نیست.

سؤال ۴۱۶- بایع ادّعا می کند که معامله إکراهی بوده، ولی مشتری منکر اکراه است، قول کدام مقدّم است؟

جواب: قول منکر مقدّم است، مگر این که مدّعی بتواند با دلیل شرعی ادّعای خود را ثابت کند.

سؤال ۴۱۷- زنی ادّعای ازالهٔ بکارت توسّط مرد اجنبی را دارد، و مرد منکر آن است. در این حالت، آیا برای ثبوت اموری نظیر ارش البکارة و مهر المثل (با وجود شرایط)، قواعد عمومی قضایی مربوط به مدّعی و منکر، کارآیی دارند؟ یا چون مسأله از لوازم ثبوت زناست، تنها با اثبات زنا این امور ثابت می گردد؟

جواب: احکام مدّعی و منکر در اینجا نیز جاری می‌شود.

علم قاضی

سؤال ۴۱۸- لطفاً در مورد علم قاضی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا قاضی می‌تواند در مقام قضاوت به علم خود عمل کند؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا علم قاضی در تمام موارد حجّت است؟

(دعاوی جزایی، مدنی، حقّ اللّه، حقّ الناس، جرایم جنسی و غیر جنسی).

ج) آیا منظور از قاضی، قاضی مجتهد است، یا قضات مأذون غیر مجتهد را نیز شامل می‌شود؟

د) آیا بین حصول علم قاضی، قبل از تصدّی امر قضا، و بعد از آن از نظر حجیّت، تفاوتی وجود دارد؟

جواب الف تا د: علم قاضی حجّت است، مشروط بر این که از طریق حس یا مبادی قریب به حس، مانند آنچه در قضاوتهای حضرت علی علیه السلام آمده، باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۸

بنابراین، علم از طریق نظری و ظنّی کافی نیست، و فرقی میان قاضی مأذون و غیر مأذون نیست؛ مشروط بر این که مأذون مطلق باشد.

سؤال ۴۱۹- چنان چه مستند علم قاضی یکی از امور ذیل باشد، آیا از نظر شرعی حجّت است؟

۱- اقرار یا شهادت کمتر از حدّ نصاب نزد قاضی.

۲- گفتگوی غیر رسمی متخاصمین در دادگاه، تحقیقات محلّی و مانند آن.

۳- محتویات و قرائن موجود در پرونده.

۴- نظریّهٔ پزشکی قانونی، کارشناس انگشت نگاری و مانند آن.

۵- وجود عکس و فیلم از اشخاص در حین ارتکاب جرم، یا نوار ضبط شده از مکالمات افراد که مشتمل بر برخی اقرارها و اعترافات باشد.

۶- استفاده از روشهای نوین در کشف جرم، یا به کارگیری علومی مانند هیپنوتیزم.

جواب: ما معتقدیم که اگر علم قاضی ناشی از امور حسیّه یا قریب به حس باشد، معتبر است.

سؤال ۴۲۰- در هنگام تعارض علم قاضی با اقرار و بیّنه کدام مقدّم است؟

جواب: علم قاضی، در صورتی که از مبادی حسیّه یا قریب به حس حاصل شده باشد، مقدّم است.

سؤال ۴۲۱- اگر قتلی تنها در حضور یک مرد، یا یک زن واقع شود، و بر اثر شهادت وی برای قاضی در خصوص وقوع قتل عمد یقین حاصل شود، آیا می‌تواند به استناد این علم حکم صادر کند، و یا قتل فقط از طرق خاص، مانند بیّنه، اقرار و قسامه ثابت می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که بر دیه صلح کنند. مگر آن که اولیای مقتول راضی به کمتر از آن شوند.

سؤال ۴۲۲- آیا نظر کارشناسی زنان متخصّص، می‌تواند در خصوص قتل عمد، مستند صدور حکم قصاص شود؟ مثلًا دو نفر با دو وسیلهٔ قتّاله به زنی ضربه زده‌اند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۳۹

که یکی از ضربه‌ها موجب قتل شده است، حال با توجّه به حرمت معاینهٔ جسد زن توسّط مرد، موضوع به متخصّصین زن ارجاع شده، و آنها ضربه‌ای را که موجب قتل شده مشخّص کرده‌اند. آیا بر اساس این نظر، فرد ضارب را می‌توان قصاص کرد؟

جواب: در صورتی که از اخبار آنها علم حاصل شود می‌توان قصاص کرد.

سؤال ۴۲۳- استفاده از نوار ضبط صوت و فیلم، با توجّه به امکان مونتاژ و ایجاد تغییر در آن، تا چه حدّ می‌تواند دلیل اثبات دعوا باشد؟

جواب: هیچ یک از این امور به تنهایی دلیل اثبات دعوا نیست؛ مگر این که به قرائن واضح دیگری ضمیمه شود، به طوری که از مجموع آنها برای قاضی علم قطعی حاصل شود.

سؤال ۴۲۴- چنان چه دخترى پس از وضع حمل مدّعى باشد كه فلان شخص با وى زنا نموده، امّا متّهم منكر باشد، بفرماييد:

۱- اگر پزشكى قانونى در نتيجهٔ آزمايشهاى دقيق علمى، طفل را به نامبرده منتسب كند، آيا شرعاً اين نظر حجيّت دارد؟

جواب: اين گونه آزمايشها با توجّه به تخلّف‌هاى فراوانى كه دارد حجّت نيست.

۲- در صورت حجيّت، آيا مى‌توان حدّ زنا را بر متّهم جارى نمود؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۳- در فرض عدم اثبات اتّهام انتسابى و تقاضاى حدّ قذف از سوى مقذوف، آيا حدّ قذف بر مدّعى زنا جارى مى گردد؟

جواب: اگر نتواند اثبات كند، حدّ قذف جارى مى‌شود.

سؤال ۴۲۵- در صورتى كه زنى اقرار به زنا كند، و مدّعى شود از زنا حامله شده، ولى متّهم ارتكاب چنين عملى را انكار كند، بفرماييد:

الف) آيا آزمايش‌هاى پزشكى (مانند..) مى‌تواند تحقّق زنا و باردار شدن زن از ناحيهٔ متّهم را اثبات كند؟

ب) چنانچه براى قاضى از اين طريق علم، اطمينان، يا ظنّ قوى حاصل شود،

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۱۴۰

آيا مى‌تواند به اقتضاى آن عمل كند؟

ج) در صورت عدم وجود دليل كافى جهت اثبات حدّ زنا بر مرد، آيا مى‌توان به استناد آزمايش مذكور و اقرار متّهمه (زانيه) متّهم را به جهت ارتباط نامشروع به تعزير محكوم كرد؟

د) آيا اثبات نَسَب كودك به مردى كه همسر اين زن نمى‌باشد، و اقرار به زنا هم ندارد، و منكر وجود اين انتساب مى‌باشد، صرفاً به استناد آزمايش‌هاى پزشكى (مانند..) ممكن است؟

ه) در صورتى كه براى قاضى از اين طريق علم، اطمينان، يا ظنّ قوى به رابطهٔ ابُوَّت و بُنُوَّت حاصل شود، آيا مى‌تواند حكم به وجود نسب كند؟

جواب الف تا ه: اين گونه آزمايشات زنا را اثبات نمى‌كند، و علم قاضى كه ناشى از آن باشد حجّت نيست، و بر اساس آن نمى‌توان بر متّهم حد و حتّى تعزير جارى كرد، و نَسَب نيز با اين آزمايشات ثابت نمى‌شود.

سؤال ۴۲۶- آيا نظريّه و شهادت پزشك در امور غير محسوس (معاينات جهت ازالهٔ بكارت، زنا و لواط، تجزيهٔ خون جهت كشف جرم و غيره) و محسوس از نظر شرعى حجّت است؟

جواب: نظر پزشك در اين گونه امور، اگر از قرائن نزديك به حسّ باشد، در صورتى حجّت است كه موجب علم و يقين قاضى گردد، و در امور محسوس، اگر داراى شرايط شهادت باشد، حجّت است.

تعارض اسناد و بيّنه

سؤال ۴۲۷- دو نفر در متن اجاره‌نامه، يا وصيّتنامه‌اى، اختلاف دارند. شاهِدِ زندهٔ عادلِ بالغ به حقيقت و صحّت و اصالت متن اجاره‌نامه، يا وصيّتنامه، شهادت شرعى مى‌دهد، و اين شهادت شاهد معارضى نداشته و ندارد. مدّعى جهت جرح شاهد اظهار مى‌دارد كه: «بايستى اين متن به كارشناسى خط برود.» در صورت بروز اختلاف بين نظر شاهدِ عادلِ عالمِ بالغ، و كارشناسى كه بر اساس موازين خود نسبت

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۱۴۱

به صحّت و سقم موضوع خط و يا نوشته‌اى اظهار نظر مى‌نمايد، قول كدام يك مقدّم است؟

جواب: هرگاه قرائن خلافی در مورد اسناد نباشد، مقدّم بر بینه است.

رشوه

سؤال ۴۲۸- در بعضی مواقع افرادی که برای کاری به کسی کمک نموده، یا مشکل آنها را با توجّه به موقعیّتی که دارند حل می‌کنند، در قبال این کار وجهی به آنها پرداخت یا هدیه‌ای به آنها داده می‌شود. این کار چه حکمی دارد؟ آیا رشوه محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه این کار موجب تضییع حقّ دیگران نشود، و صرفاً به عنوان هدیه باشد، جایز است.

سؤال ۴۲۹- آقای «الف» به آقای «ب» مراجعه نموده، و اظهار می‌دارد که کارش در فلان اداره گیر کرده، و نیاز به سفارش دارد. آقای «ب»، که صاحب نفوذ بوده، و ارتباطی با آن اداره دارد، سفارش آقای «الف» را می‌کند، در مقابل این سفارش، پاداش یا وجهی را طلب می‌کند، یا قول آن را می‌گیرد. حال اگر سفارش «ب» فقط جهت تسریع در انجام کار مربوطه بوده، و آن کار نیز غیر قانونی نبوده، و خلافی صورت نگرفته، آیا وجه مربوطه، چه نقدی و چه غیر نقدی، مصداق رشوه است؟

جواب: در صورتی که کار قانونی باشد، و فقط تسریع صورت گیرد، و مزاحمتی برای نوبت دیگران ایجاد نکند، گرفتن حقّ الزّحمه برای غیر کارمندان اشکالی ندارد.

قضاوت غیابی

سؤال ۴۳۰- در زمان گذشته، و همچنین در پاره‌ای از کشورها، مدّعی ادلّهٔ اثباتی خود را به حاکم داده و به دستور حاکم تصویر این مدارک برای مدّعی علیه ارسال شده و پاسخ وی را می‌خواهند. پس از وصول اظهارات مدّعی علیه، چنانچه حاکم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۲

موضوع را کافی بداند، بدون احضار طرفین، حکم لازم را صادر می‌کند. آیا این نوع روش دادرسی، مباینتی با اصول و مبانی شرع مقدّس ندارد؟

جواب: در صورتی که به خاطر کمبود وقت و مشکلات دیگر، احضار طرفین میسّر نشود، استفاده از این روش مانعی ندارد.

سؤال ۴۳۱- رسیدگی غیابی در حقوق النّاس و امور غیر مالی، مانند طلاق، در چه مواردی و با چه شرایطی جایز است؟

جواب: در صورتی که دسترسی به طرف دعوی نباشد، یا از حضور در دادگاه امتناع ورزد، رسیدگی غیابی مانعی ندارد.

تجدید نظر در حکم قاضی

سؤال ۴۳۲- آیا متّهم می‌تواند تقاضای تجدید نظر و فرجام کند؟

جواب: حقّ تجدید نظر و فرجام خواهی منوط به این است که قاضی رأی نهایی را صادر نکرده باشد. همچنین در صورتی که ثابت شود رأی قاضی مخالف شرع انور بوده است.

سؤال ۴۳۳- اگر طرفین دعوا بر اساس حکم یک مجتهد جامع الشرائط، یا حکمیّت فرد، یا افرادی که شغلشان قضاوت نیست، دعوای خود را، و لو در دعوای قتل، حل و فصل نمایند، آیا با این وصف طرفین دعوا می‌توانند از طریق محاکم صالحه در رابطه با همین مسأله مجدّداً اقامهٔ دعوا نمایند؟

جواب: در صورتی که تراضی حاصل شده، اقامهٔ دعوا معنا ندارد.

سؤال ۴۳۴- با توجّه به این که امروزه بر اساس قانون، برخی از احکام صادره از سوی قضات در مرحلهٔ بعد از صدور حکم قابلیّت

تجدید نظر داشته، و ادلّهٔ مورد استناد قاضی توسّط مرجع بالاتر مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد، بفرمایید:

۱- چنانچه قاضی با استناد به علم خویش حکمی را صادر کند، آیا از نظر شرعی موظّف است، مستند علم خود را بیان کند؟

۲- در صورت لزوم، چنانچه مستند علم قاضی مشاهدات وی باشد، با توجّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۳

این که معمولًا چنین مستندی قابل بررسی و ارزیابی در مرحلهٔ تجدید نظر نیست، چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که قاضی بر اساس این امور حکم صادر کند، تجدید نظر در آن مشکل است. بنابراین قضات مراحل پایین‌تر پیشنهاد کنند، نه انشای حکم، تا دست مقامات بالاتر باز باشد، و اگر قاضی معتمد و دقیقی باشد، به مشاهده، یا علم او می‌توان اعتماد کرد.

اقامهٔ دعوای مسلمانان در دادگاههای غیر اسلامی

سؤال ۴۳۵- اگر زید بداند که حق او با ظلم به شخص دیگری استیفا می‌شود، آیا در این صورت حق دارد به غیر حاکم شرع رجوع کند؟ مثلًا اگر چیزی در منزلش گم شود، و بداند که خادمش آن را سرقت کرده، آیا جایز است خادمش را تحویل پلیس دهد تا حقّش به او بازگردد؟ با توجّه به این که می‌داند پلیس او را مورد ضرب و جرح و حبس قرار می‌دهد؟ آیا در این مسأله بین خادم شیعه و غیر شیعه فرقی هست؟

جواب: هرگاه مال مسروقه مال مهمّی باشد، و مجازات خادم توسّط پلیس شدید نباشد، و راه گرفتن حق منحصر در این کار باشد، مانعی ندارد. و تفاوتی بین خادم شیعه و غیر شیعه نیست.

سؤال ۴۳۶- گاهی تشخیص موضوع روشن، و معلوم است که حق با زید می‌باشد، ولی عمرو منکر این حق است، ولی گاه چنین نیست. آیا در این صورت رجوع به غیر حاکم شرع جایز است؟

جواب: اگر حق ثابت و روشن نباشد، و در رجوع به حاکم غیر شرعی احتمال این باشد که حق به غیر صاحبش داده شود، رجوع جایز نیست. مگر با رضایت طرفین، و منحصر بودن راه در آن.

سؤال ۴۳۷- در مواردی که متداعین غیر شیعه یا غیر مسلمان بوده، و در یکی از احوال شخصیّه (ارث، وصیّت، نکاح و طلاق) با یکدیگر اختلاف داشته، و به دادگاه اسلامی مراجعه کنند، آیا دادگاه مزبور صلاحیّت، یا الزام به رسیدگی دارد؟ و در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۴

صورت رسیدگی، مبنای حکم قاضی، احکام اسلامی خواهد بود، یا مذهب یکی از اصحاب دعوی؟ در صورت اخیر، اگر اصحاب دعوی دارای ادیان یا مذاهب مختلف باشند، ملاک حکم قاضی مذهب کدام یک از آنان خواهد بود؟

جواب: حاکم شرع مزبور می‌تواند طبق مذهب شیعه، یا طبق مذهب آنها در میان آنان حکم کند. و اگر مذهب آنها مختلف است، طبق شیعه قضاوت می‌کند.

سؤال ۴۳۸- اگر دو نفر با هم اختلافی داشته باشند، و هر کدام طبق فتوای مرجع تقلیدش حق با او باشد، آیا در این صورت برای قطع مادّهٔ نزاع می‌توان به حاکم غیر شرعی رجوع کرد؟

جواب: آنها باید در نزاع خود به حاکم شرعی رجوع کنند. و او طبق نظر خود حکم می‌کند، و برای طرفین پذیرش آن لازم است.

سؤالات دیگر مسائل قضایی

سؤال ۴۳۹- با عنایت به این که تقدیم دادخواست به دادگاه‌ها از طرف مدّعی مستلزم مخارج زیادی، از قبیل هزینهٔ تمبر دادرسی،

هزینهٔ کارشناسی، هزینهٔ تهیّهٔ وسیلهٔ اجرای معاینهٔ محلّ، و مانند آن می‌باشد، آیا دادگاه می‌تواند (در صورت وارد تشخیص دادن اصل دعوای خواهان،) علاوه بر اصل موضوع، حکم به محکومیّت مدّعی علیه نسبت به پرداخت هزینه‌های مزبور بنماید؟

جواب: اگر راه گرفتن حقّ منحصر به مراجعه به دادگاه بوده، حق دارد هزینه‌های مزبور را نیز بگیرد.

سؤال ۴۴۰- کتابهای فقهی، که دلالت بر وجود نوعی هیأت منصفه و یا شبیه آن، در پاره‌ای از محاکم رسیدگی به دعاوی در دوره‌هایی از تاریخ قضای اسلامی داشته باشد، کدامند؟ چنانچه نمونه‌های تاریخی از برگزاری جلسات محاکمه با حضور فضلا و اهل علم که در محضر قاضی تشکیل شده سراغ دارید، به آنها اشاره نموده، و منبع آن را مشخص فرمایید.

جواب: مرحوم محقّق در کتاب شرایع، کتاب القضاء به این مسأله اشاره کرده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۵

و صاحب جواهر رضوان اللّه علیه بحث نسبتاً مشروحی در این زمینه دارد. (به جلد ۴۰ جواهر الکلام، صفحهٔ ۷۷، مراجعه شود.)

سؤال ۴۴۱- با توجّه به این که در سیستم حقوقی برخی کشورها نهاد هیأت منصفه وجود دارد، و این هیأت از میان اقشار مختلف مردم انتخاب می‌شود، و در پاره‌ای از رسیدگی‌های قضایی شرکت می‌کند، و احراز مجرمیّت متّهم را، که در حقیقت احراز موضوع است، به نمایندگی از جامعه بر عهده دارد، لطفاً نظرتان را در مورد هیأت مذکور در دو فرض زیر بیان کند:

الف) قاضی مکلّف به تبعیّت از نظر آنان در مورد اعلام مجرمیّت یا برائت متّهم باشد.

ب) نظر هیأت منصفه به صورت مشورت با قاضی برای کشف حقیقت باشد، و الزام‌آور نباشد.

جواب: هیأت منصفه می‌تواند به دو صورت عمل کند:

یکی به صورت گروه مشاور، و رأی نهایی به نظر قاضی باشد.

دوّم در مسائلی که کارشناسی موضوعی لازم دارد، و احتیاج به تخصّص در این کارشناسی است، چنانچه افراد خبرهٔ ثقه کارشناسی کنند، نظر آنها برای قاضی در موضوعات محترم است.

سؤال ۴۴۲- از آنجا که قانون مجازات اسلامی از شرع انور الهام گرفته، و قانون‌گذار در مقام تدوین قانون با تمسّک به منابع معتبر فقهی شیعه مبادرت به انشای قانون نموده، در باب تعزیرات حکومتی پاسخ به سؤالات زیر مورد نیاز است:

۱- با توجّه به سیاق مادّهٔ ۱۶ قانون مجازات اسلامی در باب تعریف تعزیر، منظور از جملهٔ «به نظر حاکم واگذار شده است» چیست؟ آیا مراد از حاکم، حاکم شرع است، یا قاضی محکمه؟

جواب: منظور حاکم شرع است. و اگر قاضی محکمه مجتهد باشد، یا مأذون در این گونه امور نیز باشد، حقّ تعیین تعزیر را از نظر کیفیّت و کمیّت به تناسب میزان جرم دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۶

۲- آیا متولّیان امور رسیدگی به تعزیرات حکومتی، مأذون از طرف حاکم شرع می‌باشند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۳- با توجّه به این موضوع که متصدّیان و متولّیان شعب تعزیرات حکومتی از طرف وزیر دادگستری منصوب می‌شوند. آیا صلاحیّت آنان جهت رسیدگی و صدور حکم در باب مسائل تعزیرات حکومتی، محلّ اشکال است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۴- از آنجا که سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر قوّهٔ مجریّه اداره می‌گردد، و بر اساس مصوّبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، صلاحیّت رسیدگی به امور محوّله را دارد؛ آیا تصمیمات صادره، قضایی تلقّی می‌گردد، یا جزء تصمیمات اداری می‌باشد؟

جواب: تعزیر در همه جا جزء احکام قضایی است. ولی اگر ضوابطی برای آن از سوی دستگاه قضایی تعیین گردد، و برای اجرا در

اختیار دیگران قرار گیرد، جزء وظایف اجرایی محسوب خواهد شد. مثلًا اگر گفته شود: «برای حمل یا فروش هر گرم تریاک فلان مقدار جریمه باید گرفته شود.» تعیین این ضابطه حکم قضایی است، و عمل به آن در مورد مجرمین، حکم اجرایی است.

۵- با عنایت به اصل شصتم قانون اساسی که اشعار می‌دارد: «اعمال قوّهٔ مجریّه، جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهدهٔ رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است»؛ آیا رؤسای شعب تعزیرات حکومتی منصوب از طرف قوّهٔ مجریّه، که مأذون از ناحیهٔ رهبری می‌باشند، صلاحیّت فصل خصومت، رسیدگی، صدور حکم و اعمال مجازات را دارند، یا بایستی مأذون از ناحیهٔ رئیس قوّهٔ قضائیّه باشند؟

جواب: در صورتی که تعیین ضوابط از سوی قوّهٔ قضائیّه شده باشد، نصب آنها برای اجرا از سوی قوّهٔ مجریّه مانعی ندارد.

سؤال ۴۴۳- چنانچه مأموران انتظامی گزارش نمایند که اشخاصی در منزل مسکونی خود در حال ارتکاب اعمال منافی عفّت می‌باشند، آیا قاضی محکمه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۷

می‌تواند مجوّز ورود به محلّ را صادر نماید؟

جواب: مادام که به صورت یک توطئه و فساد گسترده در نیاید، ورود به محلّ و تجسّس جایز نیست.

سؤال ۴۴۴- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

۱- ایجاد زمینه و بسترسازی جرم و گناه چه حکمی دارد؟

۲- اگر بسترسازی و ایجاد زمینهٔ جرم و گناه از طریق محاکم قضایی، یا ضابطین قضایی صورت گیرد. چه حکمی دارد؟ توضیح این که فردی را ترغیب و تشویق به پرداخت وجهی، تحت هر عنوان کنند (با صرف نظر از تحقّق یا عدم تحقّق آن) تا موجبات گرفتاری فرد یا افرادی را فراهم آورند، این عمل فی نفسه از نظر شرع مقدّس اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: بسترسازی جرم و گناه شرعاً جایز نیست؛ خواه از سوی محاکم باشد، یا غیر محاکم؛ مگر در مواردی که خطری از سوی کسی یا گروهی احساس شود، مثل قاچاقچیان موادّ مخدّر و امثال آنها.

سؤال ۴۴۵- در فقه اسلامی مرور زمانهایی وجود دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- مرور زمان امحا و تخریب گورستان یک صد سال (پنجاه سال هم شنیده‌ام).

۲- مرور زمان شوهر مفقود الاثر برای زوجه هفت سال.

۳- مرور زمان اشیای گمشده و مسکوکات هفت سال.

۴- مرور زمان تحجیر (سنگ‌چین کردن پیرامون زمین بایر، یا موات به منظور مالکیّت) یک سال.

۵- مرور زمان غصب یک سال (که اگر صاحب مال مغصوبه مراجعه کند می‌تواند ادّعای غصب کند، و بعد از انقضای مدّت مزبور غصب معنا پیدا نمی‌کند. چون این مدّت دلیل بر اغماض یا رضایت یا اعراض مالک است؛ ولی به نحو دیگری می‌تواند مال خود را مطالبه کند.)

۶- مرور زمان املاک بلا صاحب؛ مجهول المالک، یا مجهول المکان، یا املاکی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۸

از آنها اعراض شده و متروک مانده‌اند. بر حسب عرف جامعه به نظر حاکم شرع (علم قاضی) است. ولی باید زمانی داشته باشد. (این مرور زمان در قانون ۲۰ سال می‌باشد.)

نظر حضرتعالی در مرور زمانهای مذکور چیست؟

جواب: مروز زمان در امحا و تخریب گورستان وجود ندارد، مگر وقتی که گورستان متروکه شود، و استخوانها خاک گردد. در

مورد همسر مفقود الاثر چهار سال از زمان مراجعه به حاکم شرع است. در اشیای گمشده باید تا یک سال به دنبال صاحب آن بگردند، اگر پیدا نشد می‌توانند آن را به شخص نیازمندی بدهند.

در تحجیر و غصب و املاك بلا صاحب مرور زمان وجود ندارد، بلکه معیار آن است که یقین به اعراض صاحب اصلی پیدا کنیم؛ خواه یقین در یك روز پیدا شود، یا پنجاه سال. البتّه مرور زمانهای دیگری هم داریم؛ مثلًا کسانی که دو سال در مکّه بمانند به حکم اهل مکّه می‌شوند، و حجّ آنها حجّ افراد است. و اشخاصی که یك سال یا بیشتر در محلّی برای تحصیل، یا کسب و کار می‌مانند، آنجا به حکم وطن آنها می‌باشد.

سؤال ۴۴۶- در جرائمی، که دو یا چهار بار اقرار شرعی معتبر است (مثل سرقت و زنا) اگر متّهم در اوّلین جلسهٔ دادگاه، منکر سرقت، یا قبل از اقرار چهارم در مثل زنا منکر اتّهام خود باشد، آیا تشکیل جلسات بعدی، و استماع اقرار یا انکار بعدی نیز لازم است؟ یا این که قاضی می‌تواند با انکار اوّلیّه، و با توجّه به این که حتّی در صورت اقرار در جلسات بعدی، نصاب اقرارها کامل نمی‌شود، حکم به برائت وی صادر نماید؟

جواب: قاضی موظّف نیست در جلسات متعدّد متّهم را احضار و از او سؤال کند. هرگاه در جلسهٔ اوّل انکار کرد و دلیلی وجود نداشت، حکم به برائت می‌کند.

سؤال ۴۴۷- نظر به این که برای قاضی جایز نیست به یکی از طرفین دعوا، یا به هر دو تلقین کند، آیا می‌تواند طرفین دعوا را به مقرّرات و احکام شرع مقدّس آشنا کند؟ اگر پس از این ارشاد و آشنایی طرفین به موازین و مقرّرات جاریه، در خواست

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۴۹

قسم نشود، آیا حکم برائت مفهومی دارد؟ با در نظر گرفتن این که در قانون فعلی نیز قید شده که در صورت عدم وجود مدارک یا شواهد، مدّعی علیه با قسم شرعی تبرئه خواهد شد، و در صورت انصراف از تقاضای سوگند، دادگاه با توجّه به سایر مستندات به دعوا رسیدگی نموده، و رأی مقتضی را صادر می‌نماید.

جواب: بیان احکام شرع برای طرفین دعوا، داخل در مسألهٔ تلقین حرام نیست.

سؤال ۴۴۸- اگر کسی بر علیه دیگری شکایت نماید، امّا در نهایت نتواند ادّعای خود را ثابت کند، و به واسطهٔ شکایت، وقت مدّعی علیه تلف شده، و متحمّل ضرر مالی و آبرویی شود، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا مدّعی علیه می‌تواند شاکی را به جرم افترا و اضرار، تحت تعقیب قرار دهد، و بر علیه او شکایت نماید؟

جواب: اگر ضرر قابل ملاحظه‌ای بر او وارد شود، حق دارد شکایت کند.

۲- آیا می‌توان از ادلّهٔ قذف تنقیح مناط کرد، تا به محض این که شاکی نتوانست اتّهام متّهم را ثابت کند، جرم افترا برای وی ثابت شود؟

جواب: این، نوعی قیاس است و جایز نیست.

۳- آیا می‌توان بین جایی که شاکی خود را مُحِقّ می‌دانسته، و مواردی که چنین نبوده، فرق قائل شد؟ در صورت چنین فرقی، آیا متّهم باید ثابت کند که هدف شاکی اضرار بوده، یا شاکی باید ثابت کند که هدفش اضرار نبوده است؟

جواب: در این مسأله دخالتی ندارد؛ معیار ایجاد اضرار است.

سؤال ۴۴۹- در مادّهٔ هفت قانون مجازات اسلامی آمده است که: «هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قانون جزای جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود.» با توجّه به این که از مادّهٔ مذکور چنین استفاده می‌شود که این حکم در مورد مطلق جرایم ارتکابی در خارج، (اعمّ از این که جرم ارتکابی در خارج مورد رسیدگی قرار بگیرد یا قرار نگیرد) جاری است، نظر حضرتعالی در مورد هر کدام از فروض ذیل چیست؟

۱- اگر فردی ایرانی در کشوری غیر اسلامی مرتکب جرم شود، حکم قضیّه چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۰

جواب: باید طبق قانون اسلامی مجازات شود.

۲- اگر فردی ایرانی در کشوری اسلامی، مرتکب جرمی شود، حکم قضیّه چیست؟

جواب: مانند جواب سابق است، و اصولًا تأثیری در مجازات ندارد؛ مگر در موارد بسیار نادر.

سؤال ۴۵۰- در برخی موارد که از محضر مبارک حضرتعالی استفتا شده، پاسخ فرموده‌اید، «مصالحه نمایند» منظور از مصالحه چیست؟ آیا قاضی محکمه نیز باید نقشی در این مصالحه داشته باشد، یا نباید مداخله کند؟ و چنانچه طرفین با هم مصالحه ننمایند، تکلیف دادگاه چیست؟

جواب: قاضی می‌تواند به عنوان مصلح بین الناس (نه به عنوان قضاوت) در این گونه موارد دخالت کند.

سؤال ۴۵۱- اگر نظرِ قاضیِ مجتهد جامع الشرائط بر خلاف قانون، ولی مبتنی بر نظریّهٔ مشهور فقها باشد. (مثلًا قانون، ضمان را نقل ذمّه دانسته، ولی وی ضمّ ذمه به ذمّه می‌داند) چگونه باید عمل کند؟ آیا می‌تواند از صدور حکم خودداری کرده، و موضوع را به قاضی دیگر محوّل کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۴۵۲- چنانچه قاضی با توجّه به پرونده، شهادت شهود و قرائن و امارات دیگر، حکمی صادر نماید، و آن حکم منطبق با واقعیّت نباشد، هر چند قاضی تمام سعی و تلاش خود را در کشف حقیقت نموده باشد؛ آیا مسئولیّتی بر عهدهٔ قاضی هست؟

جواب: در صورتی که قاضی تلاش خود را بکند، عند الله معذور است، و فی الحدیث

«للمصیب اجران، و للمخطئ اجرٌ واحد».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۱

فصل شانزدهم: احکام بیع

تجارتهای حرام و باطل

۱- فیلمها و عکسهای مبتذل

سؤال ۴۵۳- اخیراً تهیّه و توزیع تصاویر مهیّج شهوت در شکلهای مختلف و بعضاً به بهانهٔ عرضهٔ آثار هنری و عرفانی، بر روی کاشیها، لباسها، کارتهای تبریک و مانند آن، شایع گردیده است؟ نظر مبارک نسبت به موارد ذیل چیست؟

الف) خریدوفروش این گونه تصاویر چه حکمی دارد؟

ب) وظیفهٔ فروشندگان نسبت به محو تصاویر مبتذل، که بر روی اجناسی مانند لباس، صابون، بسته‌های شیرینی و امثال اینهاست، چیست؟

ج) مزد کارگران و بنّاها در قبال نصب کاشیهایی که منقّش به این گونه تصاویر می‌باشد، چه حکمی دارد؟

د) آیا نصب تصاویر مذکور در معرض دید افراد جایز است؟

جواب: استفاده از تصاویر مبتذل و فسادانگیز، به هر نحو که باشد، جایز نیست، و ترویج آن نیز شرعاً ممنوع است، و مزد گرفتن در برابر آن مجاز نمی‌باشد، و چنانچه بتوانند باید آن را محو کنند.

سؤال ۴۵۴- فرشها و کوبلن‌هایی با تصاویر زنان سر برهنه، یا رقّاصی‌های دسته جمعی بافته می‌شود، همچنین عکسهای مینیاتوری با

همین مضامین کشیده می‌شود. تهیّه، تولید، خرید، فروش و نصب آنها در منازل یا مغازه‌ها چه صورتی دارد؟
جواب: با توجّه به این که این عکسها ترویج فساد است، تولید و خریدوفروش و نگهداری آن اشکال دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۲

۲- نوارهای صوتی و تصویری مبتذل (موسیقی)

سؤال ۴۵۵- متأسّفانه نوارهای ویدیوئی محتوی فیلم‌های مبتذل، اعم از موسیقی، آواز، رقص زنان یا مردان، یا زن و مرد، بلکه بالاتر نوارهایی که عمل زناشویی را نمایش می‌دهد، به وفور در بازار یافت می‌شود! و از طرفی، در بعضی از محافل شایع شده که چون به صورت پخش غیر مستقیم است اشکالی ندارد، یا اگر محرّک نباشد، حرام نیست! لطفاً در این زمینه به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:
۱- خریدوفروش و نگهداری این نوارها، و نگاه کردن به این فیلمها چه حکمی دارد؟
۲- آیا بین پخش مستقیم و غیر مستقیم در فرض مزبور تفاوتی است؟
۳- آیا جمع‌آوری و از بین بردن آنها واجب است؟ در صورت وجوب، این کار، بر عهدهٔ چه کسی است؟
۴- در صورتی که از شخصی به دلیل خرید، یا فروش، یا نگه‌داری، این گونه نوارها، یا دیدن فیلمهای محتوی آن، به دادگاه شکایت کند، مجازات آن چیست؟
جواب ۱ تا ۴: خریدوفروش و نگهداری و نگاه کردن به این گونه فیلمها حرام است؛ خواه مستقیم باشد یا غیر مستقیم، و بر حاکم شرع لازم است که آنها را جمع‌آوری کرده و از بین ببرد، و این کار تعزیر دارد.
سؤال ۴۵۶- مدّتی است پیرامون موسیقی تحقیقاتی را آغاز نموده، لکن به مشکلی برخوردم، که تاکنون برایم حلّ نشده است. بنده به لحاظ عقلی نتوانستم خود را قانع کنم، که اسلام مطلق موسیقی را حرام کرده باشد. و اگر چنین است، باید ملاک و معیاری داشته باشد. این بود که به کتب فقهی و فتاوای بعضی از علمای بزرگوار مراجعه نمودم. متوجّه شدم که در مورد حرمت موسیقی، اختلاف نظر وجود دارد. از ظاهر عبارت شیخ در مکاسب به دست می‌آید، که ایشان موضوع حرمت را لهو می‌دانند؛ امّا بعضی از بزرگواران، خصوصاً امام راحل قدس سرّه طرب را معیار آن ذکر می‌کنند. با توجّه به مطالب بالا، خواهشمند است بیان فرمایید: آیا حرمت موسیقی به خاطر مطرب بودن است، که بر اثر مرور زمان (مثل شطرنج) تغییر پیدا کرده و
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۳
تبدیل به لهو شده است؟ یا از همان ابتدا موضوع و عنوان حرمت موسیقی، لهو بوده و هست؟ در این صورت نظر علمای بزرگوار مبنی بر مطرب بودن را چطور توجیه می‌کنید؟
جواب: بعید نیست آنچه فقها و مراجع در این زمینه می‌گویند، غالباً به یک ریشه بازگردد، هر چند اختلافی در الفاظ آنها وجود دارد. و آن همان است که ما قبلًا گفته‌ایم: آهنگهایی وجود دارد که در مجالس فساد نواخته می‌شود، و در کنار آن غالباً هرزگی‌های دیگر وجود دارد. آهنگهایی که گاهی از آن به موسیقی مبتذل، و گاه فسادانگیز، و گاه مطرب، تعبیر می‌شود. این آهنگها هر جا، و با هر محتوایی باشد، حرام است؛ ولی آهنگهای دیگری هست که چنین نیست. مانند آهنگهای معروفی که اشعار مختلف مذهبی، مرثیه‌ها و موزیکهای نظامی و ورزشی با آن نواخته می‌شود، اینها حرام نیست؛ چرا که در تعریف قسم اوّل نمی‌گنجد. البتّه مصادیق مشکوکی هم وجود دارد که به درستی شناخته نمی‌شود، که آیا از قسم اوّل است، یا از قسم دوّم؟ و نظر به این که در شبهات تحریمیّهٔ مصداقیّه اصل بر برائت می‌باشد، در مصادیق مشکوک برائت جاری می‌شود.
سؤال ۴۵۷- گفته می‌شود: «گوش دادن به دو نوع از موسیقی شرعاً اشکال دارد؛ صدای زن، و دیگری آهنگ مطرب؛ یعنی آهنگی که انسان را از حالت طبیعی خارج می‌سازد.

الف) در خصوص مورد اوّل؛ یعنی گوش دادن مرد به آواز زن مشکلی نیست، ولی آیا گوش دادن آواز زن برای زن هم حرام است؟

ب) در مورد دوّم باید بگویم که هیچ گونه آهنگی نمی‌تواند مرا از حالت طبیعی خارج سازد. گوش دادن به نوار موسیقی، چه با کلام و چه بی‌کلام، چه غمگین و چه غیر غمگین، برای من چه حکمی دارد؟

جواب الف: چنانچه آهنگ و صدا مناسب مجالس لهو و فساد باشد، برای زنان هم جایز نیست.

جواب ب: معیار، افراد و اشخاص نیستند، بلکه کلیّهٔ آهنگهای متناسب با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۴

مجالس لهو و فساد برای همه حرام است، خواه انسان را از حالت طبیعی بیرون ببرد یا نبرد.

سؤال ۴۵۸- خرید، فروش، توزیع و تکثیر نوارهای موسیقی غیر مجاز، و عکسهای مبتذل و مستهجن چه صورت دارد؟ پولی که از این راه کسب می‌شود، چگونه است؟

جواب: تمام اینها حرام است.

سؤال ۴۵۹- استفاده از نوارهای تصویری مبتذل و مستهجن توسّط زن و شوهر، جهت تهییج قوّهٔ شهویّه، بدون این که مفاسد دیگری بر آن مترتّب گردد چه حکمی دارد؟ آیا کسی که این گونه نوارها را به منظور فوق نگهداری می‌کند، قابل تعزیر است؟

جواب: اشکال دارد و قابل تعزیر است؛ ولی در مرحلهٔ اوّل در این گونه موارد در مقام تعزیر باید به اخطارهای لفظی قناعت کرد.

سؤال ۴۶۰- لطفاً در مورد موسیقی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا موسیقی اصالتاً موضوع حکم قرار گرفته، یا تابع غنا می‌باشد؟

۲- آیا موضوع عرفی است، یا حدّ خاصّ شرعی دارد؟

۳- اگر با عرف است، کدام عرف معیار است؟ عرف عامّ، یا عرف مؤمنین، یا موسیقی‌دانان و آهنگ‌سازان، یا عرف فقها و مفتیان؟

۴- لطفاً حدّ و حدود موسیقی مجاز غیر غنایی را بیان نمایید. آیا این حدود در مورد موسیقی‌های محلّی و سنّتی است، یا در مورد موسیقی‌های خارجی و به خصوص کلاسیک هم موضوعیّت دارد؟

۵- نقش طرب در تحقّق موسیقی حرام چگونه است؟

جواب: پاسخ تمام سؤالات شما به شرح زیر است: کلّیّهٔ صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است، و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود. و امّا آلات و ابزار موسیقی، آنچه مربوط به موسیقی حرام است، یعنی غالباً با آن موسیقی حرام نواخته می‌شود، تولید و خریدوفروش و ارائهٔ تصویر آن در وسایل ارتباط جمعی حرام می‌باشد. ولی آلات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۵

مشترکه، یا آنچه غالباً موسیقی حلال با آن نواخته می‌شود، در جهات فوق اشکالی ندارد.

سؤال ۴۶۱- متأسّفانه در یکی دو سال اخیر، عدّه‌ای برای عروسی فرزندان خود از افرادی به نام «مُطرِب» که دارای ابزار و آلات موسیقی بوده، و در عروسی‌ها ضمن آواز خواندن به رقص و پایکوبی نیز می‌پردازند، دعوت به عمل می‌آورند! با توجّه به آثار منفی حضور مطربان، دعوت از چنین افرادی و پول دادن به آنها شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: دعوت کردن از مطرب حرام است، و پول دادن به آنها گناه دیگری است. علاقه‌مندان به اسلام و شیعیان اهل بیت اطهار علیهم السلام بایستی از این اعمال پرهیز کنند.

سؤال ۴۶۲- با توجّه به گسترش موسیقی در جامعه، خصوصاً در بین جوانان، حکم موارد ذیل را از نظر شرعی بیان فرمایید:

الف) با توجّه به این که اکثر آلات موسیقی کاربردهای مشترک بین حلال و حرام دارند، حکم خرید، فروش، نگهداری، آموزش، یادگیری و استفادهٔ از آنها چیست؟

ب) آیا تعریف غنا از نظر شرعی بر آوازه‌خوانی‌های رایج، که یک فرد متن شعر یا نثر را با آواز خوش می‌خواند قابل تطبیق است؟ آیا محتوای متن هم دخالتی در حکم شرعی دارد؟

ج) مجلس حرام به چه مجلسی گفته می‌شود؟ آیا هدف و انگیزهٔ برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در تعیین مصداق دخالت دارد؟ یا صِرف وقوع عمل حرام در مجلسی، آن را تبدیل به مجلس حرام می‌کند؟

د) با توجّه به حکم مسألهٔ فوق، منظور از مناسبت آهنگ یا غنا با مجلس حرام، آیا اختصاص آن صرفاً به مجلس حرام است (یعنی این آهنگ فقط در این گونه مجالس نواخته می‌شود) یا به صرف نواختن آهنگ در مجلس حرام، مناسبت با مجلس حرام تحقق پیدا می‌کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۶

جواب الف تا د: کلیّهٔ صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است، و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

منظور از مناسبت با مجلس لهو و فساد آن است که این گونه آهنگ‌ها، صرف نظر از محتوا، غالباً در آن گونه مجالس نواخته می‌شود و نیّت تشکیل‌دهندگان در آن تأثیر ندارد، و منظور از آلات مشترکه آلاتی است که به طور گسترده هم در مجالس حرام و هم در مجالس حلال از آن استفاده می‌شود.

سؤال ۴۶۳- آیا حکم جواز غنا در مجلس زفاف و عروسی، در مجلس شب عقد نیز جاری است؟

جواب: تفاوتی بین شب عقد و عروسی و سایر شبها نیست، و آهنگها و موسیقی‌های مناسب مجالس لهو و فساد، در هر حال حرام است.

سؤال ۴۶۴- نظر به ابهامات و پرسشهایی که در خصوص چگونگی مواجه افکار عمومی با موسیقی و آواز زنان مطرح است، سؤالات ذیل تقدیم حضور می‌گردد.

۱- اجرای آواز بانوان به صورت تک‌خوانی و هم آوایی چه حکمی دارد؟

۲- پرداختن زنان به موسیقی و آواز تا چه حد مجاز می‌باشد؟

۳- آواز بانوان به چه نحوی و در چه مکانهایی مجاز می‌باشد؟

۴- آیا پخش و انتشار موسیقی و آواز بانوان مجاز است؟

جواب ۱ تا آخر: کلیّهٔ آهنگها و صداهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن جایز است، و فرقی در این قسمت میان مرد و زن نیست، ولی خوانندگی نوع مباح برای زنان در صورتی جایز است که مجلس مخصوص به جنس خودشان باشد. خواه دسته جمعی بخوانند، یا به تنهایی. جوانان عزیز باید توجّه داشته باشند که سیل تهاجم فرهنگی غرب نباید ما را مرعوب سازد، و تصوّر کنیم ما باید خود و احکام دین خود را بر فرهنگ آنها تطبیق دهیم؛ زیرا فرهنگ غرب گام به گام جوانان را به سوی ابتذال کامل پیش می‌برد، و آنها را از درون تهی می‌سازد، و به این ترتیب هر گونه مانع را که بر سر راه مطامع آنهاست بر می‌دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۷

۳- رقص

سؤال ۴۶۵- تعریف رقص از نظر شرعی چیست؟ و حکم آن به نظر حضرتعالی چه می‌باشد؟

جواب: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیّه اشکال دارد، و رقص یک امر عرفی است، و آن حرکات موزونی است که افراد مطّلع تصدیق کنند مصداق رقص است، و اگر مصادیق مشکوکی پیدا کرد حرام نیست.

سؤال ۴۶۶- با توجّه به این که به جز رقص همسر برای همسر، بقیّهٔ رقص‌ها اشکال دارد، لطفاً بفرمایید: پولی که به عنوان شاباش در مجالس رقص، به ویژه عروسی‌ها، به کسی که می‌رقصد می‌دهند، برای دهنده و گیرندهٔ آن، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: دادن و گرفتن این پول‌ها جایز نیست.

سؤال ۴۶۷- دست افشانی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از دست افشانی رقص است، رقص حرام است؛ مگر رقص زن برای همسرش.

۴- دست زدن

سؤال ۴۶۸- آیا دست زدن هماهنگ و مرتّب، یا نامرتّب، در مجالس مولودی ائمّهٔ اطهار علیهم السلام جایز است؟ آیا با احترام و قداست این مجالس سازگار است؟ شرکت در این مجالس، که جهت اظهار شادی به دست زدن مشغول می‌شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: کف زدن مانعی ندارد؛ امّا در مساجد و حسینیّه‌ها باید ترک شود.

سؤال ۴۶۹- حکم کف زدنِ هماهنگ و مرتّب یا نامرتّب به صورت مطلق، و در هر مجلسی (عروسی، مهمانی، مولودی و مانند آن) و در هر مکانی اعمّ از مسجد، حسینیّه، منزل و مانند آن، جهت اظهار شادی و سرور، یا تشویق، چیست؟

جواب: از جواب سابق معلوم شد؛ ولی توجّه داشته باشید که افراط در هیچ کاری شایسته نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۸

سؤال ۴۷۰- معمولًا در مراسم عید الزهرا کف زدن، پایکوبی، رقص و حتّی اموری را که جمیع فقها صریحاً فتوا به حرمت آن داده‌اند، را مستند به حدیث رفع القلم که ذیلًا به آن اشاره می‌شود، جایز می‌دانید؟

«وَ اَمَرْتُ الْکِرامَ الْکاتِبینَ انْ یَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنِ الْخَلْقِ کُلِّهِمْ ثَلاثَةَ ایّامٍ مِنْ ذلِکَ الْیَوْمِ، وَ لا اکْتُبُ عَلَیْهِمْ شَیْئاً مِنْ خَطایاهُمْ کَرامَةً لَکَ وَ لِوَصِیِّکَ» (۱)

آیا این نوع احادیث از نظر سند معتبر است؟ و بر فرض اعتبار معنای حدیث چیست؟

جواب: این روایت از نظر سند اعتباری ندارد؛ به علاوه مخالف کتاب اللّه است، و معاذ اللّه که ائمّهٔ معصومین علیهم السلام اجازهٔ ارتکاب گناه به افراد در این ایّام یا غیر این ایّام داده باشند. و بر فرض اعتبار، معنای حدیث این است که اگر کسی لغزشی از او سر زد خداوند او را می‌بخشد، نه این که عمداً آلودهٔ گناه شود.

۵- قمار

سؤال ۴۷۱- با عنایت به اهمیّت ورزش از دیدگاه اسلام، و توسعهٔ اماکن و فضاهای ورزشی و فرهنگی، و به منظور پیشگیری از تهاجم و شبیخون دشمن، و با توجّه به این که ورزش و حرکات جسمانی موجب نشاط جسمی و روحی انسان، و مقدّمهٔ تحصیل سلامتی و حفظ و تداوم آن در جامعهٔ اسلامی است، خواهشمند است نظریّه شرعی خود را نسبت به راه‌اندازی ورزش بیلیارد اعلام نمایید.

جواب: هرگاه بازی مذکور از عنوان آلت قمار خارج شده باشد، و در نزد تودهٔ مردم به عنوان یک سرگرمی یا ورزش شناخته شود، بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکالی ندارد. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۷۲- در اثر کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، با در اختیار داشتن یک دست ورق (پاسور) برای سرگرم کردن و گذاردن وقت، خود را مشغول کرده‌ایم. امّا

(۱) بحار الانوار، جلد ۳۱، صفحهٔ ۱۲۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۵۹

این اوراق توسّط بازرسی کارخانه توقیف، و ما متّهم به قمار بازی شده‌ایم. با توجّه به کمبود امکانات و گذراندن وقت به صورت کسل‌کننده، لطفاً نظر خود را راجع به این مسأله بیان فرمایید: آیا این کار از نظر شرعی حرام است؟ و در صورت حرام بودن، آیا این کار شرعاً تعزیر دارد؟

جواب: مانند جواب سؤال قبل است.

سؤال ۴۷۳- مراجع بزرگوار در رساله‌های خود پیرامون «ورزش‌ها» چنین بیان داشته‌اند: «هرگاه بازی یا ورزشی، از آلت قمار بودن خارج شده باشد، اشکال ندارد.»

سؤال حقیر این است که: ملاک خروج از آلت قمار بودن چیست؟

۱- آیا ملاک همهٔ مردم دنیا هستند، یا اکثریّت مردم؟

۲- آیا ملاک همهٔ مردم مسلمان هستند، یا اکثریّت مسلمانان، یا کشور ایران؟

۳- آیا نباید احدی در این دنیا با وسیلهٔ مذکور، قمار کند، یا ملاک چیز دیگری است؟

جواب: ملاک این است که در منطقه‌ای که با آن بازی می‌کنند مردم به عنوان یک آلت قمار به آن نگاه نکنند، بلکه آن را یکی از انواع ورزش بشمارند.

سؤال ۴۷۴- مسابقاتی برای رشد و شکوفایی مردم در زمینهٔ آشنایی بیشتر آنان با زندگی ائمّهٔ اطهار علیهم السلام و احکام شرعیّه برگزار می‌شود:

الف) چنین مسابقاتی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ب) اگر برای کمک به مخارج مسابقه، با رضایت شرکت کنندگان وجهی از آنها دریافت شود، حکم آن چیست؟

ج) اهدای جوایز جهت ایجاد رقابت فرهنگی بین مردم از وجوه پرداختی توسّط شرکت کنندگان در مسابقه، چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۱۵۹

د) در صورتی که به شرکت کنندگان اعلام شود، در آمد احتمالی مسابقه صرف کارهای فرهنگی فلان مرکز می‌شود، آیا صرف آن در کارهای مذکور اشکالی دارد؟

جواب: این کار از نظر شرعی اشکال دارد؛ مگر این که پولی از مردم نگیرند، و افراد نیکوکار هزینهٔ آن را بپردازند. آنچه فعلًا معمول شده، در واقع شبیه بخت‌آزمایی و ازلام است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۰

سؤال ۴۷۵- شرکتی ایرانی به نام ... به عنوان «طرح پیوند و همکاری» اقدام به عضوگیری می‌کند هر عضو موظّف است مثلًا مبلغ ۱۳۰۰ تومان به حساب شرکت و ۴ نفر از اشخاصی که در لیست ۷ نفرهٔ ارسالی شرکت قرار دارند واریز نماید. (هر نفر ۲۰۰ تومان و ۵۰۰ تومان به حساب شرکت) بعد از واریز مبلغ فوق، ایشان جزء گردونهٔ ۷ نفره قرار می‌گیرد و نفر هفتم از گردونه خارج می‌شود،

و به همین ترتیب گردونه با گرفتن عضوهای جدید می‌چرخد، تا این که ایشان، که نفر اوّل بوده، نفر هفتم شود. و از گردونه خارج گردد. آنها مدّعی هستند که در این مرحله ۵۴۳/ ۸۲۳ نفر هر کدام مبلغ ۲۰۰ تومان به حساب آن شخص واریز می‌کنند، که مجموعاً مبلغ ۰۰۰/ ۴۰۰/ ۶۸۱/ ۱ تومان به حسابش واریز می‌گردد، که همهٔ این مبلغ از طرف عضوهای جدید به حسابش واریز شده است. آیا این کار از نظر شرعی جایز است؟

حکم این شرکت چیست؟ اگر به حساب خیریّه و حمایت از مستمندان باشد، چگونه است؟

جواب: این کار نوعی کلاهبرداری و شبیه قمار است، و حرام می‌باشد.

سؤال ۴۷۶- برگه‌هایی به نام ارمغان بهزیستی از طرف یک سازمان دولتی به مبلغ معیّنی به مردم فروخته می‌شود، و در برخی از آنها سؤال یا سؤالاتی مطرح شده است. کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قرعه‌کشی راه پیدا می‌کنند، و به اشخاصی که قرعه به نام آنها اصابت کند، جوایزی می‌دهند. در آمد این برگه‌ها طبق اظهار مسئولین امر، صرف امور خیریّه می‌گردد. خریداران این برگه‌ها سه دسته‌اند:

۱- کسانی که فقط برای شرکت در امور خیریّه این برگه‌ها را می‌خرند.

۲- اشخاصی که فقط برای شرکت در قرعه‌کشی در این مسابقه شرکت می‌کنند.

۳- افرادی که چه قرعه به نامشان درآید و چه درنیاید، تفاوتی برای آنها نمی‌کند.

لطفاً حکم فروشنده، دست‌اندرکاران، و خریداران را بیان فرمایید.

در ضمن برگه‌های دیگری را همین شرکت برای کمک به سیل‌زدگان به مبلغ ۱۰۰۰ تومان می‌فروشد، و در بین تمام خریداران قرعه‌کشی می‌کند. با این تفاوت که دیگر سؤالی مطرح نشده، بلکه تمامی کسانی که بخرند می‌توانند در قرعه‌کشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۱

شرکت کنند. حکم این برگه‌ها چیست؟

جواب: همهٔ اینها از قبیل بخت‌آزمایی‌های سابق است، و شرعاً اشکال دارد؛ مگر این که همهٔ افراد از قبیل گروه اوّل باشند؛ یعنی فقط به نیّت کمک برگه‌ها را خریداری کنند. ولی می‌دانیم همهٔ افراد چنین نیستند؛ بلکه بسیاری برای شرکت در قرعه‌کشی برگه‌ها را می‌خرند، و اگر بدانند که آنها را در قرعه‌کشی شرکت نداده‌اند، راضی نیستند. و صَرف درآمد آن در امور خیریّه، ماهیّت مسأله را تغییر نمی‌دهد، و طرح سؤال نیز تأثیری در حلّ این مشکل ندارد. امید است برای کمک به نیازمندان راههایی انتخاب شود که با احکام شرعی، که مصلحت جامعه در آن است، سازگار باشد.

سؤال ۴۷۷- اخیراً طرح اقتصادی مشکوکی، که ظاهراً از کشورهای اروپایی اقتباس شده، با مجوّز رسمی از سوی دولت در برخی از نقاط کشور اجرا می‌شود.

طرح مذکور بدین شکل است:

شخصی که قصد شرکت در این طرح را دارد برگه‌ای دریافت می‌دارد، که در پشت این برگه نام هفت نفر با مشخّصات کامل و شماره حساب بانکی آنها، به همراه شمارهٔ حساب بانکی مجریان طرح درج شده است. گیرندهٔ برگه برای شرکت در این طرح باید مبلغ پانصد تومان به حساب مجریان طرح و ۲۰۰ تومان به حساب نفراتی که در پشت برگه آمده واریز کند و سپس برگهٔ فوق را به همراه قبض رسید بانکی وجوهی که واریز کرده، به آدرس دفتر طرح مذکور ارسال کند. پس از مدّتی از سوی آن دفتر هفت برگهٔ دیگر برای او ارسال می‌شود که نام خود او در ردیف اوّل پشت برگه است. او موظّف است برگه‌های مذکور را بین هفت عضو فعّال و پرکار توزیع کند، و دریافت کنندگان برگه‌ها، نیز به ترتیب فوق عمل می‌کنند، و این جریان به همین شکل ادامه پیدا می‌کند. آنها مدّعی هستند در نهایت به هر شرکت‌کننده مبلغ ۰۰۰/ ۴۰۰/ ۶۸۱/ ۱ ریال خواهد رسید، و ده درصد وجوهی که به

حساب دفتر طرح ریخته می‌شود صرف امور خیریّه می گردد. لطفاً نظر مبارك خویش را در مورد این مسأله بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۲

جواب: این گونه فعالیّت‌های کاذب اقتصادی شرعاً جایز نیست، و نوعی کلاهبرداری زشت غربی است، و از نظر شریعت مقدّسه قابل تعقیب است، زیرا پولهای کلانی که به بعضی از افراد داده می‌شود، نه از طریق تولید به دست آمده و نه تجارت، بلکه اموال دیگران را با فریب گرفته، و قسمتی را به نفع شرکت و قسمتی را به مشترکین، و برای حفظ ظاهر احتمالًا قسمتی را به کارهای خیر اختصاص می‌دهند. این شگردهای اقتصادی از خارج آمده، و امیدواریم دست‌اندرکاران توجّه پیدا کنند، و فریب این گونه مسائل را نخورند. بر حکومت محترم اسلامی نیز لازم است که در این مسأله دخالت کند، و جلوی این فعالیّت‌های اقتصادی ناسالم را بگیرد؛ زیرا در پایان که مشترکان و طلبکاران زیاد خواهند شد، و برنامه‌ها عملًا متوقّف می‌شود، و چیزی دستگیر عدّهٔ زیادی از مشترکین نخواهد شد، ممکن است منجر به یك سر و صدای اجتماعی شود. مردم عزیز ما نیز باید هوشیار باشند، و در دام این گونه کارها نیافتند.

سؤال ۴۷۸- صندوق قرض الحسنه‌ای، با شرایط زیر و با هدف پرداخت وام ۷۰۰ هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است.

۱- متقاضی بایستی برای ثبت نام اوّلیّه مبلغ سه هزار تومان به عنوان کار مزد به صندوق بپردازد.

۲- هر متقاضی باید سه نفر دیگر را که نیازمند وام هستند معرّفی کند، و آنها نیز هر کدام مبلغ سه هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازند.

۳- این روند بایستی همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اوّل به ردیف هفتم ارتقا یابد. در آن صورت وی می‌تواند برای دریافت وام اقدام نماید.

۴- یادآوری می‌شود صندوق قرض الحسنه به جز کارمزد یاد شده هیچ گونه بهره و سودی از دریافت کنندگان وام اخذ نمی کند.

عملیّات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لا تار پیچیده است، و ریشهٔ آن متأسّفانه از غرب می‌باشد، و نتیجهٔ آن این است که در مرحلهٔ اوّل بیش از شش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۳

میلیون تومان کارمزد دریافت می‌شود، و هفتصد هزار تومان وام داده می‌شود، که آن هم به کیسهٔ مؤسّسه برمی گردد! کارمزد عبارتست از حق الزّحمهٔ عادلانهٔ کسانی که در آن مؤسّسه کاری انجام می‌دهند، که به مقدار کارشان باید به آنها مزدی داد.

و نام کارمزد بر شش میلیون تومان گذاشتن در یك مرحله نوعی فریب است. و حتماً شما عزیزان مایل نیستید آلودهٔ این مسألهٔ غیر مشروع شوید.

سؤال ۴۷۹- به دنبال ترویج طرح «ارمغان بهزیستی» و امثال آن توسّط صدا و سیما و برخی از مطبوعات، طرحهای مشابهی در بعضی شهرها و مراکز استانها نیز به اجرا در آمده است، که مجریان آن، هدف از جمع‌آوری وجوه مردم را تأسیس مراکز قرآنی و خیریّه اعلام می کنند. اخیراً طرح جدیدی تحت عنوان «طرح ملّی باقیات الصالحات» در یکی از استانها شروع به کار کرده، که بیست میلیون تومان جایزه برای خریداران برگه‌های منتشر شده از طریق این طرح در نظر گرفته است. نظر شما راجع به این گونه فعالیّتها چیست؟

جواب: همهٔ اینها حرام، و شبیه بلیطهای بخت‌آزمایی است. و گذاردن نامهای مقدّس بر آن، نه تنها از اشکال آن نمی‌کاهد، بلکه بیشتر می کند. و علی رغم ظاهر فریبنده‌ای که دارد، مفاسد زیادی بر آن مترتّب می گردد.

سؤال ۴۸۰- این جانب و عدّه‌ای از دوستان که در شرکتی به نام «گُلدکوئیست» سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، شنیدیم جنابعالی کار این

شرکت را حرام دانسته‌اید. بدین وسیله خواستیم توضیحاتی، که از اساسی‌ترین مطالب در مورد این کار است، و برای جنابعالی نگفته‌اند، به شرح زیر به اطّلاع جنابعالی برسانیم:

تجارت شبکه‌ای کاری است که افراد از طریق شبکهٔ اینترنت به خرید می‌پردازند، و تمام اجناس حتّی اجناس خوراکی نیز از این طریق خریدوفروش می‌شود. مسألهٔ مهم اینجاست که این شرکت‌ها، حتّی شرکت‌های موادّ غذایی، امتیازاتی برای مشتریان در نظر می‌گیرند، تا افراد از آنها خرید نمایند، و این مطلب را یک شهروند اروپایی یا آمریکایی به صراحت تصدیق می‌نماید. شرکت Goldquest، هم یکی از همین شرکت‌های تجاری است که برای بالا بردن فروش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۴

خود علاوه بر فروش آزاد، به مشتریان این امکان را می‌دهد که از شرکت به صورت قسطی نیز خرید کنند. مطلبی که در توضیحات افراد جا افتاده این است: هنگامی که وارد سایت شرکت شوید از شما سؤال می‌شود، شما قصد دارید تنها سکّهٔ طلا بخرید، یا علاوه بر خرید، قصد شرکت در کار بازاریابی را نیز دارید؟ و حتّی شخص می‌تواند نام خود را بنویسد، و یک ماه بعد پول به حساب بریزد. نحوهٔ به حساب ریختن پول از طریق کارت‌های اعتباری است، که کاملًا معتبر و بدون کلاهبرداری می‌باشد، و این کارت‌ها زمانی جای پول نقد را خواهد گرفت. بنابراین، کسی که نمی‌خواهد بازاریابی کند، یک خرید کامل انجام می‌دهد، و در حقیقت چون یکی از روش‌های زمان تورّم این است که پول نقد را به طلا تبدیل کنیم، پس این راه یک راه کاملًا عاقلانه به نظر می‌رسد. و چنین شخصی که خرید کامل انجام داده سکّهٔ طلایش را دریافت می‌کند، و اگر یک نفر را هم معرّفی نکند هیچ تأثیری در خرید او ندارد. پس مسأله‌ای را که خدمت جنابعالی گفته بودند که تا اشخاصی را معرّفی نکنید به شما پول نمی‌دهند، و طلا را دریافت نمی‌کنید، مخصوص زمانی است که شخص خودش علاقه‌مند است که برای شرکت بازاریابی کند. در این صورت نیم‌بها خرید می‌کند، و بقیّهٔ پول طلا را با بازاریابی و سهیم شدن در سود شرکت پرداخت می‌کند. اگر قسمتی که باعث حرام شدن این تجارت می‌شود قسمت معرّفی کردن اشخاص است، بنابراین کار بازاریابی نیز که افراد زیادی در حال حاضر به آن اشتغال دارند یک امر حرام و خارج از حکم شرع محسوب می‌شود، و اگر این قسمت که تا افرادی را معرّفی نکنیم به ما وجهی پرداخت نشود باعث حرام شدن کار شرکت گلدکوئیست‌است باید عرض کنیم شرکت پس از ۶ ماه، اگر کسی نتوانست افراد را معرّفی کند، به اندازهٔ همان مقدار پول که پرداخت شده سکه یا طلایی را برای وی می‌فرستد، که قطعاً تا به این لحظه این مطلب برای شما گفته نشده بود. بنابراین اگر کسی نخواست دیگری را معرّفی کند، بطور کامل خرید می‌کند و تمام پول طلا را می‌پردازد، و حتّی در یک قسمت از سیستم می‌تواند نام و شمارهٔ خودش را مخفی کند، تا هیچ کس حتّی اسم او را هم نداند. اجناسی را که این شرکت بفروش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۵

می‌رساند، چند خصوصیّت بارز دارد که باعث می‌شود قیمت آن زیاد و حتّی از ارزش وزنی‌اش بیشتر گردد! از جمله این که اوّلًا روی آن یک شکل ضرب شده. و ثانیاً توسّط یک دولت پشتوانهٔ مالی شده. و ثالثاً عیار آن ۲۴ است. رابعاً موارد ضرب آنها مُد روز است. که خصوصیّت آخر باعث می‌شود وقتی سکّه تمام شد کسانی که علاقه‌مند به داشتن این نوع سکّه هستند این سکه را از ما بخرند، و قیمت آن چند برابر می‌شود. و گمان نمی‌کنم که در این سود نیز مسألهٔ حرامی وجود داشته باشد، چون یک تجارت است و قیمت‌ها هم از طرف خود شرکت تعیین می‌شود، و چیزی است که اتفاق افتاده، و اکثر دوستان سکّه‌ها یا طلاهایی را خریداری کرده‌اند که گران شده، و سود دوّمی نصیب آنها شده است. برخی می‌گویند: «چون انسان سریع به پول هنگفتی می‌رسد، پس بدون تلاش است و حرام.» باید عرض کنم: «این کار آن قدر نیاز به تلاش دارد، و به قدری پرمشقّت است که گاه حتّی وقت خواب و خوراک را هم می‌گیرد!». با توجّه به توضیحات بالا، لطفاً نظرتان را بیان فرمایید.

جواب: مشکل اصلی در اینجا دو چیز است، که ما کاملًا به آن توجّه داریم، و دلیل حرمت این کار همین دو چیز است: اوّل این که

سکّه‌ها به قیمت واقعی بازار فروخته نمی‌شود، بلکه دو یا سه برابر قیمت واقعی فروخته می‌شود، که قسمتی از این مبلغ اضافه، نصیب آن شرکت و قسمتی نصیب ردیفهای اوّل می‌شود، و ردیفهای آخر به یقین گرفتار زیان می‌شوند. در واقع قسمت اضافی شبیه نوعی لاـ تار است، و مشمول آیهٔ شریفهٔ «لَا تَأْكُلوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» * می‌باشد، و مسائلی از قبیل نقش سکّه، و وضع آیندهٔ آن، پوشش‌های کاذبی است که به این کار خلاف داده می‌شود. دیگر این که، کسانی که در گردش این معاملات قرار می‌گیرند، نه صنعتی دارند، و نه کشاورزی، و نه تجارب مثبتی. پولهای کلانی که به جیب ردیفهای اوّل یا آن شرکت می‌ریزد از کجاست؟ اگر واقعاً از این طُرُق بتوان ثروتمند شد، خوب است همه کارها را رها کنند، و دنبال این برنامه‌های کاذب بیفتند! و در یک کلمه، این کار شبیه لاتار و بخت‌آزمایی و قمار است و درآمدش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۶

مشروع نیست. و تاکنون دهها نوع آن را برای ما نوشته‌اند و توضیح خواسته‌اند، و ما به همه جواب منفی داده‌ایم. شما می‌توانید پول خود را از آن مؤسّسه بازپس بگیرید، و سزاوار افراد با ایمانی امثال شما نیست که آلوده این کار شوید.

سؤال ۴۸۱- عدّه‌ای از جوانان یک هیأت تصمیم گرفته‌اند که هر یک هزار تومان قربهٔ الی اللّه بدهند، و به قید قرعه از میان کسانی که پول داده‌اند یک نفر را به نیابت از کلّ هیأت به کربلا بفرستند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه به قصد قربت باشد، نه به قصد قرعه‌کشی، اشکالی ندارد.

سؤال ۴۸۲- مؤسّسه‌ای بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده دارد، در جهت تدوین برنامه‌های علمی، آموزشی و تربیتی قرآن کریم، و همچنین ایجاد و گسترش کانون‌های حفظ، قرائت، تجوید، مفاهیم، تفسیر و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهما السلام، برگزاری مسابقات قرآنی و فرهنگی، و شناساندن چهره‌های قرآنی و مفاخر ایران اسلامی، و برقراری ارتباط با مراکز علمی قرآنی داخل و خارج، و طرّاحی و برگزاری دوره‌های کوتاه مدّت قرآنی، و تأسیس و ادارهٔ کتابخانه‌های تخصّصی و تحقیقاتی، و قبول هدایا و اعطای جوایز به اشخاص، فعالیّت شاخصی در علوم معارف قرآنی در سطح کشور دارد. مؤسّسه مذکور در این راستا قصد برگزاری طرحی با مشخّصات ذیل را دارد:

۱- تهیّهٔ اوراقی محتوی سؤال و جواب علوم قرآنی، و پیام‌های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

۲- درج شماره‌ای بر روی اوراق جهت قرعه‌کشی.

۳- اهدای جوایز نقدی و غیر نقدی، و سفر زیارتی به سوریه و عتبات عالیات.

برگزاری این گونه مسابقات به این نحو است که علاقه‌مندان مبلغی به عنوان حقّ شرکت در مسابقه پرداخته، و پس از کسر هزینه‌های اجرایی و برگزاری مسابقات، بر اساس اولویّت یا قرعه، جوایزی اهدا، و ما بقی صرف فعالیّتهای فوق الذّکر می‌گردد. نظر مبارک در مورد چنین مسابقه‌ای چیست؟

جواب: هرگاه وجهی که گرفته می‌شود در برابر خدماتی باشد که آن مؤسّسه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۷

جهت تعلیم قرآن مجید انجام می‌دهد، دادن جوائز به شرکت کنندگان در قرعه‌کشی مانعی ندارد، و در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۸۳- دامنهٔ فعالیّتهای انجمن حمایت از زندانیان در خصوص خانواده‌های زندانیان بسیار گسترده، و شامل تعلیم، تربیت، اصلاح و ارشاد، نگهداری و سرپرستی، کمک به مسکن و اجارهٔ ماهیانه، لوازم معیشت، بهداشت و درمان، مراقبت بعد از خروج، ایجاد اشتغال و تهیّهٔ فرصتهای شغلی یا کمک مالی، ترغیب و تشویق به فعالیّت‌های فرهنگی و مانند آن می‌باشد. لکن به لحاظ ضعف بنیهٔ مالی قادر به انجام رسالت خویش نمی‌باشد.

به استناد مفاد اساسنامه و آیین‌نامه، مبنی بر جذب کمک‌های مردمی، اعم از نقدی و غیر نقدی، فعالیّت‌های عام المنفعه، خیریّه و اقتصادی، انجمن مجاز است به منظور سر و سامان بخشیدن به امور معیشتی و رفع معضلات این خانواده‌ها، که حجم وسیعی را در سطح کشور در برمی‌گیرد، تحت عنوان جذب کمکهای مردمی مبادرت به فروش اوراق بهاداری به نام «امیدآوران ابتسام» به افراد خیّر و نیکوکار نماید، و بخشی از وجوه حاصل از فروش اوراق را با اذن خریداران آن صرف اهدای جوایز به قید قرعه بین خریداران جهت ترغیب و تشویق افراد به این امر خیر نماید.

این امر مستلزم کسب مجوّز شرعی است. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: هرگاه کمکها به طور کامل صرف امور خیر شود مانعی ندارد؛ ولی چنانچه بخشی از آن به صورت جایزه و قرعه‌کشی درآید، و انگیزهٔ شرکت افراد در این امور گردد اشکال دارد.

۶- مجسّمه‌سازی

سؤال ۴۸۴- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون مجسّمه‌سازی پاسخ فرمایید:

الف) اگر برای بزرگداشت خاطرهٔ شهیدان در یکی از میادین شهر، نمادی از شهید ساخته شود، چه حکمی دارد؟

ب) آیا جایز است تندیس سربازی ساخته شود که در حال تیراندازی به سوی دشمن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۸

ج) آیا می‌توان برای نشان دادن تجاوز و دیو سیرتی استکبار (مثلًا نسبت به مردم شهر حلبچه، که مظلومانه توسّط بمب شیمیایی از بین رفتند) به همان صورت با ساختن مجسّمه‌هایی آن را بازسازی کرد؟

د) اگر انسانی که سر به سجده برده، و خدا را پرستش می‌کند ساخته شود، اشکال دارد؟

ه) آیا ترمیم آثار باستانی مانند نقوش برجسته، یا مجسّمه‌هایی که از ادوار پیش باقی مانده، دارای اشکال است؟

جواب: ساختن مجسّمه از نظر شرع اسلام اشکال دارد؛ ولی امور زیر را می‌توان استثنا کرد:

۱- نقوش برجسته که در گچ‌کاری و کنده کاری و قلمکاری و مانند آنها دیده می‌شود.

۲- عروسکها و آنچه جنبهٔ بازیچه دارد.

۳- مجسّمه‌هایی که برای فریب دشمن ساخته، و در مناطقی گذاشته می‌شود، و از نظر جنگی ضرورت دارد.

۴- مجسّمه‌هایی که از قطعات متعدّدی تشکیل یافته، و در طبّ برای تعلیم مسائل مختلف به کار می‌رود، و در بسیاری از موارد جانشین تشریح بدن انسانها می‌گردد، و برای تعلیم این مسائل لازم به نظر می‌رسد.

۵- رباطهای کامپیوتری که جنبهٔ سرگرمی و تفریح ندارند؛ بلکه در نیازهای زندگی بشری از آن‌ها بهره‌گیری می‌شود.

سؤال ۴۸۵- مشاهده شده که در برنامه‌های تصویری، عروسکی شبیه انسان درست می‌کنند، که در برنامه‌ها یا فیلمهایی که انسان واقعی در آن نقش دارد و تکلّم می‌کند، به عللی آن عروسک دارای تکلّم وارد می‌شود، و همراه انسانهای واقعی نقش ایفا می‌کند، و شبیه آنها تصمیم می‌گیرد، و تکلّم می‌نماید. ساختن چنین برنامه‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: مجسّمه‌سازی اشکال دارد؛ ولی اگر از قبیل عروسک و بازیچه باشد، خواه نقشی بازی کند یا نه، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۶۹

۷- غیبت

سؤال ۴۸۶- آیا صحبت‌ها و سر و صداهای سیاسی، که نقل مجالس شده، و افراد دانسته یا ندانسته موضوعی را به این و آن نسبت

می‌دهند، غیبت حساب می‌شود؟

جواب: نسبت دادن شایعات به یکدیگر نوعی تهمت است، فراتر از غیبت؛ آری اگر عیب پنهانی را بدون جهت آشکارا بگویند، غیبت است.

سؤال ۴۸۷- اگر گفته شود: «فلان اداره یا سازمان به مردم ظلم می‌کند، یا خیلی ایراد می‌گیرد» و امثال این گونه جملات، آیا چنین سخنانی حرام است؟

جواب: اگر ظلم آن آشکار باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۸۸- اگر غیبت‌کننده شخص غائب را نشناسد، ولی شنوندهٔ غیبت او را بشناسد، آیا غیبت محسوب می‌شود؟ مثلًا فردی جنسی را از مغازه‌داری خریده است. شخصی که مغازه‌دار را نمی‌شناسد عیوب جنس خریداری شده را تذکّر می‌دهد، و جملاتی از این قبیل می‌گوید: «آن مغازه‌دار کلاهبردار است»، «خائن است»، «سَرَت کلاه گذاشته» آیا این کار مجاز است؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که عمل او ظاهر و آشکار، یا در مقام مشورت و رفع ظلم بوده باشد.

سؤال ۴۸۹- آیا در مواردی که هدف عقلایی در کار است، مثلًا در مقام مشورت دیگران، می‌توانیم سوء ظن خود را نسبت به شخصی بازگو کنیم؟ مثلًا در جایی دزدی یا قتلی صورت گرفته، و ما احتمال می‌دهیم که دزد یا قاتل فلان شخص باشد. در این صورت چنانچه در مقام مشورت و بازجویی نیروهای انتظامی از ما، و یا حتّی ابتداءً سوء ظن خود را نسبت به آن شخص بازگو کنیم، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که برای کشف جرم غالباً راهی جز این گونه تحقیقات وجود نداشته باشد، شرعاً جایز است. ولی باید کاری کرد که آبروی اشخاص در ظاهر کاملًا محفوظ باشد، و بدون اثبات جرم به کسی اهانت نشود.

۸- دروغ

سؤال ۴۹۰- امروزه از افراد زیادی دروغ می‌شنویم، و هنگامی که نهی از منکر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۰

می‌کنیم می‌گویند: «شوخی کردیم!» یا می‌گویند: «دروغ مصلحتی است!» لطفاً بفرمایید دروغی که به شوخی باشد چه حکمی دارد؟ و دروغ مصلحتی چیست؟

جواب: در صورتی که مخاطب بفهمد قصد جدّی ندارد و شوخی می‌کند دروغ محسوب نمی‌شود. و دروغ مصلحتی آن است که دروغ، مصلحت مهمتری از راست گفتن داشته باشد؛ مانند دروغ گفتن برای اصلاح ذات البین.

سؤال ۴۹۱- هرگاه شخصی بدهی خود را پرداخته، یا طلبکار آن را بخشیده باشد، ولی پس از مدّتی شکایت کند. آیا مدیون می‌تواند برای رهایی از ادّعای آن شخص توریه نموده، یا قسم بخورد که اصلًا از او قرض نگرفته است؟

جواب: در فرض سؤال اگر راه منحصر به این باشد عیب ندارد.

سؤال ۴۹۲- توریه چیست؟ لطفاً با ذکر مثالی آن را توضیح بفرمایید.

آیا توریه اختصاص به موارد ضرورت دارد، یا در غیر آن هم جایز است؟

جواب: توریه آن است که انسان سخنی دو پهلو بگوید، و قصدش چیزی باشد، ولی مخاطب چیز دیگری بفهمد. مثل این که کسی پشت در خانه بیاید، و بپرسد: آیا فلان کس در خانه است؟ و گوینده سخن در جواب بگوید: اینجا نیست، و منظورش از «اینجا» پشت در باشد، ولی شنونده خیال می‌کند شخص مورد نظر در خانه نیست. و این گونه توریه مشروط به حال ضرورت نمی‌باشد؛ هر چند بهتر رعایت ضرورت است.

۹- موادّ مخدر

سؤال ۴۹۳- با عنایت به نیاز شدید جامعهٔ اسلامی ایران نسبت به رفع ابهام حکم شرعی موادّ مخدّر، دانشگاه ما تصمیم به بررسی موضوع فوق نموده است، لطفاً حکم شرع را در این مورد بیان فرمایید.

جواب: بی‌شکّ استعمال موادّ مخدّر به هر مقدار و اندازه که باشد، حرام است. خواه موادّ مخدّر قدیمی باشد، یا آنچه در عصر ما به وجود آمده، یا بعداً به وجود می‌آید. و هر گونه کمک برای کشت، داشت، برداشتِ محصول، تهیّه،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۱

توزیع، خرید، فروش، نگهداری و مصرف آن نیز حرام است. و جوامع اسلامی باید به شدّت با این بلای خانمانسوز مبارزه کنند، و در امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی ننمایند.

سؤال ۴۹۴- نظر مبارک را در مورد استعمال تریاک برای معتادین، یا کشیدن تریاک به عنوان تفریح، اعلام فرمایید. شرکت در چنین مجالسی، و تهیّه و آماده نمودن وسائل برای چنان اعمالی چه حکمی دارد؟

جواب: کشیدن تریاک، خواه تفریحی باشد یا غیر تفریحی، حرام است؛ مگر این که در حدّ ضرورت باشد. و افراد معتاد تا آنجا که می‌توانند برای ترک آن کوشش کنند. هم چنین تهیّهٔ تریاک، خرید، فروش، حمل و نقل آن جایز نیست.

سؤال ۴۹۵- آیا حرام بودن استعمال موادّ مخدر در قرآن آمده است؟ و از آنجا که اعتیاد به آن، بلای خانمان‌سوزی است که دامن جوانهای ما را گرفته، و حتّی در سنین بالا و برخی از مؤمنین آلودهٔ به آن هستند. و سر و صدای مبارزه با موادّ مخدّر متأسّفانه نتیجهٔ چندانی نداده، چرا به جز رسالهٔ شما، در رساله‌های علمای دیگر تحریم آن نیامده است؟

جواب: بسیاری دیگر از فقها نیز موادّ مخدّر را تحریم کرده‌اند، و دلیل آن حکم عقل به قبح آن است. علاوه بر این که آیهٔ شریفهٔ «وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» نیز چنین اشخاصی را شامل می‌شود. بعضی از روایات نیز اشاره به این معنا دارد، که استعمال اشیای مضر حرام است.

سؤال ۴۹۶- با توجّه به عمومیّت یافتن استفاده از موادّ مخدّر، و مفاسد مترتّب بر آن، نیاز است که احکام مربوط به این موضوع به صورت واضح مشخّص شود، و در اختیار عموم قرار گیرد. مستدعی است در خصوص موارد زیر نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

۱- حکم استفاده از انواع موادّ مخدّر، مانند: تریاک، هروئین، مرفین، حشیش، چرس، ماری‌جوانا، ال، اس، دی، و موادّی که اثراتی به مانند این مواد دارند، برای معتاد و غیر معتاد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۲

۲- حکم خریدوفروش موادّ مخدّر چیست؟ آیا شخص در صورت فروش یا خرید مواد، مالك پول دریافتی، یا مادّهٔ خریداری شده می‌شود؟

۳- حکم شرکت در جلساتی که در آن از موادّ مخدّر استفاده می‌شود چیست؟ در مواردی که احتمالِ خطرِ معتاد شدن وجود داشته باشد چه می‌فرمایید؟

۴- ارتباط جوانان با افراد معتاد، به ویژه در مواردی که می‌تواند زمینه‌ای برای اعتیاد آنان باشد، چه حکمی دارد؟

۵- حکم ازدواج با افراد معتاد چیست؟ آیا سختگیری خانواده‌ها در خصوص شرط عدم اعتیاد مرد برای ازدواج، می‌تواند مجوّز شرعی داشته باشد؟

۶- آیا بر افراد واجب است که از باب امر به معروف و نهی از منکر، افراد معتاد را به ترک اعتیاد وادار سازند؟

۷- آیا بودن مجوّز پزشک، و به بهانهٔ استفادهٔ دارویی و با تشخیص شخصی، می‌توان از موادّ مخدّر استفاده کرد؟

۸- حکم استفادهٔ تفنّنی و سرگرمی از موادّ مخدّر، بـه خصوص تریاک چیست؟ به ویژه که امروزه استفادهٔ تفنّنی از این مواد، بیشترین کمک به فروشندگان این مواد است، و آنها را در گسترش آن یاری می کند.

۹- با نظر به این که شروع اعتیاد اکثر افراد معتاد به موادّ مخدّر از سیگار بوده، و علّیت مُقدِّمی آن برای اعتیاد به این مواد غیر قابل انکار است، حکم استفاده از سیگار، به خصوص برای نوجوانان و جوانان چیست؟

جواب: بدون شک استفاده از تریاک و سایر موادّ مخدّر و خریدوفروش آن و شرکت در جلساتی که در آن از موادّ مخدر استفاده می‌شود از گناهان کبیره است.

و بر آحاد مردم و جامعهٔ مسلمان و حکومت اسلامی لازم است که با استفاده از تمام وسائل جلوی این کار را بگیرند. و هر گونه کمک به کشت و فروش و حمل و نقل و استفاده از آن نیز از محرّمات واضح است. حتّی استفادهٔ تفنّنی برای سرگرمی از آن جایز نیست، و تبلیغ آن برای افراد دیگر حرام است. استفادهٔ خودسرانه از آن به عنوان دارو نیز جایز نمی‌باشد. حتّی کشیدن سیگار با توجّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۳

این که مقدّمهٔ اعتیاد می‌باشد، و حتّی با قطع از نظر از این مطلب، به خاطر زیانهای فراوانی که دارد جایز نیست. خداوند همهٔ مسلمین، مخصوصاً جوانان را، از شرّ این بلاهای خانمانسوز محفوظ بدارد.

۱۰- استعمال دخانیات

سؤال ۴۹۷- اخیراً در محافل مختلف سخن از این است که جنابعالی سیگار را تحریم کرده‌اید، مایل بودیم توضیح بیشتری در این زمینه از حضرتعالی بشنویم.

جواب: این جانب از چند سال پیش این فتوا را به صورت مشروط ذکر کرده بودم، و در رسالهٔ توضیح المسائل موجود است که: «اگر کشیدن سیگار (و سایر دخانیات) به شهادت اهل اطّلاع ضرر مهمّی داشته باشد حرام است.»

ولی اخیراً با شهادت و گواهی جمعی از پزشکان آگاه، و اساتید متعهّد دانشگاه، و با توجّه به آمارهای تکان‌دهنده‌ای که از مرگ و میر ناشی از سیگار، و بیماری‌های خطرناکی که از آن نشأت می‌گیرد به ما رسیده، ثابت و مسلّم شد که خطرات مهمّ دود سیگار یک واقعیّت است، که حتّی فرزندان افراد سیگاری و معاشران آنها از آن در امان نیستند! لذا فتوای تحریم به طور مطلق را دادیم، و از خدا می‌خواهم همهٔ مسلمانان جهان، مخصوصاً جوانان عزیز را که نخستین قربانیان این بلای خانمان‌سوز هستند، از شرّ آن حفظ کند، و با هوشیاری تمام مراقب خویش و اطرافیان و دوستان خود باشند. ان شاء اللّه زنده بمانیم و ببینیم که جامعهٔ ما از لوث وجود این دودآلوده پاک شده است.

در اینجا به مناسبت تقاضای مکرّر فضلا اشارهٔ کوتاهی به مدارک مسأله می‌شود:

۱- قرآن مجید در آیهٔ ۱۹۵ سورهٔ بقره می‌فرماید: «وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» طبق آمارهایی که از سوی پزشکان متخصّص اعلام شده، مرگ و میر ناشی از دود سیگار در سال به پنج میلیون نفر می‌رسد! و آمار بیماری‌های خطرناک قلبی و تنفّسی و سرطان ناشی از دود سیگار نیز بسیار بالاست. بنابراین، کشیدن سیگار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۴

مصداق إلقاء نفس در تهلکه است.

۲- قاعدهٔ

«لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»

مستفاد از روایات متعدّد گرچه شأن ورودش اضرار به دیگران است، ولی می‌دانیم شأن ورود مفهوم عام، قاعده را محدود نمی‌کند، و إضرار به نفس را نیز شامل می‌شود.

۳- در حدیث معروف فقه الرضا علیه السلام آمده است:

«كُلُّ امْرٍ يَكُون فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا قَدْ نَهَىٰ عَنْهُ فَحَرامٌ ضارٌّ لِلْجِسْمِ وَ فَسَادٌ لِلنَّفْسِ»

و در روایت تحف العقول نیز شبیه آن دیده می‌شود.

طبق این روایات هر چیزی که ضرر مهمّی برای بدن داشته باشد حرام است.

(البتّه ضررهای جزئی که در همه چیز هست و قابل اجتناب نیست، از آن خارج و منظور ضررهای کلّی است).

۴- بعضی عادت به خوردن گِل دارند، که در روایات اسلامی به نوعی وسواس تعبیر شده، و از آن شدیداً نهی شده است. به خاطر این که برای انسان ضرر دارد، در روایتی آمده است:

«انَّ الطِينَ يُورِثُ السُّقْمَ فِي الْجَسَدِ وَ يُهَيِّجُ الدَّاءَ

(خوردن گل سبب بیماری و تهییج درد است) لذا مرحوم شهید در کتاب مسالک نخستین دلیل تحریم آن را بما فیه من الاضرار الظاهر للبدن شمرده است، اینها نشان می‌دهد که حرمت اشیای مضرّه از مسلّمات بوده است. حتّی روزهٔ واجب اگر ضرر داشته باشد باید ترک شود، و غسل و وضوی واجب در صورت ضرر تبدیل به تیمّم می‌شود.

۵- از همهٔ اینها گذشته طبق قاعدهٔ مسلّم اصولی «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» (هر چیزی که عقل قطعی به آن حکم کند، شرع هم به آن حکم خواهد کرد) مسألهٔ حرمت سیگار و انواع دخانیّات در عصر و زمان ما، که زیان‌های مهم آن بر همهٔ دانشمندان ثابت شده، جای تردید باقی نمی‌گذارد. فتوای همهٔ مراجع به حرمت مواد مخدّر نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. «۱»

---

(۱). نظرات آگاهان دربارهٔ زیانهای دخانیات

از آنجا که فقیه حکم را تعیین می‌کند و اهل خبره موضوع را، در اینجا رشتهٔ سخن را به جمعیّت مبارزه با دخانیات که متشکل از گروهی از پزشکان مجرّب، اساتید محترم دانشگاه و خبرگان دیگر است می‌سپاریم:

* سیگار عامل اصلی و یا کمکی در پیدایش بیش از ۵۰ نوع بیماری و ۲۰ نوع سرطان در بدن می‌باشد.

* سالیانه ۵ میلیون نفر به علّت بیماری‌های ناشی از سیگار جان می‌سپارند. (یعنی بیش از تلفات جنگ جهانی اوّل! چون در طول چهار سال ۱۰ میلیون نفر در آن جنگ کشته شدند، ولی تلفات سیگار در دنیا در چهار سال به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد!)

* در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱۰ میلیون نفر در سال به علّت بیماری‌های ناشی از سیگار فوت می‌شوند. با این تفاوت که ۷ میلیون آن در کشورهای در حال پیشرفت، و ۳ میلیون آن در کشورهای پیشرفته‌اند!

* به علّت سودآوری صنعت دخانیات برای کمپانی‌های چند ملّیتی، به ویژه شرکت‌های آمریکایی، و با توجّه به محدودیّت‌های جدّی در عرضه و مصرف سیگار در کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، میزان مصرف در این کشورها روز به روز در حال کاهش است. و لذا با ترفندهای مختلف به طور رسمی و غیر رسمی (قاچاق) بازار مصرف به سوی کشورهای فقیر و در حال توسعه سوق داده شده است!

* در کشور ایران نزدیک به ۱۰ میلیون سیگاری روزانه بیش از سه میلیارد تومان! خرج سیگار می‌کنند. (یعنی در هر سال بیش از یک هزار میلیارد تومان!)

* به طور متوسّط دولت‌ها بیش از دو برابر مبلغ مصرف سیگار، صرف «هزینهٔ بیماری‌ها و درمان عوارض ناشی از سیگار» می‌نمایند. یعنی رقمی نزدیک به ۶ میلیارد تومان در ایران در هر روز. (و در سال بیش از دو هزار میلیارد تومان)

* سالیانه ۵۴ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می‌شود، که نزدیک به ۱۲ میلیارد نخ آن تولید داخل و بقیّه عمدتاً از طریق قاچاق وارد و توزیع می‌شود. (یعنی بیش از ۷۵ درصد پول سیگار به خارج می‌رود)

* جوانان کشور و نوجوانان (گروه‌های سنّی ۱۰ تا ۱۵ سال) هدف اصلی برای ترغیب به کشیدن و اعتیاد به سیگار می‌باشند.

* سیگار در نوجوانان دریچهٔ ورود به اعتیاد و سایر بزهکاری‌های اجتماعی است.

* افراد غیر سیگاری، به ویژه کودکان و همسران افراد سیگاری، به همان اندازه در معرض مضرّات دود سیگار هستند. و این افراد بی‌گناه به طور اجباری سلامتی خویش را از دست می‌دهند.

* کمپانی‌های آمریکایی سالیانه بالغ بر ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۶۰۰۰ نخ سیگار تولید می‌کنند که نزدیک به ۳ درصد آن در آمریکا مصرف می‌شود، و مابقی آن (۹۷ درصد) به خورد مردم سایر کشورها، به ویژه کشورهای فقیر و در حال توسعه، داده می‌شود. و از این رهگذر بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار سود عاید شرکت‌های آمریکایی می‌گردد، که معادل ۲۰ سال فروش نفت ایران است!

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۵

۱۱- تراشیدن ریش

سؤال ۴۹۸- فردی یک بار ریشش را از ته می‌تراشد، و نعوذ باللّه گناه می‌کند؛ لکن پس از این نمی‌گذارد ریشش بلند شود، و به حدّ «صدق ریش» برسد. یعنی هر مقدار که می‌روید، آن را می‌تراشد. لذا هیچگاه ریشش به حدّ صدق ریش نمی‌رسد. آیا بر کار چنین شخصی ریش‌تراشی صدق می‌کند؟

جواب: این کار در نظر عرف ریش‌تراشی محسوب می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۶

۱۲- حیوانات حرام گوشت

سؤال ۴۹۹- همان‌طور که مطّلعیم طبق نظر حضرات مراجع تقلید، حفظهم اللّه گوشت آبزیان و حیوانات دریایی که دارای فلس هستند حلال، و آنها که فلس ندارند حرام است. آیا مطلق استفاده از آبزیان فاقد فلس حرام است، یا برای استفاده‌های غیر خوراکی، یا در معرض استفادهٔ غیر مسلمان قرار دادن اشکالی ندارد؟ هر چند به فروختن، یا معاوضه با چیزی، یا به عنوان حق الاختصاص به غیر، در برابر وجه نقد یا جنسی باشد. نظر حضرتعالی در این مسأله چیست؟

جواب: هرگاه چنان آبزیانی را به کسانی بفروشند که خوردن آن را حلال می‌دانند، یا برای مصارف غیر خوراکی بفروشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۰۰- خریدوفروش ماهیهای حرام گوشت چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه منافع حلالی، مانند تهیّهٔ غذا برای مرغداریها و مانند آن، داشته باشد جایز است. همچنین فروختن آنها به غیر مسلمانان، که خوردن آن را جایز می‌دانند اشکالی ندارد.

سؤال ۵۰۱- خریدوفروش بالهای ماهیهای حرام گوشت، در صورتی که منافع مباحی داشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

۱۳- احضار ارواح

سؤال ۵۰۲- نظر حضرتعالی در مورد احضار ارواح چیست؟ آیا عقلًا این کار امکان‌پذیر است؟ و چنانچه ممکن باشد، آیا از دیدگاه

شرع مجاز است؟

جواب: این کار عقلًا امکان‌پذیر است، ولی شرعاً جایز نیست، و مفاسد زیادی به بار می‌آورد. «۱»

---

(۱) شرح این مطلب را در کتاب «ارتباط با ارواح» نوشته‌ایم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۷

عزاداری

سؤال ۵۰۳- آیا ذاکر اهل بیت می‌تواند برای ذکر فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام اجرت طی کند؟

جواب: تعیین اجرت شرعاً اشکالی ندارد؛ ولی این کار در شأن ذاکران اهل بیت، که باید مظهر تقوا و پارسایی باشند، نیست.

سؤال ۵۰۴- حرکت زنان با وضع نامناسب به دنبال هیأت‌های عزاداری، که موجب بروز گناهان و آلودگی‌هایی می‌شود، چه صورتی دارد؟ برای عزاداری بانوان چه روشی را توصیه می‌فرمایید.

جواب: عزاداری خامس آل عبا علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام از افضل قربات است؛ ولی مردان و زنان باید طوری رفتار کنند که آمیخته با خلاف شرع نشود.

سؤال ۵۰۵- در مناطق ما، در فصل تابستان، مردم گاه ده روز و گاه ۵ روز مراسم عزاداری، برای سید الشهدا علیه السلام برگزار می‌کنند. آنها معتقدند: «هنگامی که حادثهٔ کربلا رخ داد تابستان بود، بدین جهت ما هر سال علاوه بر محرّم الحرام، در این ایّام نیز مراسم عزاداری برگزار می‌کنیم.» آیا می‌توان این گونه مراسم را به عنوان ورود برگزار کرد، یا باید به عنوان رجا انجام شود؟

جواب: این مراسم را می‌توان به عنوان عزاداریِ مطلق، که در هر زمان و هر مکان مطلوبیّت دارد، انجام داد.

سؤال ۵۰۶- لطفاً در مورد جلسات عزاداری به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- سرودن و خواندن شعرهایی که در آن از الفاظی نامناسب (مثل سگ و الاغ و رقّاص و مانند آن) استفاده شده، و الفاظ مذکور را به ساحت مقدّس ائمّهٔ اطهار علیهم السلام و خودشان نسبت می‌دهند چه حکمی دارد؟

۲- آیا تقلید صدای سگ، یا الاغ، یا کبوتر در موقع سینه زدن، جهت اظهار عجز در مقابل ائمّه علیهم السلام جایز است؟

۳- سینه زدن و زنجیر زدن بر سینه و شانه به صورت نشسته، یا در حال ایستاده به طوری که بدن لخت باشد، و سینهٔ انسان بسیار سرخ شود، یا خون بیاید، و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۸

همچنین هروله کردن و بالا و پایین پریدن در هنگام سینه زدن چه حکمی دارد؟

۴- آیا به کار بردن لفظ «حُوُسین» به جای «حسین» علیه السلام جایز است؟

۵- فریاد کشیدن، و کوبیدن سر به در و دیوار و زمین، در جلسات عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: عزاداری ائمّهٔ اطهار علیهم السلام، مخصوصاً خامس آل عبا علیه السلام، از افضل قربات است، و سرودن و خواندن اشعاری که حاکی از مظلومیّت و زحمات و فداکاری آن حضرات نماید کار بسیار خوبی است؛ ولی باید از هرگونه کاری که باعث هتک حرمت آن بزرگواران می‌شود، و موجب وهن مذهب در نظر دیگران می‌گردد، و به بدن آسیب می‌رساند پرهیز گردد. و تعبیراتی که در عرف توهین‌آمیز است، مانند نسبت سگ به خود دادن، یا صدای حیوانات در آوردن، هیچ کدام مناسب مجالس عزاداری نیست. و باید به همه نصیحت کنند که از این امور، که باعث وهن این مراسم بزرگ می‌شود، و موجب ناراحتی حضرت بقیهٔ اللّه می‌گردد، پرهیز کنند.

سؤال ۵۰۷- حضور در مجالسی که به نام دین برگزار می گردد، امّا عموماً ریا و تظاهر و اهداف غیر دینی در آن مطرح است، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعاً بر شما ثابت شود که اهداف غیر دینی در آن حاکم است، در آن مجلس حاضر نشوید.

سؤال ۵۰۸- اگر کسی بگوید: «مصیبتهایی که من در طول زندگی دیده‌ام، کمتر از مصیبتهایی که مثلًا حضرت فاطمه علیها السلام دیده نیست؛ بلکه بیشتر است!» بنابراین دلیلی ندارد که برای آن بزرگوار به خاطر سیلی خوردن گریه کنم، پاسخش چیست؟

جواب: با توجّه به مقامات والای آن بزرگواران، مصیبت‌هایی که بر آنها وارد شده بسیار مهم‌تر از مصائب دیگران است. آیا اگر یک فرد عادی را سیلی بزنند، یا یک عالم بسیار بزرگ متّقی را سیلی بزنند، از نظر مصیبت یکسان است؟

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۵۰۹- این جانب شاگرد مغازهٔ کتابفروشی نسبتاً پرفروشی هستم، ولی درصد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۷۹

زیادی از مشتریان این مغازه را بچّه‌ها تشکیل می‌دهند. در بسیاری از موارد گمان قوی دارم که اولیای بچّه‌ها از معاملات آنها اطّلاع ندارند. از آنجا که معامله با بچّهٔ نابالغ اشکال دارد، آیا جایز است که در این مغازه کار کنم؟ (ضمناً به خاطر اطاعت از صاحب مغازه، مجبورم هیچ کدام از آنها را رد نکنم.)

جواب: معمولًا اولیای بچّه‌ها پولی در اختیار آنها می گذارند که وسائل مورد نیازشان را بخرند، و غالباً به این گونه معاملات آنها، مخصوصاً نسبت به کتاب و قلم و دفتر، راضی هستند. و لازم نیست از جزئیّات معاملات آنها با خبر باشند؛ همان رضایت کلّی کافی است.

سؤال ۵۱۰- شخصی مقداری جنس در خانه دارد. از آن جنس (مثلًا) صد کیلو به دیگری می‌فروشد؛ البتّه وزن نمی کند، و تحویل و تحوّل صورت نمی گیرد. پس از مدّتی همان جنس را که فروخته، با قیمت بالاتر از او خریداری می کند. آیا این معامله صحیح است؟

جواب: اگر هر دو معامله جدّی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۵۱۱- شخصی که احتیاج به پول دارد، خانه‌اش را به بیع شرط می‌فروشد.

(یعنی خیار فسخ می گذارد،) ولی قصد جدّی بر فروش ندارد (چون معامله به قیمت بسیار نازلتر از متعارف صورت می گیرد.) بلکه به خاطر برطرف کردن احتیاج، این معاملهٔ صوری و ظاهری را انجام می‌دهد، آیا چنین بیعی صحیح است؟

جواب: معاملات صوری و بدون قصد جدّی، باطل است.

سؤال ۵۱۲- همان‌طور که حضرتعالی مستحضرید برای تحقّق عقد بیع دو جزء، عوض (ثمن) و معوّض (مثمن) لازم می‌باشد، که ضمن انجام فعل شرعی قبض و اقباض، اصالتاً و وکالتاً صیغهٔ شرعیّهٔ مخصوصه نیز جاری می گردد. حال از حضور شریف استدعا دارد نظرتان را پیرامون دو سؤال زیر بیان فرمایید.

الف) هرگاه معامله‌ای با فرض عقد بیع انجام شود، لکن به صورت صوری، و برای آن ثمنی پرداخت نگردد حکم شرعی آن چیست؟

جواب: عقد باید جدّی باشد، و عقد صوری فایده‌ای ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۰

ب) آیا صرف تنظیم قولنامه‌های مرسوم تأثیری در تحقّق عقد بیع با فرض فقدان یک جزء آن (ثمن) خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که قولنامه به معنای مبایعه‌نامه باشد، نه به معنای گفتگوهای مقدّماتی، و ثمن و مثمن هر دو معیّن، و یکی از آن دو نقد باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۳- در معاملاتی که جنس موجود است؛ ولی هم فروشنده و هم خریدار می‌دانند که این معامله فقط برای این است که درصدی روی پولی که به فروشنده داده می‌شود کشیده شود، و دوباره به او پرداخته شود، در صورتی که قیمت فروش اوّلیه از طرف فروشندهٔ معلوم باشد، ولی قیمت فروش ثانویّه، که از طرف خریدار به فروشنده اوّلیّه داده می‌شود، بعد معیّن شود. آیا چنین معامله‌ای کلاه شرعی است، یا اشکالی ندارد؟

جواب: اگر هر دو معامله جدّی باشد، و هیچ کدام مشروط به دیگری نباشد، اشکال ندارد.

ولایت فقیه

سؤال ۵۱۴- امروزه بحثی مهمّ، تحت عنوان ولایت مطلقهٔ فقیه، یا غیر مطلقه مطرح است. و جنابعالی نیز در کتب فقهی خود به این بحث اشاره‌ای کرده، و فرموده‌اید معنای کلمهٔ مطلقه باید معلوم باشد. بنده معنایی برای این کلمه عرض می‌کنم، و صرفنظر از این که شما این معنا را قبول، یا ردّ بکنید (هر چند در صورت عدم پذیرش، بسیار ممنون، بلکه خواهشمندم، دلیل آن را بیان فرمایید تا مزید هدایت باشد) آیا شما به این معنا ولایت فقیه را قبول دارید؟

مستحضر هستید که این بحث توسّط امام راحل رحمه اللّه این چنین مبسوط مطرح شد. ولی ما در کتابی که ایشان در این زمینه دارند عنوان «ولایت مطلقه» را ندیدیم. آنچه ایشان می‌فرمودند این بود که ولایت فقیه از حیث دایره، همان اختیارات معصوم علیه السلام را دارد. پس این معنا بعد از ایشان یا در زمان ایشان (ولی نه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۱

توسّط ایشان) مطرح شد. به هر حال، در این رابطه سه نظریّه می‌توان اظهار کرد:

۱- ولایت فقیه همهٔ اختیارات معصوم علیه السلام را دارد؛ الّا ما خرج بالدلیل.

۲- ولایت فقیه همهٔ اختیارات معصوم را ندارد، و در محدودهٔ قانون اساسی هم نیست، بلکه تمام این حکومت در اختیار شخصیّت حقوقی (فقهی و تقوایی) اوست.

و هر جا امر و نهی و اصلاحی لازم ببیند حقّ دخالت دارد.

۳- ولایت فقیه در چهار چوب قانون اساسی است.

نظریّه سوّم اشکالات عدیده‌ای دارد؛ ولی هم اکنون در عرصهٔ سیاست سوّمی و اوّلی معمولتر است. لطفاً در مورد معنای مورد نظر، و این که چطور آن معنا از ادلّه استفاده می‌شود، توضیحاتی بفرمایید.

جواب: ظاهراً تمام کسانی که در رابطهٔ با ولایت فقیه بحث کرده‌اند، حتّی امام راحل قدس سرّه آن را مقیّد به رعایت مصالح مسلمین نموده‌اند. هیچ کس نمی‌گوید: «اگر مصلحت مسلمین جنگ است، فقیه حق دارد حکم به صلح کند، و اگر مصلحت مسلمین صلح است، فقیه حق دارد بر خلاف آن، دستور جنگ بدهد». اصولًا این ولایت برای حفظ مصالح اسلام و مسلمین است، نه بر خلاف آن. وقتی این اصل را بپذیریم، محدودهٔ ولایت فقیه مشخّص می‌شود. و منظور از مطلقه، همان مطلقهٔ در دایرهٔ مصالح اسلام و مسلمین است. حتّی دربارهٔ معصومین علیهم السلام نیز مسأله غیر از این نیست. امام حسن علیه السلام به خاطر مصالح اسلام و مسلمین صلح کرد. و امام حسین علیه السلام به خاطر مصالح اسلام و مسلمین جنگید، و شهید شد. خداوند حضرت یونس علیه السلام را به خاطر ترک اولی، که به مصالح غیر واجبهٔ امّت مربوط می‌شد، در شکم ماهی زندانی کرد. شرح بیشتر در این مختصر نمی‌گنجد.

سؤال ۵۱۵- در یکی از استفتائات، که در مورد ولایت فقیه صورت گرفته، حضرتعالی فرموده‌اید: «از مسائل عملی است» منظور از مسائل عملی چیست؟ با توجّه به این که ولایت فقیه شأنی از شئون امامت است. آیا این بحث مربوط به علم کلام نمی‌شود؟

جواب: با توجه به این که ولایت فقیه به معنای بودن فقیه در رأس حکومت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۲

است، و حکومت وظایفی دارد که مردم باید طبق آن عمل کنند، جنبهٔ عملی به خود می‌گیرد. و حتّی در مورد ولایت امام، بخشی جنبهٔ عقیدتی دارد، و بخش دیگر- که مربوط به حکومت است- جنبهٔ عملی دارد.

مقدار سود در معامله

سؤال ۵۱۶- کالایی را برای فروش (مثلًا) به قیمت صد تومان خریده‌ایم، که با ۲۰٪ سود آن را ۱۲۰ تومان می‌فروشیم. پس از مدّتی همان کالا را باید ۱۵۰ تومان بخریم، که در این بین از اصل سرمایه ۳۰ تومان ضرر داده‌ایم، و اگر این روال ادامه داشته باشد، اصل سرمایه هم از کف خواهد رفت. حال چه کنیم که هم سودِ عادلانه داشته باشیم، و هم ضرر نکنیم؟

جواب: نرخ کالا را شخص فروشنده می‌تواند تعیین کند؛ ولی در این گونه موارد بهتر این است که اجناسی را که ارزان خریده‌اند، ارزان بفروشند (با سود عادلانه) و اجناسی که گران می‌خرند، گران بفروشند (با سود عادلانه).

سؤال ۵۱۷- لطفاً در مورد سود فروشندگان کالا به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- میزان سود برای کاسب و مغازه‌دار شرعاً و عرفاً چند در صد می‌باشد؟

جواب: سود میزان معیّنی ندارد و بستگی به رضایت طرفین دارد، مگر در کالاهایی که از سوی نظام اسلامی قیمت خاصّی برای آن تعیین شده باشد. ولی رعایت انصاف در هر حال بسیار خوب است.

۲- با توجّه به این که قانون و اتّحادیّهٔ اطاق بازرگانی ۲۴٪ سود برای فروشندگان تصویب نموده، اگر کاسبی بیش از این مقدار سود از مصرف کنندگان دریافت کند، آیا حلال است، یا مقدار اضافی جایز نمی‌باشد؟

جواب: از قوانین و مقرّرات نظام اسلامی تخلّف نکنید.

۳- مغازه‌دار، از تولیدی اجناس نسیهٔ ۲ ماهه و ۴ ماهه به قیمت بیشتر از نقد خریداری می‌کند. ولی در موقع فروش، همان قیمت نسیه که خریده به اضافهٔ سود ۴۰٪ یا بیشتر، از مشتریان نقداً دریافت می‌نماید. این نوع معاملات چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۳

جواب: اشکالی ندارد، ولی اگر حکومت قیمتی برای آن تعیین کرده آن را رعایت کنید.

۴- می‌گویند که معامله به رضایت طرفین می‌باشد. با توجّه به این که فروشندگان و مغازه داران قیمت جنس و سود دریافتی را به مشتری نمی‌گویند، آیا هر مقدار سود از مشتریان دریافت کنند جایز است؟

جواب: از جواب‌های قبل روشن شد.

۵- با توجّه به مسائل فوق، این جانب برای تأمین مخارج زندگی‌ام در همین نوع فروشگاهها و مغازه‌ها مشغول بکار شده، و ماهیانه مبلغی به عنوان حقوق دریافت می‌نمایم. با توجّه به مراتب فوق، حقوق من حلال است؟

جواب: هرگاه کارهایی که انجام می‌دهید مشروع باشد، حقوق دریافتی شما اشکال ندارد.

معاملهٔ سلف

سؤال ۵۱۸- در کتابهای تحریر الوسیله، منهاج الصالحین، و مانند آن، معاملهٔ سلف به این صورت تعریف شده است: «ابتیاع کلّی

مؤجّل بثمن حال» در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود:

الف) اگر در معامله‌ای مبیع شخصی باشد نه کلّی، و ثمن کلّی در ذمّه باشد، و زمان تحویل هر دو (مبیع و ثمن) یک ماه بعد باشد. آیا چنین معامله‌ای از جهت شرعی درست است؟ لازم به ذکر است که این نوع معامله در بازار زیاد اتّفاق می‌افتد.

جواب: منظور از معاملهٔ شخصی این است که جنس الان موجود، و توانایی بر تسلیم آن داشته باشد. در این صورت، اگر به خاطر پرداخت قیمت جنس را نگه دارد اشکال ندارد. و بهتر آن است که در این گونه موارد قبلًا مقداری از ثمن به عنوان بیعانه داده شود.

ب) در تعریف مذکور، عبارت «ابتیاع کلّی» آمده، که ظاهراً منظور از کلّی «کلّی فی الذمه» می‌باشد، آیا «کلّی فی المعیّن» در اینجا حکم «کلّی فی الذّمهٔ» را دارد، یا حکم شخصی؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۴

جواب: کلّی در معین حکم عین شخصی را دارد.

سؤال ۵۱۹- شخصی یک واحد آپارتمانی را در طبقهٔ سوّم مجموعه‌ای که هنوز ساخته نشده، امّا نقشهٔ آن طرح‌ریزی شده، به دیگری واگذار می‌کند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این معامله صحیح است؟

جواب: در صورتی که نقشه و مصالح و سایر مشخّصات تعیین گردد، مانعی ندارد. و بدون آن جایز نیست.

ب) اگر باطل باشد، آیا می‌توان تحت عنوان عقد، یا قرارداد دیگری که الزام‌آور باشد، این کار را انجام داد؟

جواب: بهترین راه همان است که در بالا گفته شد.

نقد و نسیه

سؤال ۵۲۰- شخصی جنسی را به پول رایج وقت به طور نسیه می‌خرد؛ ولی قیمت آن را بر اثر سهل انگاری تا چند سال به تأخیر انداخته، و پرداخت نمی‌کند. اکنون که تقریباً بیست سال از آن معامله می‌گذرد، و ارز کشور تغییر فاحشی پیدا کرده، می‌خواهد قیمت آن جنس را بپردازد. آیا به قیمت روز معامله حساب کند، یا قیمت روز ادا که تقریباً ده برابر بالا رفته است؟

جواب: باید به قیمت روز بپردازد؛ یعنی ترقّی قیمت متوسّط اجناس مختلف را در نظر بگیرد، و بدهی خود را بر طبق آن بپردازد.

سؤال ۵۲۱- نظر به این که این تعاونی قصد دارد اقدام به عقد فروش اقساطی با افراد نموده، که طیّ آن کالایی نقداً خریداری، و به اقساط فروخته شود. آیا این نوع معامله از نظر شرع مقدّس اسلام شامل تمام کالاهایی که قابل خریدوفروش هستند (مثل کالاهایی خانگی، خودرو، زمین، ملک، باغ، اشجار و مانند آن) می‌گردد، یا فقط در مورد مواد اوّلیه، یا کالاهای خاصّی صدق می‌کند؟

جواب: تفاوتی در میان کالاها در مسألهٔ فروش اقساطی به طرز فوق نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۵

خیارات:

۱- خیار شرط

سؤال ۵۲۲- شخصی با دیگری درگیر شده، و طرف مقابل را به قتل می‌رساند. در سال ۱۳۵۸ دیهٔ قتل هیجده هزار پول افغانی تعیین می‌شود. ولی چون قاتل پول نقد نداشته، زمین خود را به بیع جائزی (جائز الفسخ) فروخت، که هر زمان پول مذکور را ادا کرد، زمینش را تحویل بگیرد. آیا قاتل حق دارد پول را تحویل داده، زمین خود را بازپس بگیرد؟

جواب: این گونه خیار شرط صحیح نیست. ولی اگر در وقت بیع مغبون بوده، می‌تواند از خیار غبن استفاده کند.

سؤال ۵۲۳- اگر خانه‌ای به صورت نسیه معامله گردد، و در ضمنِ عقد شرط شود که چنانچه خریدار از پرداخت ثمن در موعد مقرّر خودداری نماید، فروشنده حقّ فسخ معامله را دارد. ولی مدّت استفاده از این خیار مشخّص نشده باشد. با توجّه به ضرورت تعیین مدّت خیارِ شرط در عقد، آیا چنین معامله‌ای شرعاً صحیح است؟

جواب: این معامله و این شرط اشکالی ندارد، و استفادهٔ از حقّ مزبور در حدود عرف و عادت محل است. در ضمن باید توجّه داشت که فاسد بودن شرط، سبب فساد عقد نمی‌شود.

سؤال ۵۲۴- معمول است که در برخی قراردادها- از جهت محکم کاری- مبلغی به عنوان وجه التزام از سوی متعاقدین پیش‌بینی می‌گردد. تا چنانچه متعهّد از انجام تعهّد استنکاف ورزید، یا تعهّد را با تأخیر به انجام رسانید، مبلغ مزبور را به متعهّد له بپردازد. مثلًا در قرارداد بیع، شرط می‌گردد که چنانچه با بایع نسبت به انتقال رسمی مبیع اقدامی ننمود، می‌بایست یک میلیون تومان به مشتری بپردازد. یا در قرار داد ساخت آپارتمان توافق می‌شود که چنانچه پیمانکار در موعد مقرّر آپارتمان را تحویل نداد، باید به إزای هر ماه تأخیر یک صد هزار تومان به کار فرما بپردازد.

یعنی در واقع طرفین از قبل، خسارت و میزان آن را مفروض و پیش‌بینی می‌نمایند. در حالی که ممکن است خسارت واقعی، کمتر یا بیشتر از مبلغ مذکور باشد، یا حقیقتاً خسارتی وارد نشده باشد. با عنایت به این که طبق موادّ ۱۰ و ۲۳۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۶

قانون مدنی ایران اشتراط چنین امری تجویز شده، لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) مشروعیّت آن چگونه است؟

جواب: مشروعیّت آن از دو طریق امکان‌پذیر است؛ نخست این که تخلّفات باعث حقّ فسخ می‌شود، ولی خیار فسخ مشروط به پرداختن فلان مقدار به عنوان خسارت شده باشد. دوّم این که معامله فسخ نشود، و با تأخیر انجام شود، و خسارت پیش‌بینی شده به عنوان شرط ضمن عقد ذکر شده باشد. در هر دو صورت گرفتن آن مبلغ جایز است.

ب) بر فرض مشروعیّت شرط، اگر انتخاب انجام تعهّد، یا پرداخت وجه التزام به متعهّد تفویض گردد. یعنی توافق شده باشد که متعهّد به تشخیص خود یا تعهّد را به انجام رسانیده، یا به جای آن وجه التزام را بپردازد. آیا این امر باعث مردّد شدن موضوع معامله، و در نتیجه ابطال عقد نخواهد شد؟

جواب: این امر باعث تردید در معامله نمی‌شود، بلکه مفهومش این است که اگر معامله را فسخ کرد، باید در مقابل این حقّ فسخ، فلان مبلغ را بپردازد.

ج) اگر متعهّد ضمن عقد توافق نماید که چنانچه عدم انجام تعهّد، یا تأخیر در اجرای آن، حتّی منتسب به شخص ثالثی باشد، بازهم وجه التزام را شخصاً بپردازد (یعنی به طور مطلق ضامن شود) حکم مسأله چیست؟

جواب: در دو فرض بالا تفاوتی بین سبب تأخیر و خسارت نیست.

د) اگر ضمن عقد شرط شود که در صورت امتناع متعهّد از انجام تعهّد، وی ملتزم باشد که هم تعهّد را انجام دهد و هم وجه التزام را بپردازد، چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که شرط مربوط به تأخیر بوده باشد، اشکالی ندارد.

ه) اگر به واسطهٔ اوضاع و احوال زمان اجرای عقد، انجام تعهّد متعذّر گردد. یعنی اجرای آن برای متعهّد غیر ممکن نبوده، ولی طاقت فرسا باشد. آیا بازهم در مقابل عدم اجرا، یا تأخیر در اجرای تعهّد، وجه التزام باید پرداخت گردد؟ آیا در این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۷

صورت، حاکم حقِّ تعدیل وجه التزام را دارد؟

جواب: اگر شرط مطلق بوده، و مطابق فهم عرف شامل چنین صورتی هم می‌شده، باید مطابق آن عمل گردد.

سؤال ۵۲۵- چنانچه معامله‌ای انجام شود، و مشتری در موعد مقرّر ثمن معامله، یا قسمتی از آن را پرداخت نکند، و مثمن را نیز به دیگری بفروشد، آیا بایع اوّل می‌تواند معامله را فسخ و مثمن را از دست مشتری دوّم، یا مشتریهای بعد از او بگیرد؟ اگر مشتری در معاملهٔ اوّل به بایع چک داده باشد، و چک در موعد مقرّر پاس نشود، تفاوتی در حکم مسأله ایجاد می‌کند؟

جواب: در صورتی که شرط کرده که در فلان موعد بپردازد، و مشتری تخلّف از شرط کرده، فروشنده خیار تخلّف از شرط دارد. و اگر عین مال به دیگری منتقل شده، باید مشتریِ متخلّف مثل، یا قیمت آن را، به بایع بازگرداند.

۲- خیار عیب

سؤال ۵۲۶- شش دانگ یک خانهٔ مسکونی را با مشارکت همسرم بالمناصفه خریداری نمودیم. در بررسیهای اوّلیّهٔ هنگام معامله، هیچ گونه عیب اساسی از ظواهر خانه مشهود نبود. پس از بیست سال، به علّت مرور زمان و استهلاک بنا، تصمیم تعمیرات رو بنایی، از قبیل سفید کاری مجدّد گرفتیم. برای این کار تمام گچ‌کارهای اوّلیّه را تخریب، و دیوارها و سقف خانه را به اصطلاح به آجر رساندیم.

وقتی آجرها نمایان شد، معلوم گردید که یک ضلع خانه به طول تقریباً ۱۷ متر پایه ندارد! بدین معنا که پایه از سطح زمین تا سقف زیرزمین آجر چینی شده، و ادامه آن متوقّف گردیده، و از نقطهٔ توقّف تا زیر سقف به ارتفاع ۳/۵ متر بدون پایه مانده، و سر تیر آهنهای سقف روی پایهٔ منزل همسایه قرار داده شده است! و فروشندهٔ خانه، که خود سازندهٔ آن بوده، از نقص پنهان بنا آگاهی داشته است. با توجّه به این مطلب، آیا فروشنده شرعاً ملزم بوده که عیب و نقص بنا را به خریداران اعلان نماید؟

چنانچه پاسخ مثبت است، آیا وی مدیون ما می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۸

جواب: هرگاه از نظر اهل خبرهٔ محل، این عیب محسوب شود، و در برابر آن قیمتی قائل باشند، خریداران می‌توانند ما به التفاوت را بگیرند.

سؤال ۵۲۷- شخصی خانه‌ای را به دیگری می‌فروشد. مشتری پس از معامله متوجّه می‌شود که منزل مذکور (مثلًا به علّت عبور سیم فشار قوی برق) در طرح خرابی قرار دارد. طبق متعارف خسارت چنین خانه‌هایی مطابق قیمت کارشناسی توسّط صاحب خانه پرداخت می‌شود. با توجّه به این مطلب چنانچه ارزش خانه پایین‌تر از قیمت مورد معامله باشد، آیا معیوب محسوب می‌شود؟ اگر تفاوت قیمتی وجود نداشته باشد، با توجّه به این که ممکن است برای صاحب خانه قدری دوندگی داشته باشد، آیا این امر عیب محسوب می‌شود؟

جواب: به هر حال این، جزء عیوب است.

سؤال ۵۲۸- اگر در مبایعه نامه‌ای طرفین کافّهٔ خیارات را اسقاط نمایند، آیا خریدار می‌تواند به ادّعای معیوب بودن مبیع، مطالبهٔ ارش نماید؟ به عبارت دیگر، آیا با اسقاط کافّهٔ خیارات، علاوه بر سقوط خیار عیب، مطالبهٔ ارش نیز ساقط می‌شود؟

جواب: آری مطالبهٔ ارش نیز ساقط می‌شود.

سؤال ۵۲۹- دو نفر وسیلهٔ نقلیّه (از قبیل اتومبیل، یا موتورسیکلت و مانند آن) معامله می‌کنند. فروشنده هرگونه ایراد و اشکال قانونی و شرعی در مورد مبیع را بر عهده می‌گیرد. بعداً مشخّص می‌شود که شمارهٔ موتورسیکلت مورد معامله دستکوب است، و مأمورین آگاهی چنین موتورهایی را توقیف می‌کنند. مشتری از طریق قانون تقاضای استرداد ثمن مورد معامله را می‌کند، زیرا احتمال

مسروقه بودن آن می‌رود.

لازم به ذکر است که هیچ گونه مالک معارضی در خصوص موتورسیکلت وجود ندارد، و مدّعی مالکیّت غیر مطرح نیست. با عنایت به این که ید در اینجا حاکم است، صرفاً دستکوب بودن وسیلهٔ مورد معامله موجب فسخ معامله، یا فضولی بودن معامله می‌شود یا خیر؟

جواب: خریدار در فرض مسأله حقّ فسخ معامله را دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۸۹

۳- خیار غبن

سؤال ۵۳۰- برخی افراد ملکی را می‌فروشند، و بر اساس مبایعه‌نامه متعهّد می‌شوند که در موعد مقرّر نسبت به انتقال رسمی ملک اقدام نمایند. و از زمان عقدِ مبایعه‌نامه تا زمان انتقال رسمی، طیّ چند قسط بخشی از ثمن معامله را در فاصلهٔ چند ماه به اراده و اختیار خود دریافت می‌نمایند. از طرفی خریدار پس از تحویل ملک نسبت به تغییر کاربری، تسطیح، قواره‌بندی و امثال آن اقدام می‌نماید. پس از فرا رسیدن موعد مقرّر جهت انتقال رسمی، فروشنده مدّعی «غبن» شده، و از انتقال رسمی استنکاف می‌ورزد. هرگاه عقدِ قرار دادِ مبایعه متعاقب برگزاری مزایده، و انجام کارشناسی رسمی بوده باشد، و ثمن معامله نیز بالاتر از قیمت مزایده و قیمت کارشناسی توافق شده باشد، آیا ادّعای غبن از سوی فروشنده مسموع است؟

جواب: چنانچه این معامله در مزایده صورت گرفته، و مفهوم مزایده در عرف توجّه به غبن و اسقاط آن است، فروشنده حقّ ادّعای خیار غبن ندارد؛ ولی اگر معامله خارج از مزایده صورت گرفته باشد، و فروشنده بتواند اثبات کند که در زمان معامله مغبون بوده، خیار غبن دارد. و اگر نتواند اثبات کند، ادّعای او پذیرفته نیست.

سؤال ۵۳۱- اگر کسی بدون اطّلاع از نرخ روز، سهم الارث خود را به مبلغ پنجاه هزار تومان به برادرانش بفروشد، در حالی که سهم نامبرده بیش از ۵ میلیون تومان ارزش داشته است. چنین معامله‌ای چه حکمی دارد؟ ضمناً خریداران مذکور، برخی از علما و دیگران را شاهد گرفته، و خیارات را ساقط کرده‌اند. آیا این معامله صحیح است؟

جواب: هرگاه ثابت شود سهم او، در آن زمان چنین قیمتی داشته و او بی‌خبر بوده، اسقاط خیارات شامل آن نمی‌شده، و می‌تواند معامله را فسخ کند.

بیع فضولی

سؤال ۵۳۲- چند نفر به صورت مشترک مالک زمین دیمی هستند. دو نفر از شرکا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۰

سهم خود را به صورت مفروز با تعیین حدود آن به فردی فروخته‌اند. مورد معامله از قسمت مرغوب و بیشترین بخش ملک مورد معامله است. شریک دیگر نسبت به این معامله معترض است. آیا چنین معامله‌ای، که حقوق سایر شرکاء در آن لحاظ نشده، صحیح است؟

جواب: معامله ملک مشاع تنها به صورت مشاع جایز است. و اگر بدون توافق با سایر شرکاء مفروز کرده باشند، معامله باطل است، مگر این که آنها رضایت دهند.

سؤال ۵۳۳- شخصی به دیگری وکالت داده که منزلش را بفروشد. وکیل خانه را فروخته، و بدون اطّلاع مالک برای مشتری خیار فسخ قرار داده، و آن خیار موجب ضرر و زیان بایع گردیده است؟ آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، قرار دادن خیار فسخ فضولی، و منوط به اذن بایع است؛ ولی اگر بایع اجازه نداد مشتری حق فسخ دارد.

فروش اعتبار

سؤال ۵۳۴- اگر کسی با تلاش و کوشش و عرضهٔ کالای خوب بتواند شهرت و اعتباری کسب کند، و پس از کسب اعتبار اجناس خود را به سهولت به فروش برساند. آیا می‌تواند این اعتبار را به دیگری بفروشد؟ پاسخ مسأله را در دو فرض ذیل بفرمایید:

الف) قسمتی از سرمایه خود را به دیگری واگذار کند، منتها به خاطر اعتبارش در خارج به بیش از قیمت متعارف بفروشد.

ب) فقط اعتبار خود را بفروشد، یعنی به دیگری اجازه دهد که کالای خود را با اسم و عنوان فروشنده بفروشد، و به خاطر این اجازه مبلغی از وی دریافت کند.

جواب الف و ب: هر دو صورت جایز است.

سؤال ۵۳۵- فردی مغازه‌ای دارد که در آمد قابل توجّهی ندارد، لذا مغازه را به دیگری اجاره می‌دهد. مستأجر با تلاش و کوشش و صرف هزینه و احیاناً تغییر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۱

کسب، به مغازه رونق داده، و اعتباری برای مغازه تحصیل می‌نماید. آیا مستأجر می‌تواند پس از اتمام مدّت اجاره، ثمرهٔ کار و تلاش خود را به رایگان به موجر ندهد، و با توجّه به رونق حاصله، از صاحب مغازه مبلغی تقاضا کند؟

جواب: اگر از اوّل در عقد اجاره چنین شرطی کرده باشند جایز است؛ در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۵۳۶- آیا حقّ کسب و پیشه که این روزها مطرح است، و دادگاهها مالکین را ملزم به پرداخت وجهی تحت این عنوان به مستأجرین می‌کنند، مشروعیّت دارد؟

جواب: دلیلی بر مشروعیّت آن نداریم؛ هر چند بهتر آن است که طرفین با هم مصالحه کنند.

اوراق بهادار

سؤال ۵۳۷- امروزه علاوه بر سهام، اوراقِ بهادارِ دیگری در اغلب بورسهای بین المللی دنیا معامله می‌شود. انگیزهٔ اصلیِ ایجادِ سایرِ اوراق توسّط مهندسان مالی را می‌توان ایجاد تنوّع در فرصتهای سرمایه‌گذاری، و جذّابیّت این نوع سرمایه‌گذاری‌ها، که فواید ارزنده‌ای را برای جامعه به ارمغان می‌آورد، دانست.

یکی از انواع این اوراق، «اختیار معامله» است. که به «اختیار معاملهٔ خرید» و «اختیار معاملهٔ فروش» تقسیم می‌شود. غالباً همهٔ سرمایه‌گذاری‌ها با عامل «ریسک» یا «مخاطره» همراه می‌باشد، که طبعات گوناگونی دارد. امّا مخاطره‌ای که سرمایه‌گذار در اوراق بهادار با آن رو به رو است، عدم ثبات قیمت (افزایش، یا کاهش نامطلوب قیمت اوراق) است. برای جبران این خطر همانند قرار داد بیمه، (که شخص برای فرار از خطر حادثه و تصادف، خودروی خود را بیمه می‌نماید، و با پرداخت مبلغی به عنوان حقّ بیمه ریسک ضرر احتمالی ناشی از حادثه رانندگی را در آیندهٔ نامعلوم به بیمه‌گر منتقل می‌نماید.) با انعقاد قراردادی به نام اختیار معامله، و با پرداخت مبلغی به عنوان «حق شرط» خود را در مقابل آن، بیمه می‌نماید. بر طبق این قرار داد، اگر قیمت سهام در سر رسید دو ماه دیگر مثلًا ۹۰۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۲

تومان شود. شرکت این سهام را از زید ۱۰۰۰ تومان می‌خرد، امّا همانند بیمه، که فرد بیمه‌گذار مبلغی را به عنوان حقّ بیمه پرداخت می‌کند، در این حالت نیز مبلغی به عنوان حقّ شرط در هنگام خرید این قرار داد از زید اخذ می‌شود. در یک حالت ممکن است

قیمت سهام در دو ماه آینده افزایش یابد و به ۱۱۰۰ تومان برسد، در این حالت و بر اساس این قرارداد هیچ ضرورتی ندارد که زید حتماً سهام خود را به قیمت ۱۰۰۰ تومان به شرکت بفروشد، بلکه می‌تواند آن را در بازار به قیمت ۱۱۰۰ تومان بفروشد، امّا حقّ شرط را قبلًا پرداخت کرده است، همانند بیمه که یک سال پس از گذشت قرارداد بیمه اگر تصادفی هم اتّفاق نیفتد، فرد حقّ بیمه را پرداخت کرده است. این قراردادها در بورس اوراق بهادار معامله می‌شود، و در دسترس همهٔ مردم قرار دارد، و مردم می‌توانند در هر زمان آن را خریداری نموده، یا آن را بفروشند.

نوع دیگری از قراردادهایی که معمولًا در بورس اوراق بهادار بین المللی رایج است «قراردادهای آتی» است. قراردادهای آتی عبارتند از اسنادی که به موجب آن طرفین متعهّد می‌شوند بر طبق توافقات مندرج در این اسناد در زمان مشخّص شده، به طور معمول تسلیم و تأدیه‌ای صورت گیرد. به عبارت دیگر، این قراردادها نوعی بیع است که بایع و مشتری متعهّد می‌شوند که فروشنده متاعی را در زمان آینده بپردازد.

نوع دیگری از اوراق بهاداری که غالباً در بورس‌های بین المللی خریدوفروش می‌شود «اوراق قرضه» است، که بر اساس آن مثلًا دولت، شهرداری، یا شرکت‌ها برای تأمین وجوه مورد نیاز خود اقدام به انتشار آنها می‌نمایند. در این نوع سرمایه‌گذاری سود حاصل از خرید این اوراق از پیش تعیین می‌شود (مثلًا ۱۷ درصد) که در موعد مشخّص، مثلًا سه‌ماهه، به خریدار اوراق تسلیم می‌گردد، و در سررسید آن نیز اصل مبلغ به سرمایه‌گذار بازگردانده می‌شود.

با عنایت به موارد مطروحهٔ مذکور، حکم شرعی در خریدوفروش هر یک از این اوراق بورس‌های بین المللی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۳

جواب: قرارداد نوع اوّل که شباهت با بیمه دارد، در صورتی که زمان و مبلغ و طرفین معامله مشخّص باشند اشکالی ندارد. قرار دارد نوع دوّم (یعنی خریدوفروش آتی) که نه جنس موجود است و نه قیمت پرداخت می‌شود باطل است.

قرارداد نوع سوّم (اوراق قرضه) در صورتی صحیح است که تحت عنوان مضاربه درآید؛ یعنی روی آن سرمایه کاری انجام گیرد، و سود حاصل شده بیش از سود پرداختی باشد.

مالکیّت زمانی

سؤال ۵۳۸- منزلی در مشهد مقدّس برای مدّت زمان محدودی از سال، مثلًا یک ماه یا یک فصل از سال، فروخته می‌شود. مثلًا به ۴ نفر، بدین ترتیب واگذار می‌گردد، که فصل بهار برای (الف)، فصل تابستان برای (ب)، فصل پاییز برای (ج) و فصل زمستان برای (د) باشد، و همه‌ساله این افراد در همان مقاطع زمانی مالک منزل باشند. لازم به ذکر است که اینجا بحث شراکت مشاعی، همراه با مصالحهٔ بین افراد، برای تقسیم زمانها نیست. بلکه مالکیت زمانی است. حال با فرض مذکور به این سؤالات پاسخ فرمایید:

الف) آیا چنین بیعی با توجّه به عمومات و اطلاقات، از جمله: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»،

«الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِم»

، «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»، «تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» صحیح است؟

ب) آیا تداوم مالکیت در همهٔ فصلها و همهٔ زمانها، جزء مقتضای عقد بیع است؟

ج) آیا می‌توان گفت این عقد چنانچه بر بنای عقلا (بما هم عقلا) استوار باشد، امضای نوعی شارع مقدّس برای همهٔ زمانها، برای حلیّت آن وجود دارد؟

د) چنانچه جواب سؤالات (الف و ج) مثبت است، پس محدودیّت تسلّط مالک بر مالش چگونه توجیه می‌شود؟ توضیح این که چون حقّ غیر در فصلهای دیگر سال بر آن مال تعلّق گرفته، و این مقتضیِ محدودیّت تصرّف است، قاعدهٔ «الناس مسلّطون علی

اموالهم» چگونه توجیه می‌شود؟

جواب: هرگاه چنین معامله‌ای در منطقه‌ای رایج شود، و جزء عقود عقلائیّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۴

گردد، صحّت آن را می‌توان با ادلّه‌ای که اشاره کرده‌اید اثبات کرد، و محدود بودن مالکیّت از نظر زمان مشکلی ایجاد نمی‌کند.

پورسانت

سؤال ۵۳۹- با توجّه به این که در بعضی از مشاغل، خریداران آنها به سازمانها، نهادهای دولتی، تعاونی‌های غیر خصوصی محدود می‌گردد، و اینان ناچار از ارتباط با خریداران غیر خصوصی می‌باشند (مانند خرید ماشین‌های اداری، یا ابزار آلات سنگین و مانند آن) و با توجّه به این که بعضاً مسئولین خرید، از طرف قرارداد شرکتهای دولتی تقاضای پورسانت می‌کنند، به طوری که اگر ماشینی ۲۰ میلیون تومان قیمت دارد، آنها می‌گویند شما فاکتور ۲۱ میلیون تومان صادر کنید تا ما مبلغ ۲۱ میلیون تومان از طریق شرکت دولتی به شما بپردازیم و دستگاه را ببریم و بعداً یک میلیون را به طور پنهانی دریافت کنیم. ما با علم به حرمت و بطلان چنین معامله‌ای از آن پرهیز می‌کنیم، ولی نتیجهٔ آن بی‌رونقی و عدم کسب، حتّی به قدر نیاز اوّلیّه، می‌باشد. سؤال اینجاست که در این ماشین ۲۰ میلیون تومانی، به طور معمول یک میلیون تومان سود می‌بریم؛ حال اگر ما از سود خود گذشت کنیم، و قسمتی از آن را (مثلًا ۵۰۰ هزار تومان) به مأموران خرید بپردازیم، تا عوض پورسانت آنها را راضی کنیم، آیا جایز می‌باشد؟

جواب: صورت اوّل مسأله مسلّماً جایز نیست، امّا صورت دوّم که چیزی از سود خودتان را به طرف می‌دهید، اشکالی ندارد.

قاچاق کالا

سؤال ۵۴۰- با عنایت به این که در مناطق مرزی اجناس و کالاهای ضروری مردم، از قبیل نفت، بنزین، آرد و مانند آن، خارج از سیستم دولتی، و بدون مجوّز قانونی، و به صورت قاچاق مورد معامله واقع، و از مرز به خارج از کشور منتقل می‌شود، و متأسّفانه خشکسالی، مشکلات اشتغال و معیشت مردم نیز سبب شده که این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۵

موضوع به صورت فراگیر انجام پذیرد. علاوه بر این که بعضاً با واسطه، یا بی‌واسطه این کار توسّط بعضی از محترمین و معتمدین و همچنین مسئولین منطقه انجام می‌پذیرد، و این امر سبب تنگناهایی برای عامّهٔ مردم شده است، به گونه‌ای که مجبور هستند اجناس مورد نیاز را به قیمت گزاف تهیّه نمایند، لذا مستدعی است حکم شرعی سؤالات زیر را بیان فرمایید:

۱- خریدوفروش ارزاق و کالاهای ضروری به منظور قاچاق آنها چه حکمی دارد؟

۲- آیا صرف تعمیم موضوع، و اطّلاع داشتن، و حتّی دخیل بودن بعضی از مسئولین و موثّقین منطقه، می‌تواند مجوّز شرعی محسوب شود؟

۳- آیا در معاشرت‌های خانوادگی می‌توان از امکانات افرادی که کُل، یا قسمتی از درآمد آنها از طریق معاملات فوق تأمین می‌شود، استفاده کرد؟

۴- چنانچه وجهی از این طریق جمع‌آوری شده باشد (که از مشکل شرعی آن بی‌اطّلاع بوده‌ایم،) چگونه می‌توان آن را هزینه نمود؟

جواب ۱ تا ۴: اقدام به هرگونه قاچاق از نظر شرعی اشکال دارد، و تعمیم آن دلیل بر جواز نیست. بنابراین از وجوهی که از این طریق بدست می‌آید باید پرهیز کرد.

سؤالات متفرّقهٔ بیع

سؤال ۵۴۱- طبق قاعدهٔ «تلف المبیع قبل قبضه من مال بایعه» اگر مبیع قبل از قبض تلف شود، ثمن به مشتری بازمی‌گردد. برخی از حقوقدانان معتقدند این قاعده بر خلاف اصل است. لطفاً بفرمایید اصل مذکور چیست؟

جواب: اصل آن است که بعد از اتمام معامله، مبیع منتقل به ملک مشتری می‌شود، و اگر بایع در حفظ آن کوتاهی نکرده باشد، به عنوان امانت‌دار، مسئول تلف آن نیست، و تلف از ملک مالک (یعنی مشتری) واقع خواهد شد. ولی شارع مقدّس در اینجا اصل را شکسته، و بایع را ضامن شمرده است.

سؤال ۵۴۲- بذری به عنوان بذر شبدر خریده‌ام، ولی تماماً بذر علف درآمده است،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۶

آیا فروشنده ضامن تمام هزینهٔ کشت و بذر می‌باشد، یا فقط به همان مقدار بذر، یا قیمت آن بدهکار است؟ در صورت اخیر، قیمت روز معامله، یا قیمت فعلی را باید بپردازد؟

جواب: اوّلًا اگر معامله به صورت شخصی انجام شده باطل است، و باید پول آن را بپردازد. و اگر فاصلهٔ زمانی و تورّم زیاد بوده، به قیمت روز باید بپردازد. و اگر معامله به صورت کلّی انجام شده، یعنی فلان مقدار تخم شبدر را فروخته، باید تخم شبدر را تحویل دهد. ثانیاً هرگونه خسارتی را که از این ناحیه متوجّه کشاورز شده باید جبران کند، و یا با هم مصالحه کنند.

سؤال ۵۴۳- شخصی خانه‌اش را به قیمت معیّن می‌فروشد، سپس بایع و مشتری با تراضی معامله را فسخ می‌کنند. ولی در ضمن فسخ شرط می‌نمایند که اگر ثمن معامله، که باید طیّ چکی از بانک وصول گردد، وصول نشود معاملهٔ اوّلیّه بقوّت خود است.

۱- آیا فسخ با شرط مذکور، صحیح است؟

۲- در صورت صحّت، اگر چک وصول نشود، آیا فسخ بی‌اثر بوده، و عقد اوّل به حال سابق برمی‌گردد؟ یا فسخ صحیح، ولی شرط باطل است؟

۳- در صورت بطلان شرط و عدم وصول چک، بایع باید ثمن را مسترد نماید، یا این که مشتری باید از طریق چک طبق قانون اقدام نماید؟

جواب ۱ تا ۳: فسخ مشروط به شرط فوق مانعی ندارد، و اگر شرط حاصل نشد صاحب جنس می‌تواند جنس خود را پس بگیرد.

سؤال ۵۴۴- آیا می‌توان تملیک مورد معامله (مبیع) را به مدّت زمانی (مثلًا دو ماه یا بیشتر) پس از زمان عقد موکول نمود، یا به محض انعقاد عقد تملیک مورد معامله نیز صورت می‌گیرد؟

جواب: تملیک را نمی‌شود موکول به بعد کرد؛ ولی تحویل را می‌توان مدّتی بعد (مثلًا دو یا چند ماه بعد) انجام داد.

سؤال ۵۴۵- این جانب مقداری خرما به شرط تحویل در دفتر شرکت فروخته‌ام.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۷

مشتری آن را از ایران خارج کرده، و بعد از گذشتن چند ماه ادّعا دارد که خرما از اوّل فاسد بوده، آیا این ادّعا قابل قبول است؟

جواب: هرگاه فروشنده منکر وجود عیب در موقع فروش باشد، و خریدار دلیلی بر سخن خود نداشته باشد، قول فروشنده پذیرفته می‌شود. امّا خریدار حق دارد از او بخواهد نزد حاکم شرع قسم یاد کند.

سؤال ۵۴۶- در معاملهٔ ساختمانی نسبت به کابینت شرط خاصّی نشده است. بعد از تحویل و تحوّل ساختمان و بهای آن، نزاعی بین فروشنده و خریدار مبنی بر این که کابینت جزء ساختمان بوده یا نبوده، در گرفته است. حکم نهایی را ارجاع به عرف داده‌اند، و بعد از مراجعه به عرف با حضور شهود، حکم به بردن کابینت کرده‌اند.

اکنون خریدار می‌گوید: با مراجعهٔ مجدّد به عرف و نیز حکم شرعی، کابینت جزء لازم خانه است در حالی که در هر معامله‌ای که

می‌شود کابینت و امثال آن، مثل آبگرمکن، کولر، پرده کرکره و مانند آن شرط می‌شود. از محضر حضرتعالی تقاضا داریم نسبت به این مسأله حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: کابینت معمولًا روی منزل است؛ مگر آن که صریحاً خلاف آن را شرط کنند. بنابراین، فروشنده در صورتی که شرط خاصّی نکرده، نباید کابینت را ببرد.

سؤال ۵۴۷- شرکت تعاونی تهیّه و توزیع خوار بار و لبنیّات ملایر، در تاریخ‌های ۴/ ۶/ ۸۰ و ۱۳/ ۶/ ۸۰ مقداری کالای فروش آزاد، جهت توزیع در شبکه‌های تحت پوشش خریداری کرد. مقدار زیادی از کالاهای مذکور به فروش رسید، و ما بقی تا تاریخ ۱۱/ ۷/ ۸۰ موجود بود. با تغییراتی که در نرخ به وجود آمد، ادارهٔ بازرسی و نظارت این شهرستان اعلام نمود که ما به التفاوت افزایش قیمت به این اداره پرداخت گردد. لطفاً بفرمایید مبلغ ما به التفاوت مربوط به صاحب کالا (این شرکت) است، یا باید به ادارهٔ مذکور پرداخت گردد؟

جواب: در صورتی که گرفتن ما به التفاوت از ابتدا جزء مقرّرات آن اداره بوده متعلّق به ادارهٔ اصلی می‌شود. و اگر چنین چیزی را شرط نکرده بودند، و جزء مقرّرات نبوده، متعلّق به صاحب کالا است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۱۹۹

فصل هفدهم: احکام شرکت

سؤال ۵۴۸- مؤسّسان شرکتی در زمان تأسیس شرکت، و برای ترغیب و تشویق مردم به خرید سهام آن، امتیاز خاصّی به شرح زیر برای خریداران سهام در نظر می‌گیرند. «در صورتی که سهامداری مایل به فروش سهم خود باشد، مؤسّسان خرید سهام وی را پس از ۶ ماه از تشکیل شرکت تضمین نموده، و علاوه بر پرداخت ارزش اسمی سهم سالانه، مبلغی معادل ۲۰٪ قیمت سهام به عنوان ارزش افزوده به وی پرداخت خواهند کرد.»

برخی از سهامداران به علّت وجود چنین امتیازی، اقدام به خرید سهام شرکت مورد نظر می‌نمایند. با توجّه به وجود شبههٔ شرعی برای برخی از مؤسّسان (تضمین کنندگان ۲۰٪ ارزش افزوده) و خریداران سهام، خواهشمند است نظر مبارکتان را در خصوص پرسش‌های ذیل اعلام فرمایید:

۱- همان‌طور که در بالا آمد، مؤسّسان شرکت، ۲۰٪ مورد نظر را تحت عنوان «ارزش افزوده» مطرح نموده‌اند. با توجّه به این که هنگام پرداخت این مبلغ در مورد این موضوع که ۲۰٪ به ارزش سهم افزوده شده، یا نه؟ تحقیق و بررسی صورت نمی‌گیرد، و بر فرض انجام بررسی، نتیجهٔ دیگری عاید می‌شود (بدین معنا که ارزش واقعی سهم کمتر از مجموع مبلغ اسمی سهم و ۲۰٪ مورد نظر می‌باشد،) تعهّد مزبور از جهت شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این تعهّد اشکالی ندارد، و لازم الوفاست.

۲- حکم شرعی پرداخت یا دریافت ارزش افزودهٔ تضمین شده، بدون این که مبتنی بر معاملهٔ خاصّی بوده و سود واقعی آن معامله محسوب شود، چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۰

جواب: هرگاه تعهّد کرده‌اند آن سهام را به این قیمت خریداری کنند، باید به این تعهّد عمل شود.

سؤال ۵۴۹- این جانب برای همسر خود امکانات کار، اعمّ از خرید چرخ صنعتی و وسائل مورد نیاز، محلّ کار، برق و غیره فراهم نموده‌ام، آیا در درآمد حاصل از کار خیاطی ایشان شریک هستم؟ آیا ایشان بدون رضایت بنده می‌تواند کار کند؟

جواب: در صورتی که آنها را به ایشان بخشیده‌اید، حقّی در درآمد آن ندارید.

و اگر نبخشیده‌اید، باید طبق قرارداد عمل کند، و سهم شما را بپردازد.

سؤال ۵۵۰- دو شخص حقیقی یا حقوقی با سرمایه‌های مختلف، مثلًا ده به یک، می‌خواهند برای مدّت معیّن و با شرایط زیر معاملات تجاری انجام دهند:

۱- سود احتمالی حاصل از معامله پس از انقضای مدّت تنصیف شود.

۲- کار با سرمایه و نیز ضرر احتمالی را صاحب سرمایهٔ کمتر متقبّل شود.

چنین تجارتی چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت مزبور اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۱

فصل هجدهم: احکام صلح

سؤال ۵۵۱- مادرم هم اکنون در سنین کهولت به سر می‌برد، و متأسّفانه زمینگیر شده است. وی دارای املاک و مستغلّاتی است که آن را در عوض بردن وی به سفر کربلا، و تأمین مخارج زندگی، و مصارف کفن و دفن، به خواهرزاده‌اش بخشیده، و فرزندانش را از ارث محروم گردانیده است. و نیز شرط کرده تا زنده است بتواند از عائدات آن استفاده کند. ولی این آقا به بخشی از شرایط عمل نکرده، و تمام مصارف زندگی، و هزینهٔ کفن و دفن را به عهده نمی‌گیرد. لطفاً حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: هرگاه شخصی که اموال به او مصالحه شده به شرایط مقرّر عمل نکند، آن زن می‌تواند مصالحه را فسخ کند. و در صورتی که آن زن از دنیا برود، و آن شخص از پرداختن مخارج لازم طبق قرار داد خودداری کند، ورثه می‌توانند مصالحه را فسخ کنند.

سؤال ۵۵۲- آیا مصالحه کالی به کالی، همانند بیع کالی به کالی، باطل است؟

جواب: اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۳

فصل نوزدهم: احکام اجاره

سؤال ۵۵۳- هرگاه شخصی با دیگری قرار دادی شفاهی به شرح زیر منعقد سازد:

«این تحقیق را انجام بده، ساعتی ۱۵۰ تومان می‌پردازم، و منظور از تحقیق، بازنویسی مطالب، دسته‌بندی، طبقه‌بندی جدید، با تکمیل و اصلاحات می‌باشد.»

طرفین می‌پذیرند که جهت رفع ابهامات، مرتّب جلسه بگذارند. محقّق پس از چند ماه کار، لیست کاری بیش از هزار ساعت ارائه می‌دهد، در حالی که سفارش دهندهٔ کار مدّعی است، کار آن‌طور که او خواسته صورت نگرفته، و قرار داد به صورت کامل اجرا نشده است. لطفاً بفرمایید:

۱- کار فرما چقدر بدهکار است؟

جواب: در صورتی که بر خلاف شرایط تصریح شده در عقد، یا مبنیٌّ علیه العقد، عمل شده باشد، اجرهٔ المثل به او تعلّق می‌گیرد؛ مشروط بر این که بیش از اجرهٔ المسمّی نباشد. ولی اگر در مقدار ساعات اختلاف دارند، اجیر باید با دلیل شرعی، مقدار ساعت را ثابت کند. مگر آن که طبق قرارداد، تعیین مقدار به او واگذار شده باشد.

۲- حقوق معنوی کار در قرارداد ذکر نشده است. آیا نام محقّق به عنوان همکار باید همراه با نام صاحب اثر نوشته شود؟

جواب: اگر قراردادی برای نوشتن نام محقّق نباشد، و عرف و عادت نیز صاحب اثر را ملزم به این کار نکند (که به صورت شرط

مبنى عليه العقد در آيد،) نوشتن نام محقّق لازم نيست.

سؤال ۵۵۴- شانزده سال پيش يک باب مغازه به شخصى اجاره داده شده، و هر

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۲۰۴

سال پس از انقضاى مدّت، اجاره تجديد گشته است. سه سال پيش صاحب ملك فوت كرد. و صاحب فعلى ملك سه نفر مى‌باشند، و ۱۳ آن حقّ خود مرحومه مى‌باشد.

بعد از فوت مرحومه، وصىّ و ورثهٔ ايشان اجارهٔ مغازه را تجديد كرده‌اند. ولى در حال حاضر، ورثه در خواست تخليهٔ مغازه را دارند. مستأجر مى‌گويد: «من مغازه را خالى مى‌كنم، ولى ممكن است به فرزندانم حقّى تعلّق بگيرد، كه اگر به مالك ببخشم مسئول باشم». لطفاً به دو سؤال زير پاسخ فرماييد:

الف) آيا اين ادّعا صحّت دارد؟

جواب: در صورتى كه مستأجر سرقفلى نپرداخته حقّى ندارد، و پس از پايان مدّت اجاره بايد ملك را تخليه كند. ولى بهتر آن است كه نسبت به چيزى كه در عرف حق كسب و پيشه شمرده مى‌شود با يكديگر مصالحه كنند.

ب) در صورتى كه ايشان حقّى داشته باشند و از آن بگذرند، آيا فرزندانش مى‌توانند ادّعايى كنند؟

جواب: اگر حقّى داشته باشد و گذشت كند، فرزندان او نمى‌توانند ادّعايى كنند.

سؤال ۵۵۵- در خصوص موادّ ۱۷۴ و ۱۸۱ قانون دريايى جمهورى اسلامى ايران سؤالاتى مطرح است، لطفاً پاسخ بفرماييد. در مادّهٔ ۱۷۴ مى‌خوانيم: «به هر نوع كمك و نجات كه داراى نتيجهٔ مفيدى باشد، اجرت عادلانه تعلّق خواهد گرفت، ولى اگر عمل كمك يا نجات نتيجهٔ مفيدى نداشته باشد، هيچ گونه اجرتى به آن تعلّق نخواهد گرفت، و در هيچ مورد مبلغ پرداختى بيش از ارزش نجات يافته نخواهد بود.»

و در مادّهٔ ۱۸۱ آمده است: «اشخاصى كه جان آنها نجات يافته، ملزم به پرداخت هيچ گونه اجرتى نخواهند بود. نجات‌دهندگانى كه در عمليّات كمك يا نجات مربوط به يك حادثه، خدماتى براى نجات اشخاص انجام داده‌اند، مستحقّ دريافت سهم متناسبى از اجرت پرداختى به نجات‌دهندگان كشتى و بار و ساير متعلّقات آن هستند.»

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۲۰۵

۱- اين دو مادّه در قالب چه نوع عقدى از عقود اسلامى مى‌گنجد؟ و كدام يك از قواعد فقهيّه را در بر مى‌گيرد؟

جواب: در مورد مادّهٔ اوّل تنها در موردى مى‌توانند مطالبهٔ اجرة المثل كنند كه در خواستى از سوى صاحبان كالا، يا صاحبان كشتى، صورت گرفته باشد. يا توافق و قرارداد كلّى بين صاحبان كشتى‌ها و نجات غريق وجود داشته باشد. و در فرض درخواست از نجات غريق، مى‌تواند اجرة المثل خود را بگيرد؛ هر چند اجرة المثل او بيش از قيمت كالا باشد، و اين داخل در عقد اجاره، يا جعاله است. و در مورد مادّهٔ دوّم، در برابر نجات انسان‌ها اجرتى لازم نيست، چون واجب است. مگر اين كه دولت گروهى را استخدام كرده باشد كه به طور مرتّب مراقب اين امر باشند، كه در اين صورت حق دارند حقوقشان را بگيرند، ولى قرار دادن سهمى از اجرة المثل نجات كشتى و كالا- براى نجات دهندهٔ انسانها وجه شرعى ندارد. مگر اين كه توافق و قرار داد كلّى با صاحبان كشتى‌ها و ساير دست‌اندركاران صورت گرفته باشد. در مجموع تطبيق اين دو مادّه بر موازين فقهى مشكلات متعدّدى دارد.

سؤال ۵۵۶- آيا مالكين مشاع يک باب خانه، كه داراى دو طبقهٔ مجزّاست، و هر طبقه در تصرّف يک شريك مى‌باشد، مى‌توانند سهم خود را (كه در آن زندگى نمى‌كنند،) به غير شريك خود اجاره دهند؟ اگر يكى از شركا مانع از اجاره دادن سهم شريك خود شود، ضرر و زيان آن متوجّه كيست؟

جواب: هر يك از دو شريك مى‌تواند سهم خود را به ديگرى اجاره دهد، و شريك ديگر حقّ ممانعت ندارد، وگرنه ضامن است.

مگر این که سبب ضرر و زیانی بر طرف مقابل شود.

سؤال ۵۵۷- مرحوم پدرم مقداری از املاك خویش را به کسی اجاره داده، تا درآمد آن بین وی و مستأجر بالمناصفه تقسیم شود. اکنون که پدرم مرحوم شده ورثه راضی به ادامه قرارداد نیستند. آیا قرارداد با موت مالك فسخ نمی‌شود؟

جواب: قرارداد مربوط به باغ و امثال آن، که مدّتی برای آن در نظر گرفته شده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۶

تا پایان مدّت معتبر است، و با موت مالك فسخ نمی‌شود، و ورثه باید تا پایان مدّت صبر کنند.

سؤال ۵۵۸- آیا در مدّت اجاره، مورد اجاره در ید مستأجر امانت محسوب می‌شود؟ در این صورت، آیا می‌توان آن را پس از انقضای مدّت اجاره تحت عنوان استرداد امانت مطالبه نمود؟

جواب: در این مدّت به منزلهٔ امانت است، و بعد از پایان مدّت باید به مالك اصلی یا وکیل او بازگردانده شود.

سؤال ۵۵۹- فردی منزلی را به هزار تومان اجارهٔ ماهانه، و یک میلیون تومان قرض الحسنه، رهن و اجاره می‌کند. حال می‌خواهد همین خانه را به شخص ثالثی به مبلغ پنجاه هزار تومان (بدون انجام کار خاصّی در منزل، مثل سفید کاری) اجاره دهد. چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که چیزی در آن منزل اضافه کند، و لو سفید کردن، یا انداختن فرش اضافه، و مانند آن باشد.

سؤال ۵۶۰- این که فرموده‌اید: «فردی که منزلی را اجاره کرده و می‌خواهد به فرد ثالثی به بهای بیشتری اجاره دهد باید کار زائد در منزل انجام دهد» آیا این کار، شامل امور غیر ثابت (مثل نصب چند لامپ، یا گذاردن یخچال، یا فرش، یا تخت خواب، یا تلویزیون و مانند آن) نیز می‌شود؟

جواب: آری شامل آن نیز می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۷

فصل بیستم: احکام مضاربه

سؤال ۵۶۱- متن مادّهٔ ۱۷ قراردادهای مضاربهٔ این تعاونی به شرح ذیل می‌باشد:

«پس از انجام قرارداد، یا فسخ آن، در صورتی که در نتیجهٔ محاسبه طبق تشخیص شعبه زیانی متوجّه تعاونی شده باشد، عامل ضمن عقد صلح مذکور در مادّهٔ این قرار داد، ملتزم و متعهّد گردید معادل زیان مزبور را مجّاناً از مال خود به تعاونی تملیك نماید، و در صورت تأخیر، علاوه بر التزام به انجام تعهّد، روزانه مبلغ یك ریال برای هر سه هزار ریال بر ذمّهٔ عامل خواهد بود، و صرف اظهار نظر شعبه در مورد میزان خسارت وارده معتبر بوده، و عامل، ضمن عقد صلح مذکور حقّ هرگونه ایراد و اعتراض را در این مورد از خود سلب و ساقط نمود».

با توجّه به شرایط شرعی عقد مضاربه، آیا این مادّه صحیح و خالی از اشکال می‌باشد؟

جواب: این گونه شرایط در عقد خارج لازم اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶۲- اخیراً این تعاونی با یك مؤسّسهٔ تولیدی تجاری قراردادی منعقد نموده، که بر اساس آن مبلغی وام در اختیار مؤسّسهٔ مذکور قرار دهد، و مؤسّسهٔ فوق نیز با اطمینان از سوددهی سالیانه حدّ اقلّ ۴۰٪ حاصل از به کار اندازی طرح تولیدی خود، ۳۰٪ این سود را به تعاونی اعتبار تخصیص می‌دهد. از طرفی تعاونی نیز حساب ویژه‌ای را برای همین منظور افتتاح نموده، و مبلغ مورد نیاز را از سپرده‌گذارانی جمع‌آوری می‌کند که در این حساب ویژه اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بدیهی است برای جذب سپرده نیز این تعاونی از همان ابتدا مسأله را با سپرده‌گذاران خود این گونه مطرح می‌نماید که استفاده از

این سپرده‌ها برای تعاونی ۳۰٪

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۸

سود تضمینی در بر داشته که تعاونی ۸٪ آن را به عنوان حقّ الزحمه بر می‌دارد و ۲۲٪ الباقی را به سپرده‌گذاران پرداخت می‌نماید. با توجّه به این که این موضوع به طور قطعی تعیین می‌گردد، آیا اشکالی ندارد؟

جواب: در صورتی که سود آن مؤسّسه بیش از این مقدار باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶۳- شرکتی جهت تأمین بودجهٔ مورد نیاز خود نیاز به مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی دارد. این اشخاص جهت همکاری در تأمین مشارکت، تضمین‌هایی معادل پرداخت سود، همانند بانکها و مشارکتهای دولتی را طلب می‌نمایند.

همچنین در خواست دارند که استرداد اصل سرمایهٔ آنها نیز تضمین شود. نظر حضرت عالی در مورد تضمین‌های مذکور چیست؟

جواب: تنها راهی که برای این کار وجود دارد این است که مضاربه را بر اساس سهم منافع قرار دهند، ولی در عقد خارج لازم (معامله دیگری مثلًا خریدوفروش چند جلد کتاب) شرط کنند اگر در آن معامله مضاربه، سود کمتر از بیست درصد یا بیشتر از آن بود، جبران گردد. همچنین در مورد خسارت سرمایه.

سؤال ۵۶۴- چند نفر مقداری پول روی هم می‌گذارند، و به شخص می‌دهند تا با آن کار کند. شخصی که کار می‌کند، هر ماه سود پول را می‌دهد، و سهام داران قرعه می‌کشند، و هر ماه سودِ پول به یکی از سهام داران داده می‌شود. بعد از این که دوره تمام شد، و به همهٔ سهام داران سود رسید، سهام داران پول خود را پس می‌گیرند.

این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه سود از طریق مضاربه به دست آمده، و با رضایت افراد به این صورت تقسیم شده، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۰۹

فصل بیست و یکم: احکام حجر

سؤال ۵۶۵- دربارهٔ رابطهٔ بلوغ و رشد بفرمایید:

الف) آیا بین دو صفت بلوغ و رشد، شرعاً ملازمه‌ای وجود دارد؟

ب) در صورتی که جواب سؤال اوّل منفی است، آیا سنّ بلوغ می‌تواند امارهٔ رشد قرار گیرد؟

ج) در صورت جدایی رشد از بلوغ، و لزوم اثبات رشد پس از بلوغ، آیا اثبات رشد تنها در امور مالی لازم است، یا در امور غیر مالی نیز باید رشد ثابت شود؟

د) در صورتی که رشد را در امور مالی لازم بدانید، آیا برای تصرّف در تمامی اموال اثبات رشد لازم است، یا لزوم آن در خصوص اموالی است که در اختیار دیگران می‌باشد؟

جواب الف تا د: بلوغ و رشد ملازم یکدیگر نیستند، و غالباً رشد بعد از بلوغ است. رشد مراتبی دارد؛ رشد در امور مالی (گاه در اموال کم رشید است، و گاه در اموال زیاد) رشد در امر ازدواج، و مانند آن. و تا رشد عقلانی به قدر کافی در هر مرحله نباشد، تصرّفات نافذ نیست؛ نه در شرع، و نه نزد عقلای عرف.

سؤال ۵۶۶- عقب‌مانده‌های ذهنی، علی رغم سن‌های بالا از نظر درک و عقل گاه در حدّ کودکان ۱۲ ساله، یا پایین‌ترند. آیا تکلیف شرعی از آنها ساقط است؟

جواب: در صورتی که به اندازهٔ کافی شعور و تمییز داشته باشند که بتوانند عبادات را انجام دهند، مکلّف به تکالیف شرعیّه هستند.

سؤال ۵۶۷- آیا کودکان ناشنوا، به دلیل تأخیر در رشد اجتماعی (به واسطهٔ کمبود گنجینهٔ لغات)، دیرتر از افراد سالم به سنّ تکلیف

می‌رسند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۰

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۵۶۸- آیا برای ممیّز و غیر ممیّز بودن کودکان، سنّ خاصّی قائل هستید، یا تشخیص آن، معیار دیگری دارد؟ و آیا برای بچّه‌های ممیّز، احکام جزایی همانند افراد بالغ اجرا می‌شود. یا نحوهٔ آن فرق دارد؟

جواب: سنّ تمییز سنّ معیّنی نیست، و افراد در آن متفاوتند؛ معیار آن است که خوب و بد را تشخیص دهند. تمییز نسبت به امور مختلف، متفاوت است، و نسبت به اطفال ممیّز، احکام بالغ جاری نمی‌شود؛ بلکه احکام مخصوص به خودشان اجرا می‌گردد.

سؤال ۵۶۹- آیا در بلوغ، سنّ خاصّی را معتبر می‌دانید؟ بر فرض اعتبار سنّ خاص، آیا معیار شناسنامهٔ افراد است، یا از طرق دیگر نیز می‌توان آن را احراز کرد؟

جواب: در بلوغ سنّ خاصّی معتبر است، و باید از طرق معتبر اثبات شود. البتّه بلوغ علائم دیگری نیز دارد.

سؤال ۵۷۰- حکم حجر شخصی از طریق دادگاه و گواهی کمیسیون روان پزشکی صادر شده، سپس به این رأی اعتراض می‌شود. محجور بار دیگر به کمیسیون روان پزشکی معرّفی شده، و کمیسیون نظر می‌دهد که وی سابقهٔ جنون دارد، امّا به واسطهٔ مصرف دارو الان در حال بهبودی است، ولی اگر دارو قطع شود تمکّن ادارهٔ امور خود را ندارد. از نظر شرع مقدّس اسلام تکلیف چنین شخصی و قیّم وی چیست؟ آیا در حال بهبودی به وسیلهٔ مصرف دارو احتیاج به قیّم دارد، یا می‌تواند در اموال ممنوع خود تصرّف کند؟

جواب: چنین کسی در حکم مجنون ادواری است، که در دورهٔ افاقه، احکام عاقل بر او جاری می‌شود.

سؤال ۵۷۱- با توجّه به قانون محکومیتهای مالی، که بدهکار را بدون سقف زمانی معیّن زندانی نموده، و بدهکارِ ناتوان و بیچاره هم باید سالهای سال در حبس نگهداری شود، و اکثر طلبکاران با توجّه به حمایت قانونی از آنها حاضر به رضایت نیستند، اگر شخصی بر اثر بدهکاری به چند نفر در حبس باشد، و بخاطر یکی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۱

بدهی‌هایش در دادگاه معسر شناخته شود، آیا حکم اعسار نسبت به بدهی‌های دیگر او مؤثّر است؟

جواب: هنگامی که حکم اعسار ثابت شود برای تمام دیون کافی است؛ ولی در صورت تعدّد پرونده‌ها و تعدّد قاضی، اعسار برای هر یک از قضات باید ثابت شود.

سؤال ۵۷۲- لطفاً در مورد حجر به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- آیا مالک می‌تواند اموال مازاد بر مقدار مؤونهٔ خود را اتلاف کند، یا در اختیار دیگری قرار دهد، تا وی اتلاف نماید؟

۲- در فرضی که مالک مدیون (محجور و غیر محجور) قصد اضرار به طلبکاران را داشته باشد چطور؟

۳- صحّت عقد در اباحهٔ اتلاف به غیر چگونه است؟

۴- علم و جهل مباح له به تمکّن یا عدم تمکّن مالکِ مدیون، از پرداخت دیون چه نقشی دارد؟

۵- دائن می‌تواند حقّ خود را به زور، یا با تقاص بگیرد؟

۶- آیا حکم به عدم جواز اتلاف مال از سوی مالک، با عموم قاعدهٔ تسلیط منافاتی ندارد؟

۷- تصرّفات محاباتی، تبرّعی، و به کمتر از ثمن المثل مدیون، با قصد اضرار و فرار از دین چگونه است؟

۸- مبنای حکم مزبور، قاعدهٔ لا ضرر است، یا هدف نامشروع (کبیع العنب لیعمل خمراً)؟

۹- آیا مدیونِ مفلس، پیش از صدور حکم حجر از سوی حاکم، در تصرّفات خویش مجاز است؟

۱۰- آیا اقرار مدیون قبل و بعد از صدور حکم حجر، مسموع است؟

۱۱- آیا عدم نفوذ، یا بطلانِ معاملاتِ به قصد اضرار در معاملات معوّض و مجّانی، منوط به علم منتقل الیه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۲

۱۲- معاملات صوری مدیون با قصد فرار از دین، و یا اخفای اموال، چه وضعیّتی دارد؟

۱۳- آیا معاملات حقیقی معوّض و غیر معوّض مدیونِ غیر محجور، با قصد اضرار نافذ است؟

۱۴- منظور از دین مستوعب در مدیونِ محجور، دیون عاجله است، یا آجله؟

۱۵- درآمد حاصل از کسب و کار محجور بعد از صدور حکم حجر متعلّق به چه کسی است؟

جواب ۱ تا آخر: هیچ کس مجاز نیست اموال خود را تلف کند، یا به دیگری اجازهٔ اتلاف بدهد. همچنین معاملات محاباتیّه، که سبب ضایع شدن حقّ طلبکاران می‌شود، نیز جایز نیست؛ و حتّی صحّت معامله در این صورت، مورد اشکال است. معاملات صوری نیز به یقین صحّت ندارند. و دین مستوعب شامل دیون حال و آینده هر دو می‌شود. درآمد کسب و کار محجور بعد از صرف نفقات مورد نیاز، به طلبکاران داده می‌شود، بنابر احتیاط واجب.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۳

فصل بیست و دوّم: احکام وکالت

سؤال ۵۷۳- نظر مبارک را در خصوص مشروع بودن یا نبودن مادّهٔ ۵۵ قانون وکالت، که متن آن به شرح زیر است، مرقوم فرمایید: «وکلای معلّق و اشخاص ممنوع الوکالهٔ، و به طور کلّی هر شخصی که دارای پروانهٔ وکالت نباشد، از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است. اعمّ از این که عناوین تدلیس، از قبیل مشاورهٔ حقوقی و غیره اختیار کند، یا این که به وسیلهٔ شرکت و سایر عقود، یا عضویّت در مؤسّسات، خود را اصیل دعوا قلمداد نماید. و متخلّف از یک الی شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.»

جواب: حکم مزبور برای کسانی که اجازهٔ وکالت ندارند، ظاهراً جنبهٔ تعزیری دارد. و مقیّد ساختن وکالت به اجازه، به خاطر عناوین ثانویّه است. زیرا آزاد گذاشتن آن در شرایط فعلی، سبب سوء استفاده و مفاسد عظیمی می‌شود. بنابر آنچه گفته شد، مشروعیّت مادّهٔ مزبور بعید به نظر نمی‌رسد.

سؤال ۵۷۴- نظر حضرتعالی راجع به وکالت در دعاوی از طرف موکّل نزد محاکم چیست؟

جواب: هرکس می‌تواند برای دفاع از خویشتن وکیل انتخاب کند، که برای اثبات حقّش او را یاری دهد.

سؤال ۵۷۵- آیا در وکالت در دعاوی و محاکم، شرایط خاصّی معتبر است، یا همانند سایر وکالتها می‌توان با تراضی طرفین اقدام کرد؟

جواب: می‌توان با رضایت طرفین اقدام نمود.

سؤال ۵۷۶- تکلیف محکمه در پذیرفتن وکیل از سوی طرفین دعوا چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۴

جواب: در عصر ما که قوانین پیچیده شده، و بسیاری از مردم آگاهی کافی از آن ندارند تا از خود دفاع کنند، وظیفهٔ محاکم آن است که وکیل طرفین را بپذیرد.

سؤال ۵۷۷- آیا برای پذیرش وکالت شرایط خاصّی لازم است؟

جواب: وکیل در صورتی می‌تواند از موکّل خود دفاع کند که از محقّ بودن او آگاه باشد، و هرچه در دفاع از موکّل خود می‌گوید

به عقیدهٔ خودش صحیح و از نظر شرع جایز باشد.

سؤال ۵۷۸- چنانچه موکّل حقّ عزل وکیل را در ضمن عقد خارج لازم به مدّت پنجاه سال از خود سلب نماید، آیا چنین عزلی- که معمولًا در ذیل وکالتنامه‌های رسمی قید می‌شود- معتبر و نافذ می‌باشد؟

جواب: موکّل نمی‌تواند حقّ عزل وکیل را از خود سلب کند؛ ولی می‌تواند ضمن عقد خارج لازم شرط کند که عملًا عزل نخواهد کرد، یا توکیل او بلاعزل خواهد بود. و در این صورت، باید به شرط خود عمل کند.

سؤال ۵۷۹- آیا وکلای فرد مریض، پس از بیهوشی موقّت وی توسّط پزشک، عزل می‌شوند؟

جواب: بیهوشی سبب عزل از وکالت نیست.

سؤال ۵۸۰- مؤسّساتی در دنیا تأسیس شده، که واسطهٔ خریدار و فروشنده می‌شوند. آنها به وکالت از خریدار، وجوه اجناس خریداری شده توسّط وی را، به فروشنده بنابر توافق با وی می‌پردازند، سپس بنابر شرایطی که ضمن وکالت تعیین شده، آن وجوه را از خریدار دریافت می‌دارند. درآمد این مؤسّسات عموماً از محلّ تخفیفی است که از فروشندگان می‌گیرند، و فروشنده این تخفیف را به خاطر این که مؤسّسه وجه خریدار را می‌پردازد به آنها می‌دهد. از نظر حضرتعالی این نوع واسطه‌گری و وکالت مشروع است؟

جواب: این نوع واسطه‌گری اشکالی ندارد؛ ولی اگر به صورت واسطه‌گریهای زنجیره‌ای درآید (مانند شرکت الماس و گلدکوئیست) حرام است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۵

فصل بیست و سوّم: احکام دین و قرض

اشاره

سؤال ۵۸۱- پسری بالغ و متأهّل، در جمهوری اسلامی ایران، بدون اجازه و رضایت پدر معاملاتی به این صورت انجام می‌دهد، که پول کارگران افغانی کشور ما را به قیمت معیّنی در مقابل پول رایج افغانستان می‌خریده، ولی قیمت آن را در اینجا نمی‌پرداخته، بلکه به طرفهایی که با آنها قرار داشته، در افغانستان حواله می‌داده است. اکنون طرفهای او ورشکست شده، و فرار کرده‌اند، و پسر نیز ورشکست شده، و فرار کرده است. این پسر هیچ گونه اموالی در نزد پدر ندارد، و حتّی عائله‌اش را نیز پدر تکفّل می‌کند. آیا طلبکاران حقّ مطالبه از پدر او را دارند؟

جواب: در فرض مسأله، که پسر مستقلًا و بدون اجازهٔ پدر کار می‌کرده، پدر در برابر نتیجهٔ کار او مسئولیّتی ندارد.

سؤال ۵۸۲- بدهکار به حساب جاری طلبکار پول واریز کرده، و فیش آن را به طلبکار تحویل داده، ولی طلبکار آن را گم کرده است. طلبکار پس از مدّتی جهت گرفتن پول به بانک مراجعه کرده، و بانک واریز شدن چنین پولی را انکار می‌کند، و می‌گوید اگر مدرکی دارید، ارائه دهید! در حالی که طلبکار و بدهکار به همدیگر اعتماد کامل دارند. حکم الهی در این مورد چیست؟

جواب: نظر به این که طلبکار فیش را گم کرده، و راه تحقیق را بر بدهکار بسته، به خود ضرر زده است. ولی چنانچه مسأله را از طریق خصوصی دنبال کنند، شاید به نتیجه برسند.

سؤال ۵۸۳- میزان در حبس مدیون مدّعی اعسار، طریقی است یا موضوعی؟ اگر قاضی مردّد باشد، می‌تواند او را در حبس نگهدارد؟ آیا قاضی می‌تواند تا رفع تردید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۶

با ضمانت معتبر او را آزاد نماید؟

جواب: در صورت شک قاضی باید او را با وثیقهٔ معتبر آزاد کند. و پس از تحقیق اگر معلوم شد معسر نیست می‌تواند او را به زندان بیندازد.

سؤال ۵۸۴- اگر زوج، زوجه را در منزلی که جزء مستثنیات دین نمی‌باشد طلاق دهد، و پس از آن حاکم او را حجر کند، آیا حقِّ سکنای مطلّقهٔ رجعیّه در این منزل بر حق غرما مقدّم است؟

جواب: حقِّ غرما مقدّم است.

سؤال ۵۸۵- در فرض فوق، اگر طلاق پس از حجر باشد حکم آن چگونه است؟ در نفقه چطور؟

جواب: در این صورت نیز حکم همان است که در بالاـ گفته شد، ولی در مورد نفقه، اگر نفقه قبل از حجر بوده باشد زوجه جزء غرما محسوب می‌شود، و اگر نفقهٔ روزمرّه باشد جزء مستثنیات دین است.

سؤال ۵۸۶- دربارهٔ تغییرات در ارزش پول، (اعمّ از کاهش و افزایش) گاه ممکن است در شرایط خاصّی نرخ تورّم منفی شود، و بر مالیّت پول افزوده گردد. در این صورت، آیا مدیون می‌تواند ما به التفاوت را در پرداخت لحاظ کند، و آن را کسر نماید؟

جواب: اگر تفاوت فاحشی صورت گیرد، می‌تواند کسر کند.

سؤال ۵۸۷- آیا منظور از دین مستوعب، دیون عاجله است، یا اعمّ از عاجله و آجله؟

جواب: اعمّ از تمام دیون است.

سؤال ۵۸۸- آیا درآمد حاصل از کار مدیون بعد از صدور حکم حجر، متعلّق به طلب‌کاران است؟

جواب: آری بعد از حکم حجر متعلّق به طلبکاران است

ربای قرضی

سؤال ۵۸۹- شخصی مبلغی را با محاسبهٔ سود تقریبی ۷٪ به این جانب پرداخت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۷

نموده، و در قبال آن چک گرفته است. در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

۱- با توجّه به این که آن شخص در قبال وجهی که داده با محاسبهٔ سود آن چک گرفته، و طبق قانون چک به منزلهٔ پول نقد و از جمله اسناد لازم الاجراست؛ آیا عمل آن شخص، حتّی اگر در قبال وجهی که پرداخته چک گرفته باشد، ربا محسوب می‌شود؟

جواب: مادام که چک را وصول نکند، ربا نگرفته است.

۲- چنانچه آن شخص در قبال وجهی که داده چک را با محاسبهٔ سود آن گرفته باشد، و در خصوص چک هم اقدام نموده باشد، آیا با توجّه به این که وی جهت اخذ سود محاسبه شده اقدام نموده، عمل وی رباخواری است؟

جواب: مادام که وجه را نگیرد، ربا محسوب نمی‌شود، و شرعاً نمی‌توان او را به عنوان رباخوار تعقیب کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۱۹

فصل بیست و چهارم: احکام رهن

سؤال ۵۹۰- شخصی به خاطر رفع احتیاج خانه یا مغازه‌اش را در مقابل مقداری پول گرو می‌گذارد. سپس با توافق همدیگر، راهن عین مرهونه را از صاحب پول کرایه می‌کند، و در نتیجه خانه یا مغازه در تصرّف مالک می‌ماند، و ماهانه کرایه‌اش را به راهن می‌دهد. آیا این معامله صحیح است؟

جواب: شخص مرتهن مالک منافع عین مرهونه نیست، و نمی‌تواند آن را اجاره بدهد.

سؤال ۵۹۱- شخصی زمین صیفی کاری را نزد شخص دوّم رهن می گذارد. طریقهٔ رهن و معامله به این شکل است: «یک قطعه زمین رهن می گذارد به مبلغ صد تومان، ولی خود مالک اوّل، کشت می‌نماید. و سالی ده کیلو برنج از بابت وجه الاجاره به صاحب پول می‌پردازد.» آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟

جواب: این کار حرام است؛ زیرا منافع زمین رهنی متعلّق به مالک اصلی می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲۱

فصل بیست و پنجم: احکام ضامن شدن

سؤال ۵۹۲- شریک این جانب چند ماه قبل به من مراجعه کرد و یک برگ چک به مبلغ معیّنی ارائه داد، و خواهش کرد که به وسیلهٔ یکی از دوستان، آن را به وجه نقد تبدیل کنم. من از دوست دیگرم، که کاسب بازار است، خواهش کردم که این کار را انجام دهد. او چک را گرفت و پول داد. چندی بعد نامبرده به بانک مراجعه کرد، و چون وجهی در حساب مربوطه نبود، چک برگشت خورد. به شریکم مراجعه نموده، و از وی گله کردم، او گفت: «چک را بدهید، تا پول را تأمین کنم» دوستم چک را از روی اعتماد به من داد. من نیز از روی اعتماد و جوانمردی، چک را به شریکم دادم.

قرار شد تا ظهر آن روز پول را بدهد. ولی نه تنها پول را نداد، بلکه وقتی کار به شکایت رسید، گفت: «من پول را دادم، و چک را گرفتم» ولی بعد اقرار کرد که پولی نداده، و دروغ گفته است. شرعاً چه کسی بدهکار این پول است؟

جواب: هرگاه وساطت شما به معنای ضمانت بوده، هم شما مسئولید و هم شریک شما. و اگر مجرّد وساطت بوده نه ضمانت، شریک شما ضامن است. و اگر دوست بازاری شما با آن شریک آشنایی نداشته، و به اعتبار شما پول داده، مفهوم اقدام شما ضمانت او است.

سؤال ۵۹۳- شرکتی در تاریخ ۱۱/ ۱۱/ ۷۵ نسبت به انعقاد قرارداد فروش اقساطی یک‌ساله با بانک اقدام می‌نماید، و طبق مقرّراتِ عملیّاتِ بانکیِ بدون ربا، رعایت مقرّرات شرعی و عقود اسلامی در اعطای تسهیلات بانکی الزامی بوده است.

بر اساس قرارداد، شرکت می‌بایست الیاف پلی‌پروپیلن خریداری نماید، و در قبال عقد مشارکت و معاملات نقد و نسیه، الیاف مورد نظر را برای تولید به مصرف برساند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲۲

پس از گذشت مدّتی مشخّص گردید که قرارداد غیر واقعی بوده، و با اخذ یک فقره فاکتور صوری به عنوان خرید الیاف مزبور، از بانک وام دریافت نموده‌اند، و صادر کنندهٔ فاکتور نیز صریحاً اعلام نموده که معامله فسخ، و در همان تاریخ مبلغ مربوطه عودت داده شده است، یعنی در حقیقت الیافی در بین نبوده است.

از جناب عالی درخواست دارد نظر خود را در این باره اعلام فرمایید که: آیا ضمانت چنین معامله‌ای که سبب آن تحقّق نیافته، پابرجاست؟

جواب: این معامله باطل بوده، و باید وجوه مزبور به بانک بازگردد، و ضمانت اگر در مقابل اصل پول بوده، باید به آن عمل شود. و اگر در برابر سود بوده، با عدم تحقّق معامله ضمانت معنایی ندارد، و سودی تعلّق نمی گیرد.

سؤال ۵۹۴- شخصی با میوه‌فروشی در طیّ خریدوفروش میوه و تره بار آشنا می‌شود. بعد از مدّتی، میوه‌فروش به آن شخص می گوید: «تازه ازدواج کرده، و برای دریافت وام ازدواج ضامنی نیاز دارم. و هیچ آشنایی ندارم» شخص اوّل، که آشنایی کاملی از آن میوه‌فروش نداشته، و صرفاً به خاطر این که دلش برای او سوخته، میوه‌فروش را نزد معلّمی، که از آن بانک حقوق می گرفته و آشنایی دوری با او داشته، می‌برد. و او را به عنوان برادر خانم خود معرّفی کرده، و آن معلّم ضامن او می‌شود.

میوه‌فروش وام را گرفته و متأسّفانه اقساط آن را پرداخت نمی‌کند. بدین جهت بانک اقساط را از حقوق ضامن برداشته است. اکنون ضامن، از شخصی که میوه‌فروش را معرّفی کرده اقساط مذکور را مطالبه می‌کند. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- آیا شخص معرّف در قبال اقساطی که آن جوان پرداخت نکرده، و بانک از حقوق آن معلّم برداشته، ضامن است؟

جواب: شخص معرّف ضامن است.

۲- با توجّه به این که آقای معلّم از میوه‌فروش مدارک کافی برای این که از طریق قانون حقّ خود را بگیرد دارد، آیا سزاوار است به شخص معرّف، که فقط از روی خامی و بی‌تجربگی این کار را کرده، فشار بیاورد و پول خود را طلب کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲۳

جواب ۲: گاهی افراد بی‌تجربه به خاطر بی‌اطّلاعی کار دست خودشان می‌دهند، و این مورد از آن موارد است، و شرعاً مسئول است.

سؤال ۵۹۵- مشتری چکهایی را به بایع می‌پردازد، که صادر کنندهٔ آن شخص ثالثی است. در صورت عدم تبدیل چکها به وجه نقد (به لحاظ عدم موجودی) آیا بایع حقّ رجوع به مشتری را دارد، یا این که با قبول چک شخص ثالث، ذمّه مشتری بریء و ضمان به ذمّهٔ صاحب چک (شخص ثالث) منتقل می‌شود؟ آیا بین موردی که شخص ثالث چک مذکور را بابت بدهی خود به مشتری داده، و جایی که صرفاً به عنوان امانت، یا تضمین، تحویل او داده تفاوتی وجود دارد؟

جواب: چک حواله‌ای بیش نیست، و ذمّهٔ خریدار تا چک وصول نشود، مدیون فروشنده است؛ مگر این که فروشنده در حین معامله بپذیرد که ذمّهٔ ثالث را به جای ذمّهٔ خریدار قبول کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲۵

فصل بیست و ششم: احکام کفالت

سؤال ۵۹۶- فردی متعهّد انجام پروژه‌ای می‌شود. «متعهّد له» برای تضمین اجرای آن، از «متعهّد» کفیلی می‌خواهد؛ «متعهّد» به بانک مراجعه نموده، تا بانک اسناد کفالتی صادر کند، تا در صورت عدم اجرای تعهّدات متعهّد در مهلت مقرّر، و عدم پرداخت خسارت تعیین شده، بانک ضامن پرداخت خسارت گردد. آیا این تعهّد بانک، که اصطلاحاً کفالت مالی نام دارد، جایز است؟ آیا بانک می‌تواند به ازای کفالت مزبور کارمزد معیّنی بگیرد؟ در صورت پرداخت خسارت توسّط بانک، آیا بانک می‌تواند برای گرفتن مبالغ پرداختی به متعهّد رجوع کند؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۲۲۵

جواب: قرار دادن ضمانت پرداخت بر عهدهٔ بانک، و گرفتن کارمزد از سوی بانک، مانعی ندارد. و بانک نیز می‌تواند وجه پرداختی را از طرف مقابل بگیرد.

سؤال ۵۹۷- وثیقه‌ای که به عنوان تأمین کیفری از شخص ثالث اخذ می‌گردد، با فرض این که ماهیّت آن علاوه بر تعهّد بر حضور، تعهّد بر دین نیز باشد، و با توجّه به این که تحت هیچ کدام از عقود معیّن مانند ضمان، کفالت، و رهن قرار نمی‌گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در واقع ترکیبی از عقد کفالت و ضمانت است، و اشکالی ندارد.

سؤال ۵۹۸- چنانچه متّهم محکوم به پرداخت دیه شده، و ضامن معتبر از قبیل کفیل یا وثیقه نداشته باشد، لکن هنوز در مهلت دو

سال در غیر عمد، و یک سال در عمد باشد، آیا بازداشت وی قبل از مهلت مقرّر شرعیّه، مجوّز شرعی دارد؟
جواب: هرگاه بیم آن برود که متّهم فرار کند، و هرگز دیه را نپردازد، و از طریق ضمانت و کفالت مشکل حل نشود، می‌توان او را بازداشت کرد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲۷

فصل بیست و هفتم: احکام ودیعه و امانت

سؤال ۵۹۹- اگر امانت‌دار ادّعا کند که امانت را بازگردانده، و صاحب مال منکر باشد، قول کدام یک پذیرفته می‌شود؟
جواب: در صورتی که شخص امانتدار آدم متّهمی نباشد، ادّعای او دربارهٔ ردّ امانت پذیرفته می‌شود، ولی اگر متّهم باشد پذیرفته نیست، و در این صورت با توجّه به این که صاحب مال منکر است، امانتدار می‌تواند از او تقاضای قسم کند، و اگر منکر قسم بخورد، امانتدار باید مال را برگرداند.
سؤال ۶۰۰- در حقّ عضویّت کتابخانه‌ها مرسوم است که فرد پولی را به وجه ضمانت ملکِ جهت می‌کند، که بعد از انصرافِ از عضویّت به او پس دهند.
الف) آیا این کار مشروع است؟
ب) بعضی برای اصلاح آن فرموده‌اند: «پول را امانت و گرو بگذارید» که در جواب می‌گوییم: «چون پول مصرف می‌شود، به پولی که در حال گردش و تبدیل و تصرّف است، صدق امانت شرعی نمی‌کند» اگر گویند: «اباحه است» می‌گوییم: «اباحه از نظر شرعی موجب ضمانت نمی‌شود»! نظر مبارک حضرت عالی چه می‌باشد؟
جواب: این در واقع از قبیل نوعی وثیقهٔ کلّی است با اجازهٔ تصرّف؛ و اشکالی ندارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۲۹

فصل بیست و هشتم: احکام نکاح

مقدّمات نکاح

سؤال ۶۰۱- در توضیح المسائل حضرت عالی آمده: «کسی که به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد، واجب است ازدواج نماید.» لطفاً بفرمایید که:
الف) آیا منظور از گناه فقط زناست، یا چشم چرانی، خود نمایی زن، عشوه و ناز زن برای مرد نامحرم، و مانند آن را نیز شامل می‌شود؟
جواب: شامل تمام این گناهان می‌شود.
ب) منظور از عبارت «به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد» کدام یک از این دو حالت زیر است؟
اوّل: اگر به خاطر ازدواج نکردن مرتکب گناه شد، بعد از آن ازدواج بر او واجب می‌شود.
دوّم: وقتی به خاطر ازدواج نکردن میل شدیدی به گناه پیدا کرد، قبل از ارتکاب گناه ازدواج بر او واجب می‌شود.
جواب: منظور احتمال دوّم است.
ج) آیا این حکم (هر کسی که به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد واجب است ازدواج کند.) اعم از دائم و موقّت است، یا فقط منظور ازدواج دائم است؟

جواب: فرق نمی کند.

خواستگاری

سؤال ۶۰۲- آیا تحقیق کردن در مورد دختران، یا فکر کردن در مورد آنها، و یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۰

عاشق آنها بودن، اشکال دارد؟

جواب: عشقی که آمیخته به گناه نشود، و مقدّمهٔ ازدواج باشد مانعی ندارد؛ ولی در جایی که انسان قصد ازدواج ندارد نباید تحقیق کند.

سؤال ۶۰۳- اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد، و آن مشکل آشکار نباشد، آیا واجب است آن را به طرف مقابل بگوید؟

جواب: واجب نیست؛ ولی خلاف آن را نگوید. امّا اگر مشکل مهمّی باشد، گفتنش بهتر است.

سؤال ۶۰۴- سختگیری‌های بیش از حدّ برخی والدین در مورد مسائل مقدّماتی ازدواج (مهریّه و مانند آن) موجب محروم شدن جوانان از ازدوج می‌شود، خواهشمند است بفرمایید عمل مذکور چه صورت دارد؟

جواب: سخت گیری‌های بی‌مورد در امر مقدّس ازدواج جایز نیست؛ و چنانچه بر اثر این سخت گیریها برخی از ازدواج محروم شوند، و خدای ناکرده مرتکب گناهی شوند، کسانی که سخت گیری کرده‌اند نیز در این مورد مسئولند.

صیغهٔ عقد

سؤال ۶۰۵- آیا عقد نکاح دائم، الفاظ معیّنی دارد، یا با هر لفظی که معنا و مفهوم آن را برساند جاری می‌شود؟

جواب: عقد را با هر عبارتی که مفهوم آن را به وضوح برساند می‌توان جاری نمود؛ ولی اگر انسان به عربی آشنا باشد، احتیاط آن است که صیغه را عربی بخواند.

سؤال ۶۰۶- در اجرای صیغهٔ عقد دائم، زوج باید مقدّم شود، یا زوجه؟

جواب: تفاوتی نمی کند؛ ولی تقدّم زوجه بهتر است.

سؤال ۶۰۷- «نَکَحَ» در لغت چندین معنا دارد، و از الفاظ مشترکه است. هنگام قصد انشاء، کدام معنا را باید قصد کنیم؟ در حالی که «به زنی دائمی دادم » ... از معانی لغویّهٔ آن نیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۱

جواب: معنای مشهور نکاح همان عقد ازدواج است؛ و اگر زمان خاصّی در آن قید نشود، ظهور در عقد دائم دارد.

سؤال ۶۰۸- نکاح دائم چند رکن دارد؟ آیا صداق نیز از ارکان آن است؟

جواب: صداق از ارکان عقد دائم نیست؛ و اگر ذکر نشود باید مهر المثل پرداخت شود.

سؤال ۶۰۹- آیا در عقد نکاح، تقدّم ایجاب بر قبول لازم است؟

جواب: لازم نیست؛ ولی بهتر است ایجاب مقدّم شود.

سؤال ۶۱۰- اگر روحانی سُنّی عقد نکاح پسر یا دختر شیعه را بخواند، حکمش چیست؟

جواب: در صورتی که شرایط معتبرهٔ نزد شیعه در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۶۱۱- صیغهٔ محرمیّت بین زن و مرد نامحرم (صیغهٔ برادری و خواهری) چگونه است؟

جواب: چیزی به نام صیغهٔ برادری و خواهری نداریم. و صیغهٔ محرمیّت یا به وسیلهٔ ازدواج دائم، و یا ازدواج موقّت حاصل می‌شود؛ (البتّه با شرایطش) و غیر آن ممنوع است.

نکاح معاطاتی

سؤال ۶۱۲- دختر و پسری به هم علاقه‌مند بودند، ولی خانوادهٔ دختر با ازدواج آنان مخالف بود. آن دو برای این که خانوادهٔ دختر را مجبور کنند تا با ازدواج آنان موافقت کنند، به طور نامشروع مجامعت کرده، و دختر حامله شده، و طفلی به دنیا آورده است اکنون اظهار می‌دارند که چون روستایی بوده، نمی‌دانسته، و یا نمی‌توانسته‌اند صیغهٔ ازدواج را جاری کنند، و به رضایت طرفینی اکتفا کرده، و آن را کافی دانسته‌اند:

۱- آیا توافق طرفین به عنوان صیغهٔ عقد قابل قبول است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۲

جواب: توافق طرفین کافی نیست.

۲- همین که طرفین ادّعای اجرای صیغه عقد نمایند برای ایجاد شبهه کافی است، یا باید صحّت آن بررسی و اثبات شود؟

جواب: چنانچه احتمال دهیم ادّعای آنها راست باشد، باید حمل بر صحّت کرد.

۳- آیا در مسألهٔ فوق حدوث شبهه، فقط موجب برائت از حدّ است، یا تعزیر را نیز منتفی می‌سازد؟

جواب: در فرض بالا حدّ و تعزیر هر دو ساقط می‌شود.

۴- بر فرض احصان مرد، حکم چیست؟

جواب: احصان مرد تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

۵- آیا ازدواج آن دو با یکدیگر بلا مانع است؟

جواب: آنها می‌توانند با هم ازدواج کنند.

۶- آیا در فرض بکارت و عدم آن، حکم متفاوت است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

شرایط مجاز و غیر مجاز

سؤال ۶۱۳- با توجّه به این که در قانون مدنی، نکاح اعمّ از دائم و منقطع می‌باشد، در صورتی که زوج شروط مندرج در عقدنامه را پذیرفته باشد، و ازدواج مجدّد (اعم از دائم یا منقطع) نماید، آیا زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند؟ آیا همسر دیگر، شامل نکاح موقّت هم می‌شود؟ آیا در صورت اثبات و تحقّق تخلّف، دادگاه می‌تواند حکم فسخ نکاح را صادر نماید؟

جواب: شرط مزبور منصرف به ازدواج دائم است، و شامل عقد موقّت کوتاه مدّت نمی‌شود. ولی اگر عقد موقّت برای مدّت طولانی، مثلًا چند سال باشد، زن (طبق شرایط عقدنامه) وکیل در طلاق خواهد بود.

سؤال ۶۱۴- دوشیزه‌ای بطور رسمی به عقد همسرش در آمد. زوج علاوه بر شروط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۳

ضمن عقد نکاح، شرط زیر را نیز متعهّد گردید:

«در ضمن عقد خارج لازم شرط شد که هر زمان زوج خانهٔ ملکی تهیّه نمود، دو دانگ آن را به طور رسمی به زوجه انتقال دهد.»

علی رغم مرسوم بودن چنین شرطی در محاضر، وکیل زوج ادّعای باطل بودن آن را می‌نماید. لطفاً در این رابطه بفرمایید: با توجّه به

این که مشروط در عقد فوق ملک به عنوان عام نبوده، بلکه به صورت خانه بوده، و آن هم به صورت دو دانگ از شش دانگ تعیین شده است. آیا بازهم شرط مورد نظر مجهول و باطل است؟

جواب: با توجّه به این که مشخّصات خانه از نظر متراژ و قیمت و مانند آن تعیین نشده، شرط مجهول بوده و خالی از اشکال نیست. بهتر آن است طرفین در مورد خانه با هم مصالحه کنند.

سؤال ۶۱۵- اگر مردی قبل از جاری شدن صیغهٔ عقد، و به هنگام گفتگوهای مقدّماتی ازدواج، توافقنامه‌های شروط ضمن عقد کتبی با دختر امضا کند، که متضمّن شروط رفتاری و فعلی باشد. یعنی در زندگی این کار را بکند یا نکند، و مخالف مقتضای عقد هم نباشد. از جمله «با دار و ندار شوهر بسازد» و «تا قبل از بچّه‌دار شدن و سر و سامان گرفتن زندگی، ما بقی مهریّه را از او مطالبه نکند» و دختر پس از گفتگو و مطالعهٔ آنها، کتباً بنویسد: «من با تمام آنها موافقم» و امضا کند.

ولی این شرط در ذیل قبالهٔ رسمی نوشته نشود. آیا این شروط اعتبار و سندیّت دارد؟ اگر زن جهت فریب و جلب رضایت مرد آنها را قبول کرده، ولی پس از ازدواج تخلّف و عهدشکنی کند، و آنها را به تمسخر بگیرد، و سه ماه بعد از عروسی مهریّهٔ خود را به اجرا بگذارد، با توجّه به این که با عدم قبول شروط، عقد واقع نمی‌شد، وضعیّت این عقد چگونه است؟ آیا زوجه تدلیس کرده است؟ آیا وی می‌تواند علی رغم این که سه دانگ از منزل مسکونی به نام وی شده، و مبالغ هنگفتی طلاجات و جواهرات و بقیّهٔ اقلام مهریّهٔ خود را گرفته، بقیّهٔ آن را طلب کند؟ آیا منزل مسکونی و محلّ کسب شوهر از مستثنیات دین و مهر زوجه محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه قبلًا توافق بر شروطی شده و طرفین آن را امضا کرده‌اند، سپس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۴

عقد خوانده شده، این شروط لازم الاجرا است. و به اصطلاح فقهی از قبیل شروط مبنیّ علیها العقد است.

سؤال ۶۱۶- شخصی به شرط آن که همسرش بچّه‌دار شود با وی ازدواج نموده، و تصریح می‌کند که در صورت تخلّف او را طلاق خواهد داد. آیا چنین شرطی صحیح است؟

جواب: با توجّه به این که جلوگیری از بچّه‌دار شدن امر حرامی نیست، این شرط هم شرط حرامی نمی‌باشد. ولی سزاوار است در غیر موارد ضرورت چنین شرطهایی نکنند.

اولیای عقد

سؤال ۶۱۷- در یک حادثهٔ رانندگی بکارت دختری زایل شده، و با مراجعه به پزشکِ جرّاح ترمیم گردیده است. آیا چنین فردی حکم باکره را دارد، و برای ازدواج اذن پدر شرط می‌باشد؟ اگر بر اثر تجاوز ازالهٔ بکارت شود چطور؟

جواب: در هر دو صورت اجازهٔ پدر شرط است.

سؤال ۶۱۸- برادر بزرگتر از خودم عاشق دختری است، ولی پدر و مادرم مانع از عشق او هستند. و دلیل آنها این است که پدر آن دختر جزء اقوام یکی از قاتلین پسر عمّه‌ام می‌باشد. آیا مطلب مذکور مانع ازدواج برادرم و آن دختر می‌شود؟

جواب: اگر در فامیلی یک نفر مرتکب خطایی شود، تمام آن فامیل بد نمی‌شوند. اگر واقعاً خانوادهٔ آن دختر خانوادهٔ خوبی است، ازدواج با او مانعی ندارد.

سؤال ۶۱۹- در رسالهٔ جنابعالی آمده: «اگر دختر عاقلهٔ بالغهٔ رشیده نیاز به شوهر داشته باشد، و پدر او را از ازدواج با مردی که شرعاً و عرفاً کفو او است منع کند، اجازهٔ پدر در اینجا شرط نیست.» آیا منظور، ازدواج دائم است یا شامل موقّت هم می‌شود؟ اگر شامل ازدواج موقّت می‌شود، هم کفو بودن در آن به چه معنایی است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ ولی معمولًا ازدواج موقّت به مصلحت دختران باکره
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۵
نیست، و مخالفت پدر بجاست.

سؤال ۶۲۰- آیا در صورت لزوم، حکومت اسلامی می‌تواند مانع از تزویج افراد غیر بالغ (کودکان ممیّز یا غیر ممیّز) توسّط اولیا، یا قیّم آنها گردد؟

جواب: ما معتقدیم در عصر و زمان ما تزویج صغیر و صغیره به وسیلهٔ اولیا مطلقاً اشکال دارد؛ زیرا مطابق غبطه و مصلحت آنها نیست.

عیوب موجب فسخ

۱- عنن

سؤال ۶۲۱- اگر فردی در بعضی مواقع، به علّت وضعیّت خاصّ جسمانی‌اش، قادر بر نزدیکی نباشد، ولی در بعضی مواقع، که کلیّهٔ شرایط فردی و محیطی مهیّا باشد، و طرف مقابل نیز همکاری لازم را بنماید، موفّق به این عمل شود، آیا این مشکل عنن محسوب شده، و موجب فسخ نکاح می‌شود؟

جواب: در صورتی که فراهم شدن این شرایط میسّر باشد، عنن محسوب نمی‌شود.

سؤال ۶۲۲- اگر فردی از لحاظ جنسی در حالت عادی موفّق به عمل نزدیکی نباشد، ولی با استفاده از داروهای موجود، که توسّط پزشکان مورد تأیید و تجویز است، قادر به این کار باشد. آیا بیماری مذکور عنن محسوب، و موجب فسخ نکاح می‌شود؟

جواب: بیماری مزبور عنن محسوب نمی‌شود.

۲- جنون

سؤال ۶۲۳- دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصّصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامهٔ زندگی با ایشان غیر ممکن است. آیا شوهر حقّ فسخ دارد؟ و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحقّ مهر المثل است، یا مهر المسمّی؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۶

جواب: شوهر حقّ فسخ دارد؛ ولی اگر دخول واقع شده باید مهر المسمّی را بپردازد.

سؤال ۶۲۴- زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتّی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطّلاع، ضمن مشورت با حقوقدانها، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق توسّط کمیسیون پزشکی قانونی به صورت زیر تأیید گردد: «زوجه دارای سابقهٔ اختلال روانی و واجد علائم جنون حدّ اقلّ از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است.» در فرض مسأله آیا مرد حقّ فسخ دارد، و به زن مهریّه‌ای تعلّق می گیرد؟

جواب: سابقهٔ بیماری روانی به تنهایی برای فسخ کافی نیست. و با توجّه به این که چند سال با او زندگی کرده، و آثار محسوسی در این مدّت نبوده، نشان می‌دهد که بهبودی نسبی یافته است. و وجود عوارض غیر محسوس، یا ضعیف گذشته، به تنهایی برای فسخ

نکاح کافی نیست.

سؤال ۶۲۵- اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوجه وکالت دهیم که هرگاه عارضه‌ای پیش آمد، خود را مطلّقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می‌تواند با استفاده از این وکالت، خود را مطلّقه سازد، در حالی که علما می‌فرمایند: «وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می‌شود.»؟

جواب: درست است که وکالت با جنون باطل می‌شود؛ ولی یکی از مجوّزات فسخ نکاح جنون است، هر چند بعد از ازدواج عارض شده باشد.

۳- تدلیس

سؤال ۶۲۶- پسرم از دختری با تأکید بر باکره بودن وی خواستگاری کرده، و صیغهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۷

عقد شرعی و دائمی زوجیّت با شرط باکره بودن زوجه جاری گردیده است. پس از گذشت ده ماه از اجرای صیغهٔ دائمی عقد، و قبل از برگزاری مراسم ازدواج، زوجه اعلام می‌دارد که پردهٔ بکارت وی ازاله گردیده، (و این امر قطعی و اثبات شده است.) ولی خود زوج اقدام به ازالهٔ بکارت کرده، امّا زوج با اتیان سوگند شرعی منکر ادّعای زوجه می‌باشد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- آیا پسرم، حقّ فسخ نکاح را دارد؟

جواب: در صورتی که زوج و زوجه قبل از عروسی با هم رفت و آمد داشته و خلوت می‌کرده‌اند، ادّعای پسر پذیرفته نیست.

۲- آیا زوج باید اثبات کند که اقدامی نکرده است؟

جواب: آری تا ثابت نکند، در فرضی که در بالا گفتیم، ادّعای او پذیرفته نیست.

۳- در صورت فسخ نکاح، آیا زوجه حقّ دریافت مهر المسمّی، یا مهر المثل دارد؟

جواب: در فرض بالا زوج حقّ فسخ ندارد.

سؤال ۶۲۷- یک سال پیش با دختری آشنا شدم، که توسّط فرد دیگری به طور نامشروع بکارت خود را از دست داده بود. با پرسش از دفتر بعضی مراجع، و رؤیت استفتائات ایشان، مبنی بر این که این جانب می‌توانم بدون اذن پدر، دختر را به صیغهٔ موقّت خود در آورم، با ایشان ازدواج موقّت کردم. حال پس از گذشت یک سال، خواستگاری برای او آمده است. آیا این خانم، که به عنوان دختر باکره می‌خواهد با آن مرد ازدواج کند، لازم است بگوید باکره نیست؟

جواب: بر دختر لازم نیست وضع خود را به شوهر بگوید؛ امّا اگر بعداً بر شوهر ثابت شد که دختر باکره نیست، حقّ فسخ نکاح را دارد.

سؤال ۶۲۸- خواهشمند است نظر خود را راجع به تدلیس ازدواج به طور مشروح بیان فرمایید. آیا پنهان نمودن نقص، مانند کچلی کلّی، یا موضعی، کم پشت، یا خالی بودن قسمتی از موهای سر، در زن موجب حقّ فسخ برای مرد می‌شود؟

جواب: هرگاه در موقع خواستگاری معایب خود را عمداً بپوشاند، و خود را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۸

غیر از آنچه هست نشان دهد، مصداق تدلیس است، و شوهر پس از اطّلاع حقّ فسخ دارد.

سؤال ۶۲۹- با توجّه به این که یکی از راههای سرایت بیماری ایدز تماس جنسی است، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- همبستر شدن با همسر مبتلا به ایدز چه حکمی دارد؟

۲- آیا ازدواج با کسی که ایدز دارد جایز است؟

۳- آیا بیماری ایدز مبطل عقد است، یا مجوّزی برای طلاق می‌باشد؟

جواب ۱ تا ۳: ازدواج با مبتلایان به ایدز باطل نیست؛ ولی چنانچه اطّلاع نداشته قابل فسخ است. امّا احتیاط آن است که زن با اجازهٔ حاکم شرع خود را مطلّقه کند. و در هر صورت، اگر نزدیکی کردن خطر ابتلا به ایدز داشته باشد جایز نیست.

سؤال ۶۳۰- جوانی دختر باکره‌ای را، مشروط بر صحّت کامل طرفین، به عقد ازدواج دائمی خود در آورده است. در اوّلین فرصت بعد از ازدواج، که زوجین با هم تنها شده‌اند، زوجه متوجّه می‌شود که ناحیه ی فوقانی بدن شوهر دچار ناراحتی مادرزادی، قیفی‌شکل، ناموزون و غیر طبیعی است. بدین جهت مواقعه‌ای صورت نگرفت. در این صورت:

۱- آیا زوجه اختیار فسخ نکاح را دارد؟

۲- در فرض جواز فسخ نکاح، و با توجّه به این که زوجه مدخول بها نیست، آیا می‌تواند نصف مهریّه و دیگر خسارات، از قبیل هزینهٔ میهمانی و مانند آن، را از زوج مطالبه کند؟

جواب: این عیب از عیوب فسخ نکاح نیست؛ مگر این که قبلًا شرط صحّت کامل کرده باشند. در این صورت زن حقّ فسخ از باب خیار تدلیس دارد، ولی در فرض مسأله که مواقعه صورت نگرفته مهر به او تعلّق نمی‌گیرد. امّا اگر خساراتی متحمّل شده، می‌تواند آن را از زوج بگیرد.

سؤال ۶۳۱- چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیّت کروموزمی شخص، خنثی را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۳۹

خنثای مذکّر یا مؤنّث معرّفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب محسوب، و حقّ فسخ دارد؟

جواب: اگر در ظاهر علامت خلافی نمایان نیست، موجب فسخ نمی‌شود.

سؤال ۶۳۲- چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخّص گردد که یکی از طرفین خنثای مشکل است، عقد چه حکمی دارد؟ آیا بهتر است طلاق داده شود، یا این که از اوّل باطل بوده، یا طرف حقّ فسخ دارد؟

جواب: اگر یکی از آن دو، یا هر دو خنثای مشکل باشند، نکاح باطل است.

سؤال ۶۳۳- اگر یکی از مجوّزات فسخ نکاح قبل از عقد وجود داشته، لکن با عملیّات پزشکی درمان شده، و عیب مزبور رفع گردیده باشد، آیا حقّ فسخ نکاح برای طرف دیگر پابرجا می‌باشد؟

جواب: حقّ فسخ ندارد.

سؤال ۶۳۴- آیا عیوبی که موجب فسخ عقد ازدواج دائم است، شامل عقد موقّت نیز می‌شود؟

جواب: ظاهراً شامل عقد موقّت هم می‌شود.

سؤال ۶۳۵- با توجّه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحلهٔ حذف بیماری جذام است، آیا می‌توان جایگزینهای دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماریهای پوستی که مخلّ روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟

جواب: در صورتی که واقعاً مخلّ رابطهٔ زناشویی باشد، حقّ فسخ ثابت است.

محارم

سؤال ۶۳۶- آیا زن یا مرد مسلمان، با مرتد شدن به محارم خود نامحرم می‌شود؟

جواب: نامحرم نمی‌شود؛ جز زن و شوهر که باید از هم جدا شوند.

سؤال ۶۳۷- اگر مردی دو زن به نام‌های فاطمه و زهرا داشته باشد، و از هر کدام دختری داشته باشد، و دختران آن مرد شوهر کنند،

لطفاً بفرمایید:

۱- آیا داماد آن مرد با هر دو زن او محرم هستند؟ مثلًا حسن داماد فاطمه، با زهرا هم محرم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۰

جواب: تنها به مادر زن خود محرم می‌شود.

۲- اگر شیر یکدیگر را خورده باشند، چطور؟ مثلًا لیلا، که دختر فاطمه است، شیر زهرا را هم خورده باشد. آیا حسن که با فاطمه، مادر خانمش، محرم است، با زهرا که همسرش را شیر داده نیز محرم می‌شود؟

جواب: مادر زن رضاعی، محرم است.

۳- اگر داماد دوّمی پیدا شود؛ مثلًا حسین با سکینه ازدواج کند و سکینه فقط شیر مادرش را (که زهرا است) خورده باشد و شیر فاطمه را نخورده باشد، آیا حسین با فاطمه محرم می‌شود؟

جواب: محرم نمی‌شود.

سؤال ۶۳۸- مردی نعوذ باللّه با زنی زنا می‌کند، و زن حامله می‌شود. قبل از این که بچّه به دنیا بیاید، زن با مرد دیگری ازدواج می‌نماید، پس از ازدواج پسر بچّه‌ای به دنیا می‌آید، سپس همان زن از مردی که با او ازدواج کرده، صاحب دختری می‌شود.

آیا آن پسر و این دختر بر یکدیگر محرمند؟ اگر پسر دیگری که بالغ است، با آن پسر لواط کند، آیا دختر مذکور بر او حرام می‌شود؟

جواب: آن دختر و پسر، که از یک مادر متولّد شده‌اند، با هم محرمند؛ هر چند یکی از آن دو فرزند، نامشروع است، و آن خواهر بر واطی حرام می‌شود، مشروط بر این که یقین به دخول داشته باشد.

سؤال ۶۳۹- می‌گویند زنازاده نه ارث می‌برد، و نه محرمیّت برایش حاصل می‌گردد.

آیا این مطلب صحّت دارد؟

جواب: زنازاده ارث نمی‌برد، ولی محرمیّت و سایر آثار را دارد.

سؤال ۶۴۰- آیا در بهشت محرم و نامحرم وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت است؟ و اگر ندارد، آیا محارم می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: در بهشت کسی هوس ازدواج با محارم و سایر کارهای ناپسند را نمی‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۱

زنانی که ازدواج با آنها حرام است

سؤال ۶۴۱- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر کسی با زن شوهردار زنا کند، ازدواج با آن زن بعد از طلاق یا فوت شوهرش چه صورت دارد؟

۲- آیا فرقی بین دخول در قُبل و دُبر هست؟

۳- آیا صورت علم به مسأله و جهل به آن تفاوتی دارد؟

۴- اگر ازدواج صورت بگیرد و صاحب اولاد شوند، حکم چیست؟

جواب ۱ تا ۴: ما دلیلی بر حرمت نیافته‌ایم؛ لذا در صورتی که ازدواج کرده باشند ازدواج آنها را بر هم نمی‌زنیم. ولی اگر ازدواج نکرده باشند، می‌گوییم احتیاط کنند. و فرقی بین علم و جهل، و دخول از طرفین نیست.

سؤال ۶۴۲- چنانچه شخصی با خنثای مشکل عمل شنیع از قُبل یا دُبر انجام دهد، یا خنثای مشکل با شخصی این کار را بکند،

وضعیّت حرمت نزدیکان آنها بر دیگری چگونه خواهد بود؟

جواب: در مواردی که حرمت مشکوک شود؛ بنابر حلّیت می گذارند.

سؤال ۶۴۳- بنده در تاریخ ۱۵/ ۶/ ۷۰ به عقد موقّت فردی در آمدم. وی پس از آمیزش، بقیّهٔ مدّت را بخشید. قبل از گذشتن ۴۵ روز، یا دیدن دو حیض، به عقد دائم همسر فعلی‌ام درآمده، و بعد از عقد بلافاصله دخول انجام گرفت. اکنون با داشتن دو فرزند، متوجّه شده‌ام که مدّت عدّه، ۴۵ روز تمام، یا دیدن دو حیض کامل می‌باشد، در حالی که من یک حیض بیشتر ندیده بودم. در ضمن ۴ سال پس از ازدواجمان، یک بار طلاق خلع گرفتم. و بعد از گذشت ۱۰۰ روز تمام، دوباره با همان شخص که از او صاحب دو فرزند هستم به صورت عقد موقّت ازدواج کردم، که تاکنون (۲۷/ ۱۱/ ۷۸) ادامه داشته است، و بعد از متوجّه شدن حکم، از هم جدا شده‌ایم.

وظیفهٔ فعلی‌ام چیست؟ آیا دختری که از همسر اوّلم دارم به این آقا نامحرم است؟

آیا پسران این آقا که از همسر اوّلش هستند به من نامحرمند؟ آیا دو فرزندی که از این آقا دارم، حلال‌زاده‌اند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۲

جواب: دو فرزند شما به خاطر این که نمی‌دانسته‌اید حلال‌زاده‌اند. و دختری که از همسر اوّل دارید، با این مرد محرم، و پسران او نیز با شما محرمند.

سؤال ۶۴۴- سادات در کشور پاکستان از احترام فوق العاده برخوردارند؛ حتّی سادات ناصالح؛ چون بزرگان سادات بوده‌اند که غیر سادات را با اسلام آشنا نمودند.

لهذا غیر سادات جایز نمی‌دانند که دختران سادات را به عقد خود در آورند، و سادات هم بر این باورند که این عمل اهانت به خانوادهٔ پیامبر صلوات اللّه علیهم می‌باشد، و این مطلب در نزد آنها به قدری مهم است که اگر کسی از آن تخلّف کند، بعضی جوانان، حتّی بزرگان، احساساتی شده و در چنین مواردی شوهر آن دختر را به قتل می‌رسانند! همانطور که چند ماه قبل، این اقدام در لاهور انجام شد! و این حادثه در روزنامه‌های پاکستان با تیتر بزرگ چاپ شد، و عموم مردم این عمل را ستایش کردند. و شکّی نیست که اگر سیّده با غیر سیّد ازدواج کند، مفاسدی بر آن مترتّب است، و سبب بدنام نمودن مذهب شیعه و علمای مذهب هم می‌شود. چون برادران اهل سنّت پاکستان در این مسأله متّفق القول هستند، که عقد سیّده با غیر سیّد جایز نیست. لطفاً بفرمایید:

۱- اگر در ازدواج سیّده با غیر سیّد، مفسده‌ای باشد، و موجب اختلافات خانوادگی و بدنامی مذهب و مکتب اهل بیت علیهم السلام شود، آیا در چنین موردی این اقدام جایز است؟

۲- در صورتی که برای دختر سیّد، در فامیل خودش، یا دیگر خانواده‌های سادات کفوی موجود باشد، آیا آن دختر می‌تواند با غیر سیّد ازدواج کند، با این که جدّش راضی نیست، و پدرش فوت کرده است؟

جواب: ازدواج دختران سادات محترم با غیر سادات ذاتاً اشکالی ندارد. و در زمان پیغمبر و ائمّهٔ معصومین علیهم السلام زیاد اتّفاق افتاده که دختران سادات با غیر سادات ازدواج کرده، و معصومین هم از آن نهی نکرده‌اند. ولی اگر واقعاً مفسدهٔ اجتماعی بر آن مترتّب شود، باید از آن پرهیز نمود، و تدریجاً مردم را با این حکم اسلامی آشنا کرد. و قتل نفس مسلمان از گناهان بسیار بزرگ است، و قصاص دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۳

سؤال ۶۴۵- در بین عشایر عرب مرسوم است که چنانچه مردی با دختر، یا زن شوهرداری، دوست شود و بعد از محل فرار کنند، و رابطهٔ نامشروع با هم برقرار نمایند، زمانی که به آنها دسترسی پیدا کنند، بعضاً آن زن یا دختر را به زانی می‌دهند. این مسأله چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد دختر هرگاه طرفین راضی باشند اشکالی ندارد. و در مورد زن شوهردار اگر با مرد بیگانه آمیزش جنسی کرده باشد، و بعد شوهرش او را طلاق دهد، ازدواج او با زانی پس از عده جایز است، هر چند احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۶۴۶- حضرتعالی در استفتائات جدید جلد اوّل، سؤال ۷۰۶ فرموده‌اید که عقد هاشمیّه با غیر هاشمی در صدر اسلام و در زمان ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام فراوان بوده است. لطفاً چند مورد آن را با ذکر مدرک مورد قبول مرقوم فرمایید.

جواب: یک نمونهٔ روشن آن ازدواج زینب دختر عمّهٔ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با زید بن حارثه می‌باشد، که در قرآن مجید صریحاً آمده است. نمونهٔ دیگر، ازدواج ضباعه نوهٔ عبد المطلب با مقداد است که در روایات آمده است. مخصوصاً در ذیل روایت تصریح شده که پیامبر فرمود: «من این کار را کردم تا مسألهٔ ازدواج در میان مردم توسعه یابد، و قید و بندها بر چیده شود.» «۱» بسیاری از مراجع عصر ما مانند آیهٔ اللّه خوئی و آیهٔ اللّه گلپایگانی که از سادات بنی الزهراء هستند، نیز دختران خود را به غیر سادات داده‌اند.

سؤال ۶۴۷- در بین عشایر عرب خوزستان رسمی به نام «نهوه» وجود دارد (اجبار دختر عمو به ازدواج با پسر عمو یا دیگر نزدیکان، و منع از ازدواج با دیگران،) چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنین رسمی بر خلاف شرع است، و باید از آن پرهیز کرد، مگر این که زوج و زوجه هر دو بدون اجبار رضایت دهند.

سؤال ۶۴۸- در بین عرب‌های خوزستان مرسوم است که خانوادهٔ قاتل در عوض

---

(۱) وسائل الشیعهٔ، جلد ۱۴، صفحهٔ ۴۵، باب ۲۶، حدیث ۱ و ۲ و ۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۴

خون بها، به خانوادهٔ مقتول دختر می‌دهند. چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ارباب دم بجای گرفتن دیه به این کار رضایت بدهند، و دختر و ولیّ دختر راضی به این امر باشند اشکالی ندارد.

احکام عقد دائم

۱- مهریّه

سؤال ۶۴۹- در بعضی ازدواجها مهریّه‌های سنگینی در نظر گرفته می‌شود، که عندالمطالبه نیز است. در حالی که مرد ۵۰۰ هزار تومان هم ندارد. ولی برای این که ازدواج سر بگیرد، مثلًا ۲۰ میلیون تومان مهر تعیین شده را می‌پذیرد، و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد، و از اوّل نیز محرز است که در صورت مطالبه، قادر بر پرداخت مهریّه نخواهد بود. این نوع ازدواج‌ها شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه مهریّه‌ها با چنان قرائنی که ذکر شد جدّی نیست. و جملهٔ عند المطالبه را باید حمل بر عند القدرهٔ و الاستطاعهٔ کرد. بنابراین، به اجرا گذاشتن این گونه مهریّه‌ها در صورت عدم قدرت جایز نمی‌باشد.

سؤال ۶۵۰- بکارت دختری در اثر تصادف زایل شده است. آیا ارش البکاره گرفته می‌شود، یا مهر المثل؟

جواب: باید مهر المثل بپردازد.

سؤال ۶۵۱- شخصی ازدواج می‌کند، و در حین اجرای عقد عالماً و عامداً مهریّه‌ای معیّن می‌کنند، که زوج فعلًا توانایی پرداخت آن را به هیچ وجه ندارد، و ممکن است مدّت طولانی هم نتواند آن را بپردازد. عرفاً هم این گونه مهریّه‌ها را در ذمّهٔ زوج نسیه حساب

می کنند، و زوجه هم در موقع اجرای عقد قصد مطالبه ندارد. آیا این گونه مهریّه‌ها در شرع مقدّس حالّ است، یا مؤجّل؟

جواب: در فرض سؤال این گونه مهریّه‌ها مؤجّل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۵

سؤال ۶۵۲- در مواردی که مهر المثل واجب می‌شود، آیا حدّ اقل یا حدّ اکثری وجود دارد؟

جواب: ظاهر این است که در مهر المثل حدّ معینی نیست، و الّا مهر المثل صدق نمی‌کند، و روایاتی که خلاف آن را بگوید ظاهراً معمول بهای اصحاب نیست.

سؤال ۶۵۳- مرسوم است که در موقع ازدواج و در زمان عقد مهریّه را دو قسمت می کنند؛ یک قسمت را به عنوان کمک به تهیّهٔ جهیزیّه اخذ می کنند، و ما بقی در ذمّهٔ زوج می‌ماند. لکن در تمام دادگاهها با استناد به مادّهٔ ۱۰۸۵ قانون مدنی که می گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حالّ باشد. و این امتناع مسقط حقّ نفقه نخواهد شد.» تمسّک کرده، تمام مهریّه‌ها را حالّ حساب می کنند. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: مهریّه در صورتی که قید و شرطی نداشته باشد حالّ است؛ ولی گاهی قرائنی وجود دارد که مهریّه نسیه است. مثلًا مهریّه سنگین است، و می‌دانیم شوهر یک جوان کارگر، یا یک جوان دانشجوست، و چیزی ندارد که فوراً بدهد. در این گونه موارد مهریّه حال نیست، و زوجه نمی‌تواند آن را مطالبه کند. همچنین اگر مهریّه را دو بخش کنند؛ نقد و نسیه. در اینجا تنها نقد را می تواند مطالبه کند.

سؤال ۶۵۴- دختری، با جانبازی که قادر بر نزدیکی نیست، ازدواج می کند. یک هفته پس از تلقیح، کارشان به طلاق می کشد؛ در این مورد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- مهریّهٔ دختر نصف است، یا تمام؟

جواب: در صورتی که تلقیح بوسیلهٔ شوهر انجام نشده باشد، مهریّه کامل نمی‌شود.

۲- آیا برای ازدواج مجدّد، بازهم اجازهٔ پدر لازم است؟

جواب: پس از وضع حمل، اجازهٔ پدر لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۶

۳- آیا این دختر نیاز به عدّه دارد؟ مدّت عدّهٔ وی چقدر است؟

جواب: عدّهٔ او وضع حمل است.

۴- آیا می‌تواند با پدر آن جانباز ازدواج کند؟

جواب: جایز نیست.

۵- اگر زنی با چنان جانبازی ازدواج کند و پس از تلقیح جدا شود، دخترش می تواند با جانباز ازدواج کند؟

جواب: در صورتی که دخول از سوی جانباز حاصل نشده باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۵- اگر زنی قبل از عقد مهریّهٔ خویش را چه در نکاح دائم یا موقّت ببخشد، آیا می‌توان صیغهٔ عقد را بدون مهریّه خواند؟

جواب: در عقد موقّت لازم است مدّت و مهریّه هر دو معلوم باشد، امّا در عقد دائم قرار ندادن مهریّه ضرری نمی‌زند و عقد صحیح است. و بخشیدن مهریّه قبل از عقد معنا ندارد.

سؤال ۶۵۶- در صورتی که زوجهٔ دائمی شخصی، با مرد اجنبی فرار نموده و از کشور خارج شود. آیا زن می‌تواند شخصاً، یا با اعطای وکالت به غیر، نسبت به دریافت مهر خود اقدام قانونی نماید؟ آیا چنین زنی مستحقّ دریافت مهریّه می‌باشد؟

جواب: با توجّه به این که مهریّه مربوط به سابق است حقّ گرفتن آن را دارد؛ ولی هر دو نفر از نظر قضایی قابل تعقیب هستند، و از

نظر اسلام مجازاتشان شدید است.

سؤال ۶۵۷- اگر مردی در شب زفاف، به علّت عنن، یا عامدا، به وسیلهٔ انگشت، یا شیء مناسب دیگری غیر از آلت رجولیّت، بکارت همسرش را زایل نماید، بفرمایید:

اوّلًا: آیا این عمل تعزیر دارد؟ ثانیاً: آیا این عمل در حکم دخول، و زوجه مستحقّ کلّ مهر است؟

جواب: در صورت عدم رضایت زوجه، تعزیر دارد. و زوجه مستحقّ کلّ مهر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۷

سؤال ۶۵۸- در صورت مطالبهٔ مهریّه از سوی زوجه قبل از عروسی، و عدم پرداخت آن از طرف زوج، بفرمایید:

الف) آیا زوجه می‌تواند، تا زمان پرداخت مهریّه از رفتن به خانهٔ زوج خودداری کند؟

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

ج) آیا اعسار و عدم اعسار زوجه تأثیری در حکم مسأله دارد؟

د) آیا آگاهی یا عدم آگاهی زوجه در هنگام عقد نسبت به عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه، تأثیری در حکم مسأله دارد؟

جواب الف تا د: زن نمی‌تواند رفتن به خانهٔ شوهر را مشروط به دریافت مهریّه کند؛ ولی می‌تواند قبل از دریافت مهریّه تمکین نکند. مشروط بر این که قبلًا از اعسار زوج خبر نداشته باشد. و در فرض اعسار، اگر از سوی حاکم شرع قسطبندی شود، و شروع به پرداختن اقساط کند، زن باید تمکین کند.

۲- تمکین

سؤال ۶۵۹- آیا وظیفهٔ زن مسلمان صرفاً تمکین است؟ اگر چنین است، نگهداری از فرزندان، نظافت منزل، شستشوی ظروف و البسه، پخت‌وپز، وظیفهٔ کیست؟

تقسیم کاری که رسول اللّه صلی الله علیه و آله بین دختر گرامی و داماد عزیزش انجام داد، که کار بیرون منزل را به علی، و کار درون منزل را به زهرا واگذار کرد، به چه معنایی است؟

اگر فلسفهٔ ازدواج فقط رفع شهوت است، آیا بهتر نیست مرد با هزینه‌ای کمتر از آوردن زن به خانه به عنوان موجودی پرخرج، شهوتش را بیرون خانه به طریق شرعی (صیغه) رفع کند؟ اگر وظیفهٔ زن صرفاً تمکین است، چرا مرد مخارج عروسی، خورد و خوراك، لباس، وسائل رفاهی، پزشکی، درمانی، مهریّه، شیربها و مانند آن را بر گردن می‌گیرد؟ بهتر نیست مجرّد و بی‌مسئولیّت به کار و عبادت و زندگی خود بپردازد، نه دغدغهٔ خاطری، نه دلبستگی، نه ترس از دست دادنی، نه جنگ اعصابی، و نه نگرانیهای دیگر. لطفاً نظرتان را به طور صریح در این زمینه بیان فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۸

جواب: هدف از ازدواج، همان گونه که قرآن می‌گوید، آن است که زن و مرد در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته باشند (لتسکنوا الیها) و این هدف بدون زندگی مشترك حاصل نمی‌شود. و زندگی توأم با تجرّد موجب بدبختی و انواع مشکلات و بیماری‌هاست، ولی زن نباید به صورت بردهٔ مرد درآید. و اگر کارهای خانه را انجام می‌دهد، باید با میل و رضایتش باشد. البتّه تقسیم کار بر اساس رضایت طرفین کار بسیار خوبی است.

سؤال ۶۶۰- عدم تمکین زن، در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که زن از تمکین خودداری نکند؛ ولی می‌تواند با اجازهٔ حاکم شرع از اموال او به مقدار نفقهٔ خود بردارد.

۳- اطاعت از شوهر

سؤال ۶۶۱- اگر مرد راضی نباشد که همسرش با مانتو در جامعه ظاهر شود، و از او بخواهد که با چادر بیرون رود، و زن امتناع نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: مرد نمی‌تواند زن را به پوشش خاصّی مجبور کند، مگر این که حجاب اسلامی با آن پوشش مراعات نگردد. و مانتو در صورتی که تنگ و چسبان نباشد، و تمام بدن زن به جز گردی صورت و دستها تا مچ را بپوشاند، حجاب اسلامی محسوب می‌شود؛ هر چند چادر حجاب برتر است.

۴- مسکن

سؤال ۶۶۲- در صورتی که حقّ اختیار سکنی در قبالهٔ ثبتی کاملًا به زوجه تفویض شده باشد، آیا این حق علاوه بر شهر، شامل محل و منطقهٔ محلّ سکونت نیز می‌شود؟ با توجّه به این که زوج و زوجه هر دو اهل و ساکن یک شهر بوده، و در زمان عقد نیز قصد زندگی در همان شهر را داشته‌اند، پاسخ سؤال را مرقوم فرمایید.

جواب: معمولًا هنگامی که می‌گویند اختیار سکنی با زن است، اشاره به شهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۴۹

می‌باشد، مگر این که عبارت قباله دلالت بر بیشتر از این داشته باشد. و در صورت شک، تنها اختیار شهر با زوجه خواهد بود.

سؤال ۶۶۳- زوجهٔ باکره‌ای که تمکین را به وصول مهریّهٔ عندالمطالبه‌اش موکول نموده، (و مطابق عرف هنوز در عقد است، و در منزل پدرش به سر می‌برد) آیا می‌تواند از سکنی در منزلی که زوج معیّن کرده خودداری کند؟ و اگر چنین کند، آیا ناشزه محسوب می‌شود، و حقّ نفقه ندارد؟

جواب: تا زمانی که طبق عرف عروسی نکرده، حقّ امتناع دارد.

سؤال ۶۶۴- اگر زوجه رفتن به خانهٔ شوهر را منوط به دریافت اجناس مورد توافق (غیر از مهریه) نماید، و زوج از تحویل آن امتناع ورزد، بفرمایید:

الف) آیا زوجه چنین حقّی دارد؟

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانهٔ شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

جواب: هرگاه شرایط مذکور در ضمن عقد، نه به عنوان مهریّه، مطرح شده باشد، زوجه حق ندارد رفتن خود را به خانهٔ شوهر منوط به آن کند، هر چند حقّ مطالبه و الزام به آن را دارد.

۵- اجرهٔ المثل

سؤال ۶۶۵- زنی حقّ الزّحمه و اجرهٔ المثل کارهایی که در ایّام زناشویی در منزل شوهرش انجام داده را مطالبه کرده، ولی شوهر ادّعا دارد که همسرش کارها را به قصد تبرّع انجام داده است. در فرض مذکور قول کدام یک مقدّم، و بیّنه بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: در محیطهایی که عرف و عادت بر آن است که زن به قصد تبرّع این کارها را انجام می‌دهد، ادّعای زن بر خلاف آن مسموع نیست. مگر این که ثابت کند به شوهرش اعلام کرده قصد تبرّع ندارد، و شوهرش نیز پذیرفته باشد.

سؤال ۶۶۶- همسر سابقم بعد از چندین سال زندگی و علی رغم دریافت نفقه، به عناوین مختلف، موجبات اذیّت و آزار بنده را

فراهم می‌نمود، و خودش نیز تقاضای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۰

طلاق خلع کرد. بعد از جاری شدن طلاق، کلّیهٔ حقوق خود را از بنده دریافت نمود، و طلاهایی را که برای ایشان خریده بودم، به یغما برد، (اکنون در حدود دو میلیون تومان ارزش دارد،) و بنده را از خانه بیرون و مدّت دو سال و اندی خانهٔ بنده را غصب نموده است. ایشان ملتزم به دین مقدّس اسلام نبوده، و بدون اجازه از خانه خارج شده، و از ادای وظایف خانوادگی شانه خالی می‌کرده، و اکنون اجرت المثل چندین‌ساله را از بنده مطالبه می‌نمایند. آیا اجرهٔ المثل به ایشان تعلّق می‌گیرد؟

جواب: زن به غیر از نفقه و مهریّه، حقّ دیگری به نام اجرهٔ المثل ندارد. مگر این که از اوّل ازدواج شرط کند که کارهای منزل را مجّانی انجام نمی‌دهد. و در صورتی که چنین شرطی نکرده و عادت، و رسم محیط هم تبرّع در این امور است، حقّی ندارد.

ازدواج موقّت

سؤال ۶۶۷- یکی از مسلّمات اسلام استحباب امر ازدواج است، و بر هر جوانی که در گناه می‌افتد واجب است به این امر مقدّس اقدام نماید. امّا امروزه شرایط ازدواج برای قشر وسیعی از جوانان به علل مختلف، از قبیل تحصیل، عدم بضاعت مالی، و پاره‌ای مشکلات دیگر مهیّا نیست، و نمی‌توانند ازدواج کنند. از طرفی ترویج و اشاعهٔ فساد اخلاقی در جامعه سبب شده جوانان به سختی خود را از گناهان بصری و سمعی و جسمی حفظ کنند، و گاه دچار ناراحتی‌های روحی و روانی شده، و گاه به گناهان زنا و لواط و مانند آن آلوده می‌گردند. حال سؤال بنده این است که با فرض مذکور:

۱) ازدواج موقّت برای جوانان مجرّد به منظور جلوگیری از آلودگی به گناهان چه حکمی دارد؟

۲) شیوع و ترویج متعه در جامعه و بین جوانانی که در گناه می‌افتند، یا مرتکب معاصی می‌شوند، چه حکمی دارد؟

۳) این امر (متعه) برای قشر تحصیل کرده، مخصوصاً طلّاب مجرّد، چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۱

۴) آیا راه حلّ مناسبی برای حلّ مشکلات ازدواج جوانان دارید؟

جواب ۱ تا ۴: نکاح موقّت به یقین یک سنّت اسلامی است؛ ولی اگر امروز تحت برنامهٔ حساب‌شده‌ای قرار نگیرد منشأ مفاسد زیادی خواهد شد.

سؤال ۶۶۸- شخص مؤمن و متدیّنی برای تجارت به کشورهای مختلف سفر می‌کند، لکن بعضی از افرادی که با او همسفر هستند می‌خواهند از همهٔ امکانات هتل استفاده کنند. در حالی که بعضی از آن نسوان شرایط ازدواج (مثل رعایت عدّه) را ندارند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به مجرّد این که آنها بگویند خالیه هستند، می‌توان با آنها ازدواج کرد؟

ب) اگر فحص از عدّه نشود، اشکال ندارد؟

ج) در صورتی که بگویند عدّه را رعایت کرده‌ایم، آیا قول آنها قبول است؟ (در حالی که ظنّ قوی بر عدم وجود عدّه است.)

د) اگر اهل کتاب نباشند، آیا ازدواج موقّت با آنها صحیح است؟

ه) در ضمن سنّ اکثر یا تمام این زنان، سنّ مَنْ تحیض می‌باشد، لکن با وسایل بهداشتی جدید از حاملگی جلوگیری می‌کنند. آیا شرایط ازدواج را در این سنین با فرض بر عدم عدّه دارا هستند؟

جواب الف تا ه: با توجّه به این که در سنّ «مَنْ تحیض» هستند، عدّه به هر حال بر آنها واجب است، و ادّعای آنها در صورتی پذیرفته می‌شود که متّهمه نباشند. و ازدواج موقّت با غیر کتابیّه جایز نیست.

سؤال ۶۶۹- دربارۀ ازدواج موقّت، همان گونه که در رساله‌ها بیان شده، اجازۀ پدر، یا جدّ پدری، برای دختر شرط است. حال اگر شخصی قصد داشته باشد با دختری ازدواج موقّت کند، و فقط از ناحیۀ دبر دخول کند، یا قصد آمیزش نداشته باشد، و فقط می‌خواهند لذّتهای دیگر ببرند، آیا بازهم اجازۀ پدر، یا جدّ پدری، واجب است؟

جواب: بدون اجازۀ پدر جایز نیست.

سؤال ۶۷۰- زنی متعه شده، و مدّت عقد و عدّۀ وی سپری شده است، ولی از همان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۲

مرد حامله شده، و فرزندی در شکم دارد. آیا همان شخص تا قبل از وضع حمل، می‌تواند دوباره او را صیغه نماید؟

جواب: شوهر اوّل می‌تواند مجدّداً او را متعه کند، ولی شخص دیگری حقّ ندارد با او ازدواج کند تا وضع حمل کند.

سؤال ۶۷۱- یکی از موانع و مشکلات، و شاید مهمترین آنها در راه ترویج و کاربردی نمودن ازدواج موقّت، وجوب عدّه پس از انقضا یا بذل مدّت می‌باشد. که عملًا استفاده از آن را، در حدّی که بتواند پاسخگوی نیازهای موجود باشد، غیر ممکن نموده است. بر علمای دین و زعمای امّت اسلامی است که با تحقیق و تدبّر در منابع غنی اسلامی، و به ویژه با تمسّک به فقه پویای تشیّع، راه‌کارهای مناسب و عملی- که کاملًا منطبق بر ارادۀ شارع مقدّس باشد- در این راستا ارائه نمایند، و با ایفای نقش بسیار مهمّ خود از ارتکاب بسیاری از گناهان و مفاسد فردی و اجتماعی جلوگیری نمایند. پیشرفتهای علمی، خارج کردن رحم را در برخی بیماریها، یا به دلیل انگیزه‌های شخصی ممکن ساخته، و شخص می‌تواند پس از این عمل بدون هیچ گونه مشکلی به زندگی آسوده ادامه دهد. اگر رحم زنی را خارج کرده باشند، وی بی‌شکّ توان بارداری نداشته، و دچار حالت قاعدگی نخواهد شد. سخن در این است که آیا چنین زنی در صورت طلاق، فسخ نکاح، انقضا، یا بذل مدّت در نکاح منقطع، باید عدّه نگهدارد؟

جواب: از مجموع ادلّۀ شرعیّه استفاده می‌شود که نگه داشتن عدّه تنها به خاطر احتمال بارداری نیست، و این در واقع یکی از علل آن می‌باشد؛ نه تنها علّت. و یکی از علل آن حفظ حریم زوجیّت است؛ به همین دلیل اگر شوهر یک سال در مسافرت باشد و زنش را طلاق دهد، همه می‌گویند باید عدّه نگه دارد، در حالی که بعد از غیبت یک ساله، احتمال انعقاد ولد وجود ندارد. همچنین اگر شوهر در زندان باشد، یا بر اثر بیماری گرفتار عنن گردد، و یقین پیدا کنیم که شوهر برای همیشه عقیم شده، در تمام این فروض، عدّه بر زن لازم است؛ در حالی که احتمال انعقاد نطفه وجود ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۳

سؤال ۶۷۲- لطفاً پیرامون ازدواج موقّت به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

۱- آیا جواز متعه مربوط به دوره و شرایط خاصّی از تاریخ اسلام بوده است؟

۲- آیا حکومت اسلامی در قبال قانونمندی، یا جلوگیری از گسترش آن در جامعه، وظیفه‌ای دارد؟

۳- در شرایط کنونی وظیفۀ روحانیّت در ارتباط با ازدواج موقّت چیست؟ آیا همچون سایر احکام مکلّف به ترویج آن هستند؟

۴- در فتوای مشهور آمده است: «زن یائسه عدّه ندارد.» آیا کسانی که لوله‌های رحم خود را بسته‌اند، در حکم زنان یائسه هستند؟

جواب: مسألۀ متعه اختصاص به زمان معیّنی نداشته، و ندارد، ولی گاهی (مثل زمان ما) شرایط ایجاب می‌کند قیود و شرایطی برای آن قائل شوند، که افراد هوسباز از آن سوء استفاده نکنند. و تبلیغ از آن بدون فراهم شدن آن شرایط خالی از مشکلات نیست؛ و امّا زنانی که لوله‌های خود را ببندند، مشمول یائسه بودن نیستند؛ بلکه در حکم «من لا تحیض فی سنّ من تحیض» می‌باشند.

سؤال ۶۷۳- در اختلاف بین عقد موقّت و دائم حکم چیست؟ در صورت امکان دلایل آن را ذکر فرمایید:

جواب: ما در مسألۀ اختلاف در عقد دائم و موقّت، به سراغ الفاظ نمی‌رویم، و معتقدیم تفاوت این دو عقد از قبیل اقلّ و اکثر است. قدر متیقّن که اقل است را می‌گیریم، و اکثر را رها می‌کنیم؛ مگر این که دلیلی بر آن اقامه شود. و مسألۀ انقلاب عقد موقّت به دائم

را در فرض ترک ذکر مدّت قبول نداریم، و قانون «العقود تابعة للقصود» را همه جا حاکم می‌دانیم.

احکام نگاه و نظر

سؤال ۶۷۴- اخیراً برخی از بانوان نسبت به ابرو یا دور لب، عملیّات تاتو انجام می‌دهند، (پررنگ کردن دور ابرو و لب با خال‌کوبی) که طبعاً زینت تلقّی می‌شود. و گاه پوشاندن آن نیز مقدور نمی‌باشد. لطفاً بفرمایید که این عمل مشمول آیهٔ شریفهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۴

«وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» می‌باشد، یا نه؟ نگاه به صورت چنین زنانی چه حکمی دارد؟

جواب: آیهٔ «لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» با توجّه به جملهٔ «إِلّا ما ظَهَرَ مِنْها» زینتهای موجود در صورت و دستها تا مچ را شامل نمی‌شود. ولی اگر این زینت تند و زننده باشد، و منشأ مفاسدی شود، جایز نیست.

سؤال ۶۷۵- نگاه کردن به اعضای بدن زن کافر غیر ذمّی چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به اعضایی که معمولًا در عرف آنها مکشوف است، بدون قصد لذّت اشکالی ندارد.

سؤال ۶۷۶- آیا دیدن عکسها، یا فیلمهای سکس برای متأهّلین که جهت تحریک برای آمیزش به آن نگاه می‌کنند، اشکال دارد؟ اگر اشکال دارد، برای کسانی که جهت تحریک جنسی ناچار از نگاه کردن آن فیلمها هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از این فیلمها جایز نیست، مگر در حال ضرورت. ضمناً توجّه داشته باشید مشاهدهٔ این فیلمها تدریجاً نیروی جنسی را ضعیف می‌کند.

سؤال ۶۷۷- در بعضی از حمّام‌های داخل شهر یک نفر کیسه می‌کشد، و موهای زائد بدن را زائل می‌کند. با توجّه به این که نگاه به عورت جایز نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: نگاه به عورت دیگری، خواه برای زائل کردن مو باشد، یا چیز دیگر، جایز نیست. ولی زایل کردن موهای زیر بغل و مانند آن، به وسیلهٔ همجنس مانعی ندارد.

سؤال ۶۷۸- در سازمانهای نظامی کشور، اعمّ از ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و برخی دیگر از سازمانهای دولتی از این قبیل، برای استخدام نیروی جدید، ابتدا بایستی شخص را از هر جهت معاینهٔ کامل بدنی نمایند، تا از سلامت جسمی شخص اطمینان حاصل گردد. در این آزمایشات تمامی اعضای بدن، از جمله دستگاه تناسلی، مورد معاینه قرار می‌گیرد. آیا پزشک همجنس اجازهٔ دیدن و لمس آن قسمت از بدن را جهت معاینه و احراز سلامتی دارد؟

جواب: در مواردی که ضرورت دارد مجاز است. و منظور از ضرورت این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۵

است که معاینهٔ بدنی برای آن کار لازم است، و بدون معاینهٔ بدنی استخدام نمی‌کنند، و شخص هم نیاز به استخدام دارد.

سؤال ۶۷۹- حکم نگاه کردن بدون ریبه به تصویرها و فیلمهایی که مواضعی از بدن را نمایش می‌دهند که معمولًا پوشانده می‌شود، چیست؟

همچنین نگاه به تصویر و فیلم عورتین بدون ریبه چه حکمی دارد؟

آیا شناختن صاحب تصویر و فیلم، دخالت در حکم دارد؟

شناختن از نظر شرعی به چه معنا است؟ آیا صرف دانستن اسم و رسم کافی است؟

جواب: در مورد فیلم‌هایی که اعضای بدن را نشان می‌دهد چنانچه به قصد شهوت نگاه نکنند، و خوف مفسده‌ای نباشد، اشکال ندارد؛ ولی نسبت به عورتین مطلقاً جایز نیست. و اگر زنانی باشند که معمولًا خود را مستور می‌دارند، نگاه کردن به عکس‌های

برهنهٔ آنان مجاز نمی‌باشد. و منظور از شناخت، تنها شناخت اسمی نیست، بلکه مشخّصات بیشتری لازم است.

پوشش

سؤال ۶۸۰- وظیفهٔ خواهران مسلمان دانشجوی ترکیه را نسبت به «رعایت حجاب» در فرضهای ذیل بیان فرمایید:

۱- شرط طیّ کردن تمام ترمهای دانشجویی در دانشگاههای تحت مدیریّت لاییکها، رعایت نکردن حجاب شرعی است.

۲- شرط اتمام چند ترم باقیمانده از رشتهٔ خاصّی در دانشگاه رعایت نکردن حجاب است.

جواب: بـا توجّه به این که اگر دختران مسـلمان و متـدیّن دروس عالی را نخواننـد تنها افراد بی‌بنـدوبار و لامـذهب پست‌های مهم را اشغال می کنند، به افراد متدیّن اجازه داده می‌شود که مسألهٔ حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً رعایت نمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۶

سؤال ۶۸۱- لطفاً در مورد تزیین زنان به انگشتر و حلقهٔ نامزدی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا در دست کردن حلقهٔ نامزدی طلا (انگشتر) در جلوی مرد نامحرم جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر در مورد سؤال استـعمال آن بی‌اشـکال باشد، ولی همین عمل از نظر مرجع تقلید بنده (شوهر) جایز نباشد، آیا استفاده از آن برای همسرم منعی دارد؟

آیا لازم است از او بخواهم که استفاده نکند؟

جواب: هرکس باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، و شما نمی‌توانید او را از این کار نهی کنید.

ج) زن از چه انگشتری می‌تواند در جلوی نامحرم استفاده کند؟

جواب: هر نوع انگشتری که منشأ مفسدهٔ خاصّی نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۶۸۲- برخی مادران دختران نابالغ خود را با سر و پای برهنه در خیابانها و مجالس در حضور نامحرمان ظاهر می کنند. این کار از نظر شرعی چه صورت دارد؟

جواب: بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را از زمان طفولیّت با مسائل اسلامی آشنا کنند.

ارتباط زن و مرد

سؤال ۶۸۳- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا ارتباط نوشتاری و نامه‌نگاری دختر و پسر بالغ نامحرم از طریق کامپیوتر و شبکه اینترنت جایز است؟

ب) پس از آشنایی طرفین از طریق بالا، آیا ملاقات عمومی تعدادی دختر و پسر بالغ و نامحرم، در مکانی عمومی جایز است؟

ج) آیا مصاحبه و نگاه به چشم‌ها و صورت همدیگر جایز است؟

د) اگر موارد بالا جایز باشد، در چه مرحله‌ای اجازهٔ پدر برای ادامهٔ ارتباط دختر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۷

با پسر بالغ و نامحرم، حضوری یا نوشتاری، واجب است؟

جواب: با توجّه به این که این گونه ارتباطها غالباً منشأ مفاسدی می‌شود، جایز نیست.

سؤال ۶۸۴- جوان مجرّدی در برخورد با نامحرم دچار مشکل است. این برخوردها و نگاه‌های غیر مستقیم و گاه مستقیم (که بنا به

ضرورت و از روی ناچاری انجام می‌شود،) و حتّی در برخی موارد شنیدن صدای نامحرم و صدای پای او، برایش نوعی لذّت به همراه دارد. لازم به ذکر است محدود کردن خود و خانه‌نشینی برای فرار از مشکل مطرح شده، تنها برای مدّتی او را از این صحنه‌ها دور می‌کند، امّا در برخوردهای بعدی، که به ناچار هر انسانی ناگزیر از آن است، اوّلًا: این حالتها در او تشدید می‌شود، به طوری که گاه حتّی در برخورد با محارم نیز مشکل مطرح شده بروز می‌کند، ثانیاً: در درازمدت به علّت قطع ارتباط با دیگران، و بیرون نرفتن از منزل، و حتّی ترک درس و تحصیل در دانشگاه، و چشم پوشیدن از تلویزیون و تصاویر و عکسها، و در یک کلام به انزوا نشستن، باعث بروز ناراحتیهای مختلف جسمی و روحی از جمله افسردگی و ناراحتیهای عصبی او خواهد شد. وظیفهٔ شرعی چنین شخصی چیست؟

جواب: به هیچ وجه لازم نیست با مردم قطع رابطه کند، و خانه‌نشین شود.

همین اندازه که عمداً نگاه نکند مشکلی ندارد، حتّی اگر قهراً و بدون اختیار برای او لذّتی حاصل شود.

سؤال ۶۸۵- فیلم‌هایی ساخته می‌شود که زن و مرد نامحرم در آن بازی می‌کنند، و به مقتضای نقش محوّله، با هم شوخی کرده، و به یکدیگر نگاه‌های عاشقانه دارند.

بازی کردن آنها در چنین فیلم‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آداب عفّت اسلامی را رعایت کنند مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۶- متأسّفانه روابط بین پسر و دختر در جامعهٔ ما بسیار بد جا افتاده، و پدر و مادرها از آن به عنوان یک کار زشت از آن یاد می‌کنند. من به عنوان یک پسر جوان موارد زیادی از این روابط را دیده‌ام. اگر پسر و دختر در روابط خود، حدود را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۸

رعایت کنند، و بدون اطّلاع پدر و مادرشان رابطه‌ای برقرار نمایند، و بین خودشان دوستی پایداری را برنامه‌ریزی کرده باشند، که به احتمال قریب به یقین به ازدواج آنها منتهی شود، آیا شرعاً مشکلی دارد؟

جواب: تجربه‌های مکرّر در مکرّر نشان داده که رابطه‌های دختران و پسران دام‌های شیطان است، و منجر به خلاف شرع می‌شود. بنابراین تنها در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند، آن هم به مقداری که برای شناخت یکدیگر لازم است، می‌توانند تماس بگیرند.

احکام شیر دادن

سؤال ۶۸۷- اگر زن و شوهری، کودکی را که سنّ او کمتر از ۲ سال است به فرزندخواندگی بپذیرند، و زن با کمک و مشارکت شوهر، و با استفاده از روش خاصّی، پستان خود را شیردار سازد، و کودک را با چنین شیری به طور مستقیم (از پستان) در حدّ نصاب تعیین شده (۱۵ مرتبهٔ کامل، یا به دفعات در طیّ یک شبانه روز به صورت تغذیهٔ انحصاری) شیر دهد، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا به این طریق رابطهٔ خویشاوندی رضاعی میان کودک و زوجین مورد اشاره محقّق می‌گردد؟

۲- در صورتی که پاسخ سؤال اوّل منفی باشد، آیا رابطهٔ مادر و فرزندی رضاعی به صورت انحصاری میان مرضعه و مرتضع برقرار می‌شود؟

جواب: حکم رضاع در این مورد جاری نیست، و این مسأله از مسائلی است که در میان فقها کاملًا مشهور است، و مدارک معتبری دارد که شیر بدون ولادت، تأثیری در تحریم ندارد.

سؤال ۶۸۸- شخصی از خانمی، طبق شرایطی که در رساله‌های عملیّه بیان شده، شیر خورده است. این زن پس از فوت همسرش، شوهر دیگری انتخاب نموده، و از هر دو شوهر دارای فرزندانی است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا فرزندانی که این خانم از هر دو شوهر دارد بر آن شخص محرم هستند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۵۹

جواب: آری محرمند.

ب) آیا فرزندانی که از شوهر دوّم دارد، می‌توانند با فرزندان این شخص که از خانم مذکور شیر خورده، ازدواج نمایند؟

جواب: نمی‌توانند ازدواج کنند.

سؤال ۶۸۹- دختر بچّهٔ شیرخواری، شیر خالهٔ خود را می‌نوشد؛ ولی نه به اندازه‌ای که باعث حرمت شود. آیا پسر این خاله می‌تواند با آن دختر ازدواج کند؟

جواب: اگر به اندازه‌ای که باعث تحریم می‌شود، نخورده است، ازدواج آنان مانعی ندارد.

سؤال ۶۹۰- زن و شوهری به مسافرت رفته، و فرزند شیرخوار خود را به مادر آن زن می‌سپارند. او از شیر خود یک ماه تمام به آن بچّه شیر می‌دهد. با توجّه به این که تمام شرایط نشر حرمت حاصل شده، طبق فتاوای موجود، دامادش بر دخترش، نامحرم است، و باید از یکدیگر جدا شوند. لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: اگر مادر زن به کلّی نسبت به این حکم جاهل بوده، چه صورتی دارد؟

ثانیاً: در فرض ایجاد حرمت، اگر دختر با شوهرش همبستر شود و فرزندی منعقد گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: طبق فتوای اخیر ما این زن به شوهرش حرام نمی‌شود. هر چند خالی از کراهت نیست.

نشوز

سؤال ۶۹۱- در قرآن مجید آمده: «اگر زنان نافرمانی کردند، آنها را کتک بزنید؟!» و در جای دیگر می‌خوانیم: «مردها به خاطر این که نفقه می‌دهند، بر زنان تسلّط دارند.» فلسفهٔ این دو حکم الهی چیست؟

جواب: جواب هر دو سؤال در تفسیر نمونه جلد سوّم، صفحهٔ ۳۶۹ و ۳۷۳ نوشته شده است.

سؤال ۶۹۲- هرگاه زوجه از ایفای وظایف زوجیّت خودداری نماید، ناشزه بوده و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۰

مستحقّ نفقه نخواهد بود. حال اگر شوهر از انجام وظایف زوجیّت سرباز زند، به گونه‌ای که زوجه‌اش را معلّقه قرار دهد، بفرمایید:

۱- آیا می‌توان حکم به نشوز زوج کرد؟

جواب: آری در این صورت زوج ناشز است، و زوجه می‌تواند به حاکم شرع شکایت کند، تا او را وادار به انجام وظیفه نماید، و در صورت لزوم تعزیر کند.

۲- آیا در این صورت زوجه می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق نموده، و دادگاه نیز بر این اساس حکم به طلاق زوجه دهد؟

جواب: در صورتی که زوج به هیچ وجه حاضر نباشد امساک به معروف یا تسریح به احسان کند، و زوجه در عسر و حرج قرار گیرد، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۶۹۳- با عنایت به آیهٔ شریفهٔ ۳۴ سورهٔ نساء، آیا صدور افعال و رفتار زیر از زن دلیل بر کراهت و نشوز وی می‌باشد؟ راه اثبات آنچه بین زوج و زوجه رخ داده، چیست؟

۱- ابراز بی‌علاقه گی به زوج، و کراهت از نزدیکی، و جلوگیری از عزل.

۲- بگوید: «من شخص دیگری را می‌خواستم، و از تو خوشم نمی‌آید» و کراراً از همان اوایل ازدواج در خواست طلاق کند.

۳- به خواستهٔ شوهر اهمیّتی ندهد، بی‌اعتنایی و لجاجت کند، رفت و آمدها و تلفن‌های دیگران به منزل را که در غیاب شوهر انجام

شده، از او کتمان نماید.

۴- بدون اجازه و اطّلاع شوهر از منزل خارج شده، و به محافل اجتماعی خلاف شئون و میل شوهر برود.

۵- در غیاب شوهر و بدون اطّلاع او، اموال با ارزش وی را از منزل خارج کند، و در حضور شهود تضمین بر گشت بدهد، ولی عمل نکند. و جهیزیّهٔ خود را نیز طبق سند کتبی تحویل گرفته و با خود ببرد، و بی‌اذن زوج پس از سه ماه زندگی را ترک کند.

۶- بر خلاف شروط ضمن عقد، ما بقی قبالهٔ خود را به اجرا گذاشته، و به هیچ یک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۱

از توافقنامه‌ها و تعهّدات طرفین، که توسّط زوجه و پدرش امضا شده، عمل نکند.

۷- ادامهٔ زندگی خود را منوط به دریافت کلّ قباله، و حقّ مسکن، و دریافت سه فقره چک سفید امضا از شوهر و کسان او بنماید.

جواب: چنانچه موارد بالا ثابت شود، زن ناشزه است.

احکام اولاد

سؤال ۶۹۴- دربارهٔ امارهٔ فراش و نفی ولد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیـا برای اجرای امارهٔ فراش، احراز وقوع مطلق نزدیکی کافی است، یا نزدیکی بایـد به گونه‌ای باشـد که احتمال حاملگی، هر چنـد به صورت ضـعیف، وجود داشته باشـد؟ مثلًا برخی از فقهای عظام وطی در دبر را، به ویژه در صورت عزل، یا عدم انزال، برای جریان امارهٔ فراش کافی نمی‌دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: در تمام این موارد احتمال انعقاد فرزند هست، و امارهٔ فراش محسوب می‌شود.

ب) با توجّه به فرض فوق، امارهٔ فراش در کدام یک از حالت‌های زیر جاری است؟

۱- عزل

۲- عدم انزال

۳- وطی در دبر

۴- نزدیکی در ایّام عادت ماهانه

۵- استفادهٔ یکی از زوجین، یا هر دو، از وسایل پیشگیری از حاملگی

۶- عقیم شدن زوج توسّط عمل جرّاحی

۷- اثبات عقیم بودن زوج به وسیلهٔ آزمایشات پزشکی

۸- صغیر بودن زوج

۹- خصیّ و مجبوب بودن زوج

جواب: در تمام موارد بالا امارهٔ فراش موجود است؛ زیرا هیچ کدام دلیل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۲

قطعی عدم انعقاد فرزند نیست.

سؤال ۶۹۵- با توجّه به این که از شـرایط تحقّق امارهٔ فراش، این است که از زمان وقوع نزدیکی تا هنگام تولّد، کمتر از شـش ماه، و بیش از حد اکثر مدّت حمل نگذشته باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) اگر زمان وضع حمل به طور معمول نرسیده باشـد، ولی با عمل جرّاحی طفل را زودتر متولّـد کننـد، تا از حـد اکثر حمل (۱۰ ماهه) تجاوز نکند، آیا امارهٔ فراش جاری، و طفل ملحق به شوهر است؟

جواب: در این صورت ملحق به فراش نیست.

ب) تاریخ نزدیکی و فاصلهٔ میان آمیزش و تولّد به چه وسیله‌ای تعیین می‌شود؟

اگر چندین نزدیکی در طُهر واحد انجام شود، مبدأ حمل کدام است؟ اگر زوجین با یکدیگر توافق کنند که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولّد، بیشتر از ده ماه یا کمتر از شش ماه گذشته، آیا چنین توافقی پذیرفته می‌شود، و نَسَب طفل نفی می گردد؟

جواب: منظور از فراش نزدیکی نیست که تاریخ آن را تعیین کنند، بلکه همین اندازه که زن در خانهٔ شوهر باشد، که امکان نزدیکی دربارهٔ او می‌رود، امارهٔ فراش حاصل است.

سؤال ۶۹۶- آیا شرط حد اقل ۶ ماه، فقط مربوط به طفلی است که صحیح و سالم و زنده به دنیا بیاید، یا شامل طفل مریض، ناقص، یا طفلی که مرده به دنیا آمده نیز می‌شود؟

جواب: اطفال مریض و ناقص و مانند آن را نیز شامل می‌شود، مشروط بر این که انسان محسوب شود.

سؤال ۶۹۷- همان‌طور که مستحضرید برای امارهٔ فراش، احراز و اثبات وقوع نزدیکی در مورد زوجین لازم نیست. آیا احراز وطی برای جریان امارهٔ فراش در وطی به شبهه در مورد جریان امارهٔ فراش نسبت به وطی به شبه نیز نیازی به احراز و اثبات نزدیکی نیست، یا از آنجا که نزدیکی به شبهه خلاف اصل است، باید احراز شود؟ یعنی آیا اجرای امارهٔ فراش در وطی به شبهه (مثلًا) متوقّف بر اقرار و اعتراف واطی به نزدیکی است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۳

جواب: در مورد وطی به شبهه احراز وطی لازم است.

سؤال ۶۹۸- خانمی اظهار می‌دارد که: «از مورّخهٔ ۳۰/ ۶/ ۷۶ تا ۳۰/ ۶/ ۷۷ در عقد منقطع مردی بوده، و فرزندش در تاریخ ۸/ ۵/ ۷۷ به دنیا آمده است.» مرد نفی ولد می کند، و می گوید: «عقد منقطع آنها از ۱۵/ ۱/ ۷۷ به مدّت شش ماه بوده، و چون فرزند مذکور در مدّت کمتر از شش ماه از تاریخ عقد به دنیا آمده، متعلّق به ایشان نیست.» لطفاً بفرمایید:

۱- با توجّه به اختلاف طرفین در مبدأ عقد منقطع، و عدم ارائهٔ دلیل معتبر یا بیّنهٔ شرعی بر صحّت اظهاراتشان، قول کدام یک مقدّم است؟

۲- با توجّه به نفی ولد از سوی زوج، آیا امکان الحاق فرزند مذکور به زوج وجود دارد؟

۳- زوجه می گوید: «سر دفتر ازدواج شمارهٔ فلان، صیغهٔ عقد منقطع را جاری نموده، و سر دفتر مذکور نیز ادّعای زوجه را تأیید می‌نماید. ولی در دفاتر خود چیزی ثبت نکرده است. آیا با یک شاهد و قسم زوجه، ادّعای وی ثابت می‌شود؟

جواب ۱ تا آخر: فرزند مذکور به زوج ملحق نیست.

سؤال ۶۹۹- آیا عقیقه برای میّت نیز واجب است؟ آیا بچّهٔ خردسال می‌تواند از گوشت عقیقه تناول نماید؟

جواب: عقیقه مطلقاً واجب نیست، ولی استحباب دارد. و در مورد میّت باید به قصد رجا انجام شود. و بهتر آن است که بچّهٔ خردسالی که عقیقه برای او می‌شود، از آن نخورد.

سؤال ۷۰۰- آیا می‌توان به خانواده‌هایی که فرزند ندارند، فرزندی بدون سرپرست (مانند کودکان سر راهی) تحویل داد، و در مقابل پولی از آنها گرفت؟ اگر مبلغ اخذ شده بر اساس جنس طفل، یا ویژگیهای ظاهری او، متفاوت باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: فروختن فرزند به هیچ عنوان جایز نیست.

احکام وطی به شبهه

سؤال ۷۰۱- لطفاً در مورد وطی به شبهه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۴

الف) آیا در تحقّق شبهه، وجود ظنّ معتبر به استحقاق وطی شرط است؟ یا هر گونه ظنّی برای تحقّق شبهه کفایت می‌کند؟ یا اصلًا ظن لازم نیست، و احتمال استحقاق وطی کافی است؟

جواب: احتمال کافی نیست؛ و ظن اگر سبب شود که او خود را مستحق بداند کفایت می‌کند.

ب) آیا حلیّت وطی شرط تحقّق شبهه می‌باشد، یا با حرمت وطی نیز شبهه محقّق می‌شود؟

جواب: شبهه آن است که انسان آن وطی را برای خود مجاز بداند؛ هر چند بر اثر عوارض آن را حرام ببیند. مثلًا تصوّر کند که ازدواج شرعی واقع شده، ولی در ماه رمضان یا در زمان عادت با همسر خود نزدیکی کند. این هم مصداق وطی به شبهه است.

ج) آیا در مورد فرد جاهل قاصر و مقصّر نسبت به مقدار عدّه و حکم آن، شبهه تحقّق می‌یابد؟

جواب: در صورتی که باور کند آن وطی برای او حلال است، حکم وطی به شبهه جاری است.

د) آیا واطی به شبهه صاحب فراش محسوب می‌شود، یا تنها مؤاخذه نمی‌شود؟

جواب: واطی به شبهه صاحب فراش نیست. و اگر آن زن شوهری داشته باشد، فرزند به شوهر ملحق می‌شود.

ه) آیا وطی نائم و مجنون و مکرَه، و نیز وطی ناشی از نکاح فاسد، وطی به شبهه محسوب می‌گردد؟

جواب: هیچ کدام وطی به شبهه نیست، هر چند تکلیف از چنین اشخاصی برداشته شده است. ولی در نکاح فاسد، اگر خیال می‌کرده نکاح صحیح است، وطی به شبهه محسوب می‌شود.

حضانت

سؤال ۷۰۲- لطفاً فتوای خود را با شرایط فعلی زنان در جامعه، و با توجّه به مهر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۵

علاقه‌ای که خداوند در ضمیر آنان نهاده، در مورد اصلاح مدّت حضانت فرزندان در نزد مادران بفرمایید، تا با ارائهٔ آن به مجلس و قانون‌گذاران بتوانیم این مادّهٔ قانونی را اصلاح نماییم.

جواب: مشهور در میان فقهای ما این است که حضانت دختر تا هفت سال، و پسر تا دو سال، در اختیار مادر است؛ مگر این که عسر و حرج شدیدی برای مادر پیدا شود، که برای پدر نباشد، و بیش از این مقدار را ایجاب کند. ضمناً به این نکته توجّه داشته باشید که قوانین اسلام- بلکه هر قانونی- ناظر به حال اکثریّت است، و موارد نادر و اتّفاقی معیار نیست. بی‌شکّ مصلحت فرزندان غالباً ایجاب می‌کند که زیر نظر پدران باشند، و به خاطر همین بوده که اسلام چنین قانونی وضع کرده است، ولی چون شما تنها به موارد خاصّی توجّه کرده‌اید، تعجّب نموده‌اید. البتّه مسألهٔ صلاحیّت پدر، یا مادر در مورد حضانت شرط است، و اگر یکی از آن دو فاقد صلاحیّت باشد، حقّ آنها سلب می‌شود.

سؤال ۷۰۳- پسر بچّه‌ای دو سال دوران حضانت خود را نزد مادر سپری نموده است. اکنون با انقضای مدّت حضانت مادر، پدر قصد استرداد طفل را دارد. امّا طفل و مادر آن چنان به یکدیگر وابسته و علاقه‌مند هستند، که جدا کردن آنها حتّی هفته‌ای یک روز، با مشقّت صورت می‌گیرد. با توجّه به این مطلب، در صورتی که متخصّصین روانشناسی نظر دهند که جدا کردن طفل از مادر، به سلامت روحی و روانی و جسمانی کودک صدمه وارد می‌کند، و موجب مشقّت و فشار شدید روحی و روانی به مادر خواهد بود، تکلیف چیست؟ اگر پدر به دلیل اشتغال خارج از منزل، بلکه خارج از شهرِ محلِّ سکونت، بخواهد طفل را به دیگری بسپارد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق گواهی کارشناسان خبره و متدیّن ثابت شود که جدا کردن پسر بچّهٔ دوساله از مادرش خطرات شدیدی

برای مادر یا آن بچّه به همراه دارد، نباید او را از مادرش جدا کرد.

سؤال ۷۰۴- حضانت طفل خنثای مشکل پس از اتمام مدّت شیرخوارگی با کدام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۶

یک از والدین خواهد بود؟ و ملاک آن چیست؟

جواب: در صورتی که بتوانند با هم توافق کنند مشکل نیست؛ در غیر این صورت قرعه می‌زنند.

سؤال ۷۰۵- آیا کفر مانع حقّ حضانت به شمار می‌آید؟

جواب: در صورتی که خطر مادّی و معنوی بچّه را تهدید نکند اشکالی ندارد؛ هر چند (بنابر احتیاط) در زمان حیات پدر مسلمان، حضانت آنها در اختیار اوست.

سؤال ۷۰۶- آیا مباشرت در حضانت ضروری است، و با عدم امکان آن، حقّ حضانت ساقط می‌شود، یا استنابت نیز جایز است؟

جواب: استفاده از کمکِ خادم، یا کمک کار با نظارت خودش مانعی ندارد، ولی سپردن به دیگری به طور کامل اشکال دارد.

سؤال ۷۰۷- در فرض سؤال بالا، در صورتی که استنابت در حضانت جایز باشد، آیا جواز مشروط بر عدم قدرت بر مباشرت می‌باشد، یا بطور مطلق جایز است؟

جواب: مشروط نیست.

سؤال ۷۰۸- در حکم دادگاه آمده: «چون برای نگهداری و حضانت طفل از محکمه اذن نگرفته، حقّ حضانت ندارد» این مسأله چه صورت دارد؟

جواب: در مدّتی که حضانت وظیفهٔ زن است، اجازهٔ دادگاه شرط نیست.

سؤال ۷۰۹- طبق مادّهٔ ۱۱۶۷ قانون مدنی، ولد زنا ملحق به زانی نیست، آیا می‌توان با در نظر گرفتن وضعیّت این اطفال و آیندهٔ آنان، ولایت قهری پدرشان را بر آنان مقرّر نموده، و از این باب آنان را ملزم به حضانت طفل و پرداخت نفقه و نگهداری از آنان نمود؟ و در صورت نبودن پدر، جدّ پدری، و در صورت فقدان وی، دیگر اقوام پدری را، با رعایت قاعدهٔ الأقرب فالأقرب، ملزم به این کار کرد؟

جواب: عدم الحاق ولد الزنا به زانی در مورد ارث است؛ ولی در نفقه و حضانت، زانی موظّف است آن را بر عهده بگیرد. به تعبیر دیگر، ولد الزّنا احکام ولد را دارد، الّا ما خرج بالدلیل.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۷

سؤال ۷۱۰- می‌دانیم که مادر، ۹ ماه فرزند را در شکم دارد، و بسیاری از قوّت و نیروی او به این طریق از دست می‌رود، و به خاطر زایمان، نیز دچار بیماریهایی می‌شود. چرا با تمام این مشکلات، که یک زن در بزرگ کردن طفل خود و حتّی شیر دادن او دارد، به هنگام جدایی زن و شوهر از یکدیگر، (جز در موارد معدودی) فرزند به پدر سپرده می‌شود؟

جواب: شکّی نیست که مرد برای حمایت از فرزند خود قدرت بیشتری دارد، و موارد استثنایی نمی‌تواند حکم کلّی را تغییر دهد.

نفقه

سؤال ۷۱۱- اگر طبق نظر پزشک، زوجهٔ دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدّتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترک نماید، یا این که زوجهٔ دائمی به علّت ابتلای به جنونِ ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد. آیا چنین زنی در دو صورت مذکور حقّ نفقه دارد؟

جواب: در صورتی که زن مقصّر نبوده باشد، احتیاط واجب آن است که مرد نفقهٔ او را بپردازد.

سؤال ۷۱۲- زنی ادّعا می کند شوهرش او را از منزل بیرون کرده، و نفقه‌اش را در مدّت خاصّی نپرداخته است. شوهر ضمن اقرار به این که نفقهٔ معوّقهٔ همسرش را پرداخت نکرده، ادّعا می کند که همسرش ناشزه است، و بدون اجازهٔ او منزل مشترک را ترک کرده، و از ادای وظایف زناشویی امتناع نموده، و در نتیجه استحقاق نفقه ندارد. در فرض مذکور، با توجّه به این که زوجین جدا از یکدیگر زندگی می کنند، قول کدام یک مقدّم و بیّنه بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: اگر جدا از هم زندگی می کنند، و زن مجوّزی برای این کار ندارد، ناشزه است و حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۷۱۳- زن و شوهری اختلاف پیدا می کنند، بدین جهت زن علیه شوهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۸

شکایت می‌نماید. پس از مراجعات زیاد، دادگستری دستور حلّ اختلاف را از طریق کدخدا منشی صادر می کند. جمعی به همراه زن و شوهر به محضر حاکم شرع محل می‌روند. پس از مشخّص شدن حقوق شرعی زن (مهریّه، نفقه، و مانند آن) حاکم شرع از شوهر وکالت شرعی گرفته، و اقرار نامه‌ای جهت اجرای صیغه طلاق تهیّه، و به امضای زن و شوهر و حاضرین در جلسه می‌رساند. زن تمام حقوق شرعی خود، حتّی اجرت انجام صیغهٔ طلاق را از شوهر می گیرد. شوهر در این مورد و در این مدّت نه به زن، و نه به حاکم شرع، رجوع ننموده است. پس از گذشت ۷ سال، زن ادّعای جاری نشدن صیغهٔ طلاق را دارد، و نفقه و مخارج چند سالهٔ خود را از شوهر مطالبه می‌نماید. حاکم شرع نیز اعتراف دارد که صیغهٔ طلاق را اجرا نکرده است. در این مدّت طولانی، اجرا نشدن صیغهٔ طلاق به صورت یک راز بین زن و حاکم شرع پنهان بوده، و به شوهر اطلاع نداده‌اند! زن مجدّداً علیه شوهر شکایت نموده، و شوهر محکوم به خسارات و مجازاتی می‌شود. حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: هرگاه شوهر تمام حقوق زن را پرداخته، و به کسی وکالت داده که صیغهٔ طلاق زن را جاری کند، و او کوتاهی کرده و صیغهٔ طلاق را جاری نکرده و به شوهر هم اطّلاع نداده، شوهر ضامن نفقهٔ زن در این مدّت نمی‌باشد.

سؤال ۷۱۴- این که گفته می‌شود: «نفقهٔ اقارب قضا ندارد.» شامل چه کسانی می‌شود؟ آیا شرط و شروطی دارد؟

جواب: منظور از اقارب پدر و مادر و فرزند است؛ و شرط و شروط خاصّی ندارد. ولی نفقهٔ همسر در هر حال باید پرداخته شود.

سؤال ۷۱۵- اگر شخصی زنی را صیغه کند، و آن زن بچّه‌ای به دنیا آورد، و مرد منکر شود. در صورت اثبات نسب، هرچند پس از ده سال، آیا تمام حقّ و حقوق این زن از قبیل حضانت، اجرت شیر دادن، نفقهٔ طفل و مانند آن به او تعلّق می گیرد؟

جواب: حقوق شرعیّهٔ این زن و بچّه بعد از اثبات ازدواج و تولّد، در هر حال ثابت است.

سؤال ۷۱۶- آیا شوهر دائمی در رابطه با قیمومت زوجهٔ خود که دچار جنون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۶۹

ادواری، یا دائم شده، نسبت به پدر، جدّ پدری، مادر، و سایر اقارب زوجه، اولویّت دارد؟

جواب: اولویّتی ندارد.

اختلافات زوجین

سؤال ۷۱۷- در صورت اختلاف بین زن و مرد در وقوع و عدم وقوع طلاق، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: در صورتی که بیّنهٔ شرعیّه بر طلاق نباشد، قول منکر طلاق مقدّم است.

سؤال ۷۱۸- در صورت اختلاف بین زن و مرد در وقوع عقد نکاح، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: در صورت نبودن بیّنهٔ شرعیّه یا قرائن قطعیّه، قول منکر نکاح مقدّم است.

سؤال ۷۱۹- در صورت اختلاف بین زوجین در دائم یا منقطع بودن عقد نکاح، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول مدّعی عقد موقّت مقدّم است؛ ولی احتیاط آن است که در پایان مدّت، صیغهٔ طلاق نیز جاری گردد.

سؤال ۷۲۰- در صورت اختلاف زوجین در مورد وقوع و عدم وقوع نزدیکی، قول کدام یک مقدّم است؟ توضیح این که زوجین بعد از عقد نکاح، قصد جدایی از هم را دارند، و زوجه مدّعی است که به واسطهٔ نزدیکی، مستحقّ کل مهریّه است، و زوج با ادّعای عدم نزدیکی، زوجه را مستحقّ نصف مهریّه می‌داند. حق با کیست؟

جواب: قول عدم نزدیکی مقدّم است (البتّه با قَسم)، مگر این که مدّتی بدون مانع با هم خلوت داشته باشند، که ظاهر حال مواقعه باشد.

سؤال ۷۲۱- در صورت اختلاف زوجین، در این که رجوع صورت گرفته یا خیر، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول منکرِ رجوع، مقدّم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۰

سؤال ۷۲۲- در صورت اختلاف زوجین در این که رجوع در زمان عدّه صورت گرفته یا بعد از آن، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول زوجه مقدّم است.

سؤال ۷۲۳- در صورت اختلاف بین زن و مرد در مورد این که عقد نکاح سابق به قوّت خود باقی است، یا به علل شرعی مانند طلاق و فسخ، زوجیّت خاتمه یافته، قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: قول مدّعی بقای زوجیّت، مقدّم است.

سؤال ۷۲۴- الف) اگر بخشی از مهریّهٔ زنی سه دانگ خانه بوده که به مبلغ صد میلیون ریال تقویم شده باشد، و مرد زمینی به همین مبلغ، یا بیشتر، بخرد و خانه‌ای در آن بنا کند، آیا در خصوص این بخش از مهریّهٔ زن برائت حاصل کرده است؟

ب) اگر بین زن و مرد اختلاف شود، و مرد مدّعی باشد که زمین ساختمان را بابت مهریّهٔ زوجه تسلیم نموده، و زن مدّعی شود که تحت عنوان هبه دریافت کرده، قول کدام یک مقدّم می‌شود؟

ج) در فرض بالا کدام یک باید دلیل و بیّنه ارائه دهد؟

د) اصولًا کسی که مالی به دیگری می‌دهد، ظهور در تبرّع دارد یا عدم تبرّع؟

ه) اگر ثابت شود خانه‌ای که زوج ساخته، و به زن تسلیم کرده، و سند را هم به نام زوجه نموده، حد اقل سه برابر مبلغی است که مرد موقع اجرای صیغهٔ عقد نکاح به عنوان بخشی از مهریّه متعهد شده، آیا مرد مجاز است با بخش دیگری از مهریّهٔ زوجه، مثلًا وجه رایج، یا طلا و سکّه مقدار اضافی را تهاتر نماید؟ یعنی آیا تعهّدات دیگر زوج راجع به سایر اقلام مهریّه در حدّ ارزش اضافی خانه ساقط می‌شود؟

و) و اگر تهاتر نمی‌شود، آیا زوج حق دارد به اعتبار این که مقروض به زوجه نبوده، از مالی که به زوجه داده و تصوّر می‌کرده بابت دین خود داده، رجوع و آن را مطالبه و مسترد کند؟

جواب الف تا و: در صورتی که خانه را با مشخّصاتی که در مهریّه اشاره شده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۱

تهیّه، و به عنوان مهریّه به زن تحویل دهد برائت ذمّه از این نظر حاصل شده است.

و ادّعای زن در مورد هبه بودن قبول نیست؛ مگر این که اقامهٔ بیّنهٔ شرعیّه کند. از این گذشته، در فرض هبه بودن، مرد حقّ رجوع در هبه را دارد (مگر این که زن و شوهر خویشاوند همدیگر باشند.) و در صورتی که قیمت خانه زائد بر مقدار توافق در مهریّه باشد، اضافه را می‌تواند (در صورت موافقت زوجه) بابت بقیّه حساب کند. و در صورت عدم موافقت زوجه می‌تواند اضافه را بازپس بگیرد؛ (مشروط بر این که مصالحه‌ای بر کلّ خانه انجام نشده باشد.)

سؤال ۷۲۵- شوهر زنی سه سال و نیم قبل فوت کرده، و از آن تاریخ تاکنون ادّعایی در مورد دائمی بودن عقد ازدواج نداشته، بلکه قرائنی هم بر موقّت بودن ازدواج ایشان وجود دارد. اخیراً مدّعی دائمی بودن ازدواج خود با آن مرحوم شده است، ولی همسر اوّل و دائمی مرحوم منکر دائمی بودن رابطهٔ زوجیّت مدّعی است. اگر قرار باشد که صحّت و سقم موضوع با سوگند شرعی اثبات شود، قسم را باید همسر موقّت که مدّعی دائمی بودن است یاد کند، یا قسم متوجّه همسر دائمی است که منکر ادّعای مدّعی است؟

جواب: همسر مدعیّه باید برای اثبات ادّعای خود بیّنهٔ شرعیّه اقامه کند، و قسم کافی نیست، و منکر باید سوگند یاد کند که او همسر دائمی نیست.

سؤالات متفرّقهٔ نکاح

سؤال ۷۲۶- شخصی به نام ابراهیم با این جانبه، که دوشیزه بودم، ازدواج دائم نمود.

سعی داشت این ازدواج به جهت داشتن همسر و فرزندان، که در خارج بودند کاملًا مخفی باشد. به همین دلیل به خاطر سنّ بالایش مانع فرزنددار شدن من می‌شد.

نامبرده خانه‌ای برای زندگی مشترک در تهران خریداری، و تا زمان فوت وی با یکدیگر زندگی می‌کردیم، و سالی دو سه بار به خارج رفت و آمد می‌کرد. در سال ۱۳۷۵ به منظور معالجه به خارج رفت، و در همان جا مرحوم شد. اکنون همسر و فرزندان او منکر زوجیّت این جانبه شده‌اند، در حالی که زوجیّت ما بر کسی پوشیده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۲

نیست. متأسّفانه عقدنامهٔ عادّی نیز مفقود شده، امّا فتوکپی آن موجود می‌باشد.

یکی از شهود عقد، و همچنین پدر و مادرم که شاهد عقد بودند، نیز در قید حیات هستند. لطفاً حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: شما باید از طریق شهادت شهود، این مطلب را ثابت کنید. و شهادت پدر برای دختر، چنانچه ظاهر الصّلاح باشد، مانعی ندارد. و چنانچه همسایگان نیز تأیید کنند که شما و ایشان سالها ظاهراً به صورت زن و شوهر زندگی می‌کرده‌اید، آن هم می‌تواند از قرائنی باشد که به علم قاضی کمک می‌کند.

سؤال ۷۲۷- شخصی هستم ۴۰ ساله که به دلائل زیاد، با همسرم مشکل دارم، بدین جهت قصد ازدواج مجدّد دارم، که همسرم نیز موافق است. ولی چون زن مورد نظر از آشنایان همسرم می‌باشد، و دو شوهر قبلی خود را به مرگ طبیعی از دست داده، می‌گویند بد قدم است. آیا این تفکّر صحیح است؟

جواب: این تفکّر درست نیست، و از نظر اسلام مبنایی ندارد.

سؤال ۷۲۸- مادر زن این جانب در امور زندگی بنده و همسرم دخالت مستقیم نموده، و به نصایح و نهی از منکر حقیر و دیگران توجّه نمی‌کند. همچنین بدون رضایت این جانب به منزلم آمده، از وسایل زندگی من استفاده می‌نماید. حکم شرع مقدّس در این مورد چیست؟

جواب: البتّه اگر بدون اجازه آمده باشد ضامن است؛ ولی شما هم نباید سخت بگیرید. بسیارند کسانی که به این مشکل مبتلا هستند، و با صبر و حوصله آن را حل می‌کنند.

سؤال ۷۲۹- طبق جواب حضرتعالی، در خصوص ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده، مسأله سه صورت خواهد داشت، که شما حکم دو صورت آن را ذکر فرمودید. به این نحو که دوقلوها یا هر دو پسر هستند، یا هر دو دختر، که حکم این دو صورت در جلد اوّل استفتائات جدید، پاسخ سؤال ۸۷۴ ذکر گردیده است. حال اگر یکی از دوقلوها پسر و دیگری دختر باشد، و نیاز شدید به ازدواج داشته باشند، ازدواج آنها به چه شکل خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۳

جواب: در صورتی که ضرورتی نباشد باید از ازدواج صرف نظر کنند، و اگر ضرورت قطعی و غیر قابل اجتناب باشد، هر کدام می‌توانند همسری انتخاب کنند. ولی تا آنجا که ممکن است باید جهات مربوط به محرم و نامحرم را رعایت نمایند، و از آنجا که این گونه مسائل بسیار نادر است، طبعاً احکام آن هم عجیب به نظر می‌رسد.

سؤال ۷۳۰- آیا دین مقیاس عدالت است، یا عدالت مقیاس دین؟ به بیان دیگر، آیا دین به هرچه که عدالت باشد امر می‌کند، یا هرچه که دین به آن امر کند، عدالت است؟

و به بیان فنّی، آیا عدالت در سلسلهٔ علل احکام است، یا در سلسلهٔ معالیل آن؟

توضیح بیشتر این که: آیا انسانها، مصادیق بارز ظلم و عدالت را از طریق شریعت می‌شناسند، یا عدالت و ظلم برای همه روشن است، و توصیه‌های دین ارشاد به حکم عقل است؟

مستحضرید شیعه نیز مثل معتزله معتقد است که عدالت، مقیاس دین است، و اشاعره دین را مقیاس عدالت می‌دانند. حال سؤال این است که اگر شیعه عدالت را مقیاس دین می‌داند، چرا در استنتاجات فقهی به احکامی می‌رسد که هر عُرفی آن را مصداق بیّن ظلم می‌داند. بعضی از احکام نکاح چنین است؛ توجّه فرمایید:

۱- اجماعی است که طلاق به دست مرد است، و مرد می‌تواند هر گاه که اراده کند زنش را طلاق بدهد، هر چند هیچ عذر موجّهی نداشته باشد! طلاق غیابی و بدون هیچ عذر موجّه، در هر عرفی ظلم محسوب می‌شود.

۲- در بحث عیوب زوجین می‌گویند: «اگر مرد بعد از عقد بفهمد زنش کور یا شل است، خوره یا برص دارد، می‌تواند عقد را فسخ کند. ولی اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش یکی از این عیوب را دارد حق فسخ ندارد؛ باید بسوزد و بسازد!»

۳- مرد هر وقت تمایل داشته باشد زن باید خود را در اختیار او قرار دهد؛ حتّی اگر وسط نماز باشد. ولی زن فقط سالی سه مرتبه حقّ آمیزش دارد، آن هم چنان کوتاه و مختصر که مجال بیان آن نیست!

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۴

۴- اگر مرد در شب عروسی همسرش را ترک کند و مسافرت برود، و بعد از ده سال برگردد (در صورتی که نفقه داده باشد)، زن حق اعتراض ندارد!

چگونه می‌توان با حفظ مبنای کلامی شیعه، این قبیل احکام را پذیرفت؟ آیا می‌گویید همهٔ عقلا اشتباه می‌کنند که می‌گویند طلاقِ مبنی بر هوس و بدون عذر موجّه ظلم است؟ همهٔ عقلا که برای زن نیز (در شرایط تدلیس مرد در موارد فوق) حق فسخ قائلند اشتباه می‌کنند؟

جواب: بدون شک فقه شیعه بر اساس ادلّهٔ اربعه بنا نهاده شده، که یکی از آنها دلیل عقل است. منتها عقل باید قطعی و جامع جمیع جهات باشد، و در مثالهایی که ذکر کرده‌اید متأسّفانه اشتباهات فقهیّهٔ متعدّدی وجود دارد. مثلًا بند چهارم که نوشته‌اید: «اگر مرد در شب عروسی همسرش را ترک کند و ده سال برنگردد »...

این مسأله از نظر موازین فقهی درست نیست. چنانچه زوجه در عُسر و حرج بیفتد، و لو بعد از شش ماه بوده باشد، ما اجازهٔ طلاق را می‌دهیم. و تاکنون چه بسیار زنانی که شوهرشان آنها را رها کرده، و از طریق همین فتوا آزادی خود را یافته‌اند.

و در مورد بند سوّم، اوّلًا مرد نمی‌تواند در شرایط غیر متعارف مانند وسط نماز یا مواردی از این قبیل، از زن تقاضای تمکین کند، بلکه طبق عرف و عادت باید انجام شود. و ثانیاً در مورد زن نیز در صورتی که ترک آمیزش برای او خطر انحراف جنسی داشته باشد، یا مشکل مهمّی ایجاد کند، هرگز انتظار چهار ماه کشیده نمی‌شود.

و در بند دوّم، در صورتی که توافق طرفین به صورت شرط ضمن العقد، یا شرط مبنیّ علیه العقد، بر سلامت بوده باشد، هر عیبی

سبب حقّ فسخ می‌شود.

باقی می‌ماند بند اوّل، هم اکنون در بسیاری از جوامع بشری زن و مرد حق طلاق را دارند، و می‌توانند بدون عذر موجّهی از هم جدا شوند. اگر در مورد زن ظلم محسوب می‌شود، در مورد مرد هم ظلم به شمار می‌آید. بنابراین ظلم طرفین را در میان عقلا باید پذیرا باشید. از آن گذشته، همان گونه که در دادگاه‌های امروز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۵

هم دیده می‌شود، می‌توان جلوی طلاقهای هوس‌آلود را گرفت. به علاوه با توجّه به این که مرد به هنگام طلاق متحمّل خسارات زیادی می‌شود فرضی که شما کرده‌اید یک فرض غیر واقعی است که مرد بدون هیچ عذری دست به طلاق بزند، حتماً عذری دارد؛ البتّه آنچه در بالا گفتیم اجمال مسأله است.

سؤال ۷۳۱- این جانب در نظر دارم مؤسّسه‌ای «فرهنگی، اجتماعی» در خصوص همسر یابی جوانانی که به سنّ ازدواج رسیده‌اند، تأسیس نمایم. و با توجّه به شرایط، موقعیّت و سنّ و سال متقاضیان ازدواج، همسر مورد علاقه و مطلوبشان را به آنها معرّفی نموده، و به این وسیله به جامعه و مردم خدمت کنم. همان‌طور که مستحضرید اخیراً آمارهای صادره از مراجع ذی صلاح، بیانگر افزایش طلاق در سنوات اوّل ازدواج است. و بدون هیچ گونه شک و تردیدی، عدم شناخت زوجهای جوان از یکدیگر، و تن دادن به ازدواجهای ناآگاهانه و ناخواسته، سبب شکست و ناکامی جوانان گردیده، و ادامهٔ این روند سبب ورود ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیری به بنیانهای فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی خواهد شد. آیا تأسیس چنین مؤسّساتی از نظر شرع انور اسلام جایز است؟

جواب: تا آنجا که اطّلاع داریم تاکنون افراد یا گروههای متعدّدی اقدام به این کار کرده‌اند. بعضی موفّق بوده، و بعضی با مشکلات مواجه شده‌اند، ولی به هر حال اگر این کار زیر نظر افراد مطمئن، و با رعایت تمام شئونات اسلامی، و اخذ مجوّز از مقامات ذی صلاح صورت گیرد، کار خوبی است، و ممکن است جلوی بسیاری از مشکلات ازدواجها را بگیرد. امّا با توجّه به ظرافت و حساسیّت‌های مسأله، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارد.

سؤال ۷۳۲- اگر یکی از فرزندان خانواده‌ای طلاق بگیرد، و در این هنگام برای فرزند دیگرشان خواستگاری بیاید، و پدر و مادر مجبور شوند از مهریّهٔ فرزند بزرگتر برای مخارج ازدواج فرزند دیگر هزینه کنند، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون رضایت آن دختر از مهریّهٔ او نمی‌توان استفاده کرد. و اگر این کار را کرده‌اند، باید به شکلی رضایت او را جلب کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۷

فصل بیست و نهم: احکام طلاق

شرایط طلاق

سؤال ۷۳۳- این که طلاق باید در طُهر واقع شود، آیا باید زن غسل هم کرده باشد، یا پاک شدن از حیض کافی است؟

جواب: غسل لازم نیست.

سؤال ۷۳۴- در مورد عدالت دو شاهد هنگام اجرای صیغهٔ طلاق، هرگاه مجری صیغه، اعتقاد به عدالت و دیگران علم به فسق شهود داشته باشند، آیا طلاق صحیح است؟

جواب: برای آنها که علم به فسق شهود ندارند کافیست.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۲۷۷

سؤال ۷۳۵- آیا عدم علم شاهد به فسق خودش در شهادت بر طلاق معتبر می‌باشد؟

جواب: خالی از اشکالی نیست.

سؤال ۷۳۶- آیا عدالت، که در شهود طلاق شرط است، شرط واقعی است یا شرط علمی و ظاهری؟ به تعبیر دیگر، هرگاه پس از اجرای صیغهٔ طلاق، علم به فسق شاهدین پیدا کنیم، در حالی که به هنگام طلاق آنها را عادل می‌پنداشتیم، طلاق واقع شده چه حکمی دارد؟

جواب: طلاق مزبور صحیح است.

عدّهٔ طلاق

سؤال ۷۳۷- در صورتی که زوج پس از عقد دخول نکرده باشد، ولی انزال شده و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۸

نطفه به رحم زن منتقل شده باشد، و سپس طلاق واقع گردد. آیا زوجه باید عدّه نگه دارد؟ حکم مسأله را در صورت حامله شدن، و حامله نشدن زوجه بیان فرمایید.

جواب: آری زوجه باید عدّه نگه دارد.

سؤال ۷۳۸- زوجه‌ای- العیاذ باللّه- از زنا حامله شده، و طلاق داده شده است. آیا عدّهٔ او وضع حمل است، یا عدّهٔ غیر حامله را دارد؟ حکم مسأله در صورتی که حاملگی از طریق وطی به شبهه باشد چیست؟

جواب: در صورتی که مسلّم باشد حمل از زناست، و احتمال الحاق به زوج شرعی نباشد، عدّه‌ای برای حمل نیست، تنها عدّهٔ طلاق دارد. و وطی به شبهه عدّه دارد، و در صورت حمل عدّهٔ آن وضع حمل است.

سؤال ۷۳۹- مردی زوجه‌اش را طلاق می‌دهد، و پیش از تمام شدن مدّت عدّه فوت می‌کند. آیا زوجه باید عدّهٔ وفات نگه دارد، یا همان عدّهٔ طلاق را تمام کند؟ آیا در این مسأله فرقی میان طلاق رجعی و بائن، یا طلاق حامله و غیر حامله وجود دارد؟

جواب: اگر عدّهٔ رجعی بوده، نگه داشتن عدّهٔ وفات لازم است. ولی در عدّهٔ بائن، تکمیل همان عدّه کافی است.

سؤال ۷۴۰- لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون عدّه پاسخ فرمایید:

الف) خانمی در عدّهٔ طلاق یا وفات بوده، که با او وطی به شبهه می‌شود. آیا لازم است دو عدّه نگه دارد، یا تکمیل همان عدّهٔ اوّل کافی است؟ و اگر دو عدّه لازم باشد، عدّهٔ دوّم (وطی به شبهه) از چه زمانی آغاز می‌شود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که دو عدّه نگه دارد. و عدّهٔ دوّم پس از انقضای عدّهٔ اوّل شروع می‌شود.

ب) در فرض فوق، اگر از زوج اوّل، یا از واطی به شبهه حامله شود، آیا عدّهٔ حمل مقدّم بر عدّهٔ دیگری است؟

جواب: عدّهٔ حمل مقدّم است، و بعد عدّهٔ دوّم را آغاز می‌کند.

سؤال ۷۴۱- حدود ۱۵ سال پیش از شوهر اوّلم طلاق گرفتم، و پس از حدود یک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۷۹

سال با مرد دیگری مجدّداً ازدواج کردم. پنج ماه پس از ازدواج دوّم، شوهر سابقم فوت نمود. اکنون بعد از گذشت حدود ۱۴ سال متوجّه شدم که طلاق اوّلم باطل بوده، و به همین دلیل از شوهر دوّمم جدا شدم. آیا بنده، که یائسه نیز می‌باشم، باید بعد از ۱۴ سال

برای شوهر اوّلم عدّهٔ وفات نگه دارم؟

جواب: هرگاه تازه از فوت او آگاه شده باشید باید عدّه نگه دارید، ولی اگر قبلًا از فوت او با خبر شده‌اید، و مدّت چهار ماه و ده روز گذشته باشد، عدّه منقضی شده است.

طلاق رجعی

سؤال ۷۴۲- هرگاه طبق ادّعای زوج، زوجه مرتکب عمل منافی عفّت شده، و زوج نسبت به وی ظنین باشد، و نگه‌داری وی تا پایان عدّه در منزل مشترک، احتمال تشنّج و درگیری ما بین طرفین را به همراه داشته باشد، و زوج برای جلوگیری از این مشکل، متقبّل هزینهٔ مسکن جداگانه و اسکان همسرش در آن منزل شود. آیا در صورت صدور حکم طلاق رجعی توسّط دادگاه صالحه، و اسکان زوجه در ایّام عدّه در منزل جداگانه به هزینهٔ زوج، اجرای صیغهٔ طلاق و ثبت آن از نظر شرع انور اسلام مانع شرعی دارد؟

جواب: در فرض مسأله، چون احتمال خطر، یا ضرر، یا مفسده‌ای وجود دارد، عمل کردن به ترتیب فوق مانعی ندارد.

سؤال ۷۴۳- زوج و زوجه‌ای در اصل رجوع و انقضای مدّت عدّهٔ طلاق رجعی اتّفاق نظر دارند، ولی در این که کدام زودتر واقع شده، اختلاف دارند. قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: در صورتی که تاریخ طلاق معلوم باشد، و تاریخ رجوع مجهول؛ رجوع بی‌اثر خواهد بود. و اگر بالعکس بوده باشد، رجوع مؤثّر است. و اگر تاریخ هر دو مجهول باشد، رجوع فایده‌ای ندارد.

سؤال ۷۴۴- مردی زوجه‌اش را طلاق رجعی داده است. زوج مدّعی رجوع به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۰

طلاق، و زوجه منکر آن است. حکم شرعی در دو فرض بالا در اثنای عدّه و پس از آن چیست؟

جواب: اگر در اثنای عدّه باشد، این کار خود رجوع محسوب می‌شود. و اگر بعد از عدّه باشد، بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود.

طلاق خلع

سؤال ۷۴۵- آیا طلاق خلع (با توجّه به بذل مال) عقد است، یا ایقاع؟ اگر عقد است، الفاظ ایجاب و قبول آن چیست؟

جواب: نوعی عقد است، که الفاظ آن را در توضیح المسائل در بحث خود نوشته‌ایم.

سؤال ۷۴۶- لطفاً به سؤالات زیر در مورد طلاق خلع پاسخ دهید:

۱- آیا در تقاضای طلاق خلع، که از ناحیهٔ زوجه مطرح می‌شود، کراهت و نفرت، باید کراهت ذاتی باشد، یا کراهت عرضی نیز موجب جواز طلاق خلع است؟

جواب: هرگونه کراهتی سبب طلاق خلع می‌شود.

۲- با عنایت به این که زن در عدّهٔ طلاق خلع نفقه ندارد، آیا بذل نفقهٔ ایّام عدّه از سوی زوج به عنوان قسمتی از بذل، وجاهت شرعی دارد؟ و آیا اساساً چیزی که هنوز واجب نشده، می‌تواند مورد بذل واقع شود؟

جواب: با توجّه به این که در ایّام عدّه در طلاق خلع نفقه وجود ندارد، چیزی برای بخشیدن محسوب نمی‌شود.

۳- قسمتی از مهریّه نیز قبلًا توسّط زوجه مطالبه و وصول شده است، حال زوجه مدّعی بذل کلّ مهریّه است، حکم شرع نسبت به مبلغ دریافتی زوجه چیست؟ آیا باید آن را بازگرداند؟

جواب: مال البذل در طلاق خلع تابع توافق طرفین است؛ بر هر چیزی توافق کنند همان کفایت می‌کند.

۴- آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیهٔ زوج، شرط صحّت طلاق خلع است؟ به عبارت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۱

دیگر، آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیهٔ زوج شرعاً ضرورت دارد؟ چنانچه زوج قبول ما بذل را اعلام ننماید، آیا می‌توان طلاق خلع را به صرف بذل از ناحیهٔ زوجه انجام داد؟

جواب: در طلاق خلع شرط است که زوج ما بذل را در برابر اجرای طلاق بپذیرد.

سؤال ۷۴۷- آیا شرط حقّ رجوع به بذل در عدّه، یا شرط رجوع به نکاح در عدّه، بر فرض رجوع زن به بذل در زمان عدّه، مبطل خلع است؟

جواب: این دو موضوع احتیاج به شرط ندارد. و اگر هم شرط شود، تولید اشکال نمی‌کند.

سؤال ۷۴۸- دربارهٔ تعلیق در خلع، آیا تعلیق بر امر محتمل، یا امر مقارن محقّق معلوم، ضرر دارد؟

جواب: تعلیق در انشا، در هر صورت خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۴۹- آیا در خلع، رجوع به بذل صحیح و نافذ است؟ در هر حال، اگر رجوع به بذل حاصل شود، آیا احکام مطلّقهٔ رجعیّه جاری می‌شود، یا احکام دیگری دارد؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است؛ رجوع به بذل جایز است. و بعد از رجوع به بذل، احکام مطلّقهٔ رجعیّه جاری می‌شود.

سؤال ۷۵۰- اگر در طلاق خلع، شخصی اجنبی به ادّعای وکالت از زوجه چیزی بذل نماید، سپس روشن شود که دروغ گفته، آیا طلاق خلع صحیح است؟ در صورت عدم صحّت، آیا طلاق رجعی می‌شود؟ اگر زن بعداً راضی به آن بذل شود، و آن را اجازه نماید، آیا خلع محقّق می‌شود؟

جواب: چنین طلاقی اشکال دارد؛ و باید از نو خوانده شود.

سؤال ۷۵۱- اگر زوجه در مرض موت، در حالی که شعور کافی دارد برای طلاق خلع چیزی بذل نماید، آیا خلع صحیح است؟ در صورتی که بذل زاید بر ثلث مال او باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: در هر حال اشکال ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۲

محلّل

سؤال ۷۵۲- آیا نکاح محلّل، هادم یک طلاق و دو طلاق نیز می‌باشد؟ یعنی پس از ازدواج محلّل، زوج اوّل می‌تواند سه طلاق دیگر بدهد؟

جواب: آری هادم می‌شود.

سؤال ۷۵۳- در صورتی که محلّل بعد از وطی مرتد شود، آیا تحلیل حاصل می‌شود؟ ارتداد پیش از وطی چطور؟ حکم مسأله در صورت ارتداد و اسلام مجدّد زوجه، پیش از وطی و پس از آن چه می‌باشد؟

جواب: ارتداد بعد از وطی اثری ندارد، ولی قبل از وطی زوجیّت را باطل می‌کند؛ بنابراین دخول اثری ندارد.

سؤال ۷۵۴- آیا در وطی معتبر در ازدواج محلّل، وطی و دخول حلال شرط است، یا اگر دخول حرام واقع شده باشد (مانند وطی در ایّام حیض، یا وطی در حال احرام) آن هم در تحقّق حلیّت کافی است؟

جواب: کفایت می‌کند.

طلاق غیابی

سؤال ۷۵۵- در صورتی که شوهر خانمی غایب و مفقود الاثر باشد، و رفع امر به حاکم کرده باشد، و حاکم به مدّت چهار سال با شرایط معتبر فحص کرده و خبری از وی نیافته باشد، ولی زن پس از چهار سال بقای بر زوجیّت را برگزینند، امّا پس از مدّتی (مثلًا دو سال) تصمیم به طلاق بگیرد، آیا ضرب الاجل و فحص چهارساله، دوباره باید تجدید گردد، یا همان فحص نخست کافی است؟

جواب: فحص سابق کافی است.

سؤال ۷۵۶- مردی، که دارای دو عیال است، مفقود می‌گردد. یکی از همسرانش به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می‌کند. دادگاه مدّت چهار سال، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم، صبر می‌کند، و چون اثری از شوهر زن پیدا نمی‌شود، حکم بر طلاق، با نگه داشتن عدّهٔ وفات می‌دهد. دو سال بعد، زن دیگر آن مرد به دادگاه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۳

مراجعه و تقاضای طلاق می‌دهد. آیا این زن هم، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم باید چهار سال دیگر صبر کند، یا چون زن اوّل اقدام کرده، و مفقود الاثر بودن شوهر بر حاکم محرز شده، نیاز به این کار نیست؟

جواب: تحقیق و تفحّص اوّل برای هر دو زوجه کافی است؛ مگر این که در این اثنا، آثاری بر وجود او آشکار شده باشد.

سؤال ۷۵۷- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- در صورتی که دادگاه به لحاظ عُسر و حرج زوجه، یا مفقود بودن زوج، حکم طلاق را صادر کند، نوع طلاق چیست؟

جواب: اگر شوهر با خبر نمی‌شود و رجوع نمی‌کند، دادگاه می‌تواند طلاق رجعی بدهد؛ ولی در مواردی که احتمال رجوع شوهر است، طلاق خلعی جاری می‌کند. به این ترتیب که مال کمی از طرف زوجه به زوج در برابر طلاق خلعی می‌بخشد، سپس دادگاه یا کسی که از طرف او صیغه می‌خواند، آن بذل را از طرف زوج قبول می‌کند، و بعد صیغهٔ طلاق را جاری می‌کند.

سؤال ۷۵۸- در مورد درخواست طلاق از سوی زوجه به خاطر عدم تأدیهٔ نفقه از سوی زوج به مدّت شش ماه، و عدم امکان الزام او به دادن نفقه، یا مواردی که دوام زوجیّت به تشخیص دادگاه موجب عسر و حرج باشد، و زوج نیز با طلاق موافق نباشد، لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: طلاق مذکور چه نوع طلاقی است؟ ثانیاً: آیا زوجه در این صورت موظّف به بذل کلیّهٔ حقوق خود در قبال طلاق است، یا حقّ مطالبهٔ کلّ مهریّه را دارد؟ یا در صورتی که آن را طلاق خلع بدانیم، برای تحقّق آن می‌توان مثلًا ده درصد از مهریّه را بذل نمود؟

جواب: در صورتی که حاکم شرع مطمئن باشد زوج از حقّ رجوع استفاده نمی‌کند، می‌تواند طلاق رجعی دهد. در غیر این صورت می‌تواند طلاق خلعی به مبلغ مختصری دهد؛ آن مقدار که حقّ و عدالت ایجاب می‌کند.

ثالثاً: در صورتی که قاضی بخواهد صیغهٔ طلاق را اجرا نماید، مستدعی است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۴

نحوهٔ اجرای آن را به عبارت صحیح بیان فرمایید؛ زیرا قضات غیر روحانی در اجرا مشکل دارند.

جواب: بذلت عن قبل موکلتی کذا لزوجتها لیخلعها علیه و یطلقها به (به جای کذا ذکر بذل شود) سپس بگوید: «قبلت عن قبل زوجها فلان، فهی علی ما بذلت طالق».

سؤال ۷۵۹- فردی که از جانب چند نفر وکیل در خواندن صیغهٔ طلاق بوده، پس از اجرای صیغه‌های طلاق، (که برخی از آن‌ها رجعی، و برخی بائن بوده،) یقین حاصل می‌کند که یکی از طلاق‌ها باطل بوده است. اگر نام آن زن و شوهرها را نداند، و آن‌ها را نشناسد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید احتیاط کند، و دوباره آنها را طلاق دهد. و اگر اسم آنها را نمی‌داند با اشاره آنها را مشخّص کند. مثلًا بگوید: «اوّلین نفری را که قبلًا طلاق داده‌ام، الان به عنوان احتیاط طلاق می‌دهم؛ او از زوجیّت خود یله و رهاست، فهی طالق» و اگر در نوع رجعی

و خلعی شک دارد، برای هر کدام احتیاطاً دو طلاق، یکی رجعی و یکی خلعی بخواند.

سؤال ۷۶۰- اگر دادگاه حکم تمکین زوجه را صادر کند، و او تمکین نکند، با عنایت به آیات شریفهٔ ۲۲۸ و ۲۲۹ سورهٔ بقره، و اثبات موارد فوق، حکم طلاق خلع چیست؟ آیا مرد می‌تواند به ناچار از دادگاه در خواست صدور طلاق و استرداد مهریّه نماید؟

جواب: چنانچه ثابت شود زوجه به وظایف خود پایبند نیست، و تنها می‌خواهد امتیازات و حقوق خود را بگیرد. حاکم شرع می‌تواند او را تحت فشارهای شدید تعزیراتی قرار دهد (تعزیرات جسمانی و مالی کلان) تا زوجه یا به وظایف خود عمل کند، یا تقاضای طلاق خلع نماید.

سؤال ۷۶۱- چندی قبل به سفارش برادر و پدرم، که روحانی هستند، و در کهولت سن به سر می‌برند، با خانوادهٔ دختری به قصد ازدواج آشنا شدم. قبلًا صحبت‌های لازم صورت گرفت، و حتّی قبل از عقد، در جلسه‌ای که خودِ دختر و مادرش حضور

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۵

داشتند، برای اتمام حجّت، آن قدر راجع به ویژگیهای خود، که گمان بود منفی به نظر برسد، صحبت کردم که هیچ چیز ناگفته نماند. با این حال، دختر هیچ گونه اعتراض یا سؤالی نکرد، و عقد ازدواج با رضایت کامل طرفین صورت گرفت، و دختر حاضر شد با همهٔ شرایط مطرح‌شدهٔ این جانب بسازد. امّا هنوز یک ماه نگذشته بود که اختلافات شروع شد، ولی ما به خاطر حفظ شئونات خانوادگی در همان دوران عقد، می‌سوختیم و می‌ساختیم، تا این که شش ماه بعد از عقد، پدر و مادرش را در جریان این اختلافات گذاشتم. ابتدا پدر، نظر دخترش را پرسید. دختر گفت: من حاضر به ادامهٔ این زندگی نیستم. سپس پدر و مادر دختر با خوش‌رویی گفتند: مانعی ندارد، شما بروید مراحل قانونی طلاق را انجام داده، کارها را آماده کنید، تا ما هم امضا کنیم. بنده با اعتماد به این قول، به قم آمدم و مراحل قانونی را انجام دادم، امّا موقعی که باید آنها درخواست توافق طلاق را امضا می‌کردند، استنکاف ورزیدند! البتّه بنده هم می‌توانستم قضیّه را آن قدر مسکوت بگذارم که آنها هم مجبور به اقدام قانونی شوند. امّا با توجّه به شئونات زندگیِ خانوادگی، و حفظ حرمت پدرم، نمی‌خواستم بیش از این خاطر ایشان آزرده شود. و تقریباً مجبور شدم در خواستِ طلاق را بر خلاف میلم شخصاً پیگیری نمایم. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- با توجّه به شرایط فوق الذکر، مبنی بر رضایت طرفین به طلاق، این، چه طلاقی محسوب می‌شود؟

جواب: اگر دختر حاضر به پرداخت وجهی در برابر طلاق باشد، هر چند مقدار کمی از حقوقش بوده باشد، طلاق خلعی می‌شود. در غیر این صورت، طلاق رجعی است.

۲- با توجّه به این که هنوز عروسی واقع نشده، و دختر به خانهٔ شوهر نرفته، آیا نفقه به او تعلّق می‌گیرد؟

جواب: زوجه حقّ نفقه ندارد؛ ولی اگر از مهر خود صرفنظر نکند، می‌تواند نیمی از آن را با طلاق بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۶

سؤالات متفرّقهٔ طلاق

سؤال ۷۶۲- زوج شیعه جعفری، و زوجه سُنّی شافعی است. زوج مدّعی است که مطابق مذهب شافعی زوجه را سه طلاقه کرده، ولی زوجه منکر آن است. لطفاً بفرمایید:

۱- در فرض اثبات، آیا طلاق مورد ادّعا صحیح است؟ به عبارت دیگر، آیا زوج شیعه مذهب می‌تواند زوجهٔ خود را بر طبق مذهب شافعی سه طلاقه کند، یا رعایت شرایط طلاق از نظر فقه شیعه برای زوج شیعه مذهب در هر حال الزامی است؟

جواب: زوج شیعه موظّف است طبق مذهب خود همسرش را طلاق دهد.

۲- آیا آثار طلاق یاد شده را می‌توان بر اساس قاعدهٔ الزام نسبت به زوجه مترتّب ساخت؟

جواب: آری زوجه می‌تواند آثار طلاق مزبور را نسبت به خودش جاری سازد.

۳- آیا مجرای قاعدۀ الزام تنها در فرضـی است که زوج سنّی مذهب باشد، یا در فرض شیعه بودن زوج و سنّی بودن زوجه نیز قاعدۀ الزام جاری می‌شود؟

جواب: قاعدۀ الزام در هر دو صورت جاری می‌شود؛ هر چند رعایت احتیاط خوب است.

۴- به طور کلّی در موارد ادّعای وقوع طلاق، قول زوج مقدّم است، یا زوجه؟

اثبات آن بر عهدۀ کیست؟

جواب: هر کدام ادّعای طلاق کنند، باید طبق موازین شرع ثابت نمایند.

سؤال ۷۶۳- مرد و زنی در اثر اختلاف، کارشان به طلاق منتهی شده است. زن در ازای طلاق، مهریّه‌اش را بخشیده، و جهیزیّۀ خود را برده، و صیغۀ شرعی طلاق جاری شده است. حال دو سؤال پیش آمده، مستدعی است پاسخ فرمایید:

۱- در طول مدّت ۹ سال زنـدگی مشترک، کادوهایی از خانواده‌های طرفین به این زن و شوهر داده شـده است. حال که این دو نفر از هم جدا شده‌اند، این کادوها، که بعضی توسّط بستگان مرد، و بعضی توسّط اقوام زن داده شده، شرعاً به کدام یک تعلّق دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۷

جواب: کادوهـایی که زنـانه است به زن تعلّق دارد، و آنها که مردانه است به مرد. و اگر به درد هر دو می‌خورد چنانچه از خانواده و یاران مرد آورده‌اند به مرد تعلّق دارد، و اگر از خانواده و یاران زن آورده‌اند به زن تعلّق دارد.

۲- در طول این مـدّت این زن و شوهر نیز کادوهـایی به اقوام همـدیگر داده‌انـد (البتّه پول این کادوهـا را مرد پرداخت نموده است.) تکلیف این کادوهـا چیست؟ آیـا زن بایـد این کادوهـا را از فامیل خود گرفته، و تحویل مرد دهـد؟ یا چون این کادوها در آن زمان داده شده، متعلّق به گیرندۀ آن می‌باشد؟

جواب: در صورتی که کادوهـا موجود باشـد مرد می‌توانـد بازپس بگیرد، (به شـرط این که با مرد خویشاونـد نباشـد؛) ولی این کار مکروه و ناپسند است.

سؤال ۷۶۴- هرگـاه زن و شوهری توافق نماینـد که زوجه با بـذل مهریّه و حقوق شـرعیّه، و زوج با قبول آن، نسبت به اجرای صـیغۀ اقدام نمایند، و بذل و قبولِ آن نیز محقّق شود، ولی قبل از اجرای صیغۀ طلاق، زوج منصرف گردد. آیا چنین عدولی جایز است؟ در صورت عدم جواز، می‌توان زوج را مجبور به طلاق کرد؟

جواب: زوجه می‌تواند بذل خود را بازپس گیرد، و اجبار زوج به طلاق اشکال دارد.

سؤال ۷۶۵- اگر زوج، زوجه را تهدید به استفاده از حقّ طلاق کند، مثلًا به زوجه‌اش بگوید: «یا منزل شخصی‌ات را ملک من کن، یا تو را طلاق می‌دهم.» و زن برای جلوگیری از طلاق ملک را به نام شوهر بزند، آیا اکراه صدق می‌کند؟ حکم این انتقال چیست؟

جواب: آری عرفاً مصداق اکراه است.

سؤال ۷۶۶- بـا توجّه به اطلاـق مادّۀ ۱۱۳۳ قانون مـدنی که می‌گویـد: «مرد هر وقت بخواهـد، می‌توانـد همسر خود را طلاق دهد.» بعضی از محاکم همان‌طور که طلاق بی‌دلیل زوجه را رد می‌کنند، در مورد در خواست زوج نیز همین حکم را صادر می‌نمایند. آیا این مطلب با اختیارات مطلق زوج طبق روایت مشهور نبوی

«الطَّلاقُ بِيَدِ مَنْ اخَذَ بِالسّاقِ»

منافات ندارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۸

جـواب: مطـابق عنوان اوّلی اختیـار طلاـق به دست زوج است؛ هر زمـان که بخواهـد. ولی بـا توجّه به عنـاوین ثـانویّه، که برگرفته از

شرایط خاصّ اجتماعی امروز است، حاکم شرع می‌تواند اجازهٔ طلاق مرد را به مواردی موکول کند که عذر موجّهی داشته باشد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۸۹

فصل سی‌ام: احکام لعان

سؤال ۷۶۷- لطفاً نظر مبارک را دربارهٔ مسائل مطرح‌شدهٔ ذیل مرقوم فرمایید:

۱- آیا اجرای لعان نزد قضات مأذون، در صورت نبودن مجتهد جامع الشرائط، صحیح می‌باشد؟

جواب: اجرای آن اشکالی ندارد.

۲- اگر زنِ شاکی حاضر نباشد که قذف را ثابت کند، آیا مرد باید تقاضای لعان کند؟

جواب: لعان باید در حضور طرفین اجرا شود.

۳- در فرض بالا، آیا مرد می‌تواند برای اجرای حدّ زنا بر زن، ادّعای اجرای لعان کند؟ یعنی لعان مرد می‌تواند حدّ زنا را برای زن ثابت کند؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

۴- زوجه شاکی نیست، و زوج نیز تقاضای لعان ندارد، و مسألهٔ لعان را نمی‌داند.

آیا دادگاه وظیفه دارد از آنها بخواهد تا لعان انجام شود؟

جواب: در صورتی که زوج شکایت کند و شهود لازم را نداشته باشد، حاکم باید طریقهٔ لعان را به او بیاموزد.

سؤال ۷۶۸- نظر به این که امام راحل، رحمهٔ اللّه علیه، در جلد دوّم تحریر الوسیله صفحهٔ ۳۶۱ فرموده‌اند: «مراسم لعان باید در حضور حاکم شرع انجام شود، و احتیاط آن است که به اجرای این مراسم نزد نمایندهٔ خاصّ حاکم شرع، که فقط برای این مسأله وکالت دارد، نیز اکتفا نشود.»

آیا قاضی منصوب از ناحیهٔ رئیس محترم قوّهٔ قضائیّه، که اجازهٔ ویژهٔ دادرسی در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۰

محاکم خانواده را نیز دارد، می‌تواند در خصوص لعان وارد دادرسی، و عند الاقتضاء مبادرت به اجرای صیغهٔ لعان نماید؟

جواب: آری می‌تواند ناظر بر اجرای صیغهٔ لعان باشد.

سؤال ۷۶۹- آیا نفی ولد متعه هم، مانند فرزند نکاح دائم، تنها از راه لعان صورت می‌گیرد، یا در اینجا نفی ولد بدون لعان نیز ممکن است؟

جواب: در مورد متعه لعان جاری نیست، و بدون لعان نفی ولد ممکن است.

سؤال ۷۷۰- خواهشمند است پاسخ سؤالات زیر را مرقوم فرمایید:

الف) آیا نفی ولد شبهه بدون لعان ممکن است، یا تنها از راه لعان امکان‌پذیر است؟

جواب: نفی ولد شبهه، که شرعاً ملحق به فراش است، تنها از راه لعان ممکن است.

ب) در مورد اطفالی که پیش از شش ماه یا پس از ده ماه از تاریخ وقوع نزدیکی متولّد می‌شوند امارهٔ فراش جاری نیست؛ امّا آیا نسب این اطفال خود به خود منتفی است، و نیازی هم به لعان ندارد؟ زیرا موضوع لعان جایی است که امکان لحوق وجود داشته باشد، و در اینجا الحاق طفل به زوج ممکن نیست. یا در مورد اطفال متولّد پیش از شش ماه لعان لازم نیست، ولی در مورد طفل متولّد پس از ده ماه، نفی ولد باید به وسیلهٔ لعان صورت گیرد؟ یا در مواردی که امارهٔ فراش جاری نمی‌شود، زوج مخیّر بین نفی ولد و اعتراف به ولد می‌باشد؟

جواب: در این گونه موارد ولد ملحق نیست، و نیاز به لعان ندارد.

ج) آیا اقرار به ابوّت طفلی که پیش از شش ماه یا پس از ده ماه از تاریخ وقوع نزدیکی متولّد شده، صحیح و نافذ است، و دعوای نفی ولد پس از آن مسموع نخواهد بود، یا اصولًا این اقرار از اصل باطل است؟

جواب: این اقرار باطل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۱

فصل سی و یکم: احکام غصب

سؤال ۷۷۱- فردی با غصب چند هسته، یا دانه، یا بذر از دیگری آن را در ملکش کاشته، و آب داده، و پس از پرورش تبدیل به درخت کرده است. لطفاً بفرمایید که درخت‌ها و محصول آن متعلّق به کیست؟ آیا غاصب فقط قیمت دانه‌ها را بدهکار است؟

جواب: او باید قیمت بذر را به صاحبش بپردازد؛ ولی زراعت و درخت مال اوست.

سؤال ۷۷۲- سیل، یا باد، بذر متعلّق به فردی را به زمین شخص دیگری برده، و در آنجا روئیده است. گیاه روییده شده و ثمرهٔ آن متعلّق به چه کسی است؟

جواب: گیاه مذکور متعلّق به صاحب بذر است؛ ولی باید مال الاجارهٔ زمین را به صاحب زمین بپردازد.

سؤال ۷۷۳- فردی قلمه، یا شاخه، یا ریشه‌ای از درخت غیر را غصب نموده، و در ملک خود می‌کارد. در صورتی که رشد کند و تبدیل به درخت شود، چه کسی مالک آن درخت و میوه‌اش می‌باشد؟

جواب: مالک آن صاحب درخت و قلمه است؛ مگر این که صاحب قلمه رضایت داشته باشد.

سؤال ۷۷۴- اگر فردی، شاخه‌ای غصبی را به درخت خود پیوند زند، مالک میوهٔ آن درخت، که از این شاخهٔ پیوندی غصبی به دست می‌آید چه کسی است؟

جواب: باید قیمت آن شاخه را به صاحبش برگرداند؛ و ثمره تعلّق به صاحب درخت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۲

سؤال ۷۷۵- هر یک از اطاقهای مدارس علمیّه به یک طلبه اختصاص داده شده است. بعضی از طلّاب علوم دینی هر وقت دلشان خواست وارد اتاق دیگری شده، و به استراحت یا مطالعه می‌پردازند. آیا کسی که اتاقی به او می‌دهند، حق دارد دیگری را راه ندهد؟ آنها می‌گویند: «اتاق و مدرسه مال امام زمان علیه السلام است، و هر طلبه‌ای می‌تواند از آن استفاده کند،» آیا این سخن صحیح است؟

جواب: اتاقی که طبق مقرّرات به طلبه‌ای داده می‌شود، دیگران حق ندارند بدون اجازهٔ او داخل شوند، و از این نظر حکم خانهٔ او را دارد.

سؤال ۷۷۶- با توجّه به این که هر یک از مالکان ملک مشاع، در جای جای آن ملک سهم مالکانه دارند، در مواردی که تمام ملک مشاع مورد غصب قرار گرفته باشد، آیا هر یک از مالکان آن ملک می‌توانند به طور جداگانه نسبت به خلع ید غاصب از تمام ملک مشاع اقدام نمایند؟

جواب: آری می‌توانند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۳

فصل سی و دوّم: احکام اموال مجهول المالک

سؤال ۷۷۷- اگر وسیله‌ای (مثلًا کیف) بخریم، و داخل آن چیز دیگری (مثلًا انگشتر) باشد، آیا می‌توان آن را تصاحب کرد، و با آن نماز خواند؟ نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟

جواب: باید آن را به صاحبش برگردانید. و اگر به هیچ وجه صاحبش پیدا نمی‌شود، آن را بفروشید و قیمت آن را به مستحقّ بدهید.

سؤال ۷۷۸- اگر شخصی مال با ارزشی را در خیابان پیدا کند، و آن مال را بخاطر فرار از مسئولیّت رها کند؛ آیا ضامن است؟ اصولًا نظر کلّی حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که آن را برندارد، ضامن نیست.

سؤال ۷۷۹- هرگاه شخصی حیوانی بخرد، و در شکم آن مالی پیدا شود، متعلّق به چه کسی است؟

جواب: باید از فروشنده حیوان سؤال کند که آیا چیزی گم کرده، یا نه؟ اگر نشانه‌هایی داد که منطبق بر آن بود، باید آن مال را به او بازگرداند. و اگر فروشنده اظهار بی‌اطّلاعی کرد، احتیاط آن است که به مدّت یک سال صبر کند، و در جستجوی صاحبش باشد، و اگر پیدا نشد می‌تواند تملّک کند.

سؤال ۷۸۰- در صورتی که صاحب حیوان گمشده پیدا شود، یا بعد از یک سال پیدا نشود، و حیوان به فقیری داده شود، آیا می‌توان هزینه‌های نگهداری آن را با صاحب حیوان، یا فقیر حساب کرد؟

جواب: آری می‌تواند مخارج ضروری را از او بگیرد؛ مشروط بر این که در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۴

این مدّت راهی برای پیدا کردن صاحب آن نداشته باشد.

سؤال ۷۸۱- برخی اوقات در مساجد یا اماکن عمومی کفشها جا به جا می‌شود، استفاده از کفش‌های بجا مانده چه صورت دارد؟

جواب: در صورتی که یقین به رضایت صاحبان آن داشته باشد اشکال ندارد.

در غیر این صورت، اگر کفشی را که برده‌اند قیمتش مساوی یا بیشتر از کفشی باشد که به جا گذارده‌اند، می‌توان به عنوان تقاص برداشت. و اگر کفش به جا مانده قیمتش بیشتر باشد، باید معادل مقدار اضافی را به شخص فقیری پرداخت کرد.

سؤال ۷۸۲- شغل شخصی تعمیر و فروش فلاکس و چتر می‌باشد. بعضی از اشخاص، وسائل خود را برای تعمیر به ایشان داده، و به یکی از علل زیر وسیلهٔ مورد نظر نزد تعمیر کار مانده است:

۱- در موقع مقرّر برای پس گرفتن جنس مراجعه نکرده، و هنگامی که مراجعه کرده‌اند جنسشان پیدا نشده است.

۲- اصلًا مراجعه نکرده‌اند.

۳- در موقع مقرّر مراجعه کرده، امّا به خاطر عدم تعمیر جنس، یا پیدا نشدن آن، تحویل داده نشده، و دیگر رجوع نکرده‌اند یا دفعات بعد که رجوع کرده، باز به همین طریق گذشته، و دیگر مراجعه نکرده‌اند، و بعد پیدا شده است.

۴- بعضی اجناس را تعمیر کار از مردم خریده، امّا به خاطر مخلوط شدن با اجناس مردم نمی‌داند این جنس امانت مردم است، یا خودش صاحب آن می‌باشد.

۵- بعضی از اجناس چندین سال، و برخی بیشتر از یک سال، و بعضی کمتر از یک سال نزد ایشان مانده است. از سوی دیگر، ارزش بعضی از اجناس بیش از چهار هزار تومان، و بعضی کمتر از ۱۰۰۰ تومان، یا ۵۰۰ تومان، یا ۲۰۰ تومان می‌باشد.

با توجّه به کوچک بودن مغازه، وجود اجناس مذکور در آنجا موجب گم شدن اجناس دیگران می‌شود. وظیفهٔ تعمیرکار چیست؟ آیا می‌تواند اجناس مذکور را تعمیر نموده، و آن را فروخته، و دست مزد خود را کسر کرده، و بقیّه را به صندوق صدقات بریزد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۵

جواب: در صورتی که از پیدا کردن صاحبان آنها مأیوس باشد، می‌تواند مطابق آنچه ذکر شد عمل کند. ولی باید صندوق صدقات مورد اعتمادی را انتخاب کند.

سؤال ۷۸۳- حکم لقطه‌ای که مالکش پیدا شده، در حالی که رشد کرده، و هنگامی که نزد یابنده بوده رشد حاصل شده، چه می‌باشد؟ آیا حکم نماء متّصل و منفصل یکی است؟

جواب: زیاده متعلّق به مالک است، و اگر سال بر آن گذشته خمس دارد. و چنانچه یابنده برای حفظ آن هزینه کرده، می‌تواند از مالک آن بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۷

فصل سی و سوّم: احکام سر بریدن و شکار حیوانات

احکام ذبح

سؤال ۷۸۴- یکی از دانشجویان ایرانی، که در مسکو به تحصیل اشتغال دارد، می گوید: در قصّابی‌های تاجیک، که گوشت ذبح اسلامی می‌فروشند، از نظر بهداشتی در سطح بسیار پایینی قرار دارند. گوشت آنها دارای انگل و میکروب است، و هر لحظه امکان ابتلاء به بیماری‌های مربوطه (عفونی و انگلی) می‌رود. از طرفی، گوشتهایی که با ذبح غیر اسلامی عرضه می گردد، از تمام جهات تمییز و بسته‌بندی شده، و امکان هیچ گونه آلودگی ندارد. حال در خرید گوشت کدام یک را انتخاب کنیم؟

جواب: در صورتی که واقعاً گوشتهای ذبح اسلامی خطرناک باشد، و استفاده از گوشتهای غیر ذبح اسلامی جنبهٔ اضطرار داشته باشد، به مقدار لازم مانعی ندارد.

سؤال ۷۸۵- نظارت بهداشتی، بازرسی، معاینهٔ بهداشتی گوشت در کشتارگاههای کشور به منظور پیشگیری و کنترل بیماریهای مشترک بین انسان و دام، و تهیّهٔ گوشت سالم و بهداشتی، از جمله وظایف سازمان دامپزشکی کشور است. و بر اساس قوانین جاری کشور، کشتار و ذبح هر نوع دام کشتاری در خارج از کشتارگاه، به استثنای روز عید سعید قربان، و مراسم مذهبی و ملّی، ممنوع و غیر مجاز می‌باشد.

با توجّه به مقدّمهٔ فوق لطفاً نظر شریف خود را در موارد ذیل اعلام فرمایید:

۱- کشتار غیر مجاز دام در شهرهای دارای کشتارگاه صنعتی، به منظور فروش و عرضهٔ گوشت غیر بهداشتی به مصرف کنندگان چه حکمی دارد؟

۲- خریدوفروش گوشت فاقد مهر بهداشتی کشتارگاه، که از طریق کشتار غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۸

مجاز تهیّه گردیده، و ممکن است موجب انتقال آلودگی و بسیاری از بیماریهای مشترک بین انسان و دام گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: بر همهٔ مسلمانان لازم است که قوانین و مقرّرات نظام اسلامی را محترم بشمارند. از جمله، آنچه مربوط بر کشتار دامهاست، و با سلامت و تندرستی جامعه ارتباط دارد. و بر مسئولین امور کشتارگاهها لازم است بر ذبح اسلامی جامع الشرائط نظارت دقیق کنند، تا بهانه‌ای به دست افراد جهت ذبح خارج از کشتارگاه نیفتد.

احکام شکار

سؤال ۷۸۶- شخصی به هنگام غروب آفتاب به طرف شکار تیراندازی نموده، و آن را زخمی می کند. شکارچی از همان لحظه به

دنبال یافتن شکار می‌رود (دنبال کردن شکار زخمی از ردّ خونی است که از او بر جا می‌ماند.) بعد از لحظاتی شب فرا می‌رسد، شکارچی مجبور می‌شود شکار را رها نموده، و شب را در آن منطقه بخوابد.

روز بعد به جستجو ادامه می‌دهد، و بعد از مدّتی شکار را در حالی می‌یابد که به خاطر خون زیادی که از او رفته، مرده بود. آیا گوشت این شکار حلال است؟

جواب: در صورتی که می‌داند شکار به وسیلهٔ همان تیر از بین رفته، گوشت آن حلال است.

سؤال ۷۸۷- طبق قانون محیط زیست جمهوری اسلامی ایران، شکار قوانین مخصوص به خود را دارد، و یک شکارچی باید به آن پایبند باشد. از جملهٔ آنها مراعات کمیّت و کیفیّت شکار، داشتن سلاح مجاز، داشتن پروانهٔ شکار، شکار در فصل و روزهای مجاز، شکار در محلّ مجاز، و رعایت بعضی قوانین دیگر می‌باشد.

حال اگر یک شکارچی همه، یا یکی از قوانین مربوطه را رعایت ننماید، استفاده از شکار مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: گوشت آن شکار حرام نیست؛ ولی تخلّف از قوانین حکومت اسلامی جایز نمی‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۲۹۹

سؤال ۷۸۸- طبق قوانین جمهوری اسلامی، نگهداری سلاح غیر مجاز جرم محسوب می‌شود. لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: در صورتی که فردی اقدام به نگهداری اسلحهٔ غیر مجاز نماید، وظیفهٔ مسلمانان در مورد این گونه افراد چیست؟

ثانیاً: شکار با سلاح غیر مجاز شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: شکار حرام نمی‌شود؛ ولی نگه داشتن اسلحهٔ غیر مجاز جایز نیست.

سؤال ۷۸۹- در کتب فقهی شکار با سلاح غصبی شرایط مخصوص به خود را دارد، ولی بر اساس قانون، یک فرد تحت هیچ شرایطی (چه مجوّز داشته باشد، و چه نداشته باشد) نمی‌تواند از سلاح مجاز دیگران استفاده نماید. حال اگر فردی از سلاح دیگری در شکار استفاده کند (و لو با اجازهٔ صاحب سلاح،) حکم شرعی شکار چیست؟

جواب: شکار حرام نیست؛ هر چند کار خلافی کرده است.

سؤال ۷۹۰- مرسوم شده که افراد خوابگاه پرندگان حلال گوشت وحشی را شناسایی، و شب هنگام موقعی که حیوان در خواب است با ترفندها و ابزار آلات مختلف آنها را شکار می‌کنند. چنین شکاری با توجّه به حدیث «حیوان در آشیانه‌اش در امان است.» چه حکمی دارد؟

جواب: چنین شکاری حلال نیست.

سؤال ۷۹۱- بعضی از مسلمانان، حیوانات حرام گوشت، از جمله خوک را شکار، و جهت مصرف صاحب ادیان دیگر به آنها می‌فروشند. شکار و خریدوفروش این گونه حیوانات از ناحیهٔ مسلمانها چگونه است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۹۲- مشاهده می‌شود که حیوانات وحشی، از جمله خوک، خرس، گرگ و مانند آن، به محصولات و احشام روستائیان آسیبهای جدّی وارد می‌کنند. اگر روستائیان بخواهند به حیوانات وحشی آسیب وارد کنند، توسّط محیط زیست به دادگاه معرّفی، و دادگاه آنها را جریمه می‌نماید. در صورتی که مقابلهٔ با حیوانات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۰

وحشی از وظایف محیط زیست است، ولی به دلیل گستردگی محیط و امکانات کم این امر میسّر نمی‌شود. لطفاً بفرمایید:

الف) تکلیف شرعی کشتن حیوانات موذی (که بر خلاف قانون است) چیست؟

ب) اگر اشکال ندارد، پس تعارض شرع با قانون چگونه حلّ می‌شود؟

جواب: اگر واقعاً حیوانات موذی هستند، و دولت قادر بر دفع آنها نمی‌باشد، مردم می‌توانند آنها را از بین ببرند.

سؤال ۷۹۳- با توجّه به گسترش علم و تکنولوژی، در صورتی که شکار با سلاحهای الکترونیکی و لیزری صورت گیرد، به گونه‌ای که زخمی در شکار حاصل نگردد، شرعاً چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که زخم توأم با خونریزی در آن حاصل نشود، جایز نیست؛ هر چند تیز بودن گلوله از نظر ما شرط نمی‌باشد.

سؤال ۷۹۴- به سوی دسته‌ای از پرندگان تیراندازی نمودم. یکی از آنها فوراً مُرد.

امّا هیچ گونه آثار جراحتی، که حاکی از اصابت تیر باشد، ملاحظه نشد. سپس مشخّص شد که بر اثر ترس مرده است. در فرض فوق، حکم آن چیست؟

جواب: گوشت آن حلال نیست.

احکام صید

سؤال ۷۹۵- بعضی از صیّادان بعد از صید ماهی یا میگو برای این که ماهیها در ایّام شکار فاسد نشود، آنها را به طور نیمه جان داخل گونی گذاشته، سپس آن را داخل آب می‌گذارند، که بعضی از آنها به واسطهٔ جراحت، یا فشردگی محلّ، در داخل آب می‌میرند. حکم شرعی آنها چیست؟

جواب: حلال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۱

فصل سی و چهارم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها

سؤال ۷۹۶- میزان و معیار شناخت حیوان حلال گوشت چیست؟

جواب: در آیات و روایات به نام آنها اشاره شده، و ضابطهٔ خاصّی ندارد؛ ولی معمولًا حیوانات گوشتخوار مأکول اللّحم نیستند، و غالب حیوانات گیاه‌خوار مأکول اللّحم هستند.

سؤال ۷۹۷- آیا حکم حیوانی که به غیر روش شرعی ذبح شده (غیر مذکّی) و حیوانی که به طور طبیعی مرده (میته) یکی است؟

جواب: تفاوت دارد. حیوان غیر مذکّی پاک است، هر چند خوردن گوشت آن حرام می‌باشد. ولی میته هم حرام است، و هم نجس.

سؤال ۷۹۸- گوشت برخی از حیوانات حرام گوشت در معالجهٔ بعضی از امراض مؤثّر است؛ هر چند سند معتبر علمی و فقهی در این رابطه وجود ندارد. شکار و استفاده از گوشت یا خون این گونه حیوانات چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق تشخیص طبیب متدیّن تنها راه علاج نباشد، جایز نیست.

سؤال ۷۹۹- خوردن اشیای زیر چه حکمی دارد:

۱- کبد گوسفند، بُز، گاو

۲- دنبلان بُز، گوسفند، گاو

۳- گوشت صورت حیوانات حلال گوشت

۴- تخم مرغی که لکّهٔ قرمزی بر زردهٔ آن باشد.

جواب: دنبلان هیچ حیوانی حلال نیست. و اگر لکّهٔ قرمز تخم مرغ به یقین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۲

خون بوده باشد، خوردن آن تخم مرغ اشکال دارد، مگر این که خون بیرون زرده باشد، و زرده را طوری بشویند که پاره نشود. و

خوردن بقیّه مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۰- خوردن بعضی از مواد، میوه‌ها و غذاها برای برخی از بیماران ضرر دارد، مصرف چنین موادّی برای آنها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرر مهمّی داشته باشد، خوردن آن حرام است.

سؤال ۸۰۱- استفاده از سوسیس، کنسروها و موادّ غذایی، که از کشورهای خارجی وارد می‌شود، چه صورت دارد؟

جواب: مواد گوشتی که از کشورهای خارجی غیر مسلمان آورده می‌شود حرام است.

سؤال ۸۰۲- خرید، فروش و استفاده از گوشت خرچنگ چه صورت دارد؟

جواب: جایز نیست؛ ولی فروختن آن به غیر مسلمین اشکالی ندارد.

سؤال ۸۰۳- در کتاب استفتائات جدید، جلد اوّل، سؤال ۹۹۳، گوشت خرگوش را مطلقاً حرام دانسته‌اید. علّت علمی آن چیست؟

جواب: در بعضی از روایات آمده است که خرگوش شباهتی با حیوانات درّنده دارد، و این مسأله از چنگال او نمایان است، و لذا گوشت آن تحریم شده است.

سؤال ۸۰۴- با توجّه به این که از نظر پزشکی ثابت شده مصرف کم و کنترل‌شدهٔ مشروبات الکلی نه تنها ضرری برای بدن ندارد، بلکه مانند آشامیدنیهای دیگر مفید می‌باشد، و با در نظر گرفتن این که مشروبات الکلی نوعی از نعمتهای خداوند مانند سایر نعمت‌هاست، چه اشکال دارد برای استفاده از جنبه‌های مثبت و مفید آن، مانند بقیّهٔ نعمتهای خدادادی، با شرایط و مقدار مشخّص مصرف شود؟

اگر کسی به حدّی از درجهٔ خودسازی و کنترل خویشتن رسیده باشد که در اثر مصرف کم و کنترل‌شدهٔ مشروبات الکلی به ورطهٔ اعتیاد و حتّی مستی کشیده نشود، آیا مجاز به مصرف کم و کنترل‌شدهٔ مشروبات الکلی می‌باشد؟

جواب: اوّلًا: هیچ کس نمی‌گوید مشروبات الکلی به مقدار کم ضرر ندارد، بلکه مقدار کم ضررش کمتر است. ثانیاً: هرگاه چنین اجازه‌ای به مردم داده شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۳

به هیچ وجه قابل کنترل نیست، و به زودی تمام جامعه آلوده می‌شود. به همین جهت شرع مقدّس آن را به طور کلّی ممنوع کرده است. ثالثاً: قانون جنبهٔ عمومی دارد، و نمی‌توان اشخاص را به بهانه‌های مختلف استثنا کرد. سعی کنید ان شاء اللّه گرفتار وسوسه‌های شیطان نشوید.

سؤال ۸۰۵- تولید، فروش و استفاده از شربت ترک اعتیاد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعاً برای ترک اعتیاد است اشکالی ندارد.

سؤال ۸۰۶- کسی که دندان می‌کشد تا حدود ده ساعت اگر آب دهان خود را، که بعضاً با خون همراه است، بیرون بریزد، باعث تداوم خونریزی و ضرر به وی می‌شود.

لذا بیمار با گذاشتن گاز روی محلّ دندان کشیده شده، باید بزاق را، که احتمالًا با مقداری خون همراه است، فرو ببرد؛ تکلیف چیست؟

جواب: مادام که مجبور نباشد، خونابه را فرو نبرد. و اگر موجب شد و حرجی است، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۵

فصل سی و پنجم: احکام نذر و عهد

سؤال ۸۰۷- در ایّام ماه مبارک رمضان، که برای تبلیغ به منطقه‌ای از روستاهای مرودشت شیراز رفته بودم، شاهد محرومیّتهای بسیاری در این روستا بودم (از قبیل:

۱- نداشتن مسجد ۲- نداشتن جادّهٔ مناسب ۳- نداشتن دبیرستان، مخصوصاً برای دختران ۴- نداشتن حتّی یک اتاق مخابراتی ۵- نداشتن محلّ مناسب ورزشی برای جوانان ۶- کمبود فضای آموزشی دبستان و راهنمایی) از طرفی ۲۰ تا ۳۰ نفر از اهالی روستا در ایّام محرّم، مخصوصاً دههٔ اوّل، هر کدام حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان خرج اطعام و پخت غذا می‌نمودند، و سفره‌هایی در حسینیّه انداخته می‌شد که نوعاً فقرای واقعی منطقه، یا به علّت حفظ آبرو، یا به علّت تراکم جمعیّت در حسینیّه، و استفادهٔ متمکّنین و متموّلین و بستگان آنها، از خوردن طعامهای مربوطه محروم می‌شدند. به علاوه، بسیاری از غذاها دست نخورده و مصرف نشده دور ریخته می‌شد. با توجّه به مشکلات موجود منطقه، آیا می‌توان وجوهاتی را که جهت روضه‌خوانی به شکل مذکور هزینه می‌گردد، و منجر به اسراف نعمتهای الهی می‌شود، جمع‌آوری و با نظارت روحانی صرف نیازهای فوق و مصارف عامّ المنفعه کرد؟

جواب: چنانچه نذورات مزبور، نذورات مطلقه برای امام حسین علیه السلام است، می‌توان آن را برای حلّ مشکلات مردم استفاده کرد. ولی اگر نذر جهت طبخ غذا و اطعام است، باید فقط در همان راه مصرف شود. و اگر در آن ایّام، یا در آن منطقه، قابل استفاده نمی‌باشد، می‌توانید در مناطقی دیگر یا در ایّامی دیگر از آن برای اطعام استفاده کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۶

سؤال ۸۰۸- دخترم بر اساس عواطف لطیف دورهٔ نوجوانی نذرهایی بر خلاف عرف کرده است؛ مثلًا نذر کرده که اگر نمازش حتّی به طور غیر عمد قضا شود، همان روز بدون خوردن سحری روزه بگیرد، و در روز چند رکعت نماز مستحبّی بخواند. قرآن را چندین بار ببوسد، و چند آیه از آن را حتماً بخواند. برای صلوات فرستادن حتماً با حجاب کامل باشد. علاوه بر این، وقتی شک می‌کند که آیا برای فلان امر نذر کرده یا نه؟ برای این که در انجام نذرها کوتاهی نکرده باشد، حتّی نذرهای مشکوک را هم بجا می‌آورد. و این نذرها به گونه‌ای افراطی دنبال می‌شود که مُخلّ به زندگی عادی وی شده، و گاه مورد تمسخر و ریشخند برخی از اطرافیان نیز قرار می‌گیرد، که برای ادامهٔ زندگی اجتماعی‌اش مخاطره‌آمیز است. از طرفی عدم انجام این نذرها تأثیر منفی بر روحیه‌اش می‌گذارد، و او را دچار نگرانی عواقب اخروی آن می‌کند. با توجّه به توضیحات بالا لطفاً بفرمایید: ایشان تا چه حد ملزم به رعایت این گونه نذرهاست؟

جواب: نذرهای مذکور تا آنجا که مخلّ به زندگی، و موجب عسر و حرج، و باعث تمسخر نگردد معتبر می‌باشد، در غیر این صورت معتبر نیست؛ ولی نذرهایی مانند نذر روزه بدون خوردن سحری، اشکال دارد. همچنین در موارد شک هیچ مسئولیّتی برای عمل به نذر ندارد. البتّه تمام این احکام در جایی است که صیغهٔ نذر به صورت صحیح خوانده شده باشد، و مایهٔ آزار پدر نباشد؛ در غیر این صورت عمل به نذر لازم نیست.

سؤال ۸۰۹- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر فردی قادر به انجام نذر خود نباشد، آیا مرتکب معصیت شده است؟

ب) عدول از نذر بدون دلیل چگونه است؟

ج) آیا تأخیر در آن جائز است؟

جواب: در صورتی که نذر مطلق باشد، تأخیر در آن جایز است. و اگر بدون عذر مخالفت شود، کفّاره دارد. و کفّارهٔ آن مانند کفارهٔ ماه رمضان است.

سؤال ۸۱۰- اگر شخصی در شرایط مختلف زندگی، چه قبل از تکلیف و چه پس از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۷

آن، نذرهای متفاوتی نموده، و اکنون تعداد و موضوع آن نذرها را فراموش کرده باشد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: عمل به آنچه قبل از بلوغ نذر کرده لازم نیست. همچنین اگر صیغهٔ نذر را، هر چند به زبان فارسی، به زبان نیاورده بلکه در دل نذر کرده باشد، عمل به آن واجب نیست. ولی آنچه را بعد از بلوغ نذر کرده، و صیغهٔ آن را نیز خوانده باید به آن عمل کند. و در صورت شک، آن مقدار که یقینی است بجا می‌آورد. و در صورتی که مورد نذر مشکوک باشد و نتواند احتیاط کند، قرعه می‌زند و طبق آن عمل می‌نماید.

سؤال ۸۱۱- بیش از یک سال است که نذر کرده‌ام در صورت قضای حاجتم، یک رأس گوسفند، یا معادل مبلغ آن، جهت مراسم عاشورا بدهم، و هنوز حاجتم کاملًا به اجابت نرسیده است. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- دقیقاً یادم نیست که هنگام نذر، مشخّص کرده باشم که مبلغ نذر را به حسینیّهٔ خاصّی بدهم. آیا می‌توانم مبلغ یا قیمت یک رأس گوسفند را بین ۲ یا ۳ حسینیّه تقسیم کنم؟

جواب: در صورتی که موقع نذر حسینیّهٔ خاصی در نظر شما نبوده، می‌توانید بین چند حسینیّه تقسیم نمایید.

۲- هنگام نذر مشخّص نکرده‌ام که گوسفند در چه حدّی از نظر سنّ و وزن باشد، آیا می‌توانم حدّ متوسّط را در نظر بگیرم؟

جواب: مانعی ندارد.

۳- آیا مادام که حاجتم برآورده نشده، می‌توانم مقدار و نوع و محلّ ادای نظر را تغییر دهم؟

جواب: اگر صیغهٔ نذر خوانده‌اید جایز نیست.

۴- آیا قبل از اجابت نذر، می‌توانم آن را ادا کنم؟

جواب: واجب نیست.

سؤال ۸۱۲- در صورتی که بخواهم قیمت یک رأس گوسفند را یک جا به یک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۸

حسینیّه بدهم، آیا باید به آنها بگویم که حتماً با این پول گوسفند بخرند، و گوشت آن را جهت مراسم اطعام عزاداران حسینی مصرف کنند؟

جواب: آری لازم است این مطلب را یادآوری کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۰۹

فصل سی و ششم: احکام وقف

سؤال ۸۱۳- موقوفه‌ای برای افطارِ ماه مبارک رمضان وقف شده است. با توجّه به این که در این ایّام پخت‌وپز مشکل، و در آمد موقوفه جوابگوی افطاری نیست، آیا می‌توان برنج و گوشت را به صورت خام بین اشخاص ضعیف و مستحقّ تقسیم کرد؟

جواب: در صورتی که پخت‌وپز ممکن باشد، مقدّم است. اگر ممکن نبود، به صورت خام مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۴- اگر شخصی زمین موقوفه‌ای را از متولّی اجاره نماید، سپس چاه آبی در آن زمین حفر نماید. آیا مستأجر می‌تواند از آب زمین موقوفه به صورت مجانی استفاده نماید، یا باید برای آب هم اجاره بپردازد؟

جواب: چنانچه اجاره فقط برای زراعت بوده، حفر چاه و برداشت آب احتیاج به اجارهٔ دیگری دارد. مگر این که در عرف محلّ اجارهٔ زمین، همراه با اجارهٔ حفر چاه و برداشت آب باشد.

سؤال ۸۱۵- با توجّه به توضیحات ارائه شده، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- موضوع، وقف اولاد ذکور بَطْناً بَعْدَ بَطْنٍ وَ نَسْلًا بَعْدَ نَسْلٍ است.

۲- موقوف علیهم در بطن فعلی، ده نفر می‌باشند.

۳- متولّی موقوفه «اسنّ و ارشد» اولاد ذکور است.

۴- مورد وقف عبارتست از: ۳۶ ساعت آب و ۲۴ قطعه زمین.

۵- آنچه مورد سؤال است فقط زمینهاست؛ نه آب، آن هم زمینهایی که داخل محدودهٔ مسکونی فعلی واقع شده، و قابلیّت کشت و زرع ندارد، و یا کشت و زرع آن با حَرَج همراه است، و یا باعث نارضایتی ساکنین اطراف می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۰

۶- در متن وقفنامه تصریح شده که: «متولّی آنچه لازمهٔ سعی و ضبط و نسق املاک مزبور بوده، به عمل آورد.»

۷- از طرف دیگر تأکید شده که اعیان موقوفهٔ مزبور را نخرند و نفروشند و موادّ رهن و وثیقهٔ دین نسازند.

حال سؤالاتی به شرح زیر مطرح است:

الف) در چنین مواردی که موقوف علیهم متعدّد بوده، و مقلّد چند مرجع می‌باشند، تکلیف متولّی در اجرای احکام اختلافی وقف چیست؟

جواب: متولّی باید طبق فتوای مرجع تقلیدش عمل کند.

ب) اگر در بین موقوف علیهم فرد جامع دو وصف «اسنّ و ارشد» وجود نداشته باشد، آیا متولّی فرد اسنّ است، یا فرد ارشد، یا هر دو با هم؟

جواب: احتیاط این است که با نظر هر دو، کارها انجام شود.

ج) صفات اصلی برای صدق «ارشد بودن» به ترتیب اولویّت چیست؟ آیا مفهوم «رشد» نسبت به موارد و موضوعات مختلف، دارای قیود اضافه تری می‌باشد؟ مثلًا در مورد سؤال، آیا خبره بودن در امر کشت و زرع را می‌توان در مفهوم رشد دخالت داد؟

جواب: ارشد در این گونه موارد، آگاه‌تر در مدیریّت امور اقتصادی و ادارهٔ امر موقوفه است.

د) آیا می‌توان گفت که واقف، مورد مصرف زمینهای مذکور را منحصر در «کشت و زرع» کرده است؟ آیا از عبارت «آنچه لازمهٔ سعی و ضبط و نسق املاک مزبور بوده» استفاده نمی‌شود که غیر از کشت و زرع، سایر مصارف صحیح شرعی و عرفی، مخصوصاً اگر درآمد بیشتری داشته باشد، و اصل زمینها، یا عوض آنها باقی بماند، اشکال ندارد؟

جواب: مادام که زراعت در آن ملک مقرون به صرفه است تقدّم دارد. و اگر از این نظر مسلوب المنفعه یا منافعش بسیار کم شود، می‌توان آن را برای امور دیگر مانند خانه‌سازی و مانند آن اجاره داد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۱

سؤال ۸۱۶- صیغهٔ وقف خانه‌ای مشروط به این که واقف عند الاحتیاج، حق استرداد عین را داشته باشد، جاری گردید. واقف پیش از وقف، مدّت سی سال خانه را اجاره داده، و برای خود خیار فسخ قرار داده است، و باید در پایان سی سال، آن را تحویل موقوف علیه دهد. در حال حاضر ۱۲ سال به پایان سی سال اجاره باقی مانده، و از طرفی، خانه در طرح توسعهٔ اطراف حرم حضرت معصومه سلام اللّه علیها قرار گرفته، و در آستانهٔ تخریب می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا با پولی که شهرداری بابت تخریب عین موقوفه پرداخت می‌کند، باید خانهٔ دیگری تهیّه و بعد از پایان سی سال، در اختیار موقوف علیه قرار داد؟

۲- آیا اجارهٔ مدّت باقی مانده به وارث می‌رسد؟

جواب: وقف مزبور اشکال دارد، و آن مال مانند سایر اموال آن میّت، در میان ورثه تقسیم می‌شود. و مال الإجارهٔ باقیماندهٔ مدّت نیز تعلّق به ورثه دارد.

سؤال ۸۱۷- شخصی خانه‌اش را وقف مسجد نموده، مشروط بر این که خودش تا آخر عمر در آن ساکن باشد، و اگر فرزندی از او به وجود آمد، او هم در همین خانه ساکن باشد. و معلوم نیست چه زمانی این خانه به تصرّف مسجد در خواهد آمد.

با توجّه به این مطلب بفرمایید:

۱- آیا این وقف صحیح است؟

جواب: آری این وقف صحیح است، و باید مطابق آن عمل کرد.

۲- آیا می‌توان از اموال آن مسجد خرج این خانه کرد؟

جواب: هنگامی که خانه در اختیار مسجد قرار گرفت، می‌توان از درآمد مسجد خرج آن کرد.

۳- آیا بعد از فوت واقف این خانه متعلّق به مسجد خواهد بود، یا مربوط به ورثه می‌باشد؟

جواب: بعد از فوت واقف و فرزندش، خانه برای همیشه متعلّق به مسجد می‌شود.

سؤال ۸۱۸- گرفتن قرآنهای ممهور به مهر وقف از مسئولین عربستان سعودی چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۲

جواب: هرگاه خودشان آگاهانه به افراد اهدا کنند، مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۹- تکلیف کسانی که مقداری از پردهٔ کعبه را به عنوان تبرّک کنده‌اند، چیست؟

جواب: کار خلافی کرده‌اند؛ ولی فعلًا تکلیف خاصّی ندارند.

سؤال ۸۲۰- وجوهی جهت خرید وسائل صوتی و مانند آن، برای مسجد جمع‌آوری شده است. بعد از خرید وسایل مذکور، عدّه‌ای می‌گویند: «قصد ما این بوده که این وسایل منحصر به مسجد نباشد، بلکه از آن وسایل در اعیاد مذهبی و عزاداری در خارج مسجد نیز استفاده کنند.» و عدّه‌ای می‌گویند: «ما پول را فقط جهت خرید وسائل صوتی به عنوان وقف برای مسجد داده‌ایم.» حال کدام جهت مقدّم است؟

جواب: با توجّه به این که گروهی نظرشان وقف خاصّ بوده، باید طبق وقف خاصّ با آن رفتار کرد.

سؤال ۸۲۱- شخصی باغی را وقف نموده، تا با درآمد آن هم جلسهٔ روضه‌خوانی برگزار شود، و هم به نام أبا عبد اللّه علیه السلام اطعام گردد. لکن درآمد باغ به اندازهٔ هر دو مورد نیست. چگونه باید عمل کرد؟

جواب: اگر ممکن است، مجلس کوچکتر و اطعام محدودتری انجام دهند تا هر دو حاصل شود. و اگر ممکن نیست، به آن چیزی عمل کنند که اوّل ذکر شده است.

سؤال ۸۲۲- شرکت سهامی خاصّی طبق ضوابط کشور تشکیل، و پس از مدّتی سهام آن شرکت- که تعدادی از آن متعلّق به یک مؤسّسهٔ عمومی بوده- بدون داشتن اموال متعلّق سهام، توسط کلیّهٔ سهامداران مربوطه، و طبق اساسنامه و موازین قانونی مربوطه «وقف عام» شده، و عین موقوفه (سهام مزبور) به تصرّف وقف (قبض متولّی) داده شده است. پس از فعّالیّتهای مشروع اقتصادی، اینک شرکت موقوفه دارای اموالی اعمّ از منقول و غیر منقول می‌باشد. با توجّه به این که عدّه‌ای معتقدند وقف سهام باطل بوده، و اصولًا وقف محقّق نشده، و کلیّهٔ اموال به دست آمده باید به سهامداران سابق بازگردد، لطفاً نظر شرعی خویش را راجع به صحّت یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۳

بطلان وقف سهام اعلام فرمایید.

جواب: در صورتی که شرکتی دارای سهامی باشد، و این سهام به صورت اموالی مانند کارخانه، ساختمان و امثال آن بوده باشد، وقف آن سهام مانعی ندارد.

و بعد از حصول وقف، بازگرداندن آن میسّر نیست؛ حتّی وقف سهم مشاع در اموال هم مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۳- فقهای بزرگوار در تعریف وقف فرموده‌اند: «حِفْظُ الْعَیْنِ وَ تَسْبِیلُ الْمَنْفَعَةِ» با توجّه به این که امروزه در اثر تحوّلات اساسی در اقتصاد کشور، پول رایج مملکت دارای جایگاه خاصّ خود می‌باشد، و چه بسا بسیاری از اشخاص مایلند بخشی از دارایی خود را برای منظور خیری وقف کنند، خواهشمند است راجع به سؤالات ذیل اعلام نظر فرمایید:

آیا وقف وجه نقد، که در حساب سپردهٔ بانک قرار گیرد، و منافع آن در چارچوب بانکداری اسلامی صرف اجرای نظر واقف شود جایز است؟

جواب: با توجّه به اشکالی که فقها در وقف وجه نقد دارند، احتیاط آن است که در این گونه موارد از وصیّت استفاده شود. یعنی شخص در حال حیاتش مبلغی را به بانک یا صندوق قرض الحسنه بسپارد، و وصیّت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند. (منوط به این که بیش از ثلث اموال نباشد، یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازهٔ ورثه را در حال حیات بگیرد.)

سؤال ۸۲۴- شخصی باغی را وقف کرده، و اکنون درختان آن به عللی خشکیده است. آیا زمین آن باغ جزء وقف حساب می‌شود؟ آیا واجب است به جای درختان خشکیده، درخت جدید کاشته شود؟

جواب: در صورتی که باغ را وقف کرده زمین آن هم وقف است، و باید از آن زمین به صورت باغ، یا مسکن استفاده شود، و در آمد سالانهٔ آن در مورد وقف مصرف گردد.

سؤال ۸۲۵- آیا وقف لقطه جایز است؟

جواب: در صورتی که یابندهٔ آن طبق شرایط شرعی آن را تملّک کند، هرگونه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۴

تصرّفی از جمله وقف عام یا خاص جایز است.

سؤال ۸۲۶- آیا می‌توان زمینهایی را که دیگران آباد کرده‌اند، وقف کرد؟

جواب: بدون اذن و رضایت کسانی که آن را آباد کرده‌اند، هیچ گونه تصرّفی در آن جایز نیست.

سؤال ۸۲۷- آیا متولّیان موقوفات می‌توانند اموال موقوفه را برای روضه‌خوانی صرف نمایند؟ در صورتی که روضه‌خوان نسبت به صحّت و سقم حدیث یا روضه بی‌توجه باشد چه حکمی دارد؟

جواب: باید خطبایی دعوت کنند که منبر آنها مشروع باشد.

سؤال ۸۲۸- شخصی قطعه زمینی را بدون این که مقیّد به «نَسْلًا بَعْدَ نَسْلٍ» کند، بر اولاد ذکور خود وقف نموده است. اوّلًا: چنین وقفی چه صورت دارد؟

جواب: این در واقع عمری است، نه وقف. و تنها شامل نسل اوّل می‌شود، و سپس به ورثه او بازمی‌گردد.

ثانیاً: اگر اوّلین فرزند واقف سه فرزند، و دوّمی دو فرزند، و سوّمی یک فرزند داشته باشد، آیا سهم اولاد همان سهم پدرانشان می‌باشد، یا اینکه بین فرزندان بالسّویه تقسیم می‌شود؟ مثلًا در فرض فوق اولادِ اولاد، که جمعاً ۶ نفر هستند، هر کدام سهم مساوی می‌برند، یا سهم پدرانشان بین آنها تقسیم می‌شود؟

جواب: طبق آنچه در بالا- سؤال کرده‌اید، وقف فقط بر اولاد ذکور بوده است. و امّا در طبقهٔ بعد طبق قانون ارث میان همهٔ ورثه تقسیم می‌شود.

سؤال ۸۲۹- زمینی به کسی هبه شده، آیا هبه‌کننده می‌تواند آن زمین را بدون اذن هبه‌گیرنده وقف خاص کند؟ اگر وقف عام نماید چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که هبه کرده و تحویل داده، ملک موهوب له می‌شود. ولی اگر موهوب له از خویشاوندان او نباشد، و هبه معوّضه نیز نباشد، می‌تواند آن را بازپس گیرد، و وقف کند.

سؤال ۸۳۰- ماشینی وقف امور خیریّه شده است. چنان چه سفری طولانی برای راننده‌ای که روی آن کار می‌کند، و نیازهای آن مرکز را برآورده می‌سازد پیش آید،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۵

آیا می‌تواند از آن وسیله استفاده نماید؟

جواب: استفادهٔ شخصی از آن وسیله جایز نیست.

سؤال ۸۳۱- راههای جلوگیری از موقوفه خواری را بیان نمایید.

جواب: بهترین راه بالا بردن سطح فرهنگ عمومی از نظر مذهبی، و گماردن افراد امین بر موقوفات است.

سؤال ۸۳۲- در شهر ما، مجالس جشن عروسی، ختنه سوری و بعضی از مجالس شخصی دیگر، که مع الأسف در بسیاری از آن مجالس کارهای خلاف زیر صورت می‌گیرد، در حسینیّه برگزار می‌شود:

۱- افرادی حضور پیدا می‌کنند که لحظاتی قبل از ورود شرب خمر نموده‌اند!

۲- برای گرفتن فیلم، دامادها با کفش روی فرشهای هیأت راه رفته، و به این وسیله حرمت اهل بیت عصمت و طهارت را هتک می‌نمایند.

۳- تا اواخر شب، و بعضاً روزها، صدای صدها زن و مرد به ویژه جوانها و وسایط نقلیّهٔ آنها آسایش را از همسایه‌ها سلب می‌کند.

امور مذکور باعث شده که همسایه‌ها یکی بعد از دیگری منازل شخصی خود را فروخته، و بعضاً به لحاظ آلودگی صوتی، به دستگاه ائمّهٔ اطهار علیهم السلام بد بین شوند. لذا نظر حضرتعالی را در مورد استفاده‌های مذکور از بیوت ائمّهٔ اطهار علیهم السلام خواستاریم.

جواب: برگزاری مجالس گناه و آلوده به معصیت در هیچ مکانی جایز نیست؛ و در مکانهای منسوب به اهل بیت گناه مضاعفی دارد، و باید از آن نهی کنید، و اگر هیئت أمنا با این کارها موافقت کنند باید معزول شوند. و امّا استفاده‌های مشروع شخصی از وسائل هیأت تنها در صورتی جایز است که واقفین به هنگام وقف آن را وقف عام کرده باشند. مزاحمت برای همسایگان در هیچ صورت جایز نمی‌باشد.

سؤال ۸۳۳- عدّه‌ای از معتمدین محل، زمینی را از سازمان زمین‌شهری برای حسینیّه گرفته‌اند. امّا نه سند آن به نام خورده، و نه از آن سازمان پیگیری شده است. حال اگر کسی، یا کسانی، پیگیری نمایند و این زمین را به عنوان حسینیّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۶

نام خود نمایند، ولی مورد استفادهٔ دیگری مانند کتابخانه، یا باشگاه ورزشی، یا کلوپ، یا سینما، و مانند آن قرار دهند چه حکمی دارد؟

جواب: باید آن را در همان راه به کار گیرند که توافق بر آن شده است.

سؤال ۸۳۴- شخصی در سال ۱۳۶۲ زمینی را به شکل زیر وقف کرده است: «اگر این زمین را ساختند، به عنوان مسجد باشد، و اگر آن را نساختند، همچنان متعلّق به خودم باشد.» آیا وقف به این شکل صحیح است؟ در هر صورت، آیا می‌توان زمین مذکور را فروخت، و در جای دیگر زمینی برای مسجد خرید؟

جواب: این گونه وقف اشکال دارد، و می‌تواند از آن صرف نظر کند، ولی چنانچه موافقت کند از آن به نحوی برای مسجد در آنجا یا جای دیگر استفاده شود بهتر است.

سؤال ۸۳۵- استفاده از امکانات مسجد، اعمّ از ظروف آشپزخانه و مانند آن، در مراسم ختم افراد (چه در داخل مسجد و چه در بیرون مسجد) چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که نظر واقفین عامّ بوده باشد، یا عرف محلّ چنین اقتضا کند.

سؤال ۸۳۶- آموزش و پرورش مقداری از زمین مسجد را که در کنار زمین متعلّق به خودش بوده، سهواً یا عمداً، تصرّف کرده و ساخته است. حال اگر قرار بر تخریب باشد، کلّ ساختمان آموزش و پرورش ویران می گردد، یا ضرر فراوانی به مدرسه وارد می‌شود. ادارهٔ اوقاف و متولّی، حاضرند آن مقدار زمین را به اجارهٔ آموزش و پرورش درآورده، و سند اجاره تنظیم نمایند. آیا این امر مشروع است؟

جواب: چنانچه این کار عمدی نبوده باید سند اجاره تنظیم کنند، و وجه آن را صرف تعمیرات مسجد نمایند.

سؤال ۸۳۷- اموات مؤمنین طیّ سالیان متمادی در قطعه زمینی، بدون اعتراض از طرف کسی دفن شده‌اند. آیا این کار حکم وقف بر قبرستان را دارد؟

جواب: در صورتی که مالک آن زمین صریحاً اجازهٔ دفن به عنوان وقف نداده، حکم وقف را ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۷

سؤال ۸۳۸- آیا می‌توان زمینی را که وقف خاصّ یک آبادی یا شهرک است، و در آن قبرستان بوده، تخریب کرد، و دوباره برای ساخت و سازهای شخصی استفاده نمود؟

جواب: در صورتی که وقف برای دفن اموات باشد نمی‌توان آن را تغییر داد؛ مگر این که دفن اموات در آن ممکن نباشد. در این صورت می‌توان برای کارهای خیر از آن استفاده کرد؛ مانند مسجد و مدرسه و درمانگاه.

سؤال ۸۳۹- آستان مقدّس محمد هلال بن علی علیه السلام در آران کاشان، مانند امامزادگان سطح کشور، به صورت هیات امنایی اداره می‌شود. هیأت أمنای این امامزاده از ابتدا جهت ساخت و ساز و تأمین مخارج آستانه اقدام به فروش زمینهای اطراف نموده، و اهالی با حاصل دسترنج قالی‌بافی- کشاورزی و کارگری خود اقدام به خرید قسمتی از زمینهای مذکور جهت قبر بر اساس نیاز خود کرده‌اند، و در آن زمان به جای رسید قبور، فقط قبض نذورات تحویل خریداران می‌شد. در حال حاضر که طرح گسترش و نوسازی و بازسازی آستانه در حال اجرا می‌باشد، هیأت امنا بدون در نظر گرفتن رضایت صاحبان قبور، اقدام به فروش مجدّد تعدادی قبور از پیش فروخته شده، به متقاضیان جدید نموده است. و وقتی با اعتراض صاحبان اصلی روبرو شده، در جواب اظهار می‌دارند که آستانه هزینه‌هایی دارد، و جهت تأمین مخارج مذکور بایستی این قبور فروخته شود، علاوه بر این که معاملات قبلی اعتباری ندارد. با توجّه به مطالب فوق لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- حکم فروش قبور به متقاضیان جدید بدون رضایت صاحبان اصلی چیست؟

۲- حکم استفاده از مبالغ بدست آمده (از فروش این گونه قبرها) جهت ساخت و ساز و مصارف دیگر در آستانه چیست؟

۳- در صورتی که صاحبان اصلی قبور رضایت نداشته باشند، نماز در صحن این آستانه چه حکمی دارد؟

۴- حکم مردگانی که در این قبور تازه خریداری شده از طرف صاحبان جدید خاکسپاری می‌شوند چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۸

۵- آیا صرف ادّعای هیأت امنا مبنی بر این که می‌توان از قبور در چند طبقه استفاده کرد، (در حالی که در زمان فروش اوّلیه محدودیّت طبقات وجود نداشته است،) می‌تواند دلیل شرعی برای اخذ تعدادی از قبور خریداران قبلی باشد؟

جواب ۱ تا آخر: خریدوفروش وقف جایز نیست، ولی اگر قبلًا پولی در برابر اباحهٔ دفن گرفته‌اند، نمی‌توانند چیزی بر آن بیفزایند.

سؤال ۸۴۰- شایع است که فلان قطعه زمین وقف زردشتی است، و طبق اظهار نظر یکی از آگاهان زردشتی‌ها خیرخواهی زمین را وقف نموده تا هر سال در روز خاصّی مردم را دعوت کنند، و موبد مراسم مذهبی را انجام دهد، و به کلیّه زردشتیان آن محل ناهار دهند. آیا چنین وقفی معتبر است؟

جواب: وقف مزبور به شرحی که نوشته‌اید اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که تبلیغات ضدّ اسلامی نکنند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۱۹

فصل سی و هفتم: احکام هبه

سؤال ۸۴۱- اگر مالکی تعهّد نماید که ساختمانی را در ملک خود و با هزینهٔ شخصی احداث، و آن را مجّاناً به شخصی واگذار نماید، و آن شخص تعهّد نماید که مصالح ساختمان را با استفاده از مجاری قانونی در اختیار صاحب ملک قرار دهد، امّا بهای مصالح را صاحب ملک بپردازد. آیا به نظر حضرت عالی چنین تعهّدی لازم الوفا است؟ اصولًا چنین تعهّدی از نظر شرعی در قالب کدام یک از عقود اسلامی قرار می‌گیرد؟
جواب: این تعهّد، نوعی هبهٔ معوّضه، و لازم الإجراست.
سؤال ۸۴۲- طلایی برای زینت زن خریداری و در اختیار وی قرار داده شده، ولی به او هبه نشده است. آیا در صورت فسخ نکاح طلا به ملک مالک اوّل یعنی زوج باقی است، و می‌تواند آن را مطالبه نماید؟
جواب: اگر به قصد عاریه به او داده، می‌تواند بازپس گیرد. و اگر به نیّت هبه باشد، و آن طلا را تعویض نکرده باشد، نیز حقّ بازپس گرفتن دارد. ولی با توجّه به این که معمولًا به قصد هبه می‌دهند، اگر طلا را تعویض کرده باشد، حق بازپس گرفتن ندارد. همچنین اگر زن و شوهر از اقوام همدیگر باشند.
سؤال ۸۴۳- اگر در هبهٔ مشروط، موهوب له به شرط عمل نکند، و مال موهوبه را به دیگری منتقل نماید، آیا واهب حقّ رجوع دارد؟
جواب: آری واهب حقّ رجوع دارد، ولی بعد از رجوع باید مثل آن (در صورتی که مثلی باشد) و قیمت آن را (در صورتی که قیمی باشد) برگرداند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۱

فصل سی و هشتم: احکام احیای موات

سؤال ۸۴۴- در حومهٔ شهر ما معادن عدیده‌ای وجود دارد. معادن یاد شده جزء معادن اکتشافی و زیرزمینی نیست، و نحوهٔ بهره‌برداری از آنها بسیار سهل بوده، و مستلزم صرف هزینهٔ سنگین نمی‌باشد. برای مثال جهت بهره‌برداری از خاک دولومیت، که به صورت کوهی طبیعی واقع شده، تنها با استفاده از ابزار آلات فنّی عادی، نظیر لودر، یا بیل مکانیکی از آن بهره‌برداری می‌کنند. وضعیّت این گونه معادن، که جزء منابع طبیعی شهرستان و روستاهای هم جوار است، از نظر مالکیّت و جلب درآمد برای روستاها یا شهرستان مربوطه چگونه است؟ آیا ساکنین روستاها می‌توانند نسبت به عقد قرارداد با شرکتهای خصوصی یا دولتی دخالت نمایند و سهمی از درآمد آن را به عمران و سازندگی روستاهای خود اختصاص دهند؟
جواب: در صورتی که معدن در حریم روستا بوده باشد (منظور از حریم، زمینهایی است که برای احتیاجات مختلف روستا از قبیل بارانداز، محلّ جمع‌آوری خرمن و هیزم و مانند آن است.) اهل روستا بر آن حق دارند، و در مقابل حقّشان می‌توانند چیزی دریافت دارند. ولی اگر خارج از حریم روستاست چنین حقّی ندارند؛ امّا چنان چه معدن نزدیک روستاست سزاوار است ارفاقی به مردم آن روستا شود. و اگر معدن ضرر و زیانهایی برای اهالی روستا ایجاد کند، جبران آن نیز لازم است.
سؤال ۸۴۵- این جانب یک حلقه چاه عمیق در زمین اهدایی توسّط یک نفر از اهالی، صرفاً به قصد تأمین آب لوله‌کشی روستا، با بودجه و سرمایه‌گذاری علی السویه خانوارهای موجود آن روستا، و با پروانهٔ جهاد سازندگی، حفر نمودم. ولی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۲

مصالح و مخارج آن را (از قبیل منبع هوایی، لوله‌های آب، و برق، و دینامی که آب به وسیلهٔ آن خارج می‌شود) همه و همه را جهاد سازندگی داده است. لطفاً بفرمایید:

۱- در فرض سؤال مالك آب کیست؟ و کمك‌های دولتی تملیك است، یا اباحه؟

جواب: در صورتی که طبق مقرّرات دولتی پروانه باید به نام جهاد سازندگی باشد، و آنچه را مردم می‌دهند تملیك به جهاد می‌شود، تمام اموال مربوطه متعلّق به جهاد و حکومت اسلامی است.

۲- آیا کمکهای دولتی مخصوص خانوارهای زمان حفر است، یا شامل افراد و نسلهای آینده هم می‌شود؟

جواب: بنابر فرض بالا اختیار آن چاه به دست دولت خواهد بود.

۳- کسانی که از اولاد و بستگان حافران بئر در زمان حفر چاه نبوده، و قهراً در پرداخت هزینه‌های چاه هم شرکت نکرده، و بعدها صاحب منزل شده‌اند، (به فرض که کمکهای دولتی شامل این‌ها هم باشد،) آیا می‌توانند به منزلشان لوله‌کشی نمایند؟ چنانچه پرداخت وجهی لازم باشد، آیا سهم هر نفر در زمان حفر معیار است، یا قیمت روز؟

جواب: در صورتی که چاه، مطابق آنچه در بالا ذکر شد، به دولت واگذار شده، اجازهٔ آنها برای لوله‌کشی دیگران کافی است، و شرایط آن را در فرض بالا دولت تعیین می‌کند.

۴- اگر آب چاه تغییر یابد، و دیگر قابل شرب نباشد، و اهالی با توافق همدیگر بخواهند آب را در امور کشاورزی مصرف نمایند، آیا احکامی که در سؤالات سه‌گانهٔ بالا آمد شامل این صورت هم می‌شود؟

جواب: با موافقت دولت مانعی ندارد.

سؤال ۸۴۶- لطفاً نظر مبارکتان را پیرامون حریم قنوات، چشمه‌ها و چاهها، بیان فرمایید:

۱- آیا این حدود را مختصّ زمینهای مواتی می‌دانید که تازه احداث شده، که سابق از لا حق ممانعت می‌کند، یا حتّی در املاك مجاور هم لازم می‌دانید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۳

جواب: ظاهر ادلّه این است که این احکام مربوط به زمینهای موات می‌باشد.

ولی در زمین‌های ملکی هم باید بهره‌برداری هر کدام از مالکین در حدّی باشد که در عرف عقلا معمول است، و زائد بر آن در صورتی که باعث ضرر بر دیگران شود، اشکال دارد.

۲- در هر دو فرض، آیا بعد از خشك شدن قنات، یا چشمه، یا چاه سابق، بازهم حکم باقی است؟

جواب: در صورتی که چاه خشك شود، و صاحبش از احیا آن صرف نظر کند، احداث قنات و چشمهٔ دیگر مانعی ندارد.

۳- در فرض دو سؤال بالا، و وجود منع و لزوم رعایت حدود تعیین شده، اگر شخصی رعایت نکند، و در ملك یا منزل خود چشمه یا قنات یا چاهی حفر کند، و آب استخراج نماید، آیا این آب را مالك می‌شود، و برای او مباح است؟

جواب: در موارد ممنوع احتیاط آن است که بر آن آب حکم آب غصبی را جاری کنند.

۴- در فرض سؤال فوق، اگر از آب مذکور محصولاتی مثل سبزی و میوه و مانند آن به دست آورد، چه حکمی دارد؟ آیا این محصولات حرام است؟!

جواب: محصولاتی که از آن به دست می‌آید، حرام نیست، ولی احتیاط آن است که نسبت به پول آب با شخصی که ضرر به او وارد شده مصالحه کنند.

سؤال ۸۴۷- روستایی است که از سابقهٔ تاریخی آن حدود هفتصد سال می‌گذرد.

این روستا دارای یک رشته قنات است که از داخل بعضی از خانه‌های مسکونی و باغها می گذرد، و برای کشاورزی در خارج از باغها مورد استفاد قرار می گیرد. در این سالهای خشک‌سالی، که مقداری از آب قنات کم شده، بعضی از کشاورزان مدّعی هستند که مقداری از آب قنات در منازل بر اثر خرابی نهر قدیمی، و مقداری هم در باغها به خاطر ریشه‌ی درختان از بین می‌رود. لذا بنا دارند نهر این قنات را، که چند صد سال است از داخل خانه‌ها عبور می کرده، به خارج از محل انتقال دهند، و نهر داخل باغها را با سیمان اصلاح کنند، که این کار با مخالفت صاحبان منازل و مالکین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۴

باغها روبرو شده است. چرا که آب داخل خانه‌ها قطع می‌شود، و درختان باغها، خشک خواهد شد. با توجّه به مقدّمهٔ فوق لطفاً بفرمایید:

۱- آیا انتقال راه آب از منازلی که چند صد سال محلّ عبور آب بوده، به خارج از محل جایز است؟

۲- در صورتی که اصلاح نهر داخل منازل ممکن باشد، ولی مدّعیان اصرار داشته باشند که نهر قدیمی را به خارج محل انتقال دهند، این کار چه حکمی دارد؟

۳- آیا سیمان کردن نهر داخل باغها بدون رضایت مالکین جایز است؟

۴- در صورتی که ممکن باشد نهر داخل باغ را با رضایت مالك به بیرون باغ منتقل کنند تا ضرری به درختهای باغ متوجّه نشود، تغییر مسیر آب چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که از قدیم الایّام آب در آن مسیرها جریان داشته، و مالکان آب و باغات و خانه‌های مسیر بر آن عملًا توافق داشته‌اند، تغییر دادن مسیر آب اشکال دارد. همچنین لوله‌گذاری یا سیمان کردن مسیر آب، بدون رضایت مالکین زمینها مشکل است، ولی اگر در مسیر خرابی وجود دارد صاحبان باغ باید آن را اصلاح کنند، و الّا مالکان آب می‌توانند از هدر رفتن آب خود جلوگیری نمایند. و استفاده باغها از این آبها برای آبیاری باغ جایز نیست؛ مگر این که سهمی در آب داشته باشند.

سؤال ۸۴۸- هرگاه کافری، زمین مواتی را در بلاد مسلمین احیا کند، آیا مالك آن می‌شود؟

جواب: در صورتی که با موافقت حکومت اسلامی باشد، و لطمه‌ای به مسلمین نزنند، مالك می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۵

فصل سی و نهم: احکام اقرار

سؤال ۸۴۹- گاه میان مقرّ و مقرّ له در مورد اقرار اختلاف پیش می‌آید. لطفاً حکم شرع انور، و فتوای مبارک را در هر یک از حالت‌های زیر بیان فرمایید:

الف) «مقرّ» و «مقرّ له» در اصل «اقرار» اختلاف دارند.

ب) «مقرّ» و «مقرّ له» در ماهیّت «مقرّ به» اختلاف دارند.

ج) «مقرّ» و «مقرّ له» در مقدار «مقرّ به» اختلاف دارند.

د) «مقرّ» و «مقرّ له» در اوصاف «مقرّ به» اختلاف دارند.

جواب: در هر صورت قول قول مقرّ است، و اگر «مقرّ له» ادّعای دیگری دارد باید با بیّنه ثابت کند، و الّا با قسم مقرّ نزاع خاتمه می‌یابد.

سؤال ۸۵۰- دربارهٔ آثار اقرار برای شخص مردّد بفرمایید:

الف) آیا چنین اقراری صحیح است؟

ب) در صورت صحّت، تعیین «مقرّ له» بر عهدهٔ کیست، و چطور انجام می‌شود؟

ج) در صورت اختلاف بین مقرّ و مقرّ له، یا مخاطبین، اقرار بعد از تعیین، چه حکمی پیدا می کند؟

د) اگر شخص دیگری ادّعا کند که مقرّ له است، ادّعای او چه اثری دارد؟ آیا در این صورت بر مقرّ به، عنوان مدّعی و بر طرف دیگر، عنوان منکر صدق نموده، و در نتیجه حکم مخاصمه را پیدا می کند؟

ه) اگر علاوه بر مقرّ له، «مقرّ به» نیز مردّد و مبهم باشد، چه نتیجه‌ای پیدا می‌شود؟

و) اگر مقرّ از تعیین خودداری کرده، و ادّعای عدم معرفت نماید، و آن دو او را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۶

تصدیق کنند، آیا الزام به تعیین می‌شود، یا حکم دیگری دارد؟

ز) اگر مقرّ از تعیین خودداری کرده، و ادّعای عدم معرفت نماید، و آن دو یا یکی از آنها ادّعا کند که مقرّ علم دارد، آیا با قسم ادّعایش پذیرفته می‌شود؟

ج) آیا تصدیق یا عدم تصدیق مخاطبین اقرار، نسبت به عدم علم مقرّ، تأثیری دارد؟

جواب: اقرار به مبهم جایز است، و حاکم شرع شخص مقر را ملزم به تفسیری مناسب برای اقرار خود می کند. و در صورت امتناع از تفسیر، می‌تواند او را حبس تعزیری نماید. و در هر حال قدر متیقّن اقرار مبهم او حجّت است، و می‌توان طبق آن عمل کرد، و امّا اجراء حکم قسم در این گونه موارد مشکل است.

سؤال ۸۵۱- لطفاً در مورد تحصیل اقرار از طریق سؤال‌های تلقینی، یا اغفال، یا اکراه و اجبار متّهم، به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

۱- اگر متّهم در اثر سؤالات مذکور به جرمی اقرار کند، آیا چنین اقراری دارای اثر و ارزش اثباتی می‌باشد؟

۲- در هر صورت، آیا طرّاح چنان سؤالاتی، مرتکب عمل خلاف شرع مقدّس شده، و مستحقّ مجازات است.

۳- در مورد ارزش اثباتی چنین اقراری، آیا بین صورتی که اقرار موجب علم و اقناع وجدانی شود، با صورتی که چنین نشود، تفاوتی وجود دارد؟

۴- در فرض سؤال، آیا بین حقوق الناس و حقوق اللّه تفاوتی هست؟ (یعنی در حقوق النّاس دارای اثر اثباتی باشد، و در حقوق اللّه نباشد.)

۵- در صورتی که چنین اقراری ارزش اثباتی نداشته باشد، آیا در شمار امارات و قرائن قرار می گیرد؟

جواب ۱ تا ۵: اجبار و اکراه و توسّل به دروغ و خلافگویی برای گرفتن اقرار مجاز نیست، ولی استفاده از قرائن و شواهد گوناگون و بازجویی متّهم به گونه‌ای که نتواند از بیان واقعیّت فرار کند، هیچ اشکالی ندارد. بلکه در حقوق النّاس (نه حقوق اللّه) کار خوب و شایسته‌ای است، و آنچه دربارهٔ امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۷

شده، همه از این قبیل است. این نکته نیز شایان ذکر است که گاه ممکن است در موارد حسّاس و مهم با ارعاب از کسی اقرار بگیرند؛ ولی به دنبال اقرارِ ارعابی سرنخهایی پیدا شود که موضوع از طریق دیگر روشن گردد؛ به گونه‌ای که دلیل قاضی چیزهایی باشد که بعداً کشف شده است؛ نه آن اقرار.

سؤال ۸۵۲- فردی متّهم به بمب‌گذاری و عملیّات تروریستی در یک مکان عمومی پرجمعیّت، یا مثلًا در محلّ کار سران مملکتی، یا متّهم به مشارکت در باند آدم‌ربایی و فساد فی الارض است. هرگاه از شواهد و قرائن موجود در پرونده برای قاضی علم حاصل شود، یا متّهم اقرار نماید، و در نتیجه اتّهام ثابت گردد، امّا فرد مذکور از افشا نقشهٔ بمب‌گذاری و زمان و مکان دقیق آن، و اسامی شرکای جرم خودداری نماید، آیا قاضی می‌تواند جهت کسب این اطّلاعات مهم، و خنثی‌سازی عملیات تروریستی که در صورت

تحقّق خسارات فراوانی بر جای خواهد داشت، با استدلالاتی از قبیل «دفع أفسد به فاسد»، «ترجیح اهم بر مهم»، «الضرورات تبیح المحذورات»، «اوجب بودن حفظ نظام»، دستور شکنجهٔ متّهم را صادر کند، تا با توجّه به فوریّت قضیه در اندک زمان اقرار نماید؟ آیا چنین اقراری حجّت است؟

جواب: شکنجه جایز نیست.

سؤال ۸۵۳- مردی ضمن عقد نکاح به زوجه وکالت بلا عزل با حقّ توکیل غیر داده که هرگاه بدون رضایت زوجهٔ اوّل، همسر دیگری اختیار کند، یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود عدالت را رعایت ننماید، با رجوع و اخذ مجوّز از دادگاه، پس از انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه کند. اکنون شهودی بر اقرار وی به عباراتی نظیر «زن گرفتم»، «ازدواج نمودم» و «تشکیل زندگی دادم» شهادت می‌دهند. به علاوه، زوج نزد قاضی تحقیق و نیروهای انتظامی، به همین عبارات اقرار نموده است. اکنون که زوجه تقاضای اذن اعمال وکالت نموده، زوج با قبول اقرار عنوان می‌نماید: «فی الواقع ازدواج ننمودم، بلکه قصد من از بیان چنان مطالبی، تحریک همسرم به تمکین بوده است.» آیا در چنین موردی اقرار نزد قاضی حاکم لازم است، یا اقرار وی نزد قاضی تحقیق، و شهادت بر اقرار کفایت می‌نماید؟ آیا در چنین موردی، مقرّ حقّ انکار اقرار را دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۸

جواب: با اقرار زوج، یا شهادت شهود به اقرار زوج در غیر محضر قاضی، حقّ طلاق در فرض مسأله هست، مگر این که قرائن معتبر قائم شود که قصد تحریک زوجه بر تمکین را داشته است.

سؤال ۸۵۴- در خصوص اقرار به نسب بفرمایید:

الف) اگر تحقّق نسب بر حسب عادت ممکن باشد، و کسی که نسب او اقرار شده نیز تصدیق کند، آیا میان «مقرّ» و «مقرّ به» توارث ایجاد می‌شود؟ یا عدم وجود ورثه برای مقرّ، شرط ایجاد توارث است؟

ب) در صورتی که مقرّ، ورثهٔ مشهور و معلومی نداشته باشد، و «مقرّ به» نیز او را تصدیق نماید، آیا چنین اقراری موجب توارث می‌شود؟

ج) در صورتی که اقرار، وارثی را از ارث محروم نکند، آیا اقرار مقرّ به با تحقّق شرایط، مقبول است؟ آیا وجود ورثه، تنها مانع از اقراری است که موجب توارث بین مقرّ و مقرّ به می‌شود؟

جواب: در تمام این موارد اقرار مقبول است؛ ولی اگر پای وارث دیگری در میان باشد، تنها در مورد سهم اقرارکننده پذیرفته می‌شود؛ و از سهم سایر ورثه چیزی کاسته نمی‌شود.

سؤال ۸۵۵- در مادّهٔ ۱۱۶۱ قانون مدنی آمده است: «هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوّت خود نموده باشد، دعوای نفی ولد از او مسموع نخواهد بود». از طرفی در مادّهٔ ۱۲۷۷ قانون مدنی آمده است: «إنکار بعد از اقرار مسموع نیست، لکن اگر مقرّ ادّعا کند که اقرار او فاسد، یا مبنی بر اشتباه، یا غلط بوده، شنیده می‌شود.

همچنین در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد »...

مستدعی است بفرمایید:

آیا در همهٔ اقاریر، مقرّ می‌تواند ادّعا کند که اقرار وی فاسد و مبنی بر اشتباه و غلط بوده، و دعوای او پذیرفته می‌شود، امّا در مورد اقرار به نسب، حتّی دعوای فساد و اشتباه در اقرار نیز پذیرفته نمی‌شود، و به هیچ وجه دعوای نفی ولد مسموع نیست؟

جواب: انکار بعد از اقرار به ولد پذیرفته نیست، مگر این که واقعاً ثابت شود اشتباهی رخ داده؛ مثلًا بیگانه‌ای را به جای فرزند تصوّر کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۲۹

فصل چهلم: احکام شهادت

سؤال ۸۵۶- اگر زنی در دادگاه به نفع شوهر خود، و علیه شخصـی شـهادت دهـد، و پس از مـدّتی با شوهرش اختلاف شدیـد پیـدا کند، و از شهادتی که به نفع او داده برگردد، آیا از نظر شرعی اثری دارد؟

جواب: در صورتی که آن اختلاف سبب عداوتی در میان آن دو شده باشد، عدول از شهادت اثری ندارد.

سؤال ۸۵۷- هرگاه اقرار متّهم به ارتکاب قتل، با شهادت شهود متعارض باشد حکم چیست؟

جواب: ولیّ دم اختیـار دارد که نسـبت به مورد شـهادت قصاص کنـد، یا به مورد اقرار. و اگر نسبت به مورد شـهادت قصاص کنـد، اقرارکننده باید نیمی از دیه را به اولیای شخص مورد شهادت بپردازد، و این مسأله منصوص و مفتی به است.

سؤال ۸۵۸- راه اثبات و احراز عدالت شـهود و مانند آن برای دادگاه، با توجّه به تراکم پرونده‌ها، عدم آشـنایی با اصـحاب دعویٰ و شهود، غیر بومی بودن قاضـی، یا کثرت جمعیّت شـهرها چیست؟ آیا صِرف ظاهر افراد و این که طرف مقابل شهود را جرح ننماید، کفایت می‌کند؟

جواب: لازم است در این گونه موارد از اهل محلّ، یا دوستان آنها، تحقیقی شود، تا حُسن ظاهر او و معاشرانش ثابت گردد، و همین مقدار کافی است.

سؤال ۸۵۹- آیا در حقوق اسـلامی اصل بر عـدالت هر شاهـدی است که به محکمـهٔ قضا می‌آیـد؟ به تعبیر دیگر، آیا اثبات عـدالت شاهد لازم است؟

جواب: اثبات عدالت شاهد لازم است؛ ولی به همین اندازه که کسی با او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۰

معاشرت داشته باشد، و کار خلافی از او نبیند، عدالتش ثابت می‌شود.

سؤال ۸۶۰- طریقهٔ حقوقی اثبات عادل بودن یک شاهد چیست؟ و مزکّی کیست؟

جواب: طریقـهٔ حقوقی آن این است که شـخص مورد اعتمادی با او معاشـر باشد، و کار خلافی از او نبیند، یا در محیط خود معروف به پاکی و تقوی باشد.

مزکّی فرد مورد اعتمادی است که از این امور دربارهٔ کسی خبر دهد، و او را توثیق و تعدیل کند.

سؤال ۸۶۱- گفته شـده: «در مـواردی که اطّلاع مردان بر یـک موضـوع مشـکل است، شـهادت زنـان به تنهـایی مقبـول است.» لطفاً بفرمایید محدودهٔ این حکم چیست؟

مثلًا شـهادت زنان در خصوص قتل عمـد در یک حمّام زنانه، چه چیزی را ثابت می‌کنـد؟ یا اگر زنان شـهادت دهند که فردی جنین زنی را عمداً ساقط کرده، و ضمناً موجب مرگ خود زن هم شده، چه چیزی ثابت می‌شود؟

جواب: حکم مزبور شامل این گونه موارد نمی‌شود؛ بلکه منظور اموری است که به طور طبیعی فقط به وسیلهٔ زنان ثابت می‌شود.

سؤال ۸۶۲- در عرف عشایر رسم بر این است که اگر فامیلی قصـد درگیری و نزاع با فامیل دیگری داشـته باشـد، و بخواهد از طرف مقابل کسـی را بکشد، یا حتّی مجروح نماید، با کلیّهٔ افراد فامیل خود مشورت نموده، و آنها را در جریان موضوع قرار داده، و سپس هم قسم می‌شونـد، و چنین جرمی را انجام می‌دهنـد. با عنایت به مقدّمـهٔ فوق به سؤال زیر پاسـخ دهید: مقتول با کسانی بر اثر کینه و دشـمنیهای قبلی اختلاف داشـته، حتّی چنـدین مورد ضـرب و جرح بین فامیل مقتول و آنها به وجود آمده، و بارها مقتول توسّط این فامیـل مورد آزار و اذیّت و تهدیـد و ارعـاب قرار گرفته بود، تـا این که شـبانه دو نفر از آنهـا به منزل وی حمله کرده، و او را جلوی چشم زن و فرزنـدان خردسـالش به قتـل رسانـده، و متواری می‌شونـد! زمانی که مقتول هنوز جان داشت، عمویش بر بالین او حاضـر

می‌شود. مقتول به عمویش می‌گوید: «فلانی مرا با اسلحه مجروح نموده است.» و از طرفی دو سه نفر از فامیل قاتل (برادر و پسر عموی قاتل) شهادت داده‌اند که قاتل این کار را انجام نداده است. آیا شهادت فامیل قاتل،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۱

که در برنامه‌ریزی قتل مشورت و مشارکت داشته، و از روی غرض شهادت می‌دهند، مورد قبول است؟

جواب: شهادت به قاتل نبودن فایده‌ای ندارد؛ هر چند شهود متّهم نباشند، و در اینجا طبق آنچه در فرض مسأله آمده شهود متّهم نیز می‌باشند، ولی شهادت مقتول نیز اثری ندارد؛ مگر این که قاضی از شهادت او و بستگانش (که حضور داشته‌اند) و قرائن دیگری از این قبیل، علم پیدا کند که شخص مذکور قاتل است.

سؤال ۸۶۳- آیا امر عدمی با شهادت شهود قابل اثبات است؟

جواب: در صورتی که شرایط شهادت در آن جمع باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۶۴- آیا شاهد موظّف است تمام حقیقت را بگوید، یا همین که ملزم شود آن چه می‌گوید حقیقت است کفایت می‌کند؟

جواب: شاهد باید آنچه را از او می‌پرسند، اگر می‌داند بگوید.

سؤال ۸۶۵- آیا شهادت کسی که محاسنش را با تیغ، یا ماشین شبیه تیغ می‌تراشد، از نظر شرع پذیرفته می‌شود؟

جواب: هرگاه از کسی تقلید کند که این کار را جایز بداند، و از جهات دیگر نیز عادل باشد، می‌تواند شاهد قرار گیرد.

سؤال ۸۶۶- کدام یک از موارد زیر صحیح است؟

الف) شهادت اهل سنّت علیه اهل تشیّع در دعاوی مالی یا کیفری (چنان چه خواهان سنّی مذهب، و خوانده شیعه باشد).

ب) شهادت اهل سنّت علیه اهل سنّت در دعاوی مالی یا کیفری (چنانچه خواهان و خوانده هر دو سنی باشند.)

ج) شهادت اهل سنّت در دعاوی مالی یا کیفری (چنانچه خواهان و خوانده هر دو شیعه باشند؛ لیکن شهودشان سنّی باشد.)

د) شهادت اهل سنّت به نفع اهل تشیّع (چنانچه خواهان شیعه، و خوانده سنّی مذهب باشد.)

ه) شهادت اهل کتاب له یا علیه مسلمانان.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۲

جواب الف تا ه: شهادت اهل سنّت در صورتی که از نظر اعتقادی مستضعف، و از نظر جنبه‌های عملی عادل بوده باشند، و فسقی از آنها دیده نشود، در تمام صورتهای بالا پذیرفته می‌شود؛ «۱» ولی شهادت اهل کتاب له و علیه مسلمانان مقبول نیست. مگر در بعضی از موارد خاص، که در بعضی از آیات قرآن (آیه ۱۰۶ سورهٔ مائده) به آن اشاره شده است.

---

(۱) آیة اللّه العظمی خویی رحمه اللّه در جلد اوّل مبانی تکملة المنهاج، صفحهٔ ۸۰ به این مطلب اشاره کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۳

فصل چهل و یکم: احکام وصیّت

سؤال ۸۶۷- شخصی وصیّت کرده همسرش پس از مرگ وی ازدواج نکند، و اگر ازدواج کند حقّ مسکن در خانهٔ معیّن ندارد. همسرش پس از مرگ او، ازدواج موقّت کرد. اوّلًا: آیا این شرط صحیح است؟ و ثانیاً: ازدواج موقّت هم مشمول وصیّت مذکور می‌گردد؟

جواب: اگر ازدواج موقّت برای مدّت کوتاهی بوده، مشمول این وصیّت نمی‌شود. ولی اگر برای مدّت طولانی، یا به طور مکرّر و در نتیجه طولانی باشد، مشمول خواهد شد. و وصیّت مذکور در مورد حق الارث زن هیچ تأثیری ندارد، امّا اگر چیزی اضافه برای او

قائل شده، در صورتی می‌تواند از آن اضافه استفاده کند که به آن شرط عمل کند.

سؤال ۸۶۸- آیا وصیّت به تقسیم ارث قبل از فوت جایز است؟ مثل این که زید وصیّت کند که پس از فوتش، فلان باغش مال فلان پسرش، و فلان خانه‌اش مال فلان دخترش باشد. آیا چنین وصیّتی نافذ است؟

جواب: چنین وصیتی باطل است.

سؤال ۸۶۹- شخصی وصیّت کرده که از درآمد باغش، به إزای هر سال بعد از رسیدن به سنّ تکلیف، نماز و روزه خریداری شود. اکنون به اندازهٔ سالهای مذکور عمل انجام شده است. آیا تکرار عبادت لازم است، یا به همین مقدار اکتفا شود؟

جواب: به همان مقدار قناعت می‌شود، و بقیّه تعلّق به ورثه دارد؛ مگر این که وصیّت کرده باشد آن را در کارهای خیر صرف کنند.

سؤال ۸۷۰- شخصی وصیّت به ثلث نموده، و در اثر تصادف ماشین فوت کرده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۴

است. وصیّ میّت ادّعای دیه نموده، و بابت آن چکی از قاتل دریافت نموده است.

پس از این جریان، بعضی از ورثه، رضایت داده، و بعضی سهمشان از دیه را گرفته‌اند. حکم سهم میّت و وظیفهٔ وصیّ چیست؟

جواب: در فرض مسأله، ثلث به دیه نیز تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۸۷۱- شخصی نصف باغ انگور خود را به عنوان ثلث قرار داده، و در وصیّت نامه‌اش سفارش کرده که بعد از کم کردن مخارج باغ، وصی ما بقی محصول و سود آن را از طرف موصی احسان نماید. اکنون بعد از گذشت مدّت زمانی، درآمد و منافع باغ مخارج خودش را کفایت نمی‌کند؛ یعنی مخارج کارگر بیشتر از درآمد باغ می‌باشد. آیا کسی که مسئولیّت این باغ را دارد، می‌تواند آن را به طور اقساطی، یا به صورت نقدی بفروشد و پول باغ را در حقّ او احسان کند؟

جواب: باید آن را بفروشد و در جای دیگری ملکی، هر چند کوچک که منافعی داشته باشد، تهیّه و وقف نماید، و منافع آن را در موارد وصیّت مصرف کند.

سؤال ۸۷۲- در متن وصیّتنامه‌ای آمده: «چنانچه ارحام موصی فقیر و پریشان شدند، از درآمد ثلث املاک، اوّل به آنان داده شود، و بعد عزاداری نمایند، و چنانچه ارحام از سادات باشند آنها را مقدّم دارند.» لازم به ذکر است که وصی فعلی که نوه پسری موصی می‌باشد فاقد اولاد از صلب خود بوده، و نامبرده در زمانهای گذشته دختری را به فرزندی برداشته و از شیر خواهرش استفاده نموده، که محرم وصی گردد، و برای فرزند خوانده شناسنامه‌ای هم به عنوان فرزند گرفته است (عیال وصی غیر سید می‌باشد.) آیا دختر خوانده و فرزندش از ارحام موصی محسوب می‌شوند؟

جواب: فرزند خوانده جزء نسل موصی حساب نمی‌شود، و وصیّت‌نامه شامل حال او نمی‌گردد.

سؤال ۸۷۳- ۱۴ سال پیش پدر این جانبان، که ۴ برادر و دو خواهر می‌باشیم، به رحمت ایزدی پیوسته، و سالها قبل از فوت در دفتر اسناد رسمی وصیّت کرده، و عیال دائمی (که اکنون ۸۸ سال دارند) و فرزند بزرگش سید جواد (یعنی بنده) را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۵

خصوص ادارهٔ امور صغار موصی، بعد از فوت وصیّ قرار داده، و متذکّر شده پس از رشد و کبر، بقیّهٔ برادران شرکت در وصایت داشته باشند. در تاریخی که این وصیّت‌نامه نوشته شده هنوز خواهر کوچکمان به دنیا نیامده بود، و ایشان از بدو تولّد عقب افتادگی ذهنی داشته و دارد. اکنون که ایشان ۴۱ سال دارند، آیا برادران هنوز می‌توانند قیّم خواهر کوچک باشند؟ و آیا این وصیّت‌نامه به قوّت خود باقی است؟

لازم به ذکر است که از زمان فوت پدر تاکنون، در این مدّت ۱۴ سال، برادران از او به نحو احسن نگهداری کرده‌اند.

جواب: در صورتی که وصیّت‌نامه مطلق بوده، و قید و شرطی در آن نباشد، شامل قیمومیّت فرزندهایی که عقل کافی پیدا نکرده‌اند

می‌شود.

سؤال ۸۷۴- شخصی به شکل زیر وصیّت می‌کند: «با اتّکال به خداوند متعال، و با توسّل به ائمّهٔ اطهار، علیهم السلام در حالت صحّت نفس و سلامت کامل، و با رضا و رغبت، با در خواست شورای اسلامی و شهرداری شهر، و با رضایت قلبی خود و خانواده‌ام، وصیّت می‌کنم که در زمین اهدایی آقای ... جهت قبرستان مؤمنین و مؤمنات، زیارتگاهی با هزینه خودم احداث، و هر زمان که خداوند تبارک و تعالی مقرّر فرمودند در آن زمین به خاک سپرده شوم، و کلیّهٔ نذوراتی که از طرف مردم پرداخت می‌شود، ۵۰٪ سهم فرزندانم و ۵۰٪ به منظور هزینهٔ امور فرهنگی، ساختمانی، مذهبی، اجتماعی و آموزشی، فضای سبز قبرستان و زیارتگاه در اختیار شهرداری قرار گیرد.

ضمناً زمینی به مساحت ۴۰۰ متر مربع جهت منزل یکی از فرزندانم به عنوان خادم زیارتگاه قرار داده شود، تا با هزینهٔ شخصی خود اقدام به ساخت نماید.» آیا وصیّت نامهٔ مذکور شرعاً معتبر است؟

جواب: این وصیّت‌نامه اعتباری ندارد، و باید از ساختن چنین زیارتگاهی پرهیز کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۷

فصل چهل و دوّم: احکام ارث

طبقهٔ دوّم ارث

سؤال ۸۷۵- شخصی فوت نموده و ورثهٔ حین الفوت وی عبارتند از: «سه خواهر ابوینی (پدر و مادری) جدّهٔ پدری، و جدّ مادری» میزان دقیق سهم الارث ورّاث یاد شده چه میزان بوده، و چگونه بین آنها تقسیم می‌شود؟

جواب: هر کدام از جدّ و جدّه ۱۶ می‌برند، و بقیّه میان سه خواهر تقسیم می‌شود.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۳۳۷

سؤال ۸۷۶- در صورتی که ورثه متوفّی عبارت باشند از: ۱- همسر دائم ۲- برادر ابوینی ۳ و ۴- یک خواهر و یک برادر امّی، سهم هر یک چه میزان است؟

جواب: شوهر در فرض مسأله نصف میراث زن را می‌برد (و اگر شوهر مرحوم شده باشد، زن یک چهارم میراث را در فرض سؤال می‌برد.) و باقیمانده سه قسمت می‌شود، دو قسمت به برادر ابوینی می‌رسد، و یک قسمت به برادر و خواهر امّی، که به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند.

ارث زوجین

سؤال ۸۷۷- با توجّه به این که در کتب تفسیر، آیهٔ ۱۲ سورهٔ نساء را به طور مطلق تفسیر کرده‌اند، دلیل فقهی ارث بردن زوجه از قیمت هوایی بناها و درختان چیست؟

جواب: دلیل این مسأله روایاتی است که از معصومین علیهم السلام رسیده، که آیات را تخصیص می‌زنند، و تخصیص آیات ارث منحصر به این مورد نیست، بلکه این مطلب در موارد متعدّد در فقه شیعه و اهل سنّت دیده می‌شود. برای آگاهی بیشتر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۸

به جواهر الکلام جلد ۳۹ مراجعه کنید.

سؤال ۸۷۸- آیا همسر از چاه عمیق، قنات، آب جاری ارث می‌برد؟

جواب: در صورتی که آب در زمین مباح جریان دارد، مانند آب نهرهای بزرگ، زن از عین آن ارث می‌برد، و اگر فرضاً شوهر وی در هفته دو ساعت آب را مالک بوده، باید ۱۴ یا ۱۸ آن را به زن بدهند. و اگر در زمینِ ملکیِ آن مرد، قنات یا چاه آب وجود دارد، زن از عین آن ارث نمی‌برد، ولی باید چاه و وسائل آن قنات را قیمت کنند، و سهم زن را از قیمت آن بپردازند.

سؤال ۸۷۹- میان زوجهٔ مطلّقه‌ای، که همسرش فوت کرده، و ورثهٔ شوهر وی در اصل طلاق اتّفاق نظر، و در زمان آن اختلاف وجود دارد. زوجهٔ مطلّقه مدّعی وقوع طلاق در مرض منتهی به مرگ زوج می‌باشد، و ورثه مدّعی وقوع طلاق در زمان صحّت وی می‌باشند. قول کدام یک مقدّم است؟

جواب: زوجه باید اثبات کند که طلاق در مرض موت واقع شده، وگرنه حق ندارد، ولی بهتر این است که با ورثه بر مبلغی مصالحه کنند.

سؤال ۸۸۰- چنان چه مهریّهٔ خانمی سفر حجّ بوده، و آن خانم قبل از تشرّف به حجّ، فوت نماید، آیا ورثهٔ وی می‌توانند مهریّه را مطالبه کنند؟ نحوهٔ تقسیم یک سفر حجّ، بین چند وارث چگونه خواهد بود؟

جواب: آری می‌توانند مطالبه کنند، و هزینهٔ یک حجّ به هنگام فوت آن مرحومه را از شوهر او می‌گیرند، و مانند سایر اموال زن بین همهٔ ورثه تقسیم می‌کنند.

ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند

سؤال ۸۸۱- متأسّفانه پسرم غلام عبّاس به اتّفاق همسرش محدّثه، و فرزندش محمّد رضا، تصادف کردند. زن و شوهر بلافاصله از دنیا رفتند، و فرزند آنها با آمبولانس به درمانگاه منتقل شد، ولی او هم پس از یک ساعت فوت کرد. پدر و مادر غلام عبّاس زنده هستند. مادر محدّثه هم زنده است. لازم به ذکر است پدر آن خانم (محدّثه) که ده سال قبل از عروسی دخترش فوت نموده، اموالی دارد که محدّثه از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۳۹

آن سهم دارد، و جهیزیّهٔ دختر، چون محلّ کارش نزدیک مادرش بوده، در منزل مادرش می‌باشد. کادوهایی هم که روز سوّم عروسی و پس از زایمان به ایشان داده شده، در منزل پدر داماد است. لطفاً بفرمایید:

۱- سهم هر یک از آنان چگونه پرداخت می‌شود؟

۲- طلاهایی که موقع عروسی برای عروس خریداری شده از آن کیست؟

۳- مقدار طلایی که اشخاص در روز عروسی آنها آورده‌اند و موجود است، به چه کسی باید داده شود؟

جواب: ۱۶ اموال مرحوم غلام عبّاس به پدر، و یک ششم به مادر، و یک هشتم به همسر، و بقیّه به فرزندش محمّد رضا می‌رسد. ۱۶ سهم همسرش (محدّثه) به مادرش و بقیّه به فرزندش محمّد رضا می‌رسد. ۱۶ از اموال محدّثه (همسر غلام عبّاس) به مادر، و یک چهارم به شوهر، و بقیّه به فرزندش محمّد رضا می‌رسد. و یک چهارم سهم شوهر در میان پدر و مادر و فرزندش محمّد رضا تقسیم می‌شود (پدر و مادر هر کدام یک ششم، و بقیّه به فرزند می‌رسد.) اموالی که طبق تقسیم بالا به پسر رسیده، دو سوّم آن به جدّ و جدّهٔ پدری (جدّ دو سهم، و جدّه یک سهم) و یک سوّم آن به جدّهٔ مادری می‌رسد. و امّا جهیزیهٔ دختر جزء اموال اوست، و همچنین کادوهایی که در موقع زایمان برای او آورده‌اند. طلاهایی که برای عروس خریداری شده، یا کادو آورده‌اند، نیز مال اوست.

سؤال ۸۸۲- برادرم به همراه همسر و پسرش همزمان در حادثهٔ تصادف فوت نمودند، و تنها یک پسر از او به جای مانده است. با توجّه به این که علاوه بر پسر مذکور، از طرف پدر، مادر بزرگ، و از طرف مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ هر دو در قید حیاتند، دیه و سایر اموال آنها چگونه تقسیم می‌شود؟

جواب: اوّل فرض می‌کنیم پدر قبل از همه فوت کرده، ارث او از جمله دیه‌اش را در میان مادر و همسر و دو پسرش تقسیم می‌کنیم، آنها که در حیاتند ارث خود را می‌گیرند، و سهم آن دو که فوت کرده‌اند (یعنی زن و پسر اوّل) به ورثهٔ آنها که بعداً اشاره خواهیم کرد می‌رسد. سپس فرض می‌کنیم زن قبل از همه فوت کرده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۰

ارث او و دیه‌اش به پدر و مادر و شوهر و دو پسرش می‌رسد. آنها که زنده‌اند سهمشان را می‌گیرند، و سهم آن دو که فوت کرده‌اند (یعنی شوهر و پسر اوّل) به ورثهٔ آنها می‌رسد. سپس فرض می‌کنیم که پسر قبل از همه فوت شده، ارث و دیهٔ او فقط به پدر و مادرش می‌رسد، و از آنها به ورثه‌ای که قبلًا به آنها اشاره شد منتقل می‌شود. با توجّه به این که مسأله پیچیده است، اگر نتوانستید عمل کنید به وسیلهٔ یکی از علمای محل بخوانید و پیاده کنید.

موانع ارث

سؤال ۸۸۳- آیا معاونت در قتل عمد، از موانع ارث به شمار می‌رود؟

جواب: در صورتی که معاونت به شکلی باشد که قتل به هر دو نسبت داده شود، هم قاتل و هم معاون، هر دو از ارث محرومند؛ امّا اگر به این صورت نباشد، مثل این که سلاحی در اختیار قاتل قرار داده، یا جای مقتول را به او نشان داده، این گونه معاونت، مانع از ارث نیست.

سؤال ۸۸۴- در صورتی که خانمی از شوهرش، به اتّهام ضرب و جرح، شکایت نماید، و پس از محکومیّت زوج، زوجه فوت نماید، لطفاً بفرمایید:

الف) در فرض عدم انتساب فوت به شوهر، آیا زوج از دیهٔ ضرب و جرح که خود مسئول پرداخت آن است، ارث می‌برد؟

ب) در صورت انتساب قتل به شوهر، در سه صورت عمد، شبه عمد و خطای محض، آیا حکم مسأله تفاوتی پیدا می‌کند؟

جواب: شخصی که جنایتی کرده خودش از دیهٔ آن ارث نمی‌برد، بنابر احتیاط واجب، ولی اگر جنایت غیر عمدی باشد ارث می‌برد.

محروم کردن از ارث

سؤال ۸۸۵- مرحوم پدرم، به علّت این که از مسائل شرعی آگاهی نداشت، و در وقت نوشتن وصیّت‌نامه با اهل علم مشورت ننمود، اموال خود را طبق موازین شرع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۱

تقسیم نکرد. بلکه در بسیاری از موارد دخترانش را از ارث محروم کرده، و سهم آنها را به پسرانش داده است. حال می‌خواهیم بدانیم که آیا:

۱- پدرمان مقصّر است، و عند اللّه مؤاخذه می‌شود؟

۲- وظیفهٔ ورثه در مقابل این وصیّت، که حقّ بعضی داده نشده، چیست؟

جواب: پدر نمی‌تواند هیچ یک از فرزندانش را از ارث محروم کند؛ و اموال او طبق قانون خدا در میان دختر و پسر تقسیم می‌شود. فقط می‌تواند وصیّت کند که به مقدار ثلث اموالش یا کمتر، به هرکس مایل است بپردازند.

سؤالات متفرّقه

سؤال ۸۸۶- در مادّهٔ ۱۰۱۸ قانون مدنی، که برگرفته از فقه نورانی شیعه است، آمده: «حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده، مدّتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.» حال اگر شخص سی ساله‌ای غایب شود، و پس از دو سال ورثه تقاضای صدور حکم موت فرضی وی را نمایند، آیا محکمه می‌تواند با درخواست ورثه موافقت و مفقودیّت وی را در جرائد اعلام، و پس از انجام تحقیقات محلّی، هرگاه خبری از حیات و ممات وی بدست نیامد، حکم فوت فرضی وی را صادر نماید؟

جواب: حکم به موت تنها در صورتی امکان دارد که یا یقین به مرگ غایب حاصل شود، یا مدّت زمانی بگذرد که عادتاً تا آن زمان زنده نمی‌ماند.

سؤال ۸۸۷- مردی در اثر قتل عمد، یا شبه عمد، یا خطای محض، فوت شده، و در هر حال توافق بر اخذ دیه می‌شود. آیا این دیه جزء ترکه محسوب می‌شود، که دیون به آن تعلّق گیرد و بدواً پرداخت شود، سپس باقیمانده تقسیم گردد، یا دیون متوفّی از آن استخراج نمی‌شود؟

جواب: در حکم اموال میّت است، و دیون متوفّی از آن تأدیه می‌شود.

سؤال ۸۸۸- خانم بیوه‌ای با داشتن چند فرزند شوهر می‌کند. پس از مدّتی شوهر جدید نیز فوت می‌نماید. نحوهٔ ارث فرزندان زن از آن شخص به چه صورت است؟ در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۲

عکس مسأله آیا ورثه از نامادری ارث می‌برند؟

جواب: نه فرزند عیال از شوهر مادر ارث می‌برد، و نه شوهر از فرزندان او. و همچنین در عکس مسأله، یعنی بچّه‌های مرد از نامادری ارث نمی‌برند.

سؤال ۸۸۹- هفتاد و پنج سال پیش دو برادر به نام سیّد سلیمان و سیّد خداداد فرزندان سیّد علی زندگی می‌کردند. بعد از فوت پدر، املاک و ترکهٔ او را به طور مساوی بین خود تقسیم نمودند. سیّد خداداد به میل خود از منطقه کوچ کرده و به مکان دیگری می‌رود، بدون این که سهم خود را فروخته یا اجاره داده باشد. برادرش سیّد سلیمان با هماهنگی و همکاری شخصی به نام سیّد عبد اللّه (که در آن زمان در منطقه از نفوذ و شهرت مردمی برخوردار بوده) و همدستی چند نفر دیگر، حصّهٔ سیّد خداداد را به شرط بیع قطعی می‌فروشند. سیّد خداداد وقتی مطّلع می‌شود به منطقه آمده، سهم خود را مطالبه می‌نماید. برادرش و دیگران او را تهدید می‌کنند، و او به حقّ خود نمی‌رسد. از آن زمان تاکنون هیچ کس از ورثهٔ سیّد خداداد نتوانسته به حقّ خود برسد. لطفاً بفرمایید آیا وارثین سیّد خداداد می‌توانند حقّ خود را مطالبه کنند؟

جواب: چنانچه برادران، حقّ آن مرحوم را ضایع کرده‌اند، ورثهٔ او می‌توانند حقّ او را شرعاً بازپس بگیرند.

سؤال ۸۹۰- اخیراً خانمی به این جانب معرفی شده، تا وکالت او را برای وصول سهم الارث پدری‌اش بپذیرم. معرّف که شخص محترم خارجی (و مسیحی) است، ضمن معرّفی خانم، می‌گوید: «ظاهراً مشار الیها که مسلمان بوده مسیحی شده، و اکنون می‌خواهد سهم الارث پدری خود را که در تهران است (زمین و خانه و پول نقد) وصول کند. بدین جهت می‌خواهد به شما (به من) وکالت دهد.» این جانب ضمن ملاقات با خانم مذکور، بطور غیر مستقیم و ضمن صحبتی که پیش آمده بود، گفتم:

«بالاخره شما و ما مسلمان هستیم و تکالیفی داریم و » ... تا عکس العمل او را ببینیم، که آیا واقعاً مسیحی شده یا نه؟ خانم در برابر این سخن، نگفت من مسلمان نیستم و مسیحی شده‌ام، بلکه سکوت کرد. در چنین شرایطی برای من سؤالاتی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۳

پیش آمده که نظر مبارک مورد تقاضا است:

۱- آیا شرعاً تکلیف دارم بیش از این تحقیق کنم؟ آیا باید مطلب را صریحاً مطرح کنم و از دین او بپرسم؟

۲- آیا این مقدار که از معرّف نقل کردم در اسلام او تردید ایجاد می کند؟ اگر آری، آیا باید اسلام او را استصحاب کنم، یا تکلیف دیگری دارم؟

جواب ۱ و ۲: چنانچه حالت سابقهٔ او اسلام است، و دلیلی بر خلاف آن قائم نشده مشکلی ندارید.

۳- خانه‌ای که سهم الارث این خانم در آن بوده، (نصف آن) را به شخصی فروخته‌ایم و از محلّ ثمن، طبق توافقی که شده، حق الوکاله خود را برداشته‌ام. اگر بعدها معلوم شود این خانم واقعاً از اسلام خارج شده، و از پدرش که مسلمان بوده، اساساً ارث نمی‌برده، تکلیف خریدار چیست؟ حق الوکاله‌ای که از محلّ فروش خانه گرفته‌ام چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه ثابت شود که در حیات پدر مسیحی شده، ارث نمی‌برده، و هر چه شما یا دیگری از سهم او گرفته‌اید باید به سایر ورثه بازگردانید.

۴- آیا می‌شود در این خانه نماز خواند؟ آیا خریدار ضامن است که نصف خانه را به حاکم شرع (مقلَّد) بازگرداند، یا معاملهٔ وی محکوم به صحّت است؟ اگر موکول به اجازهٔ حضرتعالی است، اجازه می‌فرمایید؟ یا در ازای ردّ مظالم باید اجازه شود؟

جواب: همان گونه که در بالا گفته شد، اگر خلاف ثابت شود باید به سایر ورثه برگردد و مسأله ارتباطی به مظالم ندارد تا نیاز به اجازهٔ حاکم شرع داشته باشد.

۵- اگر بعداً معلوم شود که مسیحی شده بوده، وکالت برای کارها و اموال شخصی او (غیر از سهم الارث) چه صورتی دارد؟

جواب: در مورد اموالی که بعد از مسیحی شدن به دست آورده اشکالی ندارد.

سؤال ۸۹۱- آیا حقوق، مستمرّی، بیمه بازنشستگی و سایر مزایای کارمندان متوفّی، جنبهٔ ارث دارد؟ آیا آنچه دولت به بازماندگان متوفّی می‌دهد طبق قانون ارث تقسیم می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۴

جواب: مصرف آن تابع مقرّرات دولت است؛ اگر فقط به همسر و فرزند او می‌دهد باید فقط در آن راه مصرف شود، و اگر مقرّرات طور دیگری است باید به همان ترتیب عمل شود.

سؤال ۸۹۲- آیا سرمایهٔ بیمهٔ عمر، و خسارت فوق ناشی از حوادث رانندگی، و دیگر بیمه‌ها، طبق قانون ارث تقسیم می‌شود؟ در صورتی که در قرارداد بیمه، شرط خاصّی در این زمینه گنجانده شده باشد، آیا نافذ است؟

جواب: در مورد بیمهٔ عمر باید طبق شرایط و مقرّرات بیمه مصرف شود، و امّا در مورد خسارات رانندگی، خواه مالی باشد یا جانی، حکم سایر اموال میّت را دارد.

سؤال ۸۹۳- آیا خنثای مشکل، طبیعت ثالثه غیر از زن و مرد است، یا حکم یکی از آن دو را دارد؟

جواب: خنثای مشکل در واقع یا مذکّر است یا مؤنث.

سؤال ۸۹۴- در صورت تعدّد طلبکاران، و عدم کفایت دارایی متوفّی جهت ادای کلّ دیون، آیا شرعاً می‌توان بین انواع طلبکاران و دیون (به شرح ذیل) حقّ تقدم و اولویّت قائل شد؟ در صورت امکان، ترتیبِ اولویّت‌ها را مرقوم فرمایید:

۱- نفقه و مهریّهٔ زوجه.

۲- نفقهٔ فرزندان صغیر.

۳- دیونی که از بابت آن مالی از بدهکار نزد طلبکاران رهن، وثیقه یا توقیف است.

۴- دستمزد و حقوق خدمه و کارگران منزل و محلّ کار متوفّی.

۵- دستمزد و هزینهٔ بیمارستان و طبیب و داروخانه، جهت مداوای بیمار قبل از فوت.

۶- بدهکاری به حکومت اسلامی (از قبیل: مالیات، قبوض آب و برق و گاز و مانند آن).

۷- دیون شرعی (خمس و زکات) و گرفتن اجیر برای ادای نماز و روزه و حجّ واجب.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۵

۸- هزینهٔ کفن و دفن و مراسم ختم متعارف.

جواب: هزینه کفن و دفن متعارف مقدّم بر همه چیز است، ولی مراسم ختم و یاد بود جزء واجبات نیست. همچنین نفقهٔ اولاد صغیر اگر قبلًا پرداخت نشده، جزء دیون محسوب نمی‌شود. هزینهٔ نماز و روزه را نیز نمی‌توان از اموال میّت برداشت. بقیّهٔ دیون در یک ردیف قرار دارند، و باید به نسبت برداشته شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۷

فصل چهل و سوم: امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۸۹۵- امر به معروف و نهی از منکر مرد نسبت به زن نامحرم، یا بالعکس چگونه باید صورت پذیرد؟

جواب: باید به صورتی باشد که خلاف شرعی در آن پیش نیاید، و به زبان خوش و منطقی انجام گیرد.

سؤال ۸۹۶- اگر کسی با راه رفتن یا صحبت کردن در مکان عمومی، موجب اذیّت و آزار دیگران شود، چه حکمی دارد؟ بر فرض حرام بودن، آیا باید نهی از منکر کرد؟

جواب: کار خلافی انجام داده، و لازم است با زبان خوش او را نهی از منکر کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۴۹

فصل چهل و چهارم: احکام دفاع

سؤال ۸۹۷- در مورد صدمات وارده بر شخص در مقام دفاع بفرمایید:

الف) چنان چه شخصی در مقام دفاع از خود، مجبور به عملی شود که صدمهٔ بدنی به وی وارد کند، یا موجب مرگ وی گردد، مسئولیّت مرگ مدافع، یا صدمات وارده بر عهدهٔ کیست؟ به عنوان مثال اگر برای فرار از تجاوز جنسی خود را به شیشه‌ای بزند و مجروح شود، یا در اثر پریدن از بلندی پای او بشکند، یا فوت نماید، چه کسی ضامن است؟

جواب: در صورتی که شخص مهاجم او را هُل داده، یا سبب جراحت، یا سقوط از بلندی شده، او مسئول است، ولی اگر خودش برای نجات خود چنین کاری کرده، دیه یا قصاص بر کسی نیست؛ هر چند مهاجم تعزیر شدید دارد.

ب) در فرض فوق، آیا بین صورتی که راه فرار منحصر در آنچه انتخاب کرده بوده، و موردی که راه دیگری برای فرار وجود داشته، ولی شخص مورد هجوم در اثر ترس یا عجله از این طریق اقدام نموده، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: از نظر دیه فرقی نمی‌کند، ولی از نظر تعزیر تفاوت دارد.

سؤال ۸۹۸- اگر کسی که ربوده شده، در معرض مرگ باشد، و برای گریز از آن، راهی جز مقاتله نداشته باشد (مثل این که با ممانعت مسلّحانهٔ رباینده مواجه شده باشد)، تکلیف او چیست؟

جواب: می‌تواند از خود دفاع کند؛ هر چند بناچار مستلزم نابودی طرف گردد.

سؤال ۸۹۹- آیا مکرِه بر امر حرامی مثل لواط یا زنا، خونش هدر است؟ اگر راهی جز کشتن وی وجود نداشته باشد چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۰

جواب: در صورتی که راه منحصر به کشتن باشد، خونش هدر است.

سؤال ۹۰۰- اگر مرد مسلمانی نیمه شب به منزل مسکونی خود وارد شود، و بدون قصد قتل، و بی‌اطّلاع از این که فردی اجنبی در داخل خانه است، با فردی مواجه شود که دو بار مزاحمت ناموسی برای همسرش داشته، و در دادگاه محکومیّت پیدا کرده، و از شرایط موجود خانه، و وجود فیزیکی متجاوز، و دیگر قرائن معقول علم پیدا کند که برای تجاوز به ناموسش به حریم خانهٔ او وارد شده، لذا با او درگیر شده و در یک وضعیّت خاص و بحرانی و غافلگیرکننده، که ترس فوت وقت و غلبهٔ متجاوز بوده، و امکان توسّل به نیروی انتظامی نداشته، و نتواند به طریق آسانتر متجاوز را دفع کند، و پس از درگیری کوتاهی ناچاراً با کارد آشپزخانه به دفاع از ناموس و جانش می‌پردازد، که در نهایت منتهی به قتل زانی می‌گردد. سپس شخصاً به نیروی انتظامی رفته و خود را تسلیم قانون می‌کند. آیا دیه‌ای به شخص زانی و اولیای دم او تعلّق می‌گیرد؟

جواب: در صورتی که دفاع به کمتر از قتل فرد اجنبی امکان‌پذیر نبوده، خونش هدر است و دیه ندارد.

سؤال ۹۰۱- علی خواهری ۲۲ ساله دارد. حسن چندین نوبت به خواستگاری وی رفته، ولی با مخالفت خانوادهٔ دختر روبرو گشته است. تا این که چند ماه پیش به منزل خانوادهٔ دختر رفته، و مجدّداً از خواهر علی خواستگاری می‌کند، ولی بازهم پاسخ منفی می‌شنود. سپس حسن مدّعی می‌شود که به زور به خواهر علی تجاوز کرده است! علی با شنیدن این سخن، عصبانی شده، و به خاطر غیرت و تعصّب، و با اسلحهٔ گرم حسن را به قتل می‌رساند. این مطالب در مراحل مختلف تحقیق و دادرسی در مراجع انتظامی و دادگاه توسّط قاتل بیان گردیده، و خواهر او نیز همین مطلب را با اندکی اختلاف تأیید کرده، و بر اظهارات حسن صحّه گذارده است. حکم این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که قتل جنبهٔ عمد داشته، در اینجا حکم آن قصاص است.

و در صورتی که بی‌اختیار شده و از حالت عادّی بیرون رفته، یا خیال می‌کرده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۱

کشتن متجاوز شرعاً برای او جایز است، قصاص ندارد، امّا دیه دارد. و اگر مشکوک باشد نیز دیه تعلّق می‌گیرد، و قصاص نمی‌شود.

سؤال ۹۰۲- دو نفر دست و پای جوان ۱۶ ساله‌ای را بسته، و سپس به او تجاوز کرده‌اند. متجاوزین پس از عمل زشت مذکور به خواب می‌روند. آن جوان از غفلت آنها استفاده کرده و در حین خواب، یکی را با آهن مضروب و در نتیجه به قتل رسانده، و دیگری را بعد از بیداری با آلت تیزی (کارد) به قتل می‌رساند. با توجّه به این که متّهم این اعمال را به عنوان دفاع از خود، و به تصوّر این که مقتولین مهدور الدّم بوده‌اند، انجام داده، آیا محکوم به قصاص است؟

جواب: چنانچه ثابت شود قاتل این کار را به عنوان دفاع از خود، و از ترس این که مبادا مجدّداً مورد تجاوز واقع شود، انجام داده، نه قصاص دارد و نه دیه؛ ولی در صورتی که ثابت شود تصوّر او این بوده که آنها مهدور الدم هستند، و حکم خدا را در مورد آنها اجرا می‌کند، قصاص ندارد ولی دیه دارد.

سؤال ۹۰۳- شخصی نیمه شب وارد خانه‌ای می‌شود. صاحب خانه به همراه همسرش بیرون از منزل بوده، و چهار نفر از فرزندانش در خانه بودند. پسر ۱۸ ساله صاحبخانه با شنیدن صدایی از خواب بیدار شده، و به آشپزخانه رفته، و چاقویی بر می‌دارد. در تاریکی شب صدای بسته شدن در حمام را می‌شنود. با حالت ترس و چاقو در دست، به طرف حمام حرکت می‌کند، وقتی به آنجا می‌رسد می‌بیند کسی داخل حمام پنهان شده، و در را از داخل فشار می‌دهد تا بسته شود. او نیز در را از بیرون فشار می‌دهد تا آن را باز کند. ناگهان در باز می‌شود و شخصی ۲۹ ساله از داخل حمّام به قصد فرار خارج می‌شود. در همین حین چاقوی پسر صاحبخانه درست به قلب وی اصابت، و منجر به فوت او می‌شود. حکم این مسأله چیست؟

اگر خواهر قاتل با مقتول رابطه‌ای داشته، و با دعوت وی وارد خانه شده، و قاتل از این امر اطّلاعی نداشته باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که قاتل به تصوّر این که فرد مزبور مهاجم است، و برای دفاع از خویش و دیگر اعضای خانواده او را کشته، خون مقتول هدر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۲

سؤال ۹۰۴- دربارهٔ دفاع مشروع بفرمایید:

الف) اگر شخصی دیگری را مجروح کند یا بکشد، و ادّعا کند که در مقام دفاع بوده، امّا اولیای دم مدّعی باشند از باب دفاع نبوده، آیا قصاص و دیه ساقط است؟

جواب: در صورتی که نتواند ادّعای خود را با ادلّهٔ شرعی ثابت کند قصاص می‌شود.

ب) آیا فرد می‌تواند در مقام دفاع از اقوام خویش یا افراد دیگر، مهاجمی را که به آنها تجاوز کرده به قتل برساند؟

جواب: در صورتی که هیچ راهی برای دفع متجاوز جز قتل او نباشد این کار جایز است؛ ولی چنان چه بعداً نتواند این مطلب را ثابت کند قصاص می‌شود.

ج) فردی به خیال این که دیگری مهاجم است، به سوی وی تیراندازی کرده، و او را می‌کشد. آیا قصاص می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال فقط دیه دارد.

سؤال ۹۰۵- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر فردی مورد تعرّض و تهاجم قرار گیرد، ولی ناتوان از دفاع مشروع باشد، و ما به کمک او برویم، لکن با وجود این که جانش در خطر است کمک ما را نپذیرد، بلکه رد کند، وظیفهٔ ما چیست؟

۲- در فرض مسأله، اگر ما جهت کمک به او درگیر شده، و باعث قتل مهاجم شویم، چنانچه دفع خطر مهاجم، متوقّف بر قتلش باشد، آیا در محکمه می‌توان به دفاع مشروع استناد نمود؟

۳- در فرض مذکور، یا در مورد تعرّض به عرض و ناموس غیر، اگر نتوان از باب دفاع مشروع وارد شد، از باب امر به معروف و نهی از منکر تا چه میزان امکان کمک و اقدام وجود دارد؟ اگر منجر به قتل مهاجم شود، با فرض این که دفاع متوقّف بر قتل او باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: توسّل به دفاع مشروع در فرض مسأله، که جان کسی در خطر است، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۳

سؤال ۹۰۶- در موارد عدم جواز برخورد با جانی یا سارق، حکم قتل جانی یا سارق توسّط مدّعی دفاع چیست؟

جواب: باید ثابت شود که شخص مدّعی دفاع واقعاً در مقام دفاع از خویشتن سارق را کشته، و برای حفظ جان یا مال خود راه دیگری نداشته است.

سؤال ۹۰۷- عملیّات شهادت طلبانهٔ مسلمانان فلسطینی، که به خود موادّ انفجاری بسته و به مواضع دشمن حمله می‌کنند، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ آیا ایرانیان نیز می‌توانند به آنجا بروند، و این کار را انجام دهند؟

جواب: در صورتی که مردم فلسطین برای دفاع از خود راهی جز این کار نداشته باشند، جایز است. و اقدام مردم سایر کشورها به این کار، بدون هماهنگی با حکومتهایشان جایز نیست.

سؤال ۹۰۸- هرگاه کفّار بر یکی از کشورهای اسلامی مسلّط شوند، و اظهار شعایر اسلامی در آن کشور مقدور نباشد، ولی امکان هجرت به کشوری که اظهار شعایر دینی در آن ممکن است، وجود داشته باشد، آیا هجرت واجب می‌شود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که هجرت کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۵

فصل چهل و پنجم: احکام حدود

مقدّمات حدود:

الف) اقرار

سؤال ۹۰۹- در اثبات حدّ زنا و لواط تعدّد اقرار شرط است. آیا در صورت به عنف بودن امور فوق، نیز تعدّد اقرار شرط است؟

جواب: آری تعدّد اقرار شرط است.

سؤال ۹۱۰- آیا اقرار به جرم موجب حد، پس از توبهٔ از آن جایز است؟ آیا آثاری از نظر مجازات بر این اقرار بار می‌شود؟

جواب: اقرار اشکال دارد، و اثری ندارد.

سؤال ۹۱۱- آیا اقرار به حقّ الناس، مثل قتل عمد و قذف، بر متّهم واجب است یا حرام؟

جواب: اقرار واجب نیست، ولی باید به شکلی حقّ الناس را ادا کند.

سؤال ۹۱۲- در اثبات کلّیهٔ حدود، جز حدّ محاربه و افساد فی الارض، تعدّد اقرار شرط است. حال اگر متّهم اقرار به کمتر از حدّ نصاب کند، آیا تعزیر می‌شود؟

جواب: تعزیر کردن در این صور اشکال دارد.

سؤال ۹۱۳- آیا قاضی مکلّف است، به مقر القا کند که از اقرارش عدول کند؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا در همهٔ حدود، حتّی حدودی که حقّ الناس است (مثل حد قذف و سرقت،) این وظیفه را دارد؟

جواب: قاضی مکلّف به چنین امری نیست.

سؤال ۹۱۴- هرگاه کسی اقرار به زنا کند، سپس آن را انکار نماید، چنانچه حدّ وی قتل یا رجم باشد، با انکار بعدی حدّ رجم و قتل ساقط می‌شود، در غیر این صورت،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۶

با انکار بعد از اقرار حدّ ساقط نمی‌شود. آیا این حکم اختصاص به حدّ زنا دارد، یا در سایر حدود (مانند حدّ لواط) نیز جاری است؟

جواب: این حکم در حدّ لواط و مانند آن نیز جاری است.

ب) شهادت

سؤال ۹۱۵- در مورد اعتبار مشاهده در شهادت بر زنا، آیا دیدن مقدّمات ملازم کافی است؟ یا تنها رؤیت ولوج و إدخال معتبر است؟

جواب: دیدن مقدّمات کافی نیست.

سؤال ۹۱۶- آیا در اعتبار مشاهده در شهادت بر زنا، مشاهدهٔ مستقیم شرط است، یا مشاهدهٔ غیر مستقیم نیز کافی است؟ مثلًا اگر شهود از طریق آینه یا دوربین مدار بسته به صورت زنده و مستقیم صحنه را مشاهده کنند، آیا شهادتشان به عنوان بیّنه شرعی حجّت است؟

جواب: از طریق آینه و دوربین مانعی ندارد.

ج) بلوغ و رشد

سؤال ۹۱۷- آیا همان گونه که در صحّت معاملات علاوه بر بلوغ، رشد را نیز لازم می‌دانید، می‌توان «مسئولیّت کیفری» را زمانی متوجّه کودک دانست که علاوه بر برخورداری از بلوغ شرعی، دارای رشد جزایی نیز باشد؟

جواب: آری در این موضوعات نیز رشد کافی برای آنها لازم است.

سؤال ۹۱۸- آیا اجرای مجازات‌های اسلامی نسبت به فرد تازه به بلوغ رسیده (دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله) منوط به احراز رشد عقلانی آنها می‌باشد؟

جواب: آری منوط به احراز رشد عقلانی است.

سؤال ۹۱۹- با توجّه به اختیارات دولت اسلامی، آیا می‌توان در مجازات پسر یا دختر کمتر از ۱۸ سال تخفیف قائل شد؟

جواب: در تعزیرات تخفیف به دست حاکم شرع است، و همچنین در مواردی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۷

که حد از طریق اقرار ثابت شود نه از طریق بیّنه، و مجرم نادم باشد.

سؤال ۹۲۰- در موادّ قانونی سنّ بلوغ دختر ۹، و پسر ۱۵ سال (قمری) ذکر شده است. در حالی که این سنّ، مبنای اجرای احکام دینی است، نه مسائل کیفری. با توجّه به این که میزان عقل در این سنّ کم است، و کودکان توسّط افراد ناباب گول خورده و توان تحمّل موارد کیفری را ندارند، لذا سنّ واقعی را برای مرز بین کودکی و بزرگسالی جهت اجرای احکام کیفری در مورد آنان (کودکان) مرقوم فرمایید.

جواب: در صورتی که رشد عقلی نسبت به این مسائل نداشته باشند، محکوم به کیفر نمی‌گردند، و تنها تأدیب می‌شوند.

د) توبه

سؤال ۹۲۱- هرگاه پس از احراز اتّهام زنا، متّهمه یا متّهم مدّعی توبه باشد، آیا تقاضای عفو، باید قبل از صدور حکم باشد، یا بعد از صدور حکم نیز چنین حقّی دارد؟

جواب: در صورتی که بعد از صدور حکم، ادّعای توبه کند و ثابت نشود، حدّ ساقط نمی‌شود، ولی اگر بتواند توبهٔ قبل از دستگیری را اثبات کند، حدّ ساقط می‌شود.

سؤال ۹۲۲- با توجّه به نظر مشهور فقهای امامیّه، مبنی بر این که: «اگر کافر ذمّی بعد از ارتکاب زنا با زن مسلمان اسلام آورد، حد از او ساقط نمی‌شود.» لطفاً بفرمایید:

آیا بر اساس این نظر، توبهٔ وی بعد از پذیرش اسلام، می‌تواند مسقط حد باشد، یا حاکم شرع مجاز به عفو وی می‌باشد؟

جواب: در صورتی که گناه او از طریق اقرار ثابت شده باشد، حاکم شرع می‌تواند بعد از توبه او را عفو کند.

سؤال ۹۲۳- فقهای ما در بسیاری از حدود، مثل حدّ زنا، لواط و مساحقه، فرموده‌اند: «در صورتی که جرم با اقرار ثابت شده، و اقرارکننده پس از اقرار توبه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۸

نماید، امام (حاکم، ولیّ امر) مخیّر بین عفو و اجرای حدّ است.» و در قانون مجازات اسلامی آمده: «دادگاه می‌تواند از ولیّ امر تقاضای عفو نماید.» در این رابطه سؤالات ذیل مطرح است:

۱- با توجّه به این که قاضی پرونده معمولاً غیر مجتهد بوده، و بر اساس قوانین مدوّن حکم می‌نماید، آیا در چنین مواردی باید بعد

از اثبات جرم و قبل از صدور حکم، تقاضای عفو نماید؟ (زیرا عدّه‌ای معتقدند که در صورت انشای حکم، جای درنگ نیست و حدّ باید جاری گردد.) یا می‌تواند انشای حکم نماید، و سپس بنا به تقاضای محکوم و با توجّه به شرایط وی تقاضای عفو کند؟

جواب: تفاوتی بین انشای حکم و عدم انشای حکم نیست.

۲- در فرض سؤال، آیا تفاوتی بین توبهٔ قبل از صدور حکم و بعد از صدور حکم وجود دارد؟ قلمرو زمانی توبه تا کجاست؟ با توجّه به این که مطابق بعضی از روایات، تا وقتی نفس به گلوگاه برسد (مرگ انسان نزدیک شود،) توبه قبول می‌شود، آیا اینجا نیز چنین است؟ و حتّی هنگام اجرای حکم نیز اگر توبه کند، حاکم اختیار عفو خواهد داشت؟

جواب: تفاوتی نمی کند.

۳- آیا بین اقرار شخص از روی ندامت و برای تطهیر از گناه، با اعترافی که در پی بازجویی‌ها به عمل می‌آید، و شخص چاره‌ای جز اقرار و اعتراف ندارد، از این حیث تفاوتی وجود دارد؟ و آیا اقرار نوع اوّل، که ظاهر در ندامت است، کفایت از توبه می کند، یا این که تصریح به توبه شرط جواز عفو است؟

جواب: توبه در هر صورت مجوّز عفو است.

۴- با توجّه به این که شخص محدود مجازاتهای تبعی (احکامی چون محرومیّت از بعضی مناصب، از قبیل منصب قضاوت، جمعه و جماعت و مانند آن) نیز دارد، اگر مستوجب حدّ به جهاتی مشمول عفو قرار گیرد، آیا احکام و مجازاتهای تبعی نیز برداشته می‌شود، یا آنها در ارتباط با ارتکاب جرم بوده و ثابت است؟ در این رابطه بین تائب و غیر تائب تفاوتی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۵۹

جواب: مناصبی که مشروط به عدالت است، در صورت توبه و بازگشت ملکهٔ عدالت، قابل بازگشت است.

سؤال ۹۲۴- در قانون مجازات اسلامی آمده که: «اگر زانی، یا زانیه قبل از ادای شهادت شهود توبه نماید، حدّ بر وی جاری نمی‌شود.» آیا این تخفیف شامل زنای به عنف نیز می‌شود؟

جواب: حدّ، که حقّ اللّه است، با توبهٔ قبل از دستگیری ساقط می‌شود؛ ولی حقّ النّاس، مانند پرداختن مهر المثل، در مقابل تجاوز به عنف با توبه ساقط نمی‌شود.

سؤال ۹۲۵- هرگاه متّهم به زنا، در تمام مراحل تحقیقات، حتّی نزد وکیل، اقرار و اعتراف نموده و ادّعای توبه کند، و از مقام معظّم رهبری تقاضای عفو کرده، و قاضی مربوطه نیز تقاضای عفو ایشان را اعلام نماید. آیا در این صورت مجاز است صدور رأی را تا حصول جواب به تأخیر اندازد؟

جواب: در صورت ثبوت جرم، قاضی می‌تواند منتظر عفو بماند.

سؤال ۹۲۶- آیا توبهٔ مجرم در جرایم تعزیری قبل از دستگیری و تسلّط بر او (بر فرض احراز) موجب سقوط تعزیر می‌شود، یا این حکم اختصاص به حدود دارد؟

و بر فرض سقوط تعزیر، آیا حاکم می‌تواند مجرم را در جایی که عمل ارتکابی موجب اخلال در نظم شده، یا بیم تجرّی دیگران در بین باشد، یا خوف وسیعی ایجاد شده، به منظور بازدارندگی و دفاع از حقوق عمومی مجازات نماید؟

چنانچه پاسخ اخیر مثبت باشد، این مطلب به ذهن می‌آید: «همانطور که حدّ محاربه، و لو مستلزم عوارض منفی مذکور باشد، با توبهٔ مرتکبان «قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ» ساقط می‌شود، پس مجازاتهای دون الحدّ نیز به طریق اولیٰ ساقط می‌شود.»

آیا این مطلب صحیح است، یا قیاس مع الفارق است؟ همان گونه که سقوط حدّ الهی موجب سقوط حقّ عمومی نیست. بدین معنی که چون مردم ناگزیرند برای تنظیم و تنسیق امور خود، نواهی و اوامری را (غیر از حرام و واجب خداوندی) بین خود مقرّر نموده و برای آن ضمانت اجرا تعیین نمایند، لذا پذیرفته نیست که اخلال کنندگان در نظم، و در واقع اخلال کنندگان نسبت به حقوق

عمومی، به واسطهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۰

سقوط حقّ اللّه از کیفر نقض مقرّرات اجتماعی رهایی یابند؛ مگر آن که متولّی این حق (حاکم) به نمایندگی از مردم گذشت نماید. نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: تعزیرات نیز با توبهٔ قبل از دستگیری ساقط می‌شود؛ ولی مشروط بر آن است که آثار توبه در عمل او مشاهده شود، و با توجّه به این شرط، بسیاری از توبه‌کنندگان، که عمل آنها ندامت آنها را نشان نمی‌دهد، مشمول این قانون نخواهند شد. و مشکل اجتماعی مسأله را می‌توان از این طریق حل کرد، و عناوین ثانویّه، مانند اخلال در نظم عمومی، به تنهایی نمی‌تواند مجوّز تعزیر گردد.

ه) اجرای حد در ملأ عام

سؤال ۹۲۷- با توجّه به آیهٔ شریفه‌ی ... «وَ لْیَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ»: لطفاً به سؤالات زیر در مورد حدّ تازیانه پاسخ فرمایید:

الف) منظور از «طائفه» چیست؟ آیا حضور چند نفر در یک محیط بسته کفایت می‌کند، یا باید در ملأ عام باشد؟

جواب: لازم نیست در ملأ عام باشد، ولی در مواردی که تودهٔ مردم از وقوع جرم با خبر شده باشند، و اجرای مجازات در ملأ عام اثر مطلوبی داشته باشد، اولی آن است که در ملأ عام صورت گیرد.

ب) «مؤمنین» چه کسانی هستند؟ ایمان به معنای خاص، یا به معنای عام؟

جواب: منظور ایمان به معنای عام است.

ج) آیا رعایت شروط فوق الذّکر شرعاً واجب است؟ یا مستحب می‌باشد؟

جواب: حضور جمعی از مؤمنین الزامی است.

د) آیا حکم آیهٔ شریفهٔ مذکور، به شلّاق تعزیری نیز سرایت می‌کند؟

جواب: در مورد شلاق تعزیری حکم به وجوب حضور طائفه مشکل است؛ ولی جواز آن در صورتی که برای تنبیه مردم مفید باشد، بی‌اشکال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۱

و) چگونگی کشف جرم

سؤال ۹۲۸- همان گونه که از اخبار و احادیث معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود شارع مقدّس در روابط نامشروع بنابر افشا و رسوایی زن و مرد ندارد. لذا طریقهٔ اثبات اعمال منافی عفّت را چهار بار اقرار، یا شهادت چهار شاهد عادل قرار داده است؛ به همین جهت برخی از محاکم در این گونه جرائم بنا بر تفتیش و اثبات جرم ندارند. وظیفهٔ محاکم هنگامی که پای شاکی خصوصی در میان است چیست؟ آیا در این گونه موارد بر قاضی واجب است به علم خود عمل کند، یا می‌تواند به علم خود عمل کند؟

جواب: شاکی حقّ شکایت دارد، و چنانچه بتواند ادّعای خود را با دلیل شرعی اثبات نماید، حاکم باید طبق موازین شرع مقدّس به وظیفهٔ خود عمل کند، و قاضی در این گونه موارد تحقیقات لازم را جهت احقاق حقّ شاکی انجام می‌دهد، و چنانچه از مقدّمات حسّی، یا قریب به حسّ، برای او علم حاصل شود، علم او حجّت است.

ز) تغییر نوع مجازات

سؤال ۹۲۹- با توجّه به تبلیغات شدید رسانه‌های خارجی علیه حکومت اسلامی و دین مبین اسلام، اگر اجرای بعضی از حدود موجب وهن اسلام گردد، لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: آیا می‌توان از اجرای آن صرف نظر کرد؟

ثانیاً: در صورت جواز، تشخیص موهن بودن به عهدهٔ چه فرد یا افرادی خواهد بود؟

و ثالثاً: چه مجازاتی جانشین حدّ اجرا نشده خواهد شد؟

جواب: در فرض مسأله، می‌توان آن را به صورتی که این اثر را نداشته باشد انجام داد، و تشخیص آن با حاکم شرع و مراجع تقلید است؛ ولی نباید در برابر هر شعاری از سوی مخالفین تسلیم شد.

سؤال ۹۳۰- در مواردی که شارع مقدّس شیوه یا ابزار خاصّی را در اجرای مجازات در نظر گرفته؛ مانند رجم، یا کشتن با شمشیر، لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۲

۱- آیا شیوه یا ابزار یاد شده موضوعیّت دارد؟ به عبارت دیگر، آیا در این گونه موارد هدف شارع مقدّس فقط از بین بردن مجرم است، و لو با استفاده از ابزار نوین باشد، یا انجام این کار به شیوه یا ابزار منصوص ضرورت دارد؟

۲- در صورت موضوعیّت داشتن، چنانچه اجرای رجم یا مجازاتهایی نظیر مجازات لواط با شیوه‌های منصوص، در شرایطی خاصّ به مصلحت اسلام و نظام مقدّس اسلامی نباشد (مثلًا موجب وهن اسلام و مسلمین گردد، یا چهرهٔ خشنی از اسلام یا نظام اسلامی نشان دهد.) آیا می‌توان ضمن اجرای اصل حکم، شیوهٔ اجرای آن را تغییر داد؟

جواب: ظاهر ادلّه موضوعیّت است؛ ولی با عناوین ثانویّه می‌توان آن را تغییر داد، و در بسیاری از شرایط در عصر و زمان ما انتخاب شیوهٔ رجم یا حدّ لواط مشکل دارد.

اقسام حدود

۱- حدّ زنا

اشاره

سؤال ۹۳۱- در مادّهٔ ۶۳ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «زنا عبارتست از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است.» بعضاً از این جمله چنین استفاده می‌شود:

«چنانچه مرد و زنی حرمت ذاتی در عمل زناشویی آنها نباشد، این زناشویی حرمت ندارد، و وقتی که حرمت نداشته باشد، رجم و جلد شامل آنها نخواهد شد.» و در مادّهٔ ۶۶ همان قانون، چنین می‌خوانیم: «هرگاه مرد و زنی که با هم جماع نموده‌اند، ادّعای اشتباه و ناآگاهی کنند، در صورتی که احتمال صدق مدّعی داده شود، ادّعای مذکور، بدون سوگند پذیرفته می‌شود، و حدّ ساقط می‌گردد.» مفهوم مخالف جملات اخیر چنین می‌شود: «در صورتی که احتمال صدق مدّعی داده نشود، مدّعی می‌تواند با اتیان سوگند، مبنی بر این که دچار اشتباه و ناآگاهی شده، خود را از اجرای حدّ نجات دهد.» آیا منظور از کلمات «اشتباه و ناآگاهی» که در مادّهٔ اخیر الذّکر آمده، اعمّ از اشتباه موضوعی و حکمی است، یا فقط اشتباه موضوعی منظور است؟ لطفاً بقیّهٔ موادّ مذکور را نیز توضیح دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۳

جواب: منظور از جملهٔ «ذاتاً حرام است» خارج نمودن موردی است که بالعرض حرام شده است. مثلًا زن در حال حیض، یا ماه مبارک رمضان بر شوهرش حرام است که این حرمت ذاتی نیست، و لذا جماع آنها، زنا محسوب نمی‌شود؛ امّا اگر با هم عقد زوجیّت نخوانده باشند، ذاتاً حرام است. و امّا منظور از جملهٔ «بدون شاهد و سوگند » ... این است که ادّعای اشتباه کافی است، و لازم نیست او را وادار به سوگند کند، و اگر احتمال صدق وجود ندارد، سوگند بی‌فایده است. ادّعای (اشتباه و ناآگاهی) نیز خواه در جهت حکم باشد یا موضوع، یکسان است.

زنای محصنه

سؤال ۹۳۲- زنی با داشتن همسر دائمی و شرعی، و تمامی شرایط یک زندگی سالم و آبرومند، و حقّ همخوابی با شوهر دائمی و رسمی خود، مرتکب عمل شنیع زنا می گردد، که این عمل با چهار بار اقرار نزد قاضی دادگاه، و گواهی سازمان پزشکی قانونی به اثبات می‌رسد. در حالی که شوهر این زن فقط یک شب (یعنی کمتر از ۲۴ ساعت) از همسر خود دور بوده، و شب قبل از سفر همخوابی داشته‌اند. حکم این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که یک شب دور بوده، اجرای حدّ زنای محصنه دربارهٔ او مشکل است.

سؤال ۹۳۳- دختری به عقد مرد نابینایی در می‌آید، و مدّتی (حدود ۴۵ روز) پس از عروسی و زندگی مشترک و تمکین از زوج، او را ترک می کند، دختر ادّعا می‌نماید که آن مرد او را فریب داده، و برادرش را، که از نعمت بینایی کامل بهره‌مند است، در زمان عقد به عنوان زوج معرّفی کرده است! و تقاضاهای متعدّدی تحت عنوان فسخ نکاح و طلاق به دادگاههای عمومی کشور تقدیم داشته که در یکی از پرونده‌ها، ادّعای وی (فریب) مورد رسیدگی قرار گرفته و دادگاه حکم به ردّ دعوای وی و وجود علقهٔ صحیح و شرعی زوجیّت دائم بین نامبردگان صادر کرده است، و تقاضای طلاق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۴

وی نیز به دلیل امتناع زوج، و ایرادهای شکلی رد شده است. زوجه پس از انقضای حدود چهار سال با مرد دیگری ازدواج کرده، و مرتکب زنا شده است. زانی نیز متأهّل و شرایط احصان را دارا بوده، و طبق تحقیقات انجام شده، از وضعیّت زن (زانیه) آگاه بوده است. آیا مشارٌ الیها به لحاظ غیر محصنه بودن (دوری چهارساله از زوج البتّه به اختیار خود) مشمول حدّ زنای غیر محصنه است؟ آیا مرد با توجّه به وضعیّت فوق الذّکر مشمول حدّ رجم است، یا به لحاظ شبهه، حدّ رجم از او درء می‌شود؟ و در صورت اخیر، آیا حدّ جلد، یا تعزیر در مورد وی جاری می گردد؟

جواب: در فرض مسأله زن به خاطر همان جدایی از شوهرش مشمول احکام محصنه نیست، و همچنین مرد، با توجّه به این که متمسّک به عقد ازدواج شده، و این خود یکی از دلایل شبهه می‌باشد، او هم مشمول حکم محصن نیست، ولی هر دو به خاطر تقصیر در سؤال از حکم مسأله، و ارتکاب کار خلاف، مستحقّ تعزیرند.

سؤال ۹۳۴- آیا زانی در موارد ذیل مستوجب رجم است؟

۱- به قصد فرار از تحقّق احصان، به مسافرت رفته و مرتکب زنا شده است.

۲- در شرایطی مرتکب زنا شده که همسر وی- زن یا شوهر- به علّت بیماری، آمادگی جماع نداشته، گرچه سایر استمتاعات ممکن بوده است.

۳- زنا وقتی محقّق شده که به علّت اختلافات خانوادگی، یا انزجار همسر از او، جماع با وی ممکن نبوده است.

۴- ارتکاب زنا به هنگام روزه‌داری همسر بوده است.

۵- زن در ایّام عدّهٔ طلاق رجعی مرتکب زنا شده است. (با عنایت به این که حقّ رجوع ندارد.)

۶- مرد در ایّام حیض یا نفاس همسرش مرتکب زنا شده است.

جواب: در هیچ یک از صور بالا زنای محصنه ثابت نیست، مگر در مورد روزه؛ زیرا مقدار ممنوعیّت روزه ضرر به احصان نمی‌زند، هر چند مشهور در میان فقها این است که در عدهٔ رجعیّه از ناحیهٔ مرد و زن، زنای محصنه محسوب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۵

می‌شود؛ ولی دلیل آنها قانع‌کننده نیست.

سؤال ۹۳۵- شخصی به خاطر ارتکاب عمل شنیع زنا با دختر کوچکی، محکوم به رجم شده، و مستند حکم قاضی اقرار خود شخص بوده که در مراحل مختلف دادرسی حاصل شده، و موجب علم قاضی شده است. مجرم به هنگام اجرای حکم، از گودال فرار می‌کند. با توجّه به این که مستندِ حکم هم اقرار خود شخص و هم علم قاضی (احتمالًا ناشی از اقرار محکوم) بوده، آیا شخص محکوم دوباره به گودال برگردانده می‌شود، یا حکم اجرا شده تلقّی می‌شود؟

جواب: اگر مستند تنها اقرار باشد، محکوم را بازنمی‌گردانند، و اگر مستند علم قاضی باشد (از هر طریقی حاصل شود) بازگرداندن بعید نیست، ولی چون مسأله از مصادیق تدرء الحدود بالشبهات است، احتیاط واجب ترک آن است.

تداخل حدّ و تعزیر

سؤال ۹۳۶- هرگاه شخصی متّهم به زنای غیر محصن باشد، و در مرحلهٔ سوّم و چهارم از اقرار خود عدول کند، و حکم تعزیر در مورد ایشان منظور شود، و همزمان در شعبهٔ دیگری به همان اتّهام محکوم گردد، حکم شرعی مسأله چیست؟

جواب: اگر در مورد دوّم، حکم حدّ بر او ثابت شده، تعزیر ساقط می‌شود.

حکم زنای با محارم

سؤال ۹۳۷- اگر شخصی نعوذ باللّه با محارم خود (مثلًا زن پدرش)، با علم به این که زنا در اسلام حرام است آمیزش کند، ولی علم به حرمت شدید زنای با محارم، و حکم آن (اعدام) نداشته باشد. با توجّه به این مطلب، اگر چهار بار اقرار کند، آیا حکم آن همان اعدام است؟

جواب: آری، حکم او اعدام است.

سؤال ۹۳۸- خانمی همراه دختر ۲۰ ساله‌اش، و به طرفیّت شوهرش، که اکنون زندانی است، جهت دفاع از خود به این جانب وکالت داده است. شوهر وی، که فردی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۶

پرخاشگر و در محیط خانه دیکتاتور و حاکم بی‌چون و چرا بوده، نعوذ باللّه حدود ۸ سال با دختر خود همبستر می‌شده، که حاصل آن دخترک بی‌گناهی است که از این ارتباط نامشروع متولّد شده، و اکنون ۷ ساله می‌باشد!! لطفاً حکم شرع را در مورد پدر و دختر، که تحت زور و فشار پدر در قبال خواسته‌های نامشروع وی تمکین نموده، و نیز وضعیّت شرعی و حقوقی فرزند یاد شده بیان فرمایید.

جواب: چنانچه کار پدر ثابت شود، حکم او سه بار اعدام است؛ از جهت زنای با محارم، و از جهت زنای به عنف، و زنای محصنه. و دختر اگر تحت فشار بوده حدّ ندارد، ولی اگر زن نتواند این مطلب را اثبات کند، شوهر می‌تواند تقاضای حدّ قذف کند. فرزند

مزبور از طرف پدر، نامشروع است و إرث نمی‌برد؛ امّا نفقه و هزینه‌اش بر دوش اوست.

حکم زنای به عنف

سؤال ۹۳۹- طبق بند دِ مادّهٔ ۸۲ قانون مجازات اسلامی، زنای به عنف موجب قتل زانی می‌باشد. از طرفی مستحضرید که میان اکراه و اجبار تفاوت وجود دارد؛ زیرا اکراه زمانی محقّق می‌شود که شخص مکرَه ارادهٔ انجام فعل دارد، ولی رضایت به انجام آن ندارد. ولی در اجبار، شخص ارادهٔ انجام فعل را نیز ندارد. مستدعی است دربارهٔ اکراه در زنا بفرمایید:

الف) آیا زنا با شخصی که در حالت مستی، یا خواب آلودگی، یا بی‌هوشی، یا معتقد به حلیّت است، مصداق اکراه می‌باشد، تا زانی محکوم به قتل گردد؟

ب) آیا میان صورتی که زانی، زانیه را برای ارتکاب زنا، مست یا بی‌هوش نموده، و حالتی که زانی نقشی در مستی یا بی‌هوشی زانیه نداشته تفاوتی هست؟

ج) آیا مراد از عنف، اظهار نارضایتی است، یا منظور صرف نبودن رضایت است؟

جواب الف تا ج: در صورتی که زن حاضر به زنا نبوده، ولی مرد در حال مستی یا بیهوشی یا خواب به او تجاوز کرده، زنای به عنف محسوب می‌شود، و حکم اعدام دارد. و در این مسأله فرقی بین اقدام زانی و عدم اقدام او در مست

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۷

شدن، یا بیهوش شدن زن، و امثال آن نیست. تعبیر به زنای عنف در روایات وارد نشده، بلکه تعبیر به غصب وارد شده که بر تمام این موارد صادق است.

سؤال ۹۴۰- آیا محصن بودن زانی در زنای به عنف، تأثیری در نوع مجازات دارد؟

جواب: در هر صورت حکم او اعدام است.

سؤال ۹۴۱- لطفاً در مورد زنای به عنف با دختر باکره به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا زنای به عنف با دختر غیر بالغهٔ باکره، موجب ضمان مهر المثل می‌شود؟

جواب: آری موجب ضمان مهر المثل می‌شود.

۲- در صورت بلوغ دختر در دو فرض فوق، حکم چیست؟

جواب: از این جهت فرقی بین این دو نیست.

۳- چنانچه شخصی با وعدهٔ دروغین ازدواج، با دختر باکره‌ای زنا کند، با توجّه به مُکرَه نبودن دختر، آیا زانی ضامن مهر المثل است؟

جواب: ضامن مهر المثل نیست؛ ولی علاوه بر حدّ، برای فریب زن تعزیر هم دارد. و حاکم شرع می‌تواند به او پیشنهاد کند که اگر با آن دختر ازدواج کند تعزیر او را می‌بخشد، و الّا تعزیر شدیدی دربارهٔ او جاری خواهد شد.

سؤال ۹۴۲- در صورتی که پزشک یا فرد دیگری هنگام بی‌هوشی بیمار برای عمل جرّاحی، با وی زنا کند. آیا زنای به عنف محسوب می‌شود؟

جواب: آری زنای به عنف است.

سؤال ۹۴۳- اگر در بیمارستانی، پزشک یا روانشناس، یا فرد دیگری با دختران جوانی که مشاعرشان کامل نیست، یا دچار اختلال روانی هستند مرتکب زنا شود، آیا زنای به عنف است؟

جواب: زنای به عنف محسوب نمی‌شود.

حکم زنای غیر مسلمان

سؤال ۹۴۴- اگر زن و مردی، هر دو غیر مسلمان، در مملکت اسلامی مرتکب عمل زنا شوند، و از حرمت آن در شریعت اسلام نیز آگاه باشند. در صورت اثبات جرم از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۸

طُرق شرعی و قانونی، حکم آن چیست؟

جواب: قاضی می‌تواند آنها را طبق قانون اسلام، یا قانون خودشان مجازات کند.

سؤال ۹۴۵- اگر مرد غیر مسلمانی با زن مسلمانی زنا کرده، و شرایط اجرای حد نیز فراهم باشد، لکن زانی مدّعی باشد که مسلمان شده است. حکم قضیّه و مجازات نامبرده در دو فرض زیر چه می‌شود؟

الف) بعد از اثبات جرم مسلمان شده باشد؟

ب) قبل از اثبات جرم مسلمان شده باشد؟

جواب: هرگاه قبل از دستگیر شدن مسلمان شود حد ساقط می‌شود؛ و اگر بعد از دستگیری و قیام بیّنه اسلام آورد حد ساقط نمی‌شود و حدّ او قتل است؛ مگر این که عناوین ثانویه در این گونه موارد مانع شود.

تبعید

سؤال ۹۴۶- مرد متأهّلی قبل از دخول به زوجه‌اش مرتکب زنا شده، و به حدّ جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدّت یک سال محکوم گردیده است. واژهٔ تبعید سؤالات متعدّدی را به ذهن انسان متبادر می‌سازد. لطفاً به بخشی از این سؤالات پاسخ دهید:

۱- چنانچه تبعید موجب فساد و انحراف بیشتر مجرم شود، بازهم می‌توان وی را تبعید کرد؟

جواب: در چنین فرضی تبعید جایز نیست.

۲- محکوم علیه از چه مکانی تبعید خواهد شد؟ محلّ اقامت، محلّ ارتکاب جرم، یا محلّ اجرای حکم؟

جواب: احتیاط آن است که او را به جایی تبعید کنند که نه وطنش باشد، و نه محلّ تازیانه خوردنش.

۳- فاصلهٔ تبعیدگاه تا محلّ تبعید چقدر باید باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۶۹

جواب: لازم است به مقداری باشد که عرفاً تبعید صدق کند، و به آسانی نتواند به محلّ وطن برگردد.

۴- اگر بدون اذن تبعیدگاه را ترک کند، چه واکنشی علیه او باید اجرا گردد؟

جواب: باید او را به محلّ تبعیدگاه برگردانند، و حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر کند.

۵- اگر مجدّداً در تبعیدگاه مرتکب چنان عملی گردد، آیا از آنجا نیز تبعید خواهد شد؟

جواب: چنانچه در آنجا حدّ بر او جاری شود، از آنجا نیز تبعید می‌شود.

۲- حدّ مساحقه

سؤال ۹۴۷- کیفیّت اجرای حدّ مساحقه از حیث نحوهٔ اجرای شلّاق، مثل داشتن لباس متعارف و نداشتن آن، و شدّت و ضعف زدن شلّاق و مانند آن، چگونه است؟

جواب: مانند حدّ زنا، زن نشسته و با لباس باید باشد.

۳- حدّ لواط

سؤال ۹۴۸- شخصی به جرم لواط ایقابی با طفلی خردسال، به حدّ قتل محکوم، و حکم صادره نیز در دیوان محترم عالی کشور تنفیذ گردیده است. نظر به این که اجرای حکم صادره به طریق قتل با شمشیر، آتش زدن، پرت کردن از جای بلند، یا خراب کردن دیوار بر روی محکوم علیه، ممکن است مورد بهره‌برداری سوء دشمنان اسلام، و تبلیغات علیه نظام مقدّس اسلامی گردد، آیا اجرای حکم مذکور به طریق دار زدن، یا قتل با گلوله، امکان‌پذیر است؟
جواب: در فرض مسأله، که محذورات مهمّی بر اجرای حدّ به نحوی که ذکر کرده‌اید، مترتّب می‌شود، می‌توان اعدام را به شکل دیگری مانند دار زدن و قتل با گلوله انجام داد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۰

۴- حدّ قوّادی

سؤال ۹۴۹- آیا وحدت قصد بین قوّاد و طرفین برای زنا یا لواط لازم است؟
جواب: اگر منظور از سؤال این است که قوّاد مثلًا قصد واسطگی در زنا دارد، ولی طرفین قصد ازدواج موقّت دارند، در چنین مواردی عنوان قوّاد صادق نیست.
سؤال ۹۵۰- اگر پس از این که واسطه، طرفین را به یکدیگر مرتبط نمود، یکی از آنها پشیمان شد، امّا- العیاذ باللّه- عمل زنا یا لواط به عنف صورت گرفت، آیا قوّادی محقّق شده است؟
جواب: مورد از موارد شبهه است که درء حد می‌شود.
سؤال ۹۵۱- اگر فردی دو یا چند نفر را برای روابط نامشروع، در حدّ تقبیل و مضاجعه و مانند آن، جمع نماید، ولی وضع به طوری باشد که نوعاً و معمولًا نتیجه کار او زنا یا لواط می‌شود، آیا قوّادی محقّق می‌شود؟
جواب: آری قوّادی صدق می‌کند.

۵- حدّ قذف

سؤال ۹۵۲- اگر پدری فرزند نامشروع خویش را قذف کند، آیا حدّ قذف بر او جاری می‌شود؟
جواب: حدّ قذف ندارد.

۶- حدّ شرب خمر

سؤال ۹۵۳- با توجّه به این که حدّ شرب خمر بر مردان باید بر بدن بدون ساتر (غیر از ساتر عورت) انجام گیرد، لطفاً بفرمایید:
الف) در صورتی که مجری حکم، حد جلد را از روی لباس زده باشد، آیا چنین حدّی مسقط حدّ شرب خمر می‌باشد، یا باید دوباره مجازات به شکل صحیح اجرا شود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۱
ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، حکم اجرای اوّلیه چه می‌شود؟ آیا مأمور اجرای حکم نسبت به آن قصاص می‌شود، یا حکم دیگری دارد؟

ج) در صورتی که قاضی تصریح کرده باشد که باید تازیانه بدون ساتر (غیر از ساتر عورت) زده شود، اگر احراز شود که مأمورین اجرا، عمداً یا به جهت اهمال و سهل انگاری، این گونه حکم را اجرا کرده‌اند، آیا می‌توان آنان را تعزیر نمود؟

د) چنان چه امور فوق احراز نشود، یا مشخّص شود که این عمل از روی غفلت و قصور انجام گرفته، چه حکمی متوجّه آنان خواهد شد؟

جواب الف تا د: احتیاط واجب آن است که افراد را مطلقاً برهنه نکنند؛ البتّه نباید پوشش آنها به قدری کلفت باشد که تأثیر شلّاق را از بین ببرد.

سؤال ۹۵۴- با توجّه به این که در برخی از روایات آمده که: «شدّت تازیانه در حدّ شرب خمر، شدیدتر از حدّ قذف است.» و در برخی دیگر از روایات آمده که «تازیانه‌های حدّ قذف معمولی زده می‌شود.» لطفاً بفرمایید که شدّت تازیانه‌ها در حدّ شرب خمر چگونه باید باشد؟ آیا همانند حدّ زنا باید اشدّ ضرب باشد، یا از نظر شدّت بین حدّ زنا و حدّ قذف می‌باشد؟

جواب: در حدّ شرب خمر باید شدّت ضرب در حدّ متوسط باشد.

سؤال ۹۵۵- در هنگام اجرای حدّ شرب خمر بر مرد، در بسیاری از موارد محدود پس از چند ضربه خود را روی زمین می‌اندازد، یا قادر بر ایستادن نیست، و بر زمین می‌افتد، آیا می‌توان باقیماندهٔ تازیانه‌ها را در حال خوابیده بودنِ وی جاری کرد، یا باید به وسیله‌ای وی را سر پا نگهداشت (مانند بستن وی بر ستون و مانند آن) و حد را در حال ایستاده بر او جاری کرد؟

جواب: اجرای حد در حالی که خوابیده باشد جایز نیست.

سؤال ۹۵۶- در فرض سؤال فوق، چنانچه سر پا نگهداشتن وی به شکل متعارف ممکن نباشد، رعایت امری نزدیک به آن مانند نیمه ایستاده نگهداشتن، یا انداختن وی بر روی نرده، یا مبل و مانند آن، از حیث لزوم یا جواز، چگونه است؟

جواب: در صورتی که به قسمتی از پاها و رانها و مانند آن، که حالت ایستاده دارد، بزنند اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۲

۷- حدّ سرقت

اشاره

احکام حرز

سؤال ۹۵۷- مراد از هتک حرز در سرقت مستوجب حد، چیست؟ آیا هتک حرز باید همراه با إعمال فشار فیزیکی و شکستن حرز باشد، یا خارج کردن مال از حرز بدون اذن و اطّلاع مالک (و لو با کلید) هتک حرز تلقّی می گردد؟

جواب: این مورد و مانند آن نیز مصداق هتک حرز است.

سؤال ۹۵۸- هرگاه خزانه‌دار مؤسّسه‌ای مالی، دَرِ خزانه را باز نماید تا شخصی موجودی صندوق را بازبینی نماید، و آن شخص مبادرت به سرقت وجوه داخل صندوق کند. در صورت عدم علم خزانه‌دار به قصد سرقت، آیا هتک حرز محقّق شده است؟

جواب: هتک حرز محسوب نمی‌شود.

سؤال ۹۵۹- اگر مالی دو حرز داشته باشد، و سارق آن را از یکی خارج و در حرز دوّم دستگیر شود، آیا در چنین موردی حدّ سرقت جاری می گردد؟ مثلًا اموالی را که در گاوصندوق منزل است، از گاوصندوق خارج کند، ولی در حیاط منزل دستگیر شود، آیا ربودن از حرز صدق می کند؟

جواب: در صورتی که در خانه باشد حرز محسوب می‌شود، و سارق هنوز از حرز خارج نشده و حد ندارد.

سؤال ۹۶۰- اگر سارق پیش از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود، آیا قابل تعزیر است؟

جواب: تعزیر دارد.

سؤال ۹۶۱- در فرض فوق، آیا مرتکب از جهت ورود غیر مجاز به ملک دیگری، یا ورود به عنف، یا شروع به سرقت، مجرم محسوب می گردد؟

جواب: آری مجرم محسوب می گردد.

سؤال ۹۶۲- یکی از شرایط اجرای حدّ سرقت این است که مال در حرز باشد. لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۳

الف) اگر فرزند، دوست، همسایه، اجیر، یا شخص دیگری، با اطّلاع، یا بدون اطّلاعِ صاحب مال، مال را در حرز قرار دهد؛ آیا ربودن این مال با وجود دیگر شرایط، سرقتِ حدّی محسوب می گردد؟

جواب: چنانچه به امر و اطّلاع صاحب مال باشد، سرقت حدّی محسوب می‌شود. و در صورت عدم اطّلاع او، احتیاط آن است که حد جاری نشود.

ب) اگر مال بدون اطّلاع و دخالت مالك در حرز قرار گیرد و ربوده شود، آیا با وجود شرایط دیگر، حکم سرقت حدّی دارد؟ مثلًا اگر حیوانی بدون اطّلاع مالك به طویله رود و درب طویله بسته شود، سپس کسی حیوان را برباید، آیا سرقت حدّی محسوب می‌شود؟ یا مثلًا فردی مالی را پیدا کند و در حرز بگذارد، و این مال ربوده شود، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط عدم اجرای حد در این گونه موارد است.

ج) اگر صاحب مال آن را در حرز نگذاشته باشد، و راضی به حرز نباشد، و مال ربوده شود، آیا حدّ قطع با وجود سایر شرایط جاری می گردد؟

جواب: جاری نمی‌شود.

سؤال ۹۶۳- اگر کسی با هتك حرز، و به قصد دزدی وارد منزل دیگری شود، و در اتاق منزل لباس گران قیمتی بیابد که ارزش آن از حدّ نصاب بیشتر باشد، و آن را بپوشد و از اتاق بیرون آید. سپس صاحبخانه از خواب بیدار شده، او را ببیند و سر و صدا کند، و دزد فرار کند، و صاحبخانه او را تعقیب کند، و سرانجام در بیرون از منزل او را دستگیر نماید، حکم آن چیست؟

جواب: احتیاط آن است که به تعزیر اکتفا شود.

شرکت در سرقت

سؤال ۹۶۴- دربارهٔ شرکت در سرقت بفرمایید:

الف) آیا شرکت در سرقت، منوط به مداخلهٔ اجرایی در سرقت است؟

جواب: آری منوط به مداخلهٔ اجرایی در سرقت است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۴

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ الف، آیا عملیّات اجرایی سرقت تنها شامل بیرون آوردن مال و اخراج آن از حرز است؟ یا هر نوع همکاری که در تحقّق سرقت مؤثّر باشد (مانند شکستن حرز، یا باز کردن رمز گاوصندوق، و مانند آن) را نیز شامل می‌شود؟

جواب: در صورتی که همه با قصد معاونتِ بر سرقت این کار را کرده باشند (خواه به صورت مباشرت بوده، یا تسبیب) و شرایط دیگر در آن جمع باشد، همهٔ آنها سارق محسوب می‌شوند.

ج) آیا شرکت در سرقت در صورتی محقّق می‌شود که شیء واحد ربوده شود، یا اگر هر نفر شیء جداگانه‌ای را برباید نیز شرکت

در سرقت محسوب می‌شود؟ مثلًا اگر دو نفر با هم وارد منزلی شونـد، یکی جواهرات و دیگری تابلوهای گران قیمت را بربایـد، آیا شرکت در سرقت تحقّق یافته است؟

جواب: در صورتی که عرفاً همهٔ آنها یک سرقت محسوب شود، حکم واحدی دارد.

د) آیـا شـرعاً سارق تنها به فرد یا افرادی اطلاق می‌شود که مال را از مکان خود بیرون آورنـد، یا همکاران و همراهان آنها (هر چند در اخراج مال مباشرتاً دخالت نداشته باشند) نیز سارق محسوب می‌شوند؟ مثلًا اگر عدّه‌ای وارد منزلی شوند و یک نفر با اسلحه افراد داخـل منزل را با قهر و غلبه تهدیـد کنـد، و زمینهٔ ورود دیگران را فراهم نمایـد، و دیگری گاوصـندوق را باز کنـد، و شـخص سوّم پول‌ها را جمع و در کیسه‌ای قرار دهد، و فرد چهارم پول‌ها را از منزل خارج کند. آیا تنها فرد اخیر سارق است، یا همگی سارقند؟

جواب: حدّ سرقت فقط بر کسانی اجرا می‌شود که هتک حرز کنند، و مال را از حرز خارج نمایند.

مستثنیات حدّ سرقت

الف) سرقت در سال قحطی

سؤال ۹۶۵- اگر سارق در سال قحطی، غنیّ و بی‌نیاز باشد، و در عین حال سرقت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۵

نماید، آیا حد بر وی جاری می‌شود؟

جواب: آری جاری می‌شود.

سؤال ۹۶۶- آیـا قحطسـالی در عـدم اجرای حـدّ سـرقت موضوعیّت دارد و چیزی جـدای از اضـطرار است، یـا مصـداقی از مصادیق اضطرار به شمار می‌رود؟

جواب: ظاهراً مصداقی از مصادیق اضطرار است.

سؤال ۹۶۷- آیا در قحطسالی بین حالتی که غذا و موادّ خوردنی در بازار وجود داشـته باشد ولی قیمت آن گران باشد، و بین حالتی که موادّ خوراکی کمیاب یا نایاب باشد، فرقی هست؟

جواب: نسبت به افراد غیر متمکّن گرانی بیش از حد با کمیابی تفاوتی نمی‌کند.

سؤال ۹۶۸- در صورت انحصار حکم حدّ سـرقت به سـرقت مأکول (موادّ خوراکی) در سال قحطی، آیا مسـروق باید مأکول بالفعل باشد، یا شامل مأکول بالقوّه (هرچه صلاحیّت خوردن دارد) نیز می‌شود؟

جواب: تمام مأکولات متعارف را شامل می‌شود.

سؤال ۹۶۹- آیا مراد از «عام المجاعه» سال قحطی است، یا دوران قحطی؟ به بیان واضح‌تر، اگر در طول سال وضع اقتصادی کشور و توان معیشتی مردم خوب باشـد، ولی در مـدّت کوتـاهی (مثلًا یک ماه) اوضاع اقتصادی کشور خراب شود، و مردم در وضع معیشتی پائین باشند، و ارزاق عمومی کمیاب یا نایاب شود، آیا سال قحطی بر آن اطلاق می‌گردد؟

جواب: معیار همان یک ماه است.

سؤال ۹۷۰- آیا در سال قحطی تعزیر سارق نیز منتفی است؟

جواب: تعزیر هم ندارد.

ب) سرقت زن از شوهر

سؤال ۹۷۱- اگر زنی اموال و اجناس شوهر خود را به هر عنوان، بدون اطّلاع و رضایت و اجازهٔ او مصرف کند، یا به فروش برساند، سرقت محسوب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۶

جواب: سرقت محسوب نمی‌شود، ولی نوعی خیانت است و حرام، و باید جبران کند.

ج) سرقت در حال اضطرار

سؤال ۹۷۲- لطفاً در مورد مسألهٔ اضطرار در حدّ سرقت به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) با توجّه به این که یکی از شروط اجرای حدّ سرقت عدم اضطرار است، آیا لازم است بین سرقتی که بر اثر اضطرار واقع می‌شود، و رافع اضطرار رابطهٔ مستقیم وجود داشته باشد؟ به عبارت دیگر، آیا لازم است فعل مجرمانه مستقیماً اضطرار و ضرورت را برطرف کند؟ مثلًا اگر کسی برای رفع گرسنگی کالایی را به سرقت ببرد تا با فروش آن غذا تهیّه کند، آیا مشمول احکام اضطرار می‌شود، یا اضطرار فقط در صورتی موجب رفع مجازات است که مضطرّ برای رفع گرسنگی، غذا یا متاع خوردنی سرقت نماید؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

ب) آیا در فرض فوق، بین حالتی که امکان سرقت غذا و کالای دیگر جهت فروش و تهیّهٔ غذا یکسان است، و حالتی که یکی از دو طریق مذکور أسهل باشد، یا حالتی که تنها راه رفع اضطرار و به دست آوردن غذا، سرقت کالاهای دیگر و فروش آن و تهیّهٔ غذا باشد، فرقی هست؟

جواب: هرگاه دو طریق وجود دارد، و سارق به نیّت رفع اضطرار به یکی از آنها دست می‌زند، حدّ ندارد.

د) سرقت پدر از فرزند

سؤال ۹۷۳- اگر سارق، پدر صاحب مال، یا جدّ پدری وی باشد، آیا سرقت مذکور تنها حدّ ندارد، یا هیچ مجازاتی، و لو تعزیر، بر وی جاری نمی‌شود؟

جواب: نه حد دارد و نه تعزیر؛ مگر این که عناوین ثانویّه‌ای در اینجا مطرح گردد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۷

سؤال ۹۷۴- اگر زانی از اموال فرزند نامشروع خود سرقت کند، چه حکمی دارد؟

جواب: حدّ سرقت جاری نمی‌شود.

ه) سرقت اموالی که مالیّت ندارد

سؤال ۹۷۵- چنانچه اموال به دست آمده از سارق، اقلامی باشد که مالیّت دارد، لکن مالباخته از نظر قانونی صلاحیّت استفادهٔ از آن را نداشته باشد؛ مثلًا سارق اسلحه و مهمّات، یا تجهیزات دریافت از ماهواره را سرقت کرده باشد. آیا سرقت شرعی محسوب

می گردد؟ چنانچه سرقت محسوب گردد، آیا می‌توان حکم به ردّ مال نمود؟
جواب: چنانچه اشیاء مزبور مالیّت نـدارد (مانند ماهواره که در شـرایط فعلی جزء وسائل فساد است) سـرقت آن مشـمول حد نیست؛ ولی اگر ماننـد اسـلحه باشد ملک صاحبش می‌باشد (هر چند مالک آن مرتکب کار نامشـروعی به خاطر مخالفت با قانون جمهوری اسلامی شده،) و در این صورت سرقت صادق است.

و) سرقت منافع

سؤال ۹۷۶- الف) آیا ربودن منافع، سرقت است و مجازات دارد؟ مثلًا فردی اتومبیل اجاره‌ای را در حرز قرار دهـد، و دیگری آن را برباید، اگر مالک اتومبیل شکایت نکند، آیا مستأجر حقّ شکایت و مطالبهٔ مال مسروقه را دارد؟
ب) آیا ربودن حقّ، سـرقت محسوب می گردد و مثل اموال مجازات دارد؟ مثلًا فرد «الف»، از فرد «ب» تلفن همراهی اجاره می کند تا به مـدّت یک ماه از آن اسـتفاده کنـد، و ده هزار تومان اجاره دهد. و فرد «ج» این فایده را از فرد «الف» می‌رباید. یعنی قصد سـرقت عین (تلفن همراه) را نداشـته بلکه می‌خواسـته یک ماه از آن اسـتفاده کند، سپس آن را به صاحبش بر می گرداند. آیا عمل فرد «ج»، سرقت حقّ مستأجر به حساب می‌آید و مجازات دارد؟
جواب الف و ب: سرقت منافع و حق، مشمول احکام سرقت اموال نیست؛ ولی تعزیر دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۸

ز) سرقت موقّت

سؤال ۹۷۷- آیا قصد محروم کردن دائمی در سرقت شرط است؟
جواب: چنانچه یقین داشـته باشـیم که سارق به قصد تملّک برنداشـته، بلکه قصد داشته موقّتاً از آن استفاده کند و بازگرداند، احکام سرقت جاری نمی‌شود؛ ولی تعزیر دارد.

ح) سرقت از سارق

سؤال ۹۷۸- آیا سرقت مالی که قبلًا سرقت شده مجازات دارد؟ اگر بلی، چه مجازاتی دارد؟
جواب: اگر منظورتان این است که شخصی از سارق چیزی بدزدد، آیا مجازات دارد؟ جواب این است که حدّ شرعی ندارد، ولی به خاطر تصرّف در اموال مردم تعزیر دارد.

احکام دیگر سرقت

سؤال ۹۷۹- آیـا حمـل، نگهـداری و مخفی کردن اموال مسـروقه هر کـدام جرم جـدایی محسوب می‌شود، یـا در حکم عمـل واحد است؟
جواب: در صورتی که حدّ شرعی بر او جاری شود، چیز دیگری به خاطر این امور بر او نیست.
سؤال ۹۸۰- آیا پس از اجرای حدّ سـرقت، یا محاربه، می‌توان به محکومٌ علیه اجازه داد تا با هماهنگی یک پزشک متخصّص نسبت

به پیوند اعضاء جدا شده اقدام نماید؟!

جواب: سارق حق ندارد عضو قطع شده را پیوند بزند.

سؤال ۹۸۱- آیا مخارج درمان محکومٌ علیه پس از قطع، یا تحمّل ضربات شلّاق، بر عهدهٔ دولت اسلامی می‌باشد؟ منظور مخارج متعارف، یا مخارج حتمی الوقوع؛ مثل پانسمان و مانند آن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۷۹

جواب: احتیاط آن است که مخارج قابل توجّه از بیت المال پرداخته شود.

سؤال ۹۸۲- چنانچه متّهم نزد مراجع انتظامی، یا قاضی دیگری غیر از قاضی صادر کنندهٔ رأی، اقرار به سرقت نموده باشد، و پس از آن پرونده با قرار عدم صلاحیّت محلّی، ذاتی و مانند آن، نزد این جانب به عنوان قاضی رسیدگی‌کننده ارسال شده باشد، و متّهم منکر سرقت گردد، حکم چگونه خواهد بود؟!

جواب: هرگاه شهود معتبر نزد قاضی دوّم شهادت به اقرار متّهم بدهند، حقوق مالی ثابت می‌شود؛ ولی حدّ و تعزیر ثابت نمی‌شود.

سؤال ۹۸۳- از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی تاکنون، کمتر قاضی و محکمه‌ای را می‌توان یافت که اقدام به اجرای حدّ الهی سرقت نموده باشد. آنها در توجیه عمل خویش به احادیثی از ائمّهٔ اطهار و رسول گرامی اسلام «علیهم آلاف التحیهٔ و السلام» استناد می‌کنند که مضمون آن احادیث چنین است: «چنانچه قاضی در عدم اجرای حدّ الهی دچار اشتباه گردد، بهتر است تا این که در اجرای آن دچار اشتباه شود.» عدّه‌ای دیگر در مقام توجیه به معضلات بیکاری و عواقب ناشی از تبلیغات سوء دشمنان اشاره می‌نمایند، و خلاصه هرکس به نحوی از اجرای حدود الهی، خصوصاً در سرقت و محاربه، شانه خالی می‌کند. و کار به جایی رسیده که گویا هیچ سرقت مشمول حدّ الهی در کشور صورت نمی‌گیرد! نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که شرایط حدّ سرقت جمع باشد، قاضی نباید وسوسه کند، و باید حدود الهی اجرا گردد. و لزومی ندارد حتماً در ملأ عام باشد، تا مخالفان روی آن تبلیغات منفی کنند.

سؤال ۹۸۴- در صورتی که سرقت جامع شرایط حدّ، با اقرار سارق نزد حاکم ثابت شود، سپس سارق توبه کند، آیا عفو وی توسط ولیّ امر جایز است؟

جواب: آری، جایز است.

سؤال ۹۸۵- اگر در مورد یک نفر هم سرقت واجد شرایط حدّ و هم سرقت فاقد شرایط حد ثابت شود، آیا اجراء حد کفایت از تعزیر می‌کند؟ یا به لحاظ سرقت واجد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۰

شرایط حدّ باید حد اجراء شود، و به لحاظ سرقت فاقد شرائط حدّ، تعزیر می‌گردد؟

جواب: در فرض مسأله که هر دو با هم ثابت شده (هر چند مربوط به دو زمان باشد) تنها حد کافی است.

۸- حدّ محارب

سؤال ۹۸۶- الف) شرایط صدق محارب و مفسد فی الارض در عصر حاضر چیست؟ اگر عدّه‌ای از مسیحیان در بعضی از کشورها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، با مسلمانان در حال جنگ باشند، آیا احکام محارب دربارهٔ آنها جاری می‌شود؟

ب) آیا برای تحقق عنوان محاربه، صرف تهدید با اسلحه کافی است، یا تحقّق قتل یا سرقت نیز لازم است؟ چنانچه سرقت لازم باشد، آیا نصاب شرط است؟

ج) آیا در تحقّق عنوان محاربه، مکان نیز دخالت دارد؟ مثلًا، آیا لازم است عمل ارتکابی در دار الاسلام باشد، یا در غیر دار الاسلام

نیز صدق عنوان محاربه امکان‌پذیر است؟

جواب: محارب به کسی می‌گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد، و در محیط اجتماع ناامنی ایجاد کند. مفسد فی الارض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود؛ هر چند بدون توسّل به اسلحه باشد، مانند قاچاقچیان موادّ مخدّر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می‌کنند. و اگر در غیر کشور اسلامی، این کار در منطقهٔ مسلمان‌نشین صورت گیرد، حکم محارب نیز جاری می‌شود.

سؤال ۹۸۷- اگر سه نفر به قصد کشتن شخصی و سرقت اموالش، سوار ماشین وی شوند، و در جادّه او را کشته، و ماشینش را به سرقت ببرند. در حالی که از یک رشته طناب و یک اسلحهٔ پلاستیکی استفاده کرده باشند. (بر فرض اثبات وقوع جرم قتل، و خفه کردن وی در اثر طناب، و سرقت ماشین،) آیا نامبردگان محارب محسوب می‌شوند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۱

جواب: چنین کسانی محارب نیستند، و احکام قاتل و مانند آن را دارند؛ مگر این که این عمل را تکرار کنند؛ به گونه‌ای که منشأ ناامنی گردد، و عنوان مفسد پیدا کنند.

سؤال ۹۸۸- اگر قاتل قصد داشته باشد که چنانچه از زندان آزاد شود بازهم شخص یا اشخاص دیگری را بدون هیچ دلیل بکشد، آیا مفسد فی الارض محسوب شده، و مهدور الدم می‌باشد؟

جواب: این نیّت سبب نمی‌شود که مصداق مفسد فی الارض گردد؛ ولی اگر چنین نیّتی احراز شود می‌توانند او را همچنان در زندان نگه دارند تا اصلاح شود.

سؤال ۹۸۹- لطفاً دربارهٔ مجازات محارب در فرض‌های زیر فتوای شریف را مرقوم فرمایید:

الف) اگر محارب فاقد دست یا پا باشد، آیا حاکم شرع می‌تواند مجازات قطع را انتخاب کرده، و به قطع عضو موجود اکتفا کند، یا باید مجازات‌های غیر قطع را برگزینند؟

ب) اگر حاکم شرع حکم به قطع بدهد و قبل از اجرای حکم، یک عضو یا هر دو عضو مورد حکم معدوم شود، آیا حدّ ساقط می‌شود، یا باید یکی دیگر از مجازاتهای محارب إعمال شود؟ اگر یک عضو محارب قطع شده، فقط به قطع عضو دیگر اکتفا می‌شود؟

جواب: چنانچه قاضی بین قطع دست و پا و مجازات دیگر مخیّر باشد، باید مجازات دیگر را انتخاب کند. و اگر چنین نباشد، عضوی را که موجود است قطع می‌کند.

سؤال ۹۹۰- با توجّه به بند الف مادهٔ ۱۹۵ قانون مجازات اسلامی که دربارهٔ مجازات صلب می‌گوید: «نحوهٔ بستن موجب مرگ مصلوب نگردد.» و با عنایت به بند ج همان مادّه که در آن می‌خوانیم: «اگر محکوم به صلب پس از سه روز زنده بماند، نباید او را کشت.» بفرمایید:

اگر مجری حکم، محکوم به صلب را به گونه‌ای ببندد که باعث مرگ وی شود، آیا ضامن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۲

جواب: اعتقاد ما در مورد دار زدن این است که، باید طوری دار بزنند که محکوم بمیرد؛ مانند آنچه در زمان ما مرسوم است. این همان چیزی است که از ادلّهٔ شرعیّه استفاده می‌شود.

سؤال ۹۹۱- لطفاً در مورد «نفی بلد» به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) منظور از نفی بلد چیست؟ از بین بردن، تبعید کردن، آواره نمودن دائمی، یا معانی دیگر؟

ب) اگر نفی به معنای تبعید باشد، آیا مراد تحت نظر قرار دادن در محلّ تبعید است، یا زندانی کردن وی در آن محل؟

ج) اگر منظور تحت نظر قرار دادن باشد، در موارد خاصّی که تبعید به مفاسد دیگری منتهی می‌شود (مانند تبعید زنان، قاچاقچیان و افراد شرور) آیا می‌توان تبعید را به حبس تبدیل نمود؟

د) اگر محارب از محل تبعید فرار کند، آیا حاکم شرع می‌تواند پس از دستگیری وی، تبعید را به یکی دیگر از مجازاتهای چهارگانه (جزای نقدی، حبس یا تعزیر) تبدیل نماید؟

ه) آیا حکم عدم جواز نفی بلد زن در باب زنا را می‌توان به تبعید زن در باب محاربه تسرّی داد؟

جواب: الف) منظور از نفی بلد همان تفسیر معروف آن یعنی تبعید کردن است. ب) کافیست در آن محل تحت نظر باشد، و زندانی کردن دلیلی ندارد.

ج) در مواردی که تبعید تنها مجازات مجرم است، اگر راه حل منحصر به زندان باشد، می‌توان او را در محلّ تبعید زندانی کرد.

د) در صورتی که بیم فرار مجدّد باشد، می‌توان در محلّ تبعید او را زندانی کرد.

ه) آری می‌توان تسرّی داد؛ زیرا فقها به دلایلی استناد جسته‌اند که آن دلایل عمومیّت دارد.

سؤال ۹۹۲- اگر نفی بلد به معنای تبعید باشد بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۳

الف) آیا می‌توان مدّت محکومیّت به تبعید را طیّ چند مرحله و به طور متناوب اجرا نمود؟

ب) مدّت نفی بلد در مورد محارب و زانی بکر چقدر است؟

ج) در دو فرض معسر یا مؤسر بودن محکوم علیه، هزینه‌های ضروری وی در تبعیدگاه بر عهدهٔ کیست؟

جواب: الف) جایز نیست.

ب) حدّ آن یک سال است.

ج) اگر مؤسر باشد بر عهدهٔ خود اوست، و اگر معسر باشد بر عهدهٔ بیت المال است.

۹- حدّ ارتداد

سؤال ۹۹۳- شخصی، که پدر و مادرش مسلمان بوده، از هنگام بلوغ هیچ گرایشی به اسلام نداشته و آن را انکار هم نمی‌کرده، امّا بعضی از اعمال دینی را طبق عادت انجام می‌داده است. اکنون می‌خواهد تحقیق کند و با عقیدهٔ ثابت دین خود را انتخاب نماید، و هیچ گونه سوء نیّتی هم ندارد. اگر این فرد، دین دیگری غیر از اسلام انتخاب کند، حکم مرتدّ فطری دارد؟

جواب: در صورتی که از آغاز بلوغ اسلام را نپذیرفته، اجرای حکم مرتدّ فطری بر او اشکال دارد.

سؤال ۹۹۴- لطفاً، با ذکر مثال، تعریف دقیقی از «محکمات»، «ضروریّات دین» و سایر اصطلاحات مشابه همچون؛ «محکمات فقه»، «احکام ضروری اسلام»، «مسلّمات مذهب» بیان فرمایید. ضمناً حکم انکار هر یک از آنها چه می‌باشد؟

جواب: اوّلًا: منظور از «ضروریّات دین» اموریست که همه، اعم از عالم و غیر عالم، می‌دانند جزء دین است؛ مانند مسألهٔ نماز و روزه و حجاب. و «محکمات» مسائلی است که به دلیل قطعی ثابت شده است؛ هر چند ضروری نباشد. و «احکام ضروری اسلام» همان احکام ضروری دین است. و «مسلّمات» و «محکمات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۴

مذهب» اموری است که با دلیل قطعی در مذهب شیعه ثابت شده باشد. ثانیاً: اگر کسی ضروریّات دین را انکار کند، و انکارش سبب انکار نبوّت گردد، از اسلام خارج می‌شود، ولی انکار ضروریّات مذهب تنها باعث خروج از مذهب است؛ نه اسلام.

سؤالات متفرّقهٔ حدود

سؤال ۹۹۵- دربارهٔ قاعدهٔ درء بفرمایید:

۱- آیا این قاعده اختصاص به باب حدود دارد، یا شامل ابواب قصاص، دیات و تعزیرات نیز می‌شود؟

جواب: شامل قصاص و تعزیرات نیز می‌شود.

۲- معیار در عدم اجرای حد چیست؟ آیا شکّ در حلیّت، توهّم جواز عمل، صِرف ظنّ به اباحه، (و لو ظنّ غیر معتبر) یا عدم علم به حرمت معیار است؟

جواب: دلیل ثبوت حدّ یا قصاص باید حدّ اقلِّ حجیّت نباشد؛ بلکه دلیل، هر چند ظنّی باشد، باید دلیل محکمی محسوب شود؛ به طوری که عرفاً صدق شبهه نسبت به آن نکند.

۳- محلّ عروض شبهه در قاعدهٔ درء کیست؟ قاضی، مرتکب عمل، یا هر دو؟

جواب: معیار تشخیص قاضی است.

۴- آیا شبهات موضوعیّه، حکمیّه، شبه عمد و غیر عمد، إکراه، إجبار، نسیان و مانند آن مشمول این قاعده می‌شود؟

جواب: قاعدهٔ درء شامل تمام این موارد می‌شود.

۵- در فرض شمول شبهات حکمیّه، آیا بین جاهل قاصر و مقصّر تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی وجود ندارد.

سؤال ۹۹۶- با توجّه به جریان قاعدهٔ قرعه در شبهات موضوعیّه، بفرمایید:

۱- آیا این قاعده اختصاص به شبهات حکمیّه دارد، یا شبهات موضوعیّه در امور

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۵

جزایی را نیز در بر می‌گیرد؟ به عنوان مثال، در موردی که علم اجمالی به وجود قاتل بین دو یا چند نفر باشد، آیا می‌توان با تمسّک به قرعه حکم قصاص یا دیه را اجرا نمود؟

جواب: در این گونه موارد به هیچ وجه، حکم قرعه جاری نمی‌شود، و باید دیه در میان دو یا چند نفر به طور مساوی تقسیم شود.

۲- در فرض جریان این قاعده در امور جزایی، آیا در تمام ابواب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات جاری است، یا به باب خاصّی اختصاص دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۹۹۷- چنانچه به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حدّ (اعمّ از جلد، قطع ید و مانند آن) یا قصاص عضو بر فرد بیمار یا شخص سالمی، که دچار ضعف شدید جسمانی است، باعث مرگ یا ابتلای وی به بیماری یا تشدید آن گردد، تکلیف چیست؟

جواب: اگر خطر مرگ یا بیماری فوق العاده‌ای وجود داشته باشد، اجرای حدود و قصاص ممنوع است. بنابراین، یا باید به تأخیر بیندازد، و اگر با تأخیر حلّ نمی‌شود در برابر قصاص باید دیه بپردازد.

سؤال ۹۹۸- آیا حکم تأخیرِ حدِّ جلد، یا اجرای آن به صورت ضغث، که در حدّ زنا مطرح است، در تعزیرات و سایر حدود نیز قابل عمل است؟

جواب: در صورتی که شرایط آن یکسان باشد، قابل تسرّی است.

سؤال ۹۹۹- آیا هنگام اجرای حدود می‌توان موضع را بی‌حس کرد؟ آیا تفاوتی بین حدّ قطع در سرقت، با قطع در محاربه، و همچنین حدّ قطع با سایر حدود از قبیل: جلد، رجم و قتل وجود دارد؟

جواب: در حدود اشکالی ندارد؛ ولی بی‌حس کردن در جلد جایز نیست.

سؤال ۱۰۰۰- عضوی که در حدود یا قصاص قطع می‌شود، در اختیار چه کسی قرار می‌گیرد؟ آیا صاحبش حقّ فروش، یا اهدای آن را خواهد داشت؟

جواب: متعلّق به صاحب آن عضو است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۶

سؤال ۱۰۰۱- آیا در شرایط فعلی (غیبت امام معصوم علیه السلام) «حدود» قابلیّت اجرا دارند؟

جواب: ما معتقدیم اجرای حدود مخصوص زمان معیّنی نبوده، و گروه زیادی نیز با این رأی موافقند.

سؤال ۱۰۰۲- چنانچه از اهل کتاب (مسیحی، یا یهودی) مشروبات الکلی یا آلات قمار کشف شود، آیا شرعاً می‌توان حکم به معدوم نمودن آن اشیا نمود؟

جواب: اگر تظاهر به این امور نکنند، معدوم نمودن جایز نیست.

سؤال ۱۰۰۳- شخصی به علّت ارتکاب سرقت ساده، سرقت مسلّحانه، و قتل نفس به دو فقره حبس تعزیری (پنج سال و ده سال) و پنجاه ضربهٔ شلّاق، و قصاص نفس محکوم می‌گردد. با عنایت به قاعدهٔ جمع مجازاتها (مبنی بر این که اجرای هر کدام از مجازاتها باید به نحوی باشد که موجب زوال زمینهٔ اجرای مجازات دیگر نگردد) مجازاتهای فوق شرعاً چگونه باید اجرا گردد؟

جواب: در صورتی که بتوانند تعزیر را تبدیل به تعزیر مالی کنند، که قابل جمع با قصاص است، اولویّت دارد. و در صورتی که ممکن نباشد، چنانچه اولیای دم راضی به تأخیر قصاص شوند، تعزیر زندان مقدّم است. و اگر اولیای دم راضی نشوند، قصاص مقدّم داشته می‌شود، و شلّاق در هر حال باید انجام شود.

سؤال ۱۰۰۴- مهدور الدّم یعنی چه؟ ملاک در مهدور الدّم چیست؟ به طور کلّی چه گروهها، یا اشخاصی مهدور الدّم می‌باشند؟ آیا ریختن خون اشخاص مهدور الدّم در هر شرایطی، حتی بدون اذن ولیّ امر و حاکم شرع جایز است؟

جواب: مهدور الدم از نظر مفهوم لغوی و فقهی کسی است که ریختن خونش جایز است. و گروه‌های مختلفی مشمول آن هستند؛ مانند قاتل عمد، مفسدین فی الأرض، گروهی از محاربین و بعضی دیگر؛ ولی همیشه باید این کار با دقّت کافی و بررسی لازم و اجازهٔ حاکم شرع صورت گیرد.

سؤال ۱۰۰۵- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) هزینه درمان و بهبود شخصی که در اثر اجرای حد یا قصاص اطراف، یکی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۷

از اعضای خود را از دست داده، بر عهدهٔ بیت المال است، یا محکوم علیه؟

ب) در صورتی که بر عهدهٔ بیت المال باشد، حکم اختصاص به معالجات اوّلیه دارد، یا معالجات بعدی را نیز در بر می‌گیرد؟

ج) آیا در حکم مذکور بین فقیر و غنی فرقی هست؟

د) آیا تفاوتی بین حد و قصاص وجود دارد؟

جواب الف تا د: با توجّه به این که در ادلّه سخنی از این مطلب به میان نیامده، جز فعل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در بعضی از روایات، که آثار استحباب در آن نمایان است؛ حاکم شرع می‌تواند إرفاقاً هزینه‌ها را بپردازد، ولی در مورد افراد نیازمند و فقیر باید این کار را انجام دهد.

سؤال ۱۰۰۶- آیا خسارات معنوی قابل مطالبه است؟ مثلًا کسی به دیگری تهمت دزدی یا بی‌عفّتی می‌زند، و مفتری به مجازات جرم افترا محکوم می‌شود. آیا علاوه بر مجازات، کسی که مورد افترا قرار گرفته می‌تواند به خاطر این که اعتبارش در جامعه خدشه‌دار گردیده، یا اعتماد مردم نسبت به او کاسته شده، یا عفّت وی لکّه دار شده، ادّعای جبران این خسارات معنوی را بنماید؟

جواب: در مورد سؤال و مانند آن تنها مجازات حد و تعزیر است، و شخص مجرم باید از مجنی علیه حلّیت بطلبد.

سؤال ۱۰۰۷- آیا حدود الهی فقط در مورد مسلمانان جاری می‌گردد؟ به عنوان مثال، اگر یک مسیحی شرب خمر نماید، یا زنا کند، آیا حکم او با مسلمانان متفاوت است، و می‌بایست طبق آیین خود متّهم مبادرت به صدور حکم نمود؟!

جواب: در مانند زنا و لواط اگر هر دو نفر غیر مسلمان باشند حاکم شرع مخیّر است بین اجرای حکم به حسب دستور اسلام یا ارجاع ایشان به محاکم خودشان.

و امّا اگر یک طرف مسلمان باشد، چنانچه زانی مسلمان است به حکم اسلام با او عمل می‌شود، و در مورد نفر دوّم مخیّر است که طبق احکام اسلامی عمل کند، یا به محاکم خودشان ارجاع دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۸

تعزیرات

سؤال ۱۰۰۸- گفته می‌شود: «استمنا به خودی خود ضرری ندارد، بلکه بر اثر تلقین افراد باعث ضررهایی می‌شود.» آیا این، سخن صحیحی است؟

جواب: با توجّه به این که استمنا یک نوع ارضای غیر طبیعی است، زیانبار بودن آن امر واضحی می‌باشد. به علاوه، افراد متعدّدی به ما مراجعه کرده و گفته‌اند: «هرگز فکر نمی‌کردیم استمنا ضرری داشته باشد، ولی ناگهان خود را با آثار شوم آن روبه‌رو دیدم.» و این بهترین دلیل است بر این که ترس عامل اصلی این زیانها نیست؛ البتّه ترس آنها را تشدید می‌کند. این نکته نیز حائز اهمیّت است که زیانهای استمنا، مخصوصاً در جوانان، پس از ترک آن تدریجاً از بین می‌رود.

مهمّ آن است که زود بیدار شوند و آن را ترک کنند.

سؤال ۱۰۰۹- چنانچه تعزیر از نظر شرعی مصادیقی غیر از تازیانه، نظیر حبس، جزای نقدی، محرومیّت از حقوق اجتماعی و مانند آن، نیز داشته باشد، بفرمایید:

۱- در مواردی که در شرع مقدّس یا قانون، تعزیر با شلّاق منصوص باشد، آیا می‌توان آن را به نوع دیگری از تعزیر تبدیل نمود؟

جواب: در صورتی که قاضی آن را اصلح بداند، تبدیل مانعی ندارد.

۲- در مورد تعزیرات غیر منصوص، آیا پس از صدور حکم شلّاق، می‌توان آن را به تعزیری غیر از شلّاق تبدیل کرد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۰۱۰- با توجّه به این که کودکان و نوجوانان در سنین کمتر از ۱۸ سال رشد عقلی و فکری کافی ندارند، و به یک معنا مستحقّ توجّه و کمک ویژه‌ای هستند تا بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند، و با توجّه به وضعیّت زندانهای فعلی که افراد در این سنین مسلّماً در معرض آسیب و تأثیرات منفی زندانیان قرار می‌گیرند، و با عنایت به این که امروزه دنیا با تهیّهٔ کنوانسیون حقوق کودک، که مورد پذیرش بیش از ۱۸۶ کشور جهان قرار گرفته، و جمهوری اسلامی ایران نیز اخیراً با حقّ شرط به این قانون پیوسته، مسئولین به این فکر افتاده‌اند که نظام دادرسی ویژه‌ای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۸۹

را برای افراد کمتر از ۱۸ سال إعمال نمایند، که در آن سیستم عمدتاً از نظام جایگزین استفاده می‌شود. به نظر حضرتعالی با توجّه به وسعت اختیارات قضات، خصوصاً در تعزیرات، آیا می‌توان نظام دادرسی ویژه‌ای برای آنان ترتیب داد که در موارد تعزیراتی از یک نظام جایگزینی که در ترمیم شخصیّت آسیب دیدهٔ آنها مؤثّر است، استفاده نمود؟ مثلًا به توبیخ شفاهی اکتفا نمود، یا متّهم را به یک مؤسّسهٔ تخصّصی، یا مربّیان اجتماعی که برای این منظور در نظر گرفته شده، فرستاد. یا به یک مؤسّسه پزشکی تربیتی بر

اساس توصیهٔ یک پزشک واجد شرایط برای انجام تربیت صحیح فرستاد، یا صرفاً به جریمهٔ نقدی اکتفا کرد، یا کار اجباری بدون حقوق به نفع مؤسّسات و انجمن‌های حقوقی عمومی زیر نظر و مراقبت قاضی محکوم کرد.

یا به هر شیوهٔ جدیدی که در ساختار شخصیّتی آنان نقش مؤثّری داشته باشد و حالت بازدارندگی خود را نیز حفظ کند، محکوم کرد؟

جواب: کودکان هنگامی که به سنّ بلوغ شرعی می‌رسند، مشمول احکام اسلام هستند. مگر این که عدم رشد آنها ثابت شود؛ در این صورت در مسائلی که رشد در آن معتبر است، مشمول احکام نمی‌باشند. ولی با توجّه به این که غالباً در نوجوانان زیر هجده سال عوامل مخفّفه وجود دارد، در تعزیرات می‌توان تخفیفات قابل ملاحظه‌ای به آنها داد، و اگر انتقال آنها به زندانهای عمومی دارای خطرات اخلاقی باشد، حکومت اسلامی موظّف است جایگاه خاصّی برای آنها در نظر بگیرد، یا شکل تعزیرات را دربارهٔ آنها عوض کند.

سؤال ۱۰۱۱- در مواردی که مُجرم به سنّ بلوغ شرعی رسیده، ولی ثابت شود که:

اوّلًا: تشخیص وی خام و ناکافی بوده است.

ثانیاً: ارتکاب جرم او یک اقدام کیفری جدّی عامدانه و آگاهانه نبوده است.

ثالثاً: با توجّه به اوضاع و احوال شخصی و خانوادگی، قصد مجرمانه‌ای از او در ارتکاب عمل به اثبات نرسیده است. آیا در این صورت فرد متّهم دارای مسئولیّت کیفری است، و باید به مجازات مقرّر برسد؟

جواب: در صورتی که وضع او طوری باشد که عنوان عمد بر آن صادق نباشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۰

مشمول احکام جرم عمدی نیست. و در مواردی که محکوم به تعزیر می‌شود، حاکم شرع می‌تواند شرایط فوق را به عنوان عوامل مخفّفه تلقّی کند.

سؤال ۱۰۱۲- نظر حضرتعالی دربارهٔ نگهداری، حمل و استفادهٔ شخصی، یا عمومی، از نوارها و دیگر اشیای مبتذل و مستهجنی که موجب فساد اخلاق و جریحه‌دار شدن عفّت عمومی می‌گردد، چیست؟ آیا متخلّف مستوجب تعزیر شرعی است؟

جواب: استفادهٔ شخصی، یا عمومی، از نوارها و دیگر اشیای مبتذل، که موجب فساد اخلاق است، بلا اشکال حرام می‌باشد. و حتّی نگهداری و حمل آن هم جایز نیست، و تخلّف از آن موجب تعزیر است. منتهی برای جلوگیری از این مسائل، باید کارهای فرهنگی زیادی انجام گیرد، تا قانون الهی به صورت صحیحی پیاده شود.

سؤال ۱۰۱۳- چنانچه متّهم از بیان حقیقت امتناع نماید، آیا قاضی می‌تواند جهت روشن شدن موضوع، نامبرده را چند روزی بازداشت نماید؟

جواب: جایز نیست؛ مگر در مواردی که مسائل مهمّی از جامعه در خطر باشد، یا مرتکب خلاف دیگری شده باشد، که در این صورت می‌تواند به عنوان تعزیر او را بازداشت کند.

سؤال ۱۰۱۴- چنانچه قاضی محکمه تشخیص دهد جهت رعایت مسائل بهداشتی بازداشتگاه، و پیشگیری از بیماری‌های پوستی، و جلوگیری از وقوع جرم، بهترین شیوهٔ اصلاح مجرم کوتاه کردن موهای وی می‌باشد، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر واقعاً راه منحصر در آن باشد، جایز است.

سؤال ۱۰۱۵- اگر شخصی به دیگری تهمت دزدی، یا رابطهٔ نامشروع، یا جعل اسناد، یا امثال آن بزند، و نتواند ادّعای خود را به اثبات برساند، یا در دادگاه بدوی محکوم شود، ولی در دادگاه تجدید نظر تبرئه و حکم دادگاه بدوی نقض شود، و در نتیجه مشتکی عنه علیه شاکی به عنوان افترا و تهمت، شکایت و تقاضای مجازات نماید، آیا چنین شخصی فقط در صورت احراز سوء نیّت

قابل تعزیر و مجازات می‌باشد، یا مطلقاً قابل تعزیر است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۱

جواب: در صورتی که شخصی عالماً و عامداً نسبت خلافی به دیگری داده باشد، قابل تعزیر است؛ به هر نیّتی که باشد.

سؤال ۱۰۱۶- چنانچه در تعزیرات بنا به دلایل قانونی متّهم چند روزی در بازداشت بماند، آیا می‌توان در مجازات شلّاق وی تخفیف قائل شد؟ مثلًا شخصی که اقدام به ارتباط نامشروع در حدّ و اندازهٔ زنا کرده می‌بایست ۹۹ ضربهٔ شلّاق بخورد، ولی چون ده روز تا زمان صدور حکم در بازداشت بوده، به تحمّل پنجاه ضربه یا کمتر محکوم گردد؟!

جواب: کیفیّت تعزیر و مقدار آن در اختیار قاضی است، و حتّی می‌توانـد در صورت مصلحت ایّام بازداشت را به جای تمام تعزیر محسوب کند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۳۹۱

سؤال ۱۰۱۷- چنانچه فردی مورد ایراد ضرب سیلی و ماننـد آن، (از قبیل انـداختن به زمین، هُل دادن، دست به یقه شـدن) با لحاظ سوء نیّت و عنصر معنوی جرم قرار گیرد، ولی آثاری از قبیل جراحت، سرخی، کبودی، سیاهی، یا زوال منافعی که موجب دیه یا ارش باشد مشهود نباشد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا مورد از مصادیق توهین و اهانت است؟

ب) آیا در توهین و اهانت علنی بودن، شرط تحقّق آن است، یا در خلوت نیز ممکن است؟

ج) آیا مصادیق توهین عملی نسبت به اشخاص یا محل خاص و عرف سنجیده می‌شود؟ و در صورت مثبت بودن، تعزیر دارد؟

جواب: به یقین این امور هم ایـذاء است و هم توهین، و به فرض که توهین نباشـد، ایـذاء مؤمن صـدق می‌کنـد؛ و به هر حـال تعزیر دارد.

سؤال ۱۰۱۸- اگر فردی به دیگری دشنامی (غیر از قـذف) دهـد که باعث اذیّت شنونده شود، و شنونده مستحق تحقیر باشـد، مثلًا بگوید: «تو خسیس هستی» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا چنین فردی مستحقّ مجازات است؟

ب) اگر مجازات دشنام دهنده مقیّد به عدم استحقاق باشد، ملاک تشخیص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۲

مستحق تحقیر بودن یا نبودن چه کسی می‌باشد؟

جواب الف و ب: کسی حق ندارد به دیگری توهین کند، و اگر توهین‌کننده آگاهانه این کار را انجام دهد حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر نماید، و اگر توهین شونده مستحق مجازاتی باشد باید به دست حاکم انجام پذیرد، و افراد عادی چنین حقّی ندارند.

سؤال ۱۰۱۹- چنانچه فردی علیه دیگری شکایت نمایـد، که متّهم اموالش را به سرقت برده، و شاکی شاهدی نداشته باشد، و برای اثبات ادّعای خود از متّهم تقاضای سوگند نماید، و متّهم قسم را به شاکی رد کند، آیا با سوگند شاکی می‌توان متّهم را تعزیر کرد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۰۲۰- چنـدی پیش رئیس قوّهٔ قضائیّه فرمودند: «از دیدگاه فقه اسلام چک و دیون زندان ندارد.» و نیز فرمودند: «بسیاری از بازداشتهای موقّت، فاقد مبنای حقوقی و فقهی است.» چرا مراجع، علما و بزرگان دین در مقابل این گونه مسائل سکوت کرده‌اند؟ اگر مسأله‌ای فاقد دلیل فقهی و دینی است چرا اجرا می‌شود؟

جواب: مسألهٔ بازداشت در مورد چکهای بی‌محل، دو مأخذ می‌تواند داشته باشد: اوّل این که احراز شود طرف اموالی دارد که می‌تواند از آن ادای دین کند (به استثنای مستثنیات دین) دوّم این که حکومت اسلامی احراز کند که عدم برخورد با چکهای بی‌محل نظام اقتصادی جامعه را متزلزل می‌کند.

سؤال ۱۰۲۱- شخصی عالماً و عامداً ادّعا می‌کند که: «من امام زمان هستم» البتّه کسی به او نگرویده است. حکم شرعی چنین شخصی چیست؟

جواب: چنین کسی منحرف است، و مستحق تعزیر، و بر حاکم شرع لازم است جلو او را بگیرد، ولی حکم اعدام ندارد، مگر این که بعداً عنوان مفسد فی الارض بر او منطبق شود.

سؤال ۱۰۲۲- اگر مردی اقدام به تقبیل، یا اعمال مشابه، نسبت به زوجهٔ خود در انظار عمومی نماید، آیا این عمل گناه و موجب تعزیر است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۳

جواب: چنین عملی گناه محسوب نمی‌شود، و تعزیر ندارد. مگر این که قاضی تشخیص دهد این گونه اعمال سبب پرده دری و شیوع فساد در جامعه می‌شود؛ در این صورت تعزیر مناسب بجاست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۵

فصل چهل و ششم: احکام قصاص

مصادیق قتل عمد و شبه عمد

سؤال ۱۰۲۳- ترک فعل فردی، منجر به مرگ دیگری شده است. آیا می‌توان وی را به خاطر مجرّد ترک فعل، محکوم و مجازات کرد؟ به مثالهای زیر توجّه کنید:

الف) مادری با علم به این که فرزندش به شیر نیاز دارد، عمداً از شیر دادن امتناع می‌ورزد، و طفل فوت می‌کند. آیا قتل عمد است، یا نوع دیگری از قتل محسوب می‌شود؟

ب) اگر سوزنبان قطار، که وظیفه دارد خطوط راه آهن را طبق برنامهٔ معیّن شده جا به جا کند، با علم به وجود خطر از انجام این عمل خودداری نماید، و موجب برخورد دو قطار و مرگ مسافرین شود، آیا قتل عمد محسوب می‌شود؟

ج) هرگاه پرستاری، که وظیفهٔ رساندن دارو به بیمار در ساعت معیّنی را دارد، عمداً از انجام این کار خودداری کند، و بیمار فوت نماید، در صورتی که بداند خوراندن دارو برای بیمار حیاتی است؛ چه نوع قتلی محسوب می‌شود؟

د) نجات غریقی با مشاهدهٔ غرق شدن شناگری در استخر، از نجات دادن او خودداری می‌کند، و غریق فوت می‌نماید. آیا قتل عمد است؟

جواب الف تا آخر: در مواردی که إسناد قتل به چنین شخصی بدهند، و به تعبیر دیگر سبب اقوی از مباشر باشد، مانند مثال اوّل و دوم، قتل عمد صادق است، و احکام آن جاری می‌شود. و در مثال سوم و چهارم موارد مختلف است.

سؤال ۱۰۲۴- اصل وقوع قتل برای دادگاه ثابت شده، ولی نوع آن مشخّص نیست.

بیّنه‌ای هم برای اثبات نوع قتل وجود ندارد. تکلیف دادگاه در این مورد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۶

جواب: حکم به شبه عمد می‌شود.

سؤال ۱۰۲۵- اگر فردی در کنار دیگری بخوابد، و در هنگام خواب او را به قتل برساند، در صور زیر حکم مسأله چیست؟

الف) در صورتی که احتمال می‌داده به هنگام خواب او را به قتل می‌رساند.

ب) در صورتی که هیچ گونه احتمالی نمی‌داده است.

ج) در صورتی که یقین داشته او را به قتل می‌رساند، و به قصد قتل در کنارش خوابیده باشد.

جواب: در صورتی که یقین داشته، یا احتمال غالب می‌داده که او را به قتل می‌رساند، قتل عمد محسوب می‌شود. در غیر این صورت قتل شبه عمد است.

سؤال ۱۰۲۶- اگر فردی داروی خواب‌آور خورده، و در کنار فرد خاصّی بخوابد، در حالی که علم دارد به هنگام خواب او را به قتل می‌رساند، در دو فرض زیر حکم چه می‌باشد:

الف) همان فرد مورد نظر را به قتل برساند.

ب) بر حسب اتّفاق فرد مورد نظر برخاسته، و دیگری به جای او بخوابد، و کشته شود.

جواب: اگر یقین داشته، یا احتمال غالب می‌داده، که هرکس در کنار او بخوابد به قتل می‌رسد، قتل عمد محسوب می‌شود؛ مشروط بر این که خوابیدن شخص را در کنار خود می‌دانسته است.

سؤال ۱۰۲۷- خانم الف، که از حُسن شهرت اخلاقی مناسبی برخوردار نبوده، توسّط برادرانش مورد ضرب و جرح قرار گرفته، که آثار آن بر جسد وی ملاحظه گردیده است. سپس با تهیّه مقدّمات، و آویختن طناب از دار، و اجبار وی به خودکشی، وی خود را حلق آویز می‌نماید. آیا ضرب و جرح و فراهم نمودن شرایط به دار آویختن آن مرحومه، از مصادیق اکراه یا اجبار در قتل محسوب می‌گردد؟ حکم شرعی اکراه یا اجبارکنندگان چیست؟

جواب: هرگاه ثابت بشود که اکراه در حدّی بوده که اقدام آن زن بر خودکشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۷

به خاطر ترس از شکنجه‌های بیشتری انجام یافته، اکراه‌کننده کنندگان در حکم قاتل عمد هستند.

سؤال ۱۰۲۸- قتلی در منزل مشترک زن و شوهری واقع شده و متّهمین، آن زن و شوهر و پسر عموی شوهرش می‌باشند. مقتول با متّهمین کاملًا بیگانه بوده، و رابطهٔ نسبی و سببی حتّی در حدّ یک آشنایی ساده هم نداشته‌اند. متّهمه ابتدا در محضر دادگاه، علّت قتل را تأثّرات ناشی از تجاوز به عنف مقتول به خویش اعلام می‌کند، و اقرار به مباشرت در قتل می‌نماید؛ لکن بعدها آن را تکذیب می‌نماید. شوهر متّهمه می‌گوید: «هر چند شخصاً موفّق به سلب حیات مقتول نشده، لیکن اعتقاد دارد چنین متجاوزی، شرعاً مستحقّ قتل می‌باشد.» متّهم دیگر، منکر شراکت در قتل است.

با توجّه به اظهارات متّهمه، و انگیزهٔ شرافتمندانه در قتل مذکور، آیا مورد از موارد قصاص است؟

جواب: چنانچه ثابت شود که قاتل آن زن است، تا ثابت نشود که انگیزهٔ آن حفظ ناموس خویش بوده، باید قصاص شود.

سؤال ۱۰۲۹- نفر اوّل به وسیلهٔ سنگ ضربه‌ای بر سر مقتول وارد آورده، و او را به زمین انداخته است. مضروب در حال مرگ بوده که همان شخص دوباره سنگی بر می‌دارد تا به او بزند. امّا نفر دوّم سنگ را از ضارب اوّل گرفته، و دو دستی ضربه‌ای بر سر مضروب وارد می‌کند، و فرد مذکور بر اثر ضربهٔ مغزی فوت می‌کند. وکیل اولیای دم در مورد ضربهٔ دوّم هنگام طرح شکایت خود گفته: «ضربهٔ دوّم آخرین رمق حیات را از متوفّی سلب نموده است.» اگر فرضاً هر دو ضربه بر یک نقطهٔ سر وارد شده باشد، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا قتل عمد است یا شبه عمد، و قاتل کدام نفر است؟

جواب: این دو ضربه خواه بر یک نقطه وارده شده باشد یا دو نقطه، قتل عمد است. و هر دو مشترکاً قاتل محسوب می‌شوند.

۲- آیا مادّهٔ ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی که می گوید: «هرگاه جراحتی که نفر اوّل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۸

وارد کرده، مجروح را در حکم مرده قرار داده، و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند، و در این حال دیگری کاری انجام دهد که به حیات او پایان بخشد، اوّلی قصاص می‌شود و دوّمی تنها دیهٔ جنایت بر مرده را می‌پردازد.» در این مورد صدق می کند؟

جواب: آنچه را در بالا ذکر کرده‌اید مشمول آن مادّه نیست؛ مگر این که واقعاً نفر اوّل کار او را تمام کرده باشد.

سؤال ۱۰۳۰- دو نفر در روستا به خاطر خرید یک گونی سبوس با هم درگیر می‌شوند. اهالی آنها را از یکدیگر جدا می کنند. بنابر اظهارات شهود و پدر مقتول، آنها در آن موقع هیچ گونه برخوردی با هم نداشتند. لکن پس از این که از هم جدا می‌شوند، متّهم جلوی درب منزل مقتول، از فاصلهٔ حدود ۱۰ الی ۱۵ متری سنگی به سمت مقتول پرتاب نموده، که به گلوی وی اصابت می کند. پس از گذشت حدود سه ساعت از این ماجرا، مقتول به کلانتری مراجعه، و از آنجا به درمانگاه انتقال داده شده، و در آنجا فوت می‌نماید. پزشکی قانونی علّت مرگ را اصابت جسم سخت به ناحیهٔ گردن، و عوارض ناشی از آن بیان کرده است. ولی متّهم در تمامی مراحل تحقیقات منکر پرتاب سنگ شده، و حتّی خود او نیز جهت طرح شکایت علیه مقتول به کلانتری مراجعه کرده، و در آنجا دستگیر شده است. لطفاً حکم این مسأله را بیان فرمایید.

جواب: چنانچه طبق شهادت دو شاهد عادل ثابت شود که متّهم آن سنگ را به گردن مقتول زده، و مرگ مستند به اصابت آن سنگ باشد، و متّهم قصد قتل داشته، یا چنین سنگی در فاصلهٔ مذکور غالباً عامل مرگ باشد، قتل عمد محسوب می‌شود، و قصاص دارد. در غیر این صورت (و حتّی در صورت شک) باید دیه بپردازد.

سؤال ۱۰۳۱- ایراد ضرب و جرح با رضایت مجنی علیه چه حکمی دارد؟ کشتن انسانی با رضایت خود او چگونه است؟

جواب: هیچ کدام از این امور جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۳۹۹

سؤال ۱۰۳۲- عدّه‌ای از روی خصومت به سوی یکدیگر تیراندازی کرده‌اند. پسر بچّهٔ ۱۲ ساله‌ای، که از آنجا عبور می کرد، به واسطهٔ تیر شخص معیّنی به قتل رسد. چند تن از روحانیّون مقدار دیه را تعیین کردند. مقداری از آن را بر عهدهٔ قاتل، و مقدار بقیّه را بر عهدهٔ بعض دیگر از آن جمع گذاشته‌اند. این قضاوت شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آن بچّه را دیده و در عین حال به سوی او تیراندازی کرده، قتل عمد است؛ هر چند قصد کشتن خصوص او را نداشته باشد. و در صورتی که توافق بر دیه کنند، تمام دیه بر عهدهٔ قاتل است.

سؤال ۱۰۳۳- شخصی به سمت جمعی تیراندازی کرده، و پسر بچّهٔ ۱۴ ساله‌ای را بدون تقصیر به قتل رسانده است. با توجّه به این که قاتل مدّعی است قصد قتل او را نداشته، قتل مذکور چه نوع قتلی است، و حکم آن چیست؟

جواب: در صورتی که به سوی جمع تیراندازی کرده قتل عمد محسوب می‌شود؛ هر چند بگوید قصد قتل نداشتم.

سؤال ۱۰۳۴- چنانچه افرادی در خارج از کشور مرتکب جرایمی شده، و طبق قوانین آن کشور تعقیب و محاکمه گردیده، و کیفر مقرّر برای جرم مورد نظر را گذرانده باشند، و سپس به ایران مراجعت کنند لطفاً بفرمایید:

الف) در جرایم مستوجب قصاص، در صورت درخواست اولیای دم آیا قابل تعقیب و مجازات هستند؟

جواب: در مواردی که قصاص تعلّق می گیرد، اگر شاکی تقاضای قصاص کند حکم قصاص جاری می‌شود. و اگر به جای آن خسارتی گرفته و راضی شده، حکم قصاص ساقط است. و اگر راضی نشده، وجه خسارات را بازمی گرداند و تقاضای قصاص می کند.

ب) در جرایم حدّی حکم چیست؟

جواب: در موارد حدود حد ساقط نمی‌شود؛ زیرا آنها صلاحیّت اجرای حد را ندارند، و به علاوه قائل به حد نیستند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۰

ج) در جرایم تعزیری و بازدارنده چگونه است؟

جواب: با توجّه به این که تعزیر بسته به نظر حاکم است چنانچه در آنجا تعزیر شده باشند، هر چند به صورت زندان، حاکم شرع می‌تواند تعزیر را در اینجا تخفیف دهد، و لو تعزیر او به صورت ملامت و سرزنش و اندرز بوده باشد.

سؤال ۱۰۳۵- محاربی در جریان محاربه، مرتکب قتل یا نقص عضو یا جرح دیگران می‌شود؛ آیا علاوه بر مجازات محاربه، قصاص نیز می‌شود؟

جواب: نخست قصاص می‌شود؛ سپس حدّ محارب جاری می‌گردد.

سؤال ۱۰۳۶- آیا ایجاد حقّ قصاص قبل از فوت شخص امکان‌پذیر است، تا مجنی علیه حقّ اسقاط آن را داشته باشد؟

جواب: این گونه موضوعات از قبیل اسقاط ما لم یجب نیست، و در جای خود آن را مشروحاً بیان کرده‌ایم.

سؤال ۱۰۳۷- آیا احراز قصد قتل حین ارتکاب عمل، شرط مشروعیّت حکم قصاص است؟

جواب: آری احراز شرط است؛ هر چند به وسیلهٔ قرائن و شواهد باشد.

سؤال ۱۰۳۸- آیا إذن وارد ساختن جنایت از سوی مجنیّ علیه، موجب سقوط ارش یا دیه می‌گردد؟ به عبارت دیگر، اگر شخصی به دیگری اجازه دهد که جنایتی بر او وارد کند. آیا پس از ایراد جنایت، مجنیّ علیه می‌تواند مطالبهٔ خسارت نماید؟

جواب: این اذن از نظر تکلیفی مجوّز ایراد جنایت نمی‌شود، و دیه نیز دارد؛ مگر این که مجنیّ علیه بعد از وقوع جنایت جانی را عفو کند.

شرایط قصاص

۱- مساوات در دین

سؤال ۱۰۳۹- با توجّه به عدم جواز قصاص مسلمان در برابر کافر، لطفاً بفرمایید:

آیا اسلام آوردن قاتل پس از ارتکاب قتل، مانع از اجرای قصاص می‌شود؟ و بر فرض مثبت بودن پاسخ، آیا بین اسلام آوردن ظاهری (به انگیزهٔ فرار از قصاص) با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۱

اسلام واقعی قلبی تفاوتی وجود دارد؟

جواب: آری، در صورتی که مسلمان شود مانع قتل اوست. و ما مأمور به ظاهر هستیم، مگر این که یقین به دروغ گفتن او داشته باشیم.

سؤال ۱۰۴۰- با توجّه به این که یکی از شرایط اساسی ایجاد حقّ قصاص نفس، کفائت در دین می‌باشد، لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- آیا ملاک کفائت، زمان ارتکاب قتل است، یا زمان اجراء حکم؟

جواب: در صورتی که کافری مسلمانی را کشته باشد، بعد مسلمان شود، قصاص از بین نمی‌رود. و اگر کافر، کافری را کشته باشد، قصاص از بین می‌رود، و تبدیل به دیه می‌شود؛ بنابراین معیار در اینجا، حال قصاص است.

۲- آیا پیروان فرقهٔ اهل حق و علی اللّهی‌ها، مسلمان محسوب می‌شوند؟

جواب: بعضـی از آنها اظهار می‌دارند که به یگانگی حق، و نبوّت پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله ایمان دارند؛ این گروه مسلمانند، هر چند انحراف دارند، ولی بعضی دیگر چنین نیستند.

۲- قاتل پدر مقتول نباشد

سؤال ۱۰۴۱- بسیاری از فقهاء می‌فرماینـد: «پـدر به خاطر قتل فرزنـد قصاص نمی‌شود، ولی مادر قصاص می‌شود.» دلیل این تفاوت چیست؟

جواب: مـدرک عمده بر تفاوت بین پدر و مادر در این حکم، روایات فراوانی است که در این زمینه وارد شده است. بسیاری از این روایات کلمـهٔ «رجل» یا کلمـهٔ «اب» دارد. جالب این که تنها در سؤال راوی نیست، تا بگوییم راوی سؤال از محلّ ابتلای خود کرده، بلکه در کلاـم امـام علیه السـلام نیز وجود دارد، که خود دلیلی بر تفـاوت می‌باشـد. و به یقین حمل «رجل» یا «اب» بر مفهوم اعمّ، به حسب متفـاهم عرب امکـان نـدارد، و تعـبیر به «والـد» نیز ظهور در همین معنـا دارد، و حمـل بر مفهوم اعمّ بسـیار مشکل است، و با موازین فقهی نمی‌سازد. به علاوه، مسأله تقریباً اجماعی است و مخالفت با آن، با این همه اقوال و روایات، با ذوق فقه سازگار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۲

نمی‌باشـد. و تمسّـک به قاعـدهٔ «درء» در اینجـا بسـیار مشـکل است؛ زیرا عمومیّت قـانون قصاص از آیات و روایات عدیـده اسـتفاده می‌شود، و اسـتثناء کردن از آن، دلیل محکمی می‌خواهد که در مورد مادر وجود ندارد. ضـمناً این تفاوت، فلسـفهٔ نسـبتاً روشنی هم دارد که شاید بر خوانندگان عزیز که اهل تحقیق هستند، پوشیده نباشد. خوب بود فکری برای گرفتن این امتیاز از پدر می‌کردید؛ نه این که این امتیاز را به مادر بدهید!!

سؤال ۱۰۴۲- اگر پدر فرزند نامشروع خود را به قتل برساند، آیا قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص ندارد؛ ولی دیه دارد.

سؤال ۱۰۴۳- شخصی به نام نعیم، سه فرزند خود را به قتل رسانده، و چند نفر از آنان را به شدّت مجروح نموده، که بعداً بهبود پیدا نموده‌اند. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا با وجود مادر فرزندان، عموها می‌توانند ادّعای دیه کنند؟

جواب: دیهٔ مقتولین بر پدر لازم است، و تمام دیه به مادر آنها می‌رسد، و دیهٔ مجروحین به خود آنها پرداخت می‌شود. و در هر حال عموها و داییها در اینجا حقّی ندارند.

۲- مخارج فرزندان باقیمانده بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: اگر اموالی داشته باشند مخارج آنها از اموالشان برداشته می‌شود، و اگر نداشته باشند بر عهدهٔ مادر آنهاست.

۳- در صورتی که مادر مقتولین از ادامـهٔ زنـدگی با قاتل بیمناک باشـد، آیا ملزم است با او زنـدگی نماید، یا می‌تواند توسّط حاکم شرع طلاق بگیرد؟

جواب: در صورتی که احساس خطری نکند می‌تواند با او زندگی کند، و الّا طلاق خود را به وسیلهٔ حاکم شرع خواهد گرفت.

سؤال ۱۰۴۴- با توجّه به این که قتل کودکان توسّط پدر، یا جدّ پدری قصاص ندارد، متأسّفانه مدّتی است که این امر در جامعه زیاد اتّفاق می‌افتد! جهت تشدید مجازات این افراد چه حکمی صادر می‌فرمایید؟

جواب: این گونه پدران باید دیه بپردازند، و می‌دانید که دیه بسیار سنگین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۳

است، و می‌توانـد کیفر مهمّی محسوب شود. اگر حاکم شـرع تشـخیص دهـد که این امر گسترش پیدا کرده، می‌تواند علاوه بر این،

تعزیر سنگینی کند. البتّه اگر طفل به صورت جنین باشد، در هیچ حال قصاص ندارد و تنها دیه دارد.

۳- مساوات در عقل

سؤال ۱۰۴۵- چرا اگر عاقل عمداً مجنونی را بکشد قصاص نمی‌شود؟
جواب: اوّلًا: این مسأله اجماعی است، و روایت معتبری دارد.
ثانیاً: مساواتی در میان عاقل و مجنون نیست، به همین دلیل جایز نیست عاقل را به خاطر قتل مجنون قصاص کرد؛ ولی دیه ثابت است.

۴- مقتول محقون الدم باشد

سؤال ۱۰۴۶- چنانچه کسی با اعتقاد به این که فردی به لحاظ ارتکاب بعضی اعمال، یا داشتن برخی عقاید، واجب القتل است، اقدام به قتل وی نماید، در حالی که چنین اعمال و عقایدی شرعاً مجوّز قتل نمی‌باشد، بفرمایید قتل واقع شده چه نوع قتلی می‌باشد؟
جواب: در فرض سؤال قتل شبه عمد محسوب می‌شود.

۵- مساوات در جنسیّت

سؤال ۱۰۴۷- اگر مردی چندین زن محقون الدّم را بکشد، و برخی از اولیای دم آنها خواهان قصاص، و بعضی طالب دیه باشند، به چه ترتیب عمل خواهد شد؟
جواب: هرگاه بعضی قصاص کنند (مثلًا اولیای دم یکی از مقتولین فاضل دیه را بپردازد و قصاص کند) دیه بقیّهٔ از اموال قاتل پرداخته می‌شود.

لوث و قسامه

سؤال ۱۰۴۸- اگر درگیری طرفین دعویٰ محرز شود، ولی مدّعی در مورد جراحت
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۴
وارده شاهد نداشته باشد، و فقط یک نفر اظهار نماید که من چاقو را در دست مدّعیٰ علیه مشاهده نمودم. آیا مورد از موارد لوث محسوب می‌شود، یا لازم است مدّعیٰ علیه به عنوان منکر قسم یاد نماید؟ آیا در صدمات جزئی نیز منکر و یا مدّعی می‌توانند قسم یاد نمایند؟
جواب: به مجرّد شهادت یک نفر، به صورتی که در بالا ذکر کرده‌اید، لوث ثابت نمی‌شود. در صدمات جزئی، مانند وقوع جنایت بر یک بند انگشت، نیز حکم قسامه جاری می‌شود.
سؤال ۱۰۴۹- برخی از فقها در لوث، شهادت جماعت زنان را قبول کرده‌اند؛ امّا امام راحل قدس سرّه فرموده‌اند که لوث به شهادت زنان حاصل نمی‌شود. لطفاً بفرمایید: منظور از جماعت چیست؟ آیا با شهادت یک زن، در خصوص قتل عمد یا غیر عمد، لوث ثابت می‌شود؟ ضمناً اگر یک زن انجام قتل توسّط یک فرد، و یک مرد به انجام قتل توسّط فردی دیگر شهادت دهد، آیا لوث ثابت می‌شود؟
جواب: در صورتی که جماعتی از زنان، که مورد اعتماد باشند، شهادت دهند، لوث ثابت می‌شود.
سؤال ۱۰۵۰- چنانچه شخصی ادّعا کند چند نفر او را زده‌اند، و پزشکی قانونی نیز گواهی نماید که چند نقطه از بدن وی مضروب

و مجروح شده است. حال اگر به نظر دادگاه از موارد لوث باشد، و مدّعی نتواند معیّن کند کدام جراحت یا ضربه را چه کسی به او وارد نموده، به چه شکل فصل خصومت می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا ظنّ اجمالی نیز از مواردی است که موجب لوث می‌شود؟

جواب: هرگاه مقدّمات و امارات لوث حاصل شود، فرقی میان یک نفر یا چند نفر به عنوان علم اجمالی نیست.

سؤال ۱۰۵۱- شخصی در اثر تصادف با وسیلهٔ نقلیّه (موتور) مصدوم شده، و علیه شخصی مثلًا زید به عنوان راننده شکایت نموده است. ولی زید مدّعی است که وی راننده نبوده، بلکه رفیقش عمرو (که صاحب موتور تلقّی، و موتور در اختیار وی بوده) راننده بوده است. از سوی دیگر عمرو می‌گوید: «درست است که موتور در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۵

اختیار من بود، ولی آقای زید به محض پیاده شدن این جانب، بر موتورسیکلت سوار و با سرعت رانندگی نمود، و در حین رانندگی با مصدوم تصادف کرد». عمرو جهت اثبات ادّعای خویش چند شاهد معرّفی کرده، و شهود اظهار نمودند که قبل از تصادف آقای زید را در حین رانندگی مشاهده نموده، ولی اصل تصادف را ندیده‌اند.

لطفاً بفرمایید:

۱- آیا مورد نسبت به زید از موارد لوث محسوب، و در نتیجه با قسمِ مصدوم نامبرده محکوم به پرداخت دیه می‌شود، یا از موارد لوث محسوب نمی‌شود؟

۲- در صورت صغیر بودن مصدوم، آیا خود صغیر حق در خواست قسم، یا قسم یاد نمودن را دارد؟

۳- در صورت منفی بودن پاسخ، ولیّ قهری و یا قیّم وی چنین حقّی را دارند؟

۴- آیا لازم است در مقابل ادّعای زید قسم یاد نماید؟

جواب: چنانچه شهود معتبر شهادت دهند که در زمان وقوع تصادف زید سوار بر موتور بوده، هر چند تصادف را ندیده باشند، مورد از موارد لوث است. و صغیر نمی‌تواند مطالبهٔ قسم کند، بلکه ولیّ او این کار را می‌کند. و قسم تنها وظیفهٔ کسی است که دعوی بر ضدّ او اقامه شده است.

سؤال ۱۰۵۲- مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، از جمله مادّهٔ ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی، در مواردی که مجنیّ علیه ولیّ دم نداشته، یا شناسایی نشود، ولیّ دم او ولیّ امر مسلمین است. که ولیّ امر در این خصوص می‌تواند اختیارات خود را به رئیس قوّهٔ قضائیّه، و به واسطهٔ وی به رؤسای دادگستری‌ها تفویض نماید. حال چنانچه در موارد قتل عمد، ولیّ دم وجود نداشته، یا شناسایی نشود، و رئیس دادگستری یا رئیس قوّهٔ قضائیّه به نیابت از ولیّ امر مسلمین، تقاضای قصاص کند، و از طرفی دعوا داخل در باب لوث گردد، کیفیّت اجرای مراسم قسامه چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر قاضی از روی مبادی حسیّه، یا قریب به حسّ، علم به وقوع قتل توسّط کسی داشته باشد می‌تواند بر طبق علم خود عمل کند، و نیازی به قسامه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۶

نیست. در غیر این صورت، قسامه جاری نمی‌شود، و باید دیه از بیت المال پرداخته شود.

سؤال ۱۰۵۳- در یکی از پاسگاههای نیروی انتظامی، درجه داری با گلوله مصدوم، و پس از چند دقیقه فوت می‌کند. افسر نگهبان- که متّهم پرونده است- می‌گوید: «به نزدیک مقتول رفتم، خواستم توپی کلت را جابجا کنم، که در این لحظه مقتول به سوی من برگشت، و دستش به اسلحه خورد، و ناگهان اسلحه شلیک شد، و این واقعه بوجود آمد» مسلّمات پرونده به شرح زیر است:

۱- پزشک قانونی در بازسازی صحنه، که با حضور متّهم انجام شده، با توجّه به نقطهٔ ورود گلوله (زیر بغل در زیر لبهٔ تحتانی دندهٔ چهارمِ سمتِ چپِ قفسهٔ سینه) و مسیر گلوله (که ریه‌ها و قلب را پاره کرده) و نقطه‌ای که گلوله در آن به دست آمده (زیر لبهٔ

تحتانی دندهٔ پنجمِ سمتِ راستِ قفسهٔ سینه) اعلام کرده که قول متّهم مطابق با واقع نبوده، و قابل پذیرش نیست.

۲- مأمورین کشف جرایم، که در صحنهٔ بازسازی حضور داشته، قول متّهم را تأیید نکرده‌اند.

۳- متخصّص اسلحه‌شناسی اعلام کرده که شلیک از فاصله‌ای کمتر از نیم متر انجام شده است.

۴- کسی غیر از متّهم و مقتول در صحنه حضور نداشته، تا از مشاهدات او استفاده کنیم.

اولیای دم مدّعی قتل عمد هستند، ولی متّهم حتّی حاضر به قبول شلّیک به سمت مقتول نیست. سؤالی که برای این جانب پیش آمده این است که در این مورد خاصّ، قاعدهٔ حق استحلاف اولیای دم و سوگند متّهم را جاری سازیم (برای احراز نوع قتل) یا با توجّه به مسلّمات پرونده، مورد را از موارد لوث تلقّی کرده، و از اولیای دم بخواهیم که پنجاه نفر را برای ادای سوگند (جهت اثبات قتل عمد) به دادگاه معرّفی کنند؟

جواب: در صورتی که قاضی از قرائن مذکور یقین حاصل کند که قتل از سوی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۷

متّهم صورت گرفته (خواه به صورت عمد باشد، یا به صورت خطا) می‌تواند مطابق آن حکم کند؛ زیرا علم قاضی در این مورد مستند به مبادی قریب به حسّ است و حجّت می‌باشد. و اگر علم حاصل نشود، باید از لوث استفاده کرد؛ مشروط بر این که قسامه واقعاً علم به وقوع قتل عمد یا خطا داشته باشند. و اگر قسامه حاضر به قسم نشد، و یا علم نداشت، دیه بر بیت المال است.

سؤال ۱۰۵۴- آیا همان گونه که قسامه در جرائم بالمباشره (چنانچه از موارد لوث باشد) جاری است، در جرائم بالتسبیب نیز جاری و ساری است؟

جواب: فرقی بین سبب و مباشر در اینجا نیست؛ مشروط بر این که قتل به سبب نسبت داده شود، نه به مباشر.

سؤال ۱۰۵۵- آیا احراز عدالت در قسامه، همانند عدالت شهود، شرط است؟

جواب: احراز عدالت شرط نیست.

سؤال ۱۰۵۶- بدن نیمه جان انسانی در کنار جادّهٔ منتهی به روستا، در فاصلهٔ حدود ۳۰۰ متر مانده به روستا یافت شده، و در حال اعزام به بیمارستان فوت کرده است.

پزشکی قانونی آثاری از برخورد و تصادم اتومبیل، یا وسیلهٔ نقلیّه‌ای در بدنش نیافته، و علّت مرگ را ناشی از «یک ضربه به سر» اعلام می‌کند. اولیای دم، که فقط یک پسر و یک دختر بالغ می‌باشند، فقط علیه سه نفر از اهالی محلّ (که در روستا حضور داشته، و اتّفاقاً یکی از آن سه اذعان می‌دارد که چند دقیقه قبل متوفّی را دیده، که به همراه شخص ناشناس دیگری در مسیر جادّه پیاده حرکت می‌کردند، و او که با موتورسیکلت در جهت مخالف حرکت می‌کرده، فقط متوفّی را بر اثر تکان دادن دست شناخته، و چند دقیقه بعد که بازگشته بدن خون‌آلودش را تنها دیده است) ادّعای قتل عمد نموده، و مشخّصاً یکی از آن سه را مباشر و دو تن دیگر را معاون در قتل پدرشان می‌دانند، لکن بیّنه‌ای ندارند، و با انکار متّهمین نیز مواجه‌اند، و برای اثبات ادّعای خود هر یک با قاطعیّت و اصرار تمام، پنجاه سوگند می‌خورد. سایر بستگان نسبی ذکور متوفّی، به لحاظ سکونت در شهرهای مختلف در مراسم قسامه شرکت مستقیم ندارند، امّا به صدق گفتار و وثوق مدّعیان قسم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۸

می‌خورند، و صرفاً بر مبنای ادّعای مدّعیان، متّهمین را قاتل می‌دانند. با توجّه به آنچه گذشت، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا با اجرای قسامه، ادّعای اولیای دم موصوف ثابت می‌شود؟

جواب: هرگاه شرایط لوث وجود داشته باشد، اینجا جای قسامه است.

۲- آیا مدّعیان با فرض عدم شرکت سایر بستگان ذکور نسبی، می‌توانند قسمهای لازم را شخصاً به دفعات ادا نمایند؟

جواب: اگر سایر بستگان قسم نخورند، مدّعیان می‌توانند قسمها را تکرار کنند.

۳- در صورت اجرای قسامه به کیفیّت مذکور، در اثبات عنوان اتّهامی هر یک از منکرین (از جهت مباشرت یا معاونت در قتل) تفاوتی وجود دارد؟

جواب: اجرای قسامه در مورد معاونت قتل محلّ اشکال است.

سؤال ۱۰۵۷- آیا در قسامه (چه در قتل، و چه در جرح) وارث فعلی معتبر است؟ یا از طبقات دیگر نیز می‌توانند قسم یاد کنند؟

جواب: وارث فعلی شرط نیست، حتّی اگر از افراد قوم و قبیله بوده باشند نیز مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۵۸- اگر ورثه با فرض علم آنان به موضوع، حاضر به قسم نباشند، آیا تکرار قسم مدّعی کافی است؟

جواب: آری کافی است.

سؤال ۱۰۵۹- اگر قاضی محکمه از قرائن علم پیدا کند که ورثهٔ دیگر علم ندارند، یا خود مدّعی اظهار کند که منسوبین من یقین ندارند، و در موقع ایراد ضرب و جرح شاهد درگیری نبوده‌اند، و فقط من یقین دارم، آیا بازهم احضار منسوبین لازم است؟

جواب: در صورتی که بقیّه علم نداشته باشند، احضار آنها ضرورتی ندارد.

سؤال ۱۰۶۰- آیا کسانی که در زمان وقوع قتل عاقل نبوده، یا غیر بالغ بوده‌اند، امّا هنگام اجرای قسامه عاقل و بالغ شده‌اند، می‌توانند جهت ادای سوگند در این مراسم شرکت کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۰۹

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۰۶۱- آیا در صورت لزوم تعدّد قسامه در جراحات، منسوبین نزدیک مدّعی نیز لازم است قسم یاد نمایند، یا تکرار قسامه توسّط خود مدّعی کافی است؟

همچنین در صورتی که مدّعی علیه قسم یاد نماید بازهم تکرار وی یا تکمیل توسّط منسوبین در صورت علم به موضوع لازم می‌باشد؟

جواب: آری لازم است منسوبین مدّعی در صورت علم قسم یاد کنند، همچنین در صورتی که مدّعی علیه قسم یاد کند.

سؤال ۱۰۶۲- آیا قسامه در جراحاتی که موجب ارش است، یا عواملی غیر از جراحت که سبب ارش است، کارآیی دارد؟

جواب: در این گونه موارد نیز قسامه ثابت است، مشروط بر این که ارش قابل ملاحظه‌ای باشد.

سؤال ۱۰۶۳- اگر جراحت یا سایر عوامل موجب دیه یا ارش، از ناحیهٔ طفل یا مجنون یا حیوان باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد طفل و مجنون قسامه جاری است. و در مورد حیوان اگر جنبهٔ تسبیب داشته باشد در آنجا نیز قسامه جاری است.

سؤال ۱۰۶۴- با احترام فتوای شریف را در خصوص قسامه در صدمات بدنی بیان فرمایید:

الف) آیا برای احراز قسامه، قسم مجروح به همراه سایرین لازم است؟

جواب: آری لازم است.

ب) در فرض «الف» در صورتی که مصدوم صغیر یا مجنون باشد، اجرای قسامه چگونه است؟

جواب: ولیّ او به جای او اجرای قسم می‌کند.

ج) در صورتی که در قسامهٔ اعضا، جنایت وارده موجب ۱۶ دیه یا کمتر باشد، آیا قسم مصدوم به تنهایی کافی است؟

جواب: آری به تنهایی کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۰

د) در فرض «ج» اگر مصدوم مجنون یا صغیر باشد، آیا قسم ولیّ قهری او کفایت می‌کند؟

جواب: آری کفایت می‌کند. در ضمن باید توجّه داشت که قسامه در اعضا تنها موجب دیه است، نه قصاص.

سؤال ۱۰۶۵- اگر جانی و مجنیّ علیه هر دو صغیر باشند، آیا تقاضای قسامهٔ عاقلهٔ مجنیّ علیه برای اثبات جنایت خطایی صغیر پذیرفته می‌شود؟ آیا در فرض فوق می‌توان عاقلهٔ جانی را محکوم به پرداخت دیه نمود؟

جواب: تقاضای قسامه از سوی ولیّ طفل خواهد بود؛ و احکام بر آن جاری می‌شود.

سؤال ۱۰۶۶- اگر مورد از موارد لوث نباشد که قسامه اجرا شود، و نوبت به قسم منکر برسد، و منکر قسم را به مدّعی رد کند تا او قسم یاد کند، آیا با این قسم قصاص ثابت می‌شود، یا صرفاً دیه اثبات می‌گردد؟

جواب: در این گونه موارد ادّعا با قسم ثابت نمی‌شود.

سؤال ۱۰۶۷- آیا استماع سوگند حالفین در حضور جمیع حالفین و اولیای دم بلا مانع است؟ یا همانند استماع شهادت شهود باید فارغ از تأثیر و تأثّر روانی حضور اولیای دم و دیگر حالفین، و منفرداً نزد قاضی انجام پذیرد؟

جواب: انفراد در این مسأله شرط نیست.

سؤال ۱۰۶۸- نظر به این که قسامه به منظور تکمیل و تتمیم ظنّ و گمان حاکم دادگاه، و رافع تردید و شبههٔ وی برای رسیدن به یقین می‌باشد، آیا استماع سوگند ۵۰ نفر به وسیلهٔ دو قاضی جداگانه شرعاً اشکال دارد؟ آیا صدور حکم به اعتبار گزارش و صورت جلسهٔ استماع سوگند به وسیلهٔ قاضی دیگر که در غیاب حکم دادگاه تنظیم شده جایز می‌باشد؟

جواب: قسامه باید به طور کامل در محضر یک قاضی اجرا شود.

سؤال ۱۰۶۹- در صورت مشکل بودن تجمّع ۵۰ نفر در موعد اوّلیهٔ دادگاه، آیا یک بار اخطار به اولیای دم کفایت می‌کند؟ در صورت عدم توفیق در معرّفی ۵۰ نفر، آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۱

نوبت به قسامهٔ بستگان مدّعی علیه می‌رسد، یا تجدید دعوت از اولیای دم متوفّی مجاز می‌باشد؟

جواب: در صورتی که جمع کردن همهٔ آنها در مجلس واحد مشکل باشد، مانعی ندارد در چند مجلس نزدیک به هم جمع شوند. و از نظر ما لازم نیست قسم‌خورندگان همه از اقربای نسبی باشند، همین اندازه که از قوم و قبیله یا کسانی که در آن محلّه زندگی می‌کنند باشند کافی است.

سؤال ۱۰۷۰- ثبت صورت جلسهٔ استماع سوگند ۵۰ نفر متضمّن زمان زیادی است، و معمولًا در یک جلسه میسّر نمی‌باشد. آیا اولیای دم می‌توانند عدّه‌ای را برای جلسهٔ اوّل، و بقیّه را برای جلسه یا جلسات بعد به دادگاه معرّفی نمایند؟ در چنین وضعیّتی، آیا فاصلهٔ جلسات باید نزدیک به هم (مثلًا فردای جلسهٔ اوّل) باشد، یا فاصلهٔ یک ماه یا بیشتر، که اولیای دم فرصتی برای معرّفی افراد دیگر داشته باشند منعی ندارد؟

جواب: اجرای قسامه در یک جلسه کار مشکلی نیست، و ثبت آن هم کار ساده‌ای است. امّا اگر فرضاً میسّر نشود، در دو یا چند جلسهٔ نزدیک به هم مانعی ندارد، به طوری که مدّعی به حسب معمول توان جمع‌آوری آنها را داشته باشد.

سؤال ۱۰۷۱- لطفاً دربارهٔ بحث قسامه بفرمایید:

الف) آیا مرد بودن سوگندخورندگان شرط است؟ آیا در این مورد میان مدّعی و قوم او فرقی می‌باشد؟

ب) در صورت عدم اشتراط مرد بودن، چنانچه در میان مدّعیان و قوم او به تعداد کافی مرد باشد، آیا زنی که یکی از مدّعی‌ها است می‌تواند از جملهٔ سوگندخورندگان به حساب آید؟ اگر به تعداد کافی مرد وجود نداشته باشد چطور؟

ج) در صوت جواز تکرار سوگند به وسیلهٔ قسم‌خورندگان، زنان مدّعی نیز می‌توانند قسم را تکرار نمایند؟

جواب: قسامه نمی‌تواند زن باشد، بنابراین باید مردها (اگر به قدر کافی نباشند) سوگند را تکرار کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۲

سؤال ۱۰۷۲- در موارد لوث اگر مدّعی از اجرای قسامه خودداری کند، بفرمایید:

۱- آیا در این صورت، اقامهٔ قسامه قهراً به متّهم (مدّعی علیه) می‌رسد، یا این امر منوط به مطالبهٔ مدّعی است؟

جواب: مدّعی می‌تواند قسم را به مدّعی علیه رد کند، و در این صورت مراسم پنجاه قسم بر عهدهٔ اوست.

۲- در صورت لزوم مطالبه، اگر مدّعی از چنین در خواستی سرباززند، یا به قسامهٔ متّهم راضی نباشد، وظیفهٔ دادگاه برای فصل خصومت چیست؟

جواب: قاعدهٔ «البیّنهٔ علی المدّعی و الیمین علی مَنْ انکر» جاری می‌شود.

۳- در فرض فوق تکلیف دیهٔ مقتول چیست؟

جواب: در این فرض دیه بر کسی نیست.

سؤال ۱۰۷۳- در مورد قسامه، آیا تنها ادّعای یکی از طرفین مبنی بر این که منسوبین به موضوع علم ندارند، در تکرار قسم کافی است، یا احضار منسوبین لازم است؟

جواب: لازم است منسوبین احضار شوند، و تحقیق به عمل آید.

اولیای دم

سؤال ۱۰۷۴- صاحبِ حقِّ قصاص در قتل عمد چه کسی است؟ مجنیّ علیه، یا اولیای دم؟

جواب: مجنیّ علیه صاحب حق است، و از او به ورثه می‌رسد.

سؤال ۱۰۷۵- در صورتی که پدر، یا جدّ پدری، مرتکب ضرب و جرح فرزند صغیرش شود، چه کسی می‌تواند از او به حاکم شرع شکایت کند؟ آیا قصاص در این صورت ممکن است؟ در صورت محکومیّت پدر، یا جدّ پدری، به دیه یا قصاص، دریافت دیه یا استیفای قصاص با چه کسی است؟

جواب: در این گونه موارد حاکم شرع ولیّ صغیر است، که احقاق حق کند.

سؤال ۱۰۷۶- چنانچه ورثهٔ مقتول صغیر باشند، بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۳

۱- آیا همواره اخذ دیه از سوی اولیای صغار، اصلح به حال صغار است، یا این که ولیّ صغیر حسب مورد می‌تواند جانی را عفو یا مطالبهٔ قصاص کند؟

جواب: غالباً اخذ دیه به مصلحت صغار است؛ ولی موارد نادری پیدا می‌شود که ممکن است مصلحت صغار در عفو، یا قصاص باشد.

۲- آیا محدودهٔ اختیارات ولیّ با قیّم، در این خصوص تفاوتی دارد؟

جواب: هر دو باید مصلحت صغیر را در نظر بگیرند.

سؤال ۱۰۷۷- هنگامی که اولیای دم همگی صغیر باشند، تکلیف چیست؟

جواب: در صورتی که مصلحت در صبر کردن باشد، باید صبر کنند، و قاتل را با ضمانت و کفالت کافی آزاد نمایند، تا صغیرها کبیر شوند و خودشان تصمیم بگیرند. و اگر ولیّ مصلحت ببیند (که غالباً مصلحت در همین است،) دیه می گیرد.

سؤال ۱۰۷۸- اگر مقتول مسلمان، امّا ولیّ دم وی کافر باشد، چه باید کرد؟

جواب: حاکم شرع اولیای دم را حاضر می کند، و به آنها پیشنهاد اسلام می‌نماید؛ اگر پذیرفتند، اختیار قاتل را به دست آنها

می‌دهد، قصاص کنند یا دیه بگیرند. و اگر اسلام را نپذیرفتند، حاکم شرع دیه می‌گیرد، و به بیت المال می‌دهد.

سؤال ۱۰۷۹- چنانچه ارتباط با اولیای دم فعلًا ممکن نباشد؛ ولی در آینده امکان دسترسی به آنان وجود داشته باشد، حکم چیست؟

جواب: باید صبر کنند تا دسترسی پیدا شود؛ ولی چنان چه زمان طولانی باشد، باید قاتل را با اخذ وثیقه و کفالت کافی آزاد نمایند.

سؤال ۱۰۸۰- در موارد قتل، که نوبت به ولایت حاکم می‌رسد، بفرمایید آیا ولیّ امر، همانند اولیای دم، علاوه بر درخواست قصاص یا اخذ دیه، حقّ عفو نیز دارد؟

جواب: ولیّ امر حقّ عفو ندارد؛ بلکه باید یا قصاص کند، یا دیه بگیرد، (هر کدام که به مصلحت مسلمین باشد.)

سؤال ۱۰۸۱- آیا پدر می‌تواند نسبت به فرزند صغیرش، در خصوص جراحات و صدمات، اعمّ از عمدی و غیر عمدی، که از سوی غیر به وی وارد آمده، هم از دیه بگذرد و هم از قصاص صرفنظر نماید؟ از آنجا که در باب قصاص فتوی و قانون بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۴

این است که: «ولیّ صغیر حق ندارد قاتل را مجّاناً عفو نماید.» آیا این موضوع به جراحات و صدمات موجب قصاص و دیه نیز سرایت می‌کند؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ ولی باید مصلحت صغیر را در نظر گرفت، و مصلحت صغیر غالباً اخذ دیه است.

سؤال ۱۰۸۲- نظر خود را در خصوص نحوهٔ استیفای قصاص، در دو فرض زیر بیان فرمایید:

الف) چنانچه اولیای دمِ مقتول منحصر به فرزند صغیر یا صغار (از دو نفر بیشتر) باشد حکم چیست؟

جواب: در صورتی که مصلحت آنها در گرفتن دیه باشد، و قاتل نیز حاضر به پرداخت دیه گردد، باید دیه گرفته شود. و اگر مصلحت آنها در قصاص باشد، ولیّ دم می‌تواند قصاص کند. و در صورت ابهام قضیّه، قاتل را با وثیقهٔ معتبر آزاد می‌کنند، تا صغار کبیر شوند و تصمیم بگیرند.

ب) در صورتی که فرزند یا فرزندان اولیای دم جملگی مجنون باشند، حکم چیست؟

جواب: ولیّ باید مصلحت آنها را در نظر بگیرد و اقدام کند.

سؤال ۱۰۸۳- چنانچه اولیای دم، از انجام قصاص یا مطالبهٔ دیه صرف نظر کنند، آیا بعداً حق دارند از نظر خود برگردند؟

جواب: بعداً نمی‌توانند تغییر نظر دهند.

سؤال ۱۰۸۴- در صورتی که اولیای دم تقاضای دیه کرده باشند، آیا قبل از دریافت آن می‌توانند از نظر خود رجوع، و تقاضای قصاص کنند؟ بعد از وصول دیه چطور؟

جواب: بعد از وصول دیه جایز نیست؛ و قبلًا هم اگر مصالحهٔ شرعیّه بردیه انجام شده باشد، تغییر آن جایز نیست.

سؤال ۱۰۸۵- اگر اولیای دم تقاضای قصاص کنند، آیا تا قبل از اجرای حکم فقط می‌توانند عفو کنند؟ یا امکان مطالبهٔ دیه نیز وجود دارد؟ آیا در این حالت می‌توانند با قاتل مصالحه و چیزی زاید بر دیه مطالبه کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۵

جواب: می‌توانند قصاص را با رضایت قاتل به هر چیزی تبدیل کنند، ولی رعایت انصاف در هر حال خوب است.

سؤال ۱۰۸۶- پسرم با تحریکات شیطنت‌آمیز خانوادهٔ همسرش، که منجر به درگیری و فوت مادر زنش شد، به قصاص و دریافت فاضل دیه محکوم گردید. ورّاث کبیر، و پدر صغار (اصالتاً و ولایتاً) با دریافت مبلغی بیش از دیهٔ کامله رضایت دادند؛ هر چند در رضایت‌نامهٔ کتبی و رسمی به گرفتن دیه اشاره‌ای نشده است. آیا پدر صغار می‌تواند از طرف صغار گذشت کند، یا با دریافت دیه رضایت دهد، یا باید منتظر رشد و بلوغ صغار شود؟ در صورت اخیر، آیا امکان آزادی موقّت جانی، با سپردن وثیقه، تا رشد صغار وجود دارد؟

جواب: ولیّ صغار باید آنچه به نفع آنهاست، انجام دهد. اگر قصاص به نفع آنهاست، بگذارد آنها رشید شوند و قصاص کنند، و در این صورت، باید با وثیقهٔ کافی جانی را آزاد کنند. و اگر دیه به نفع آنهاست، دیه بگیرد. و گذشت جز در موارد بسیار استثنایی به نفع صغار نیست.

سؤال ۱۰۸۷- چنانچه ولیّ قهری بخواهد صبر کند تا ولیّ دم صغیر بالغ شده و خود تصمیم بگیرد، مصالح مهم از وی تفویت می‌شود (مثل این که قاتل پیرمردی ۸۰ ساله و ولی دم پسر ۲ ساله‌ای باشد که اگر بخواهند صبر کنند تا وی بالغ گردد به احتمال زیاد قاتل می‌میرد، و حقّ ولی دم نسبت به قصاص و دیه از بین می‌رود.) در چنین صورتی ولیّ قهری کدام از گزینه‌های زیر را بجا آورد؟

الف) تقاضای قصاص نماید.

ب) بر اخذ دیه مصالحه کند.

ج) بر اخذ کمتر از دیه مصالحه نماید.

د) قاتل را عفو کند.

جواب: در این گونه موارد غالباً غبطه و مصلحت صغیر در گرفتن دیه است؛ به هر مقدار که جانی حاضر و راضی شود.

سؤال ۱۰۸۸- چنانچه عدّه‌ای از اولیای دم خواهان قصاص باشند، آیا سهم الدیهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۶

همسر در احتساب سهم الدّیهٔ سایر اولیای دم (اعمّ از صغار و کبار که تقاضای دریافت دیه نموده‌اند) تأثیرگذار است؟

جواب: زوجه سهمی در قصاص ندارد؛ ولی اگر تبدیل به دیه شود، سهم می‌برد.

سؤال ۱۰۸۹- فردی کشته شده، و از او یک زن باردار باقی مانده است. با توجّه به این که زوجه ولیّ دم واقع نمی‌شود، آیا حمل او ولیّ دم در مسألهٔ قصاص خواهد بود؟ اگر همراه این حمل وارث دیگری وجود داشته باشد، آیا وارث به تنهایی ولیّ دم خواهد بود؟

جواب: باید انتظار بکشند، چنانچه حمل زنده متولّد شد در صورت انحصار فقط او ولیّ دم است. در غیر این صورت شریک در این امر خواهد شد.

استیفای قصاص

سؤال ۱۰۹۰- آیا اذن حاکم در قصاص شرط است، یا ولیّ دم می‌تواند بدون اذن حاکم مبادرت به استیفای قصاص نماید؟

جواب: اذن حاکم شرط است.

سؤال ۱۰۹۱- در صورت شرط بودن اذن حاکم در استیفای قصاص لطفاً بفرمایید:

آیا مبادرت به استیفای قصاص بدون اذن حاکم تعزیر دارد، یا فقط معصیت است؟

جواب: هم معصیت کرده، و هم تعزیر دارد.

سؤال ۱۰۹۲- استیفای قصاص توسّط شخص ثالث و با اجازهٔ ولی دم، امّا بدون اذن حاکم، چه حکمی دارد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۰۹۳- در صورتی که حاکم اذن در قصاص ندهد، تکلیف جانی (قاتل) چیست؟

جواب: حاکم نمی‌تواند اذن قصاص ندهد؛ مگر این که مفاسد مهمّ اجتماعی بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۷

آن مترتّب شود، در این صورت باید از قصاص خودداری کرد.

سؤال ۱۰۹۴- چنانچه شخص ثالث، مستحق قصاص را بدون اذن حاکم و همچنین بدون اذن ولیّ دم به قتل برساند. سپس، ولی دمِ اوّل، اعلام رضایت کند، حکم چیست؟

جواب: مسأله از موارد شبهه، و مشمول قاعدهٔ درء است.

سؤال ۱۰۹۵- چنانچه شخصی مرتکب یک فقره قتل عمد، و دو فقره ایراد ضرب و جرح عمدی گردد، و اولیای دم مقتول خواهان قصاص باشند، و قاتل مالی برای پرداختن دیه نسبت به دو نفر مجنیّ علیهما (مورد ضرب و جرح) نداشته باشد، آیا اجرای قصاص قبل از پرداخت دیه امکان‌پذیر می‌باشد؟ در صورت منفی بودن، پرداخت دیه چگونه میسّر می‌باشد؟

جواب: قصاص طبق تقاضای اولیای دم انجام می‌گیرد، و شخص جانی اگر مالی داشته باشد، دیه را از اموال او می‌پردازند، در غیر این صورت به ذمّهٔ میّت می‌ماند. و اگر جنایت بر اعضا عمدی و قابل قصاص باشد، نخست آنها قصاص می‌کنند، بعد قصاص قتل انجام می‌شود.

سؤال ۱۰۹۶- در شرایط کنونی وضعیّت دادگاه‌ها و محاکم کشور به گونه‌ای است که مجرمین، حتّی قاتلین، تا بیست سال هم محاکمه نمی‌گردند! و با این همه فساد که در میان قضات وجود دارد، قصاص قاتل یک امر مشکل، و حتّی غیر ممکن می‌باشد، و در برخی مناطق دیگر که تقریباً خود مختار هستند مجازات قاتل به صورت اعدام نیست، بلکه حد اکثر چهار ده سال زندان می‌باشد. اگر در چنین شرایطی اولیای دم اقدام به انتقام کنند، و قاتل را بکشند چه حکمی دارد؟

جواب: قصاص بدون اجازهٔ حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۱۰۹۷- آیا برای اجرای اعدام، در مواردی که شارع مقدّس نحوهٔ آن را مشخّص ننموده، واجب است حکومت نوعی را انتخاب کند که حدّ اقلّ درد را برای محکوم به اعدام در برداشته باشد؟

جواب: انواع معمولی جایز است؛ و حکومت می‌تواند از طرق سهل‌تر استفاده کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۸

سؤال ۱۰۹۸- آیا اجرای قصاص مقیّد به زمان خاصّی، مانند اوّل طلوع آفتاب است؟

جواب: قصاص مقیّد به زمان خاصّی نیست.

سؤال ۱۰۹۹- در مواردی که باید با شمشیر قصاص نمود، آیا قصاص با وسیلهٔ دیگر جایز است؟

جواب: آری با آلت قتّالهٔ معمول زمان، که مستلزم شکنجهٔ خاصّی نباشد، می‌توان قصاص کرد.

سؤال ۱۱۰۰- آیا می‌توان قصاص اعضا را به طریقی که مجرم درد را تحمّل نکند انجام داد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۰۱- آیا می‌توان در موارد قطع اعضا، با برق و اشعه‌های پیشرفته عمل نمود، یا حتماً باید با ابزار منصوص در روایات باشد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

تأخیر قصاص

سؤال ۱۱۰۲- دربارهٔ لزوم تأخیر اجرای حدّ یا قصاص زن شیر ده، بفرمایید:

۱- آیا این حکم، مادر رضاعی را نیز شامل می‌شود؟

جواب: چنانچه قصاص از مادر رضاعی، حیات فرزند را به خطر بیندازد، یا سبب ضرر قابل ملاحظه‌ای شود، همان حکم جاری است.

۲- در فرض شمول، بین امکان و عدم امکان جایگزینی دایه‌ای دیگر، یا شیر خشک، یا شیر حیوان، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۳- در صورت امکان جایگزینی، یافتن دایه وظیفهٔ حاکم شرع است، یا ولیّ طفل؟

جواب: حاکم شرع در این مسأله مسئولیّتی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۱۹

تبدیل قصاص به دیه

سؤال ۱۱۰۳- اگر ولیّ دم در قتل عمد مطالبهٔ دیه کند، و قاتل حاضر به پرداخت آن نشود، آیا می‌توان او را به پرداخت دیه محکوم نمود؟

جواب: دیه در قتل عمد تنها با توافق طرفین قابل وصول است، و نمی‌توان قاتل را اجبار کرد.

سؤال ۱۱۰۴- اگر قاتل عمد قبل از اجرای قصاص خودکشی کند، آیا دیه ساقط می‌شود؟

جواب: دیه از اموال او برداشته می‌شود.

سؤال ۱۱۰۵- هرگاه قاتل فرار کند و تا هنگام مُردن به او دسترسی نباشد، در این صورت تکلیف دیه چیست؟

جواب: می‌توان دیه را از اموال او برداشت.

سؤال ۱۱۰۶- شخصی زنِ برادر خود را کشته، و از سوی قوّهٔ قضائیّه محکوم به قصاص شده است. مدّتی از این حکم گذشته، و قاتل در زندان می‌باشد. دادگاه به پدر مقتول اطّلاع داده که فاضل دیه را پرداخت کنید، تا حکم قصاص اجرا گردد.

ولی چون پدر مقتوله شخص بی‌بضاعت و فقیر و عائله‌مندی است، قادر به پرداخت فاضل دیه نمی‌باشد. لذا از افراد خیّر و اقارب و عشیره کمک مالی می‌طلبد. آیا از نظر شرع مطهر، آنها می‌توانند به عنوان تبرّع و بلا عوض، یا به عنوان وجوهات شرعیّه به ایشان کمک کنند، تا او بتواند قاتل دختر خود را قصاص کند؟

جواب: هرگاه حاکم شرع تشخیص دهد که یک مصلحت مهمّ اجتماعی بر این مسأله مترتّب می‌شود، می‌تواند این کار را انجام دهد. ولی قصاص‌هایی که برای اهداف شخصی صورت می‌گیرد، مشمول این حکم نیست. و چه بهتر که از قصاص صرف نظر شود، و به سراغ دیه بروند.

سؤال ۱۱۰۷- چنان چه اولیای دم علی‌رغم اصرار بر قصاص، قدرت پرداخت فاضل دیه را نداشته باشند، و از طرفی به طور عادی نیز امیدی به تمکّن آنان در آینده نباشد، بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۰

۱- آیا در این گونه موارد قصاص به طور قهری تبدیل به دیه می‌شود؟

جواب: در صورتی که امیدی به پرداخت فاضل دیه در آیندهٔ نزدیک نباشد، حکم قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

۲- چنانچه پاسخ منفی است، در شرایطی که عدم قصاص، یا تأخیر آن، به مصلحت نباشد، و چه بسا عوارض سیاسی و اجتماعی شدیدی در بر داشته باشد، آیا می‌توان با پرداخت فاضل دیه از بیت المال قصاص را اجرا نمود؟

جواب: در صورتی که عدم اجرای قصاص واقعاً مشکل آفرین بوده باشد، پرداختن فاضل دیه از بیت المال بی‌مانع است.

۳- در فرض مسأله، آیا می‌توان بدون ردّ فاضل دیه، قصاص را اجرا نمود، و فاضل دیه به عنوان دین بر ذمّه ولیّ دم باقی بماند؟

جواب: جایز نیست.

۴- اگر (آن گونه که برخی از فقها می‌فرمایند) در این گونه موارد، وظیفه صبر کردن تا زمان توانایی ولیّ دم باشد، در مواردی که

ممکن است انتظار قصاص سالها به طول بکشد، و این امر برای قاتل و خانوادهٔ وی موجب عسر و حرج گردد، تکلیف چیست؟

جواب: در صورت احتمال یسار در آیندهٔ دور، تبدیل به دیه می‌شود.

قصاص اعضا

سؤال ۱۱۰۸- فردی که دستش قطع شده، دست فرد دیگری را به خود پیوند می‌زند، آنگاه این دست توسّط دیگری قطع می‌شود، بفرمایید:

الف) چه مسئولیّتی متوجّه جانی است؟

ب) آیا بین صورتی که دست پیوند زده شده به طور کامل ترمیم یافته، و صورتی که به طور ناقص بهبود یافته، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: در صورتی که آن دست به طور کامل ترمیم یافته، حکم دست اصلی را دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۱

سؤال ۱۱۰۹- در صورتی که شخص محکوم به قصاص، عضو مماثل نداشته باشد، بفرمایید:

۱- با توجّه به این که عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می‌شود، آیا (مثلًا) چشم کسی که به حسب ظاهر سالم است، ولی بینایی ندارد، عضو ناسالم محسوب می‌شود، یا چنین فردی فاقد عضو به حساب می‌آید؟

جواب: آری، چشم سالم در مقابل چشم ناسالم قصاص نمی‌شود.

۲- اگر جانی فاقد بینایی چشم راست باشد، و چشم راست کسی را کور کرده باشد، آیا چشم چپ او به عنوان قصاص کور می‌شود؟

جواب: آری، چشم چپ او را قصاص می‌کنند.

۳- اگر سلب بینایی به کندن حدقه باشد، و حدقهٔ چشمش سالم، ولی بینایی نداشته باشد، هنگام قصاص تکلیف چیست؟

جواب: چنانچه حدقهٔ جانی بینایی نداشته باشد قصاص نمی‌شود؛ بلکه باید دیه بدهد.

سؤال ۱۱۱۰- با عنایت به این که اگر شخصی دست راست دیگری را قطع نماید، به هنگام قصاص چنانچه جانی فاقد دست راست باشد دست چپ او، و در صورت فقدان دست چپ، پای او قطع می‌گردد، بفرمایید: آیا این حکم در مورد پا و دیگر اعضای زوج بدن نیز قابل اجرا است؟ مثلًا اگر جانی پای راست ندارد، و پای راست دیگری را قطع کرده، آیا اینجا نیز ابتدا پای چپ وی و در صورت فقدان آن، دست او قطع می‌گردد؟

جواب: در صورت فقدان پای راست، می‌توان پای چپ را قصاص کرد، و همچنین بالعکس؛ امّا دست راست را به جای پا نمی‌توان قصاص کرد. در مورد سایر اعضای زوج نیز همین حکم جاری است، یعنی راست را به جای چپ و چپ را به جای راست (در فرض فقدان مساوی) می‌توان قصاص کرد.

عفو از قصاص

سؤال ۱۱۱۱- آیا مجازات معاونت در قتل عمد، همچون قتل عمد، حقّ الناس و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۲

قابل گذشت است؟ یا حقّ اللّه است، و عفو آن منحصراً در اختیار ولیّ امر می‌باشد؟

جواب: آری، حقّ النّاس است، و در اختیار ولیّ دم می‌باشد.

سؤال ۱۱۱۲- در صورتی که مجنیّ علیه از زنده ماندن خود مأیوس شده باشد، آیا می‌تواند در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه، یا

مصالحه، یا عفو جانی، وصیّت نماید؟

جواب: او می‌تواند در حال حیات خود جانی را عفو کند، و نسبت به یک ثلث دیه نیز وصیّت نماید. امّا نسبت به وصایای دیگر او، احتیاط آن است که ورثه (اگر صغیر در میان آنها نباشد) به آن عمل کنند.

سؤال ۱۱۱۳- لطفاً در مورد مجازات ممسک و ناظر در قتل عمد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا مجازات حبس ابد برای ممسک، و کور کردن برای ناظر صحّت دارد؟

ب) در فرض ثبوت، آیا تبانی و سبق تصمیم ممسک و ناظر با مباشر قتل لازم است، یا صرف وحدت قصد، و لو این که به طور اتّفاقی حاصل شود، (چنان که در منازعات دسته جمعی معمولًا اتّفاق می‌افتد) کافی است؟

ج) بر فرض ثبوت مجازاتهای مذکور، آیا این مجازاتها از حقوق اللّه است، یا از حقوق النّاس که با عفو اولیای دم ساقط شود؟

د) بر فرض که از حقوق النّاس باشد، آیا عفو قاتل به تنهایی برای عفو ممسک و ناظر کافی است، یا نیاز به عفو مستقلّی دارند؟

ه) حکم اختلاف اولیای دم در عفو ممسک و ناظر چیست؟

جواب: همانگونه که در استفتاءات جدید، جلد اوّل، پاسخ سؤال ۱۲۶۳ نوشته‌ایم، جواب سؤال شما چنین است: «چنانچه اولیای دم از ممسک و مکره صرف نظر کنند، اجرای احکام مربوط به آنها دلیلی ندارد، و شبیه حکم قصاص است. و حکم مکره و ممسک هر دو حبس است، و کور کردن فقط حکم رأیی (بیننده یا دیده بان) می‌باشد، و آن در صورت خاصّی است.» و تبانی شرط نیست. این مجازاتها همانطور که در بالا گفته شد، جنبهٔ حقّ النّاس دارد که با عفو از میان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۳

می‌رود، و هر کدام احتیاج به عفو مستقلّ دارند، مگر این که عبارت عفو شامل همه شود، و در صورت گذشتِ بعضی از اولیای دم، حبس ساقط می‌شود.

سؤال ۱۱۱۴- در کتب فقهی می‌خوانیم: «اگر کسی دیگری را بگیرد، و فرد دوّمی او را به قتل برساند، در حالی که سوّمی آنها را دیده بانی کرده تا جنایت را انجام دهند، قاتل محکوم به قصاص، نگهدارنده محکوم به حبس ابد، و چشمان دیده بان با میلِ سرخ شده یا نظیر آن، کور می‌گردد.» لطفاً بفرمایید:

الف) مجازاتی که برای «نگهدارنده» و «دیده بان» بیان گردیده، چه نوع مجازاتی است؟ حدّ یا تعزیر؟

جواب: این مجازات نه حدّ است و نه تعزیر، بلکه از فروع قصاص است، و به همین دلیل قابل گذشت می‌باشد.

ب) آیا می‌توان چند سال حبس یا تبعید را جایگزین مجازاتهای فوق الذکر (حبس ابد و کور کردن) نمود؟ (همان‌طور که در قانون مجازات اسلامی برای چنین جرایمی، تحت عنوان کلّی «معاونت در قتل» مجازات ۳ تا ۱۵ سال حبس در نظر گرفته شده است).

جواب: در مواردی جایز است.

ج) آیا اولیای دم می‌توانند «نگهدارنده» و «دیده بان» را عفو نمایند، تا مجازات آنها ساقط شود؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۱۵- لطفاً دربارهٔ محکوم به قصاص که به درخواست اولیای دم حلق آویز شده و هنوز جان نسپرده، به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- اگر در این مرحله برخی از اولیای دم قاتل را عفو کنند، آیا باید اجرای حکم را متوقّف کرد، یا متوقّف کردن آن نیازمند به رضایت همهٔ آنهاست؟

جواب: در صورتی که هنوز زنده است عفو مانع از حکم اعدام می‌شود. مگر این که بقیّهٔ اولیای دم فاضل دیه را به اولیای قاتل بپردازند.

۲- در صورت توقّف اجرای حکم و بهبود قاتل، اگر اولیا خواهانِ قصاص، سهم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۴

الدیهٔ عفو کنندگان را بپردازند، آیا می‌توان مجدّداً وی را اعدام نمود؟

جواب: می‌توانند قصاص کنند؛ ولی با توجّه به این که صدمات و جراحاتی که بر مجرم وارد شده تکرار می‌شود، و جنبهٔ عمد پیدا می‌کند، و احتمال قصاص وجود دارد، احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند.

کفّارهٔ قتل عمد

سؤال ۱۱۱۶- کسی که در ماههای حرام مرتکب قتل عمد شده، علاوه بر پرداخت دیه باید کفّارهٔ جمع هم انجام دهد. آیا لازم است روزه‌های واجب کفّاره در ماه حرام انجام شود، یا می‌توان در ماههای دیگر هم انجام داد؟

جواب: لازم نیست در ماه حرام انجام داد.

سؤالات متفرّقهٔ قصاص

سؤال ۱۱۱۷- فردی عمداً چشم کسی را از بین برده، و طبق شهادت شهود و تحقیق از طرفین، موضوع پرونده از موارد قصاص تشخیص داده شده است. ولی جانی قبل از صدور حکم تقاضای تبدیل قصاص به دیه را نموده، و مجنیّ علیه نیز موافقت کرده، و حکم به دیه صادر شده، ولی بعد از قطعی شدن حکم دادگاه بدوی و تجدید نظر، محکوم علیه مدّعی اعسار شده است. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا تقاضای اعسار با توجّه به این که قصاص با درخواست مصدوم به دیه تبدیل شده، قابل رسیدگی است؟

۲- اگر موافقت مجنیّ علیه مشروط به پرداخت دیه بوده، چه حکمی دارد؟

۳- اگر بدون شرط قبول کرده چگونه است؟

۴- اگر تقاضای تبدیل به دیه از طرف مجنیّ علیه بوده و جانی موافقت کرده باشد چه حکمی دارد؟

جواب ۱ تا ۴: در صورتی که شرایط شخص جانی تغییر نکرده، ادّعای اعسار از او پذیرفته نیست؛ ولی اگر شرایط عوض شده، مثلًا در این اثنا ضرر و زیان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۵

مهمّی به او رسیده، این ادّعا با شهادت شهود از او پذیرفته می‌شود.

سؤال ۱۱۱۸- آیا محکومین به اعدام یا قطع عضو می‌توانند (قبل از اجرای حکم) اعضای بدن خود را به فروش رسانده، یا اهدا کنند؟

جواب: در صورتی که منافع عقلایی برای پیوند بر آن مترتّب باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۱۹- هرگاه مجرم محکوم به قصاص اعدام شود، آیا ولی دم می‌تواند مثلًا کلیه یا سایر جوارح او را مجاناً به دست آورد، چون او صاحب حق در مقابل متّهم می‌باشد؟

جواب: ولیّ دم حقّی در آن ندارد.

سؤال ۱۱۲۰- در صورت علم اجمالی به وجود قاتل در بین افراد محدود و معیّن، بفرمایید:

۱- آیا قاضی می‌تواند برای تعیین قاتل و اجرای قصاص از قرعه استفاده کند؟

جواب: قرعه در ابواب قصاص و حدود جاری نمی‌شود.

۲- در صورت منفی بودن پاسخ و لزوم پرداخت دیه، چه کسی باید دیه را بپردازد؟ نحوهٔ پرداخت آن چگونه خواهد بود؟

جواب: دیه در میان همهٔ آنها به طور مساوی تقسیم می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۷

فصل چهل و هفتم: احکام دیات

موجبات ضمان

سؤال ۱۱۲۱- آیا مرتکبین جرایم زیر، با توجّه به عدم حصول نتیجهٔ مجرمانهٔ مورد نظر، قابل مجازات هستند؟

۱- شخصی به قصد قتل دیگری، به سمت وی تیراندازی نموده، امّا به علّت عدم مهارت در تیراندازی، گلوله به فرد مورد نظر اصابت نمی‌کند.

۲- فردی به قصد قتل دیگری، شبانه به محلّ اقامت وی رفته، و او را که ظاهراً خوابیده بوده با گلوله هدف قرار می‌دهد. حال آن که مجنیٌّ علیه قبل از شلّیک وی، بر اثر سکتهٔ قلبی فوت نموده است.

۳- شخصی به قصدِ سرقتِ کیفِ پولِ دیگری، دست در جیب وی می‌کند. امّا اتّفاقاً جیب او خالی بوده است.

۴- شخصی به قصد قتل دیگری، گلوله‌ای به سمت او شلّیک می‌نماید. امّا گلوله به محلّی غیر حسّاس برخورد نموده، و مجنیّ علیه پس از مداوا، کاملًا بهبود می‌یابد.

قابل ذکر است که مورد اوّل مصداق «جرم عقیم» است، که فاعل عملیّات مجرمانه را از آغاز تا پایان انجام داده، امّا اقدامات مجرمانهٔ وی به علّت وجود عاملی خارج از اراده و خواست او بی‌نتیجه مانده، و مورد دوّم و سوّم مصادیق «جرم محالند» که علی‌رغم طیّ مسیر مجرمانه از آغاز تا پایان، حصول نتیجه در آن به طور موقّت (مورد ۳) یا دائم (مورد ۲) غیر ممکن است، و مورد چهارم مصداق جرم ناقص است، که موفّقیّت مجرم در حصول نتیجه کامل نبوده، و نتیجه خفیف‌تر از مطلوب مجرم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۸

آیا مجنیّ علیه در موقعیّت‌هایی نظیر موارد ۱ و ۳ و ۴ می‌تواند خسارات زیر را از مجرم مطالبه نماید:

الف) خسارات معنوی از بابت اضطراب و تأثّر ایجاد شده.

ب) خسارات مادّی، مانند هزینهٔ بیمارستان در صورت بستری شدن مجنیّ علیه به علّت آسیب‌های جسمی ناشی از شدّت هیجان وارده، یا مثلًا جراحات ناشی از جرم ناقص.

ج) خسارات معنوی، از بابت ایجاد نقص یا عیب دائمی در مجنیّ علیه به علّت شدّت هیجان وارده (مثل لرزش دائمی دست).

جواب: در مواردی که جرم حاصل نشده، و اثر اضطراب موقّتی بوده، حاکم شرع می‌تواند، مجرم را به خاطر انجام افعال مزبور تعزیر کند. و در مواردی که آثار اضطراب به صورت لرزش و مانند آن باقی مانده، در بعضی از موارد دیه، و در بعضی موارد ارش دارد. و در مواردی که جنایت به صورت ناقص وارد شده، دیهٔ خاص خود را دارد. و اگر هزینهٔ ضروری درمان بیش از دیه باشد، مجنیّ علیه می‌تواند مازاد را از جانی بگیرد.

سؤال ۱۱۲۲- نظر مبارک در خصوص مبنای فقهی بند سوّم مادّهٔ ۵۹ قانون مجازات اسلامی مبنی بر این که:

«حوادث ناشی از عملیّات ورزشی، مشروط بر این که سبب آن حوادث نقض مقرّرات مربوط به آن ورزش نباشد، و این مقرّرات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد جرم محسوب نمی‌شود.» که به عنوان یکی از عوامل موجهٔ جرم شناخته شده است (یعنی تحت آن شرایط یک فعل از حالت جرم بودن خارج می‌شود،) چه می‌باشد؟ مثلًا در ورزش فوتبال یک بازیکن به توپ ضربه‌ای

می‌زنـد، که به صـورت بـازیکن دیگر اصـابت کرده، و منتهی به جراحت یـا شکسـتگی می گردد؛ ولی قـوانین و مـوازین آن ورزش رعایت شده، و در نتیجه طبق قانون مذکور جرم نمی‌باشد. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: دلیل مسأله این است که هنگامی که افراد وارد بازی می‌شوند عملًا از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۲۹

یکـدیگر نسبت به حوادثی که در طبیعت بـازی احیانـاً نهفته است، و حتّی اگر طبق مقرّرات هم عمل کننـد بازهم این حوادث پیش می‌آید، برائت ضمنی می‌جویند، شبیه برائتی که طبیب لفظاً یا عملًا از مریض می گیرد، و این کار سبب برائت ذمّهٔ او می‌شود.

سؤال ۱۱۲۳- لطفاً در مورد میزان ضمان اسباب به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- هرگـاه چنـد سبب در فاصـلهٔ زمانی متفاوت باعث ورود خسارت مالی یا معنوی به فردی شود، از دیـدگاه فقهی چه راه حلّی در کشف مسئول اصلی و جبران خسارت وجود دارد؟

۲- هرگـاه چنـد سبب در فاصـلهٔ زمـانی هماهنـگ باعث ورود خسارت مالی یا معنوی به فردی شونـد، کـدام یک مسـئول است؟ و مسئولیّت به چه نحو بین آنها تقسیم می‌شود؟

جواب ۱ و ۲: هر کدام از اسـباب به مقدار تأثیری که در پدید آمدن آن حادثه داشـته ضامن هستند. و در صورتی که میزان تاثیر هر یـک مشـخّص نباشـد، نخست به کارشـناسان مورد اطمینـان مراجعه می‌شود. اگر مشـخّص نشـد، خسـارت در بین همـهٔ آنها به طور مساوی تقسیم می گردد.

سؤال ۱۱۲۴- شخصـی مبتلاـ به ایـدز وماننـد آن، دیگری را به گونه‌ای به آن آلوده کرده که نوعاً پس از مـدّتی سـبب صـدمات و مرگ وی خواهد شد. چنانچه ناقل زودتر از مجنیّ علیه فوت کند، دیهٔ مجنیّ علیه و یا خسارات وارده بر او، پس از مرگ جانی، در هر کدام از فروض عمد، شبه عمد، و خطای محض، بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: هرگاه ناقل سبب مرگ باشد، از اموال او بر می‌دارند.

سؤال ۱۱۲۵- اگر فردی به هنگام خواب، به اموال دیگری خسارت وارد کند حکم آن چیست؟

جواب: در هر صورت ضامن است.

سؤال ۱۱۲۶- آیا شخص زیان دیده، در صورت آگاهی و توانایی، مکلّف است از ادامهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۰

خسـارت جلوگیری نمایـد؟ در صورتی که جواب مثبت باشـد و این کـار را نکنـد، آیـا زیان زننـده ملزم به جبران خسارتی که زیان دیده، می‌توانسته از آن جلوگیری کند می‌باشد؟

جواب: در صورتی که شخص خسارت‌دیده بتواند جلو پیشرفت خسارت را بگیرد، و عمداً این کار را نکند، پیشرفت خسارت مستند به خود اوست، و آن شـخص که ایجـاد خسارت کرده در مقابل پیشـرفت ضامن نیست. این مسأله را فقهای ما در کتاب قصاص، در مورد کسـی که دیگری را در دریا یا رودخانه می‌انـدازد، و طرف می‌توانـد خود را نجات بدهـد، ولی اقدام نمی‌کند عنوان کرده، و گفته‌انـد: «شـخص اوّل ضامن نیست.» و چون این حکم را بر اساس قواعـد بیان کرده‌انـد، در موارد دیگر از جمله اموال تسرّی داده می‌شود.

سؤال ۱۱۲۷- اگر کسـی جهت زمینه‌سازی ارتکاب جرم، با خوراندن مسـکرات، یا آنچه که موجب زوال عقل می‌شود، سـبب بروز جنایتی شود، آیا ضامن است؟ اگر در این خصوص خودش تلف شود، آیا خونش هدر است؟

جواب: در صورتی که این کـار را به منظور تحقّق جنایتی کرده، یا می‌دانسـته که این عمل غالباً سـبب بروز جنایت می‌شود، هر چند نیّت آن را نداشته، ضامن است. و در مورد خودش، خونش هدر می‌باشد.

سؤال ۱۱۲۸- اگر آموزگاری در تصحیح اوراق امتحانی، یا مسئولین مدرسه در انتقال نمرات سهل انگاری نمایند، و بر اثر این سهل انگاری دانش‌آموزی مردود گردد، آیا آموزگار یا مسئول مربوطه نسبت به خسارات مادّی و معنوی دانش‌آموز در طول یک سال عقب افتادگی ضمانتی دارند؟

جواب: ضامن هستند.

سؤال ۱۱۲۹- طبق مقرّرات دولتی، پزشک و بیمارستان مکلّف به پذیرش و درمان مصدوم می‌باشند. چنانچه پزشکی قبل از اتمام درمان مصدوم، وی را (با وجود آن که می‌دانسته نیاز به مراقبتهای ویژه دارد) از بیمارستان مرخّص کند، و مصدوم طبق نظر پزشکی قانونی در اثر بالا رفتن قند خون، و خونریزی داخلی، چند روز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۱

پس از ترخیص فوت کند، آیا پزشک یا بیمارستان در فرض سؤال ضامن پرداخت دیه هستند؟

جواب: کار بسیار بدی کرده‌اند، ولی دیه‌ای بر آنها نیست.

سؤال ۱۱۳۰- ممکن است با فن‌آوری بدل‌سازی (شبیه‌سازی) چند نفر نسخه بدل یک اصل باشند. در صورتی که جرمی واقع شود، و از طریق اثر انگشت، یا دیگر آثار جسمی، یا علم قاضی، اثبات شود یکی از این افراد (اصل و فروع) مرتکب جرم شده‌اند، کدام نسخه محاکمه و مجازات خواهد شد؟

جواب: دیه در میان آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۳۱- آیا می‌توان مسئولیّت را به تناسب درجهٔ تقصیر تعیین نمود؟ مثلًا در حادثهٔ ناشی از کار، دست کارگری قطع می‌شود. طبق نظر کارشناس (بازرس کار) کارگر ۳۰٪ درصد و کارفرما ۷۰٪ مقصّر شناخته می‌شوند. آیا در این صورت می‌توان دیه، یا خسارت را به تناسب تقصیر هر یک از آنها، تعیین نمود؟ یعنی کار فرما را به پرداخت ۷۰٪ دیه محکوم نمود، و کارگر ۳۰٪ دیه را عهده‌دار شود؟

جواب: آری هر کدام به تناسب مسئولند. مگر این که قرارداد خاصّی در میان کارگر و کارفرما باشد.

سؤال ۱۱۳۲- آیا درجهٔ تأثیر باید در تعیین مسئولیّت ملاک عمل قرار گیرد، یا درجهٔ تقصیر؟ مثلًا در یک پروژهٔ گازرسانی، حفر کانال و خاک‌برداری بر عهدهٔ کار فرما، و نصب لولهٔ گاز و راه‌اندازی بر عهدهٔ پیمانکار می‌باشد. پیمانکار پس از حفر کانال و خاک‌برداری، لولهٔ فلزی (مثلًا ۸ متری) را بر روی خاکهایی که بیرون کانال انباشته قرار می‌دهد، ولی بالشتک و حفاظ مناسبی زیر لوله قرار نمی‌دهد. کارگری جهت تکمیل حفر کانال، داخل کانال شده، و لولهٔ مذکور به داخل کانال سقوط، و با اصابت به سر کارگر موجب مرگ وی می‌شود. کارشناس، کارفرما را به لحاظ عدم رعایت ایمنی از جمله فراهم نکردن دستکش و کفش و کلاه ایمنی (خصوصاً کلاه) ۶۰٪ درصد، و پیمانکار را به خاطر قرار ندادن حفاظ و بالشتک ۴۰٪ مقصّر می‌داند. با توجّه به این که در فرض مثال یقیناً تأثیر کار پیمانکار (عدم نصب حفاظ و نتیجتاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۲

سقوط لوله) بیش از درجهٔ تأثیر کار کارفرما بوده، سؤال این است: آیا باید درجهٔ تأثیر را ملاک در تعیین دیه و خسارت قرارداد، یا درجهٔ تقصیر را؟

جواب: معیار تأثیر و استناد عرفی است.

سؤال ۱۱۳۳- در اجتماع سبب و مباشر، در صورتی که هر دو به طور مساوی مقصّر باشند، آیا می‌توان هر دو را مسئول و محکوم نمود؟ یا با وجود مباشر، نمی‌توان سبب را مسئول دانست و سبب صرفاً در جایی مسئول است که اقوی از مباشر باشد؟

جواب: معیار در مسألهٔ سبب و مباشر اقوائیّت است. اگر سبب اقوی باشد استناد به او داده می‌شود، و اگر مباشر اقوی باشد استناد به

او داده می‌شود، و اگر مساوی باشند هر دو ضامن هستند.

سؤال ۱۱۳۴- در حادثه‌ای سبب ۷۰٪ و مباشر ۳۰٪ مقصّر شناخته شده است. آیا سبب را با توجّه به ۷۰٪ تقصیر، می‌توان اقوی از مباشر دانست؟

جواب: معیار اقوائیّت مسألهٔ تأثیر است، و منظور در اقوائیّت عقل و اختیار است، اگر سبب عاقل و مختار و رشید، و مباشر غافل یا مجبور باشد، در اینجا سبب اقوی است، و حادثه به او نسبت داده می‌شود.

سؤال ۱۱۳۵- به نظر برخی از فقهای عظام چنانچه فرد تحت تعلیم رانندگی دقیقاً دستورات و فرامین معلّم خویش را اجرا نموده، و معلّم نیز از امکانات ترمز و کلاج جهت هدایت اتومبیل بهره‌مند باشد، و در حین رانندگی حادثه‌ای رخ دهد، معلّم ضامن بوده، و فرد تحت تعلیم هیچ گونه مسئولیّتی نخواهد داشت. خواهشمند است بفرمایید:

الف) نظر مبارک حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در فرض سؤال با توجّه به این که سبب أقوی از مباشر است، ضمان متوجّه سبب یعنی معلّم می‌شود؛ نه مباشر.

ب) چنانچه در این حادثه معلّم و متعلّم هر دو فوت کنند، و مقصّر فرد تحت تعلیم باشد (البتّه دستورات معلّم را اجرا کرده است.) حکم دیهٔ آنها چگونه خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۳

جواب: در صورتی که متعلّم تمام دستورات را اجرا کرده باشد، مقصّر در واقع سبب یعنی معلّم است؛ نه مباشر.

ج) چنانچه در حادثهٔ فوق- فرض ب- یکی از آنها (مربّی، یا فرد تحت تعلیم) فوت نماید، و دیگری زنده بماند، حکم مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که احراز شود کدامیک مقصّر بوده، او ضامن است. یعنی چنانچه مباشر دستورات را انجام نداده، مباشر ضامن است، و اگر معلّم کوتاهی کرده، او ضامن است، و اگر معلوم نشود کدام مقصّر بوده‌اند، دیه در میان آنها تنصیف می‌شود.

د) آیا می‌توان حکم مربّی رانندگی را در مسألهٔ فوق با مربّی شنا یکی دانست؟

چرا که برخی از فقها معتقدند: «مربّی شنا فقط در صورتی ضامن است که فرد تحت تعلیم صغیر بوده باشد. ولی در صورتی که متعلّم کبیر باشد، و مربّی شنا نیز حاضر بوده، و متعلّم غرق شود، مربّی ضامن نیست.» علّت این فرق چیست؟

آیا وجود و عدم وجود قرارداد ضمانت برای مربّی رانندگی یا شنا، تأثیری در حکم دارد؟

جواب: در شنا ظاهراً صور مختلفی است؛ اگر شناگر تحت تعلیم صغیر باشد مربّی ضامن است، زیرا سبب اقوی است. و اگر کبیر باشد صور مختلفی دارد؛ در بعضی مربّی ضامن است، و در بعضی خود شناگر.

سؤال ۱۱۳۶- معاون جرم تا چه مقدار در جبران خسارت ناشی از جرم سهیم است؟

جواب: در صورتی که جرم استناد به هر دو داشته باشد، به همان نسبت که استناد دارد، ضامن است.

سؤال ۱۱۳۷- شخصی در زمین خود چاه آب حفر کرده، و در عمق ۱۵ متری با سنگی مواجه گردیده است. بدین جهت با موادّ منفجره، سنگ را منفجر می‌سازد.

بعد از انفجار، عابری به آن چاه رسیده، و جهت اطّلاع از وضعیّت آن سنگ، داخل چاه شده، و بر اثر تراکم گاز موادّ منفجره فوت می‌کند. ضمناً صاحب چاه مانع از داخل شدن شخص متوفّی نشده، و بنا بر شهادت شاهدان، از لحظه‌ای که شخص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۴

متوفّی داخل چاه می‌شود، هرچه کارگران اصرار می‌کنند که به اهالی اطّلاع دهند، صاحب چاه مانع می‌شود. بعد از گذشت یک ساعت و نیم، اهالی قریه مطّلع شده، و متوفّی را از چاه خارج می‌کنند. آیا صاحب چاه، که متوفّی را از خطر تراکم گاز در چاه مطّلع

نکرده، و نیز مردم قریه را خبر نکرده که فلان کس در چاه افتاده، مقصّر و ضامن دیه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که شخص عابر با میل خود وارد چاه شده، کسی مسئول دیهٔ او نیست. و اگر صاحب چاه می‌توانسته در نجات او بکوشد و کوتاهی کرده مستحقّ تعزیر است؛ امّا دیه بر او نیست. و اگر صاحب چاه از او دعوت کرده که در آن چاه وارد شود، و او از خطرات بی‌خبر، و صاحب چاه با خبر بوده و به او اطّلاع نداده، مسئول است.

سؤال ۱۱۳۸- زید اتومبیل خود را در اختیار فرزندش عمرو گذاشته، و عمرو که با دختری به صورت غیر شرعی دوست بوده، اتومبیل را در اختیار او می‌گذارد. پدر عمرو، که دختر را در خیابان، در حال رانندگی مشاهده کرده، او را با اتومبیل خود تعقیب، و دختر که متوجّه تعقیب وی شده بر سرعت خود می‌افزاید. در نهایت کنترل خود را از دست داده، و عابری را به قتل، و عابر دیگری را مصدوم می‌نماید.

کاردان فنّی عنوان نموده که مقصّر آن دختر است، ولی زید (پدر عمرو) نیز ۳۰٪ در وقوع تصادف مقصّر می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا زید هم مقصّر است و باید دیه بپردازد؟

جواب: در صورتی که هدف زید به دست آوردن مال خود بوده، تقصیری ندارد، و چیزی از دیه بر او نیست.

۲- نظر به این که آن دختر فاقد گواهینامه بوده، و عمرو اتومبیل را به شخص فاقد گواهینامه داده، و این کار از نظر قانون جرم است، آیا عمرو نیز نسبت به پرداخت دیه مسئولیّتی دارد؟

جواب: او از نظر پرداخت دیه مسئول نیست؛ ولی به خاطر عملش مستحقّ تعزیر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۵

سؤال ۱۱۳۹- رانندهٔ تریلی قبل از حرکت ماشین از نقص موجود در ترمز با خبر می‌شود، و علی‌رغم تذکّر شاگرد مسامحه کرده، و برای تعمیر آن اقدام ننموده، و سفر را شروع می‌نماید. ترمز ماشین در یک سراشیبی از کار می‌افتد. راننده برای جلوگیری از سقوط در درّه، ماشین را به کوه می‌زند و زنده می‌ماند؛ ولی شاگرد از ترس تصادم با کوه، خود را بیرون می‌اندازد و زیر چرخ ماشین کشته می‌شود. آیا می‌توان دیه را از راننده گرفت؟

جواب: اگر چه راننده کار بدی کرده، ولی در فرض سؤال مسئول دیه نیست؛ زیرا در اینجا مباشر اقوی است.

سؤال ۱۱۴۰- راننده‌ای با کسی تصادف کرده است، کاردان فنّی اعلام نموده که ۸۰٪ او و ۲۰٪ طرف مقابل مقصّر است، و آن شخص به ۸۰٪ دیه محکوم می‌شود. حال اگر کاردان فنّی اعلام نماید که آن شخص ۸۰٪ مقصّر بوده، و ۲۰٪ هم لغزندگی جادّه (بر اثر بارندگی) باعث تصادف شده، آیا در این صورت هم آن شخص به ۸۰٪ دیه محکوم می‌شود، یا باید تمام دیه را بپردازد؟

جواب: آن شخص باید تمام دیه را بپردازد.

سؤال ۱۱۴۱- شخصی در حیاط منزل خود چاه فاضلاب حفر می‌کرده، که متأسّفانه بر اثر راه پیدا کردن فاضلاب مستراح به چاه جدید الإحداث، دچار خفگی می‌شود.

همسایگان با اطّلاع از موضوع در محلّ ازدحام نموده، و رهگذری به قصد نجات آن شخص به داخل چاه می‌رود که او هم دچار خفگی شده، و فوت می‌نماید. بر فرض که شخص اخیر، به تقاضای صاحب چاه، یا به تقاضای شخصی که در درون چاه گرفتار بوده، داخل چاه شده باشد، یا بدون تقاضا و استمداد کسی و صرفاً به قصد احسان و نجات جان مسلمانی اقدام به این عمل نموده و فوت کرده باشد، چه کسی مسئول پرداخت دیهٔ او است؟

جواب: کسی مسئول دیهٔ او نیست؛ مگر این که این کار به پیشنهاد صاحب خانه صورت گرفته باشد، و شخص رهگذر به کلّی از جریان چاه بی‌خبر باشد، و صاحب خانه به او اطّلاع نداده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۶

سؤال ۱۱۴۲- زنی در حین زایمان طبیعی، و به هنگام خروج جنین، دچار پارگی مقعد و در نتیجه بی‌اختیاری مدفوع شده است. به علّت عدم تشخیص دکتر زایمان، و در نتیجه ترمیم نشدن به موقع، نقص مذکور بخوبی ترمیم نشده، و در حال حاضر ۴۰ تا ۵۰ درصد بی‌اختیاری دارد. آیا دکتر زایمان ضامن است، و بایستی دیهٔ نقص ایجاد شده، را بپردازد؟ یا به علّت عدم تشخیص، و اطّلاع ندادن به پزشکِ مسئول شیفت، فقط تعزیر می‌شود؟

جواب: در صورتی که در مسألهٔ زایمان خلافی از عامل (دکتر زایمان) سر نزده، ضامن نیست.

سؤال ۱۱۴۳- در حادثهٔ سقوط اتومبیل، به لحاظ تغییر مسیر ناگهانی آن، راننده و سرنشین هر دو فوت نموده‌اند. با توجّه به این که: اوّلًا: اولیای دم هر کدام، خواهان دیه هستند.

ثانیاً: اظهارات شهود در مورد این که کدام یک از متوفّیان رانندگی اتومبیل را بر عهده داشته و کدام یک سرنشین بوده، با هم در تعارض می‌باشد.

ثالثاً: نظریّهٔ کاردان فنّی تصادفات، کارشناس رسمی دادگستری، و هیأت‌های سه نفره و پنج نفره کارشناسان، در خصوص مورد مذکور مغایر همدیگر است. و در یک جمله قناعت وجدانی دادگاه را فراهم نیاورده است، مسئول پرداخت دیه کیست؟

جواب: دیه از هر دو طرف ساقط می‌شود.

سؤال ۱۱۴۴- شخصی در سنّ شش سالگی با بچّه‌ها بازی می‌کرده است. شخص دیگری که ۱۷ ساله بوده، در حال بازی به نفت داغی که داخل ظرفی بوده پا می‌زند، نفت داغ به شخص مزبور ریخته و او آتش می‌گیرد. جانی برای خاموش کردن آتش، او را در داخل حوض آبی که کمی هم لجن داشته می‌اندازد. سپس به بیمارستان منتقل می‌گردد. پدر و مادر مجنیّ علیه مخارج زیادی را متحمّل می‌شوند، که فقط چند درصدی از آن را پدر جانی می‌پردازد. آیا دیه‌ای به جانی یا پدر او تعلّق می‌گیرد؟ در فرض تعلّق دیه، آیا به قیمت آن روز محاسبه می‌شود، یا به قیمت امروز؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۷

جواب: در صورت ثبوت جنایت دیه به جانی تعلّق می‌گیرد، و باید به قیمت امروز بپردازد. و اگر هزینهٔ لازم برای درمان بیش از دیه باشد مقدار اضافی را نیز می‌تواند بگیرد، و معیار درصد از کار افتادگی است.

سؤال ۱۱۴۵- مینی با سرعت غیر مجاز در بلوار در حال حرکت بوده، که در همین حال موتورسیکلتی از فرعی وارد بلوار شده، و باعث وقوع تصادف می‌گردد، و در نتیجه رانندهٔ موتورسیکلت فوت می‌کند. کاردان فنّی نظر داده که به علّت ورود از فرعی به اصلی، عامل تصادف موتورسیکلت بوده، لکن سرعت مینی‌بوس نیز زیاد، و در تشدید تصادف مؤثّر بوده است. آیا تمام دیه را باید رانندهٔ مینی‌بوس بپردازد، یا قسمتی از دیه را، یا هیچ مسئولیّتی متوجّه وی نیست؟

جواب: چنانچه وقوع قتل مستند به کار هر دو باشد، هر یک از آن دو به مقدار تأثیری که در وقوع قتل دارند، ضامن دیه هستند. بنابراین ملاک ضمان، سببیّت در وقوع حادثه است، و هرگاه حادثه به دو نفر یا بیشتر استناد دارد، هر کدام به مقدار تأثیرشان ضامن هستند.

سؤال ۱۱۴۶- کودکی به نام جواد جهت روشن نمودن آتش، کلّیّهٔ وسایل از جمله کاغذ، کبریت، و بنزین را فراهم نموده، و بنزین را روی کاغذها ریخته، و مبادرت به کشیدن کبریت نموده، که در اثر وزش باد خاموش می‌شود. جواد به دلیل در دست داشتن ظرف بنزین، از کودک دیگری به نام مصطفی، درخواست می‌کند که کبریت را روشن کند. با زدن کبریت توسّط مصطفی و ایجاد اوّلین جرقّه، بنزین‌های از قبل ریخته شده توسّط جواد، که در هوا متصاعد بوده آتش گرفته، و به ظرف بنزین که در دست جواد بوده سرایت می‌کند. جواد از ترس، ظرف مشعل را به طرف کودک ثالثی به نام سیّد حسین که در نزدیکی آتش نشسته بوده پرتاب می‌کند. بنزین به صورت وی ریخته، و باعث سوختگی سیّد حسین و نهایتاً فوت وی می‌شود. نظر حضرت عالی در مورد دیهٔ

طفل مرحوم چیست؟

جواب: در صورتی که تمام آنها نابالغ، یا تمام آنها بالغ باشند، کودکی که ظرف مشتعل را پرتاب کرده، و سبب سوختن دیگری شده، ضامن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۸

سؤال ۱۱۴۷- فردی مقداری شراب با درصد بیش از حدّ متعارف الکل، به سه نفر فروخته است. یکی از خریداران بعد از مصرف فوت، دیگری نابینا، و سوّمی فلج شده است. در مورد میزان جرم، و مسئولیّت فروشنده این سؤالات مطرح است:

الف) در صورت اطّلاع فروشنده از میزان بالای الکل موجود در شراب، آیا جنایت عمدی است؟

ب) در صورت عدم اطّلاع از مطلب فوق، تکلیف چه می‌باشد؟

ج) آیا علم و جهل مصرف‌کننده به بالا بودن میزان الکل تاثیری دارد؟

د) آیا علم مصرف‌کننده به حرمت شرب خمر و بطلان معامله، تأثیری در حکم دارد؟

جواب الف تا دال: در صورتی که گیرندهٔ شراب، آگاه از بالا بودن درصد الکل و عوارض ناشی از آن بوده کسی مسئول قتل او نیست. و اگر آگاه نبوده، ولی فروشنده آگاه به این مسائل بوده، و می‌دانسته که این امر غالباً منشأ قتل یا نقص اعضا می‌شود، مصداق جنایت عمدی است. و اگر با خبر نبوده، او مسئول نیست.

ولی اگر سازنده آگاه بوده، یا سهل انگاری کرده، او مسئول است. و اگر هیچ کدام آگاه نبوده و سهل انگاری نکرده‌اند، و تصادفاً این مسأله پیش آمده، هیچ کدام مسئول نیستند. دانستن و ندانستن حکم این مسأله، تأثیری ندارد، ولی در مسألهٔ حدّ شراب و مجازات آن مؤثّر است، و به یقین این معاملات باطل و حرام است.

سؤال ۱۱۴۸- راننده‌ای به اتّفاق شاگردش جهت شستشوی کامیون خود به یک واحد شستشوی وسایل نقلیّه (کارواش) که فاقد پروانهٔ کار و نکات ایمنی لازم بوده، (به دلیل عیب فنّی دستگاه پمپ‌آب، و مجهّز نبودن به سیم اتّصال زمینی و فاقد استاندارد) مراجعه می‌نماید. متصدّی آن واحد به دلیل مشغلهٔ کاری از پذیرش شستشو خودداری، ولی با اصرار آنها شستشوی کامیون را به خود آنها واگذار می‌کند. در حین انجام کار، کمک راننده دچار برق گرفتگی شده و فوت می‌نماید.

لطفاً بفرمایید:

الف) با توجّه به این که واحد فوق فاقد پروانه بوده، و مسائل ایمنی در آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۳۹

رعایت نشده، چه کسی مسئول فوت نامبرده است؟

ب) آیا مباشرت آزادانه متوفّی مؤثّر در موضوع هست؟

جواب: در صورتی که دستگاه او معیوب و خطرناک بوده، و او خبر نداده، مسئول، صاحب مؤسّسه است. و اگر این امر بر اثر ناآگاهی کمک راننده حاصل شده، مسئول خود اوست.

سؤال ۱۱۴۹- مسئول برگزاری اردوی دانش‌آموزی، اسلحهٔ کلاشینکف خود را بدون خشاب و فشنگ در اختیار دیگر اعضا قرار می‌داده است. در همین اثنا که اسلحه دست یکی از اعضا بوده، وی متأسفانه بدون اطّلاع مسئول اردو یک فشنگ جنگی که از قبل همراه خود داشته را داخل اسلحه به نحوی جای می‌دهد که اسلحه آمادهٔ شلیک می‌گردد. بناگاه ترقّه‌ای صوتی در کنار مسئول برگزاری اردو منفجر می‌گردد، ایشان جهت برقراری نظم اسلحه را از دست فرد مزبور گرفته، خشابی را که نزد خود داشته به روی اسلحه سوار کرده، اسلحه را از ضامن خارج نموده، لکن هنوز مسلّح نکرده، که اشتباهاً دست وی به روی ماشه رفته و موجب شلیک و اصابت گلوله به یک نوجوان بسیجی می‌گردد. علی‌رغم سعی و تلاش تیم پزشکی، مصدوم فوت می‌نماید. با توجّه به

توضیحات بالا چه کسی ضامن است؟

جواب: ظاهر این است که هر دو مشترکاً در برابر دیه ضامن هستند، و برای تعیین مقدار مسئولیّت هر کدام باید نظر کارشناسان متعهّد را بدست آورند. و در صورت شک، احتیاط آن است که این دو نفر با هم مصالحه کنند، و در هر حال این قتل جزء قتل خطا نیست؛ بلکه شبه عمد است.

سؤال ۱۱۵۰- بند دوّم چهار انگشت کارگر سنگ‌بری با دستگاهی به نام قلّه‌بُر بریده می‌شود. توضیح این که: چون تمییز کردن زنجیر قله بر، نیاز به دو نفر دارد. یکی پشت دستگاه دکمه را می‌زند تا زنجیر قلّه بر بالا ـ و پایین بیاید، و دیگری زنجیر را تمیز و پاک می‌کند. این شخص نیز یکی را به عنوان همکار دعوت می‌کند، و شخص مددجو فقط به عنوان آن که کمک کرده باشد طبق دستور داعی (شخصی که انگشتانش بریده شده) دکمهٔ دستگاه را می‌زند، و آن اتّفاق می‌افتد. آیا دیه‌ای تعلّق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۰

می‌گیرد؟ و در صورت تعلّق، آیا بر عهدهٔ کارفرما است، یا شخص همکار؟

جواب: در صورتی که طبق دستور آن شخص فقط دکمه را زده و کار دیگری انجام نداده، و اشتباه و خطا از ناحیهٔ شخص مصدوم بوده، دیه به کسی تعلّق نمی‌گیرد. ولی اگر در هنگام استخدام طبق قانون کار یا قرار داد خصوصی، جبران هر گونه خطا و حادثه‌ای بر عهدهٔ کار فرما شرط شده است، باید به این شرط عمل شود.

سؤال ۱۱۵۱- مردی اجنبی بـه اتّفاق زن بیگانه‌ای با موتورسیکلت، در جاده حرکت می‌کردند. از سوی مرد به آن زن پیشنهاد می‌شود که با دوستان وی نیز ارتباط برقرار نماید، زن که فقط به منظور ارتباط با موتور سوار خود را آماده کرده بود، از این موضوع ناراحت شده، با سعی و تلاش راننده را به ایست کامل جهت پیاده شدن دعوت می‌نماید؛ لکن راننده نپذیرفته، و به مسیر خود ادامه می‌دهد. لذا آن زن خود را از موتور در حال حرکت پایین می‌اندازد، و همین امر باعث مرگ وی می‌گردد. آیا راننده ضامن است؟

جواب: در صورتی که راننده می‌دانسته، یا احتمال قوی می‌داده که اگر توقّف نکند زن خود را از موتورسیکلت خواهد انداخت، نیمی از دیهٔ او را باید بپردازد.

سؤال ۱۱۵۲- شخصی در کارگاهی کار می‌کرده، که به خاطر نداشتن کلید اتوماتیک و نواقص دیگر، پنج انگشت و مقداری از کف دست وی قطع می‌شود. دیهٔ او بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: در صورتی که کارگر از نقص دستگاه اطّلاع نداشته، و صاحب کار در اطّلاع‌رسانی کوتاهی کرده، مسئول صاحب کار است. و اگر اطّلاع داشته و اقدام بر این کار کرده، دیه بر عهدهٔ خود اوست. مگر این که قانون کار، که بر مبنای آن استخدام صورت گرفته، وظیفه‌ای برای کارفرما در این گونه موارد قائل شود.

سؤال ۱۱۵۳- پزشکی قانونی در تعیین علّت فوت یک خانم باردار چنین نظر داده است: «چون ماما می‌بایست طبق مقرّرات زائو را به پزشک متخصّص معرّفی نماید، و این امر صورت نگرفته، ۲۰٪ مقصّر است.» آیا دادگاه مجاز به محکوم نمودن ماما به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۱

لحاظ عدم راهنمایی زائو به پزشک متخصّص به میزان فوق می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا ماما باید دیهٔ جنین را نیز به همان نسبت بپردازد؟

جواب: شخص ماما تنها مستحق تعزیر است؛ و ممکن است تعزیر مالی انتخاب شود.

سؤال ۱۱۵۴- آقای «الف» که شغلش جمع‌آوری ضایعات است، مقداری آهن آلات ضایعاتی از بیرون شهر جمع‌آوری کرده، سپس آن را برای فروش به مغازه‌ای، که خریدار این قبیل ضایعات می‌باشد، آورده است. آقای «ب» که کارگر مغازه است، پس از بازدید

یک قطعه از اشیای مذکور را که مشکوک و غیر عادی بوده، جدا و به فروشنده تحویل داده، و بقیّهٔ آنها را می‌خرد. آقای «الف» پس از خروج از مغازه آن شیء مشکوک را با فاصله‌ای از مغازه به بیابان می‌اندازد. آقای «ج» پسر یازده‌ساله صاحب مغازه، که فاقد مسئولیّت کیفری می‌باشد، قطعهٔ آهن مشکوک را پیدا کرده، داخل پارک مخفی می‌نماید. بعد از مدّتی موضوع را با یکی از دوستان هم سنّ خود، آقای (د) در میان می‌گذارد. با هم به پارک می‌روند، و بنا به تقاضای دوستش آن شیء را در اختیار او قرار می‌دهد. آقای «د» آن را با خود به منزل برده و کنجکاوی او باعث انفجار آن شده، که در اثر این انفجار چهار انگشت دست راستش قطع می‌شود. پدر طفل مذکور (د) به ولایت از طرف فرزندش، بر علیه آقای «ج» و پدرش شکایت، و تقاضای دیه کرده است. مستدعیست بفرمایید:

۱- آیا آقایان «الف» و «ج» از باب سببیّت مسئولیّتی در بروز این حادثه دارند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، میزان تقصیر هر یک چقدر می‌باشد؟

۲- اگر آقای «ج» بدون در خواست از سوی آقای «د» آن شیء مشکوک را به او سپرده باشد تا برای او نگهداری کند، سپس انفجار و قطع انگشت رخ داده باشد چطور؟ آیا آقای «ج» از باب سببیّت مسئولیّتی دارد؟

جواب: اگر آن شیء ظاهراً چیز خطرناکی بوده، و آقای «الف» آن را در جایی رها کرده که ممکن است توجّه دیگران را جلب کند، مسئولیّت دارد. همچنین پسر صاحب مغازه، و بچّه‌ای که شیء مزبور را کاوش و دستکاری کرده، آنها نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۲

مسئولیّت دارند. و درصد ضمان این سه نفر منوط به نظر کارشناسان مورد اعتماد است.

سؤال ۱۱۵۵- کارفرمایی وسیله نقلیّهٔ سنگین را در اختیار یکی از کارگران خویش، که فاقد گواهینامهٔ راهنمایی و رانندگی بوده، قرار می‌دهد. در حین انجامِ کارِ فردی، و بر اثر عدم مهارت راننده کشته می‌شود، بفرمایید:

الف) در صورتی که کارگر مذکور ملزم به رعایت دستور کارفرما باشد، مسئولیّت قتل بر عهدهٔ کارگر است، یا کارفرما؟

ب) آیا می‌توان هر یک را بر حسب درصد شرکت در قتل، مقصّر شناخت؟

ج) در صورتی که کارگر ملزم به عمل مذکور نبوده، ولی بر اساس قوانین و مقرّرات مربوط به کار، و به دلیل عدم اجرای مقرّرات و ضوابط فنّی، کارفرما مقصّر شناخته شود، آیا از نظر شرعی کار فرما مسئولیّت دارد؟

جواب الف تا ج: مقصّر در هر حال فقط کارگر مزبور است. ولی چنانچه طبق قوانین کار قراردادی با کارگر داشته، که خسارت او را در چنین فرضی بپردازد، لازم است طبق آن قرارداد عمل شود.

سؤال ۱۱۵۶- ممکن است یکی از طرفین در حین مشاجره به علّت استرس ناشی از مشاجره سکتهٔ قلبی نموده، و فوت نماید. چنانچه جسد مورد معاینهٔ دقیق قرار گرفته و کالبدگشایی شود، ممکن است علائمی به نفع بیماری قلبی عروقی یا سکته‌های جدید یا قدیم قلبی مشاهده شود. قاضی معمولًا پرونده را به کمیسیون کارشناسی پزشکی ارجاع، و نظر آنان را در مورد میزان تأثیر استرس و هیجان ناشی از منازعه در تشدید بیماری زمینه‌ای و تسریع مرگ جویا می‌شود. لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: هرگاه کسی به سبب استرس ناشی از مشاجره فوت نماید، آیا در صورت تشخیص پزشکی قانونی، می‌توان عامل آن را به دیه محکوم نمود؟

ثانیاً: آیا عامل مشاجره، که موجب عصبانیّت و سکته گردیده، مباشر در قتل است، یا این که به میزان تأثیر عمل (به استناد نظر پزشکی قانونی) باید دیه بدهد؟

جواب: اگر عامل مشاجره و فشار روحی شخص متوفّی بوده، یا عوامل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۳

بیرونی اثر داشته، کسی ضامن نیست؛ ولی اگر از قرائن حسّی یا قول اهل خبره معلوم شود که طرف مقابل عامل این کار بوده، به نسبت تأثیر ضامن است.

سؤال ۱۱۵۷- صاحب موتور عقب، و دوستش رانندهٔ موتور بوده است. راننده در سر چهار راه نتوانسته موتور را کنترل کند، و بدین جهت پس از برخورد به جدول فوت نموده، و نفر دوّم مجروح می‌شود. ادارهٔ راهنمایی تأیید می‌کند که فرد فوت شده سرنشین (راننده) موتور بوده است. حکم شرعی این مسأله را بیان فرمایید.

جواب: خون سرنشین موتور بر گردن خودش بوده، و دیهٔ شخصی که مجروح شده را باید از مال او (اگر مالی دارد) بدهند.

سؤال ۱۱۵۸- دو نفر عابر پیاده، بدون آشنایی با مقرّرات راهنمایی و رانندگی از اتوبان کرج- ساوه عبور می‌کردند، که با ماشین خاور تصادف نموده، و هر دو جان می‌سپارند. لطفاً بفرمایید دیهٔ آنها بر عهدهٔ کیست؟

جواب: در صورتی که آنجا جای عبور و مرور نبوده، و رانندگان به طور معمول انتظار عابر پیاده‌ای را در آنجا ندارند، و آنها خودشان مرتکب بی‌احتیاطی شده‌اند، راننده مسئول نیست.

سؤال ۱۱۵۹- مؤسّسه‌ای اقدام به ایجاد دریاچه‌ای برای پرورش ماهی نموده، و به علّت عدم موفقیّت در این کار، دریاچه را بدون حفاظ و ایجاد حصار و نصب تابلوی شنا ممنوع رها کرده است. چند تن از جوانان برای شنا به آن دریاچه رفته، که یکی از آنها غرق می‌گردد. آیا مؤسّسهٔ مذکور ضامن پرداخت دیهٔ آن جوان می‌باشد؟

جواب: هرگاه غرق‌شدگان افراد بالغ و عاقلی بوده‌اند، کسی ضامن خون آنها نیست.

سؤال ۱۱۶۰- پیرمردی ۷۵ ساله به هنگام عبور از عرض خیابان توسّط رانندهٔ یک دستگاه وانت‌بار مجروح شده، و پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌نماید. در کالبد شکافی از جسد متوفّی اعلام می‌گردد که پیرمرد مذکور دارای بیماری تنفّسی بوده، و بر اثر آن فوت نموده است. لکن کمیسیون پزشکی پس از اعتراض به نظریّهٔ کالبد شکافی، اعلام می‌دارد که تصادف به میزان ۲۰٪ باعث تشدید فوت آن مرحوم شده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۴

است. با توجّه به مراتب فوق، و این که اگر حادثهٔ تصادف هم رخ نمی‌داد فوت حاصل می‌شد، آیا راننده‌ای که باعث بروز حادثه شده تنها مسئول ۲۰٪ دیه است، یا ضامن کلّ دیهٔ یک مرد مسلمان می‌باشد؟

جواب: در صورتی که ثابت شود تصادف مزبور تنها ۲۰٪ تأثیر داشته، راننده فقط ۲۰٪ دیه را ضامن است.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۴۴۴

سؤال ۱۱۶۱- موتور سواری در حال حرکت به سمت چپ منحرف می‌شود. اتومبیلی که در سمت مخالف جاده در حال حرکت بوده با موتور سوار برخورد نموده، و او را در مسیر قبلی‌اش قرار می‌دهد. در این حال اتومبیل دیگری با موتور سوار برخورد کرده، و باعث خسارت جانی و مالی به او گردد. حال اگر هم ماشین اوّل، و هم ماشین دوّم، هر دو سرعت غیر مجاز داشته باشند، خسارت بر عهدهٔ کیست؟ اگر تنها اتومبیل اوّل، یا تنها اتومبیل دوّم، دارای سرعت غیر مجاز بوده، پرداخت خسارت بر عهدهٔ کیست؟

جواب: در صورتی که اتومبیل اوّل خسارتی به او وارد نکرده، و تنها او را به مسیر اصلی بازگردانده، مقصّر محسوب نمی‌شود، و ضامن رانندهٔ اتومبیل دوّم است؛ مشروط بر اینکه موتور سوار در مسیر خودش حرکت کرده باشد.

سؤال ۱۱۶۲- شخصی برای حفاظت از مزرعه‌اش در قبال حیوانات وحشی، دور تا دور آن را سیم خاردار می‌کشد، و از برقکاری می‌خواهد که سیمی را از شبکهٔ برق سراسری به سیم خاردار مزبور وصل کند، که با کلیدی سیم مزبور متّصل به برق شود. عصر

یکی از روزها برادر صاحب مزرعه پس از انجام کار در مزرعه، و به دستور صاحب مزرعه، کلید را می‌زند و سیم خاردار برق‌دار می‌شود. شب همان روز در مزرعه‌ای پایین‌تر کشاورزی مشغول آبیاری بوده که ناگهان متوجّه قطع جریان آب می‌شود. او برای پیدا کردن علّت قطع آب به طرف سرچشمه به راه می‌افتد، و چون می‌بایست از مزرعه شخص اوّل بگذرد، پایش به سیم خاردار برخورد می‌کند، و در اثر برق گرفتگی می‌میرد. صاحب مزرعه در دادگاه اعلام می‌دارد که من به صاحبان مزارع اطراف، و از جمله کشاورز مزبور، هشدار داده بودم که شب هنگام سیم خاردار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۵

دور مزرعهٔ برق‌دار است. از طرف دیگر شبکهٔ برق منطقه‌ای اعلان می‌کند که برق برق‌کشی مزرعه خلاف قانون، و بدون اجازهٔ ما بوده است. لطفاً بفرمایید چه کسی ضامن خون کشاورز متوفّی است؟

جواب: در صورتی که اتّصال سیم خاردار مزرعه به برق بر خلاف قانون و عرف محل، و در مسیر عبور و مرور همسایگان بوده، صاحب مزرعه ضامن است.

سؤال ۱۱۶۳- نارنجکی که معلوم نیست از کجا و توسّط چه کسی آورده شده، در دست یکی از بچّه‌ها منفجر گردیده، و بر اثر انفجار آن دو پسربچّه کشته می‌شوند.

حال با توجّه به این که هر کدام از اولیای دم، از طرف مقابل شاکی بوده، و مدّعی است که فرزند او نارنجک را آورده، تکلیف چیست؟ آیا عاقله، با توجّه به صغیر بودن مقتولین مسئولیّتی دارد؟ بر فرض این که هیچ کس متّهم نباشد، تکلیف دیه چه می‌شود؟

جواب: این مسأله چند صورت دارد: نخست این که یقین داشته باشیم یکی از آن دو بچّه عامل قتل بوده، ولی شناخته نشود. در اینجا دیهٔ یک انسان تقسیم بر عاقلهٔ طرفین می‌شود، و از عاقلهٔ یکی گرفته به ولیّ دم دوّمی داده می‌شود و بالعکس. دیگر این که احتمال داده شود این حادثه اتّفاقی رخ داده، و هیچ یک عامل آن نبوده‌اند. در این صورت دیه‌ای ندارد. سوّم این که یقین داشته باشیم شخص ثالثی عامل این کار بوده، و آن شخص مجهول باشد. در این صورت دیه در بیت المال است.

سؤال ۱۱۶۴- کارگر روز مزدی جهت تعمیر دیوار قدیمی و گلی، مشغول کندن دیوار می‌شود. ناگهان دیوار فرو ریخته و کارگر در زیر آن فوت می‌کند. ورّاث وی مدّعی هستند چون در حین کار چنین حادثه‌ای رخ داده، صاحب کار باید دیه را پرداخت نماید. از طرفی بنّا می‌گوید: من به آن مرحوم گفتم: «فعلًا به دیوار دست نزن، تا من از بیرون برگردم.» ولی کارگر در جواب گفته: «به هنگام احداث این دیوار من کار کرده‌ام، می‌دانم دیوار محکمی است، و حادثه‌ای رخ نمی‌دهد.» من رفتم بیرون، وقتی آمدم، دیدم دیوار ریخته، و نامبرده فوت کرده است. آیا دیه بر عهدهٔ صاحب کار است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۶

جواب: صاحب کار ضامن نیست؛ مگر این که قانون کار چنین چیزی ایجاب کند و آنها بر اساس قانون کار اقدام کرده باشند.

سؤال ۱۱۶۵- فردی بچّه‌اش را برای ختنه به بیمارستان برده است. دکتر مربوطه، اضافه بر عمل ختنه، یک غدّهٔ چربی را بدون اذن پدر عمل کرده است. پزشکی قانونی اعلام نموده: «عمل مذکور لازم بوده، و در آینده هم برای بچّه مشکلی ایجاد نخواهد شد.» ولی پدر بچّه می‌گوید: «دکتر بدون اذن من اقدام به عمل کرده، و من شاکی هستم.» آیا دکتر ضامن است؟

جواب: هرگاه کار او موجب نقصی برای آن بچّه نشده، ضامن نیست؛ ولی بدون اجازه نباید چنین کاری کند.

سؤال ۱۱۶۶- شخصی در سال ۱۳۶۳ بر اثر تصادف با تاکسی به قتل رسیده، ولی معلوم نیست با کدام ماشین و راننده تصادف کرده است. دادسرایِ زمان وقوع جرم، پس از بی‌نتیجه بودن تحقیقات به لحاظ این که متّهم نامعلوم و مشخّصات وی اعلام نشده، قرار منع پیگرد صادر نموده است. حال آیا موضوع قابل بررسی و پی‌گیری می‌باشد، و لازم است جهت احقاق حقّ، همهٔ رانندگان تاکسی، یا غیر تاکسی شهر را احضار، و در صورت لزوم جلب، و از آنها بازجویی کرد، و در صورت انکار، موضوع با مراسم قسم

حلّ و فصل شود؟ آیا لازم است، در صورت تبرئهٔ افراد مظنون، دیهٔ مقتول از بیت المال پرداخت شود؟ اگر احتمال برود که توسّط رانندهٔ رهگذر و غیر بومی به قتل رسیده، تکلیف چیست؟

جواب: ولیّ دم می‌تواند تقاضای تحقیق از افراد مظنون کند؛ ولی تعقیب افراد عادّی و غیر مظنون وجهی ندارد. و اگر چیزی ثابت نشد، دیه را از بیت المال می‌پردازند.

سؤال ۱۱۶۷- بنّائی خانه‌ای ساخته، که متأسّفانه ناگهان منهدم شده و چند نفر زیر آوار مرده‌اند. کارشناسان رسمی و ماهر تشخیص داده‌اند که خراب شدن خانه به علّت نبود آگاهی در کار بنّایی، و خیانت در مصالح ساختمانی، رُخ داده است. آیا این مسأله، قتل عمد محسوب می‌شود، یا غیر عمد است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۷

جواب: اگر ثابت شود که ویرانی عمارت و کشته شدن بعضی از افراد به خاطر سهل انگاری و ندانم کاری آن بنّا بوده، آن شخص قاتل غیر عمد محسوب می‌شود و دیه دارد.

سؤال ۱۱۶۸- سه نفر در حین درگیری به سوی یکدیگر تیراندازی نموده، ولی فرد دیگری بر اثر اصابت دو گلوله کشته می‌شود. بر اساس اعلام پزشک قانونی، علّت تامّهٔ مرگ دو گلولهٔ وارده در ناحیهٔ شکم و باسن مقتول می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

الف) نوع قتل واقع شده چیست؟

ب) آیا ثبوت یا عدم ثبوت ادّعای متّهمین، مبنی بر تیراندازی به صورت بی‌هدف و زمینی، در نوع قتل تأثیر دارد؟

ج) آیا قتل به هر سه نفر منتسب است، یا به دو نفر؟

د) در صورت انتساب قتل به دو نفر، در فرض عدم امکان تعیین آن دو، حکم مسأله چیست؟

جواب الف تا د: حکم مسأله در هر حال پرداخت دیهٔ شخص مقتول به اولیای دم است، و دیه میان هر سه نفر به طور مساوی تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۶۹- فردی از شخصی شکایت نموده، و حکم جلب او صادر شده است.

مأمور کلانتری برای جلب متّهم، با ماشین شاکی نزد وی می‌رود. متّهم از رفتن به پاسگاه امتناع نموده، و پس از حرکت ماشین، سنگی که حدود دو کیلو و پانصد گرم وزن داشته، به طرف ماشین پرت می‌کند. متأسّفانه سنگ به سر شاکی اصابت کرده، و نامبرده بر اثر همین ضربه فوت می‌نماید. اولیای مقتول مدّعی هستند که ضارب با این عمل قصد قتل مقتول را داشته، و ضارب مدّعی است که قصد داشته سنگ را به سگی که در آن حوالی بوده پرتاب کند، و اتّفاقاً به ماشین خورده است. از قراین خارجی، و امارات ظنّیه، و شهود واقعه، استفاده می‌شود که پرتاب‌کننده سنگ قطعاً قصد ضربه زدن به ماشین آنها را داشته، هر چند قصد جنایت بر مجنی علیه قطعی نمی‌باشد، لکن مقرون به لوث می‌باشد. از طرفی احتمال قصد پرتاب سنگ به سگ، که مورد ادّعای قاتل می‌باشد، غیر عقلایی به نظر می‌رسد. با توجّه به شرح

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۸

واقعه، آیا عمل جانی قتل عمد محسوب می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال، که نه قصد قتل عمد محرز است، و نه اغلبیّت سبب، جانی باید دیه بپردازد.

ضمان جریره

سؤال ۱۱۷۰- با توجّه به آنچه که در تبصرهٔ مادّهٔ ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی آمده، «کسی که با عقد ضمان جریره، دیهٔ جنایت دیگری را به عهده گرفته، نیز عاقله محسوب می‌شود.» آیا ضمان جریره مطلقاً عاقله محسوب می‌شود، یا در ردیف عاقله است؟

جواب: ضامن جریره در صورتی باید دیه را بپردازد که هیچ وارثی نداشته باشد. بنابراین بعد از عاقله است؛ نه در ردیف عاقله.

سؤال ۱۱۷۱- ضامن جریره در کدام یک از طبقات ارث قرار می‌گیرد؟

جواب: ضامن جریره در ردیف متأخّر از طبقات سه‌گانهٔ ارث است.

سؤال ۱۱۷۲- با توجّه به نظر برخی از حقوقدانان در مورد شخصی بودن جرایم و جنایتها، و با عنایت به وضع کنونی جوامع، یعنی عدم تمایل اقارب نسبی به پرداخت دیهٔ خطای محض، بحث عاقله و ضمان جریره سالبهٔ به انتفاء موضوع است.

آیا صورتهای دیگری از ضمان جریره، با توجّه به نیازهای کنونی جامعه قابل تصوّر است؟

جواب: بیمهٔ حوادث بی‌شباهت به نوعی ضمان جریره نیست؛ بنابراین نمی‌توان گفت که در دنیای امروز ضمان جریره وجود ندارد؛ ولی بیمه‌گر ارث نمی‌برد. چون در مقابل ضمان جریره، عوضی می‌گیرد.

سؤال ۱۱۷۳- طبق آنچه در متون فقهی آمده ضامن جریره در صورتی ارث می‌برد، که مضمون وارث نسبی و آزادکننده نداشته باشد. با عنایت به مطلب فوق، اگر ضامن جریره دیهٔ خطایی مضمون خود را پرداخت کند، و بعد از آن وارث نسبی لاحق شود، کدام یک ارث می‌برند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۴۹

جواب: در چنین صورتی ضامن جریره می‌تواند دیه را بازپس بگیرد؛ یعنی نه ارث می‌برد، و نه دیه را می‌پردازد.

سؤال ۱۱۷۴- آیا شخص حقیقی می‌تواند با اشخاص حقوقی، به عنوان مثال با یک شرکت (مانند بیمه) اقدام به عقد ضمان جریره کند؟

جواب: ضمان جریره هم در مورد شخص حقیقی ممکن است، و هم شخص حقوقی؛ چنانچه در بالا روشن شد.

جانی یا مجنیّ علیه مردّد بین چند نفر معیّن است

سؤال ۱۱۷۵- دو یا چند نفر، شخصی را مورد ضرب و جرح قرار داده، و صدمات و جراحات متعدّدی، که موجب دیه است بر او وارد کرده‌اند، برای قاضی به علم اجمالی محرز است که صدمات و جراحات مذکور، توسّط دو یا چند نفر مشخّص ایجاد شده، ولی مصدوم نمی‌تواند معیّن کند که هر یک از صدمات و جراحات را کدام یک از ضاربین وارد کرده است. ضاربین نیز منکر هر گونه ایراد صدمه و جراحت بر مصدوم هستند، تکلیف پرداخت دیه چیست؟

جواب: هرگاه مسلّم باشد که جانیان یکی از چند نفر معلوم و مشخّص هستند، و هیچ یک از آنها اقرار نکند، دیه بالسویّه بین آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۷۶- در یک نزاع پنج نفره، یکی از شرکت کنندگان نقص عضو پیدا کرده، ولی معلوم نیست کدام یک از این پنج نفر نقص را وارد کرده است. امّا علم اجمالی وجود دارد که خارج از این پنج نفر نیست. آیا مجنیّ علیه می‌تواند تقاضای دیه کند؟

در صورتی که جواب مثبت باشد، دیه را چه کسی می‌پردازد؟

جواب: در فرض مسأله دیه بین آن چهار نفر به طور مساوی تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۷۷- با توجّه به سؤال قبل، اگر تمام پنج نفر نقص عضو پیدا کرده باشند نحوهٔ پرداخت دیه چگونه است؟

جواب: در فرض مسأله دیهٔ هر یک از مجروحین بین چهار نفر دیگر به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ مشروط بر این که مسلّم باشد خودش جراحتی بر خود وارد نکرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۰

سؤال ۱۱۷۸- در مواردی که قاتل معیّن، امّا مقتول مردّد بین دو نفر باشد، پرداخت دیه به اولیای دم چگونه خواهد بود؟

جواب: در صورتی که به هیچ وجه نتوان مقتول را مشخّص کرد، باید دیه را میان وارثان آن دو تقسیم کرد.

سؤال ۱۱۷۹- دو پسر بچّه مشغول سنگ‌پرانی به سوی هم بودند. فرد سوّمی هم در نزدیکی آنها مشغول بازی بوده، که ناگهان سنگی به چشم ایشان برخورد کرده، و ۸۰ درصد بینایی‌اش را از دست می‌دهد. وی از هر دو پسر شکایت، و در خواست دیه نموده است. در طی رسیدگی دقیقاً مشخّص نشد که سنگ از ناحیه کدام یک از آن دو پرتاب شده، و خود مصدوم نیز نمی‌داند که کدام یک به طرف وی سنگ پرتاب کرده‌اند. ولی قطعاً سنگ را یکی از آن دو بچّه پرتاب کرده است. دادگاه در مورد دیه به چه ترتیب عمل نماید؟

جواب: در فرض سؤال ارش بین آن دو نفر تنصیف می‌شود.

سؤال ۱۱۸۰- در صورتی که دو مرد مسلمان به طور عمد و مشترکاً دو مرد مسلمان دیگر را به قتل برسانند، و اولیای دم مقتولین خواهان قصاص هر دو نفر باشند؛ آیا در مقام استیفای قصاص، اولیای دم هر کدام از مقتولین بایستی فاضل دیهٔ هر یک از قاتلین را پرداخت نمایند؟

جواب: در چنین فرضی فاضل دیه لازم نیست.

دیهٔ زنان

سؤال ۱۱۸۱- با توجّه به مادّهٔ ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، که اشعار می‌دارد: «دیهٔ زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیهٔ کامله برسد، که در آن صورت دیهٔ زن نصف دیهٔ مرد است.» لطفاً به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- آیا ارش در احتساب حدّ نصاب (ثلث دیهٔ کامل) مؤثّر است؟

جواب: ارش در این مسأله حکم دیه را دارد.

۲- در تصادفات رانندگی، که اعضای مختلف بدن مصدوم می‌گردد، آیا مجموع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۱

صدمات وارده به کلّیّهٔ اعضا ملاک حدّ نصاب مذکور است، یا دیهٔ هر عضو به تنهایی ملاک حدّ نصاب همان عضو محسوب می‌گردد؟

جواب: دیهٔ عضو معیار است.

۳- با توجّه به مادّهٔ فوق الذکر، و مادّهٔ ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی (دیهٔ شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیهٔ معیّن است، خُمس آن می‌باشد) ... در مقام تعیین دیهٔ معیّن اعضای بدن زن، موضوع مادّهٔ اخیر الذّکر، چنانچه دیهٔ آن عضو (قبل از تخمیس) بیش از ثلث دیهٔ کامله باشد؛ آیا نصف دیهٔ آن عضو ملاک تخمیس قرار می‌گیرد، یا حاصل تخمیس ملاک حدّ نصاب موضوع مادّه ۳۰۱ قانون مذکور قرار خواهد گرفت؟

جواب: حاصل بعد از تخمیس ملاک است.

سؤال ۱۱۸۲- با توجّه به این که دیات اعضا در زن و مرد مساوی است، و زمانی که دیهٔ زن به بیشتر از ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد، حکم فروض مختلف ذیل را بیان فرمایید:

الف) در صورتی که بر یک عضو، با جنایات متعدّد صدمه وارد شود؛ ولی همه در یک عضو باشد، و مجموع دیات بیش از ثلث دیه باشد.

ب) در صورتی که جنایت بر یک عضو، یا با یک ضربه وارد شده، و صدمات متعدّدی در پی داشته که مجموع، مازاد بر ثلث باشد.

ج) در صورتی که با یک ضربه جنایات متعدّدی بر اعضای مختلف وارد شده، و مجموع دیات مقدّره بیشتر از ثلث باشد.

د) در صورتی که با ضربات متعدّد، جنایت متعدّد، به اعضای مختلف وارد شود، و مجموع افزون از ثلث باشد.

جواب الف و ج و د: در تمام این سه صورت هر یک جداگانه محاسبه می‌شود.

جواب ب: در صورت تعدّد صدمات هر یک جداگانه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۱۸۳- دیهٔ شکستگی استخوان پای زن، بر اساس ۴۵ از ۱۵، یا ۱۵ از ۱۲ دیهٔ کاملهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۲

زن محاسبه می‌شود؟ یا بر اساس دیهٔ مرد حساب می‌شود تا این که به ثلث دیه برسد، که در این صورت نصف دیهٔ مرد خواهد بود؟

جواب: بر اساس دیهٔ کاملهٔ مرد محاسبه می‌شود.

سؤال ۱۱۸۴- همان گونه که مستحضرید دیهٔ زن در جراحات و اعضا تا ثلث، مساوی با دیهٔ مرد است، و در بیش از آن به نصف تقلیل می‌یابد، با توجّه به این مطلب لطفاً بفرمایید:

الف) آیا مجنیّ علیها (زن) می‌تواند، برای این که مقدار دیه بیش از ثلث نشود، نسبت به بعضی از جراحات و صدمات گذشت کند، و نسبت به بقیّه تقاضای دیه نماید؟

جواب: این کار تأثیری در تغییر دیه ندارد.

ب) آیا بین صورتی که مجنیّ علیها از ابتدا نسبت به برخی از جراحات و صدمات شکایت و مطالبهٔ دیه نکرده، و بین صورتی که مجنیّ علیها ابتدا نسبت به کلّیهٔ آنها شکایت و مطالبهٔ دیه کرده، و سپس نسبت به برخی از جراحات و صدمات اعلام گذشت می‌کند، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی نیست؛ و تعلّق دیه منوط به تقاضای مجنیّ علیها نیست، بلکه حکم شارع مقدّس است هر چند مجنیّ علیها حقّ گذشت دارد.

ج) آیا قاعدهٔ مذکور شامل قتل غیر عمد هم می‌شود؟

جواب: دیهٔ قتل غیر عمد زن، نصف دیهٔ مرد است.

دیهٔ کفّار

سؤال ۱۱۸۵- با توجّه به این که طبق فتوای مشهور فقها، دیهٔ اهل کتاب- کفّار ذمّی- هشت صد درهم است، آیا اقلیّت زرتشتی نیز مشمول این حکم خواهند بود؟

جواب: احتیاط آن است که دیهٔ اهل کتاب، و از جمله زرتشتی‌ها، را مساوی دیهٔ مسلمانان بپردازند.

سؤال ۱۱۸۶- دیهٔ مرد و زن غیر مسلمان چه مقدار است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۳

جواب: دیه ذمّی و مستأمن و معاهَد بنابر احتیاط دیهٔ کامله است؛ و ولیّ دم می‌تواند با قاتل مصالحه کند، و کفّار حربی مستثنی هستند. و دیهٔ زنان نصف دیه مردان است.

سؤال ۱۱۸۷- آیا در مورد دیهٔ فوق، بین این که قاتل یا ضارب مسلمان باشد، یا غیر مسلمان، فرقی هست؟

جواب: اگر قاتل غیر مسلمان باشد، حاکم شرع مخیّر است طبق مذهب اسلام یا طبق مذهب خودشان حکم کند.

سؤال ۱۱۸۸- دیهٔ جراحات وارده بر اهل کتاب چه مقدار است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که به اندازهٔ مسلمان پرداخت شود.

سؤال ۱۱۸۹- کودکانی که از خانواده‌های دیگر ادیان الهی به دنیا آمده‌اند، در رابطه با قوانین کیفری هم سطح با کودک مسلمان نیستند. با توجّه به رأفت دین اسلام نسبت به کودکان، آیا امکان هم سطحی وجود دارد؟

جواب: به عقیدهٔ ما هر دو از نظر دیه یکسانند.

دیهٔ اعضا

۱- دیهٔ مو

سؤال ۱۱۹۰- زنی در جریان یک اختلاف، موی سر دختری را با قیچی کوتاه می‌کند، به طوری که موجب نقصان زیبایی وی می‌شود. آیا به خاطر این نقص زیبایی ارش تعلّق می‌گیرد، یا چون عنوان «کندن مو» صدق نمی‌کند و موها دوباره رشد می‌نماید، چیزی تعلّق نمی‌گیرد؟

جواب: چون نقص محسوب می‌شود، ارش دارد. و ارش آن معمولًا چیز مختصری است.

سؤال ۱۱۹۱- در بسیاری از جنایات و حوادثی که منجر به صدمهٔ پوستی، یا کندن پوست می‌گردد، مسلّماً علاوه بر صدمهٔ پوستی، عدم رویش مو نیز حادث می‌گردد.

آیا برای عدم رویش مو نیز دیه یا ارشی در نظر گرفته می‌شود؟ آیا تمام موهای بدن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۴

چنین است، یا این که اعضای بدن از نظر رویش و عدم رویش مو متفاوتند؟

جواب: هر دو دیه دارد؛ مشروط بر این که موها در موضعی باشد که فقدان آن عیب محسوب شود؛ مانند موی سر و ابروها و صورت مردان و امثال آن.

سؤال ۱۱۹۲- آیا تراشیدن موی سر و صورت شخصی، بدون رضایت او دیه یا ارش دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا رویش مجدّد مو و عدم رویش آن، یا زن و مرد بودن مجنیّ علیه، تأثیری در حکم دارد؟

جواب: در سر و صورت مرد اگر طوری مو ازاله کند که نروید هرکدام یک دیه دارد، و همچنین در موی سر زن. و اگر بروید در مرد احتیاط مصالحه به ارش است، و در زن دیهٔ آن مهر المثل عادلانه است.

سؤال ۱۱۹۳- با توجّه به این که از بین بردن موی سر و صورت و ابرو دیهٔ معیّن دارد، چنانچه جراحتی مثل متلاحمه یا موضحه سبب از بین رفتن قسمتی از موی سر، یا صورت، یا ابرو شود؛ به گونه‌ای که دیگر نروید، به علاوه نقص زیبایی ایجاد شود. آیا هم دیهٔ جراحت، و هم دیهٔ مو، و هم ارش زیبایی گرفته می‌شود؟

جواب: فقط دیهٔ جراحت و دیهٔ مو (البتّه به نسبت مقدار مو) پرداخته می‌شود.

۲- دیهٔ چشم

سؤال ۱۱۹۴- کسی که دارای یک چشم سالم و بینا است، و چشم دیگرش به طور مادرزاد، یا در اثر بیماری، یا علل غیر جنایی دیگر نابیناست، اگر بر اثر ضربه‌ای، بینایی خود را از دست دهد، دیهٔ آن چه مقدار است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب دیهٔ کامله تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۱۱۹۵- طبق اظهار نظر پزشکی قانونی در اثر شلیک یک گلوله جنایات زیر حاصل شده است:

۱- چشم چپ به طور کامل تخلیه گردیده است.

۲- کاسهٔ چشم چپ در جمجمه دچار شکستگی (هاشمه) شده است.

۳- در پلکهای فوقانی و تحتانی نیز پارگی (دامیه) دیده می‌شود.

آیا دیهٔ تخلیهٔ چشم و شکستن کاسهٔ چشم (جمجمه) و پارگی پلکها، هر کدام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۵

جدا پرداخت می‌شود، یا فقط یک دیه (دیهٔ چشم چپ) واجب است؟

جواب: علاوه بر دیهٔ یک چشم، دیهٔ شکستن استخوان نیز باید پرداخته شود.

سؤال ۱۱۹۶- از بین بردن دو چشم نابینا دیه دارد، یا ارش؟ در صورتی که باید دیه پرداخت شود، چه مقدار است؟

جواب: دیهٔ آن ۱۳ دیهٔ کاملهٔ آن چشم است.

سؤال ۱۱۹۷- با توجّه به این که فقهای عظیم الشأن دیهٔ مجموع چهار پلک دو چشم را دیهٔ کامل ذکر کرده، و بین پلکهای بالا و پایین فرق قائلند. به این صورت که ثلث دیهٔ کامل را برای پلکهای بالا، و برای پلکهای پایین نصف دیه کامل قرار داده‌اند، لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: با توجّه به امکانات جرّاحی امروزی در چشم پزشکی، و جرّاحی ترمیمی، می‌توان گفت که تقریباً همیشه امکان ترمیم پلکها وجود دارد. آیا در این صورت نیز دیهٔ کامل دارد، یا نظر اهل خبره در مورد ترمیم و عدم ترمیم، در تعیین مقدار دیه مؤثّر است؟

ثانیاً: از نظر ارزش عضوی، و نحوهٔ درمان، بین پلکهای بالا ـ و پایین اختلاف محسوسی با توجّه به پیشرفت علم پزشکی مشاهده نمی‌شود. آیا اختلاف دیه منصوص است و باید اطاعت کنیم، یا امکان تغییر بر مبنای نظریّهٔ پزشکی و خبرگان وجود دارد؟

ثالثاً: در صورتی که پلکهای بالا ثلث دیه داشته باشد، و پلکهای پایین نصف دیهٔ کامل، تکلیف باقیمانده چه می‌شود؟

جواب: در صورتی که از طریق جرّاحی امروز، کاملًا ترمیم شود باید ارش پرداخت شود. و چنانچه نقصانی باقی بماند، باید به نسبت محاسبه شود. در ضمن همان گونه که نوشته‌اید دیهٔ پلک بالا ثلث، و پلک پایین نصف، و باقیمانده (یک سدس) ملغی است.

۳- دیهٔ بینی

سؤال ۱۱۹۸- با توجّه به مادّهٔ ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی، مبنی بر این که: «دیهٔ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۶

شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیهٔ معیّنی است، خُمس آن می‌باشد، و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد، دیهٔ آن ۴۵ دیهٔ شکستن آن است»، ... و مادّهٔ ۳۸۲ همان قانون، مبنی بر این که: «اگر با شکستن، یا سوزاندن، یا امثال آن، بینی را فاسد کنند، در صورتی که اصلاح نشود، موجب دیهٔ کامله است، و اگر بدون عیب جبران شود، دیهٔ آن یک صد دینار می‌باشد» و نظر به رویّهٔ حاکم در اکثر محاکم، که هرگاه بینی در اثر صدمات عمدی یا غیر عمدی صرفاً دچار شکستگی شود، احتساب دیه را خارج از قاعدهٔ کلّی ملحوظ در مادّهٔ ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی دانسته، و مستند به مادّهٔ ۳۸۲ قانون مذکور، جانی در صورت اصلاح شکستگی، محکوم به پرداخت یک صد دینار می‌گردد، و در صورت عدم اصلاح، یک دیهٔ کامله منظور می‌گردد. در حالی که به نظر می‌رسد موضوع این مادّه فساد بینی می‌باشد، و شکستن، یا سوزاندن، یا امثال آن به عنوان اسباب فساد بینی مطرح گردیده، نه از مصادیق آن. لذا با عنایت به ابهام در مفهوم و مصادیق فساد بینی، بفرمایید:

اوّلًا: منظور از فساد بینی به طور مشخّص چه می‌باشد؟ و چگونه جبران می‌گردد؟

ثانیاً: دیهٔ شکستن بینی در صور مختلف چه مقدار می‌باشد؟

جواب: اوّلًا: منظور از فساد بینی آن است که بر اثر عفونتِ جنایت، یا پاشیدن اسید، یا مانند آن، کلّ بینی از بین برود. ثانیاً در

صورت فساد کامل، دیهٔ کامله دارد، و در صورت شکستن و فساد ناقص، اعمّ از این که جبران شود یا نشود، رجوع به ارش خواهد شد.

سؤال ۱۱۹۹- با توجّه به نظرات فقهای بزرگوار شیعه مبنی بر این که: «اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی فاسد شود موجب دیهٔ کامل است.» لطفاً بفرمایید: با عنایت به این که با پیشرفت علم پزشکی، امروزه شکستگی بینی به سادگی و با هزینه کم قابل درمان است، و معمولًا با شکستن بینی فاسد نمی‌شود، آیا بازهم دیهٔ کامل باید پرداخت، یا اگر بدون عیب ترمیم شود، یکصد دینار باید داد، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۷

این که با نظر خبرگان پزشکی، دست قاضی در تعیین دیه باز است؟

جواب: اگر به راحتی قابل درمان باشد مشمول حکم ارش است.

سؤال ۱۲۰۰- ضربه‌ای به بینی شخصی خورده، و خون دماغ شده است. این جنایت دیه دارد، یا ارش؟

جواب: ارش دارد.

سؤال ۱۲۰۱- فقها برای از بین بردن هر یک از سوراخهای بینی ثلث دیهٔ کامل، و برای سوراخ کردن بینی (به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود، یا این که آن را سوراخ نماید) در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود ثلث دیه کامل، و اگر جبران و اصلاح شود خُمس دیهٔ کامل در نظر گرفته‌اند. لطفاً بفرمایید:

اوّلًا: منظور از سوراخ کردن بینی چیست؟ آیا منظور بسته شدن بینی، یا قطع شدن، یا تغییر شکل عضو آن می‌باشد؟

ثانیاً: آیا سوراخ کردن دیوارهٔ بین مجاری بینی، که از عوارض عملهای جرّاحی داخل بینی است، نیز مشمول این حکم می‌گردد؟

ثالثاً: با توجّه به معالجات ترمیمی امروز تکلیف چیست؟ آیا همان دیه منظور است، یا می‌توان آن را کم یا زیاد نمود؟

جواب: منظور از سوراخ کردن این است که مثلًا با نوک خنجری از یک طرف بینی بزنند و از طرف مقابل بیرون آید. و در شرایط فعلی که به راحتی قابل ترمیم است، دیه تبدیل به ارش می‌شود.

۴- دیهٔ گوش

سؤال ۱۲۰۲- با توجّه به این که گوش شامل سه بخش خارجی، میانی و داخلی است، و با عنایت به این که فرموده‌اند: «از بین بردن مجموع دو گوش دیهٔ کامل دارد.»

اوّلًا: آیا لالهٔ گوش دیه کامل دارد، یا از بین بردن هر سه قسمت مذکور دیهٔ کامل دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۸

ثانیاً: در صورت از بین بردن قسمتهای میانی و داخلی تکلیف چیست؟

ثالثاً: منظور از فلج کردن گوش چیست؟ و دیهٔ آن چه مقدار است؟

جواب: لالهٔ هر دو گوش اگر از بیخ کنده شود دیهٔ کامل دارد. و امّا نسبت به بقیّه، اگر شنوایی از کار بیفتد آن هم دیه کامل دارد. و منظور از فلج کردن گوش آن است که لاله چنان آسیب ببیند که خود را رها کند، و مانند یک قطعه گوشت آویزان شود. و دیهٔ فلج کردن دو سوّم دیهٔ کامله است.

۵- دیهٔ گردن

سؤال ۱۲۰۳- از نظر پزشکی ستون فقرات از ۲۶ قطعه استخوان تشکیل شده، و شامل بخشهای دنبالچه، کمر، پشت و گردن

می‌باشد. گردن شامل هفت عدد مهره و تودهٔ ماهیچه‌ای است، که شکستن گردن ناظر بر شکستن مهره‌های گردن است، و الّا ماهیچه قابل شکستن نیست. شارع مقدّس و قانونگذار، در خصوص شکستن و نقص گردن، اقدام به تعیین دیهٔ خاص و ارش نموده، و بدین طریق آن را از عنوان دیه احتسابی برای ستون فقرات خارج کرده است. لکن پزشکان محترم به اعتبار اطلاق عنوان کلّی «ستون فقرات» بر مهره‌های گردن در اصطلاح پزشکی، و بدون توجّه به تعیین دیه به صورت مستقل و جداگانه برای شکستگی گردن (مهره‌های گردنی) در متون فقهی و قوانین موضوعه، دیهٔ شکستگی ستون فقرات را مبنای تعیین دیهٔ شکستگی مهره‌های گردن قرار می‌دهند. با توجّه به مقدّمهٔ فوق بفرمایید:

۱- آیا شکستگی گردن ناظر به شکستن مهره‌های گردن است؟

جواب: با توجّه به این که برای گردن دیهٔ جداگانه‌ای تعیین شده، و شکستگی مربوط به مهره است، حساب آن را باید از حساب ستون فقرات جدا کرد.

۲- در احتساب دیهٔ شکستگی مهره‌های گردن یا ارش، دیهٔ گردن مبنا و ملاک محاسبه قرار می گیرد، یا دیهٔ ستون فقرات؟

جواب: مبنا دیهٔ گردن است.

سؤال ۱۲۰۴- جراحت گردن دیه دارد، یا ارش؟ چنانچه جراحت در زیر چانه باشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۵۹

دیهٔ سر و صورت تعلّق می گیرد، یا ارش؟

جواب: جراحت در گردن دیه دارد، و مشمول احکام حارصه و دامیه در بدن است. و چانه در حکم صورت است.

۶- دیهٔ دست

سؤال ۱۲۰۵- آیا در شکستگی دو استخوان مچ دست، به عنوان استخوان زند اعلی و زند اسفل، و دو استخوان ساق، مجموعاً دیهٔ شکستگی یک استخوان پا و دست در نظر گرفته خواهد شد، یا برای شکستگی هر استخوانِ عضو مذکور، دیهٔ مستقل و جدا از هم تعیین می گردد؟ ضمناً نظر مبارکتان را در شکستگی استخوان کف دست و شست دست بیان فرمایید.

جواب: هر یک از آن دو استخوان کف دست و پشت دست، ارش دارد.

سؤال ۱۲۰۶- پزشکی قانونی در شکستگی استخوان کف دست و پشت دست دیه، یا ارش به نسبت تعداد استخوانها، در نظر می گیرد. مثلًا در پنج استخوان موجود در کف دست، برای شکستگی هر استخوان بیست دینار ارش تعیین می‌نماید، که در مجموع به اندازهٔ یک پنجم دیه دست می‌شود. آیا این تقسیم‌بندی صحیح است؟

در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا در سایر اعضا نیز یک پنجم دیهٔ شکستگی استخوان، به تعداد استخوانهای همان عضو تقسیم خواهد شد، یا برای شکستگی هر استخوان آن عضو همین یک پنجم ملاک عمل قرار خواهد گرفت؟ ضمناً دیه جراحت وارده بر کف دست و پشت دست با چه معیاری محاسبه خواهد شد؟ و در مورد تغییر رنگِ پوست سر هم اظهار نظر فرمایید.

جواب: دیه تقسیم بر تعداد استخوانها می‌شود، و در سایر اعضا نیز تقسیم خواهد شد. مگر این که نقش یک استخوان با دیگر استخوان‌ها تفاوت کلّی داشته باشد، و جراحت وارده بر کف دست یا پشت دست به نسبت همان عضو، یعنی دست، سنجیده می‌شود. و در مورد تغییر رنگ پوست ارش لازم است.

سؤال ۱۲۰۷- شکستگی یکی از استخوانهای پنج گانه پشت دست یا پا، دیه دارد یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۰

ارش؟ چنانچه دیهٔ معیّن داشته باشد، دیهٔ آن بر اساس ۴۵ از ۱۵ از ۱۱۰ دیهٔ کامله محاسبه می‌شود، یا بر اساس ۴۵ از ۱۵ از ۱۲ دیه

کامله (در فرض بهبودی عضو بدون عیب) اندازه‌گیری می‌شود؟

جواب: دیهٔ آن عضو تقسیم بر تعداد استخوانها می‌شود، سپس احکام شکستن استخوان بر هر کدام جاری خواهد شد. مثلًا اگر در دست ده استخوان ریز باشد، پانصد دینار تقسیم به ده قسمت می‌شود، و دیهٔ هر استخوان پنجاه دینار است.

حال اگر آن استخوان بشکند و به حال اوّل برنگردد، باید یک پنجم آن را که ده دینار است بپردازد، و اگر مثل اوّل شود باید هشت دینار بپردازد.

۷- دیهٔ انگشتان دست

سؤال ۱۲۰۸- دیهٔ جراحت در انگشتان دست به نسبت دیهٔ انگشت سنجیده می‌شود، یا به نسبت دیهٔ دست؟

جواب: باید به نسبت دیه انگشت سنجیده شود.

سؤال ۱۲۰۹- لطفاً فتوای شریف را دربارهٔ سؤال‌های زیر مرقوم فرمایید:

الف) در مواردی که به دلیل ضرورتِ تشخیصِ هویّتِ میّتِ مجهول الهویّه، قطع انگشتان وی تجویز می‌شود، آیا دیه نیز دارد؟

ب) در صورت ثبوت دیه، مقدار آن چه اندازه، و بر عهدهٔ کیست؟ و نحوهٔ مصرف آن چگونه است؟

ج) در صورت ثبوت دیه بر مباشر قطع، آیا او می‌تواند ذمّهٔ خود را بریء کرده، و آن را بر عهدهٔ کسانی که خواستار تشخیص هویّت میّت هستند، یا بیت المال بگذارد؟

جواب: قطع انگشتان در مواردی که شرعاً جایز است دیه ندارد.

سؤال ۱۲۱۰- همانطور که مستحضرید دربارهٔ دیهٔ انگشتان، دو نظریّه وجود دارد:

۱- تساوی انگشتان از نظر دیه؛ بر اساس این قول، که در بین قدما و متأخّرین شهرت یافته، و روایاتی نیز بر آن دلالت دارد، به هر یک از انگشتان ۱۱۰ دیهٔ کامل تعلّق می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۱

۲- تفاوت انگشت ابهام از نظر دیه با سایر انگشتان؛ معتقدان این نظریّه گرچه بر سه دسته تقسیم می‌شوند، و هر کدام در تعیین دیهٔ ابهام و سایر انگشتان نظری را برگزیده‌اند؛ ولی همگی بر متفاوت بودن دیهٔ ابهام با غیر آن اتّفاق نظر دارند.

با عنایت به این که در عصر حاضر، مشاغل متحوّل و دگرگون شده، و اشخاصی که دچار آسیب در ناحیهٔ انگشتان شده، و دارای مشاغلی چون جرّاحی و خطّاطی و مانند آن هستند، صدمهٔ وارده، به شغل آنها آسیب جدّی می‌رساند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌توان گفت، تفاوت مطرح شده در معتبرهٔ ظریف (میان ابهام و سایر انگشتان) به خاطر تفاوت در میزان کارآیی آنهاست؟

جواب: مشهور و معروف عدم تفاوت انگشتان است. و به فرض تفاوت داشته باشد، مسألهٔ کارآیی و فن‌آوری جنبهٔ حکمت دارد؛ نه علّت.

ب) بر این اساس، آیا می‌توان از انگشت ابهام الغای خصوصیّت کرد و این تفاوت را در مورد سایر انگشتان نیز تعمیم داد؟ یعنی دیهٔ خسارت وارده بر انگشتان را با توجّه به اهمیّت شغل و ارزش هر انگشت تعیین کنیم؟

جواب: اگر قیاس منصوص العلّه بود، این سخن صحیح بود؛ ولی با توجّه به این که حکمتِ حکم است نه علّت آن، این تسریه صحیح نیست.

۸- دیهٔ پا

سؤال ۱۲۱۱- در پاسخ سؤالی در مورد شکستگی دو استخوان ساق یک پا، مرقوم فرمودید: «هر کدام از استخوانها دیهٔ مستقلّی دارد.» آیا هر کدام از استخوانهای فوق الاشعار یک پنجم دیهٔ پا را (در صورت معیوب بودن) دارد، یا کمتر از یک پنجم؟ لطفاً مقدار دیه را مرقوم فرمایید.

جواب: دیهٔ مزبور تقسیم به دو استخوان می‌شود؛ یعنی هر کدام نصف دیهٔ شکستن استخوان پا را دارد.

سؤال ۱۲۱۲- پای شخصی در تصادف آسیب‌دیده، بدین جهت مجبور شده‌اند آن را قطع کنند، آیا دیه دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۲

جواب: در صورتی که پای او طوری مجروح شده که به کلّی از کار افتاده، و ناچارند آن را قطع کنند، باید دیه قطع پا را بدهند.

۹- دیهٔ آلت تناسلی

سؤال ۱۲۱۳- پسرم توسّط یک پزشک ختنه شد. به دلیل بی‌احتیاطی و عدم مهارت در عمل جرّاحی، خسارات ذیل بر ایشان وارد شد:

۱- از بین رفتن تمام پوست روی آلت.

۲- قطع قسمتی از آلت.

۳- تنگ شدن مجرای بول و کج شدن آلت.

۴- از بین رفتن توان مقاربت و لذّت جنسی (به دلیل فقدان پوست طبیعی روی آلت) و عدم انزال، که نتیجهٔ آن عدم تولید مثل و باروری است.

۵- عمل جرّاحی آلت و ترمیم پلاستیکی.

دیهٔ ضایعات فوق چیست؟

جواب: نسبت به ضایعاتی که در پوست آلت و تنگی مجرا و کج شدن به وجود آمده، طبق تشخیص کارشناس ارش تعلّق می گیرد. و در مورد عدم باروری، اگر بعد از معالجه مسأله حل نشود، آن نیز ارش دارد.

۱۰- دیهٔ اعضای داخلی

سؤال ۱۲۱۴- آیا اعضای داخلی بدن دارای دیهٔ مقرّر و معیّن هستند، یا ارش دارند؟

جواب: این اعضا مشمول ارش می‌باشند؛ و قاعدهٔ وحدت و تعدّد در این اعضا جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۲۱۵- اگر شخصی عمداً با چاقو یا مانند آن، جراحت جائفه‌ای به شخصی وارد کند، و در اثر آن ضربه، صدمه‌ای به طحال، یا قلب، یا سایر امحاء و احشاء وی وارد شود، که طبق نظریّهٔ پزشکی قانونی، نقص عضوی در داخل بدن ایجاد گردد، آیا علاوه بر ثلث دیهٔ کامله، که دیهٔ مقدّر جائفه است، برای صدمات دیگر هم ارش در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۳

نظر گرفته می‌شود؟ اگر نقایص فوق به صورت شبه عمد، مثل تصادف باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: صدمات وارده بر اعضای داخلی علاوه بر دیهٔ جائفه، ارش دارد.

دیهٔ شکستگیها

سؤال ۱۲۱۶- هرگاه مقتول قبل از فوت دارای جراحاتی از قبیل شکستگی دست و بینی و سایر اعضای باشد، آیا این شکستگی‌ها یا

جراحات، دیهٔ جداگانه‌ای دارد؟

جواب: هرگاه آن جراحات منجر به فوت شده، دیهٔ اضافی ندارد. و اگر عامل فوت ضربهٔ خاصّی بوده، جراحات اضافی دیه دارد.

سؤال ۱۲۱۷- دیهٔ هر یک از دنده‌هایی که در پهلوی چپ واقع شده، و محیط بر قلب می‌باشد، ۲۵ دینار است. آیا دیهٔ دنده‌های پهلوی راست که محیط بر قلب می‌باشد، نیز ۲۵ دینار است، یا ۱۰ دینار؟

جواب: در صورتی که محیط به قلب باشد، دیهٔ آن ۲۵ دینار است.

سؤال ۱۲۱۸- آیا دیهٔ ترک خوردن قسمتی از استخوان عضوی که دیهٔ مقدّر دارد، با دیهٔ شکستگی (قلم شدن) آن یکی است؟ اگر مساوی نیست، دیهٔ آن چگونه محاسبه می‌شود؟

جواب: ترک خوردن ارش دارد، و باید به نسبت دیهٔ عضو محاسبه شود.

سؤال ۱۲۱۹- آیا استخوان کتف دست (غیر از استخوان ترقوه که دیهٔ مشخّص دارد) دیهٔ معیّن دارد، یا ارش؟

جواب: ارش دارد.

سؤال ۱۲۲۰- چنانچه در شکستگی استخوان پا، یا دست، پزشکیِ قانونی اعلام نماید: «شکستگی توأم با نقص عضو بهبود یافته است.» و در توضیح بیشتر بگوید:

«استخوان درست جوش خورده، ولی بر اثر شکستگی صدماتی به عصب، یا سایر عضلات دست یا پا وارد گردیده، که موجب نقص عضو (محدودیّت در حرکت) شده است.» دادگاه باید چه میزان دیه تعیین نماید؟ آیا علاوه بر دیه، ارش نیز تعلّق می گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۴

جواب: اگر نقص عضو بیّن و روشن باشد، ارش دارد.

سؤال ۱۲۲۱- در مواردی که شکستگی دنده با نقص عضو بهبود یابد، آیا دادگاه می‌تواند بابت نقص عضو، علاوه بر دیهٔ مقرّر، ارش نیز تعیین نماید؟

جواب: مانند مسألهٔ سابق است.

سؤال ۱۲۲۲- دیهٔ شکستن لگن، که با نقص عضو بهبود یافته، یا بدون نقص عضو درمان شده، چه میزان است؟ آیا دیهٔ استخوان لگن ارتباطی با استخوان پا دارد، یا مرتبط نمی‌شود؟

جواب: ارش دارد.

سؤال ۱۲۲۳- دیهٔ شکستگی استخوان در صورت عدم بهبودی ۱۵ دیهٔ آن عضو، و در صورت بهبودی، ۴۵ از این ۱۵ است. حال اگر به صورت کامل بهبود پیدا نکند، بلکه چند درصد بهبود پیدا کند (مثلًا ۵۰٪ یا ۹۰٪ که نوعاً هم به این شکل است،) آیا در این موارد، به همان نسبتی که بهبود پیدا کرده محاسبه می‌شود، یا این که تا بهبود کامل پیدا نکرده، حتّی اگر ۱٪ هم ناقص باشد، باید دیهٔ عدم بهبود را بپردازد؟

جواب: معیار بهبودی کامل عرفی است. اگر حاصل نشود، دیهٔ مزبور ثابت است.

سؤال ۱۲۲۴- آیا محاکم می‌توانند قبل از این که وضعیّت بهبود یا عدم بهبود مجنیّ علیه مشخّص شود، حکم صادر کنند؟ مثلًا انگشت شخصی شکسته، و پزشکی قانونی می گوید: «سه ماه دیگر در خصوص این که بهبود پیدا کرده یا نه، اظهار نظر می کنم.» آیا محاکم باید صدور حکم را به تأخیر بیندازند، یا اکنون می‌توانند دیهٔ عدم بهبودی را تعیین کنند؟

جواب: محاکم می‌توانند نسبت به قدر متیقّن دیه حکم کنند، و نسبت به بقیّه باید منتظر نتیجه باشند.

سؤال ۱۲۲۵- استخوان کف دست و کف پا دیهٔ معیّن دارد، یا باید ارش تعیین نمود؟

جواب: استخوان کف دست ۴۰ دینار، و استخوان کف پا ارش دارد. و چنانچه بعضی از استخوانهای کف دست بشکنند، دیه مزبور

تقسیم بر آنها می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۵

سؤال ۱۲۲۶- منظور از شکستن ستون فقرات چیست؟ آیا منظور شکسته شدن یکی از مهره‌هاست؟ یا منظور جدا شدن اتّصال مهره‌ها از یکدیگر است؟ آیا شکسته شدن یک مهره از ستون فقرات سبب پرداخت دیه می‌شود، یا ارش؟ چنانچه پاسخ دیه باشد، نحوهٔ محاسبهٔ آن را مرقوم فرمایید.

جواب: منظور از شکسته شدن ستون فقرات، شکسته شدن یک مهره یا بیشتر است. و اگر مهره‌ها از هم جدا شود، آن نیز نوعی شکستگی است و دیه دارد.

سؤال ۱۲۲۷- آیا معیوب بودن در شکستگی استخوان، شامل کوتاه شدن عضو، و کاستن از قدرت و حرکت آن نیز می‌شود؟ یا تنها نحوهٔ جوش‌خوردگی استخوان و کج بودن محلّ شکستگی منظور می‌باشد؟ و در نتیجه دیهٔ نقص عضو، جدا از معیوب بودن در نحوهٔ جوش‌خوردگی استخوان، تعیین و محاسبه می‌شود؟

جواب: معیوب بودن (عثم) شامل کوتاه شدن می‌شود؛ ولی نسبت به ناقص شدن کارآیی باید به سراغ ارش رفت.

سؤال ۱۲۲۸- چنانچه در اثر ضربه‌ای، یک مورد شکستگی حادث گردد، ولی به خاطر خونریزی شدید، جمجمه مورد عمل جرّاحی قرار گیرد، آیا شکستگی ایجاد شده در استخوان جمجمه توسّط طبیب، علاوه بر شکستگی ناشی از ضربهٔ وارده، دیهٔ جداگانه دارد؟

جواب: شکستگی به وسیلهٔ طبیب دیهٔ جداگانه‌ای ندارد، ولی خونریزی مغزی ارش دارد. و اگر هزینهٔ درمان آن بیشتر شود، می‌تواند مقدار اضافی را نیز بگیرد.

سؤال ۱۲۲۹- کف دست تا مچ، و همچنین کف پا، از پنج استخوان تشکیل شده که هر کدام متّصل به یکی از انگشتان است. آیا شکستگی یکی از آن استخوانها شکستگی دست، یا پا محسوب می‌شود؟

جواب: این موضوع حکم شکستگی دست و پا را دارد.

سؤال ۱۲۳۰- دیهٔ شکستگی هر یک از دنده‌ها در صورت جوش خوردن به صورت سالم یا معیوب چقدر است؟ در صورتی که دنده کلّا از بین برود، دیهٔ آن چه مقدار خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۶

جواب: دیهٔ شکستگی هر یک از دنده‌هایی که در اطراف قلب است بیست و پنج دینار و غیر آن ده دینار می‌باشد.

سؤال ۱۲۳۱- آیا شکستگی استخوان‌های کف دست و پا و قوزک زانو دیه دارد و جزء پا محسوب می‌شود، یا ارش تعلّق می‌گیرد؟

جواب: استخوانهای کف پا و کف دست دیه دارند؛ یعنی دیهٔ پا و دست تقسیم بر آنها می‌شود. و دیهٔ شکستن کشکک زانو یکصد دینار است، و قوزک پا ارش دارد.

سؤال ۱۲۳۲- شکستگی استخوان لگن دیه دارد یا ارش؟ نحوهٔ محاسبهٔ دیهٔ آن، در حالت بهبودی با عیب و بدون عیب، چگونه می‌باشد؟

جواب: دیه دارد و دیهٔ آن مانند دیهٔ شکستگی استخوان است، یعنی یک پنجم کلّ دیه می‌باشد. و اگر بهبود یابد چهار پنجم آن یک پنجم محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۳۳- همان‌طور که مستحضرید استخوان ساق پا از دو استخوان درشت نی و نازک نی تشکیل شده است، و در تصادفات رانندگی معمولًا شکستگی پا در اثر یک ضربه و برخورد می‌باشد. با توجّه به این مطلب نظر حضرتعالی در موارد ذیل چیست؟

۱- در صورتی که در تصادف رانندگی استخوان درشت نی و نازک نی ساق یک پا، در یک موضع دچار شکستگی شود، نظر

حضرتعالی در مورد دیهٔ متعلّقه از جهت تعداد و میزان دیه چیست؟

جواب: هر کدام از شکستگی‌ها دیهٔ مستقلّی دارد.

۲- در صورتی که هر یک از استخوان‌های درشت نی و نازک نی ساق یک پا در چند محل شکسته شود، و این مواضع در درشت نی و نازک نی منطبق بر هم نباشند، دیهٔ متعلّقه از جهت تعداد و میزان دیه چه مقدار است؟

جواب: دیه بر حسب تعداد شکستگی‌ها متعدّد می‌شود.

دیهٔ منافع

سؤال ۱۲۳۴- طبق گواهی پزشکی قانونی، صدمات وارده بر مصدومی بر اثر تصادف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۷

به شرح ذیل بوده است:

۱- شکستگی مهرهٔ پنجم گردن، که منجر به آسیب وسیع و قطع (نود درصد) نخاع گردیده است.

۲- از بین رفتن کامل قدرت مقاربت.

۳- عارضهٔ بی‌اختیاری ادرار بر اثر آسیب عصبی.

۴- بی‌اختیاری کامل کنترل ضبط باد و مدفوع.

۵- فلج نسبی دو دست در حدود هفتاد درصد.

۶- فلج هر دو پا در حدود نود و پنج درصد.

با توجّه به این که عوارض بندهای دوّم تا ششم همگی از عوارض شکستگی مهرهٔ گردن و قطع نسبی نخاع می‌باشد، دیهٔ صدمات فوق چه مقدار است؟

جواب: نسبت به از بین رفتن قدرت مقاربت و بی‌اختیاری ادرار و بی‌اختیاری مدفوع، هر کدام یک دیهٔ کامل تعلّق می گیرد. و در مورد فلج پا و دست، با توجّه به این که شلل کامل ۲۳ دیه را دارد، باید نسبت را بسنجند و دیه را تعیین کنند. و در مورد شکستن یک مهره ارش دارد.

سؤال ۱۲۳۵- بر اثر تصادفی که منجر به شکستن دست و پای چپ این جانب گردیده، مدّت یک سال است که خانه‌نشین شده‌ام، زیرا پایم از ناحیهٔ زانو، که پزشکان پلاتین گذاشته‌اند، خم و راست نمی‌شود. و در دستم، به علّت شکستگی زیاد پلاتین به کار رفته، و هیچ یک از انگشتانم خم و راست نمی‌شود. پزشکان نظر داده‌اند مدّت دو سال باید پلاتین در بدنم باقی باشد. فردی که با این جانب تصادف نموده فوت کرده، و از نظر کارشناسان راهنمایی و رانندگی مقصّر شناخته شده است. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا متوفّی ضامن است؟

۲- اگر ارث، یا ملکی، از متوفّی باقی مانده باشد، اولیای دم می‌توانند آن را به عنوان دیه پرداخت نمایند؟

۳- آیا اولیای دم نیز ضامن می‌باشند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۸

۴- دیهٔ خسارات وارده بر من چقدر است؟

۵- علاوه بر دیه، پولی که این جانب تاکنون هزینه کرده‌ام نیز باید پرداخت شود؟

جواب ۱ تا ۵: در صورتی که طبق گواهی کارشناسان متدیّن و موثّق راهنمایی و رانندگی، شخص متوفّی مقصّر شناخته شده، باید دیهٔ شکستگی‌های شما را از اموال به جای مانده از او بپردازند. و اگر هزینه‌های لازم و ضروری درمان بیش از دیه باشد، باید آن

هم پرداخت گردد. و اگر میّت مالی نداشته باشد، اولیای او مسئولیّتی در برابر شما ندارند. و دیهٔ فلج یک سوّم دیهٔ آن عضو است، و اگر ۸۰٪ فلج حاصل شده باشد، به همین نسبت از یک سوّم محاسبه می‌شود. و اگر فلج بر طرف می‌شود دیه ندارد، بلکه ارش دارد، که به وسیلهٔ کارشناسان متدیّن و آگاه تعیین می‌شود.

سؤال ۱۲۳۶- آیا مغز به عنوان یک عضو حیاتی دارای ارش است، یا دیه؟ قسمتهای مختلف و اعضای مرتبط با مغز، از قبیل سطح نخاعی، تحتانی، قشری و مانند آن، هر کدام دارای ارش یا دیهٔ خاصّی هستند؟

جواب: هر کدام دارای ارش هستند، و اگر آسیب به مغز سبب از میان رفتن منافع (مانند تکلّم و گویایی و مانند آن) شود دیهٔ منافع جاری است.

سؤال ۱۲۳۷- آیا ضایعات عصبی، حسّی، فلج اعصاب دست، صدمات وارد به جمجمه، که منجر به صدمهٔ عصبی هر یک از اعصاب دوازده‌گانه مغزی می‌شود، آسیبهای اعصاب کرانیال و محیطی، آسیبهای روانی متعاقب ضربهٔ اختلالات بینایی و شنوایی بر اثر ضربه، ضایعات اعصاب و روان به هر دلیل، ضایعات اعصاب حسّی و حرکتی، از بین رفتن حسّ بویایی و نورالژی، که تست قابل دسترس جهت تأیید آن وجود ندارد، کوما و عوارض ناشی از آن، دیه مقرّر دارد؟

جواب: در مواردی که در قانون شرع دیه برای آن تعیین نشده رجوع به ارش می‌شود. و تعیین ارش بر اساس درصد ضایعه‌ای است که به تصدیق اهل خبرهٔ مورد اعتماد حاصل می‌شود.

سؤال ۱۲۳۸- هرگاه پزشک مرد یا زنی را عقیم کند، آیا باید دیه بپردازد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۶۹

جواب: دیه ندارد. ولی اگر قابل بازگشت نباشد، شرعاً جایز نیست.

سؤال ۱۲۳۹- جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار و مدفوع در تمام ایّام و تا پایان روز می‌گردد، هر کدام دیهٔ کامله دارد، یا ریزش ادرار موجب دیهٔ کامله، و ریزش مدفوع موجب ارش می‌گردد؟

جواب: در صورتی که با یک ضربه حاصل شده باشد، یک دیه دارد.

سؤال ۱۲۴۰- خانم جوانی که حامله بوده بنا به تشخیص دکتر معالج از طریق سزارین تحت عمل جرّاحی قرار گرفته، که متأسّفانه بعد از عمل دچار ضایعه شده است. بنا به تشخیص پزشک قانونی، بیمار در حال حاضر با توجّه به آسیب مغزی، و اختلال هوشیاری بدون برگشت، به سطح هوشیاری قلبی در وضعیّت نباتی به سر می‌برد، و هیچ گونه ارتباطی با محیط اطراف ندارد، و کلّیّهٔ حسّ‌ها، اعمّ از بینایی، شنوایی، صوتی، چشایی، جنسی و بویایی را از دست داده است. سازمان نظام پزشکی علّت حادثه را عدم امکانات و تجهیزات بیمارستان عنوان نموده، و مسئولیّت حادثه را متوجّه دکتر بی‌هوشی و پرستار بهبودی و مسئولین بیمارستان دانسته است. حال با توجّه به این که مدّت چهار سال و چهار ماه است که بیمار در چنین وضعیّتی بسر می‌برد، و امکان دارد تا چند سال دیگر نیز این وضعیّت به طول بیانجامد، سؤال این است که آیا برای هر کدام از اعضا و منافع باید دیهٔ جداگانه پرداخت شود؟

جواب: چنانچه مرگ مغزی سرانجام منتهی به مرگ قطعی شود یک دیه بیشتر ندارد، که در میان کسانی که عامل آن بوده‌اند به نسبت تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۲۴۱- هرگاه در اثر جنایت حسّ بویایی، یا شنوایی، یا چشایی، یا بینایی، یا گویایی، یا عقل از بین برود، و پس از پرداخت دیه مجنیّ علیه بهبود یابد (حسّ یا قدرت مورد نظر برگردد،) تکلیف چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که دیه را بازگردانند، و تبدیل به ارش کنند.

سؤال ۱۲۴۲- اتومبیل شخصی، که همراه با سرنشین دیگری در حال مأموریّت بوده، در اثر بی‌احتیاطی و سرعت زیاد، با مانع وسط جادّه برخورد کرده، و صدمات

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۴۷۰

عديده‌اى به شرح ذيل بر سرنشين همراه راننده وارد شده است:

۱- شكستگى مهرهٔ هفتم گردن، و مهرهٔ چهارم سينه، كه منجر به قطع نخاع كامل شده است (ضايعه دائم).

۲- فلج كامل و دائمى هر دو اندام تحتانى (پاى راست و چپ).

۳- عدم كنترل دائم ادرار (سلس دائمى بول).

۴- عدم كنترل مدفوع.

۵- عدم توانايى مقاربت به طور كامل.

۶- فلج اندامهاى فوقانى (دست راست و چپ،) حدود هشتاد درصد.

۷- بروز زخم «بستر» به علّت عدم توانايى حركت و خوابيدن طولانى مدّت در بستر.

۸- بروز عفونتهاى مكرّر ادرارى و كليوى كه قابل عود مجدّد مى‌باشد.

۹- تكرار زخم بستر و عفونتهاى كليوى و ادرارى و عوارض روانى ناشى از بسترى شدن طولانى. ضمناً طبق نظر كارشناسان، رانندهٔ خودرو را در اثر سرعت غير مطمئن و خستگى، مقصّر شناخته شده است. اكنون با توجّه به موارد فوق الذّكر لطفاً بفرماييد:

۱- آيا بروز زخم كه در اثر بسترى شدن در بيمارستان و عدم توانايى حركت و خوابيدن طولانى حادث شده، ارش جداى از ديات معيّن شرعى دارد، يا چون اثر همان بيمارى‌هاى اصلى است، ارش مجزّا ندارد؟

جواب: ظاهراً ارش جداگانه‌اى ندارد.

۲- آيا عفونت‌هاى ادرارى و كليوى كه به صورت مكرّر در اثر صدمات وارده بوجود مى‌آيد، داراى ارش جدايى است؟

جواب: در صورتى كه نتيجهٔ سرايت صدمات مذكور باشد، ارش جداگانه‌اى دارد.

۳- در فرضى كه ضربهٔ واحد در حادثهٔ مذكور، باعث عدم كنترل ادرار و مدفوع به صورت دائمى شده، آيا هر كدام ديه و ارش جدايى دارد؟

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۴۷۱

جواب: هر دو يك ديه دارد.

۴- آيا قطع نخاع، كه نوعاً منجر به فلج قسمتى از اعضا مى‌شود، و سبب ديهٔ كامل انسان مسلمان است (مثل فلج اندامهاى تحتانى و فقدان كنترل ادرار و مانند آن) هر كدام ديهٔ مستقل دارد؟

جواب: احتياط آن است كه در تفاوت ارش و ديهٔ كامله با هم مصالحه كنند، و امّا آثارى كه از آن حاصل مى‌شود، ديهٔ جداگانه دارد.

ارش

اشاره

سؤال ۱۲۴۳- در مورد تعيين ارش صدمات وارده بر اعضا بفرماييد:

الف) آيا محاسبهٔ ارش بايد نسبت به كلّ ديهٔ همان عضو باشد، يا ديهٔ كامل انسان؟

ب) در صورت محاسبهٔ ارش نسبت به ديهٔ كامل، آيا مقدار ارش صدمهٔ وارده به عضو مى‌تواند بيش از ديهٔ آن عضو تعيين گردد؟

جواب الف و ب: در صورتى كه فقط ضررى به عضو وارد شده، نسبت به عضو محاسبه مى‌شود. و اگر فرضاً به كارآيى عضو

ضرری نرسانده، ولی یک زیان کلّی به بدن رسانده، باید نسبت به دیهٔ کامل محاسبه شود؛ هر چند از دیهٔ عضو بیشتر شود.

۱- ارش دررفتگی کتف

سؤال ۱۲۴۴- شخصـی صدمه‌ای بر دیگری وارد نموده، که اسـتخوان دست او از طرف کتف دررفتگی پیدا کرده، و شکسته بند آن را در جای خود قرار داده، و در مـدّت بیش از یک ماه بهبود یافته، و به حالت اوّل خود برگشـته است. لطفاً بفرماییـد: دیهٔ دررفتگی آن چقدر است؟ اگر بهبودی کامل پیدا نکرده باشد، دیهٔ آن چقدر خواهد بود؟

جواب: دررفتگی بدون شکستگی دیه ندارد، بلکه ارش دارد. در صورتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۲

منتهی به نقص عضـو نشـود ارش آن کمـتر، و اگر منتهی شود ارش آن بیشـتر است. و ارش بر معیـار درصـد خسـارت به نظر طـبیب حاذق متدیّن تعیین می‌شود.

۲- ارش بافت نرم عصبی دست

سؤال ۱۲۴۵- چنان چه بر اثر شکسـتگی استخوان دست، یا سایر اعضا که دیهٔ معیّنی دارد، بافت نرم عصبی از بین برود. آیا علاوه بر دیـهٔ شکسـتگی، ارش نیز به مجنیّ علیه تعلّق می‌گیرد؟ چنـانچه شکسـتگی منجر به از بین رفتن بـافت نرم عصـبی شـود، و آن عضـو کارآیی اوّلیهٔ خود را از دست بدهد، و دچار عوارضی مثل لنگیدن شود، آیا می‌توان علاوه بر دیهٔ شکستگی، به نسبت عدم کارآیی آن عضو ارش در نظر گرفت؟

جواب: چنانچه آن عضو به کلّی از کار بیفتد، دیهٔ شلل که ۲۳ دیهٔ عضو است دارد. و اگر به طور کامل از کار نیفتد، به همان نسبت از کار افتادگی از این دیه محسوب می‌شود.

۳- ارش نقص حاصل از استخوان معیوب

سؤال ۱۲۴۶- در مواردی که استخوان عضوی، مثل ساق پا، دچار شکستگی شده و به صورت معیوب جوش خورده، دیهٔ خاصّی در نظر گرفته شـده است. حـال اگر در اثر این عـارضه، نقص عضوی نیز ایجاد شود، علاوه بر دیـهٔ تعیین شـده جهت اسـتخوان معیوب، تعیین ارش نقص عضو نیز موضوعیّت دارد؟

جواب: هرگاه آن نقص عضو از لوازم عادی شکسـتن اسـتخوان باشد، ارش اضافی ندارد؛ ولی اگر چیزی اضافه بر شکستن استخوان و جوش خوردن نادرست آن باشد، ارش دارد.

۴- ارش پارگی مقعد

سؤال ۱۲۴۷- اگر مردی با اکراه، یا اجبار، یا فریب، با مرد یا کودک نابالغی لواط کند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۳

و موجب پارگی مقعد گردد؛ آیا این جراحت ارش دارد؟

جواب: چنین موردی مشـمول ارش است؛ یعنی دیـهٔ کامـل را برای کلّ آن محلّ در نظر می‌گیرنـد، سـپس ملاحظه می‌کننـد آسـیب وارده چند درصد ایجاد نقصان کرده، و به همان نسبت ارش می‌گیرند.

۵- ارش نقص راه رفتن

سؤال ۱۲۴۸- شکستگی استخوان، موجب نقص عضو (در راه رفتن) نیز شده است؛ آیا علاوه بر دیهٔ مربوط به شکستگی، می‌توان برای نقص آن ارش تعیین نمود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ارش نقص منفعت را نیز بپردازد.

۶- ارش البکارهٔ

سؤال ۱۲۴۹- ازالهٔ بکارت، ارش البکارهٔ دارد یا مهر المثل؟ در صورت دوّم، اگر بکارت دختر غیر بالغی ازاله شود، مثلًا بکارت دختر سه ساله‌ای در جریان تصادف از بین برود، محاسبهٔ مهر المثل نسبت به وی چگونه ممکن است؟ آیا در مهر المثل، حدّ اقلّ و حدّ اکثری وجود دارد، مثل این که از مهر السّنهٔ کمتر نباشد؟

جواب: در افراد بالغ و مانند آن، معیار مهر المثل است. و در دختران کوچک باید ارش البکارهٔ در نظر گرفته شود. ولی در صورتی که افراد بالغ از طریق تصادف و مانند آن چنین آسیبی ببینند، احتیاط آن است که نسبت به تفاوت مهر المثل و ارش البکارهٔ مصالحه کنند. مهر المثل با مراجعه به افرادی که همانند آن دختر از نظر سنّ و سال و منزلت اجتماعی و جهات دیگر هستند، در نظر گرفته می‌شود. مثلًا خواهران، خواهرزاده‌ها، دختر عمّه‌ها و دختر عموها، چنانچه از نظر عرفی شبیه هم باشند، با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

سؤال ۱۲۵۰- زنی در اثر تفخیذ اجباری حامله شده، و بر اثر وضع حمل بکارت وی زائل گشته است. آیا دیه، یا ارش البکارهٔ، یا مهر المثل، به وی تعلّق می‌گیرد؟

جواب: تنها مهر المثل تعلّق می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۴

سؤال ۱۲۵۱- آیا بین ازالهٔ ناقص و کامل فرق است؟ پزشکی قانونی، پردهٔ بکارت را به ۱۲ ناحیه، که اصطلاحاً به آن ساعت می‌گویند، تقسیم کرده، که از ۱ شروع و به ۱۲ ختم می‌گردد. پزشکان در گواهیهای خود مثلًا می‌نویسند: «پارگی در ساعت ۵ و ۶ وجود دارد.» به نظر می‌رسد که باید دید آیا پردهٔ بکارت ناقص دارای ارزش است؟

مثلًا اگر کوزه‌ای بشکند خواه از یک قسمت بشکند، یا از چند قسمت، دیگر ارزش ندارد. امّا اگر پارچه‌ای پاره شود، اگر از یک قسمت پاره شود، باقیماندهٔ آن دارای ارزش است. حال باید دید که پردهٔ بکارت از مثال اوّل است، یا دوّم؟

جواب: در هر حال مهر المثل تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۱۲۵۲- آیا زنای به عنف نسبت به غیر باکره، مهر المثل دارد؟

جواب: آری مهر المثل دارد.

سؤال ۱۲۵۳- در مواردی که برای ازالهٔ بکارت مهر المثل تعیین شده، مثل موردی که با انگشت ازالهٔ بکارت گردد، چنانچه میزان مهر المثل از دیهٔ کامله یک زن بیشتر باشد، آیا مجنیّ علیها به میزان دیهٔ کامله استحقاق دارد، یا زائد بر دیه هم قابل مطالبه است؟ همانند موردی که هرگاه کسی موی زنی را از بین ببرد، ولی دوباره بروید، مقرّر شده اگر مهر المثل بیشتر از دیهٔ کامل باشد، فقط به مقدار دیه بپردازد.

در مورد سؤال چگونه است؟

جواب: بیش از دیه استحقاق ندارد.

سؤال ۱۲۵۴- پسر و دختری با یکدیگر رابطهٔ نامشروع برقرار کرده، و در نتیجه بکارت دختر زائل شده است. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر عمل با رضایت دختر و بدون اغفال صورت گرفته باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: در فرض مسأله، ارش البکارهٔ یا مهر المثل تعلّق نمی گیرد.

۲- اگر عمل با رضایت ولی با اغفال دختر همراه بوده باشد، آیا ارش البکارهٔ تعلّق می گیرد؟

جواب: چنانچه منظور از اغفال این است که رضایت به مادون آمیزش داده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۵

ولی او آمیزش کرده، باید مهر المثل او را بدهد. و اگر منظور از اغفال این است که پسر به او اطمینان داده که ازالهٔ بکارت نخواهد شد، باید ارش البکارهٔ بپردازد.

سؤال ۱۲۵۵- لطفاً در خصوص ارش البکارهٔ، در دو فرض بلوغ و عدم بلوغ زانیه، بفرمایید:

۱- آیا زانیه در موارد ذیل مستحقّ ارش البکارهٔ می‌باشد؟

۲- زنا با رضایت و میل وی انجام شود.

۳- زنا در اثر اکراه یا عنف واقع گردد.

۴- زنا با فریب وی، مبنی بر وعدهٔ قطعی ازدواج و مانند آن، انجام پذیرد.

جواب: در صورت بلوغ و رضایت، ارش بکارت و مهر المثل مشروع نیست.

و در صورت عنف، یا عدم بلوغ، مهر المثل ثابت است. و با وجود مهر المثل، نوبتی به ارش بکارت نمی‌رسد.

سؤال ۱۲۵۶- اگر ازالهٔ بکارت دختر با انگشت، یا شیء دیگر صورت گیرد، حکم ارش البکارهٔ چیست؟ آیا رضایت یا عدم رضایت وی در حکم تأثیری دارد؟

جواب: مهر المثل تعلق می گیرد. ولی در صورت رضایت دختر، احتیاط مصالحه است.

سؤال ۱۲۵۷- چنانچه مردی یک بار اقرار به زنا کند، آیا می‌توان او را به پرداخت ارش البکارهٔ، یا مهر المثل (در صورت تحقّق شرایط آن)، محکوم کرد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اگر اقرار به تحقّق زنای به عنف، یا ازالهٔ بکارت به عنف کرده باشد، مهر المثل را بپردازد.

سؤال ۱۲۵۸- اگر زانیهٔ باکره از زانی بخواهد به قدری دخول شود که ازالهٔ بکارت نشود، ولی زانی عمداً یا سهواً موجب ازاله شود، آیا ضامن ارش البکارهٔ یا چیز دیگری هست؟

جواب: ضامن مهر المثل است.

شجاج

سؤال ۱۲۵۹- آیا جراحات و شکستگی استخوان فك بالا و پایین، و گوش و لب، از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۶

مصادیق سر و صورت می‌باشد، یا چون این اعضا دارای عنوان خاصّ می‌باشند، از قاعدهٔ مذکور خارج، و با توجّه به نسبت همین اعضا به شکستگی استخوان و جراحت، ارش تعیین خواهد شد؟

جواب: از مصادیق سر و صورت است، و مشمول احکام شجاج می‌باشد.

سؤال ۱۲۶۰- در جراحاتی مانند حارصه، و همچنین در تغییر رنگ مانند کبودی، آیا التیام یا سرایت موجب کاهش یا افزایش دیه می گردد؟

جواب: التیام تأثیری ندارد؛ ولی افزایش اگر نتیجهٔ عادی و غیر قابل اجتناب جنایت باشد، تأثیر دارد.

سؤال ۱۲۶۱- در گواهی پزشکی قانونی عنوان شده: «متلاحمهٔ ساعد دست راست، که منجر به آسیب‌دیدگی عضلات محل گردیده » ...آیا علاوه بر دیهٔ متلاحمه، ارش آسیب‌دیدگی عضلات هم به آن اضافه می‌شود؟

جواب: در صورتی که نتیجهٔ آن از کار افتادگی نسبی آن عضو باشد، باید محاسبه شود.

سؤال ۱۲۶۲- در گواهی پزشکی قانونی این جمله آمده است: «جنایت باعث کوفتگی و ضربدیدگی لگن شده است.» آیا صدمهٔ مذکور دیه دارد، یا ارش، یا هیچ کدام؟

جواب: اگر تنها اثر آن درد محل بوده باشد دیه و ارش ندارد؛ امّا اگر تغییری، هر چند برای مدّتی، در عضو یا استخوان پیدا شود ارش دارد.

سؤال ۱۲۶۳- در گواهی پزشکی قانونی چنین ذکر شده: «دامیه در ریشهٔ انگشت شست ایجاد شده است.» آیا ریشهٔ انگشت شست جزء انگشت است، یا جزء دست؟

جواب: اگر عرفاً جزء انگشت باشد، حکم انگشت بر آن جاری می‌شود.

سؤال ۱۲۶۴- در مجموعهٔ استفتائات جدید، جلد اوّل، صفحهٔ ۴۰۰، سؤال ۱۳۳۵ فرموده‌اید: «جرح بر گردن در بعضی از موارد، دیه و در بعضی موارد ارش دارد.» لطفاً بفرمایید: در چه مواردی دیه، و در چه مواردی ارش دارد؟ و آیا در مواردی که دیه دارد، دیهٔ جراحات گردن در حکم سر و صورت است، یا در حکم بدن؟ نحوهٔ محاسبهٔ دیهٔ آن چگونه است؟ حکم صدماتی که باعث تغییر رنگ در گردن می‌شود چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۷

جواب: انواع دیهٔ حارصه و دامیه و سمحاق و مانند آن در مورد گردن نیز صادق است. ولی دیهٔ آن مانند دیهٔ بدن می‌باشد؛ نه مانند دیهٔ سر و صورت، و در غیر موارد دیه ارش دارد.

سؤال ۱۲۶۵- شخصی بدن دیگری را گاز گرفته، و جراحت حارصه‌ای، مثلًا به طول دو سانتی‌متر، ایجاد کرده است. ولی از آنجا که بین دو دندانش فاصله بوده، در محلّ جراحت مذکور نیز به همین شکل فاصله افتاده است؛ آیا یک حارصه محسوب می‌شود، یا دو حارصه؟

جواب: با توجّه به این که زخمها نزدیک به هم است، عرفاً یک زخم محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۶۶- آیا جراحات وارده بر آلت تناسلی زن و مرد، و عانهٔ آنها، دیه دارد یا ارش؟ اگر دیه دارد، نحوهٔ محاسبهٔ آن چگونه است؟

جواب: جراحات اعضای تناسلی، همانند سایر جراحات بدن است، که تقسیم به انواع مختلف حارصه و دامیه الی آخر می‌شود.

سؤال ۱۲۶۷- شخصی در جریان تصادف، سمت راست بدنش به زمین کشیده شده است، به شکلی که یک سمت صورت وی تماماً خراشیده شده، و عمق آن در حدّ حارصه است. آیا تمام این صدمه یک حارصه محسوب می‌شود، یا به نحو دیگری محاسبه می گردد؟

جواب: با توجّه به اتّصال عرفی زخم، یک حارصه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۶۸- با توجّه به قلّت پوست و گوشت روی پیشانی، پشت دست، و پشت انگشت، آیا غیر از حارصه و دامیه جراحات دیگر در این نواحی قابل تصوّر است؟

جواب: افراد از این جهت مختلفند؛ در صورتی که گوشت کافی نداشته باشد ملتحمه و مانند آن تصوّر نمی‌شود، ولی سمحاق و موضحه و مثل آن قابل تصوّر است.

سؤال ۱۲۶۹- در موارد جراحت متلاحمه، که به فلج عضو می‌انجامد، ولی با درمان می‌توان از فلج شدن پیشگیری کرد؛ بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۸

۱- آیا بر شخص مجروح واجب است خود را درمان کند؟

جواب: چنان چه درمان آن ساده باشد، به طوری که منتهی شدن به فلج عرفاً اسناد به مجروح داده شود، لازم است.

۲- در صورت درمان، آیا می‌توان هزینه‌های افزون بر مقدار دیه را از جانی گرفت؟

جواب: آری می‌توان گرفت.

سؤال ۱۲۷۰- با توجّه به این که شکم از حیث عرض دارای دو لایه است (یکی پوست شکم، و دیگری شکمبه) اگر جراحتی پوست شکم را پاره کند، امّا شکمبه را پاره نکند، چه نوع جراحتی است؟ و دیهٔ آن چقدر است؟

جواب: چنانچه وارد فضای خالی داخل بشود، جائفه است.

سؤال ۱۲۷۱- فقها در تعریف «نافذه» فرموده‌اند: «نافذه جراحتی است که در اعضاء بدن فرو رود.» و در تبیین ماهیّت «موضحه» فرموده‌اند: «جراحتی که از گوشت بگذرد، و پوست نازک روی استخوان را کنار زده، و استخوان را آشکار کند.» لطفاً بفرمایید فرق بین این دو جراحت چیست؟ آیا فرقشان این است که موضحه تا روی استخوان فرو می‌رود، امّا نافذه علاوه بر آن از کنار استخوان هم عبور می‌کند؟ اگر چنین است، چنانچه فقط نیم سانت از کنار استخوان عبور کند، در اینجا تفاوت نافذه با موضحه فقط نیم سانت است؛ امّا تفاوت دیهٔ آن ۵ شتر است! زیرا دیهٔ موضحه ۵ شتر، و دیهٔ نافذه (در مرد) ۱۰ شتر است. این، چگونه قابل توجیه است؟

جواب: نافذه آن است که به مقدار کافی در بدن نفوذ کند؛ خواه مثل ماهیچه‌ها باشد، یا مواردی که استخوان است، و از کنار استخوان به مقداری که عرفاً نفوذ نامیده شود بگذرد. و در موارد شکّ حکم نافذه جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۲۷۲- اگر چیزی از یک طرف وارد بدن و از طرف دیگر خارج گردد. (مثل این که تیری به بازوی شخص وارد، و از سمت دیگر خارج شود) دیهٔ آن چقدر است؟

جواب: یک جنایت محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۷۳- آیا نافذه در کلّیهٔ اعضای بدن (دست، پا، گردن، ذَکَر، پستان، إلیتین،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۷۹

لب، زبان، انگشت، کف دست و دیگر اعضا) صادق است؟

جواب: قدر مسلّم از نافذه مواردی است که آلت جارحه به مقدار قابل ملاحظه‌ای در بدن نفوذ کند؛ مانند نیزه، خنجر، چاقو و امثال آن. امّا جراحت وارده به یک انگشت، یا لب، یا مانند آن، مصداق نافذه نیست.

سؤال ۱۲۷۴- هرگاه آلت ضرب یکی از اعضای داخلی بدن، از قبیل کبد، را مجروح کند، و جراحت بدون عیب التیام یابد؛ آیا علاوه بر ثلث جراحت جائفه، آن جراحت ارش نیز دارد؟

جواب: آن جراحت اضافی، ارش دارد.

سؤال ۱۲۷۵- آیا دیه جراحاتی که در اثر ضربهٔ واحد بر سطح عضوی که دچار شکستگی شده حادث می‌شود، مانند حارصه، دامیه، تغییر رنگ، و امثال آن، بر دیهٔ شکستگی افزوده می‌شود؟

جواب: آری دیهٔ شکستگی جدا از دیهٔ جراحت است.

سؤال ۱۲۷۶- سر شخصی را با سنگ شکسته‌ام. (البتّه قصد پرتاب داشته‌ام، نه شکستن.) و نمی‌دانم چه مقدار جراحت وارد شده، بلکه فقط می‌دانم از سر مجروح خونی آمده است. و اکنون شخص مجروح فوت کرده، و اصلًا دسترسی به ورثه و بستگان او نداشته، و نخواهم داشت. دیهٔ آن چقدر است؟

جواب: در صورتی که فقط می‌دانید سر او زخم شده، و بیشتر از آن را یقین ندارید، دیهٔ آن قیمت یک شتر است. و در صورتی که به مجنیّ علیه دسترسی ندارید، به نیّت او دیه‌اش را به فقیری صدقه می‌دهید. مگر این که یقین داشته باشید که او از شما راضی شده است.

سؤال ۱۲۷۷- در اثر تیراندازی با تفنگ ساچمه‌ای، مجنیّ علیه از ناحیهٔ دست، یا سایر اعضا که دیهٔ معیّن دارد، مجروح شده، و ساچمه در گوشت نفوذ کرده، و پزشک نوع جراحات وارده را دامیه و مانند آن اعلام نموده است. در این فرض، آیا هر یک از جراحات یک نافذه محسوب، و یک صد دینار دیه تعلّق می‌گیرد؟ یا این که باید برای هر یک از جراحات دیهٔ آن جرح، به نسبت به دیهٔ آن عضو سنجیده شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۰

جواب: هر یک از جراحات یک دیه دارد، ولی توجّه داشته باشید اینجا از نوع نافذه و جائفه نیست؛ بلکه غالباً دامیه است. هر چند بهتر آن است که با یکدیگر مصالحه کنند.

سؤال ۱۲۷۸- اگر شخصی در نزاعی با خودکار به دست دیگری بزند. به طوری که مقداری از پوست دستش کنده شود و خون بیاید، چه حکمی دارد؟ ناگفته نماند نمی‌دانم چقدر از پوست دست وی جراحت دیده، فقط می‌دانم که پوستِ دستش کنده شده، و خون آمده است. و اصلًا از شخصی مجنیّ علیه و فامیلهایش اطّلاعی ندارم، تا حلالیّت طلب کنم.

جواب: این جراحت دامیه نام دارد، و دیهٔ آن در غیر سر و صورت نصف قیمت یک شتر است، و در صورتی که به مجنیّ علیه دسترسی ندارید، دیه‌اش را به نیّت او به فقیری صدقه می‌دهید؛ مگر این که یقین داشته باشید که او از شما راضی شده است.

سؤال ۱۲۷۹- در نزاعی با پاشنهٔ چکش به صورتِ شخصی زده‌ام. نمی‌دانم صورتِ شخص مجروح، سرخ شده است، یا کبود یا سیاه، و اصلًا به آن شخص و ورثه و بستگانش دسترسی ندارم، و بعد از این هم نخواهم داشت. خواهشمندم دیهٔ آن را بیان فرمایید.

جواب: حدّ اقل دیه در اینجا دیهٔ سرخ شدن است، که ۱۵ مثقال طلاست. (مثقال شرعی حدود ۱۸ نخود است، و مثقال معمولی ۲۴ نخود. بنابراین، اگر به حساب مثقال معمولی باشد ۱۴ از آنچه در بالا گفتیم کم می‌شود.)

سؤال ۱۲۸۰- چنانچه در اثر ضربه‌ای در پلک تحتانی و فوقانی کبودی ایجاد شود، آیا جانی باید سه دینار به مجنیّ علیه بدهد، یا شش دینار؟

جواب: اگر کبودی متّصل واحدی بوده باشد، یک جنایت محسوب می‌شود. و اگر دو کبودی جداگانه از هم باشد، دو جنایت حساب می‌شود.

سؤال ۱۲۸۱- جراحتی که به اعضای درونی انسان وارد شود بر اساس نوع عضو آسیب‌دیده در داخل بدن، متفاوت است. در حالی که دیه در تمام موارد آن در حدّ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۱

جائفه و یکسان است. (به طور مثال جائفه‌ای که منجر به پارگی روده می‌شود، با جائفه‌ای که تنها منجر به پارگی پرده صفاق و چادرینه (امنتوم) می‌شود از نظر سیر درمان و هزینه‌ها و نقص عضو به هیچ وجه یکسان نیستند، لکن دیهٔ آن‌ها یکی است.) آیا می‌توان در حکم تفاوتی قائل شد؟

جواب: در این گونه موارد که علاوه بر دیهٔ ایجاد یک جراحت جائفه، به اعضای درونی مانند روده‌ها صدمه وارد می‌شود، نسبت به آن مقدار اضافه باید ارش داده شود.

سؤال ۱۲۸۲- حکم شرعی جراحات یا لطماتی که به هنگام تنبیه و تربیت شاگردان به وجود می‌آید، در فروع زیر چیست؟

الف) شاگرد صغیر باشد.

ب) شاگرد بالغ باشد.

ج) با اجازهٔ ولیّ باشد.

د) بدون اجازه ولیّ باشد.

ه) جهت جلوگیری از وقوع منکر باشد.

جواب: حتّی الامکان نباید از تنبیهات بدنی استفاده کرد. و در صورت ضرورت، باید با اجازهٔ ولی باشد، و سبب کبودی و سرخی و جراحت بدن نگردد.

سؤال ۱۲۸۳- بعضی از کودکان توسّط پدر و مادر شدیداً مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند، و گاه آثار این شکنجه‌ها در بیمارستان دیده می‌شود، و متأسّفانه قانونی جهت منع آن موارد وجود ندارد. حکم آن چیست؟

جواب: این گونه شکنجه‌ها محکوم به دیه و ارش است؛ و فرقی با جنایات دیگران ندارد.

سؤال ۱۲۸۴- آیا جراحتی که در اثر ورود ساچمهٔ شلیک شده از اسلحهٔ کمرشکن شکاری به شخص وارد می‌شود، از مصادیق مادّهٔ ۴۸۳ قانون مجازات اسلامی است، که مقرّر می‌دارد: «هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن، در دست یا پا فرو رود، در صورتی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۲

که مجنیّ علیه مرد باشد دیهٔ آن یک صد دینار، و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است.» یا ساچمه، گلوله محسوب نشده، و جراحت مزبور مشمول مادّهٔ ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی است که با توجّه به نوع جرح (حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق، موضحه، هاشمه، منقله، مأمومه، و دامغه) باید تعیین دیه شود؟

جواب: این حکم (حکم نافذه) شامل ساچمه نمی‌شود، و باید از عناوین دیگر که اشاره کردید برای دیهٔ آن استفاده کرد.

سؤال ۱۲۸۵- دکتر مقداری از پوست بدن را برای ترمیم جراحت یا سوختگی، برداشته است. آیا برای این قسمت دیه یا ارش جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود؟

جواب: دیه و ارشی برای این قسمت نیست.

سؤال ۱۲۸۶- همان گونه که مستحضرید جرم دامغه دیه و ارش دارد، ولی پزشکی قانونی ارشی هم تحت عنوان کاهش استحکام جوار استخوان ناشی از گرانبوتومی اعلان نموده است. آیا جانی این ارش را هم باید بپردازد؟

جواب: تنها ارش پاره شدن پوستهٔ مغز را، علاوه بر دیهٔ مأمومه، باید بپردازد.

دیهٔ جنین

سؤال ۱۲۸۷- دختری از زنا حامله شده است. در صورت پی بردن خانواده، احتمال کشتن وی می‌باشد. آیا می‌تواند سقط جنین کند؟ حکم دیهٔ آن چیست؟

جواب: در صورتی که واقعاً جان او در خطر باشد، و جنین به چهارماهگی نرسیده باشد، مجاز است سقط جنین کند، و دیهٔ آن را به بیت المال بپردازد.

سؤال ۱۲۸۸- چون افراد زیادی از جمله پزشک، فروشنده، خریدار، تزریق‌کننده، پدر و مادر جنین، در سقطِ به وسیلهٔ دارو نقش دارند. دیهٔ سقط بر عهدهٔ کیست؟

جواب: دیهٔ سقط بر عهده کسی است که دارو را مصرف می‌کند.

سؤال ۱۲۸۹- اگر شخص تزریق‌کننده از اثر داروی سقط جنین با خبر نباشد، دیه بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: بر عهدهٔ کسی است که این دستور را به او داده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۳

سؤال ۱۲۹۰- اگر مادر آمپول را به خود تزریق کند، تا جنین نامشروع خود را سقط کند، دیه بر عهدهٔ چه کسی است، و به چه کسی تعلّق می‌گیرد؟ اگر شوهر ببخشد چطور؟

جواب: دیهٔ سقط در اینجا بر عهدهٔ مادر است. و دیهٔ او به حاکم شرع می‌رسد، و در مصارف بیت المال مصرف می‌شود.

سؤال ۱۲۹۱- اگر درخواست از مادر و تزریق از پدر باشد، دیه بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: دیه بر عهدهٔ هر دو می‌باشد؛ هر کدام به مقداری که در آن کار سهیم بوده‌اند.

سؤال ۱۲۹۲- چنانچه کسی با اسلحه و به قصد کشتن مادر و جنین، به طرف آنها شلیک کند، و هر دو کشته شوند. آیا پدرِ حمل حقّ درخواست قصاص نفس جانی را دارد، یا این که قتلِ عمدِ جنین فقط دیه دارد؟

جواب: قتل عمد جنین قصاص ندارد، بلکه فقط دیه دارد. ولی اولیای دم می‌توانند پس از اخذ دیهٔ جنین، نصف دیهٔ کامله را به خاطر قتل مادر به ورثهٔ جانی بپردازند، و او را قصاص نمایند.

عاقله

سؤال ۱۲۹۳- همان گونه که مستحضرید در مواردی که جانی اقرار به جنایت خطایی خود کند، عاقله ضامن نیست. حال اگر طفلی، که عمد او خطای محض تلقّی می‌شود، اقرار به جنایت خود نماید، آیا خود طفل ضامن است، یا عاقلهٔ وی؟

جواب: اقرار طفل در هیچ حال معتبر نیست.

سؤال ۱۲۹۴- از آنجا که عاقله ضامن جراحت موضحه به بالا می‌باشد، مشروط بر این که خطای محض باشد. لطفاً بفرمایید:

۱- چنانچه جراحتی وارد شود که ارش دارد، و ارش آن معادل با موضحه یا بالاتر باشد، آیا عاقله ضامن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۴

جواب: فرقی بین ارش و دیه در این جهت نیست.

۲- در جراحات متعدّدی که دیهٔ مجموع آن معادل موضحه یا بیشتر، ولی منفرداً کمتر است (اعمّ از این که دیهٔ مقدّره داشته باشد، یا نداشته باشد) چطور؟

جواب: جنایات مستقلّه که هر کدام دیهٔ آن کمتر از موضحه است، مشمول حکم عاقله نیست.

۳- جراحاتی وارد شده که کمتر از موضحه دیه دارد، لکن عیبی از آن حاصل شده که دیهٔ جراحت به همراه عیب معادل موضحه یا بیشتر می‌شود. در این صورت عاقله ضامن است؟

جواب: در این فرض که جنایت، جنایت واحده است، شامل می‌شود.

سؤال ۱۲۹۵- هرگاه قتل خطای محض با علم قاضی ثابت شود، دیه بر عهدهٔ چه کسی است؟ عاقله، یا خود جانی؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خود جانی بپردازد.

سؤال ۱۲۹۶- اگر مجنون یا صغیر، بر پدر خود ضرب یا جرحی که دیهٔ آن بر عهدهٔ عاقله است وارد کند، مسئول پرداخت دیه کیست؟

آیا در این مورد خاص می‌توان سایر اقربای نسبی مجنون یا صغیر را که جزء ورثهٔ فعلی او محسوب نمی‌شوند (مانند برادران) به ترتیب اقربیّتِ به جانی مسئول پرداخت دیه به عنوان عاقله دانست؟

جواب: آری دیه بر عاقله است، ولی سهمی از آن به صغیر یا مجنون نمی‌رسد.

سؤال ۱۲۹۷- در رابطه با کیفیّت و شرایط مسئولیّت عاقله پاسخ دهید:

الف) در مورد جنایات خطای محضِ عاقلِ بالغ، تنها دیـهٔ قتل و جراحت‌های موضـحه و زیادتر از آن بر عهـدهٔ عاقله می‌باشـد، و دیهٔ جنایـات کمتر از موضـحه بر عهـدهٔ خود جـانی است. آیـا این حکم در مورد نابـالغ و دیوانه نیز صـادق است؟ به عبـارت دیگر، دیهٔ جراحات کمتر از موضحه که نابالغ (ممیّز و غیر ممیّز) و یا دیوانه به دیگری وارد می کند، بر عهدهٔ کیست؟

جواب: آری این حکم درباره صبی و مجنون نیز جاری است، و مادون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۵

موضحه از مال آنها پرداخته می‌شود.

ب) عاقله در چه مدّتی باید دیه، یا ارش را بپردازد؟

جواب: هرگاه دیه سنگین بوده باشد، باید مانند دیهٔ عمد در أجل مناسب پرداخت شود، و الّا جنبهٔ فوری دارد.

ج) در صورتی که عاقله از پرداخت دیه استنکاف نماید، یا عاجز از پرداخت باشد، تکلیف چیست؟

جواب: هرگاه در آینـده امیـد قدرت برای او هست، باید تأخیر انداخت. و اگر امیدی نیست، باید از بیت المال پرداخت شود. و اگر عمداً تأخیر اندازد و توانایی دارد، حاکم شرع می‌تواند او را مجبور سازد، و یا به زندان افکند.

سؤال ۱۲۹۸- در مورد جنایت صـغیر، که در زمان دادرسی و صدور رأی بالغ و رشید شده، دیهٔ متعلّقه همچنان بر عهدهٔ عاقله است، یا خود جانی باید بپردازد؟

جواب: دیه بر عهدهٔ عاقله است.

دیهٔ جنایت بر میّت

سؤال ۱۲۹۹- در خصوص جنایت بر میّت بفرمایید:

الف) آیا سوزاندن کامل بدن میّت دیه دارد؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، میزان آن چقدر است؟

ج) در فرض فوق، آیا جانی علاوه بر دیه، تعزیر نیز می‌شود؟

د) در موارد وجوب دیه، آیا بین عمدی و غیر عمدی بودن جنایت تفاوتی هست؟

ه) آیا در مقدار دیه، بین میّت زن و مرد تفاوتی وجود دارد؟

جواب: ارش دارد؛ ولی ارش آن کمتر از دیـهٔ کاملهٔ جنایت بر میّت (یک صد دینار) نیست. و فرقی بین زن و مرد نمی‌باشد؛ ولی در صورت عمد، تعزیر نیز دارد.

سؤال ۱۳۰۰- آیا پرداخت دیهٔ جنایت بر میّت به صورت حالّ است، یا مؤجّل؟

جواب: دیهٔ آن به صورت حالّ است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۶

سؤال ۱۳۰۱- دیهٔ جراحات یا صدماتی که بر میّت غیر مسلمان وارد می‌شود، چه مقدار است؟

جواب: احتیاط آن است که مانند دیهٔ مسلمان عمل شود، یا مصالحه کنند.

سؤال ۱۳۰۲- اگر نیـاز به عضوی از اعضای مرده باشـد، و آن را از بـدن او جـدا کننـد، آیا دیه دارد؟ دیـهٔ آن چه مقـدار است؟ چه کسی باید بدهد؟ به چه کسی تعلّق می گیرد؟ در صورت ثبوت دیه، آیا بین مسلمان و کافر از یک طرف، و کافر ذمّی و غیر ذمّی از سوی دیگر، فرقی هست؟

جواب: در چنین صورتی احتیاط پرداخت دیه است. و باید دیه در راه خیرات برای آن میّت صرف شود، و حربی دیه ندارد.

سؤال ۱۳۰۳- فردی را پس از قتل می‌سوزانند، به گونه‌ای که تمامی بدنش به جز چند قطعه استخوان، تبدیل به خاکستر می‌شود! با توجّه به این که تمامی بدنش از بین رفته، آیا باید برای تک تک اعضا و جوارح ظاهر و داخل ارش تعیین گردد؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، ارش معیّنه چه میزان بیشتر از ارش دیهٔ کامل جنایت بر مرده است؟

جواب: در صورتی که جسد را یکجا سوزانده باشند دیهٔ آن تنها یک صد دینار است؛ ولی اگر آن را در چند مرحله سوزانده باشند، دیهٔ اعضا اضافه می‌شود. و اگر عضوی دیه نداشته باشد، ارش به آن تعلّق می گیرد.

موارد پرداخت دیه از بیت المال

سؤال ۱۳۰۴- هرگاه در قتل عمد، یا غیر عمد، یا صدمات دیگر، متّهم شناسایی نشود، آیا لازم است دیه از بیت المال پرداخت گردد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، آیا اعلان این مطلب و قید آن در حکم لازم است، مخصوصاً اگر اثر نامطلوبی در جامعه داشته باشد، و مورد سوء استفاده قرار گیرد؟

جواب: در صورتی که قاتل شناخته نشود، دیه را باید از بیت المال پرداخت. و لازم نیست این مسأله به طور آشکار اعلان شود، تا سبب سوء استفادهٔ افرادی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۷

گردد. همچنین اگر قاتل واقعاً معسر شود، به طوری که امیدی برای آینده نیز نباشد.

سؤال ۱۳۰۵- در مواردی که می‌توان دیهٔ مقتول را از بیت المال پرداخت، لکن اولیای دم جاهل به موضوع هستند، آیا قاضی مجاز به ارشاد و راهنمایی آنان می‌باشد؟

جواب: با توجّه به این که ذی نفع در اینجا جاهل به حکم است، می‌توان او را به حکم شرع ارشاد کرد.

سؤال ۱۳۰۶- در صورتی که ضارب فرار کند، یا ناشناخته باشد، آیا می‌توان دیهٔ جراحات و صدمات وارده بر مجنیّ علیه را از بیت المال پرداخت؟

جواب: در غیر قتلی دلیلی بر گرفتن دیه از بیت المال یا خویشان جانی فراری نداریم.

سؤال ۱۳۰۷- فرزند ۱۲ سالهٔ این جانب در کوچه به چیز مشکوکی برخورد نموده، مشغول بازی با آن می‌شود. در این هنگام شیء مذکور، که ظاهراً نوعی مواد منفجره شبیه گلولهٔ خمپاره بوده، منفجر و منجر به فوت ایشان می گردد. بر اساس اظهارات چند نفر، موتور سوار ناشناسی آن شیء را در کوچه رها کرده است. با توجّه به این که خون مسلم نباید هدر رود، آیا دیهٔ فرزند این جانب بر بیت المال است؟

جواب: چنانچه ثابت شود شیء مزبور را موتور سواری آنجا رها کرده، و دسترسی به او حاصل نشود، دیهٔ آن طفل باید از بیت المال پرداخته شود. ولی چنانچه کودک آن شیء را از داخل منزل برداشته، دیهٔ او بر بیت المال نیست.

سؤال ۱۳۰۸- فرزندم، در حالی که بر ترک موتورسیکلت سوار بود، بر اثر تصادف با اتومبیل به شدّت مجروح و مصدوم گردید. متأسّفانه رانندهٔ متخلّف و بی‌وجدان از صحنهٔ تصادف گریخته، و تا این لحظه شناسایی نشده است. شدّت آسیب‌های وارده بر فرزندم به حدّی است که حواس خود را از دست داده، و ما اکنون سالهاست که همانند طفل یک ساله‌ای از او پذیرایی می کنیم. اگر در حکومت اسلامی صدمه‌ای به مسلمانی وارد شود، و متّهم شناسایی نشود، پرداخت دیه بر عهدهٔ کیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۸

جواب: دیه بر عهدهٔ جانی است، و دلیلی بر گرفتن دیه در غیر قتل از خویشاوندان جانی یا بیت المال نداریم.

سؤال ۱۳۰۹- در موارد قسامه، که موضوع آن ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به مجنیّ علیه است، اگر برائت مدّعی علیه ثابت

شود، و ضارب یا جارح نیز مشخّص نگردد، آیا مانند مورد قتل، دیهٔ مجنیّ علیه مصدوم باید از بیت المال پرداخت شود؟

جواب: ظاهراً دیه آن بر کسی نیست.

سؤال ۱۳۱۰- در موارد اثبات اعسار جانی از پرداخت دیه، اعمّ از این که موضوع آن قتل یا ضرب و جرح عمدی، یا در حکم شبه عمد، یا شبیه عمد باشد و محکوم علیه معسر نیز در دسترس باشد، لکن جهت اعسار مذکور حتّی در مدّت طولانی نیز قادر به پرداخت دیهٔ مورد حکم نباشد. آیا باید از بیت المال پرداخت نمود، یا بر عهدهٔ بستگان محکوم علیه (الاقرب فالاقرب) است، یا در این فرض کسی جز محکوم علیه معسر ضامن نمی‌باشد؟

جواب: در فرض سؤال چنان چه جنایت از قبیل قتل بوده باشد، دیه از بیت المال پرداخته می‌شود.

عفو از دیه

سؤال ۱۳۱۱- در مواردی که قصاص قاتل، مشروط به ردّ فاضل دیه از سوی اولیای دم است، سؤالاتی مطرح می‌شود. لطفاً پاسخ فرمایید:

۱- فاضل دیه حقّ چه کسی است؟ قاتل یا ورثهٔ وی؟

جواب: فاضل دیه حقّ قاتل است، و از او به ورثه می‌رسد.

۲- در صورتی که حقّ قاتل باشد، آیا می‌تواند از حقّ خویش گذشت کند؟

جواب: آری می‌تواند گذشت کند.

۳- آیا انگیزهٔ قاتل در حکم فوق تأثیری دارد؟ مثلًا اگر انگیزهٔ قاتل محروم کردن ورثه از دیه، یا خروج از بلا تکلیفی و نجات از زندان باشد، (به هنگامی که اولیای دم به دلیل اعسار، قادر به پرداخت فاضل دیه نیستند، و از طرف دیگر نه حاضر به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۸۹

دریافت دیه هستند، و نه قاتل را عفو می‌کنند.) آیا عفو در همهٔ موارد صحیح است؟

جواب: انگیزه‌ها تفاوت نمی‌کند، و معیار عفو است.

سؤال ۱۳۱۲- اگر مقتول دیونی داشته، و برای پرداخت آن هیچ مالی غیر از دیه نداشته باشد، و اولیای دم مجنیّ علیه به خاطر این که پولی گیر طلبکاران نیاید، یا به هر دلیل دیگر دیه را ببخشند، آیا طلبکاران می‌توانند دعوایی طرح نموده، و به عنوان شخص ثالث وارد دعوی شده، و دیون خود را مطالبه کنند؟

جواب: مطالبات میّت بر هر چیز مقدّم است، و اولیای دم در فرض مسأله حقّ بخشش ندارند.

سؤال ۱۳۱۳- به منظور قصاص قاتل دخترم، مبلغ ۰۰۰ /۰۰۰ /۳۲ ریال (فاضل دیه) در وجه قاتل، و مبلغ ۶۷۰ /۶۶۶ /۲۶ ریال بابت ۵۶ دیهٔ یک زن نیز به عنوان سهم الدّیهٔ صغیر به حساب دادگستری واریز نمودم، تا قاتل به قصاص رسید. از طرفی ضمن توافق شفاهی با قاتل، قرار شد ایشان از بابت بدهی دیهٔ فرزندان مقتول (پسر و دختر) که ثلث آن به این جانب می‌رسد، و برابر فاضل دیه می‌باشد، از سهم الدّیهٔ خود به نفع این جانب گذشت نماید. در حضور قاضی و مسئولین اجرای احکام قضایی، قاتل قبل از قصاص با خط خود نوشت: «این جانب محکوم به قصاص، از حقّ سهم الدّیهٔ خودم نسبت به ولیّ دم خانم ... گذشت می‌نمایم.» و قاضی و مسئولین اجرای احکام زیر آن نامه را تأیید نمودند. اکنون سؤال این است: آیا کلّ مبلغ فاضل دیه، که آن مرحوم به نفع این جانب گذشت نموده، به این جانب تعلّق می‌گیرد؟ لازم به ذکر است که ورثهٔ قاتل فقط یک فرزند صغیر و مادر او می‌باشند.

جواب: آنچه را قاتل به عنوان بدهی به شما (از بابت دیهٔ فرزندان) گذشت کرده به شما می‌رسد، و شخص دیگری در آن حق ندارد.

سؤال ۱۳۱۴- آیا جدّ پدری، یا وصیّ، یا قیّم صغار، هر چند مادر آنها باشد، حق دارد سهم الدیهٔ صغار تحت کفالت خود را به کمتر از دیهٔ شرعی با جانی مصالحه کند، یا به طور کلّی آن را عفو نماید؟

جواب: جدّ پدری، یا وصیّ، یا قیّم، حق ندارند دیهٔ صغیر را ببخشند، یا به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۰

کمتر از مقدار شرعی مصالحه کنند. مگر این که مصلحت خاصّی در آنجا حاکم باشد، و منفعت صغیر ایجاب کند.

خسارت عدم النفع

سؤال ۱۳۱۵- نظر معظّم له در رابطه با اخذ خسارت عدم النفع (از نوع منفعت قریب الحصول، یا متوقّع الحصول) چه می‌باشد؟ لطفاً حکم مصادیق زیر را بیان فرمایید:

الف) راننده‌ای با اتومبیل خود کار می‌کند. در اثر تصادف و خسارت وارده، نتوانسته به مدّت ۴ ماه کار کند، و به نظر کارشناسان ۴ ماه هم برای تعمیر و راه‌اندازی خودروی مزبور وقت لازم است. آیا رانندهٔ اتومبیل می‌تواند علاوه بر هزینهٔ تعمیر، خسارت عدم النفع متعارف این ۴ ماه را از مقصّر حادثه مطالبه نماید؟

ب) هر گاه کسی که حرفهٔ رسمی او طبابت، یا جرّاحی، یا هر شغل دیگری است، در اثر صدمهٔ بدنی عمدی، یا غیر عمدی، از کار افتاده شود، و به تشخیص کارشناسان، تا آخر عمر توانایی کار کردن و کسب درآمد متعارف را از دست بدهد.

آیا می‌تواند علاوه بر دیه، درآمد ماهیانه‌اش را در حدّ متعارف از مقصّر حادثه طلب کند؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۴۹۰

ج) شخصی با ارتکاب اعمالی نظیر آدم‌ربایی، طرح شکایت واهی منتهی به بازداشت، ارائهٔ مدارک جعلی به دادگاه، و کسب مجوّز برای توقّف عملیّات ساختمانی، و مانند آن، بدون آن که صدمهٔ بدنی به طرف وارد نماید، او را از کار و زندگی انداخته، و موجبات اضرار وی را فراهم نموده است. به گونه‌ای که دقیقاً قابل تقویم به مبلغ قابل توجّهی می‌باشد. آیا متضرّر می‌تواند بابت مدّتی که نتوانسته کار کند، و بازداشت بوده، یا بابت مدّتی که خانه دیرتر برای اجاره آماده شده، مطالبهٔ خسارت نماید؟

د) آیا اولیای دم واجب النفقهٔ مقتول که بعد از وقوع قتل از دریافت مستمرّی و نفقه محروم شده‌اند، می‌توانند تا مدّت زمانی که عرفاً و قانوناً مستحقّ نفقه بوده‌اند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۱

علاوه بر دیه، به میزان نفقهٔ معمول مطالبهٔ خسارت نمایند؟ مثلًا همسر مقتول تا زمانی که شوهر ننموده، و فرزندان صغیر مقتول تا زمانی که بالغ و متمکّن نشده‌اند، حقّ مطالبهٔ خسارت دارند؟

جواب: در مواردی که دیه گرفته می‌شود پرداختن خسارت دیگری لازم نیست، ولی در مواردی که اتومبیل کرایه خسارت‌دیده، یا شخص کارگر و کارمندی از کار بازداشته شده، یا ساختمانی بی‌جهت توقیف شده، در تمام این موارد باید اجرت المثل پرداخته شود.

تغلیظ دیه

سؤال ۱۳۱۶- شخصی ضربه‌ای در ماه مبارک رمضان بر دیگری وارد کرده، و مضروب در ماه ذی القعدهٔ الحرام فوت نموده است.

آیا تغلیظ دیه لازم است، یا چون ضربه در ماه غیر حرام وارد شده، دیه تغلیظ نمی‌شود؟

جواب: در صورتی که ضرب و قتل هر دو در ماه‌های حرام واقع شود، دیه تغلیظ می‌شود. در غیر این صورت، دلیلی بر تغلیظ دیه نیست.

سؤال ۱۳۱۷- اگر در ماه حرام، و در حریم خانهٔ خدا، قتلی رخ دهد، آیا چیزی به غیر از ۱۳، به دیه اضافه می‌شود؟

جواب: آری به هر دو عنوان تغلیظ و تشدید می‌شود.

سؤال ۱۳۱۸- دیهٔ زن مسلمان، اگر در ماه حرام به قتل رسیده باشد، چقدر است؟

جواب: نصف دیهٔ کامله به عنوان اصل دیهٔ زن، و یک سوم آن (که ۱۶ دیهٔ کامله می‌شود) به عنوان تغلیظ پرداخته می گردد، که مجموعاً ۴۶ دیهٔ کامله می‌شود.

سؤال ۱۳۱۹- جنایت در ماه ذی الحجّه واقع شده، و مجنیّ علیه در ماه محرّم فوت گردیده است. مادّهٔ ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی بیان می کند که: «هرگاه صدمه و فوت هر دو در یکی از ماههای حرام واقع شود، سبب تغلیظ است.» آیا در مورد سؤال که صدمه و فوت در دو ماه واقع شده، حکم تغلیظ جاری می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال این مورد از باب تغلیظ است؛ زیرا هر دو در ماه حرام واقع شده است، و منظور از مادّهٔ قانونی مذکور نیز همین است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۲

نحوهٔ پرداخت دیه

سؤال ۱۳۲۰- با توجّه به این که در قتل خطا، در پایان سال اوّل، باید ۱۳ دیهٔ مقرّر شرعی پرداخت شود، هرگاه نصف از ۱۳ در موعد مقرّر پرداخت، و باقی‌ماندهٔ آن در سال بعد پرداخت گردد، لطفاً بفرمایید:

آیا نصف باقی مانده باید به قیمت سال جاری پرداخت گردد، یا به قیمت سال گذشته؟

جواب: باید به قیمت سال جاری پرداخت شود.

سؤال ۱۳۲۱- در مواردی نظیر قتل خطای محض، که بنا بر قول مشهور دیه ظرف سه سال و هر سال ثلث آن باید پرداخت شود، با عنایت به این که بر اساس فتوای برخی از فقها ملاک قیمت یوم الأداء می‌باشد، بفرمایید در محاسبهٔ ثلث در صورت تعذّر اعیان شش گانه، چگونه باید عمل کرد؟ آیا از ابتدا قیمت کلّ دیه بر اساس نرخ روز محاسبه می‌شود، و جانی در هر سال ملزم به پرداخت ثلث همان قیمت است، یا این که در پرداخت هر ثلث، قیمت یوم الأدای همان ثلث ملاک است، یعنی در هر سال باید با توجّه به قیمت سوقیّهٔ همان سال، ثلث دیه را محاسبه و پرداخت نماید؟

جواب: در هر سال باید ثلث دیه را به قیمت روز محاسبه و ادا کند، مگر این که در ابتدا مصالحه‌ای روی قیمت صورت گرفته باشد.

سؤال ۱۳۲۲- شخصی در حادثهٔ تصادف رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شده، و فوراً خود را به نیروی انتظامی معرّفی نموده است. قاضی مربوطه، بعد از طیّ مراحل قانونی و با تعیین مقدار دیه، حکم آن را صادر کرده، ولی مسئولین اجرای احکام ابلاغ پرداخت آن را به مسئولین بیمه تأخیر انداخته‌اند؛ بدین علّت سال بعد مقدار دیه افزایش یافته است. آیا متّهم مدیون همان مقدار دیه‌ای است که قاضی آن را معیّن نموده، و حکمش را صادر کرده، یا اضافهٔ سال بعد را هم باید بپردازد؟

جواب: هرگاه مسئول اجرای احکام در ابلاغ حکم کوتاهی کرده، ضامن مبلغ مازاد دیه می‌باشد.

سؤال ۱۳۲۳- اگر فرد مزبور بعد از وقوع حادثه فرار کند، و پس از چندین سال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۳

نیروی انتظامی او را دستگیر و به دادگاه تحویل دهد. به طوری که حکم دادگاه در سالِ افزایشِ مقدارِ دیه صادر شود. آیا جانی باید دیهٔ سال وقوع حادثه را بپردازد، یا دیهٔ سال صدور حکم را؟

جواب: باید دیه را به قیمت روز بپردازد.

سؤالات دیگر دیات

سؤال ۱۳۲۴- یکی از مسائل مورد ابتلا در محاکم دادگستری خسارات ناشی از صدمات بدنی وارد شده به افراد است. آیا صدمات بدنی، فقط شامل صدمات فیزیکی است، یا شامل صدمات روحی و روانی نیز می‌شود؟ با توجّه به این که صدمات روحی و روانی به مراتب اثراتی بدتر از صدمات فیزیکی به دنبال دارد، و چه بسا ممکن است فردی به خاطر چنین اثرات روحی و روانی، تا آخر عمر رنج بکشد، و همچنین ممکن است فرد در مدّتی که صدمه وارد شده، از کار و فعالیّت (خصوصاً کارهای علمی) بازایستد، و به هدفی که مدّ نظر داشته نائل نشود، و مسیر دیگری را اجباراً در پیش گیرد. آیا چنین خساراتی شرعاً قابل جبران هست؟

جواب: با توجّه به این که صدمات روانی قابل اندازه‌گیری نیست، و نمی‌توان حدّ و حدود آن را معیّن کرد، بنابراین تعیین خسارت برای آن مشکل است، و غالباً سبب دعوی می‌شود. همان چیزی که اسلام از آن به شدّت پرهیز دارد؛ البتّه در بعضی از موارد، مانند از دست دادن هوشیاری کامل (جنون)، یا به مقدار کمتر که قابل اندازه‌گیری باشد، جبران خسارت آن در فقه اسلامی پیش‌بینی شده است.

سؤال ۱۳۲۵- در بین برخی از عشایر عرب رسم است که دیهٔ مقتول را، اگر چه صغیر در بین ورثه باشد، بین تمام طائفه تقسیم می‌کنند. این تقسیم چه حکمی داد؟

جواب: دیهٔ مقتول مانند سایر اموال اوست، و باید سهم صغیر را نزد قیّم امین بسپارند تا برای او نگهداری کند، و بقیّه طبق قانون ارث تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۳۲۶- بیمهٔ وسایل نقلیّه در کشور، به منظور هدر نرفتن خون مقتولین و مجروحین تصادفات است. لکن بیمه برای پرداخت خسارت مصدومین، موازین و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۴

مقرّراتی دارد؛ مثلًا اگر ماشین رانندهٔ مقصّر بیمه شده باشد، ادارهٔ بیمه خسارت مقتولین و مجروحین را از حساب بیمهٔ آن ماشین پرداخت می‌کند، و اگر ماشین رانندهٔ مقصّر بیمه نشده باشد، ولی ماشین راننده‌ای که مقصّر نیست، بیمه باشد، ادارهٔ بیمه خسارت مقتولین و مجروحین را از حساب بیمهٔ آن ماشین پرداخت می‌نماید. در هر دو صورت، پرداخت کنندهٔ دیه، ادارهٔ بیمه است. حال اگر ماشین رانندهٔ مقصّر بیمه نباشد، و ماشین رانندهٔ بی‌تقصیر بیمه باشد، و ادارهٔ بیمه دیهٔ مقتولین و مجروحین را از بابت بیمهٔ ماشین رانندهٔ بی‌تقصیر بپردازد، آیا ورثهٔ مقتولین و مجروحین حقّ مطالبهٔ چیز دیگری از رانندهٔ مقصّر دارند؟

جواب: در فرض سؤال، هنگامی که دیه از طرف بیمه پرداخته شود، ذمّهٔ رانندهٔ مقصّر پاک می‌شود.

سؤال ۱۳۲۷- اگر در قتل شبه عمد یا خطای محض هویّت اولیای دم مشخّص نباشد، یا دسترسی به آنان میسّر نگردد، آیا می‌توان قاتل را ملزم به پرداخت دیه کرد و در صورت عدم پرداخت دیه، وی را حبس نمود؟

جواب: آری او ملزم به پرداخت دیه است. و چنانچه ولیّ دم نداشته باشد، دیهٔ او به امام می‌رسد، و اگر دارد و دسترسی به او نیست، برای او نگه می‌دارند، و در صورت یأس، از طرف او به فقرا می‌دهند.

سؤال ۱۳۲۸- منظور از مصالحه در جملهٔ «همسر از حقّ قصاص برخوردار نمی‌شود؛ مگر قصاص به دیه مصالحه شود.» چیست؟

جواب: منظور آن است که اولیای دم با قاتل توافق کنند که به جای قصاص دیه بگیرند؛ در این صورت همسر هم سهیم می‌شود.

سؤال ۱۳۲۹- برخی از اولیای میّت صغیر و برخی کبیرند. ورثۀ کبیر خواهان قصاص قاتل هستند، که در این صورت باید سهم صغار را از دیه بپردازند. آیا ورثۀ کبیر می‌توانند نوع دیه را از نظر جنس و قیمت تعیین نمایند؟ یا برای رعایت غبطۀ صغار، قیّم آنها، یا دادگاه، باید سهم الدّیۀ صغار را از جنس گرانتر (مانند گاو و گوسفند) تعیین کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۵

جواب: تعیین نوع دیه به اختیار کسانی است که می‌خواهند دیه را به صغیر بپردازند.

سؤال ۱۳۳۰- آیا اولیای دم می‌توانند خرج کفن و دفن، یا هزینه‌های دیگری که در خصوص مقتول انجام داده‌اند را از متّهم دریافت کنند؟

جواب: غیر از دیه چیزی نمی‌توانند بگیرند.

سؤال ۱۳۳۱- از آنجا که مقتول دارای زن و فرزند می‌باشد، و آنها را از ماشینی که در تصادف از بین رفته تأمین می‌کرده، آیا اولیای دم می‌توانند خسارت کارکرد ماشین را که در این مدّت خراب بوده، و کار نمی‌کرده، از متّهم دریافت کنند؟

جواب: آنها می‌توانند خسارت ماشین، به اضافۀ خسارت کارکرد ایّام لازم برای تعمیر را بگیرند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۷

فصل چهل و هشتم: احکام بانکها و صندوقهای قرض الحسنه

استخدام در بانکها

سؤال ۱۳۳۲- این جانب مقلّد حضرتعالی بوده و در یکی از بانکها مشغول به کار هستم. متأسّفانه از سال ۱۳۷۳ به این طرف، ایجاد سیاست سودآوری بانک، و پرداخت تسهیلات به روش مانده، باعث گردید که چندان نظارتی بر عقود اسلامی انجام نگیرد. لذا برخی از عقدها، عمداً یا سهواً، با اطّلاع یا بدون اطّلاع، به صورت صوری انجام می‌گیرد، و اثر وضعی این جریان در زندگی ما به وضوح آشکار گردیده است. امروز که حقیر برای جنابعالی نامه می‌نویسم یقین دارم که درآمد بانک مخلوطی از حرام و مباح است، و حقوق ما نیز مستقیماً از درآمد همین تسهیلات پرداخت می‌شود. با توجّه به این که برای این جانب هیچ چیز جز رضای پروردگار مهمّ نیست، و حتّی در صورتی که گرفتن این حقوق کراهت داشته باشد، حاضر به ادامۀ کار نیستم، لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

اوّلًا: آیا صحیح است که با این وضعیّت به کار در بانک ادامه دهم؟

ثانیاً: کار در مؤسّسات وابسته به بانک، که درآمد و هزینۀ آن از محلّ دیگری تأمین می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: کار کردن در بخشی که سود را با عقود صوری می‌گیرند، جایز نیست؛ ولی در بخشهای دیگر اشکالی ندارد. و حقوقی که به شما می‌دهند، اگر در مقابل کار حلال باشد و یقین به حرام بودن عین آن حقوق نداشته باشید، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۳۳- در مورد حرام یا حلال بودن حقوق کارمندان بانک از حضرتعالی سؤالی پرسیده بودم، که در پاسخ مرقوم فرمودید: «بانک درآمدهای مختلفی دارد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۸

اگر در قسمت درآمدهای مشروع آن کار کنید اشکالی ندارد.» حال سؤال این است که:

اوّلًا: آیا بانک‌های دولتی هم درآمد نامشروع دارند؟

ثانیاً: شخصی که در قسمت دریافت و پرداخت پول به مردم مشغول به کار است، آیا دستمزدی که می‌گیرد حلال است؟ (قابل

توجّه این که تمام درآمدهای بانک، چه مشروع و چه نامشروع، از طریق تحویل داران وارد بانک می‌شود.)
جواب: همانطور که سابقاً هم اشاره کردیم در همهٔ بانکها معمولًا درآمدهای مختلفی وجود دارد. اگر کار شما در آنجا کار حلالی باشد حقوقی که می‌گیرید اشکالی ندارد، هر چند نمی‌دانید این حقوق از حلال است یا از حرام؛ به خاطر این که پولها را با هم مخلوط کرده‌اند. و در صورتی که واقعاً ندانید بانک درآمد حرامی دارد، همه را حمل بر صحّت کنید.
سؤال ۱۳۳۴- در پاسخ به سؤال این جانب در مورد استخدام در بانک فرموده‌اید: «کار در بخشهای حلال آن جایز است.» از جواب حضرتعالی چنین برمی‌آید که ممکن است بخشی وجود داشته باشد که کار کردن در آن جایز نباشد. حال سؤال این است:
با توجّه به این که در بانکهای ایران سعی بر این شده که سیستم قدیمی (ربوی) حذف شود، و به جای آن عقود اسلامی مثل مضاربه و شرکت و غیره به اجرا درآید.
با این حال، آیا باز جای شبهه‌ای باقی می‌ماند؟ منظور این است که آیا بازهم ممکن است بخشی وجود داشته باشد که استخدام در آن مستلزم حرام باشد؟
جواب: در صورتی که به عقود اسلامی کاملًا عمل شود مشکلی نیست؛ ولی بعضی معتقدند در برخی از موارد طبق عقود اسلامی عمل نمی‌شود، و فقط قراردادهای صوری است.

سپرده‌ها

سؤال ۱۳۳۵- شخصی علم و اطّلاع دارد که بانک به سپرده‌ها مبلغی بهره می‌دهد، به این منظور پولی به بانک می‌سپارد، ولی هیچ گونه قرارداد لفظی یا کتبی نمی‌بندد.
آیا بهرهٔ مذکور حرام است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۴۹۹
جواب: با توجّه به این که سپرده‌ها به عنوان مضاربه گذارده می‌شود، سود مضاربه اشکالی ندارد.
سؤال ۱۳۳۶- افرادی به امید دریافت وام سپرده‌گذاری می‌کنند، و برای آنان فرقی ندارد که از پولشان در چه راهی استفاده شود، آیا می‌توان از این گونه وجوه، جهت برخی معاملات شرعی، یا پرداخت وام در قالب عقود اسلامی استفاده نمود؟
جواب: باید از صاحبان وجوه به صورت خاصّ یا عمومی، جهت این گونه تصرّفات اجازه بگیرید.
سؤال ۱۳۳۷- آیا می‌توان از عموم اعضای صندوق قرض الحسنه دعوت کرد، تا مبلغی را به عنوان سپرده‌گذاری کوتاه مدّت یا بلند مدّت به صندوق بسپارند، که با آن پول معاملات شرعی انجام داده، و هر ماهه مبلغی- به صورت علی الحساب- به آنان پرداخت نمود، تا در پایان سال محاسبات لازم انجام، و سود قطعی آنان پرداخت شود؟
جواب: مانعی ندارد.

احکام وامها

سؤال ۱۳۳۸- با توجّه به ایرادات وارده در بحث خرید دین، و تقاضاهای متعدّد در خصوص پرداخت وام، آیا محاسبهٔ سود در قالب عقود اسلامی، و پرداخت آن به عنوان هدیه توسّط درخواست‌کننده، خالی از اشکال است؟
جواب: در صورتی که قرار دادی در بین نباشد، و وام‌گیرنده به میل و رضای خود چیزی بپردازد، اشکالی ندارد.
سؤال ۱۳۳۹- آیا شرط زیر جایز است: «به شما وام پرداخت می‌کنم، مشروط بر این که مبلغی به فلان مؤسّسه خیریّه یا کمیتهٔ امداد کمک کنید.»؟

جواب: با توجّه به این که این وام سودی برای وام‌دهنده مطالبه نمی‌کند، بلکه منفعتی را برای مؤسّسهٔ خیریّه یا مانند آن می‌طلبد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۰- این صندوق در جهت افزایش و تنوّع ارائهٔ خدمات خود در قالب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۰

فروش اقساطی، اقدام به پرداخت وام جهت خرید جهیزیّه می‌نماید. آیا هنگام عقد قرارداد و پرداخت وام باید نوع کالا و مبلغ آن دقیقاً مشخّص و محرز گردد، یا صرف بیان خرید جهیزیّه بدون ذکر نام کالا کافی است؟

جواب: تعیین نوع کالا لازم نیست.

سؤال ۱۳۴۱- برخی از بانکها وام مسکن می‌دهند ولی با توجّه به این که وام اعطایی غالباً برای خرید خانه کفایت نمی‌کند، بین مردم مرسوم شده که در معامله‌ای صوری با دوستان و خویشان، مسکن آنها را می‌خرند و وام مورد نظر را می‌گیرند. آیا این کار جایز است؟

جواب: با توجّه به این که این کار بر خلاف مقرّرات بانک می‌باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۳۴۲- شخصی به دیگری وام می‌دهد، و هیچ گونه شرطی در رابطهٔ با سود مطرح نمی‌کند. امّا بعد از این که پولش را پس می‌گیرد، به شکل واضح یا تلویحاً اشاره می‌کند، که خوب بود سودی پرداخت می‌شد، آیا در این صورت و بدون این که وام‌دهنده عددی را معیّن نماید، و فقط به خاطر این که گله و ناراحتی خود را ابراز کرده، وام‌گیرنده مجاز است مبلغی به او بدهد؟ آیا این پول در حکم ربا نیست؟

جواب: با توجّه به این که شرطی نکرده‌اند، و مطلب تنها به صورت گله مطرح شده، و الزامی در کار نبوده، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۳- عدّه‌ای از مؤمنین (مثلًا ۲۰ نفر) توافق می‌کنند که در راستای مساعدت به همدیگر، و حلّ مشکلات مالی، به صورت سرانه هر ماه مبلغ مشخّصی را یک جا جمع‌آوری نموده، و آن را به قید قرعه در اختیار یکی از اعضا به صورت وام قرض الحسنه بگذارند، و برای این که کلّیهٔ اعضاء بتوانند از امتیاز اخذ وام بهره‌مند گردند، می‌بایست ۲۰ ماه متوالی مبلغ مقرّر توافقی را بپردازند. در نتیجه افرادی که موفّق به اخذ وام می‌گردند مبلغ مقرّر شده را در هر ماه تحت عنوان قسط وام، و دیگر افراد مبلغ مذکور را برابر توافق قبلی جهت جمع‌آوری و ارائهٔ وام به هر کسی که قرعه به نام وی اصابت نماید، پرداخت می‌کنند. در نتیجه یک نفر در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۱

اوّلین ماه موفّق به اخذ وام می‌شود، ولی آخرین فرد در واقع پس‌انداز خود را دریافت می‌نماید. آیا پرداخت وام به شکل فوق مشکل ربا ندارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۴- این تعاونی در راستای اهداف خود، که کمک به اقشار آسیب‌پذیر و شرکت در کارهای عمرانی و اقتصادی است، اقدام به پرداخت وام جعاله جهت تعمیر یا خرید خانه، و وام فروش اقساطی جهت معاملات می‌نماید. در صورت آگاهی از تغییر مورد مصرف وام (به هر علّتی) وظیفهٔ این تعاونی چیست؟ آیا باید قرارداد قبلی فسخ و بر اساس موضوع جدید قرارداد منعقد شود، یا به دلیل گذشت زمان مسئولیّتی متوجّه این تعاونی نبوده، و سود دریافتی از محلّ عقد قرارداد اوّلیّه بلا اشکال است؟

جواب: باید قرارداد را فسخ کنید، و قرارداد جدیدی منعقد سازید. و گرنه، سودی که می‌گیرید ربا است.

سؤال ۱۳۴۵- مرکز پشتیبانی شمال شرق، اقدام به تأسیس تعدادی شرکت‌های اقتصادی نموده، که عمدتاً سهامدار آنها پرسنل آن مرکز می‌باشند. از آنجا که در پرداخت وام توسّط این تعاونی به شرکتهای مذکور موضوع سود شرعی مدّ نظر است، آیا گرفتن سود باید دقیقاً در قالب معاملات و عقود اسلامی باشد، یا مشمول حکم ربای پدر و فرزند می‌باشد که بدون اشکال است؟

جواب: حکم ربای پدر و فرزند در اینجا جاری نیست، و باید تحت یکی از عقود شرعیّه باشد.

سؤال ۱۳۴۶- کیفیّت و شرایط یکی از وامهای رایج در بعضی از صندوقهای قرض الحسنه به شرح زیر است. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید:

«افراد با هر مبلغی که مایل باشند، با هر مدّت زمان، به صورت حساب پس‌انداز بدون سود، حسابی افتتاح می‌نمایند. در پایان مدّت، پس از استرداد مبلغ پس‌انداز، (و گاه با حبس مبلغ مذکور تا پایان اقساط،) همان میزان وام، با همان مدّت زمان، با کارمزد معمولی به آنان تعلّق می‌گیرد.»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۲

جواب: در صورتی که این سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۷- آیا قرض گرفتن از بخش‌های خصوصی، یا دولتی که ربا می‌گیرند، به این ترتیب که بدون قبول سود فقط قرض را قبول کند، جایز است؛ هر چند سود را به زور از او می‌گیرند؟ همچنین در معاملات نسیه- فروش اقساطی- که در صورت تأخیر در تأدیهٔ اقساط شرط سود دیر کرد می‌شود، آیا جایز است شرط دیر کرد را در نیّت قبول نکرد، و اصل معامله را انجام داد؟

جواب: در صورتی که وامِ مشروط به سود بگیرد جایز نیست؛ هر چند قصد پرداخت سود را جز به اجبار نداشته باشد.

سؤال ۱۳۴۸- پرداخت وام‌های قرض الحسنه، با دریافت اقساط وامهای پرداختی ارتباط مستقیم دارد. و هر نوع رکود در دریافت اقساط وام، باعث مشکلاتی در پرداخت وام‌های آتی می‌گردد. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا اخذ چنین وامهایی برای آنان جایز است؟

ب) آیا می‌توان، مانند بانکهای دولتی، در برابر هر روز تأخیر در پرداخت قسط وام، جریمه‌ای با همان فرمول منظور نمود؟

جواب: تأخیر در پرداخت وام از سوی قرض‌گیرندگان جایز نیست؛ همان گونه که اخذ جریمه دیرکرد نیز مشروعیّت ندارد.

سؤال ۱۳۴۹- در پرداخت وام به صورت عقود اسلامی (به غیر از قرض الحسنه) قرارداد کتبی منعقد می‌شود. اگر قرارداد کتبی منعقد نشود، و به قرارداد لفظی قناعت شود، کافی است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۵۰- با متقاضیان وام شرط می‌شود که برای دریافت وام حتماً حساب پس‌انداز باز کنند، و حد اقل مبلغی که برای افتتاح حساب پس‌انداز لازم است را برای چند ماه در پس‌انداز خود داشته باشند. آیا چنین شرطهایی برای پرداخت وام اشکال ندارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۳

جواب: در صورتی که این شرط به نفع سایر وام‌گیرندگان باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر برای استفادهٔ وام‌دهندگان باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۳۵۱- افرادی از بانکهای جمهوری اسلامی وام دریافت کرده، و به علّت ناآگاهی از حکم شرعی، آن را در غیر مورد قرارداد مصرف نموده‌اند. مثلًا وام کشاورزی دریافت کرده، ولی صرف خرید ماشین سواری نموده‌اند. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

جواب: چنین وامهایی باطل است. باید آن را منطبق با عقود شرعیّهٔ دیگری کنند، تا مشکل ربا پیش نیاید.

کارمزد

سؤال ۱۳۵۲- با توجّه به برآورد هزینه‌های این صندوق، اعمّ از دستمزد پرسنل، چاپ اوراق، اجارهٔ مکان، و مانند آن، مبلغی به عنوان کارمزد به شرح ذیل از متقاضیان وام دریافت می‌شود:

۱- وام قرض الحسنه به مدّت یک ماه ۱٪ مبلغ وام.

۲- تا دو ماه ۲٪ مبلغ وام.

۳- بیش از دو ماه هر سال ۳٪ مبلغ وام.

لازم به ذکر است که اگر پرداخت وامها کم باشد، این مبالغ هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهد؛ ولی اگر پرداخت زیاد باشد، ممکن است مبالغی هم اضافه بیاید. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا دریافت کارمزد به این شکل جایز است؟

۲- هرگاه پس از کسر هزینه‌ها، مقداری از کارمزدها اضافه بماند، با توجّه به این که مجدّداً به پرداخت وام، یا پوشش هزینه‌ها در آینده اقدام می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: منظور از کارمزد، حق الزّحمه‌ای است که به کارمندان بانک، یا صندوق قرض الحسنه، و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۴

حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می‌دهند، داده می‌شود، و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیّت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود، مانعی ندارد، و بقیّه نیز صرف کارمندان و هزینه‌های جاری می‌شود.

سؤال ۱۳۵۳- صندوقهای قرض الحسنه‌ای که یک درصد کارمزد می‌گیرند، کفاف هزینه‌های کارمندانشان را نمی‌دهد. آیا می‌توان درصد کارمزد را بالا برد؟

جواب: در صورتی که کارمزد قبلی کارکنان را اداره نمی‌کند، می‌توانند به مقدار لازم بر آن بیفزایند.

سؤال ۱۳۵۴- گاه وام‌گیرنده نمی‌تواند در موعد مقرّر تمام اقساط را پرداخت نماید، بدین جهت تقاضای تمدید مدّت سر رسید را دارد. با عنایت به این که پرداخت به موقع اقساط توسّط وام‌گیرندگان موجب می‌شود، تا ضمن پرداخت وام به افراد دیگر، کارمزد دیگری نیز جهت پوشش هزینه‌ها اخذ گردد، آیا می‌توان به خاطر تمدید مدّت وام، کارمزد مجدّدی دریافت نمود؟

جواب: در صورتی که مبلغ دریافتی صرف مصارف کارمزد شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۵۵- آیا کارمزد وام را می‌توان از اصل وام قرض الحسنه کسر کرد، و ما بقی را پرداخت نمود؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که بیش از هزینه‌های صندوق نباشد.

سؤال ۱۳۵۶- اگر صندوق قرض الحسنه‌ای منحل گردد، آیا اموال و سرمایهٔ آن، که از محلّ کارمزد یا سودهای معاملات اسلامی است، را باید فروخت و بین اعضا تقسیم کرد؟ آیا این تقسیم برای آنان ایجاد مالکیّت خواهد نمود؟

جواب: نسبت به سودها و کارمزدها از پاسخ سؤالات قبل روشن شد، و نسبت به بقیّهٔ اموال طبق اساسنامه عمل کنید.

دیگر احکام بانکها

سؤال ۱۳۵۷- در بانکهای پاکستان اوراق مخصوصی به نام «باند» فروخته می‌شود.

این اوراق حکم چک را داشته، و دارای قیمت ثابتی است. احیاناً طبق حسابی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۵

دارند، دولت مبلغی به نام انعام یا عنوان دیگری به صاحبان آن می‌پردازد. خریدن این اوراق، و قبول کردن انعام آن چه صورت دارد؟

جواب: با توجّه به این که این اوراق مطابق پولی که پرداخته‌اند در هر حال ارزش دارد، و جوائز طبق قراردادی انجام نمی‌گیرد،

بلکه دولت از ناحیهٔ خود می‌پردازد، بنابراین خرید آن اوراق و دریافت جوایز مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۵۸- آیا بانکها می‌توانند به نمایندگی از شرکتها، سهام آنها را بفروشند و در قبال آن وجهی دریافت کنند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۵۹- خریدوفروش اوراق قرضه چه حکمی دارد؟ (اوراق قرضه اوراقی است که توسّط مراجع قانونی به قیمت رسمی معیّن و مدّت‌دار صادر، و به قیمت کمتر از قیمت رسمی فروخته می‌شود، مشروط بر این که آن را سال بعد به همان قیمت رسمی بخرند.) آیا بانک می‌تواند برای این کار کارمزد بگیرد؟

جواب: اوراق قرضه به صورتی که نوشته‌اید، اشکال دارد.

سؤال ۱۳۶۰- نظر حضرتعالی در مورد نحوهٔ محاسبهٔ تورّم در بدهی‌های درازمدت چیست؟

جواب: برای محاسبهٔ تورّم باید نرخ متوسّط اجناس مختلف را در نظر گرفت.

و شاید مراکزی مانند بانک مرکزی چنین محاسبه‌ای را در دست داشته باشد. در غیر این صورت، خودتان باید اجناس مختلف را محاسبه کنید، و حدّ وسط را بگیرید.

سؤال ۱۳۶۱- نظر به این که شاغلین صندوق و ارباب رجوع آن، از مراجع مختلفی تقلید می‌کنند، و فتاوای آیات عظام در خصوص سیستم بانکداری مختلف است، تکلیف ما نسبت به مسائل شرعی و نظرات متنوّع مطرح شده چیست؟

جواب: گردانندگان صندوق موظّف هستند طبق فتاوای مرجع خود عمل کنند، و فحص و جستجو دربارهٔ این که ارباب رجوع از چه کسی تقلید می‌کنند، بر آنها لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۷

فصل چهل و نهم: احکام پزشکی

تحصیل در رشتهٔ پزشکی

سؤال ۱۳۶۲- اکثر پزشکان مجاری ادرار و کلیه، مرد هستند؛ آیا گرفتن این تخصّص جهت کم کردن ارتباطات غیر هم جنس، برای خانمها واجب است؟

جواب: با توجّه به این که نگاه همجنس به غیر همجنس، در مورد عورت گناه سنگین تری دارد، لازم است به عنوان واجب کفایی گروهی از همجنس‌ها این دوره را بگذرانند.

سؤال ۱۳۶۳- غالب پزشکان قلب را آقایان تشکیل می‌دهند، آیا به منظور کاهش ارتباطات با جنس مخالف اخذ مدرک تخصّصی قلب برای خانمها واجب کفایی است؟

جواب: آری واجب کفایی است.

سؤال ۱۳۶۴- آیا تحصیل و تدریس رشتهٔ مامایی و مسائل مربوط به زنان (با توجّه به این که معمولًا همراه با نظر و لمس موضع مخصوص می‌باشد،) برای مردان جایز است؟

جواب: در صورتی که دانشجوی دختر به اندازهٔ کافی در این رشته وجود نداشته باشد، یا احتمال قابل ملاحظه‌ای داده شود که در آینده برای حفظ جان زنان مسلمان مورد نیاز آنها باشد، جایز است.

سؤال ۱۳۶۵- جهت تشخیص بیماریهای زنان بیشتر از سونوگرافی استفاده می‌شود، و متخصّص زن در آن کم است، آیا بر دانشجویان دختر واجب است که در این رشته تحصیل کنند؟

جواب: لازم است به عنوان واجب کفایی عدّه‌ای در این رشته تحصیل کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۸

ضمان طبیب

سؤال ۱۳۶۶- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- پزشکی به علّت فقر مالی مریض، که قادر بر پرداخت هزینهٔ عمل جرّاحی نیست، از معالجه و جرّاحی بیمار اورژانسی اجتناب نموده، و در نتیجه یا بیمار فوت می‌کند، یا عمل جرّاحی در روزهای دیگر به اندازهٔ آن روز نمی‌تواند مفید باشد، آیا پزشک ضامن است؟

۲- اغلب بیمارستانها اوّل پول دریافت می‌کنند، سپس مریض را به پزشک ارجاع می‌دهند. در صورتی که تأخیر در این امر منجر به مرگ یا عوارض دیگر شود، آیا این کار غیر شرعی نیست؟

جواب: در فرض سؤال پزشک ضامن خون نیست؛ ولی گناه بزرگی مرتکب شده و قابل تعقیب است.

سؤال ۱۳۶۷- بعضی جرّاحان در حین عمل دچار اشتباهاتی می‌شوند، که موجب فوت یا نقص عضو می‌گردد. آیا دیه‌ای بر آنها واجب می‌شود؟ در صورتی که دکتر تضمین نکرده باشد، و احتمال فوت یا نقص عضو بدهد، چه حکمی دارد؟

جواب: موارد خطای دکترها دیه دارد. بهترین راه آن است که در این گونه موارد قبلًا از بیمار یا اولیای او (در صورتی که حال بیمار مساعد نباشد،) برائت و رضایت بگیرند، یا این که اطبّا یا بیماران در برابر این گونه مسائل بیمه شوند.

سؤال ۱۳۶۸- ضمان نقص عضو، یا فوت بیمار به دلیل نبود وسائل، یا نبود خون در بیمارستان بر عهدهٔ کیست؟

جواب: چنانچه امکان تهیّه وجود داشته و اقدام نکرده‌اند، مسئولین آن بخش و مسئولین بیمارستان در برابر این حوادث مسئول خواهند بود.

سؤال ۱۳۶۹- گاه غرور پزشک، یا اطمینان وی به موفقیّت در کارش، باعث فراهم نکردن وسائل و شرایط کافی برای انجام عمل جرّاحی است. اگر این موضوع به مرگ یا ضرر و زیان بیمار منجر شود، آیا پزشک ضامن است؟

جواب: در صورتی که پزشک سهل انگاری نکرده باشد، و برائت از بیمار یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۰۹

اولیای او بگیرد مسئول نیست.

سؤال ۱۳۷۰- کمی بی‌دقّتی در اتاق عمل از طرف کارکنان، یا پزشکان، باعث خفگی بیمار، کم شدن شدید خون، پایین افتادن فشار خون، و احتمالًا مرگ بیمار می‌شود.

آیا «دقّت کردن» در این امور برای چنین افرادی واجب است؟

جواب: سهل انگاری در این امور مسئولیّت شدید دارد.

سؤال ۱۳۷۱- عدم استریل وسایل آندوسکوپی باعث انتقال بیماری به دیگر بیماران می‌شود. اگر چنین اتّفاقی بیفتد چه کسی ضامن است؟

جواب: کسی که مباشر این کار بوده ضامن است.

سؤال ۱۳۷۲- ممکن است بیمار قلبی به هنگام تست ورزش دچار ایست قلبی منجر به فوت شود. در این حالت چه کسی ضامن است؟

جواب: در صورتی که این مسأله به مریض تفهیم شود که چنین خطری ممکن است در پیش باشد، و مریض راضی شود، یا وقوع

چنین مطلبی بسیار نادر باشد، طبیب ضامن نیست.

سؤال ۱۳۷۳- برخی از ابزار دندان پزشکی بدون استریل یا ضدّ عفونی، به صورت مشترک برای بیماران متعدّد مورد استفاده قرار می گیرد، و ممکن است بیماریها از این طریق منتقل گردد. آیا چنین کاری جایز، و در صورت انتقال بیماری پزشک گنهکار و ضامن است؟

جواب: در صورتی که احتمال انتقال، احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، این کار جایز نیست. و ضامن بودن پزشک بعید به نظر نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۷۴- عدم رعایت بهداشت توسّط پزشک یا پرستار در هر بخش، ممکن است موجب ضرر و زیان به بیمار شود. آیا چنین کاری ضمان‌آور است؟

جواب: در صورتی که از حدّ معمول و متعارف پزشکی کمتر رعایت کنند، و بیم انتقال بیماری برود، موجب ضمان است.

سؤال ۱۳۷۵- اگر پزشک یا معاون پزشک، هنگام معالجهٔ بیمار، لطمه یا ضربه‌ای بر عضو دیگر او وارد کند. از باب مثال، جهت احیای قلب، دنده‌های بیمار در حال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۰

ماساژ بشکند. یا جهت تحریک به عکس العمل، سیلی به صورت او بزند، و پردهٔ گوشش پاره شود. آیا پزشک ضامن است؟

جواب: در صورتی که این کار برای معالجه اجتناب‌ناپذیر باشد، و از مریض یا اولیای او اجازه گرفته باشد، ضامن نیست. در غیر این صورت ضامن است.

ویزیت

سؤال ۱۳۷۶- آیا به دلیل رفاقت و آشنایی، یا موقعیّت اجتماعی، ملاقات پزشک خارج از نوبت و بدون در نظر گرفتن حقّ دیگران جایز است؟

جواب: باید در غیر موارد ضرورت از این کار پرهیز شود.

سؤال ۱۳۷۷- چنانچه ملاقات پزشک خارج از نوبت اشکال شرعی داشته باشد، مسئولیّت آن متوجّه کیست؟ پزشک، منشی، یا همهٔ کسانی که در نادیده گرفتن حقّ دیگران نقش داشته‌اند؟

جواب: تمام کسانی که به این کار کمک کنند مسئولیّت دارند.

سؤال ۱۳۷۸- در صورتی که پزشکان بتوانند با برنامه‌ریزی و نوبت قبلی جلو تلف شدن وقت مردم را در مراجعات به مطب بگیرند، آیا اتلاف وقت مردم جایز است؟

جواب: بهتر آن است برنامه‌ریزی کنند که وقت مردم تلف نشود.

سؤال ۱۳۷۹- برخی از پزشکان ادّعا می‌کنند در صورت برنامه‌ریزی برای جلوگیری از اتلاف وقت مردم، ممکن است در مقاطعی پزشک بدون بیمار بماند. در تعارض بین هدر رفتن وقت مردم، و معطّل شدن احتمالی پزشک، کدام ترجیح دارد؟

جواب: موارد مختلف است؛ گاه مشکل طبیب مهم‌تر است، و گاه مشکل بیمار.

معاینه

سؤال ۱۳۸۰- پزشکان زن برای معالجهٔ خانمهای بیمار به عورت آنها نگاه می‌کنند، این عمل چه حکمی دارد؟

جواب: این کار تنها در صورت ضرورت، و به مقدار ضرورت، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۱

سؤال ۱۳۸۱- لمس و نگاه بدن زن یا مرد کافر برای تشریح، توسّط دانشجویان پزشکی چه حکمی دارد؟

جواب: تنها به مقدار ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۸۲- در صورتی که عمل جرّاحی، یا پانسمان، منوط به نظر یا لمس عورت باشد، آیا اولویّت با هم جنس است؟

جواب: همجنس اولویّت دارد.

سؤال ۱۳۸۳- بعضی از خانمها برای معالجه به دکتر مرد مراجعه می‌کنند. آیا دکتر با علم به این که این خانم قادر است به دکتر زن مراجعه کند، می‌تواند او را معالجه نماید؟

جواب: در فرض سؤال دکتر باید او را به طبیب زن راهنمایی کند؛ مگر این که آن زن واقعاً اعتقادی به طبیب زن نداشته باشد، و خود را ناچار بداند.

سؤال ۱۳۸۴- آیا پرستاران در صورت عدم ضرورت، می‌توانند پانسمان بیمارهای غیر همجنس را بررسی و تعویض نمایند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۳۸۵- در مراکز بیمارستانی، یا مطب، یا رادیولوژی، یا سونوگرافی، که بعضاً بیمار باید بخشی یا همهٔ بدن خود را عریان نماید، رفت و آمد پرسنل امری عادّی است، و معمولًا چشمشان به بدن نامحرم می‌افتد. آیا این رفت و آمدها، که گاه ضروری و گاه ربطی به بیمار ندارد، جایز است؟

جواب: جز در موارد ضرورت جایز نیست.

سؤال ۱۳۸۶- سونوگرافی نسوج نرم، مثل بیضه‌ها، پستان، عروق دست و پا، نیازمند عریان شدن موضع است، و این مواضع در معرض دید متخصّص سونوگرافی قرار می‌گیرد. با توجّه به این که متخصّص سونوگراف زن، بسیار کم، و در برخی از شهرها وجود ندارد، رجوع به مردان چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در صورت ضرورت برای درمان جایز است.

سؤال ۱۳۸۷- در موارد فوق معمولًا غیر از محلّ مورد معاینه، اطراف آن نیز عریان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۲

می‌شود. عریان کردن اطراف، که در معرض دید قرار می‌گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: به مقداری که لازم است باید عریان شود.

سؤال ۱۳۸۸- آیا در سونوگرافی از شکم یا پستان خانمها، از نظر حرمت نگاه پزشك غیر هم جنس، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی میان این دو نیست.

سؤال ۱۳۸۹- بیمار در مواردی، برای رادیولوژی، باید عریان شود. این کار، گاه در مقابل غیر هم جنس اتّفاق می‌افتد، مثل موارد اورژانسی که هم جنس حضور ندارد، در این شرایط نگاه به بدن نامحرم چگونه است؟

جواب: تا ضرورت قطعی نباشد نگاه کردن جایز نیست.

سؤال ۱۳۹۰- در مواردی که رادیولوژی یا سونوگرافی شلوغ است، اگر متصدّیان برای انجام خدمات منتظر پوشیدن لباس نفر قبلی باشند متضرّر می‌شوند، لذا قبل از این که فردی کاملًا لباس بپوشد، نفر بعد باید آماده شود. در این مواقع مشتریان چشمشان به بدن یا موی نامحرم می‌افتد؛ چنین وضعیّتی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ آیا متصدّیان باید ضرر را متقبّل شوند، تا گناه برای دیگران اتّفاق نیافتد؟

جواب: برای حفظ ارزشهای اسلامی گاه باید ضررهایی را متحمّل شد.

سؤال ۱۳۹۱- برای تشخیص زمان زایمان، ماما باید دست را داخل رحم زن حامله کند، آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۹۲- آیا پزشک مرد متخصّص زنان، مجاز به انجام آنچه در سؤال قبل آمد می‌باشد؟

جواب: در صورت دسترسی به پزشک زن، این کار برای پزشک مرد جایز نیست. و در صورت عدم دسترسی، تنها به هنگام ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۹۳- آیا عدم منع آن در طول تاریخ توسّط اقوام و ملل مختلف دلیل مجاز بودن چنین کاری نمی‌شود؟

جواب: در طول تاریخ نیز همیشه در موارد ضرورت این کار انجام شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۳

سؤال ۱۳۹۴- فلسفهٔ حرمت نگاه به عورت، جلوگیری از مفاسد اجتماعی عنوان شده است. آیا جنبهٔ غیر اخلاقی این کار، و عدم ورود به حریم خصوصی افراد، نیز نقشی در این تحریم دارد؟

جواب: آری این جنبه نیز مؤثّر است.

سؤال ۱۳۹۵- آیا مشاهدهٔ چگونگی زایمان جهت آموزش پزشکان مجاز است؟ با توجّه به این که ممکن است با آموزش زایمان در آینده انسان یا انسانهایی از مرگ حتمی نجات یابند، این امر برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله به عنوان ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۶- آیا مشاهدهٔ چگونگی زایمان جهت آموزش از طریق فیلم ویدیویی یا سی‌دی کامپیوتری جایز است؟

جواب: با شرایطی که در بالا گفته شد جایز، و این مقدّم بر مشاهدهٔ مستقیم است.

سؤال ۱۳۹۷- آیا لمس و نگاه مولاژ (مجسّمه‌های آموزشی که از جنس پلاستیک و شبیه اعضاء بدن انسان ساخته شده) برای دانشجویان یا اساتید غیر هم جنس، بدون قصد لذّت جایز است؟

جواب: برای آموزش‌های لازم مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۸- در معاینات مربوط به مثانه، باید آلت تناسلی شستشو و ضد عفونی شود. و با وارد ساختن دستگاهی در آن وضع مثانه مشاهده گردد. آیا این کار توسّط پرسنل اتاق عمل (هم جنس، یا غیر هم جنس) جایز است؟

جواب: تنها در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۹۹- نگاه و لمس در اتاق عمل به ندرت شهوانی، بلکه امری کاملًا عادی است. آیا عادی شدن، حکم شرعی را تغییر می‌دهد؟

جواب: عادی شدن حکم شرع را تغییر نمی‌دهد؛ ولی این کار به مقدار ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۰- گاه برای انجام عمل جرّاحی یک اکیپ ده نفره لازم است، که همگی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۴

در همهٔ مراحل آماده‌سازی بیمار، از تعویض لباس تا انجام امور دیگر حاضرند، و هم زمان هرکس کار مربوط به خود را انجام می‌دهد. آیا تعویض لباس در مقابل دیدگان گروه جایز است؟

جواب: تنها در مورد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۱- آیا لمس و نظر باطن بدن نامحرم، اعم از ریه‌ها، نای، مری، قلب، معده، روده، مثانه و رحم، حکم ظاهر را دارد؟

جواب: لمس و نظر به باطن حکم ظاهر را ندارد؛ ولی بهتر آن است تنها به موارد ضرورت قناعت شود.

سؤال ۱۴۰۲- بیهوش ساختن بیمار و کنترل علایم حیاتی وی در اتاق عمل، معمولًا توسّط پرسنل مرد انجام می‌گیرد، و تا آخر عمل

جرّاحی آنچه در معرض دید پزشک جرّاح است، معمولًا در معرض دید پرسنل اتاق عمل و گروه بیهوشی نیز هست. آیا مشاهدهٔ بدن بیمار غیر هم جنس توسّط این افراد جایز است؟

جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۱۴۰۳- آیا حکم لمس و مشاهدهٔ فرد بیهوش و باهوش، زنده و مرده، مسلمان و کافر متفاوت است؟

جواب: همهٔ اینها در حال ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۴- با توجّه به این که برای بیمار بیهوش امکان پوشانیدن بدن وجود ندارد، آیا افراد دیگر، اعمّ از پزشک، پرسنل بیهوشی، جرّاح، تکنسین‌های اتاق عمل، کارمندان عادّی بیمارستان، مکلّف به پوشانیدن بدن او از نامحرم هستند؟

جواب: تا آنجا که می‌توانند و امکان دارد باید بدن او را بپوشانند.

سؤال ۱۴۰۵- لمس بدن بیمار با دستکش پلاستیکی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مفاسدی بر آن مترتّب نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۰۶- برای معاینه کلیه‌ها لمس مستقیم ضروری است، ولی از روی لباس نازک و بدون نگاه هم بیماری قابل تشخیص است. آیا در این صورت لمس و نگاه بدون پوشش، یا با پوشش جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۵

جواب: با پوشش مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۰۷- ختنه کردن افراد بالغ چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که این کار بدون مشاهده و لمس امکان ندارد.

جواب: از بابت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۸- در بسیاری از موارد در اتاق عمل، یا غیر اتاق عمل، نیاز به وصل سوند است، و این کار بدون نگاه و لمس آلت تناسلی امکان‌پذیر نیست. آیا نگاه و لمس برای این کار جایز است؟

جواب: آری در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۹- مراجعهٔ زنان نامحرم به دندان پزشکانی که با دستکش پلاستیکی کار می‌کنند، و تماس دست آنان با صورت به وسیلهٔ دستکش است، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که همجنس یافت نشود، جایز است.

احکام مختلف معالجه و درمان

سؤال ۱۴۱۰- برخی از بیماران عاقل و بالغ، که نیازمند عمل جرّاحی هستند، به علّت ترس یا هر دلیل دیگری حاضرند درد و رنج را تحمّل نموده، ولی تن به عمل نمی‌دهند؛ همراهان بیمار نیز حاضر به این کار نیستند. این در حالی است که پزشک می‌داند در صورتی که عمل انجام نشود بیمار به زودی خواهد مُرد، یا دچار عوارضی خواهد شد که تا پایان عمر زمین گیر می‌شود. با این فرض، آیا پزشک می‌تواند دست به عمل جرّاحی بزند؟ اگر علی‌رغم مخالفت بیمار، کسان وی چنین اجازه‌ای دهند، تکلیف طبیب چیست؟

جواب: در صورتی که جرّاحی سبب طول عمر شود، مریض می‌تواند به خاطر عوارض ناخوشایند جرّاحی، از آن صرف نظر کند؛ ولی اگر بدون جرّاحی در معرض مرگ باشد، طبیب یا کسان مریض مجازند اقدام به جرّاحی کنند، هر چند بیمار راضی نباشد.

سؤال ۱۴۱۱- آیا پزشک معالج موظّف است عوارض یا ضایعات احتمالی ناشی از عمل جرّاحی را برای بیمار تشریح کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۶

جواب: در صورتی که عوارض مهمّی باشد، باید به بیمار بگوید. در غیر این صورت، لازم نیست.

سؤال ۱۴۱۲- استفاده از هیپنوتیزم در معالجهٔ برخی بیماریهای روانی و جسمانی، نظیر آسم، چاقی مفرط، بیماریهای زنان، و مانند آن، توسّط یک پزشک (غیر روانپزشک) چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که تجربه و آگاهی کافی داشته باشد، و آثار منفی یا خلاف شرعی بر آن مترتّب نگردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۱۳- بعضی از زنان با مراجعهٔ به پزشک در خواست دوختن یا ایجاد پردهٔ بکارت به صورت جرّاحی ترمیمی دارند. این عمل از دیدگاه پزشکی یک اقدام طبّی همانند سایر موارد، نظیر اصلاح عیوب ظاهری بینی، صورت، شکم، و اندامها است، و از دیدگاه بیماران همانند کسانی که دارای یک اشکال در صورت، دست و سایر قسمتهای بدن می‌باشند، و از معالجهٔ آن منتفع می‌گردند، می‌تواند برای فرد متقاضی منافع اجتماعی داشته باشد. با توجّه به موارد مذکور، اشتغال به عمل فوق توسّط پزشک، از نظر شرع مقدّس چگونه است؟

جواب: در صورتی که اشخاص مزبور واقعاً ضرورتی برای این کار احساس کنند، و قصد تدلیس نداشته باشند، جرّاحی فوق شرعاً اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۱۴- گاه به هنگام ختنه کردن در اتاق عمل، دست و پای بیمار را می‌بندند، یا در مواجهه با فریاد شدید بچّه او را می‌زنند، یا دهانش را می‌گیرند. در حالی که با عمل بیهوشی به راحتی می‌توان آنها را ختنه نمود. در این موارد چه باید کرد؟

جواب: باید از طریقی که مشکلات آن کمتر است استفاده کرد، و این منوط به تشخیص اهل خبره است.

سؤال ۱۴۱۵- جداسازی اتاق عمل در بیمارستانها به طور کامل، مستلزم هزینهٔ زیادی برای دولت است. آیا اجرای احکام شرع با هر هزینه‌ای واجب است؟

جواب: در صورتی که برای دولت موجب عُسر و حرج نشود، این کار لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۷

سؤال ۱۴۱۶- آیا پزشکان می‌توانند برای تقویت اسپرم، خوردن اشیای نجس یا حرام (مثل دنبلان) را تجویز کنند؟

جواب: در صورتی که داروی منحصر به فرد باشد، و جایگزینی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۱۷- آیا درآمدزا بودن سزارین، مجوّز توصیهٔ پزشک به بیماران جهت زایمان غیر طبیعی هست؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۱۸- در صورت عدم جواز آنچه در مسألهٔ بالا آمد، آیا پزشک ضامن ضرر جانی یا مالی بیمار خواهد بود؟

جواب: آری ضامن است؛ مگر این که بیمار را از این امر با خبر کرده، و اجازه گرفته باشد.

سؤال ۱۴۱۹- حضور شوهر بر بالین همسر به هنگام زایمان، نقش زیادی در آرامش وی دارد. آیا چنین کاری شرعاً نیز توصیه می‌شود؟

جواب: اگر واقعاً چنین اثری داشته باشد مانعی ندارد؛ ولی ظاهراً این اثر قابل تردید است.

سؤال ۱۴۲۰- در صورتی که پزشک بیماری را تشخیص ندهد، آیا با احتمال ضعیف می‌تواند دارو تجویز کند؟ در حالی که با ارجاع به پزشک حاذق‌تر احتمال درمان بیشتر است، و از هدر رفتن پول بیمار نیز جلوگیری می‌گردد؟

جواب: در صورت عدم تشخیص، لازم است او را به دیگری ارجاع دهد.

سؤال ۱۴۲۱- آیا بیمار حق دارد از درمان سر پیچی کند، حتّی اگر وضعیّت او بدتر شود، یا بمیرد؟

جواب: در صورت خطر مرگ، بیمار نمی‌تواند درمان را قطع کند. همچنین جایی که ضرر مهمّی به او می‌رسد، و درمان آزار مهمّی به او نمی‌رساند.

سؤال ۱۴۲۲- آیا بیماری که می‌داند بیماریش درمان‌ناپذیر است، حق دارد مرگ را انتخاب کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۸

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۲۳- آیا بیمار می‌تواند درخواست کند که کلّیهٔ برنامه‌های درمانی او محرمانه انجام شود؟

جواب: در صورتی که افشا شدن آن لطمه‌ای به او بزند، حقّ دارد چنین درخواستی کند.

روان درمانی

سؤال ۱۴۲۴- آیا بستری کردن بیمار روانی، با توجّه به این که هنوز امکان روان درمانی مناسب وجود ندارد، و بخش روانی گاه همچون یک زندان جهت تجویز داروهای خواب‌آور و خواب بیشتر بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد، جایز است؟

جواب: در صورتی که راه درمان، یا راه پیشگیری از مزاحمت‌ها، منحصر به آن باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۲۵- تعدادی از مبتلایان به بیماریهای روانی به علّت انجام کارهای خلاف اخلاق اجتماعی، یا منافی عفّت، به آن گرفتار شده‌اند. روان پزشک باید جهت درمان، یا دادن مشاوره، از آنها اطّلاعاتی کسب کند. آیا تجسّس در چنین مواردی برای پزشکان جایز است؟ گاه بخشی از تجسّس به دلیل حسّ کنجکاوی خود پزشک است، و نقش آن جهت درمان ضعیف می‌باشد، این نوع تجسّس چه حکمی دارد؟

جواب: تجسّس‌های روان درمانی، که برای درمان ضروری به نظر برسد، جایز است.

سؤال ۱۴۲۶- افشای برخی از اسرار بیماران روانی ممکن است باعث جلوگیری از جرمهای قانونی شود. آیا انتقال چنین اطّلاعاتی به نیروهای امنیّتی جایز، یا واجب است؟ با توجّه به این که در صورت افشا، اعتماد مردم از آنها سلب می‌شود.

جواب: در صورتی که بتوانند به عنوان نهی از منکر اطّلاعات کلّی را برسانند، بی آن که نام اشخاصی فاش شود مانعی ندارد، بلکه گاهی واجب است.

سؤال ۱۴۲۷- افشای بسیاری از اسرار بیماران، ممکن است موجب کاهش فساد یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۱۹

فحشا گردد. آیا روان پزشک مجاز به افشا و دادن اطّلاعات به نیروهای انتظامی می‌باشد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

پیوند اعضا

سؤال ۱۴۲۸- در صورتی که حیات رزمندهٔ مسلمانی متوقّف بر پیوند اعضا باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌توان اعضای میّت غیر مسلمان را قطع، و برای پیوند استفاده نمود؟

ب) بر فرض جواز، آیا دیه لازم است؟ بر عهدهٔ بیمار است، یا قطع‌کننده؟

ج) آیا عضو پیوند شده برای نماز اشکالی ایجاد نمی‌کند؟

جواب: پیوند در چنین فرضی جایز، بلکه واجب است. و بعد از این که جزء بدن شد، برای نماز اشکالی ندارد. و در فرض مسأله دیه‌ای ندارد.

سؤال ۱۴۲۹- قطع عضو میّت مسلمان، و پیوند آن، در صورتی که حفظ جان یا عضو مسلمانی متوقّف بر آن باشد، چه حکمی دارد؟ آیا اجازهٔ قبل از فوت تأثیری در حکم دارد؟ اگر اجازهٔ شخص موضوعیّت دارد، آیا فرد می‌تواند در زمان حیات خود،

عضوی از بدنش را برای استفاده پس از مرگ بفروشد؟

جواب: در صورتی که حفظ جان مسلمان یا حفظ عضو مهمّی از آن منوط به پیوند باشد، جایز است. و در این صورت اجازهٔ شخص متوفّی، و اولیای دم او لازم نیست؛ هر چند گرفتن اجازه بهتر است. و احتیاط آن است که دیه را بپردازد.

سؤال ۱۴۳۰- آیا خریدوفروش و پیوند مو جایز است؟

جواب: جایز است.

سؤال ۱۴۳۱- آیا جدا کردن عضو از بدن شخص زنده جهت پیوند جایز است؟ در صورت جواز، آیا تفاوتی میان اعضای رئیسی (مانند قلب) و غیر آن هست؟

جواب: تنها اعضایی را می‌توان با رضایت صاحب آن جدا کرد که فقدان آن (مانند کلیه) جان صاحبش را به خطر نیندازد، و برای نجات جان دیگری مورد استفاده قرار بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۰

سؤال ۱۴۳۲- اگر پیوند اعضا بر بدن زنده جایز باشد، حکم طهارت و نجاست آن چگونه است؟

جواب: هنگامی که پیوند گرفت جزء بدن زنده می‌شود و پاک است.

سؤال ۱۴۳۳- پیوند اعضای حیوانات به انسان چه حکمی دارد؟

جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

تغییر جنسیّت

سؤال ۱۴۳۴- مسأله‌ای در موردِ جِنسیّتِ یکی از دوستان داشتم:

«پس از ازدواج تا دو سال مشخّص نشد که زن است؛ ولی این مطلب بعداً باعث طلاق شد. در این روستای کوچک همه با هم خویشاوند هستند، و ایشان با همهٔ مردها روابط حسنه و دوستانه‌ای دارد. اکنون که با این مشکل مواجه شده، نمی‌تواند در روستا زندگی کند.» با این مشکل چه کند؟ نماز و روزهٔ این شخص چگونه است؟ کدام حالت را رعایت کند؟ مرد باشد همان گونه که در این مدّت بوده، یا زن شود؟

جواب: چنانچه واقعاً جنسیّت او زن است، و مرد بودن اشتباه بوده، باید فعلًا به وظایف زن عمل کند، و نسبت به گذشته که اطّلاعی نداشته، گناهی مرتکب نشده است. البتّه ماندن او در آن محیط کوچک با این حال مشکل است، و مصلحت این است که از آنجا مهاجرت کند. شکّی نیست که او گرفتار وضع دشواری است، امّا به لطف خدا مشکل او حلّ می‌شود.

سؤال ۱۴۳۵- دو جنسی‌های کاذب از لحاظ پزشکی بر دو دسته‌اند: دستهٔ اوّل دو جنسی‌هایِ کاذبِ مؤنّث‌اند، که از لحاظ کروموزمی مؤنّث، ولی ظاهری کاملًا مردانه دارند. دستهٔ دوّم دو جنسی‌هایِ کاذبِ مذکّر هستند، که وضعیّت کروموزمی آنان مذکّر، ولی دارای ظاهری کاملًا زنانه هستند. ضمناً دو جنسی‌های حقیقی (که در فقه به آن‌ها خنثای مشکل می‌گویند) دارای دو گناد (بیضه و تخمدان) هستند، و ممکن است هر دو فعّال باشد. (ممکن است تخمدان در یک طرف و بیضه‌ها در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۱

طرف دیگر باشد، یا مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان در یک طرف، یا در هر دو طرف باشد. خلاصه دارای اندام تناسلی، به اشکال گوناگون هستند.) با توجّه به مطالب بالا بفرمایید:

۱- آیا پزشک در دو جنسی‌های کاذب مؤنّث، مجاز است، در صورت تمایل فرد و علی‌رغم ماهیّت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانهٔ وی حفظ شود؟

جواب: جایز نیست.

۲- اگر دو جنسی کاذب مؤنّث- که ماهیّتش زنانه است- با زن سالم ازدواج کرده باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جرّاحی برای حفظ ظاهر مردانهٔ وی چیست؟

جواب: باید سفارش کند آنها از هم جدا شوند، زیرا ازدواج آنها باطل است.

۳- اگر دو جنسی کاذب مؤنّث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجّه به این که اگر ازدواج کند- هر چند ظاهرش بر اثر عمل جرّاحی باقی می‌ماند- دو زن با هم ازدواج کرده‌اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جرّاحی برای ظاهر مردانه چیست؟

جواب: جایز نیست.

۴- در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنّث با زن ازدواج کرده باشد، و پزشک متوجّه دو جنسی بودن وی شود، وظیفه‌اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سرّ، موجب ازدواج یا ادامهٔ ازدواج دو زن می‌شود، و افشای سرّ نیز کار ناشایستی است چون صاحب آن راضی به افشا نیست.)

جواب: سزاوار است خود آنها را از نامشروع بودن این کار با خبر سازد.

۵- آیا پزشک مجاز است در مورد دو جنسی‌های کاذب مذکّر، که علی رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیّت مرد هستند، برای حفظ ظاهر زنانهٔ آنها، عمل جرّاحی انجام دهد؟

جواب: جایز نیست.

تلقیح مصنوعی

سؤال ۱۴۳۶- برخی از مراجع عظام تلقیح را در صورتی تجویز فرموده‌اند که:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۲

«نطفهٔ شوهر بدون ایجاد مقدّمات حرام، توسّط خود شوهر در رحم زن تزریق گردد.» حال اگر به علّت نداشتن تخصّص و آشنایی، این کار باعث عفونت ثانویّه و احیاناً مرگ همسرش گردد، آیا شوهر ضامن است، یا ضمان متوجّه افراد متخصّص بوده که بدون دادن آگاهیهای لازم او را ترغیب به این عمل کرده‌اند؟

جواب: در صورتی که ضرورتی برای این کار احساس شود می‌توان از افراد متخصّص استفاده کرد، تا خطری پیش نیاید.

سؤال ۱۴۳۷- در جایی که عمل تلقیح به طور شبهه صورت گرفته (مثل جایی که زن گمان می‌کرده نطفه از شوهرش بوده، و مرد نیز گمان می‌کرده زنی که نطفه وارد رحم او شده، همسر واقعی او می‌باشد، در حالی که این‌طور نبوده است.) آیا احکام اولاد بر فرزندی که به دنیا خواهد آمد، جاری می‌شود؟

جواب: نسبت به صاحب آن نطفه و آن زن ولد شبهه است. و به شوهر آن زن نیز محرم است.

سؤال ۱۴۳۸- اگر علم در آینده آن قدر پیشرفت کند که اسپرم مرد را بدون ترکیب با نطفهٔ زن در رحم مصنوعی پرورش دهند، حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: آن مولود فقط منسوب به صاحب اسپرم است؛ ولی فرزند شرعی او محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۴۳۹- اگر علم تا آنجا پیشرفت کند که اسپرم و نطفه را از دانه‌ها و محصولات نباتی و مانند آن بگیرند و به زن تلقیح کنند، و نوزاد مصنوعی به عمل آورند، در این صورت کودک متعلّق به چه کسی است؟

جواب: این کودک فقط با آن زن محرم است، ولی ارث بردن او از آن زن ثابت نیست.

سؤال ۱۴۴۰- اگر نطفه و اسپرم را از فرآورده‌های نباتی تهیّه، و آن را در رحم مصنوعی پرورش دهند، و از آن کودکی به عمل

آورند. نوزاد به چه کسی ملحق می‌شود؟

جواب: این نوازد متعلّق به کسی نیست؛ یعنی نه پدر دارد و نه مادر.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۳

سؤال ۱۴۴۱- روشهای باروری آزمایشگاهی (TVF) شکلهای مختلفی دارد. لطفاً حکم هر یک را بیان فرمایید:

۱- جدا کردن اسپرمهای فعّال (سلولهای جنسی نر) از منی مرد در آزمایشگاه، و تزریق آن به رحم همسرش.

جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت جایز است.

۲- مخلوط کردن منی شوهر با منی مرد اجنبیّ، و انتقال آن به رحم همسر مردِ اوّل.

جواب: اگر انعقاد نطفه به وسیلهٔ منی شوهر باشد، اشکالی ندارد؛ هر چند منی شخص دیگر آن را تقویت کرده باشد. ولی اگر انعقاد نطفه با اسپرم مرد بیگانه باشد، حرام است.

سؤال ۱۴۴۲- خانمی بر اثر تزریق آمپول، از مرد بیگانه‌ای حامله شده، (و به اصطلاح رحم خود را اجاره داده،) و پس از وضع حمل، فرزند را به صاحب نطفه می‌دهد. حکم این مسأله چیست؟ و فرزند ملحق به کیست؟ و از نظر ارث، چگونه است؟

جواب: تزریق نطفهٔ مرد اجنبی به زن اجنبی حرام است. و بچّه‌ای که از ترکیب این دو نطفه متولّد می‌شود، حکم فرزند نامشروع دارد. ولی اگر نطفهٔ مردی را با نطفهٔ همسر شرعی‌اش در خارج رحم ترکیب کنند، و در رحم زن دیگری پرورش یابد، فرزند مشروع و متعلّق به صاحبان نطفه است. ولی این کار جز در موارد ضرورت، اشکال دارد.

سؤال ۱۴۴۳- لطفاً در مورد انتقال جنینِ تکوین یافته از اسپرم و تخمک زوج قانونی در خارج از رحم، به رحم زن اجنبی (مادر جانشین) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- این کار از لحاظ تکلیفی چه حکمی دارد؟

جواب: این امر ذاتاً جایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۴

است، جز در موارد ضرورت جایز نیست.

۲- مادر طفل تولّد یافته کدام زن است؟ آیا می‌توان مادر جانشین را در حکم مادر رضاعی دانست؟

جواب: صاحبان اسپرم، پدر و مادر حقیقی فرزند متولّد شده هستند. و مادر جانشین در حکم مادر رضاعی است.

۳- آیا مجرّد یا متأهّل بودن زن اجنبی (مادر جانشین)، علم و جهل مادر جانشین، مجّانی یا غیر مجّانی بودن رحم، تأثیری در احکام مربوطه می گذارد؟

جواب: هیچ کدام تفاوتی ندارد، ولی اگر مادر جانشین شوهر دارد، باید با اجازهٔ شوهرش باشد.

سؤال ۱۴۴۴- آیا می‌توان اسپرم مرد و زن اجنبی را در لولهٔ آزمایش قرار داد؟ اگر فرزندی متولّد شود متعلّق به کیست؟ آیا حکم ولد الزنا را دارد؟

جواب: این کار جایز نیست، و اگر فرزندی متولّد شود در بسیاری از احکام تابع صاحبان نطفه است؛ ولی از آنها ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۴۴۵- زنی ۲۶ ساله هستم. قبل از ازدواج دردهای شدید ماهیانه داشتم.

دکترها گفتند: مشکلات با ازدواج و زایمان حل می‌شود. بدین جهت ۶ سال پیش ازدواج کردم، و چون درد زیادی متحمّل می‌شدم، تصمیم گرفتم که زود بچّه‌دار شوم، ولی متأسّفانه ۹ ماه پس از ازدواج متوجّه شدم شوهرم به طور کامل عقیم است، و اصلًا بچّه‌دار نمی‌شوم. من که این مسأله برایم خیلی مهم بود، بیش از پیش روحیهٔ خود را از دست دادم. اکنون پزشکان می گویند تنها راه این است که: «اسپرم مرد بیگانه‌ای با سرنگ به شما تزریق شود.» من اوّل به این کار راضی نبودم، چون مقلّد شما هستم، و طبق

فتوای شما این کار حرام است. ولی اکنون جانم به لب رسیده است. لطفاً بفرمایید: چه کنم که هم بچّه‌دار شوم، و هم مرتکب گناهی نگردم؟

جواب: تنها راه مشروع آن است که شما از شوهرتان (هر چند به صورت مخفیانه و بدون اطّلاع اطرافیان) طلاق بگیرید، و پس از گذشتن عدّه به عقد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۵

موقّت صاحب نطفه درآیید (هر چند همدیگر را هرگز نبینید،) سپس نطفه به شما تزریق شود، و پس از پایان عقد موقّت و زایمان دوباره می‌توانید به عقد شوهر اوّل درآیید. در این صورت شما مادر آن بچّه، و صاحب نطفه پدرش محسوب می‌شود. و به شوهر شما هم محرم است. ولی به اقوام شوهرتان محرم نیست. امّا به اقوام شما محرم است. «۱»

جلوگیری

سؤال ۱۴۴۶- بچّه‌دار شدن برای مبتلایان به بیماری ایدز مضرّ است، آیا در این حالت شوهر می‌تواند لوله‌های خود را ببندد؟

جواب: اگر زیان مهمّی داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۴۷- بستن لولهٔ زن و مرد جهت جلوگیری از بیماری چه حکمی دارد؟

تشخیص ضرورت بر عهدهٔ کیست؟

جواب: هرگاه طبق گفتهٔ اطبّای مورد وثوق، خوف خطر وجود داشته باشد، این کار جایز است.

سؤال ۱۴۴۸- اگر حمل زن، موجب ناقص الخلقه شدن کودک گردد، آیا بستن لوله واجب نمی‌شود؟

جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه‌ای، هر چند نسبت به بچّه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۱۴۴۹- برخی از روشهای جلوگیری باعث عقیم شدن می‌گردد. چرا در جامعهٔ ما این کار به طور مکرّر و به صورت عادی انجام می‌شود؟

جواب: انجامِ کارِ حرام دلیل بر مشروعیّت آن نیست.

سؤال ۱۴۵۰- پس از آزمایش معلوم شد فرزندان آیندهٔ زن و شوهری از نظر ژنتیکی تالاسمی مینور خواهند داشت. امّا به خاطر محبّت زیاد با هم ازدواج نموده، مادام

(۱) شرح بیشتر را در کتاب «حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح» مطالعه فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۶

العمر جلوگیری می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً احساس خطری برای فرزند کنند، جلوگیری مادام العمر مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۱- شخصی از نظر مرجع تقلیدش اطّلاع نداشته، و اقدام به بستن لوله‌های خود نموده است. آیا پس از اطّلاع از حرمت، باید جبران کند؟

جواب: لازم نیست.

سقط جنین

سؤال ۱۴۵۲- آیا در موارد زیر می‌توان سقط جنین کرد؟

الف) مادر بیمار باشد، و ادامهٔ حاملگی (با تشخیص پزشک، و وضعیّتی که مادر دارد، و خودش نیز تشخیص داده) باعث تشدید بیماری و وخامت حال مادر گردد.

ب) بیماری فوق به درجه‌ای برسد که حیات مادر متوقّف بر سقط جنین باشد.

ج) مادر در کمال صحّت و سلامتی است، و هیچ گونه خطری او را تهدید نمی‌کند، و جنین نیز سالم است، ولی دو سر دارد. یا سر جنین به شکل انسان نیست، و اگر با چنین حالتی متولّد شود، طبق تشخیص پزشک، ممکن است چند روز پس از تولّد از دنیا برود. یا ادامهٔ حیات چنان فرزندی برای خود او، و والدین و جامعه مشکلاتی خواهد داشت.

د) در فروض فوق، حکم مسأله را قبل و بعد از ولوج روح بیان فرمایید.

ه) در هر صورت، آیا مسئولیّتی از نظر شرعی برای پزشک و زوجین وجود دارد؟

و) چنانچه لازم باشد پزشک مرد اقدام به سقط جنین نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد.

همچنین اگر بیماری شدیدی مادر را تهدید کند، و جنین هنوز به مرحلهٔ دمیدن روح نرسیده باشد. و نیز اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین بگونه‌ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان اسباب عسر و حرج شدید می‌شود، مشروط بر این که روح در آن دمیده نشده باشد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۷

است، و اگر راه منحصر به طبیب مرد باشد، در این صورت مانعی ندارد. و احتیاط آن است که پدر و مادر، طبیب را نسبت به دیه تبرئه کنند.

سؤال ۱۴۵۳- نگهداری جنین مرده در شیشه، جهت آموزش چه حکمی دارد؟ آیا جهت دکور آزمایشگاهی، یا نگهداری در منزل جایز است؟

جواب: جهت دکور و امثال آن جایز نیست؛ ولی اگر ضرورتی برای آموزشهای لازم ایجاب کند، و چیزی جانشین آن نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۴- آیا زنی که سرطان رحم دارد می‌تواند بچّه‌اش را سقط کند؟

جواب: اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید باشد، و جنین در مراحل ابتدایی باشد، و راه درمان منحصر به سقط جنین باشد، پایان دادن به حاملگی جایز است.

سؤال ۱۴۵۵- تبلیغات زیاد باعث شده که افراد از داشتن فرزند احساس شرمندگی نموده، و مبادرت به سقط جنین نمایند، آیا چنین تبلیغاتی جایز است؟

جواب: جایز نیست.

خریدوفروش اعضای بدن

سؤال ۱۴۵۶- قاچاق میّت غیر مسلمان، و خریدوفروش آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از منظور قاچاق این است که بر خلاف مقرّرات حکومت اسلامی باشد، این کار شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۴۵۷- آیا فروش برخی از اعضای بدن قبل از مرگ، برای تحویل پس از مرگ، جایز است؟

جواب: در صورتی که سبب نجات جان مسلمان، یا درمان بیماری مهمّی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۸- اجسادی از کفّار موجود است که برخی اعضای آن را، جهت کارهای تحقیقاتی یا پیوند و مانند آن، به مبالغ هنگفتی

خریداری می کنند. آیا خریدوفروش این اعضا جایز است؟ آیا میان اجسادی که شناسایی نشده و اولیایی ندارند، با دیگر اجساد تفاوتی وجود دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۸

جواب: هرگاه این کار برای حفظ جان افراد زنده، یا درمان بیماری مهمّی ضرورت داشته باشد مانعی ندارد. و فرقی میان افراد شناخته شده و غیر آنها نیست.

کالبد شکافی و تشریح

سؤال ۱۴۵۹- امروزه کالبد شکافی دارای اهمیّت فراوانی است، و مراکز مهمّ علمی و پژوهشی در این زمینه مشغول فعالیّت هستند که عمدتاً برای اثبات نسب، کشف جرم، و هر هدف عقلایی دیگر، یا صرفاً به قصد آموزشهای پزشکی، اجسادی را کالبد شکافی می‌نمایند. لطفاً نظر مبارک خود را در مورد جواز، یا عدم جواز این کار مرقوم فرمایید.

جواب: کالبد شکافی ذاتاً جایز نیست، جز در مواردی که هدف مهمّ دینی و اجتماعی بر آن مترتّب شود، که تحت قاعدهٔ اهمّ و مهم قرار گیرد.

سؤال ۱۴۶۰- احترام میّت مسلمان در صحنهٔ قتل، یا در سالن تشریح، عمدتاً مورد توجّه قرار نمی گیرد، و از طرفی، در جهت ارتقای دانش پزشکی، و کشف علمی جرم، و بررسی صحنهٔ قتل، و احقاق حق، تشریح ضروری به نظر می‌رسد. در این صورت تکلیف چیست؟

جواب: شرایط سه گانهٔ جواز تشریح را برای مقاصد پزشکی، در آخر رسالهٔ توضیح المسائل نوشته‌ایم.

سؤال ۱۴۶۱- امروزه نظریّهٔ پزشکی قانونی به عنوان یکی از طرق مطمئن در مسائل قضائی به شمار می‌رود، و از جمله وظایف آنها تشخیص علّت تامّهٔ مرگ است، که در اکثر موارد این کار فقط با کالبد شکافی مقدور است، و با انجام این عمل حقیقت کشف، و احقاق حق می گردد. لطفاً نظر مبارک را پیرامون این مسأله بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه احقاق حقوق مهمّه متوقّف بر کالبد شکافی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۲- در صورتی که قاضی پرونده تشخیص دهد تشریح جهت کشف حقیقت لازم و ضروری است، ولی اولیای دم راضی به تشریح نباشند، یا بعضی راضی باشند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۲۹

و بعضی دیگر رضایت ندهند، یا میّت بر عدم تشریح وصیّت کرده باشد، تکلیف چیست؟

جواب: هرگاه تشریح جهت احقاق حقوق اولیای دم باشد، و آنها حاضرند از حق خود بگذرند و تشریح نشود، نباید تشریح کرد. ولی اگر پیشگیری از یک مشکل مهمّ اجتماعی متوقّف بر آن باشد، رضایت آنها شرط نیست.

سؤال ۱۴۶۳- تشریح بدن جنین چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز، آیا دیه دارد؟

جواب: در صورتی که برای پیشرفت علم جهت حفظ جان مسلمین ضرورتی داشته باشد تشریح جایز است، و دیه هم ندارد.

سؤال ۱۴۶۴- آیا خریدوفروش میّت مسلمان جهت تشریح، در جایی که کافر در دسترس نباشد، جایز است؟

جواب: هرگاه آن تشریح برای فراگرفتن علم پزشکی جهت جان مسلمین ضرورت داشته باشد، و از غیر این راه دسترسی نداشته باشید، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۵- برخی از اساتید برای فراهم ساختن استخوان جهت تشریح، نمره در نظر می گیرند. آیا برای چنین کاری تشریح استخوانهای مکشوفه از قبرستان جایز است؟ آیا در این جهت، میان قبرهای قدیمی و جدید، استخوانهای زیر زمین و آنچه در سطح

قرار گرفته، زن و مرد، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: هیچ کدام جایز نیست.

سؤال ۱۴۶۶- نگاه کردن به دستگاه تناسلی مردان و زنان میّت در حال تشریح چه حکمی دارد؟ آیا این حکم در مورد بدن مسلمانان و غیر مسلمانان یکسان است؟

جواب: جز در موارد ضرورت جایز نیست؛ و فرقی در میان آنها نیست.

سؤال ۱۴۶۷- جدا کردن اعضای مرده چه حکمی دارد؟ آیا در این حکم فرقی میان رضایت قبلی و عدم آن، یا رضایت ولی و عدم رضایت وی، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: جز در موارد ضرورت برای تشریح، با شرایطی که در مسألهٔ ۲۴۴۹ رسالهٔ توضیح المسائل گفته‌ایم، یا در مواردی که معالجات ضروری أحیا بدون آن ممکن نیست، جایز نمی‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۰

پیشگیری

سؤال ۱۴۶۸- با توجّه به مصیبت بار بودن بیماری ایدز، آیا آموزش گروههای مختلف سنّی در مورد راههای انتقال و نحوهٔ پیشگیری از این بیماری را جایز می‌دانید؟

جواب: جایز است؛ ولی باید به شکلی باشد که بدآموزی یا مفسدهٔ دیگری بر آن مترتّب نشود.

سؤال ۱۴۶۹- آیا توصیه به استفاده از کاندوم، برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردار آمیزشی، در رده‌های مختلف سنّی، بدون اطّلاع از این که آموزش گیرنده مجرّد است یا متأهّل، جایز است؟

جواب: ممکن است این مطلب به صورتی که ذکر کرده‌اید سبب بدآموزی باشد، و مسألهٔ فحشا یا سایر انحرافات جنسی را یک مسألهٔ عادی جلوه دهد، لذا جایز نیست.

سؤال ۱۴۷۰- آیا تجویز داروی اعتیادآور خوراکی به جای داروی اعتیادآور تزریقی، جهت پیشگیری از بروز بیماریهای واگیردار جایز است؟

جواب: در صورتی که هدف ترک اعتیاد باشد، و این معنا به طرف نیز تفهیم گردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۷۱- آیا توزیع سرنگ بین معتادین، برای پیشگیری از بروز بیماریهای واگیردار مجاز است؟ (لازم به ذکر است که این روش تغییری در اعتیاد آنها ایجاد نمی کند.)

جواب: در صورتی که به معتادان تفهیم شود که هدف کمک به اعتیاد آنها نیست، بلکه منظور جلوگیری از آلودگی به بیماریهای خطرناک است، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۷۲- با توجّه به معضلات کنونی اجتماع که بعضاً نتیجهٔ عدم آگاهی صحیح جوانان از مسائل جنسی است، آیا آموزش مسائل جنسی را در جامعه، برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردار، با رعایت حریم خانواده، و با توجّه به سنّ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۱

نوجوانان و جوانان، و با استفاده از متون آموزشی مناسب مجاز می‌دانید؟

جواب: تجربه نشان داده که آموزش مسائل جنسی به سبک غربی، که فعلًا مطرح است، مفاسد زیادی در بردارد، و در بسیاری از اوقات نتیجهٔ معکوس می‌دهد.

پایان دادن به زندگی!

سؤال ۱۴۷۳- شخصی بر اثر تصادف دوازده سال است که در بیهوشی به سر می‌برد، یا بیماری پس از عمل جرّاحی به هوش نیامده است. آیا می‌توان با تزریق آمپول به زندگی وی پایان داد؟

جواب: این کار جایز نیست؛ ولی اگر بازگشت به حال طبیعی عادتاً امکان نداشته باشد، می‌توان از ادامهٔ معالجه خودداری کرد.

سؤالات دیگر پزشکی

سؤال ۱۴۷۴- آیا خریدوفروش داروهای غیر مجاز، یا تاریخ گذشته، جایز است؟

جواب: خریدوفروش داروهای غیر مجاز جایز نیست؛ و داروهایی که تاریخ آن گذشته، اگر مقدار قابل ملاحظه‌ای از آثار خود را داشته باشد، و به طرف اعلام شود اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۴۷۵- آیا خریدوفروش داروهای دولتی خارج از سیستم نظارتی جایز است؟

جواب: در صورتی که بر خلاف مقرّرات جمهوری اسلامی باشد، یا منشأ ضرر و زیانی شود، جایز نیست.

سؤال ۱۴۷۶- آیا برای انجام تحقیقات پزشکی، ضرر رساندن به حیوانات یا گیاهان جایز است؟

جواب: در مورد گیاهان اشکالی ندارد. و در مورد حیوانات، هرگاه تحقیقات برای منظور مهمّی باشد جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۲

سؤال ۱۴۷۷- اگر دانشجوی پزشکی از اسرار استادش که پزشک است آگاه باشد، و فساد اخلاقی او را بداند، وظیفه‌اش چیست؟ در حالی که بقیّه او را کاملًا مؤمن می‌دانند، و در مسائل بسیاری به او مراجعه می‌کنند.

جواب: او باید به وظیفهٔ خود عمل کند، و کاری به دیگران نداشته باشد.

سؤال ۱۴۷۸- آیا پزشک در مسائلی که حکم آن را نمی‌داند، می‌تواند به اجتهاد خود عمل کند؟ در صورت اضطرار و نیاز به اقدام فوری چطور؟

جواب: اگر واقعاً اضطرار باشد، و دسترسی به شخص مطّلعی نباشد، می‌تواند به آنچه احساس ضرورت می‌کند عمل نماید.

سؤال ۱۴۷۹- نبود وسائل جرّاحی، یا کم بودن آن در اتاق عمل، ممکن است باعث مرگ بیماران شود. آیا تهیّهٔ این وسائل واجب است؟

جواب: بر حکومت اسلامی لازم است که وسائل را فراهم کنند، همچنین بیمارستانهای خصوصی هرگاه بیماری را پذیرش کنند، باید وسائل را فراهم سازند.

سؤال ۱۴۸۰- توالت‌های سنّتی ایران، برای برخی از بیماران از جمله بعضی بیماران قلبی مضر است، آیا استفاده از توالت فرنگی مجاز است؟

جواب: استفاده از توالت فرنگی برای همه جایز است.

سؤال ۱۴۸۱- آیا بستری نمودن بیمار جهت انجام شوک برقی (با وجود احتمال عوارض جانبی برای بیمار) به دلیل درآمدزا بودن آن مجاز است؟

جواب: جایز نیست؛ ولی اگر این کار از طرق درمان محسوب شود، و احتمال عوارضی برود و به بیمار گفته شود، و از او اجازه بگیرند مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۸۲- بیمارانی به بیمارستان مراجعه می‌کنند که قادر بر پرداخت هزینهٔ درمان یا عمل جرّاحی نیستند. آیا در این صورت

مسئولیّتی متوجّه بیمارستان، دکتر جرّاح یا حکومت اسلامی هست؟ در صورت فوت یا نقص عضو، دیه‌ای بر ذمّهٔ آنها استقرار پیدا می کند؟

جواب: بر حکومت اسلامی واجب است در این گونه امور تدبیری بیندیشد، که مشکل این افراد حل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۳

سؤال ۱۴۸۳- با تزریق آمپولی به نام «پروستودین» در سه‌ماههٔ اوّل حاملگی، معمولًا جنین پس از یک ساعت سقط می‌شود، این داروها گاه به شکل شیاف یا ژل نیز عرضه می گردد. آیا خریدوفروش چنین دارویی جایز است؟

جواب: خریدوفروش آن اشکالی ندارد، ولی باید حتماً با اجازه و نسخهٔ پزشک متعهّد باشد، تا از آن سوء استفاده نشود.

سؤال ۱۴۸۴- داروی مذکور به صورت قاچاق در بازار به وفور وجود دارد، آیا باید از خریدوفروش آن جلوگیری کرد؟

جواب: آری باید از خریدوفروش آن بدون شرطی که در بالا گفتیم جلوگیری شود.

سؤال ۱۴۸۵- در برخی از مسائل پزشکی پزشک مقلّد یک مرجع، و بیمار مقلّد مرجع تقلیدی دیگر است، و نظر آن مراجع متفاوت است. کدام نظریّه باید ملاک عمل قرار گیرد؟

جواب: پزشک به وظیفهٔ خود عمل می کند.

سؤال ۱۴۸۶- در بسیاری از مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی، امکان جداسازی دانشجویان دختر و پسر وجود دارد. لکن برخی از مسئولین نسبت به این مسأله بی‌توجّهی می کنند. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

جواب: اگر امکان تفکیک باشد، تفکیک لازم است.

سؤال ۱۴۸۷- آیا مراجعه به دکتر متخصّص غیر مسلمان جایز است؟

جواب: اگر مفسدهٔ خاصّی بر آن مترتّب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۸۸- برخی از جرّاحان خارج از تعرفهٔ تعیین شده از بیماران پول دریافت می کنند، و بیمار نیز به ناچار آن را می‌پردازد. آیا این کار مجاز است؟

جواب: در صورتی که طبیب استخدام دولت باشد، در برابر انجام وظیفه خود نمی‌تواند پول اضافی بگیرد، ولی اگر در استخدام نبوده باشد، هر قدر با بیمار توافق کند مانعی ندارد؛ ولی باید عدل و انصاف را رعایت کند.

سؤال ۱۴۸۹- کمبود خون و برخی مقرّرات دست و پاگیر برای استفاده از وسایل،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۴

ممکن است موجب مرگ بیماران در اتاق عمل شود. آیا اصلاح این مقرّرات واجب است؟

جواب: واجب است کاری کنند که جان مردم در اتاق عمل به خطر نیفتد.

سؤال ۱۴۹۰- آیا پزشک، یا پرستار، حقّ تحقیر کردن و ناسزا گفتن به زنان حامله، که فرزندان زیادی دارند، را دارد؟

جواب: تحقیر هیچ مسلمانی جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۵

فصل پنجاهم: مسائل متفرّقه

۱- آسیب‌شناسی تربیت دینی

سؤال ۱۴۹۱- دنیای مدرن، تمام احساسات، عواطف، عقل و ذهن بشر را درنوردیده، و بر همهٔ امکانات انسان سیطره یافته، و از

انسان در حقیقت به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. در این میان تکنولوژی، که نقش اوّل را بازی می‌کند، رشد و توسعهٔ فزایندهٔ آن در عصر مدرن، تمام حقیقت انسان را به زیر سلطهٔ خود درآورده است. تا آنجا که فکر و اندیشهٔ بشر را جهت می‌دهد، و فرهنگ اجتماعیش را دگرگون می‌سازد، و بر نوع اجتماعی شدن و جامعه‌پذیریش، تصمیم‌گیری می‌کند، و انسان را به یک موجود کژاندیش و هنجارکش مبدّل ساخته است. در این راستا، اوّلین برنامه برای نوجوانان و جوانان طرّاحی شده است، چرا که آنان آمادهٔ جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های مهمّ اجتماعی هستند. و طرّاحان به این وسیله کشورها را زیر سلطهٔ خود در می‌آورند، و یا از موجودیّت و هویّت اصلی خودشان ساقط می‌سازند. اکنون وزارت آموزش و پرورش با توجّه به مأموریّت خطیر خود، با همکاری دیگر نهادها، همایشی را تحت عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش» ترتیب داده، تا بدین وسیله ریشه‌ها، موانع و راه‌کارهای عملی جهت بازشناسی موانع و عوامل بازدارندهٔ تربیت دینی را از طرف صاحب نظران در عرصه‌های مختلف شناسایی نماید. با عنایت به اهداف همایش، سؤالاتی طرّاحی شده، که انتظار می‌رود با پاسخگویی به آنها، ما را در این مهم یاری فرمایید.

۱- آیا در حوزهٔ تربیت دینی آسیبی برای جوانان و نوجوانان مشاهده می‌شود؟

اگر هست، این آسیبها در چه عرصه‌هایی رخ می‌نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۶

جواب: بی‌شک آسیب‌هایی برای جوانان و نوجوانان در حوزهٔ تربیت دینی وجود دارد، که در دو شاخه خلاصه می‌شود: آسیب‌های اعتقادی، و آسیب‌های اخلاقی. که اگر روی آن کار جدّی انجام نگیرد، در آینده شاهد مشکلات مهمّ دینی و اجتماعی و سیاسی خواهیم بود.

۲- منشأ این آسیبها، و عوامل آسیب‌زا، چه چیزهایی است؟

جواب: منشأ این آسیبها را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف) وجود عوامل تشویق‌کننده به مفاسد اخلاقی، و اباحی‌گری؛ که از ویژگیهای عصر ماست.

ب) تفسیر نادرست از مسألهٔ آزادی، و عدم توجّه به این نکته که همیشه آزادیها در چهارچوبهٔ ارزشهاست.

ج) عدم اطّلاع‌رسانی صحیح و بموقع، و محروم ماندن قشر جوان و نوجوان از آموزشهای مستمرّ و گستردهٔ دینی.

د) از همه مهمتر، دستهای مرموز سیاست مخرّب دشمنان است که برای دور کردن جوانان از حوزهٔ تربیت و اعتقادات دینی از طرق مختلف فعّالیّت می‌کند، و معتقد است مانع اصلی نفوذ در عرصهٔ سیاسی کشور ما، اعتقادات محکم مذهبی و پایبندی به اخلاق دینی است. و براستی اگر آنها در کار خود موفّق شوند، مانع مهمّی بر سر راه نفوذشان باقی نمی‌ماند.

۳- راه‌کارهای اصلاح و تغییر در وضع آسیبها، و همچنین وضعیّت مطلوب برای زدودن آسیبها را در چه چیزهایی ارزیابی می‌فرمایید؟

جواب: راه‌کارهای اصلاح نیز در امور زیر خلاصه می‌شود:

الف) آموزش مستمر با منطق و ادبیّات خاصّ جوانان.

ب) حلّ مشکلات مربوط به تحصیل و کار و ازدواج جوانان.

ج) پاکسازی محیط از مراکز و عوامل فساد.

د) همکاری تنگاتنگ تمام رسانه‌های جمعی در این زمینه.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۷

۲- احکام اکراه

سؤال ۱۴۹۲- محدودهٔ رفع حکم اکراهی تا کجاست؟ حقّ اللّه، حقّ النّاس، یا کلّیهٔ محرّمات؟

جواب: در صورت اکراه، همهٔ احکام، جز ریختن خون بی‌گناهان، برداشته می‌شود. ولی این در صورتی است که اکراه نسبت به مکره علیه بر امر مهمّی باشد.

سؤال ۱۴۹۳- آیا به واسطهٔ اکراه اضرار به غیر نیز مجاز خواهد بود؟ در صورت جواز، آیا حدیث رفع با حدیث لا ضرر تعارض پیدا نمی‌کند؟

جواب: در صورت اکراه، اضرار به غیر جایز است، و ادلّهٔ اکراه حاکم می‌باشد؛ زیرا بسیاری از موارد اکراه، مشتمل بر اضرار به غیر است؛ مانند اکراه بر قبول پستی از پستهای حکومت، ولی مسألهٔ ضمان در جای خود محفوظ است.

سؤال ۱۴۹۴- آیا غیر قابل رفع بودن تهدید، شرط تحقّق اکراه است؟ آیا در این شرط تفاوتی بین احکام وضعیّه و تکلیفیّه وجود دارد؟

جواب: در صورتی که کسی بتواند با تهدید مقابله کند، اکراه صدق نمی‌کند.

سؤال ۱۴۹۵- آیا یافتن راه فرار از عمل مکره علیه واجب است؟

جواب: در صورتی که از طریق توریه امکان خلاصی باشد، احتیاط آن است که از این راه استفاده کنند.

سؤال ۱۴۹۶- آیا تهدید به عدم النفع، در تحقّق اکراه مؤثّر است؟

جواب: اکراه در صورت عدم النّفع صدق نمی‌کند.

۳- اعتقادیّات

الف) نبوّت

سؤال ۱۴۹۷- چرا پیامبران فقط در بین النهرین و خاور میانه مبعوث شده‌اند؟ اگر علّت، تمدّن آنهاست، پس چرا برای تمدّنهای بزرگی مثل یونان (فراموش نکنیم که حضرت عیسی علیه السلام در خاور میانه به دنیا آمده است) و مایاهای سرخ‌پوست، یا تمدّنهای بزرگ سیاهپوست، پیامبری فرود نیامد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۸

آیا می‌توان کنفسیوس (در چین)، بودا (در هند)، زردتشت و کوروش (در ایران)، بقراط و سقراط (در یونان) را پیامبران الهی دانست؟

از آنجا که در منابع دینی ما آمده که: «برای هر دو نفر یکی را پیامبر قرار دادیم.»

پس باید برای اسکیموها و همهٔ اقوام، پیامبرانی آمده باشد. و اگر جواب منفی است، پس این نظریّه تقویت می‌شود که پیامبری هم با توجّه به پیشرفت تمدّن، و خداپرستی هم با توجّه به شکوفایی‌های فکری مردم، به تکامل رسیده است! چرا که انسانها، نخست خورشیدپرست، ماه‌پرست، و مانند آن بودند، سپس با توجّه به شکوفایی عقلی، خدای عینی را برگزیدند. نظر شما چیست؟

جواب: مورّخان اتّفاق نظر دارند که گاهوارهٔ تمدّن انسانی در منطقهٔ خاور میانه به حرکت درآمده است، و در آن زمان، نه یونان صاحب تمدّنی بود، و نه جای دیگر، و از آنجا که پیدایش دین در این مناطق سبب گسترش آن به مناطق دیگر می‌شد، خداوند پیامبران را از این مناطق برگزید، تا آیین آنها از آنجا به سایر مناطق دنیا پخش شود.

سؤال ۱۴۹۸- در کتاب شریف «نهج البلاغه» در رابطه با دوران خردسالی حضرت علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

«آنگاه که کودک بودم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله مرا در کنار خود نهاد، و بر سینهٔ خویشم جا داد، مرا در بستر خود

می‌خوابانید، چنان که تنم را به تن خویش می‌سود، و بوی خوش خود را به من می‌بویایید. گاه بود که چیزی را می‌جوید، سپس آن را به من می‌خورانید» مگر نه این که خوابیدن دو نفر مذکّر، و حتّی مؤنّث، در یک رختخواب از نظر اسلام، اشکال دارد. پس چگونه حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن حضرت را در رختخواب خویش جای می‌داد! او را بر سینه خود می‌کشید!؟ تنش را به تن او می‌مالید!؟

جواب: این مسأله در مورد بچّه‌های کوچک (چندساله) اشکالی ندارد؛ همان گونه که معمول است مادران یا پدران بچّه‌های کوچکشان را در کنار خود می‌خوابانند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۳۹

سؤال ۱۴۹۹- آیا جملهٔ مشهور و معروف:

«لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الْافْلاکَ»

که گفته می‌شود در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، حدیث است؟ مأخذ آن کدام کتاب است؟

جواب: مأخذ آن بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحهٔ ۱۹۸، و جلد ۱۵، صفحهٔ ۲۸ است.

ب) عصمت

سؤال ۱۵۰۰- مقام عصمت اختصاص به انبیا علیهم السلام و ائمّه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام دارد، یا در مورد دیگران هم تصوّر می‌شود؟

جواب: قدر مسلّم این است که این بزرگواران معصومند، ولی در مورد دیگران مسلّم نیست، هر چند بعضی از آنها مقاماتی بسیار بالا و والایی دارند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۵۳۹

ج) عدل الهی

سؤال ۱۵۰۱- با این که برای خداوند امکان داشت که مرا به عنوان یک انسان در زمان یکی از چهارده معصوم علیه السلام به دنیا آورد، تا من موفّق به زیارت وی شوم، ولی این کار را نکرد. در حالی که بسیاری از کافران که لیاقت دیدن معصومین را نداشته‌اند، در زمان آنها بوده، و موفّق به زیارت برخی از آن بزرگواران شده‌اند. آیا این، با عدل الهی سازگار است؟

جواب: در بعضی از روایات آمده است: «آنها که بعد از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرات معصومین علیهم السلام به دنیا می‌آیند، و به آنها ایمان می‌آورند، مقامشان بالاتر از کسانی است که در عصر و زمان آنها زندگی می‌کردند.» اگر آنها امتیازی داشته‌اند، این گروه نیز امتیاز مهمّی دارند، و به این ترتیب عدالت اجرا می‌شود.

د) سرانجام جاهلان قاصر

سؤال ۱۵۰۲- حضرت استاد! وقتی به مسائل و جریانات زندگی نظر می‌افکنم، می‌بینم هرکس مشی و مرام خود را حق می‌داند. سؤال بنده این است: وقتی کسی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۰

حق بر او مشتبه باشد، مثل خوارج که به نظرشان حق همان بود که آنها فکر می‌کردند، یعنی جاحد نبودند. اینها تکلیفشان از لحاظ ثواب و عقاب چطور است، آیا معذّبند؟

جواب: اگر برای تشخیص حق، تلاش و کوشش لازم را به عمل آورده و در این راه مرتکب تقصیری نشده، حکم جاهل قاصر را دارد، و نه تنها در پیشگاه خدا معذّب نیست، بلکه در برابر اعمالش پاداشی هم خواهد داشت.

ه) مقایسهٔ ائمّه با انبیا

سؤال ۱۵۰۳- آیا ائمّهٔ اطهار علیهم السلام از لحاظ معرفت به خدا، از پیامبران الهی علیهم السلام- به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله- بالاتر هستند؟

جواب: بهتر است که معصومین و اولیاء اللّه را با یکدیگر مقایسه نکنیم، همه بزرگوار و انوار الهی هستند.

و) ولایت

سؤال ۱۵۰۴- وقتی حادثهٔ غدیر را همراه با توضیحات علمای شیعه مطالعه می‌نماییم، یقین پیدا می‌کنیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز حضرت علی علیه السلام را برای آخرین بار به عنوان جانشین خود معرّفی کرد. با این حال، چرا علمای اهل سنّت این مطالب روشن را قبول ندارند؟ چرا شخصی که صاحب فکر است، و حتّی مطالبی در مورد فضیلت حضرت علی علیه السلام دارد، شیعه نشده است؟ آیا ضعف از ادلّه و براهین شیعه است؟

جواب: دلائل شیعه بسیار قوی است؛ ولی غالباً تعصّب‌ها و ارتباطهای خانوادگی اجازهٔ پذیرش نمی‌دهد.

سؤال ۱۵۰۵- با توجّه به اهمیّت مسألهٔ ولایت اهل بیت علیهم السلام، که حقیقت ایمان و روح عبادات است، و هیچ عبادتی اعمّ از نماز و روزه و مانند آن بدون ولایت اهل بیت مقبول درگاه خداوند قرار نخواهد گرفت، و روایات در این زمینه در حدّ تواتر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۱

است، آیا حضرت عالی نماز را فرع بر ولایت می‌دانید، یا ولایت را فرع بر نماز می‌دانید؟ از نظر اهمیّت کدام یک از این دو مقدّم بر دیگری است؟ عزاداری در مصائب ائمّه علیهم السلام، خصوصاً خامس آل عبا، حضرت سیّد الشهداء علیه السلام که از افضل قربات است، و آثار همان ولایت و محبّتی است که در اعماق وجود شیعیان و موالیان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام قرار دارد، چه نقشی در قبولی نماز و سایر عبادات دارد؟

جواب: پاسخ سؤال شما همان است که در حدیث معروف امام باقر علیه السلام آمده است: «اگر کسی تمام روزها را روزه بگیرد، و شبها را به عبادت مشغول باشد، و همه سال به حجّ برود، و تمام مالش را در راه خدا انفاق کند، امّا ولایت اولیاء اللّه را نداشته باشد، و اعمال خود را به راهنمایی آنها انجام ندهد، بهره‌ای از این اعمال عائد او نخواهد شد».

ز) امام زمان علیه السلام

سؤال ۱۵۰۶- در بعضی از روایات، تصریح به نام مبارک امام عصر (عج) حرام یا مکروه شمرده شده است. بدین جهت برخی نام حضرت را جدای از هم (م ح م د) می‌نویسند. آیا این روایات شامل عصر و زمان ما نیز می‌شود؟

جواب: در جای خود گفته‌ایم که آن روایات شامل زمان ما نمی‌شود. و ادلّهٔ آن را در آخر بحث تقیّه از کتاب قواعد الفقهیّه آورده‌ایم.

سؤال ۱۵۰۷- شخصی از مؤمنین ضمن ادّعای ملاقات با امام زمان (عج) می‌گوید:

«امام عصر مرا مأمور بعضی کارها، مانند ساختن حسینیّه، مسجد، و مانند آن کرده است.» وی مردم را به اقتدا نکردن به بعضی از ائمّهٔ جماعات، و نپرداختن وجوه شرعیّه به آنها، تشویق می‌کند، و مدّعی است که امام زمان علیه السلام چنین دستوری داده است. شخص مذکور صندوق چوبی در اختیار دارد که چند ورقهٔ قدیمی و پارچهٔ سبز رنگی در آن است. او ادّعا می‌کند که آنها را امام عصر (عج) به او داده است! مردم برای تبرّک جستن به این صندوق به خانهٔ او می‌روند. به گمان این که واقعاً صندوق
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۲
از ناحیهٔ آن حضرت است. بلکه برخی از مردم گمان می‌کنند که منزل این شخص، محلّ سکونت امام عصر است! وی حتّی در نزد بعضی از علما ادّعای مذکور را مطرح نموده، و می‌گوید: «می‌توانم سؤالات شما را به امام عصر (عج) برسانم!» آیا ادّعاهای این شخص درست است؟

جواب: شکّی نیست که این شخص انسان بسیار دروغگویی است، و بر همهٔ مؤمنین لازم است او را تکذیب کنند، و هیچ یک از سخنانش را نپذیرند.

سؤال ۱۵۰۸- امام زمان (عج) پس از ظهور، چگونه با سلاحهای شیمیایی و بمبهای اتمی و سلاحهای سنگین دیگر مبارزه خواهند کرد؟

جواب: از بعضی قرائن استفاده می‌شود که آن حضرت وسائل و ابزاری ما فوق سلاحهای آنها در اختیار دارد، که آنها را از کار می‌اندازد.

ح) وظیفهٔ منتظران

سؤال ۱۵۰۹- مهمترین وظیفهٔ منتظران چیست؟ چه باید بکنند؟

جواب: مهمترین وظیفهٔ منتظران حضرت مهدی (عج) انجام واجبات و ترک محرّمات و آمادگی برای یاری آن حضرت، و تقویت ایمان خود است.

سؤال ۱۵۱۰- مهمترین کارهایی که آن حضرت در زمان غیبت برای دین و دینداران می‌کند چیست؟

جواب: مهم‌ترین کارهای آن حضرت در عصر غیبت، نور افشانی به قلب‌های آماده، حمایت از اسلام و شیعیان خالص، و امیدبخشی به آن‌هاست. نور وجود او، مانند نور خورشید در پشت ابرها به ما می‌رسد.

سؤال ۱۵۱۱- آیا شرط ملاقات با حضرت، علم و تقواست، یا مصلحت و زمان و مکان؟

جواب: شرط اصلی لیاقتِ ملاقات با آن حضرت، تقوا در سطح عالی است.

ولی گاه به خاطر مصلحت اسلام و مسلمین، چهرهٔ نورانی خود را به افراد غیر لایق، حتّی غیر شیعه و غیر مسلمانان، نیز نشان می‌دهد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۳

ط) رجعت

سؤال ۱۵۱۲- رجعت در چه زمانی رخ خواهد داد؟ در زمان حیات و حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام، یا بعد از شهادت آن حضرت اتّفاق می‌افتد؟

جواب: مطابق روایات، رجعت پس از قیام و ظهور حضرت مهدی (عج) رخ می‌دهد، و رجعت امامان علیهم السلام یکی پس از دیگری بعد از شهادت حضرت مهدی (عج) است.

ی) شفاعت

سؤال ۱۵۱۳- ما شیعیان بر این باوریم که در روز قیامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام افرادی را شفاعت می‌کنند. بنده مدّتی پیش که سورهٔ بقره را تلاوت می‌نمودم، در آیهٔ ۴۸ به این مضمون برخورد کردم، که خدا می‌فرماید:

«حذر کنید از روزی که در آن روز کسی بجای دیگری مجازات نبیند، و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی‌شود.» خواهشمند است در این رابطه توضیح دهید.

جواب: فهم معنای این آیه منوط است به ملاحظهٔ سایر آیاتی که در باب شفاعت در قرآن آمده است. که در آن آیات صریحاً شفاعت ثابت شده است؛ مانند آیهٔ الکرسی «مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلّا بِإِذْنِهِ» بنابراین نفی شفاعت در آیه‌ای که نوشته‌اید اشاره به این است که بدون اذن خداوند شفاعت پذیرفته نیست.

خداوند هم در جایی اذن می‌دهد که طرف لیاقت شفاعت داشته باشد، شرح بیشتر را در جلد اوّل تفسیر نمونه، ذیل آیهٔ مذکور، مطالعه فرمایید.

ک) جهان آخرت

سؤال ۱۵۱۴- اگر شب و روز و خواب در جهان آخرت وجود ندارد، پس گذر زمان در آنجا چگونه است؟

جواب: وضع جهان آخرت برای ما زندانیان عالم دنیا روشن نیست؛ همان گونه که وضع دنیا برای بچّه‌های در شکم مادر. ولی می‌دانیم آخرت حق است، و یک زندگی برتر، شرح این مطلب را در جلد ۵ و ۶ پیام قرآن نوشته‌ایم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۴

۴- بیت المال

سؤال ۱۵۱۵- در برخی از کشورهای اسلامی همسایهٔ ایران مناطقی وجود دارد که صد در صد نظامی است. مردم آن مناطق، اشیای ضروری زندگی مثل نفت، سیمان، لباس، اسلحه و موادّ خوراکی را به قیمت ارزان، یا به طور مجّانی از کارمندان ارتش دریافت می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۵۱۶- حکم جنابعالی در مورد کسانی که در انتخابات در راستای شناساندن خود به مردم از امکانات بیت المال استفاده کرده‌اند، چیست؟

جواب: بیت المال مصارف خاصّی دارد، که باید در آن مصرف گردد.

سؤال ۱۵۱۷- اگر کسی مالی از بیت المال طلب داشته باشد و آن را ندهند، آیا می‌تواند معادل طلبش از امکانات بیت المال، استفاده کند؟

جواب: باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

سؤال ۱۵۱۸- استفادهٔ شخصی از اموال حکومتهای اسلامی (غیر ایران)، مثل ماشین سواری و مانند آن چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از اسلحه و مانند آن، برای دفاع از مذهب شیعهٔ اثنا عشری جایز است، یا اجازهٔ حاکم شرع ضروری است؟

جواب: با اجازهٔ حاکم شرع و برای تقویت مذهب اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۱۹- این جانب مشغول خدمت مقدّس سربازی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشم. در این ارتباط، یک اتومبیل پیکان در اختیار من قرار داده شده تا به امور رانندگی یکی از مسئولین سپاه بپردازم. ایشان در خارج از وقت اداری از من و اتومبیلی که ذکر شد، در امور شخصی خود استفاده می‌کند. هنگامی که از علّت این کار سؤال نمودم، پاسخ دادند: بعضی از مسئولین سپاه به دلیل موقعیّت کاری که دارند، مجاز به این کار می‌باشند. تکلیف بنده در این رابطه چیست؟

جواب: در صورتی که ایشان اظهار می‌دارد که مجاز به این کار می‌باشد، برای شما اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۲۰- مشاهده می‌شود که برخی مدیران، مسئولان ادارات و نهادهای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۵

دولتی، بنا به مصالحی از امکانات دولتی استفاده شخصی می‌کنند، یا برخی از امکانات را مثلًا به عنوان تشویق در اختیار عدّه‌ای از کارمندان خاص قرار می‌دهند.

این عمل شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: هرگونه تصرّفی در اموال بیت المال خارج از حدود مقرّرات حرام است.

۵- بیمه

سؤال ۱۵۲۱- نظر مبارك خود را نسبت به سؤالات زیر بیان فرمایید:

۱- بیمهٔ عمر، از عقود است یا ایقاعات؟ آیا از عقود و ایقاعات متعارف و دارای عنوان فقهی است، یا عناوین موجود منطبق بر آن نیست؟

۲- بیمهٔ عمر، از نوع وصیّت عهدی است، یا تملیکی؟

۳- با توجّه به ماهیّت بیمهٔ عمر، آیا شخص بیمه شده می‌تواند مبلغی را که پس از فوت توسّط بیمه محاسبه و پرداخت می‌شود، سهم‌بندی نماید، و برای اشخاصی- اعمّ از ورّاث شرعی، و غیر آن- وصیّت کند.

۴- در صورتی که بیمه شده، هیچ فرد و سهمی را مشخّص ننماید، طبق قوانین موجود بیمه، مبلغ پرداختی توسّط بیمهٔ عمر به صورت مساوی به ورّاث قانونی پرداخت می‌گردد. آیا این نحوهٔ تقسیم منطبق بر فتاوای فقهی حضرتعالی می‌باشد؟

جواب ۱ تا ۴: بیمه یکی از عقود مستحدثه است که در عرف عقلاـ معمول است، و چنانچه شرایط عامّهٔ عقود در آن جمع باشد، شرعاً اشکالی ندارد، و باید طبق قرار دادی که بسته شده عمل شود، و می‌توان سهمیّهٔ افراد مورد نظر را به صورت درصدی، نه ریالی، تعیین کرد، و مشمول ادلّهٔ وجوب وفا به عقد است.

۶- تبلیغ دین

سؤال ۱۵۲۲- جایگاه دولت در برنامه‌های گسترش فرهنگ دینی چیست؟ نقش حاکمیّتی دولت در چه محورهایی است؟ در چه زمینه‌هایی دولت باید مستقیماً به تولید خدمات دینی بپردازد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۶

جواب: دولت باید برنامه‌های اساسی و بنیادی و زیربنایی را در جهت گسترش فرهنگ دینی انجام دهد، و مردم باید دنبال آن را در جهات مختلف بگیرند.

سؤال ۱۵۲۳- آیا شیوه‌ها و روشهای انجام فعالیّتهای دینی با توجّه به شرایط و مقتضیات دنیای کنونی، و ابعاد گستردهٔ تهاجم فرهنگی، و اطّلاع‌رسانی جهانی، نیاز به بازسازی و تجدید نظر ندارد؟ این وظیفه بر عهدهٔ چه نهادهایی است؟ چگونه می‌توان از

روشهای نوین و کارآمد استفاده کرد؟ وظیفهٔ حکومت در این مورد چیست؟
جواب: بی‌شک شیوه‌ها و روشهای فعلی انجام فعالیّت‌های دینی کافی نیست.
برای کارایی بیشتر، باید از اسباب و وسائل موجود در دنیای امروز با برنامه‌ریزی صحیح و کار گروهی استفاده کرد.
سؤال ۱۵۲۴- بهترین الگویی که برای نحوهٔ ارتباط و تعامل دولت و نهادهای دینی درگذشته و حال کشورهای اسلامی، حکومت‌ها و کشورهای مسیحی، یهودی، و در سنّت و سیرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام وجود داشته و دارد چیست؟
جواب: دولت نباید استقلال نهادهای دینی را مخدوش کند، و بخواهد آنها را زیر چتر خود قرار دهد؛ ولی نظارت دائم و سازنده نسبت به آنها بسیار بجاست، تا خدایی نکرده انحرافی از مسیر صحیح پیدا نکنند.
سؤال ۱۵۲۵- نقش و میزان مشارکت مردم در شکل‌گیری حکومت دینی در نصوص قدسی، چگونه تعیین و تبیین گردیده است؟
جواب: مردم به عنوان حامیان حکومت، و بازوهای دولت اسلامی، و نیز به عنوان نظارت، و امر به معروف و نهی از منکر، و نصیحت و ارشاد، در حکومت نقش دارند.
سؤال ۱۵۲۶- جایگاه مردم در مستندات موجود (قانون اساسی، مذاکرات خبرگان، صحیفهٔ نور) کجا ذکر شده است؟
جواب: جایگاه مردم در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.
سؤال ۱۵۲۷- در حکومت‌های فعلی جهان، جایگاه مردم چگونه تعریف گردیده است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۷
جواب: در قانون اساسی آنها آمده است.
سؤال ۱۵۲۸- سخنرانی روحانی بر فراز منبر بهتر است، یا پشت تریبون؟
جواب: معمولًا استفاده کردن از روشهای سنّتی در مساجد و حسینیّه‌ها بهتر است؛ جز در مواردی که خطیب باید ایستاده سخن بگوید، مانند نماز جمعه که در آنجا استفاده از تریبون مانعی ندارد.

۷- تراست و کارتل

سؤال ۱۵۲۹- استدعا دارم حکم فقهی دو مورد ذیل را بیان فرمایید.
۱- کارتل، اتّحادیّهٔ آزاد و اختیاری بین بنگاههایی است که در یک رشتهٔ اقتصادی مشغول به کار بوده، و مواد یا کالاهای مشابهی را تولید می‌نمایند. مقصود اصلی آنها از تشکیل کارتلها به دست گرفتن انحصار جهت فروش کالای خود می‌باشد.
۲- تراست، اتحادیّهٔ واحدهایی است که دارای هدف متمرکز در تولید و فروش با یکدیگر بوده، و دارای رهبری واحد می‌باشند. هدف از تشکیل تراست‌ها تنها انحصار نبوده، بلکه اهداف دیگری مانند بهره‌گیری از روشهای علمی تولید، کم کردن هزینه‌های تولید، بهره‌مند شدن از همکاری‌های گروهی شرکت‌های تشکیل دهندهٔ اتحادیّه و مانند آن را نیز دنبال می‌نمایند.
البتّه همان گونه که مستحضرید بین «کارتل» و «تراست» تفاوتهایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها حفظ شخصیّت اعضا در کارتل، و از بین رفتن استقلال و شخصیّت اعضا در تراست است. لطفاً حکم شرعی تشکیل چنین اتحادیّه‌های تجاری و صنعتی را در قالب کارتل و تراست مرقوم فرمایید.
جواب: در صورتی که حدّ و حدود اختیارات در هر دو قسمت روشن باشد، و ابهامی در شرایط وجود نداشته باشد، و در عین حال سبب ضرر و زیان قابل توجّهی به جامعه نگردد، و مانع رشد اقتصادی نشود، مانعی ندارد، ولی در فرض ضرر و زیان تشکیل آنها جایز نیست.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۸

۸- تقلّب

سؤال ۱۵۳۰- این جانب سال گذشته با مدرک کارشناسی رشتهٔ عمران در کنکور فوق لیسانس شرکت کرده، و متأسّفانه با تقلّب کامل (۱۰۰ درصد)، پرسشنامه را پر نمودم. کاری که هم اکنون خود نیز دلیل آن را نمی‌دانم! پس از اعلام نتایج، در شهریور امسال در مقطع فوق لیسانس پذیرفته شدم. با توجّه به این که گزینش، بر حسب نمرهٔ علمی انجام می گیرد، حقّ یک نفر را ضایع و سلب نموده‌ام، بدین جهت دچار عذاب وجدان شدید گشته، و قصد انصراف از تحصیل را دارم. لطفاً بفرمایید وظیفهٔ من چیست؟

جواب: در فرض مسأله، در صورتی که انصراف شما سبب شود فرد دیگری، که در نوبت است، پذیرفته شود، لازم است انصراف دهید، ولی اگر وقت آن گذشته، انصراف لازم نیست. امّا سعی کنید در آینده مطلقاً به سراغ تقلّب نروید، و خطای گذشته و حقّ ضایع شده را با اعمال صالح جهت صاحب حق جبران نمایید.

سؤال ۱۵۳۱- این جانب سال ۶۵ به جبهه رفتم. و نزدیک به ۳ ماه به صورت نیروی داوطلب خدمت کردم. با تحریک یکی از دوستان، خودم را به موجی زدم و برگشتم.

(البتّه دقیقاً نمی‌دانم چرا این کار را کردم.) و به عنوان جانباز ۱۰٪ تشکیل پرونده دادم. پس از مدّتی که مشغول خدمت در شغل مقدّس معلّمی بودم، آتش عشق پزشکی در من شعله‌ور گشت، و همین عشق باعث شد که سه روز مرخّصی پزشکی جبهه را به ۳ ماه تغییر داده (که در کلّ شش ماه شد) و از این طریق با سهمیّهٔ رزمندگان قبول شدم. به این ترتیب به خاطر ۶ ماه جبهه و ۱۰٪ جانبازی ۲ گروه به حقوقم (حقوق معلّمی) اضافه شد، و در کل حقوق لیسانس را برایم منظور کردند.

همچنین از طریق ۱۰٪ جانبازی توانستم حکم مأمور به تحصیل گرفته، و به تحصیل ادامه دهم. لطفاً به سؤالهای من جواب دهید:

۱- آیا حقوق اضافی که منظور داشته‌اند، حرام است؟ اکنون باید چه کنم؟

۲- اگر حرام است، اضافه حقوقی که در این مدّت گرفته‌ام را چگونه جبران کنم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۴۹

۳- آیا به این ترتیب که در دانشگاه قبول شده‌ام، برای من مسئولیّت شرعی دارد؟ برای پاك شدن گناهانم چه کنم؟

جواب: راه حلّ مشکل شما این است که از سهمیّهٔ جانبازان و رزمندگان استفاده نکنید، و آنچه را گرفته‌اید به صورت مطمئنّی بازگردانید، و از گناه گذشته توبه کنید. ولی مدرک شما چنان چه از نظر امتحانات و غیره، مانند سایرین باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۳۲- در سال ۷۵ دخترم در دانشگاه آزاد اسلامی قبول شد، ولی ریاست دانشگاه از ثبت نام و ورود ایشان جلوگیری بعمل آورد. پس از حدود ۸ ماه مکاتبه و رفت و آمد جویای علّت شدم. اعلام نمودند که بر طبق حساب احتمالات قبولی نامبرده تقلّب محسوب میگردد. سؤال این است:

آیا حساب احتمالات در حقوق اسلامی جایگاهی دارد، و می‌تواند باعث حکمی گردد، و سرنوشت یک انسان را رقم بزند؟

جواب: اگر حساب احتمالات بر یک پایهٔ متقن علمی استوار باشد، و موجب قطع و یقین گردد، می‌توان بر طبق آن قضاوت نمود، و اگر به این شکل نباشد، نمی‌توان کسی را به خاطر آن از نتیجهٔ امتحانات محروم کرد.

۹- تکدّی‌گری

سؤال ۱۵۳۳- با توجّه به این که با «تکدّی گری» به عنوان یک جرم برخورد قانونی نمی‌شود، بعضاً افرادی تحت عنوان فقیر و تهیدست در سطح شهر به تکدّی گری مشغولند. و مردم خیرخواه با دیدن وضعیّت ظاهری این افراد، از روی رأفت به آنها کمک می کنند. از آنجا که توافقی دربارهٔ جمع آوری متکدّیان از سطح شهرها منعقد شده، و مسئول جمع آوری آنان شهرداری و نیروی

انتظامی، و مسئول نگهداری آنها سازمان بهزیستی در مرکزی به نام هدایت است، و در مدّت زمانی که متکدّیان در این مرکز نگهداری می‌شوند تا به خانواده‌هایشان تحویل گردند، احتیاج به استحمام، غذا، لباس، اصلاح سر و صورت و مانند آن دارند، لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۰

۱- طبق دستور العملی که از طرف سازمان به مرکز ابلاغ شده، برای نگهداری هر نفر در هر شبانه روز، ۱۵۰۰۰ ریال از آنها گرفته می‌شود. آیا گرفتن این مبلغ مشروع است؟ در صورت مشروع بودن، چنانچه مبلغی اضافه بر آن گرفته شده باشد، چه حکمی دارد؟ (لازم به ذکر است که این پول خرج خودشان یا متکدّیان دیگر می گردد.)

۲- بعضی از متکدّیان محجورند، و قوّهٔ عقلانی آنها زایل شده است، و بعضاً پول هنگفتی دارند، و خانواده‌های تعدادی از آنها نیز مشخّص نیست، و چون ما برای همیشه نمی‌توانیم از آنها نگهداری نماییم، مجبوریم بعد از چند روز آنها را به شهرستان محلّ اقامتشان اعزام نماییم، و خوف این است که پولشان را از دست بدهند. آیا جایز است پول این افراد گرفته شود، و به سازمان بهزیستی تحویل گردد، تا مورد استفادهٔ سایر مددجویانی که تحت پوشش هستند، قرار بگیرد؟

جواب: اوّلًا: با توجّه به این که این مسأله از نظر شرعی پیچیده است، باید نسبت به آن با دقّت و احتیاط عمل کنید، تا ان شاء اللّه مرتکب خلاف شرع نشوید.

ثانیاً: آن دسته از متکدّیان که پول هنگفت دارند، اموالشان جزء مجهول المالک است؛ به استثنای هزینهٔ یک سال که مال خود آنهاست، و مصرف کردن پولهای اضافی برای فقرای دیگر اشکالی ندارد. و آنها که پول کمی دارند متعلّق به خودشان است، و می‌توان برای مخارج آنها از آن پول استفاده کرد. ولی مبلغ پانزده هزار ریال در یک روز، در مقابل خدماتی که به آنها داده می‌شود، مبلغ زیادی است. مگر این که واقعاً مریض باشند و به این مقدار در شبانه روز نیاز باشد.

ثالثاً: آنها که از کار افتاده هستند نباید اموالشان را صرف دیگران کرد؛ چرا که با گذشت سال بازهم گرفتار خواهند بود.

سؤال ۱۵۳۴- همان‌طور که مستحضرید، قانون مجازات اسلامی در موادّ ۶۱۲ و ۶۱۳ «تکدّی گری» را جرم دانسته، و برای آن مجازات حبس تعیین نموده است. لطفاً نظر شریف خود را در مورد وصف جزایی و حرمت شرعی آن بیان فرموده، و بفرمایید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۱

مسئول پیشگیری، پیگیری و رسیدگی به آن، در نظام حکومت اسلامی، کدام مرجع قانونی است؟

جواب: کسی که نیاز ندارد، حرام است تکدّی کند، و حتّی در صورت نیاز، حکومت اسلامی باید ترتیبی دهد که به طریق آبرومندی نیاز آنها تأمین گردد، و اجرای این دستور، بر عهدهٔ نیروی انتظامی و قضایی است، یا مقام دیگری، که از طرف حکومت تعیین می‌شود.

۱۰- جبران خسارت

سؤال ۱۵۳۵- سازمان بین الملل در جنگ عراق و کویت به عنوان خسارت مبالغی از دولت عراق گرفته و بابت پول نفت به کسانی که از کویت بیرون رفته، یا به اشخاصی که متضرّر شده‌اند می‌پردازد. آیا گرفتن این پول، که حقّ مردم عراق است، مشروعیّت دارد؟

جواب: در صورتی که خسارتی دیده‌اند، می‌توانند به مقدار خسارتشان دریافت کنند.

سؤال ۱۵۳۶- افرادی از کشور ما و کشورهای دیگر در بازار کویت کسب و کاری داشته، و به صورت نقد و نسیه معامله می‌نموده‌اند، که با شروع جنگ فرار کرده، طبعاً این مهاجرت اجباری ضررهایی در پی داشته است. در صورتی که به دولت کویت

شکایت شود و پی گیری گردد، ممکن است این خسارات از عراق گرفته و به افراد مذکور داده شود. آیا گرفتن این پول مشروع است؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۵۳۷- در یک حادثهٔ رانندگی، تاکسی فرد غیر مقصّر متحمّل خساراتی گردیده، که طبق نظر کارشناس یک ماه برای تعمیر آن وقت نیاز است. با توجّه به این که رانندهٔ تاکسی ماهیانه مبلغ هشتصد هزار ریال در آمد داشته، آیا حق دارد علاوه بر خسارات وارده، مبلغ مذکور را نیز از رانندهٔ مقصّر مطالبه نماید؟

جواب: به مقداری که برای تعمیر اتومبیل وقت لازم است، باید خسارت آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۲

مدّت را نیز بپردازد. یعنی علاوه بر خسارات اتومبیل، مال الاجارهٔ ماشین را نیز به او بدهد.

سؤال ۱۵۳۸- اگر کسی، دیگری را توقیف غیر قانونی کند، یا بر او آسیب رسانده، و وی را راهی بیمارستان کند، یا مال او را تخریب، یا تصرّف غیر قانونی، یا غصب نماید، لطفاً بفرمایید:

۱- نظر حضرتعالی در مورد منافع کاری که مجنیّ علیه در مدّت توقیف، یا بستری در بیمارستان، از آن محروم شده، یا منافع مالی که به خاطر ترمیم مال تخریب شده، یا تصرّف غیر قانونی، یا غصب از بین رفته، و مالک از آن منتفع نشده چیست؟

۲- با توجّه به مسائل فوق آیا از دست دادن منافع ممکن الحصول (عدم نفع) قابل جبران است؟

۳- آیا از دست دادن منافع ممکن الحصول (عدم نفع) ضرر است؟

۴- اگر این منافع را قابل جبران می‌دانید، بر اساس کدام قاعده قابل جبران است، و استدلال حضرتعالی در این مورد چیست؟

۵- آیا قاعدهٔ لا ضرر شامل ضرر عدمی هم می‌شود؟

جواب: در مواردی که عرفاً ضرر و زیان و خسارت صدق کند می‌توان از قاعدهٔ لا ضرر استفاده کرد، خواه دربارهٔ عبد باشد یا حرّ، و ما معتقدیم که لا ضرر همان گونه که نفی حکم می‌کند، احکامی که جبران‌کننده ضرر است را نیز اثبات می‌نماید.

۱۱- حقوق

الف) حقّ الطبع

سؤال ۱۵۳۹- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- آیا حقوق مالکیّت‌های فکری، مانند حقّ تألیف، ترجمه، طبع و اختراعات، شرعی است؟

۲- راجع به انحصار تجارت در کالاهای اساسی، فتوای حضرتعالی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۳

جواب ۱ و ۲: حقّ الطبع و حقّ التألیف، و همچنین حقّ استفاده از اختراعات، حقوق معتبری است که تجاوز به آن جایز نیست. ولی انحصار در تجارت اگر مثلًا از سوی یک کارخانه باشد که بگوید: «تولیدات خود را منحصراً در اختیار یک نماینده قرار می‌دهد» اشکالی ندارد، و اگر منظور این باشد که شخص یا گروهی منحصراً حق فروش چیزی را داشته باشند، و دیگران نداشته باشند، چنین چیزی نامشروع است، مگر این که حکومت اسلامی روی مصالحی چنین چیزی را لازم و ضروری بشمارد.

سؤال ۱۵۴۰- برخی از کتابها که در دانشگاهها به عنوان مرجع معرّفی می‌شود، در کشورهای دیگر به چاپ رسیده، و برخی ناشران داخلی کشور بدون رعایت حقّ چاپ (که در عرف بین الملل جزء حقوق ناشر شناخته شده، و در ابتدای کتابها به این موضوع

تصریح گردیده،) این کتابها را چاپ کرده، و با قیمت کمتر در اختیار عموم قرار می‌دهند. استفاده از این کتابها، یا نشریّات، در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

الف) در رشته‌های فنّی استفاده از این منابع ضروری، و عدم استفاده موجب مشقّت است. مخصوصاً که قیمت کتاب اصلی بسیار زیاد است.

ب) نویسندگان این کتابها لزوماً کافر، یا کافر حربی نیستند؛ یا حدّ اقل ما اطّلاع نداریم.

ج) تا آنجا که مطّلع هستیم، کشور ما قانون حقّ چاپ را امضا نکرده است. اگر امضا کند، حکم چگونه خواهد بود؟

د) در صورتی که تهیّهٔ این کتب حرمت داشته، تکلیف ما در قبال کتابهایی که قبلًا تهیّه کرده‌ایم چیست؟

ه) این حربه به عنوان اهرمی سیاسی علیه کشورهای اسلامی استفاده می‌شود، امّا با توجّه به این که نویسندگان این کتابها بعضاً دانشمندان بی‌طرفی هستند، که به تحصیل علم مشغولند در صورتی که استفاده از این کتابها مجاز باشد، تکلیف ما در برابر شخص نویسنده چیست؟

جواب: حقّ التألیف یک حقّ عقلایی و شرعی است، و باید آن را رعایت کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۴

مگر این که طرف جزء کفّار حربی، یا کمک آنها باشد. در غیر این صورت، شخصی که آن را چاپ کرده، کار حرامی انجام داده، و شرعاً مدیون و بدهکار مؤلّف است، ولی دلیلی بر این که خریدوفروش خود کتاب حرام باشد، نداریم.

سؤال ۱۵۴۱- اگر یک اثر علمی و هنری در مسابقات علمی، ادبی مشمول دریافت جایزه گردد، و در حال حاضر دسترسی به مؤلّف آن ممکن نباشد، یا فوت نموده باشد، این جایزه متعلّق به چه کسی است؟ آیا ناشری که امتیاز چاپ کتاب را گرفته، در جایزه سهیم می‌باشد؟

جواب: جایزه به ورثهٔ او می‌رسد، و در صورتی ناشر شریک در آن خواهد بود که جایزه تنها تعلّق به متن کتاب نگرفته باشد، بلکه کیفیّت نشر آن نیز مشمول جایزه شده باشد.

سؤال ۱۵۴۲- تکثیر نشریّات و کتب علمی متعلّق به دیگران، به همان زبان و شکلی که چاپ شده، و به قصد فروش و بهره‌برداری مادّی از طریق چاپ و عکس‌برداری چه حکمی دارد؟ حذف یا تغییر نام مؤلّف در چاپ اثر چگونه است؟

جواب: حقّ تألیف، و همچنین حقّ نشر، از حقوق عقلائیّه است، و عدم رعایت آن، در عرف عقلا ظلم محسوب می‌شود؛ بنابراین حرام است. و اگر نام مؤلّف تغییر داده شود، علاوه بر گناه ناشی از ظلم متضمّن گناه ناشی از دروغ نیز می‌باشد.

سؤال ۱۵۴۳- آیا حقّ طبع و نشر، شرعی و قابل تملّک و نقل و انتقال است؟

جواب: آری، حقّ طبع و نشر شرعی است. و قابل واگذاری با عوض یا بدون عوض می‌باشد.

سؤال ۱۵۴۴- آیا شرعاً می‌توان مطالب سخنرانی فردی را ضبط یا یادداشت نمود، یا خطبه‌ها و موعظه‌ها و دروسی که استاد تدریس می‌کند را جمع‌آوری کرد، و بدون ذکر مآخذ و منابع، و بدون اجازهٔ صاحب اثر، آن را انتشار داد؟ اموالی که از این راه به دست می‌آید، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۵

سؤال ۱۵۴۵- آیا از نظر شما حق تألیف، حقّی مشروع و قابل واگذاری است؟

جواب: حق تألیف از حقوق عقلائیّه است، که شارع مقدّس بر اساس عمومات کتاب و سنّت آن را امضا نموده است، زیرا در عرف عقلا، عدم رعایت آن نوعی ظلم محسوب می‌شود، و قابل واگذاری است.

سؤال ۱۵۴۶- آیا می‌توان تمام یا بخشی از کتابی که از بازار خریداری شده را بدون اجازهٔ مؤلّف به صورت نرم‌افزار کامپیوتری درآورد؟ در صورتی که پولی در مقابل عرضهٔ این برنامه گرفته نشود، چه حکمی دارد؟

جواب: باید از مؤلّف آن کتاب، در صورتی که در قید حیات است، و از ورثهٔ او اگر رحلت کرده، اجازه بگیرد. این در صورتی است که نرم‌افزار را برای انتشار تهیّه کند؛ نه برای استفادهٔ شخصی.

ب) کپی‌رایت

سؤال ۱۵۴۷- آیا می‌توان برنامه‌های کامپیوتری، که توسّط مسلمانان یا کفّار غیر ذمّی تولید شده، را بدون جلب رضایت صاحبان اصلی آن تکثیر کرد؟

جواب: تمام افرادی که جان و مال آنها محترم است، حقّ امتیازات آنها نیز محترم است.

سؤال ۱۵۴۸- آیا در ضمن فروش برنامه‌های کامپیوتری می‌توان شرط عدم تکثیر کرد؟ آیا نوشتن این شرط در ابتدای این برنامه‌ها کفایت می‌کند، یا باید لفظاً و به هنگام فروش گفته شود؟

جواب: شرط در ضمن معامله به هر صورت باشد تفاوت نمی‌کند. بلکه همان گونه که در بالا گفته شد، بدون شرط نیز تکثیر جایز نیست.

سؤال ۱۵۴۹- آیا استفاده از برنامه‌های کاربردی کامپیوتری دیگران جهت تولید نرم‌افزارهایمان، و فروش برنامه‌های جدید مستلزم جلب رضایت و اذن آنها می‌باشد؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۵۵۰- سؤالی در رابطه با کپی کردن، یا به اصطلاح رایت، های

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۶

کامپیوتری دارم. توضیح این که: برنامه‌های کامپیوتری اعم از فیلم، برنامه‌های آموزشی و سرگرمی، که امروزه ساخته می‌شود، آنها را روی قطعه‌ای به نام، و یا دیسکت کامپیوتری پیاده می‌کنند. و شخص با صرف هزینه‌ای بعضاً گزاف اقدام به ساختن برنامهٔ کامپیوتری می‌نماید. پس از ساختن برنامه، شخص برنامه ساز به چند صورت ممکن است عمل کند:

الف) روی خود برنامه کاری انجام می‌دهد، که به اصطلاح برنامه قفل شود، و نتوان از آن کپی برداشت، و فقط با اصلی بتوان از برنامه استفاده کرد. امّا جدیداً با یک سری ترفندها می‌توان قفل را شکست، و از اصلی کپی کرد.

ب) بر روی برنامه قفل نگذارد، امّا اعلام دارد که حقّ چاپ و تکثیر ممنوع است.

ج) نه قفل بگذارد، و نه اعلام کند که چاپ و تکثیر ممنوع است، و به عبارتی اعلام موضع نکند. با توجّه به این توضیحات لطفاً بفرمایید:

۱- آیا شخص برنامه ساز می‌تواند چنین حقّی را از خریدار یا دیسکت سلب کند؟ و در صورتی که جواب مثبت است، آیا این حق فقط برای برنامه ساز مسلمان است، یا غیر مسلمان و مجهول المذهب نیز همین حکم را دارد؟

جواب: کسی که برنامه‌ای را می‌سازد بدون رضایت او نمی‌توان از آن کپی کرد، مگر این که از کفّار حربی باشد.

۲- آیا می‌توان گفت: «اگر برای استفادهٔ شخصی باشد اشکال ندارد؛ اما اگر کپی‌برداری را منبع کسب خود قرار دهد اشکال دارد.»؟

جواب: فرقی نمی‌کند.

۳- آیا نوار کاست و نوارهای ویدویی، حکم های کامپیوتری را دارند؟

جواب: آری نوار کاست و ویدئو نیز حکم بالا را دارند.

ج) حقّ الاختراع

سؤال ۱۵۵۱- آیا مخترع نسبت به اختراع خود دارای حقّ خاصّی است، به گونه‌ای که دیگران نتوانند از آن الگوبرداری و مونتاژ نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۷

جواب: آری، اختراع نیز با شرایط خاصّی در عرف عقلا، حقوقی برای مخترع می‌آورد که رعایت آن شرعاً واجب است.

د) حقّ همسایه

سؤال ۱۵۵۲- احداث درب به سمت ملک غیر، در ملک و دیوار اختصاصی، امّا بدون قصد عبور از ملک غیر، چه حکمی دارد؟ در صورتی که قصد عبور داشته باشد، آیا می‌توان مالک را فقط به عدم عبور (مثلًا با گذاشتن مانع) ملزم نمود، یا می‌توان وی را به قلع درب احداثی الزام کرد؟ در این صورت هزینهٔ قلع آن در، و ترمیم دیوار بر عهدهٔ کیست؟

جواب: جایز نیست، و باید به طور کلّی بسته شود، و هزینهٔ آن بر عهده کسی است که در را نصب کرده است.

سؤال ۱۵۵۳- زید و عمرو هر دو خانهٔ مستقلّی دارند، ولی دیوار این خانه‌ها در یک سمت مشترک است. اکنون زید قصد دارد خانهٔ خود را بکوبد و از نو بسازد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر بر اثر این کار خسارتی به ساختمان عمرو وارد شود، آیا زید ضامن خسارت وارده می‌باشد؟

۲- آیا زید حقّ دارد برای استیفای حقّ خود بدون اجازه و رضایت همسایه در دیوار مشترک تصرّف کند؟

جواب: پایه‌های مشترک، که سقف هر دو خانه روی آن قرار دارد، متعلّق به هر دو می‌باشد، و به صورت مشاع است، و باید با رضایت یکدیگر در آن تصرّف کنند. و اگر می‌خواهند حق خود را جدا نمایند، با توافق طرفین صورت گیرد، و چنانچه در نحوهٔ بهره گیری برای بازسازی، اختلافی پیش آید، باید با نظر دو کارشناس مورد اطمینان عمل شود.

سؤال ۱۵۵۴- اگر صاحب ملکی، از ملک خودش، برای رفتن به پشت بام، یا بهار خواب ملک خود دری باز کند، چه حکمی دارد؟ آیا تحصیل رضایت همسایه لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۸

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که مزاحمتی برای همسایگان تولید کند.

سؤال ۱۵۵۵- آیا لازم است که ارتفاع ملک بالاتر از ملک همسایه نباشد؟

جواب: لزومی ندارد.

سؤال ۱۵۵۶- آیا ایجاد حصار، یا دیوار در اطراف ملک جهت اشراف نداشتن (صاحب ملک به ملک همسایه و بالعکس) نیاز به تحصیل رضایت همسایه دارد؟

جواب: در فرض مسأله تحصیل رضایت همسایه لازم نیست.

سؤال ۱۵۵۷- باز کردن پنجره به سمت حیاط همسایه در صورتی که به منازل اطراف اشراف کامل داشته باشد چه حکمی دارد؟ اگر مالک مقداری در زمین خود عقب‌نشینی کرده، و به همین خاطر چنین پنجره‌هایی را در چند طبقه گذاشته باشد، مجوّز اقدام وی خواهد بود؟

جواب: در فرض مسأله که عقب‌نشینی کرده، اگر مزاحمتی ایجاد نکند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵۸- شهرداری شهر ما، بدون توجّه به لزوم نگهداشت حریم حجاب اسلامی، مبادرت به صدور پروانهٔ ساختمانهای چندین طبقهٔ مشرف به منازل دیگر نموده، و این کار موجب زحمت خانمهای ساکن ساختمان‌های فوق شده است. حکم شرع چیست؟

جواب: ساختمانها نباید طوری ساخته شود که همسایگان برای حفظ حجاب خود در منزل به زحمت بیفتند.

سؤال ۱۵۵۹- دیوار اختصاصی همسایه رو به خرابی است. و با خراب شدن آن، مالك مجاور متحمّل ضرر می گردد. چنانچه وضع ویژهٔ ملك به گونه‌ای باشد که دفع ضرر جز با تخریب و بازسازی دیوار ناممکن، یا مستلزم ضرری تحمل‌ناپذیر و هنگفت برای مالك مجاور باشد، آیا می‌توان همسایه را اجبار به تخریب دیوار و بازسازی آن نمود؟

جواب: اگر بر اثر ریزش دیوار همسایه، خسارتی بر همسایهٔ دیگر وارد می‌شود، صاحب دیوار موظّف است کاری کند که جلوی خسارت گرفته شود، و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۵۹

اگر راه منحصر به تخریب و بازسازی باشد، می‌توان او را ملزم به این کار کرد.

سؤال ۱۵۶۰- اگر کسی بدون اذن و رضایت پدر، یا مادر، یا برادر، یا فرزند ذکور، یا پدر زن، یا مادر زن، یا شوهر دختر، یا شوهر خواهر خود، وارد خانهٔ آنها شود، آیا کیفر او همان مجازات ورود به عنف است، که برای دیگران مقرّر گردیده یا تفاوت دارد؟

جواب: فرقی نمی کند.

ه) حقوق والدین

سؤال ۱۵۶۱- آیا اطاعت از پدر در ترك مستحبّ، یا انجام مکروه، واجب است؟

جواب: اگر مخالفت با آن، موجب ایذای وی گردد، واجب الإطاعه است.

سؤال ۱۵۶۲- عاقّ والدین به چه معناست؟ در چه شرایطی تحقّق می‌یابد؟ آثار آن چیست؟

جواب: هر کاری که موجب ایذا و اذیّت والدین گردد، به معنای عاقّ والدین است، مگر در مواردی که تکلیف واجب یا حرامی باشد، و به انسان دستور مخالفت با آن را بدهند.

سؤال ۱۵۶۳- مقام مادر بالاتر است، یا پدر؟ در مقام تعارض بین اطاعت امر پدر و مادر، کدام را ترجیح می‌دهیم؟

جواب: مقام هر دو والاست، و تا می‌توانید در میان آن دو جمع کنید، و در صورتی که امکان نداشته باشد، بر حسب اهمیّت موارد باید عمل گردد، و آنچه مهم‌تر است، مقدّم شود.

سؤال ۱۵۶۴- اگر مادری نوه‌اش را به قتل برساند، فرزندش (پدر مقتول) حق دارد قاتل را قصاص نماید. این در حالی است که طبق آیات قرآن و روایات اسلامی، فرزند حق کوچکترین اذیّت نسبت به پدر یا مادر را ندارد، و اگر فرزند از مادرش برای قصاص شکایت کند، موجبات نارضایتی وی را فراهم می‌آورد. حال سؤال این است: آیا احکام فقهی با محرّمات الهی در تعارض است؟ اگر در تعارض نیست، مثال بالا چگونه توجیه می گردد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۰

جواب: احقاق حقوق کردن در برابر ظلم پدر و مادر شرعاً اشکالی ندارد، و از آن قاعده مستثنی است؛ ولی هر قدر گذشت نماید بهتر است.

و) حقّ فرزند

سؤال ۱۵۶۵- پسرم پایبند به احکام شرع نیست، به گونه‌ای که تمام اعضای خانواده از کارهای او به ستوه آمده‌اند! عربده‌کشی‌های

او باعث ناراحتی خانواده، و حتّی همسایه‌هاست! در خانه نوارها و فیلم‌های مبتذل نگاه می‌کند، و سایر فرزندانم نیز گاهی به آن فیلمها نگاه می‌کنند! از هر طریقی با او برخورد کردم، به شکست انجامید. وظیفهٔ من نسبت به ایشان چیست؟ آیا می‌توانم او را از خانه بیرون نموده، و از زمرهٔ فرزندانم خارج نمایم؟

جواب: بازهم از تأثیر سخن مأیوس نشوید. سعی کنید از طریق تشویق و محبّت و وعده و مانند آن در او نفوذ نمایید. یا بعضی افراد را سفارش کنید با او دوست شوند، و ببینند درد اصلی او کجاست؟ ای بسا مشکلی دارد که صریحاً نمی‌گوید، و از این طریق حل می‌شود. اگر همهٔ این امور را انجام دادید، و به نتیجه نرسیدید، و پیوسته منشأ فساد بود، اخراج او از خانه مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶۶- فرزند نامشروع از بعضی حقوق اجتماعی محروم است، در صورتی که کودك گناهی ندارد، بلکه گناه بر دوش مرد و زنی است که مرتکب این عمل شنیع و زشت شده‌اند، و آنان باید از حقوق اجتماعی محروم شوند، فلسفهٔ این حکم چیست؟

جواب: حقوق اجتماعی، که ولد الزّنا از آن‌ها محروم است، بسیار محدود می‌باشد، و تأثیر چندانی در سرنوشت کودك ندارد.

ز) حقّ النّاس

سؤال ۱۵۶۷- آیا خیانت در امانت حقّ النّاس و قابل گذشت است؟ یا حقّ اللّه است، و غیر قابل گذشت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۱

جواب: در صورتی که خیانت در امانت سبب اتلاف عین، یا منفعت شده حق النّاس است، و باید خسارت را به صاحب آن بدهد.

سؤال ۱۵۶۸- آیا معاونت در جرم، حقّ النّاس است، یا حقّ اللّه تعالی؟

جواب: موارد مختلف است؛ گاه حق اللّه است و گاه حق النّاس.

سؤال ۱۵۶۹- آیا تحقّق جرم و وقوع معان علیه، شرط تحقّق معاونت در جرم است؟

جواب: البتّه تا جرم محقّق نشود، معاونت در جرم صدق نمی‌کند.

سؤال ۱۵۷۰- راه رهایی از حقّ النّاس چیست؟

جواب: اگر صاحب آن را می‌شناسید، حقّ او را بپردازید، یا حلیّت بطلبید، و اگر نمی‌شناسید، معادل آن را از طرف صاحب اصلی به شخص نیازمندی بدهید.

سؤال ۱۵۷۱- ردّ مظالم یعنی چه؟

جواب: منظور اموال حرامی است که در دست انسان است، و صاحبان آن را به هیچ وجه نمی‌شناسد، که باید با اجازهٔ مجتهد صرف فقرا شود.

سؤال ۱۵۷۲- کسی که مظالمی بر عهده دارد و چون صاحب آن را نمی‌شناسد باید صدقه دهد، اگر خود جنس (نه پول آن) را صدقه دهد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مظالم جنسی مانند روغن و حبوبات و امثال آن بوده، می‌توان مثل آن را به فقیر داد، ولی اگر پول بوده، باید پول صدقه داد.

ح) حقّ المارّه

سؤال ۱۵۷۳- اگر انسان به باغی برود، و نداند که صاحب باغ نسبت به کندن میوه رضایت دارد یا نه، آیا می‌تواند از میوه‌های درختان باغ در حدّ نیاز استفاده نماید؟

جواب: در صورتی که باغ محصور نباشد، یا شاخه‌هایش بیرون آمده باشد، و به قصد عبور از آن راه برود نه به قصد باغ و چیدن

میوه، در این صورت استفاده به مقدار نیاز خوردن (نه بردن) اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۷۴- استفاده از میوه‌های درختانی که در خیابانها و پیاده روها وجود دارد، تا چه حدّی مجاز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۲

جواب: استفاده از میوه‌هایی که در عرف و عادت محل برای همه مباح شده، مانند توت در بسیاری از مناطق، اشکالی ندارد، ولی غیر آن متعلّق به صاحبان آن است، و اگر ملک بیت المال باشد متعلّق به دولت است.

ط) حقّ ارتفاق

سؤال ۱۵۷۵- زید با رضایت و بطور مجّانی و «بصورت مطلق» در ملک خود به عمرو حقّ ارتفاقی داده، و بعد از مدّتی پشیمان می‌شود. آیا حقّ ارتفاقی عمرو ساقط می‌گردد؟

جواب: حقّ ارتفاقی نوعی اباحهٔ منفعت و قابل بازگشت است؛ مگر این که ضرر و زیانی برای صاحب حق گردد، که باید جبران شود.

۱۲- حکومت اسلامی

سؤال ۱۵۷۶- با توجّه به روایات معتبر که می‌فرماید: «بر امام است که دین بدهکارانی که قادر به ادای آن نیستند، را بپردازد.» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا حکومت اسلامی وظیفه دارد دیون بدهکاران معسر را بپردازد؟

ب) در فرض تکلیف حکومت اسلامی، منبع پرداخت این دیون صرفاً صدقات و زکات است، یا در فرض کمبود صدقات، باید از بیت المال پرداخت شود؟

ج) آیا باید احراز شود که دین به واسطهٔ انفاق بر عائله و در راه طاعت خدا بوده، نه بر اثر اسراف و صرف در معصیت؟ یا همین که معلوم نشود در چه راهی صرف نموده، و بتوان حمل بر صحّت کرد کفایت می‌کند؟

جواب الف تا ج: در صورتی که حکومت اسلامی توانایی داشته باشد باید از محلّ زکات (اگر در اختیار دارد) دیون مدیونین را بپردازد، و کافی است که آنها ظاهر الصّلاح باشند.

سؤال ۱۵۷۷- در نظام اسلامی، مسائلی چون رأی دادن، شرکت در راه‌پیماییها، و امثال آن، از نظر فقهی چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۳

جواب: در بسیاری از اوقات واجب است.

سؤال ۱۵۷۸- رابطهٔ حکم حکومتی با احکام اوّلیّه و ثانویّه چیست؟ آیا احکامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی زمان خود، و همچنین نصب افراد به مناصب مختلف حکومتی صادر می‌کردند، از مصادیق احکام حکومتی است؟

جواب: آنچه در بالا- نوشته‌اید از احکام حکومتی است، و احکام حکومتی عموماً به یک کبرای کلیّه، که در زمرهٔ احکام عناوین اوّلیّه یا ثانویّه است، بازمی‌گردد. به تعبیر دیگر، احکام حکومتی در طول احکام اوّلیّه و ثانویّه است، نه در عرض آنها.

سؤال ۱۵۷۹- همان گونه که مستحضرید واردات خودرو به کشور، در این ایّام ممنوع می‌باشد، و بهای فعلی اتومبیل پیکان بیش از ۵ میلیون تومان است. و حد اکثر وُسع بنده در حال حاضر به زحمت حدود همان مبلغ است. بنده با جستجو در اینترنت متوجّه شدم که می‌توانم یک اتومبیل نو یا دست دوّم با حد اکثر ۴ سال کار کرد را به مبلغ ۲ تا ۴ هزار دلار بخرم. با احتساب قیمت آزاد دلار

قیمت ماشین مذکور ۰۰۰/ ۶۰۰/ ۱ تا ۰۰۰/ ۲۰۰/ ۳ تومان می‌شود، که اگر دولت بخواهد حتّی تا ۱۰۰٪ گمرکی روی آن اضافه کند، بهای آن به ۰۰۰/ ۲۰۰/ ۳ تا ۰۰۰/ ۴۰۰/ ۶ تومان می‌رسد که قابل تحمّل است. در ضمن امکان خرید قسطی واقعی، یعنی پرداخت ما بقی پول پس از تحویل ماشین به صورت ماهانه وجود دارد. خودروی مذکور از جهات مختلفی، همچون استحکام، مصرف بنزین، آلودگی هوا و مانند آن با پیکان قابل مقایسه نیست. با توجّه به تمام این جهات اگر شخصی مجبور به خرید اتومبیل داخلی شود، در حالی که تمایل به خرید آن ندارد، مسئولیّت شرعی حوادث و خطرات جانی احتمالی با چه کسی است؟

جواب: تمام کشورها برای ورود اجناس خارجی به کشور خود، جز در موارد محدود، شرایط و قیودی قائلند، زیرا باز بودن دروازه‌ها به طور مطلق، تمام امور اقتصادی یک کشور را به هم می‌ریزد. بنابراین باید برنامه‌ریزی کنند که ورود چه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۴

اشیایی و به چه اندازه در کشور مصلحت، و ورود چه اشیایی مصلحت نیست. اگر کارشناسان متعهّد نظری دادند، حکومت اسلامی باید آن را دنبال کند و مردم هم باید آن را بپذیرند.

سؤال ۱۵۸۰- آیا تخلّف از قوانین جمهوری اسلامی، مثل قوانین راهنمایی و رانندگی و مانند آن اشکال شرعی دارد؟

جواب: آری، اشکال شرعی دارد.

سؤال ۱۵۸۱- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون «مصلحت» پاسخ فرمایید:

۱- معنای لغوی، اصطلاحی و فقهی مصلحت چیست؟

۲- مصلحت عام یعنی چه؟ معیار و حدود آن کدام است؟

۳- آیا از منظر فقهی و قانونی می‌توانیم در صورت تعارض بین قانون و مصلحت عام، مصلحت عام را بر قانون ترجیح دهیم؟

۴- صورت فقهی و شرعی اقدامات و اعمالی که واضع، یا مجری قانون بر پایهٔ مصلحت انجام می‌دهد، چیست؟

۵- آیا حکومت اسلامی می‌تواند بنا بر مصلحت عام در یک رابطهٔ حقوقی، مانند قرارداد حقوقی، حقّ و حقوق شناخته‌شدهٔ اشخاص را نادیده انگارد؟ اگر این اقدام را انجام دهد، بر چه مبنایی است؟

۶- در اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مصلحت نظام اشاره شده است؛ معیار قانونی و حدّ و حدود و تعریف این مصلحت چیست، و با چه مبنایی شناخته می‌شود؟ آیا این مجمع می‌تواند بر پایهٔ این مصلحت، قانونی را نسخ یا وضع نماید؟

جواب: مصلحت در فقه اهل سنّت مفهومی دارد، و در فقه مکتب اهل بیت علیهم السلام مفهومی دیگر. آنچه از نظر فقه شیعه قابل توجیه است، در سه محور خلاصه می‌شود:

اوّل: آنچه مربوط به حفظ نظام و حکومت اسلامی است.

دوّم: حفظ نظم جامعه؛ بر اساس این دو نوع مصلحت بسیاری از احکام مستحدثه شکل می‌گیرد؛ زیرا حفظ نظام و حفظ نظم جامعه از مهمترین اهداف اسلام است، که انحراف از آن جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۵

سوّم: آنچه مربوط به تعارض اهمّ و مهمّ است؛ یعنی هرگاه دو مصلحت که مورد توجّه و قبول فقه اسلام است، در مقابل یکدیگر قرار گیرند، باید مصلحت اهمّ را ترجیح داد و مهمّ را فدای آن کرد.

برای مثال در قسمت اوّل، می‌توان مسائل مربوط به انتخابات، شرایط ویژهٔ رئیس جمهوری، و نمایندگان و انتخاب کنندگان را در نظر گرفت. و در قسمت دوّم، مسائلی مانند نظام بانکداری، و بخش مهمّی از نظام پولی، و مسائل اقتصادی امروز را، به عنوان مثال می‌توان ذکر کرد. و در قسمت سوّم محدود کردن پاره‌ای از معاملات، و صادرات و واردات کشور، که سلطهٔ مردم را بر اموالشان محدود می‌سازد، ولی اهداف مهمّی را احیا می‌کند، مثال خوبی است.

سؤال ۱۵۸۲- اعتماد به حکومت اسلامی، در صورتی که به طور مکرّر بی‌عدالتی و کذب از برخی مسئولین آن مشاهده شود، چگونه است؟

جواب: برای رسیدن به حکومت اسلامی ایده‌آل، راه درازی در پیش داریم.

باید همه سعی کنیم خلاف کاریها روز به روز کمتر شود.

سؤال ۱۵۸۳- آیا در حکومت اسلامی قوانین موجود می‌تواند بر شرع مقدّس اولویّت داشته باشد؟ آیا در این صورت لازم الاجرا است؟

جواب: با توجّه به این که قوانین از شورای نگهبان می‌گذرد، معمولًا مطابقت آن با شرع مقدّس ملحوظ می‌شود.

سؤال ۱۵۸۴- شهرداری املاک (محلّ کار و سکونت) مردم را بدون رضایت آنان در طرح قرار داده، و چندین خانوار را سرگردان نموده، و ناهنجاریهای زیادی در محیط خانوادگی و زندگی اجتماعی آنان به وجود آورده است. به گونه‌ای که اکنون سه خانوار با نُه سر عائله سالهاست سرگردانند. حکم شرع چیست؟

جواب: جایز نیست دولت املاکی را در طرح قرار بدهد، و تکلیف آنها را روشن نسازد. اگر واقعاً نیاز ضروری به آنها دارد، باید قیمت آنها را به نرخ روز بپردازد، و اگر نیاز ضروری ندارد باید طرح را از روی آنها بردارد. بلا تکلیف گذاشتن خلاف شرع است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۶

سؤال ۱۵۸۵- من در رانندگی موتور نسبتاً خبره هستم. ولی هنوز به سنّ گرفتن گواهینامه نرسیده‌ام. آیا می‌توانم در شهر با موتور رفت و آمد کنم؟

جواب: راندن وسایل نقلیّه بدون گواهینامهٔ رانندگی شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۵۸۶- اگر، مثلًا، در یک منطقهٔ دور افتاده، او امر و نواهی اسلام به طور کامل اجرا نشود، و مسائل رفاهی و حقوق مستضعفان و افراد بینوا پایمال شود، و هیچ نظم مذهبی وجود نداشته باشد، آیا در چنین جایی می‌توان هیئتی تشکیل داد تا ضمن مراعات قواعد و ضوابط، حتّی از مخلّین نظم عمومی جریمه بگیرد، و آن را صرف در امور تنظیم عمومی کند، و در صورت نیاز، متخلّفین را تهدید و با آنها برخورد کند؟

جواب: این گونه امور باید زیر نظر مجتهد جامع الشرائط، یا کسی که از طرف او مأذون است، صورت گیرد.

سؤال ۱۵۸۷- در منطقه‌ای که نه از طرف دولت مورد توجّه است، و نه از طرف سازمانهای دینی نظری به آن می‌شود، اگر یک زن غیر مسلمان فقط به قصد نجات مردم از بی‌سوادی بخواهد مدارسی احداث، و در این مدارس از کتابهای همان دولت و مذهب و از معلّمین همان منطقه استفاده کند، و هیچ غرض دیگری نداشته باشد، و از مردم فقط زمین مدارس را مجّاناً بخواهد، آیا چنین کاری مشروع، و کمک کردن به چنان زنی جایز است؟

جواب: هرگاه مدرسهٔ مزبور زیر نظر مسلمین اداره شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۸۸- معمولًا مردم در دهات برای حفظ نظام، قوانینی جعل می‌کنند. از جمله این که اگر کسی دامهای خود را در زمین، یا مزرعهٔ دیگری بچراند، و به زراعت دیگران ضرر برساند، مبلغ معیّنی از صاحب دام می‌گیرند، در صورت امتناع از پرداخت مبلغ، همان دامی را که ضرر رسانده توقیف نموده، و چنانچه ظرف سه روز جریمه را پرداخت نکند، دام را فروخته، پول جریمه را برداشته، و آن را در موارد نیاز عمومی روستا خرج می‌کنند. اوّلًا: تعیین چنین قوانین و جرایمی در چنان مواردی مجاز است؟ و ثانیاً در صورت جواز، آیا به جای هزار تومان پول جریمه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۷

صورت امتناع، می‌توانند دام او را بفروشند، و همهٔ پول آن را در مورد نیازهای عمومی روستا مصرف کنند؟ البتّه باید توجّه داشت

که اگر در چنین جاهایی نظم و قوانینی وجود نداشته باشد، صد در صد نظام روستا از بین می‌رود، و حقّ ضعفا و یتیمان و بی‌سرپرستان پایمال می‌شود.

جواب: اگر حفظ نظم در آن محیط منوط به این گونه امور است، مانعی ندارد، به شرط این که زیر نظر مجتهد، یا کسی که از طرف او مأذون است، و با رعایت موازین شرع، انجام گیرد. و در هر صورت جرائم باید عادلانه باشد، و زاید بر آن را به صاحبش بر گردانند.

سؤال ۱۵۸۹- این جانب دارای مغازه‌ای هستم که غیر از خودم، چند نفر دیگر از اعضای خانواده در آن شریک و سهیم هستند، و کار می‌کنند. به حمد الله از طفولیّت اهل خمس و وجوهات بوده، و همه سال و جوهات خود را نیز پرداخته‌ایم. بعد از انقلاب اسلامی هر از چندی به هر بهانه‌ای مبلغی را باید پرداخت کنیم. وجوهات که یک سهم مشخص است، و بر هر مسلمانی واجب است آن را پرداخت کند، مالیات نیز سهم هر شهروند، و وظیفهٔ ملّی اوست و آن نیز باید پرداخت گردد. لکن هیچ دلیل و حجّت شرعی برای پرداخت سهم تصاعدی و مانند آن نداریم. آیا جزای فعّالیّت بیشتر برای رونق کشور پرداخت جریمه است؟ اگر فعّالیّت نباید کرد و نباید زحمت کشید، چرا علما از قول معصومین این قدر ما را تشویق به فعالیت می‌کنند؟

جواب: مالیات، در صورتی که ضرورت حلّ مشکلات کشور ایجاب کند، باید به صورت عادلانه باشد، تا مردم را به کار بیشتر و تلاش زیادتر دعوت کند. و به طوری که شنیده شد، اخیراً برنامه‌هایی در دست مطالعه است که مالیاتهای تصاعدی که اثر نامطلوبی در فعّالیّت‌های اقتصادی دارد اصلاح شود.

سؤال ۱۵۹۰- در جمهوری اسلامی ایران چند میلیون دانش‌آموز اهل سنّت وجود دارد، که متولّی آموزش و پرورش آنها نظام اسلامی است. معاونت پرورشی وزارتخانه برای قرآن و نماز و دین‌داری دانش‌آموزان شیعه در داخل و خارج مدرسه در ایّام تعطیل و غیر تعطیل برنامه‌ریزی می‌کند. مثلًا در بخش اقامهٔ نماز، کتابهایی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۸

پیرامون احکام پسران و دختران تألیف نموده، و به مسابقه می‌گذارد. و ممتازان را مورد تشویق قرار می‌دهد. امّا در مورد دانش‌آموزان اهل سنّت تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. با توجّه به این که:

اوّلًا: مسئولیّت این دانش‌آموزان متوجّه نظام اسلامی است.

ثانیاً: تدوین برنامه برای آنها از سوی نظام، زمینه‌ساز اعتماد آنها به نظام و وحدت جامعهٔ اسلامی است.

و ثالثاً: آنها با این کار از بسیاری از خطرها مثل گرایش به وهّابیّت و مکاتب الحادی مصون می‌مانند.

به نظر حضرتعالی تدوین کتابهای احکام طبق فقه اهل سنّت و به مسابقه گذاشتن آن بین دانش‌آموزان اهل سنّت چه صورتی دارد؟

جواب: در جایی که خوف گرایشهای الحادی، یا وهابیّت و مانند آن باشد، انجام این کار با حفظ احترام مکتب اهل بیت علیهم السلام مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۹۱- ما روستاییان شهرستان شیراز سالهای زیادی است که به دامداری و کشاورزی مشغول هستیم. امّا از حدود یک سال پیش تا به حال با مشکل افزایش بسیار زیاد قیمت علوفه و مواد غذایی دام (گاو) روبرو شده‌ایم، و متأسّفانه با وضعیّتی که پیش آمده ادامهٔ این شغل برای ما غیر ممکن است، مگر در صورت اختصاص دادن مقداری آرد به عنوان خوراک دامها. حال با توجّه به این واقعیّت که در صورت ادامهٔ این روند، تقریباً باید این شغل را که جدّاً به وضعیّت اقتصادی کشور کمک قابل توجّهی می‌کند، از دست بدهیم، و پیدا کردن محلّ درآمد دیگر نیز برای مردم روستا بسیار مشکل می‌باشد لطفاً بفرمایید.

الف) حکم شرعی خود را در مورد مصرف آرد توسّط دامها بیان فرمایید.

جواب: اگر منظورتان استفاده از آردهای دولتی مخصوص نان است، این کار جایز نمی‌باشد، ولی استفاده از آردهای آزاد اشکالی

ندارد.

ب) حکم شرعی کسانی که این آردها را به دست دامدارها می‌رسانند، چیست؟

جواب: اگر این سهمیّه مخصوص تهیّهٔ نان است، فروختن آن به دامداران برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۶۹

خوراک دام جایز نیست، و کسانی که این کار را بکنند مرتکب خلافی شده‌اند.

سؤال ۱۵۹۲- منزلی که در آن ساکنیم، و دارای سند رسمی است، به شش نفر ارث رسیده است. مدّتی پیش سازمان میراث فرهنگی، یکی از اتاقهای این منزل را به عنوان آثار باستانی اعلام نموده، و گفته:

۱- حقّ تخریب خانه را ندارید.

۲- حقّ فروش خانه را هم ندارید. مگر این که اتاق مزبور را نفروشید.

با توجّه به این که بعضی از ورثه قصد فروش سهم خود، و برخی دیگر هم قصد تخریب و نوسازی خانه را دارند، و سازمان هم به علّت کسری بودجه نمی‌تواند آن را بخرد، تکلیف ما چیست؟

جواب: چنانچه سازمان میراث فرهنگی ضرورتی در حفظ آن اتاق می‌بینند، باید قیمت عادلانهٔ آن را بپردازد. در غیر این صورت صاحبان خانه حقّ تصرّف در ملک خود را دارند.

۱۳- خرافات

سؤال ۱۵۹۳- آیا دود کردن اسپند برای جلوگیری از چشم بد صحّت دارد؟

جواب: صحّت ندارد؛ ولی می‌گویند: «دود اسفند فضا را ضدّ عفونی می‌کند، و مفید است.»

سؤال ۱۵۹۴- نظر جنابعالی دربارهٔ فال حافظ چیست؟

جواب: فال اعتباری ندارد.

سؤال ۱۵۹۵- اگر فال قهوه برای کار مشروعی انجام شود، چه حکمی دارد؟ مثلًا از این طریق گمشده‌ای را پیدا نموده، یا گره‌ای را باز کند. در این صورت پول حاصل از آن چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: فال قهوه و امثال آن از خرافات است، و شرعاً اعتباری ندارد، و گرفتن پول در مقابل آن جایز نیست.

سؤال ۱۵۹۶- اخیراً آش بی‌بی سه‌شنبه، بی‌بی نور، بی‌بی حور، که نماز و آداب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۰

مخصوصی دارد، رایج شده است. نماز آن صبح سه شنبه قبل از اذان ظهر خوانده می‌شود، و یک حمد و سه قل هو اللّه دارد، که به صورت ۵ رکعتی خوانده می‌شود! ضمناً آرد و حلوای این سفره را نباید نامحرم و پسر نابالغ و آسمان، ببیند! نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: اینها خرافات است؛ و عمل به آن خلاف شرع است. مردم را با زبان خوب مطّلع کنید، تا این کارها را ترک کنند.

سؤال ۱۵۹۷- در بعضی از نقاط کشور، درختهایی از قبیل درخت گز و انگور مشاهده می‌شود، که عدّه‌ای از عوام نخ‌هایی به آنها گره می‌زنند، و اعتقاد به تقدّس، یا شفا گرفتن، یا روا شدن حاجت، و بعضاً شفاعت توسّط آن درختان دارند! و می‌گویند: «در صورت کج اعتقادی و شک نسبت به درخت، حادثهٔ ناگواری برای شخص پیش می‌آید!» عدّه‌ای درختان مزبور را متعلّق به امام علی علیه السلام، یا حضرت أبو الفضل علیه السلام، یا دیگر اولیای الهی دانسته، و می‌گویند: «ما به این درخت‌ها معتقد بوده، و توسّل جسته، و حاجت گرفته‌ایم. و کسانی که درختان مزبور را سوزانده‌اند، مصیبتی به آنها، یا فرزندان، یا بستگانشان رسیده، یا

بیمار شده‌اند.» خواهشمند است بفرمایید:

اوّلًا: عقیده به تقدّس این گونه درختها صحیح است، یا باطل؟

ثانیاً: گره زدن نخ، یا بستن پارچه به این درختها، و گرفتن حاجت از آنها جایز است؟

ثالثاً: آیا سوزاندن، یا از بین بردن چنین درختانی به عنوان مبارزه با خرافات، باعث گرفتاری و مصیبتی برای سوزاننده، یا بستگان او، خواهد شد؟

جواب: این اعتقادات قطعاً از خرافات است، و حاجت خواستن از آنها نوعی شرک می‌باشد، و بر همه لازم است نهی از منکر کنند، و پاداش خود را از خداوند بخواهند.

سؤال ۱۵۹۸- هر از گاهی ورقه‌ای به این مضمون پخش می‌شود که:

«شیخ احمد نامی در مدینه، پیامبر صلی الله علیه و آله را خواب دیده، و ستاره‌ای در آسمان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۱

ظهور می‌کند، و در توبه بسته می‌شود، و ... هرکس بنویسد این‌طور، و اگر ننویسد آن‌طور می‌شود.» آیا این اوراق اعتباری دارد، و باید به آنها توجّه کرد؟

جواب: این اوراق مجعول و بی‌اساس است، و سالهاست که به دست افراد مرموزی پخش می‌شود.

سؤال ۱۵۹۹- اخیراً در یکی از روستاهای استان خراسان شخصی پیدا شده، که در حالت خاصّی فرو می‌رود (خلصه مانند) و از عالم غیب خبرهایی می‌دهد، که با واقعیّت مطابقت دارد! به عنوان مثال، آدرس جمعی از سارقین را می‌دهد، اتومبیلهای گم شده را کشف می‌کند، بعضی از بیماریها را معالجه کرده، و بعضی از قتل‌ها را فاش نموده، و قاتلها را معرّفی می‌نماید! با توجّه به آیهٔ کریمهٔ: «لَا یَعْلَمُ الْغَیْبَ إِلَّا هُوَ» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا آنچه دربارهٔ او گفته می‌شود حقیقت دارد، یا برنامهٔ خاصّی در میان است؟

ب) اگر خرافه است، چگونه با بعضی از واقعیّات جور در می‌آید؟

ج) آیا ارتباط با ارواح میسّر است؟

جواب: این گونه افراد ممکن است گاهی درست بگویند، ولی بسیار می‌شود که خلاف واقع خبر می‌دهند، و این مسأله به تجربه ثابت شده است. و ارتباط با ارواح ممکن است، ولی اینها که مدّعی هستند غالباً در اشتباهند. در این زمینه می‌توانید به کتاب ما «عود ارواح و ارتباط با ارواح» مراجعه کنید.

سؤال ۱۶۰۰- در بعضی از نقاط استان ما، رسوم و عقائد غلطی وجود دارد، که مشکلات فراوانی برای مردم ایجاد کرده است. مثلًا ازدواج و اجرای صیغهٔ عقد را در سیزده روز اوّل فروردین جائز نمی‌دانند، و معتقدند که چنین ازدواجی نحس است! همچنین این ایّام را برای عروسی نحس می‌دانند! مورد دیگر، که اخیراً مشکلی را نیز برای خانوادهٔ خود ما پیش آورده، این است که می‌گویند نباید دو خواهر با دو برادر ازدواج کنند، زیرا این کار باعث می‌شود در شب اوّل که عروس به خانهٔ داماد می‌رود، خواهر دوّم، یا یکی از دو خواهر، از دنیا برود! نظر شما چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۲

جواب: آنچه در بالا نوشته‌اید، جزء خرافات است، و هیچ اعتباری ندارد.

توکّل بر خدا کنید، و به این گونه مطالب اعتنا نکنید.

سؤال ۱۶۰۱- در یکی از نشریّات از قول جنابعالی، که با بررسی ریشهٔ تاریخی سیزده بدر، آن را یک مراسم خرافی معرّفی کرده بودید، چنین آمده است:

«مراسم خرافی سیزده بدر را بررسی کردم، سرچشمه‌اش از نظر تاریخی به اصحاب الرّس، که در قرآن به آن اشاره شده، بر می‌گردد. به حالات اصحاب الرّس در تفاسیر اشاره شده، و در یکی از شروح نهج البلاغه نیز داستان مفصّل آن را چنین یافتم: دوازده شهر یا آبادی بود، که هر شهر و آبادی به یکی از ماههای سال خورشیدی نامیده شده بود؛ آیین مردم آن شهرها بت‌پرستی بود. درختان صنوبر را پرستش می‌کردند. زیرا صنوبر منبع درآمد خوبی برای آنها بود. روز اوّل سال، همهٔ مردم از تمام دوازده شهر یا روستا در شهر فروردین جمع می‌شدند، و مراسم جشنی داشتند. فردا به شهر اردیبهشت می‌رفتند، و در آنجا مراسمی داشتند. روز سوّم به آبادی خرداد می‌رفتند، ... تا به آبادی اسفند که می‌رسید، دوازده شهر تمام می‌شد؛ روز سیزدهم دسته جمعی از آبادیها خارج شده، به بیابانها می‌رفتند، و مراسم سیزده و جشن و پایکوبی و آلودگی به انواع مفاسد را در آنجا برگزار می‌کردند.

بنابراین سیزده بدر سنّتی بوده که از بت‌پرستان باقی مانده است، همانطور که مراسم شب چهارشنبه سوری، که احترامی برای آتش قائل می‌شوند، سنّتی از آتش‌پرستان است.» خواهشمند است صحّت و سقم این مطلب را بیان فرمایید.

جواب: آنچه از ما نقل شده اجمالًا صحّت دارد.

سؤال ۱۶۰۲- چند سالی است حرکتی در برخی مساجد رواج یافته، که به نظر می‌رسد ترویج نوعی خرافه باشد. ماجرا بدین قرار است که در شب اوّل ماه ربیع الاوّل، از حدود نیمه شب تا اذان صبح، افرادی (که غالباً خانمها هستند) با در دست داشتن شمع، پشت درب مساجد تجمّع نموده، و با کوبیدن درب مساجد به صورت آهسته، و خواندن اذکاری، توسّل جسته و حاجات خود را طلب می‌نمایند. و این حال تضرّع در هنگام اذان صبح به اوج خود می‌رسد. کسانی که به این شیوه عمل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۳

می‌کنند، آن را مستند به شنیده‌های خود از بعضی خانمهای جلسه‌ای، و هدف از آن را رفع همّ و غم، و برآورده شدن حاجات، و تسلّی دل حضرت زهرا علیها السلام می‌دانند.

لطفاً بفرمایید:

۱- آیا اساساً چنین عملی مستند روایی دارد؟

۲- آیا چنین عملی (که در حال گسترش می‌باشد) می‌تواند به عنوان یک حرکت شایسته مورد تأسّی دیگران قرار گیرد؟

۳- در صورتی که عمل فوق از جملهٔ خرافات، و یا خدایی نکرده نوعی بدعت باشد، وظیفهٔ ائمّهٔ جماعات و متدیّنین در این خصوص چیست؟

جواب: با توجّه به این که این عمل در روایات معصومین علیهم السلام وارد نشده، انجام آن به عنوان یک امر مستحبّ شرعی جایز نیست، و سزاوار است ائمّهٔ محترم جماعات مردم را به سوی مراسم و توسّلاتی دعوت کنند که در روایات معصومین علیهم السلام وارد شده است، وگرنه ممکن است افراد منحرف برای وهن مذهب هر روز امر تازه‌ای اختراع نمایند، و ناآگاهان را به سوی آن دعوت کنند.

سؤال ۱۶۰۳- در تعطیلات نوروزی به کتابهایی برخوردم که در مورد نقوش و مانند آن بحث کرده بود، و حتّی در مورد این که چگونه (بعنوان مثال) محبّت کسی را به دل شخص دیگری بیندازیم، مطالبی آورده بود. یا مثلًا نقشی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کشیده، و در ذیل آن نوشته بود: «اگر کسی در طول عمر، یک مرتبه به آن نگاه کند، بیمه می‌شود.» آیا این مطالب صحّت دارد؟

جواب: این گونه مطالب اعتباری ندارد، و در کتابهای معتبر نیست.

سؤال ۱۶۰۴- بعضی از خواهران در جلسهٔ دعا، ختمی به نام حضرت جواد الائمه علیه السلام انجام می‌دهند. به این ترتیب که دعای توسّل را قرائت نموده، و هنگامی که به نام امام نهم علیه السلام می‌رسند، حدود یکصد مرتبه «یا جواد الائمهٔ ادرکنی» می‌گویند.

سپس دعـا را ادامه داده، و ذکر مصـیبت می کننـد. شالهـای سبزی هم تهیّه، و به صورت گرو در اختیار سایرین قرار می‌دهنـد. تا این ختم را نذر نموده، و به جا آورند، و حاجت بگیرند. صندوقی هم به این نام مبارک تهیّه، تا به آن هیأت کمک شود. نظر مبارک را بفرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۴

جواب: این کار، کار صحیحی نیست. خواهران می‌توانند دعای توسّل را از اوّل تا به آخر مطابق آنچه در کتاب دعا آمده بخوانند، و ان شاء اللّه نتیجه خواهند گرفت.

سؤال ۱۶۰۵- شخصـی، کـه زنـدگی عـادی خـود را می گذرانـده، ناگهـان دچـار مشـکلات عدیـده می گردد! یکبـاره افسردگی، ناراحتی‌های عصبی، کم خوابی و بی‌حوصلگی، نظم زنـدگی‌اش را از هم می‌پاشـد! با مراجعه به چنـد پزشک متخصّص اعصاب و روان، نه تنها هیـچ گرهی از کار او گشوده نمی‌شود، بلکه روز به روز حالش بدتر می‌شود، تا بالاخره از مراجعه به پزشک ناامید، و به یک ساحر معروف مراجعه می کنـد. وی پس از سـعی و تلاش زیاد، می گوید: «کسـی تو را سـحر کرده، شاید به زودی عمرت به سر آید!» ساحر معروف، با همدستی یک ساحر دیگر، چند عدد تعویذ و دعا را کشف می کند، که اسم آن شـخص روی آن نوشـته شده، و همراه با اشـیای عجیب همچون فولاد، سوزن، اسـتخوان و مانند آن، در یک جا قاب شده بود. ساحر با این که با آن شـخص آشـنا نیست، اسم کسی که این کارها را کرده به او می گوید، او هم به یقین رسیده که عامل این سرگردانی و بدبختی همان شخص است. حال با توجّه به این که تمام زنـدگی وی از هم پاشـیده (البتّه بعد از پیدا شدن و پاره شدن کاغذهای مذکور حالش بهتر شده است) و اگر کمک ساحران نبود تا چنـد روز دیگر رشـتهٔ زنـدگی‌اش از هم پاشـیده می‌شـد. عامل این بدبختی‌ها و رنجهای وی چه تاوانی باید بپردازد؟

جواب: قول ساحران اعتباری ندارد، به آن اعتنا نکنید. دسـتوری به شـما می‌دهم، اگر عمل کنید حال شـما ان شاء اللّه خوب خواهد شـد: نمازها، مخصوصاً نماز صبح را اوّل وقت بخوانیـد، و بعـد از نماز صـبح دست راست را روی سـینه بگذارید، و هفتاد مرتبه «یا فتّاح» بگویید. سـپس ۱۱۰ مرتبه صـلوات بفرستیـد. در هر شـبانه روز پنـج مرتبه آیـهٔ الکرسـی بخوانیـد، و به خود بدمیـد. و هر وقت گرفتار ناراحتی فکری شدید، ذکر «لا حول و لا قوّة الّا باللّه» را بگوئید. این برنامه را تا چهل روز ادامه دهید، ان شاء اللّه مشکل شما برطرف خواهد شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۵

۱۴- دعاها

سؤال ۱۶۰۶- در برخی روایات پیرامون فضیلت خواندن برخی از دعاها، و تسبیحات حضرت زهرا بعد از نماز، آمده است: «هرکس این دعاها و تسبیحات را بخواند مثل این است که تازه از مادر متولّد شده، و هیچ گناهی ندارد.» نسبت به کرم و بخشندگی خداوند هیچ شکّی ندارم، ولی کسی که گناهان فراوانی دارد، آیا با خواندن این دعاها تمام گناهانش بخشیده می‌شود؟ اگر نمازهای قضای زیادی داشته باشد، آیا (مثلًا) با احیا گرفتن شبهای قدر، یا خواندن این دعاها، خداوند تمام گناهانش را می‌بخشد؟

جـواب: ایـن گـونه روایـات شامـل حقّ النّاس نمی‌شـود، آنهـا بایـد پرداخته شـود. و همچنین شامـل گناهـانی که حـدّ شـرعی دارد نمی‌گردد، بلکه بایـد حـدّ آنهـا شـرعاً اجرا گردد، و شامـل گناهـانی که جبرانی، ماننـد قضـا و کفّاره دارد نیز نمی‌شود، چون قضا و کفّاره با این اعمال ساقط نمی‌گردد، و شمول آن نسبت به بقیّهٔ گناهان، با توجّه به عفو و کرم خداوند، چیز بعیدی نیست.

سؤال ۱۶۰۷- در اثنای قرائت دعاهایی همچون دعای کمیل، ندبه، توسّل و مانند آن، خواننده، یا شرکت کنندگان جملاتی از آن را بـا خود زمزمه، و حتّی بعضـی کلمـات دعا را چنـد بار تکرار می‌نماینـد، در حالی که در دعا تکرار نشـده است. این کار چه حکمی

دارد؟ نقل داستان و ذکر مصیبت در وسط دعا چطور؟

جواب: بهتر است دعاها را به همان صورتی که از ائمّه علیهم السلام رسیده بخوانند. و اگر قصد عزاداری و ذکر مصیبت دارند، قبل یا پس از اتمام دعا بخوانند. و چیزی از دعا را تکرار نکنند.

سؤال ۱۶۰۸- دعای توسّل در چه شب یا روزی باید خوانده شود؟

جواب: دعای توسل شب و روز خاصّی ندارد.

سؤال ۱۶۰۹- دعاهایی از ائمّه علیهم السلام، بخصوص حضرت علی علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام، نقل شده که مضمون آن چنین است: «خداوندا! گناهانی که باعث قطع باران، یا تغییر نعمت‌ها، و نزول بلاها می‌شود، ببخش و بیامرز.» یا دعاهایی که از ترس قبر و حساب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۶

و صراط سخن می گوید، و شبیه این مضامین. در حالی که ما عقیده داریم آنان مصون از هر گناهی هستند. این دو مطلب را چگونه می توان توجیه کرد؟

جواب: این سؤال دو پاسخ دارد؛ اوّل این که منظور، تشویق مردم، و بعد تعلیم آنان است؛ یعنی هنگامی که مردم مرتکب معاصی می‌شوند، و رحمت الهی قطع می‌شود، راه چاره چیست؟ دیگر این که منظور، اشاره به ترک اولی‌هاست. البتّه ترك اولی به این معنی نیست که کار حرام یا مکروهی انجام شده، بلکه ترك اولی ممکن است مستحبّ باشد، که نسبت به مستحبّ بالاتر، عنوان ترك اولی به خود می گیرد. شرح این مسأله را در جلد ۷ «پیام قرآن» صفحهٔ ۱۰۳ به بعد آورده‌ایم.

سؤال ۱۶۱۰- فرموده‌اند: «اگر کسی بخواهد به کمالات معنوی برسد، باید ادعیه و اذکار را مانند دارو بداند، و آن را زیر نظر طبیب روحانی و مجتهد مصرف کند؛ زیرا ادعیه دارای مراتب روحی است.» آیا صحیح است؟

جواب: دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده، و گروهی خاصّ در آن ذکر نشده، برای همه مفید و مایهٔ پیشرفت معنوی است.

سؤال ۱۶۱۱- آیا کتاب «جامع الدّعوات» سند معتبری دارد؟

جواب: سند معتبری ندارد.

سؤال ۱۶۱۲- اخیراً در بعضی از محافل «ختم یا علی» معمول شده است. نظر مبارك حضرت عالی در این زمینه چیست؟

جواب: شکّی نیست که توسّل به معصومین علیهم السلام، مخصوصاً وجود مبارك امیر مؤمنان، علی علیه السلام، و شفیع قرار دادن آنها در درگاه خداوند متعال، از بهترین عبادات و سبب حلّ مشکلات است. ولی سزاوار است پیروان مکتب اهل بیت به سراغ دعاها و توسّلاتی بروند که در کتب معتبره از معصومین علیهم السلام نقل شده است؛ مانند دعای توسّل که علّامهٔ مجلسی و دیگران آن را از کتب معتبره از ائمّهٔ معصومین علیهم السلام نقل کرده‌اند، و برای برآمدن حاجات بسیار مؤثّر است.

۱۵- دعانویسی

سؤال ۱۶۱۳- آیا کار دعانویسها و فالگیرها منشأ اسلامی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۷

جواب: دعانویسی، و فالگیری حرفه‌ای جایز نیست.

سؤال ۱۶۱۴- اگر کسی جهت نوشتن دعاهایی که در بعضی کتب برای شفای سردرد و مانند آن آمده پول بگیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر دعاهايی باشد که در کتب معتبر نوشته شده، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۱۵- نظر شارع مقدّس در مورد دعانويسی چيست؟ آيا در اسلام چيزی به نام دعانويسی وجود دارد؟

جواب: نوشتن دعاهايی که از ائمّه معصومين عليهم السلام رسيده، و در کتب معتبره موجود است، اشکال ندارد. و امّا دعانويسی حرفه‌ای، که متداول افراد سودجوست، صحيح نيست.

سؤال ۱۶۱۶- گاه افرادی با عنوان دعانويسی اقدام به کلاهبرداری می‌کنند. برای اين که بتوان تشخيص داد که کدام مورد کلاهبرداری و کدام مورد بر اساس دستورات اسلام است، چه راههايی وجود دارد؟

جواب: چنانچه افراد مزبور آدمهای با سواد و باتقوايی باشند، و از کتب معتبر استفاده کنند، دعانويسی آنها صحيح است. در غير اين صورت اعتمادی بر آنها نيست.

سؤال ۱۶۱۷- برخی دعانويسها دعاهايی به نام زبان بند، بخت‌گشايی، چله‌بُری، جلب محبّت، قفل کردن، کارگشا، بازشدن بسته شده، دفع بليّات، باطل السحر، و مانند آن به افراد می‌دهند. آيا چنين دعاهايی وجود دارد؟

جواب: اينها اعمال افراد سود جو، و احياناً شيّاد است.

سؤال ۱۶۱۸- آيا دعانويسی صرفاً نوشتن دعايی خاصّ در کاغذ، و نگه داشتن به همراه خود می‌باشد، يا دستور العملی هم دارد؟ مثل اين که نوشتهٔ کاغذ را در آب حل کرده، و به کسی بخورانند! يا دعای خاصّی را بسوزانند! يا در معرض باد قرار دهند! يا زير سنگ بگذارند! يا آن را دفن کنند! يا در آب روان بيندازند. آيا اين دستور العمل‌ها اعتباری دارد؟

جواب: سوزاندن دعا مطلقاً جايز نيست. ولی شستن، يا به آب انداختن، در

استفتاءات جديد (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۸

بعضی از کتب در مورد بعضی از دعاها يا عريضه‌ها آمده است.

سؤال ۱۶۱۹- از آنجا که اکثر مراجعين به دعانويسها بانوان می‌باشند، که برای رفع مشکلات و ناراحتيهای خود اقدام به اين کار نموده، و بعضاً افرادی تحت عنوان دعانويس اقدام به فريب آنان می‌کنند، چه توصيه‌ای برای روشنگری آنان داريد؟

جواب: بايد خطر مراجعهٔ به اين گونه افراد را به همهٔ بانوان گوشزد کرد، تا در دام آنها گرفتار نشوند.

۱۶- رؤيا

سؤال ۱۶۲۰- اگر کسی در رؤيا ببيند که صاحب قبری خود را نوهٔ امام موسی بن جعفر عليه السلام و ميرزا معرّفی می‌کند، و خواب بيننده انسان محترم و ثقه‌ای باشد؛ آيا امامزاده بودن صاحب قبر ثابت می‌شود؟ آيا به عنوان امامزاده می‌توان برای آن قبر و صاحبش نذر کرد؟ آيا می‌توان گنبد و بارگاه برای آن قبر ساخت؟ اگر در کتابی آمده باشد که به مقتضای رموز اعداد امامزاده‌ای در همان قبرستان مدفون است، آيا امامزاده بودن صاحب آن قبر ثابت می‌شود؟ آيا گره زدن نخ و پارچه، و قفل زدن به حرم امامان و امامزادگان وجه شرعی دارد؟

جواب: امامزاده بودن بايد با دليل معتبر ثابت شود. خواب و امثال کتابهايی که اشاره کرده‌ايد، حجّت نيست، و نبايد به آنها ترتيب اثر داد. گره زدن و امثال آن به قبور امامان و امامزادگان معلوم النسب نيز کار درستی نيست، و بايد به طور معقول زيارت خواند.

سؤال ۱۶۲۱- سنگی لب رودخانه بود. خانمی در خواب می‌بيند که اين سنگ پنجهٔ حضرت علی دارد، از خواب بيدار می‌شود، جريان را به مردم می‌گويد. مردم باور می‌کنند. سنگ مذکور را برداشته، و به شکل حجر الأسود در ديوار مسجد نصب می‌کنند! اکنون زن و مرد و دختر و پسر به زيارت آن سنگ می‌روند. لطفاً بفرماييد:

چنانچه خانمی در حال حيض، يا جوانی در حال جنابت باشد، آيا می‌تواند داخل مسجد شود و آن سنگ را لمس کند؟ آيا اين کار

نوعی سنگ‌پرستی نیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۷۹

جواب: خواب مزبور اعتبار ندارد، و واجب است مؤمنین محترم و عزیزان آن روستا اقدام کنند، و آن سنگ را ببرند، و در رودخانه بیندازند، و احترام به آن سنگ شرعاً جایز نیست، و توقّف جنب و حائض در مسجد حرام است.

سؤال ۱۶۲۲- در جوار روستای ما، محلّی است که اهالی منطقه از سالیان دور برای آنجا به عنوان مکان مقدّس «قدمگاه» احترام قائل بوده‌اند، و آن گونه که نقل می‌کنند از حدود سی سال پیش تا به حال مکرّر اشخاصی به خواب اهالی آمده‌اند. پس از آن اهالی چندین بار آن محلّ و فضای اطراف را حفّاری نموده، ولی نتیجه‌ای حاصل نشده است. اخیراً سیّده‌ای به خواب یکی از اهالی آمده، و محلّ قبر را در عالم رؤیا مشخّص کرده، که اهالی پس از حفّاری آن محلّ، ساختمان مخروبه‌ای را که تا حدود یک متری دیوارها و ستونهای سالم داشت، آشکار گردید. ولی روز بعد که بنا بود کف ساختمان را (که ساروجی است) جهت یافتن قبر حفّاری کنند، همان شخص به خواب یکی از اهالی آمده، و از ادامهٔ حفّاری منع کرده است. لطفاً نظر مبارکتان را در این زمینه اعلام فرمایید.

جواب: خواب نمی‌تواند مدرکی بر وجود امامزاده در آنجا باشد؛ مگر این که از طرق معتبر این مطلب ثابت شود.

۱۷- رسانه‌ها

الف و ب) اطّلاع‌رسانی و اطّلاع‌رسانان

سؤال ۱۶۲۳- مرز بین خبر و تبلیغ در اسلام چیست؟

جواب: در فقه اسلامی اصطلاح خاصّی برای این دو موضوع نیست. اگر در کلمات فقها به کار رود، مراد همان معنی عرفی است. خبر واقعیّتی را بیان می‌کند، ولی تبلیغ به منظور ترغیب و تشویق به چیزی یا کاری صورت می‌گیرد.

سؤال ۱۶۲۴- آیا خبر درجه‌بندی هم دارد؟ ترتیب نشر اخبار از بُعد اهمیّت چگونه است؟

جواب: البتّه رسانه‌های جمعی در جامعهٔ اسلامی، وظیفه دارند اخباری را که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۰

باعث پیشرفت و شکوفائی اسلام می‌شود، یا جلو ضرر و زیانهای محتمل (از داخل، یا خارج) را می‌گیرد، با نهایت دقّت و بی‌کم‌وکاست در اختیار آنان بگذارند. و هر خبری تأثیر بیشتری در جهت فوق داشته باشد، اهمیّت بیشتری دارد، و اخبار بر اساس همین معیار درجه‌بندی می‌شود.

سؤال ۱۶۲۵- آیا صدق و کذب خبر هم دارای انواعی است؟

جواب: آری، ممکن است خبری صد در صد کذب باشد، و خبری پنجاه درصد، یا کمتر، یا بیشتر. بنابراین در صدق و کذب، درجه‌بندی وجود دارد.

سؤال ۱۶۲۶- آیا در اسلام سانسور جایز است؟ اگر هست، چه حدودی دارد؟ چگونه می‌توان آن را در جامعهٔ اسلامی پیاده کرد؟

جواب: هرگونه خبری که انتشار آن به حال جامعه مضرّ است، یا سبب بیداری دشمنان یا بهره‌برداری سوء آنان می‌شود، یا موجب تفرقه بین صفوف مسلمین می‌گردد، یا ایجاد یأس و وحشت و بدبینی می‌کند، یا تبعات دیگری مانند آنچه گذشت دارد، چنین اخباری نباید انتشار یابد. به همین دلیل در زمان جنگ، بسیاری از اخبار موقّتاً مکتوم می‌ماند، و پس از برطرف شدن خطر، فاش می‌گردد.

شبیه این معنا، در موارد دیگر نیز کاملًا ممکن است.

سؤال ۱۶۲۷- خطّ قرمز شرعی ما به عنوان رسانه‌ها در کشور چیست؟

جواب: خطّ قرمز، که نباید از آن گذشت، همان است که نمونه‌های آن در بالا بیان شد.

سؤال ۱۶۲۸- در عرصهٔ خبری، تساهل، تسامح، مدارا و مانند آن چه معنایی دارد؟

جواب: تسامح و مدارا معانی مختلفی دارد. اگر منظور سازش با مخالفان اسلام، و میدان دادن به دشمن برای ضربه زدن به دوست است، چنین چیزی جایز نیست؛ امّا اگر منظور همزیستی مسالمت‌آمیز، با گروه‌های سالم، یا پیروان مذاهب دیگر باشد، به گونه‌ای که ضرری به حال مسلمین و آیین اسلام نداشته باشد، جایز است.

سؤال ۱۶۲۹- تحلیل در اخبار و گزارشها، مانند علم تفسیر در حوزه‌هاست. آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۱

می‌شود برای تحلیل خبری و گزارش نیز چارچوبی تعیین نمود؟ آن چارچوبها کدامند؟

جواب: معمولًا برای تحلیل اخبار باید از قرائن و شواهد و سوابق موجود و مسائل مشابه استفاده کرد. اگر به نتیجهٔ قطعی برسند، می‌توانند به طور قطع قضاوت کنند. در غیر این صورت، باید روی عنوان احتمالی بودن تکیه شود، تا مطلبی بر خلاف واقع نگفته باشند.

سؤال ۱۶۳۰- در مواقعی که خبری به ظاهر ضدّ اسلام، و در حقیقت به نفع نظام است، (مثلًا در بعد اقتصادی و مانند آن) خبرنگار باید کدام را ترجیح دهد؟

جواب: با توجّه به این که نظام بر اساس اسلام بنا شده، چنین تضادّی متصوّر نیست. مگر کسانی که یا به مسائل اسلامی توجّه ندارند، یا به مصالح نظام.

سؤال ۱۶۳۱- یک خبرنگار همیشه در معرض قضاوت و اجتهاد است. حدّ و حدود این قضاوت و اجتهاد تا کجاست؟ (دروازه بانی خبر و عبور دادن خبرها از فیلترها).

جواب: از آنچه در پاسخ دو سؤال قبل نوشته شد، جواب این سؤال روشن می‌شود.

سؤال ۱۶۳۲- یک خبرنگار در مقابل ضدّ ارزشها چگونه می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کند؟

جواب: خبرنگار هم طبق ضوابط امر به معروف می‌تواند عمل کند؛ در جایی که احتمال تأثیر وجود دارد، و ضرری بر آن مترتّب نمی‌شود، و منکر بودن آن مسلّم است، باید به وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر عمل کند. مگر این که شغل او (که به عنوان یک واجب کفایی عمل می‌کند) به خطر افتد؛ در این صورت می‌تواند این کار را به طور غیر مستقیم انجام دهد؛ یعنی به وسیلهٔ دیگران.

سؤال ۱۶۳۳- یک خبرنگار چگونه می‌تواند با تهاجم، یا شبیخون فرهنگی مقابله کند؟

جواب: خبرنگار از طریق اطّلاع‌رسانی به افرادی که آمادهٔ انجام وظیفه در مورد این مبارزه هستند، و همچنین از طریق افشاگری در سطح جامعه، به ویژه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۲

اطّلاع‌رسانی دربارهٔ پیامدهای سوء و اثرات زیانبار این تهاجم، می‌تواند غیر مستقیم کمک کند.

سؤال ۱۶۳۴- دروغ مصلحت‌آمیز بهتر است، یا راست فتنه‌انگیز؟

جواب: راست اگر فتنه‌انگیز باشد و مفاسدی ایجاد کند باید از آن پرهیز کرد؛ خواه دروغش مصلحت‌آمیز باشد، یا بیهوده. و از آنجا که این مطلب به قاعدهٔ اهمّ و مهمّ بازمی‌گردد، باید ضررهای ناشی از دروغ و فواید آن را با یکدیگر مقایسه کرد، آنچه واجد

اهمیّت بیشتری است، انجام داد. در ضمن اگر بتوان از دروغ به توریه پناه برد، توریه مقدّم است. و منظور از توریه سخنی است که تاب دو معنی داشته باشد؛ شنونده معنایی را از آن تصوّر می‌کند که خلاف واقع است و باور می‌کند، و مصلحت حاصل می‌شود، امّا گوینده معنای دیگری را تصوّر می‌کند، که مطابق با واقع است.

سؤال ۱۶۳۵- مرز انتقاد کجاست؟ اگر انتقاد با پیشنهاد همراه نباشد، چه ضرری دارد؟ آیا خبرنگار در صورتی که پیشنهادی ارائه نکند، می‌تواند انتقاد کند؟

جواب: انتقاد اگر با پیشنهاد توأم باشد، به یقین بهتر است؛ ولی اگر انتقادکننده نتواند پیشنهادی مطرح کند، بازهم از باب امر به معروف و نهی از منکر باید وظیفهٔ خود را انجام دهد.

سؤال ۱۶۳۶- کم‌فروشی در خبر و اطّلاع‌رسانی چیست؟

جواب: کم‌فروشی معنی خاصّی دارد، که در معاملات تصوّر می‌شود، و مفهوم عامّی دارد، که هرکس از کار خودش کم بگذرد (و به اصطلاح بدزدد) مصداق آن خواهد بود. و در مورد خبر، اگر خبر را به طور ناقص و دست و پا شکسته نقل کنند، یا اصلًا بعضی از اخبار را نقل کنند و بعضی را نقل نکنند، شبیه آن است که کم‌فروشی کرده‌اند.

سؤال ۱۶۳۷- آیا استفاده از خانمها در جمع‌آوری خبر و گزارشگری مجاز است؟

جواب: در صورتی که رعایت اصول عفّت شود، همکاری زنان مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۳۸- استفاده از تصویر و چهرهٔ زنان مسلمان، اگر محجّبه باشند، چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۳

جواب: با شرایطی که ذکر کرده‌اید، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۳۹- با توجّه به این که قرآن کلام خدا، و معجزهٔ اوست، و بالطّبع خداوند برای برقراری ارتباط با انسانها شیوه‌های بیانی متفاوتی دارد، که قطعاً کاملترین نیز می‌باشد، این شیوه‌های بیانی کدام است؟ چگونه می‌توان در عرصهٔ خبر از آن استفاده کرد؟

جواب: برای پی بردن به شیوه‌های فصاحت و بلاغت قرآن، و استفادهٔ از آن برای شیوه‌های خبرنگاری، می‌توانید به جلد هشتم پیام قرآن، بحث اعجاز قرآن از نظر فصاحت و بلاغت، صفحهٔ ۸۷ به بعد، یا به کتاب «قرآن و آخرین پیامبر» نوشتهٔ ما، مراجعه فرمایید.

سؤال ۱۶۴۰- اشخاصی هستند که تفکّرات التقاطی و سوابق فکری مغایر با نظرات اکثریّت فقهای شیعه، و فقه حاکم بر نظام مقدّس جمهوری اسلامی (نظیر بحث ولایت فقیه) دارند. آیا می‌توان دیدگاهها و نظرات آنها را در جامعه انتشار داد، تا مردم با شنیدن اقوال مختلف بهترین آن را انتخاب کنند؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، آیهٔ شریفهٔ «فَبَشِّرْ عِبادِ* الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» را چگونه تفسیر می‌فرمایید؟

جواب: این کار در صورتی که موجب بدآموزی نگردد، کار خوبی است. و این مشکل عمدتاً از طریق نحوهٔ بیان مناسب نظرات مخالفین تأمین می‌شود، به این معنی که نظرات آنها به صورت موذیانه و مخرّب و توأم با دروغ و تهمت و جوسازی بیان نگردد. البتّه باید توجّه داشت که مسائل مختلف است؛ بعضی از مسائل را می‌توان در سطح عموم مطرح کرد، و بعضی از مسائل باید در سطح حوزه و دانشگاه و محافل علمی مطرح گردد؛ زیرا احتیاج به آگاهی‌های تخصّصی دارد. به یقین اشتباه این دو دسته از مسائل به یکدیگر، سبب بروز مشکلاتی در سطح جامعه می‌گردد.

سؤال ۱۶۴۱- یک خبر موثّق دارای چه خصوصیّاتی است؟

جواب: خبر موثّق را از چند طریق می‌توان شناخت: نخست از طریق وثاقت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۴

راوی؛ یعنی ناقل خبر شخص مورد اعتمادی باشد. دوّم، از طریق مقبولیّت عمومی، یعنی اگر چه راوی شناخته شده نیست، امّا خبر

در میان مردم چنان شهرتی دارد که موجب اطمینان می‌شود. سوّم، از طریق محتوای خبر، یعنی مضمون خبر چنان مستدلّ و توأم با قرائن است، که خود گواه صحّت خویش است.

سؤال ۱۶۴۲- آیا ناقلان اخبار و بیان کنندگان وقایع، شرایط خاصّی دارند؟

جواب: آری شرایط خاصّی دارند؛ وثاقت و امانت، هوش کافی برای فهم مطالب، و حافظهٔ قوی برای نگهداری و حفظ مطالب، و از همه مهمتر، بی‌نظری و حُسن نیّت، و آلوده نکردن اخبار با سلیقهٔ شخصی، از جملهٔ این شرایط است.

سؤال ۱۶۴۳- یک خبرنگار تا چه حدّ می‌تواند در نقل خبر به گفتهٔ دیگران استناد کند؟ با توجّه به این که نمی‌شود به تواتر رسید؟

جواب: تا آن جایی که خبر به حدّ تواتر نرسد، و محفوف به قرائن اطمینان‌بخش نباشد، باید آن را به صورت خبر محتمل ذکر کند؛ نه خبر قطعی.

سؤال ۱۶۴۴- یک خبرنگار، غیر از روش مشاهده، چگونه می‌تواند به صدق یا کذب خبر، یا واقعهٔ خاصی، برسد؟ راههای شناخت این دو کدام است؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۶۴۵- هرگاه خبرنگاری شاهد ماجرایی نبوده، ولی می‌خواهد خبر آن را نقل کند، چند نفر شاهد لازم است تا خبرنگار به «راستی خبر» برسد؟

جواب: اگر یک فرد مورد وثوق خبر را نقل کند، کافی است. ولی احتیاط آن است که در اخبار مهمّ به قول یک نفر قناعت نکند.

سؤال ۱۶۴۶- آیا در نقل خبر، و شهادت بر وقوع حادثه‌ای، بین زن و مرد تفاوتی وجود دارد؟ آیا در این مورد باید همچون ادای شهادت در محاکم قضایی عمل کرد؟

جواب: در این مسائل فرقی میان زن و مرد نیست.

سؤال ۱۶۴۷- بسیاری از سخنرانی‌ها، بیانیّه‌ها، مصاحبه‌ها و مانند آن دارای متونی طولانی است؛ در حالی که خبرنگار مجبور به خلاصه کردن آن می‌باشد. در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۵

خلاصه‌گیری، امکان فاصله گرفتن از مضمون، و احیاناً القای یک مفهوم دیگر وجود دارد. آیا این کار نیز خیانت در امانت محسوب می‌شود؟

جواب: در صورت تغییر محتوا، هم دروغ و هم تهمت محسوب می‌شود؛ ولی تلخیص کردن و نقل به معنی مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۴۸- آیا برای تهیّهٔ خبر مورد نیاز نظام، می‌توان رشوه داد؟

جواب: در صورتی که راه منحصر به آن باشد، و خبر مورد نیاز است، مانعی ندارد. و نام آن را نباید رشوه گذاشت.

سؤال ۱۶۴۹- چگونه می‌توان ثقه بودن خبرنگار را تشخیص داد؟

جواب: ثقه بودن مخبر، از طریق معاشرت، یا شهادت افراد مطّلع و آگاه و ثقه استفاده می‌شود.

سؤال ۱۶۵۰- امام راحل قدس سرّه می‌فرمودند: «گاه می‌توان برای حفظ نظام، برخی از واجبات را نیز ترک کرد.» آیا این موضوع در خبر هم صادق است؟ آیا خبرنگار نیز می‌تواند برای حفظ نظام به دروغ متوسّل شود؟

جواب: اگر واقعاً مسأله به صورت اهمّ و مهمّ درآید، و مانند دروغ برای اصلاح ذات البین شود، مانعی ندارد. ولی چون ممکن است این حکم وسیلهٔ سوء استفاده قرار گیرد، و به هر بهانه‌ای خبرهای دروغ منتشر کنند، باید حتّی الإمکان از این کار پرهیز کرد.

سؤال ۱۶۵۱- گاه مجبوریم برای سرپوش نهادن بر یک عملیّات، یک سناریوی اطّلاع‌رسانی طرّاحی کنیم. تا اهداف خود را، که فقط تقویت نظام است، به پیش ببریم، و شاید هیچ کدام از مسائلی که طبق این سناریو منتشر می‌کنیم اساسی نداشته باشد. حدّ و

حدود ما در این وضعیّت چیست؟

جواب: باید مطابق قانون اهمّ و مهمّ رفتار شود.

سؤال ۱۶۵۲- آیا در پردازش اخبار می‌توانیم از شیوه‌های خبری غرب، که با ترکیب اطّلاعات مختلف پیامهای خاصّی را القا می‌کنند، و با واقعیّت فاصله دارد، مانند شیوه‌های «انگاره‌سازی»، «برجسته‌سازی»، «چینش اطّلاعات در کنار هم» استفاده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۶

کرد؟ توضیح این که: «انگاره‌سازی» ارائهٔ تصویری هدفدار از یک موضوع است، که هدف خاصّی را دنبال می‌کند، مانند کلمه «بنیادگرایی» که غرب برای اسلامگرایان به کار می‌گیرد. «برجسته‌سازی» اولویّت‌بندی در اطّلاعات با اهمیّت مورد نظر، که هدف خاصّ القای در پیام را دنبال می‌کند. «چینش اطلاعات» به کار گرفتن سوابق موضوعات دیگر، و چسباندن آن به موضوع جدید، برای ایجاد یک پیام جدید و القای یک فکر و تحمیل عقیده است. مثل این که هر انفجاری در هر جای جهان رخ می‌دهد، با ذکر سابقهٔ انفجارهای دیگر که در آن برخی ایران را متّهم کرده‌اند، القای اتّهام جدید به ایران با این سابقه قطعی است.

جواب: در صورتی که هدف مشروع و مثبتی در این کار دنبال شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵۳- همهٔ ما مطمئن هستیم که بنگاههای خبرپراکنی استعماری برای خدشه‌دار کردن نظام جمهوری اسلامی به ترفندهای خبری و گزارشی متوسّل می‌شوند؛ خبرها و گزارشهایی ساخته می‌شود که اصلًا بنیانی ندارد. آیا ما نیز می‌توانیم برای دفاع از حیثیّت خود از چنین شیوه‌ای استفاده کنیم؟

جواب: در صورتی که راه دفاع منحصر به این کار باشد، و موجب وهن اسلام و جمهوری اسلامی نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۵۴- برخی اخبار به ضرر ماست؛ ولی بیان نکردن آن، موجب بی‌اعتمادی به نظام، و رسانه‌های خودی و توجّه به رسانه‌های خارجی می‌گردد. در این مواقع چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: هرگاه ضرر نگفتن بیش از ضرر گفتن باشد، لازم است آن خبر بیان شود.

سؤال ۱۶۵۵- مردم تا چه حد برای شنیدن خبرها محرم هستند؟ حدّ افشای یک خبر محرمانه تا کجاست؟

جواب: حدّ افشای آن تا آنجاست که تولید ضرر و زیانی برای جامعه نکند.

سؤال ۱۶۵۶- چه اخباری را می‌توان عادی، و چه خبرهایی را باید محرمانه تلقّی نمود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۷

جواب: اخباری که افشای آن سبب سوء استفادهٔ افراد منحرف، یا آگاهی دشمن، یا ضرر و زیانی در سطح جامعه شود، یا آبروی فرد یا گروهی را به خطر می‌اندازد، یا افشای اسرار خصوصی افراد را در پی دارد، جزء اخبار محرمانه به شمار می‌رود.

سؤال ۱۶۵۷- گاه بین دولتمردان، احزاب، جناحها و مانند آن، اختلافی رخ می‌دهد.

و از سویی یک خبرنگار باید با توجّه به جایگاه خود اخبار و مسائلی را منتشر کند که مطابق خطّ اصلی نظام، و بدون گرایش باشد. بر فرض که هر دو خط سیاسی مورد قبول نظام باشد، وظیفهٔ خبرنگار در این گونه موارد چیست؟

جواب: باید اخبار واقعی را در مسیر مصلحت نظام منتشر کرد.

سؤال ۱۶۵۸- تا چه حد می‌توان خبر جعلی را مخابره کرد؟ آیا این گونه خبرها می‌تواند در نظام اسلامی جایگاهی داشته باشد؟ حتّی اگر رعایت مصلحت نظام، افراد، یا مانند آن مدّ نظر باشد؟

جواب: در این گونه امور باید مصلحت اهم نظام و جامعه در نظر گرفته شود.

سؤال ۱۶۵۹- یک خبرنگار تا چه حد می‌تواند نسبت به افراد افشاگری نماید؟ آیا در افشاگری بین مرد و زن تفاوتی وجود دارد؟ بین مسلمان و غیر مسلمان چطور؟

جواب: اسرار هیچ مسلمانی را نمی‌شود افشا کرد؛ مگر در مواردی که مصلحت مهم‌تر در کار باشد.

سؤال ۱۶۶۰- در جامعهٔ ما کسانی هستند که نه مسلمان هستند، و نه انقلاب را قبول دارند. در قبال نشر مسائل و اخبار و نظرات آنان چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: از آن چه موجب تضعیف نظام، یا تشویش اذهان عمومی است بایـد پرهیز شود، و می‌توان آنچه را مفیـد، و یا حـدّ اقل فاقد ضرر است، منتشر ساخت.

سؤال ۱۶۶۱- بیان اخبار نشاط‌آور برای جامعه چه حدودی دارد؟ آیا می‌شود برای ایجاد این نشاط به دروغهای مصلحتی نیز متوسّل شد؟

جواب: ایجاد نشاط مجوّز دروغ گفتن نیست.

سؤال ۱۶۶۲- گاه نقل خبری از خارج مرتبط با عقاید مسلمانان است. اگر بیان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۸

چنین خبری موجب وهن عقایـد ما گردد، بیان آن بهتر است، یا کتمان آن؟ اگر کتمان شود، آیا «بی‌خبری» از وجود چنین عقیده‌ای مفسده‌آمیزتر نخواهد بود؟

جواب: در این گونه موارد باید از قانون اهم و مهم تبعیت نمود، و مصلحت و مفاسد کار را سنجید، و آن چه مهم‌تر است باید مورد توجّه قرار بگیرد.

سؤال ۱۶۶۳- آیا می‌توانیم اخبار رسانه‌های خارجی را پخش کرده، و پس از آن نظر خود را نیز بیان نماییم؟

جواب: تفسیر و تحلیل اخبار، که سبب بهره‌گیری صحیح و پرهیز از سوء استفاده می‌شود، نه تنها جایز بلکه گاه واجب است.

سؤال ۱۶۶۴- آیا حدس و گمان را می‌شود به عنوان یک خبر و نظر منتشر نمود؟

جواب: هر گاه در آن قید کنند که این خبر به صورت حدس و گمان است، و مفسده‌ای هم بر آن مترتّب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶۵- خـبری (سیاسـی، اقتصـادی یـا فرهنگی) منتشـر کرده‌ایم که صـدق و کـذبش برایمـان مشـخّص نبوده است، حکم آن چیست؟

جواب: در صورتی که به منبع خاصّی اسناد داده شود، و صدق و کذبش بر عهدهٔ آن منبع واگذار گردد، و نشر آن مفسده‌ای نداشته باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۶۶- اگر دولتی ظالم باشد، خبرنگار تا چه حد می‌تواند اسرار را فاش کند؛ هر چند خودش نیز شهروند همان دولت باشد؟

جواب: در صورتی که نشر آن اخبار موجب امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد باشد، هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶۷- اگر خبررسـانی را ابزاری برای اعمـال نظـارت در همـهٔ شـئون (امور سیاسـی، فرهنگی، اجتمـاعی و اقتصـادی) جـامعه بدانیم، که در مسیر تحقق

«کُلُّکُمْ راعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِیَّته»

باشـد، حـدود این نظـارت چیست، تا یک خبرنگار هم از مسیر قوانین شـرعی و اخلاقی خارج نگردد، و هم وظیفـهٔ نظارت دقیق در همهٔ ابعاد عملی شود؟

جواب: پاسخ این سؤال در لابه‌لای پاسخهای بالا آمده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۸۹

سؤال ۱۶۶۸- «استخبارات» از نگاه لغت‌شناسی، چه تفاوتی با خبرنگاری ما در فارسی دارد؟

جواب: استخبارات به معنای جستجوگری و کارهای اطّلاعاتی است، و اکنون در کشورهای عربی این واژه دربارهٔ وزارت اطّلاعات

به کار می‌رود. ولی خبرنگاری اشاره به شرح حوادثی است که آشکارا در سطح جامعه رخ می‌دهد.

سؤال ۱۶۶۹- گاه در قلب دشمن اقدام به گماشتن مخبرین می‌کنیم. طبعاً کاری که وی می‌کند، برای ما اطّلاع‌رسانی، و از دید دشمن جاسوسی است. چه تفاوتی بین مخبری و جاسوسی هست؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۶۷۰- آیا انتساب القاب زننده و موهن، به دشمنان دین و انقلاب رواست؟

جواب: این گونه کارها، در شأن مؤمنان و علاقه‌مندان به اسلام نیست.

سؤال ۱۶۷۱- دشمنان ما در عرصهٔ بین المللی به صورت دائم از طریق خبر، گزارش، تحلیل دروغ علیه ما تبلیغ می‌کنند، اگر ما هم مثل آنان عمل کنیم، چه تفاوتی با آنان داریم؟ آیا مجاز هستیم؟ حدّ آن چیست؟

جواب: لازم است از طریق صداقت و راستگویی اخبار را منعکس کنیم، و مراقب توطئه‌های آنها باشیم، و دروغهای آنها را افشا کنیم، و مطمئن باشید دروغ سرانجام فاش، و سبب بی‌اعتباری می‌شود.

سؤال ۱۶۷۲- رشوه دادن به خبرنگاران و نویسندگان خارجی برای درج مطلب به نفع نظام در رسانه‌های خارجی چه حکمی دارد؟

جواب: نام این کار را نمی‌توان رشوه گذاشت؛ بلکه حقّ الزّحمه‌ای است که در مقابل کار مثبت و مفید و مشروع پرداخت می‌شود، و برای دهنده و گیرنده اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۷۳- استفاده از تصویر و چهرهٔ زنان اجنبی چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از چهرهٔ زنان بی‌حجاب و بد حجاب، در شأن جمهوری اسلامی نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۰

سؤال ۱۶۷۴- در انتشار خبرهایی که مربوط به کشورهای خارجی مسلمان است، چنانچه مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران باشند، آیا می‌توان همانند کشورهای غیر مسلمان با آن برخورد کرد؟

جواب: بی‌شک کشورهای اسلامی مخالف، با کشورهای غیر اسلامی مخالف تفاوت دارند.

سؤال ۱۶۷۵- بعضی اوقات افرادی که محبوب مردم هستند، در مسیر دین عمل نمی‌کنند، و با نظام ناسازگاری دارند. آیا می‌توان برای منفور کردن آنان به تهمت متوسّل شد، و آنان را منزوی کرد؟

جواب: توسّل به تهمت و دروغ و مانند آن، در شأن خبرنگاران مسلمان و متعهّد نیست.

سؤال ۱۶۷۶- برخی در بیان نظرات بسته عمل نموده، و فقط به نشر دیدگاههای خود بسنده می‌کنند. امّا عدّه‌ای برای تنویر افکار جامعه نظر دیگران را (اگر چه بی‌دین، یا ضدّ نظام باشند) گرفته، و آن را نقد نموده، و به نوعی تضارب آرا می‌کنند. با توجّه به سنّت ائمهٔ ما (همچون حضرت صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام و یارانشان در گفتگو با زنادقه و مانند آن) کدام روش به صلاح جامعهٔ اسلامی است؟

جواب: مادام که طرح نظرات دیگران، و نقد و بررسی آن، سبب پیشرفت فکری و فرهنگی مسلمین است، باید از این روش استفاده کرد. و اگر در مواردی جنبهٔ تخریبی پیدا کند، باید از آن پرهیز کرد.

سؤال ۱۶۷۷- خطر مخبرِ صادقِ ناآگاه بیشتر است، یا مخبرِ کاذبِ آگاه؟

جواب: هر دو خطرناک هستند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۵۹۰

سؤال ۱۶۷۸- آيا بيان غير واقعى چهرهٔ نظام، به منظور تقويت آن در مقابل دشمنان نظام جايز است؟

جواب: حتّى الامكان بايد براى هر كارى از صداقت بهره گرفت، كه هم به شرع نزديكتر است، و هم به عقل.

سؤال ۱۶۷۹- برخى افراد كه مورد اعتماد نظامند، بايد مطرح شوند. آيا مى‌توان در

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۵۹۱

مورد آنان قهرمان‌سازى كرد، تا آنان در سطح جامعه معرّفى شوند؟ حدّ شرعى اين كار تا كجاست؟

جواب: اگر منظور از قهرمان‌سازى مبالغهٔ بى‌جا و بزرگ نمايى بى‌مورد است، جايز نيست. و اگر منظور معرّفى چهره‌هاى ناشناختهٔ گرانقدر با ايمان است، نه تنها كار خوبى است، بلكه لازم مى‌باشد.

سؤال ۱۶۸۰- اگر خبرنگارى خبرى را به صورت شفاهى از منبع موثّقى دريافت، و آن را منتشر سازد، آنگاه آن منبع به دليل منافع شخصى، يا سازمان خود، اصل خبر را انكار نمايد، آيا اين خبرنگار مسئول است، اگر چه اصل خبر واقعيّت داشته باشد؟

جواب: خبرنگار مسئول نيست. و براى حفظ حيثيّت خود بايد واقعيّت را فاش كند.

سؤال ۱۶۸۱- با توجّه به ويژگيهاى كار حرفه‌اى خبررسانى، كه در آن «سرعت»، «دقّت»، و «صحّت» همزمان بايد انجام شود. اگر از مجموعهٔ سوژه‌هاى خبرى، يا در هر سوژه از مجموعهٔ اطّلاعات واصله- كه خبرنگار ناگزير از گزينشگرى است، و اين گزينش بر اساس ملاكهاى حرفه‌اى و تجربى كار صورت مى‌پذيرد- اگر نسبت به سوژهٔ خبرى بى‌توجّهى شود، و يا ارائهٔ اطّلاعات آن، به دليل اهميّت در سرعت انتقال خبر، با نقص و ضعف صورت پذيرد، آيا خبرنگار مسئول است؟ و در صورت شكايتِ طرفهاى ذى ربط، خبرنگار به عنوان متّهم بايد در دادگاه حاضر و پاسخگو باشد؟

جواب: چنانچه اين امر بر اثر سهل انگارى بوده باشد، و سبب تضييع حقّى گردد، خبرنگار مسئول است، ولى اگر از قبيل اشتباهاتى است كه به هر حال براى غير معصومين پيش مى‌آيد، خبرنگار مسئوليّتى ندارد. امّا چنانچه سبب ضرر و زيان شود، بايد از عهدهٔ ضرر و زيان برآيد؛ زيرا در ضررهاى جانى و مالى، عمد و خطا هر دو مسئوليّت آفرين است. با اين تفاوت كه عمد مجازات هم دارد؛ ولى خطا مجازات ندارد.

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۳، ص: ۵۹۲

سؤال ۱۶۸۲- با توجّه به اين كه رسانه‌هاى مكتوب، مخصوصاً مطبوعات به شكل فعلى (هم به لحاظ گستره و پهنهٔ اطّلاع‌رسانى، و هم تأثيرگذارى عميق آن در آحاد مردم، و هم از جهت نقش نظارتى و كنترلى آن كه رابط ميان تودهٔ مردم با حكومت است)، زادهٔ تحوّلات ماشينى قرون اخير است. آيا پديده‌اى واقعاً مستحدثه و مولود مدنيّت قرون اخير است، يا حقيقتى قديمى است، كه به شكلى نو، ظهور مجدّد كرده است؟

جواب: بى‌شك اين موضوع پديده‌اى نو مى‌باشد؛ ولى از شمول عمومات و قوانين كلّى اسلام خارج نيست.

ج) جرايم مطبوعاتى

سؤال ۱۶۸۳- آيا مى‌توان به دليل تمايزات ذاتى انتقال مطالب در مطبوعات با ديگر طرق شفاهى انتقال، جرايم مطبوعات را، با ديگر جرايم (على‌رغم تشابه اسمى) دو نوع جرم تلقّى كرد؟ مثلًا آيا شرايط احراز وقوع جرم توهين در روابط شخصى، با احراز وقوع جرم توهين نسبت به حكومت و نهادها و افراد وابسته يكسان است؟

جواب: توهين در هر صورت جرم است. البتّه با تفاوت اشخاص و زمان و مكان و گسترهٔ آن، تفاوت مى‌كند.

سؤال ۱۶۸۴- با عنايت به اين كه در روايات تصريح شده كه بايد مرجع احراز وقوع جرم با صدور حكم واحد باشد، نظر حضرتعالى در خصوص مبناى شرعى تفكيك مذكور و احياناً مغايرت آن با اصول فقهى چه مى‌باشد؟

جواب: ممکن است حاکم شرع در مسائلی که احتیاج به خبرویّت دارد، برای احراز جرم تکیه بر نظرات اهل خبره کند، و پس از ثبوت موضوع انشای حکم نماید.

سؤال ۱۶۸۵- در صورت پذیرش مستحدثه بودن جرایم مطبوعاتی، آیا قوانین و مقرّرات آن از نوع قوانین حکومتی است؟ و در صورت عدم پذیرش، آیا حکومت اسلامی به لحاظ مصالح حکومتی می‌تواند قواعد خاصّی برای این نوع جرایم وضع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۳

نماید؟ مثلًا قائل به تفکیک میان مرجع احراز وقوع جرم و مرجع صدور رأی شده، یا تبعیّت دادرس از نظر هیئت منصفه را الزامی بداند. آیا این کار جایز است؟

جواب: همان گونه که در بالا گفته شد، موضوع از موضوعات مستحدثه است، ولی از چهارچوب قوانین کلّی اسلام خارج نیست، و ثبوت موضوع به وسیلهٔ اهل خبره در اینجا چیز تازه‌ای نمی‌باشد، و ظاهراً عناوین اوّلیّه برای تبیین احکام مربوط به جرایم مطبوعاتی کافی است، و اگر در شرایط خاصّی کافی نباشد، می‌توان از عناوین ثانویّه استفاده کرد.

سؤال ۱۶۸۶- در برخی از قوانین جمهوری اسلامی از عبارت «مقدّسات اسلامی» استفاده شده، و احکامی بر آن بار شده است. برای روشن شدن این قوانین و دست یافتن به یک چهارچوبهٔ شفّاف در سیاستهای فرهنگی، و پرهیز از افراط و تفریط، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) تعریف مقدّسات اسلامی چیست؟ آیا می‌توان برای آن معیاری تعیین کرد، و مصادیق مورد اختلاف را با آن معیار سنجید؟

جواب: البتّه تعبیر به مقدّسات اسلامی در هر مورد با ملاحظهٔ قرائن موجود در کلام ممکن است تفسیر خاصّی داشته باشد؛ ولی معمولًا هنگامی که این تعبیر گفته می‌شود، اشاره به اموری است که در نظر همهٔ دینداران محترم است؛ مانند «خدا»، «پیامبر صلی الله علیه و آله» «ائمّهٔ هدی علیهم السلام»، «قرآن مجید»، «مساجد»، «کعبه»، «احکام مسلّمهٔ اسلام»، و امثال آن. ممکن است در پاره‌ای از موارد، مقدّسات اسلامی معنای گسترده تری داشته باشد.

ب) آیا مرجع تشخیص مقدّسات اسلامی عرف است، و با مراجعه به وجدان اهل عرف می‌توان مصادیق آن را شناخت، یا از اموری است که شناخت آن مستلزم خبرویّت و کارشناسی است؟ واضح است در صورت اوّل، هیأت منصفهٔ دادگاههای رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی، به عنوان نمایندگان افکار عمومی، صلاحیّت تشخیص مقدّسات اسلامی را خواهند داشت، و در صورت دوّم، ارجاع امر به کارشناس یا کارشناسان ضرورت خواهد داشت. لکن این سؤال مطرح است که در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۴

صورت دوّم، چنانچه موضوع، بین کارشناسان اسلامی مورد اختلاف باشد، تکلیف چه خواهد بود؟

جواب: مرجع تشخیص، عرف افراد دین‌دار و آشنا به مسائل اسلامی است، و ممکن است در موارد پیچیده، نیاز به استفاده از نظر دانشمندان و علمای دینی نیز باشد.

ج) آیا انتقاد از احکام و مفاهیم قرآن و عترت، یا سیرهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم السلام، از مصادیق اهانت است؟ آیا نقد و بررسی آیات، روایات، سیره و احکام فقهی بر اساس روشهایی غیر از اسلوب متداول میان علمای دین، نوعی اهانت است؟ اصولًا نقد و بررسی این گونه امور در چه صورت اهانت به مقدّسات تلقّی می‌شود؟ و در هر صورت، سوء نیّت منتقد، یا عدم قصد اهانت وی، چه تأثیری در این امر دارد؟

جواب: اگر منظور از نقد و بررسی، ایراد به قانون و قانونگذار باشد، بی‌شکّ جزء مصادیق اهانت است، و اگر منظور، اشکال و ایراد به کسانی باشد که چنان حکمی استنباط کرده‌اند، و به تعبیر دیگر، استنباط زیر سؤال برود نه حکم الهی، مصداق اهانت به مقدّسات اسلامی نیست.

سؤال ۱۶۸۷- با توجّه به اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که مقرّر می‌دارد: «نشریّات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر این که مخلّ به مبانی اسلام، یا حقوق عمومی باشد.» لطفاً بفرمایید:

الف) مقصود از «إخلال» و «مبانی اسلام» چیست؟ آیا مبانی اسلام به معنای احکام زیر بنایی است، یا ضروریّات دینی یا فقهی منظور می‌باشد، یا معنای دیگری دارد؟

جواب: منظور از «مبانی اسلام»، مسائل ضروری دینی است. خواه در مسائل اعتقادی باشد، مانند توحید و معاد و عصمت انبیا و ائمّهٔ معصومین علیهم السلام و امثال آن، و خواه در فروع دین و احکام و قوانین اسلام، و خواه در مسائل اخلاقی و اجتماعی باشد، و منظور از «اخلال» هر کاری است که سبب تضعیف مبانی فوق، یا ایجاد بدبینی و شکّ و تردید نسبت به آنها شود، خواه از طریق درج مقاله باشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۵

یا داستان، یا عکس و کاریکاتور، و یا غیر آن.

ب) آیا طرح سؤال، یا برداشتهای جدید نسبت به مسائل اسلامی، اخلال محسوب می‌شود؟

جواب: اگر منظور از سؤال، گرفتن جواب باشد، اخلال نیست. ولی اگر به منظور ایجاد شبهه در افکار مردم باشد، إخلال محسوب می‌شود. و منظور از برداشت، اگر صرفاً بیان یک احتمال علمی باشد که تحت مطالعه قرار گیرد، إخلال نیست؛ امّا هرگاه به طور قطع روی آن تکیه شود، یا به طوری نشر گردد که در تضادّ با مسائل ضروری اسلام محسوب گردد، اخلال به مبانی خواهد بود.

ج) آیا میان طرح سؤال و برداشتهای جدید در مجلّات علمی و تخصّصی، با طرح آنها در نشریّات عمومی فرقی هست؟

جواب: بدون شک بین این دو تفاوت است. در نشریّات عمومی گاه ممکن است شکل إخلال به مبانی اسلام به خود بگیرد، ولی در نشریّات خصوصی این چنین نیست.

د) فیلمها

سؤال ۱۶۸۸- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون فیلمها پاسخ فرمایید:

۱- ساخت انواع فیلمهای تخیّلی، وحشت‌زا، خشونت‌آمیز، کمدی و جنسی، از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

۲- بیان احساسات زن و مرد نامحرم در فیلم چه حکمی دارد؟

۳- اگر فردی نقش همسر دیگری را بازی کند، با توجّه به این که محرمیّتی وجود ندارد چگونه است؟

۴- آیا پوشاندن کلاه‌گیس زنان از دید مردان در فیلم واجب، و حکم موی طبیعی را دارد؟

۵- تفاوت تماشای زنان اهل کتاب و زنان کافر در چیست؟

۶- تماشای فیلمهای کمدی (خنده‌دار) که فقط جنبهٔ خنداندن دارد، چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۶

۷- تقلید صدا در فیلمها، مثل این که مردی صدای زنی را تقلید کند یا بالعکس، چه حکمی دارد؟

جواب: فیلم‌های بدآموز و زیانبار، مانند فیلم‌های جنسی و وحشت‌زا و امثال آن، حرام است، ولی فیلم‌های آموزنده یا لااقل سرگرم کنندهٔ بدون مفسده، نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه گاه بسیار مفید و مؤثّر، و سبب پیشرفت اهداف اسلامی است. و بازی کردن مردی در نقش همسر بدون محرمیّت در صورتی که خلاف شرعی در آن نباشد ذاتاً اشکالی ندارد، و همچنین تقلید صدای جنس دیگر.

سؤال ۱۶۸۹- نشان دادن چهرهٔ کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام در حالات زیر چه حکمی دارد؟

الف) نشان دادن چهرهٔ کامل بدون هیچ گونه تغییر در چهره‌پردازی؟

جواب: این کار خلاف آداب است.

ب) نشان دادن چهرهٔ کامل همراه با گریم، به گونه‌ای که تماشاگر با کمی دقت مصنوعی بودن آن را بفهمد.

جواب: این فرض نیز مانند فرض سابق است.

ج) استفاده از اشخاصی که در تمام مدّت بازیگری خود فقط نقش ائمّه علیهم السلام را بازی می‌کنند.

جواب: مانند جواب سابق است.

د) استفاده از بازیگرانی که فقط نقشهای مثبت را بازی می‌کنند.

جواب: مانند جواب سابق است، ولی اگر چهره‌ها را مبهم و نامشخّص، و مثلًا غرق در نور نشان بدهند مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۰- تاکنون نسبت به وجود مقدّس حضرت حجّت بن الحسن (عجّل اللّه فرجه الشّریف)، و حضور و اطّلاع و عنایت ایشان به مؤمنین و شیعیان، فیلمی مستند به روایات اهل بیت علیهم السلام تهیّه و تدوین نشده است. ما تصمیم گرفته‌ایم در این زمینه حرکتی انجام دهیم، مستدعی است نظر مبارک خویش را نسبت به تهیّهٔ صحنه‌ای در مسجد مقدّس جمکران، که امام عصر (عجّل اللّه فرجه الشّریف) را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۷

حال حرکت در کنار مردم و متدیّنین هستند بفرمایید؟ (البتّه بدون نشان دادن چهره و بدن به طور کامل، بلکه فقط از زانو به پایین؛ بدین شکل که امام عصر علیه السلام در حال گام برداشتن هستند.) فیلمبرداری از چنین صحنه‌ای چه حکمی دارد؟ یا در کنار مؤمنینی که مشغول دعا خواندن هستند، صحنه‌ای از امام زمان علیه السلام (بدون نشان دادن چهره و بدن به طور کامل، بلکه به تصویر کشیدن دو دست امام علیه السلام در حال قنوت) فیلمبرداری گردد، حکمش چیست؟

جواب: چنانچه احترامات لازم رعایت شود، و این اشتباه برای بیننده حاصل نشود که گمان کند واقعاً شما امام را در این صحنه در مسجد جمکران و مانند آن دیده‌اید و فیلم برداشته‌اید، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۹۱- نظر حضرت عالی دربارهٔ تصویرسازی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و یا انبیای الهی علیهم السلام چیست؟

جواب: هرگاه تصویر و عکس موجب اهانت به مقام آن بزرگواران نباشد، و نسبت قطعی به آنها داده نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۹۲- در صورت جواز، آیا ایفای نقش توسّط غیر مسلمانان از اهل کتاب، یا غیر اهل کتاب جایز است؟ پیروان فِرق و مذاهب اسلامی چطور؟

جواب: با در نظر گرفتن شرایط بالا، فرقی در میان تصویرسازان نیست.

سؤال ۱۶۹۳- معیار و ملاک صدق اهانت، یا عدم صدق اهانت در تصویرسازی چیست؟ پخش آن از طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: معیار آن است که در عرف آن را هتك بدانند، و در صورتی که اهانت‌آمیز باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۶۹۴- اخیراً در خارج از کشور فیلمهایی رواج یافته که به ایفای نقش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، یا امامان معصوم علیهم السلام یا یکی از انبیا علیه السلام، می‌پردازند. با توجّه به این که احتمال می‌رود اغراض ناشایسته‌ای در کار باشد، نظر خویش را اعلام فرمایید.

جواب: باید در این گونه موارد بسیار دقیق بود. هرگاه پس از دقّت کافی،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۸

محذورهای بالا در آن نباشد، مانعی ندارد. ولی معمولًا ظاهر شدن اشخاص مستقیماً در نقش معصومین از نظر مردم با ایمان، مشکل آفرین است.

سؤال ۱۶۹۵- ساختن فیلمهای خنده‌دار و تفریحی سالم چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۶- ساختن فیلمهای ترسناک، به منظور به یاد مرگ انداختن مخاطبان، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیانی نباشد، جایز است.

سؤال ۱۶۹۷- فیلمبرداری از مساجد، که بازیگر باید در آن ایفای نقش کند، چه حکمی دارد؟ اماکن متبرّکه و امامزاده‌ها چطور؟

جواب: در صورتی که هتک احترام مسجد نشود، و مزاحم نمازگزاران نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۸- پوشیدن لباس روحانیّون به وسیلهٔ بازیگران چه حکمی دارد؟

جواب: اگر احترام این لباس حفظ شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۹- در فیلمهای مستند، فیلمبرداری از مردگان و اجسادی که در کفن هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه کفن را باز نکنند، و احترام میّت حفظ شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۰- اخیراً در منطقهٔ ما، کانال تلویزیونی جدیدی راه‌اندازی شده که هم برنامه‌های خوب و مشروع، و هم برنامه‌های حرام دارد. آیا همکاری با این کانال تلویزیونی جایز است؟

جواب: در صورتی که برنامه‌های حرام دارد، همکاری با آن جایز نیست.

سؤال ۱۷۰۱- ارائهٔ فیلمها و نقشهایی که- احیاناً- اهانت به مقدّسات اسلامی به شمار می‌آید، و لو در آن تصویرسازی معصومان علیهم السلام نباشد، چه حکمی دارد؟ و اساساً تشخیص آن چگونه خواهد بود؟

جواب: به یقین چنین فیلمهایی جایز نیست. و معیار، فهم مردم آگاه و متدیّن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۵۹۹

سؤال ۱۷۰۲- آیا در مسائل فوق میان فقهای شیعه و سنّی اختلافی وجود دارد؟

جواب: اگر موجب اهانت شود، فرقی میان علمای اسلام نیست.

سؤال ۱۷۰۳- آیا حکم مذکور نسبت به حضرت أبو الفضل العبّاس علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام و مانند آن بزرگواران نیز جاری است؟

جواب: دربارهٔ تمام شخصیّتهای محترم اسلام، هر چیز که مایهٔ اهانت گردد جایز نیست.

سؤال ۱۷۰۴- برای ارائهٔ زندگی معصومان علیهم السلام از طریق فیلم و نمایش و سریال، با حفظ حدود فقهی چه راه حلّی را ارائه می‌دهید؟

جواب: بهترین راه حلّ این است که معصومین علیهم السلام را به صورت مبهم یا در هاله‌ای از نور نشان دهند، تا مشکلی از این جهت ایجاد نشود. ولی دربارهٔ دیگران چنانچه احترامات لازم رعایت شود، نشان دادن آنها اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰۵- نظر جنابعالی در مورد سینما چیست؟

جواب: در صورتی که سینما خالی از امور خلاف شرع باشد، و سبب آموختن مسائل اجتماعی، تربیتی و اخلاقی شود، یا لااقلّ جنبهٔ سرگرمی سالم داشته باشد، مجاز است.

سؤال ۱۷۰۶- اگر مدرّسان معتقد در دسترس نباشند، آیا تحصیل دانش فیلمسازی از مدرّسان ضعیف الاعتقاد جایز است؟

جواب: در صورتی که مفسده‌ای بر آن مترتّب نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۷- برای تحصیل دانش فیلمسازی، نگاه کردن به فیلمهایی که زنان بد حجاب در آن هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تحصیل دانش فیلمسازی برای تحصیل اهداف مقدّسی باشد، و دیدن آن فیلمها منشأ فساد نشود، اشکال ندارد.

سؤال ۱۷۰۸- در امر ساختن فیلم آیا می‌توان از زن بازیگر استفاده کرد، با توجّه به این که باید با بازیگر صحبت و تمرین کرد؟

جواب: اگر از حدود عفّت خارج نشود، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۰

سؤال ۱۷۰۹- یکی از عناصر فیلمسازی، چهره‌پردازی (گریم) است، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر به وسیلهٔ نامحرمان انجام نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۱۰- تراشیدن ریش برای هنرپیشه‌های مرد، و نیز نمایان بودن زیر گلو و مقداری از مو و برآمدگیهای سینه و قسمتهایی از پایین بدن برای هنرپیشه‌های زن، چه حکمی دارد؟

جواب: تراشیدن ریش بر خلاف احتیاط است؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند، و امّا نمایان کردن قسمتهای مذکور برای زنان در مقابل نامحرم جایز نیست؛ مگر این که توسّط فرد محرمی فیلمبرداری گردد، آنگاه فیلم آن را نشان دهند. در این صورت اگر منشأ فساد خاصّی نباشد جایز است.

سؤال ۱۷۱۱- اخیراً از سوی برخی مسئولان کشور، به بهانهٔ عدم توانایی جلوگیری از ماهواره، زمزمهٔ آزاد شدن استفاده از آن سرداده می‌شود. با توجّه به اثرات شوم و ویرانگر آن در محیط خانواده و جامعه، و عدم قدرت بر کنترل کامل آن، آیا به نظر حضرتعالی آزادی ماهواره جایز است؟ آیا عدم قدرت بر جلوگیری از آن در آینده، مجوّز آزادی قانونی آن می‌باشد؟

جواب: بی‌شکّ وجود ماهواره در خانواده‌ها سبب در دسترس قرار گرفتن صحنه‌های فساد است، و اثر منفی غیر قابل انکاری مخصوصاً بر جوانان خانواده دارد؛ بنابراین کسانی که برای تسهیل در امر آن می‌کوشند مرتکب گناه بزرگی می‌شوند.

ه) فیلمها و تبلیغ کالا

سؤال ۱۷۱۲- آیا تبلیغ کالاهای خارجی جایز است؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیانی بر مسلمین نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۱۳- آیا تبلیغ کالاهایی که سرمایه داران جهانی، و شرکتهای چند ملیّتی را تقویت می‌کند، جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۱

جواب: با شرایط بالا اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۱۴- تبلیغ کالاهای مضرّ، مثل سیگار و مانند آن، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۷۱۵- دروغهای تبلیغاتی برای مصرف کالا، در دو صورت زیر چه حکمی دارد؟

۱- دروغهای واضحی که همه از دروغ بودن آن آگاهند.

۲- دروغهایی که غیر از افراد خبره کسی از آن آگاهی ندارد.

جواب: دروغ جایز نیست؛ مگر این که قرینه‌ای بر جدّی نبودن، یا معنای مجازی آن وجود داشته باشد.

سؤال ۱۷۱۶- آیا می‌توان برای تبلیغ کالا و به منظور ترغیب مخاطبان، از تصویر زنان استفاده کرد؟

جواب: این کار در شأن زنان و شخصیّت آنان نیست.

سؤال ۱۷۱۷- آیا به کار بردن عبارتهای مبالغه‌آمیز تبلیغاتی، که مصداق دروغ نیست، امّا از حالت اطّلاع‌رسانی پا را فراتر گذارده، و

به قصد تشویق مردم به مصرف بیان می‌شود، جایز است؟

جواب: در صورتی که موجب گمراهی مردم شود، اشکال دارد.

و) نابود کردن فیلمهای فاسد

سؤال ۱۷۱۸- یکی از اموری که در عصر و زمان ما بیداد می‌کند، و جوانان ما را به کام نیستی می‌کشاند، مسألهٔ فساد اخلاقی است، که جنبه‌های گوناگونی دارد. یکی از جنبه‌های بارز آن، گسترش فیلم‌ها و نوارهای ویدیویی و کاست است که سهم بسزایی در از بین بردن فرهنگ جامعه، و به انحراف کشاندن جوانان، ایفا می‌کند، و متأسّفانه دستگاههای انتظامی و قضایی در این زمینه ضعیف عمل می‌نمایند. آیا می‌توان این گونه وسایل را به دلیل این که فرهنگ اسلامی ما را از بین می‌برد، نابود کرد؟ آیا می‌توان وسایلی مثل آنتن ماهواره و مانند آن، که همان تأثیر، و شاید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۲

شدیدتر از آن را دارد، نابود کرد؟

جواب: البتّه وسایل فساد را می‌توان نابود کرد، و سبب ضمان نمی‌شود. ولی افراد مجاز نیستند خودسرانه این کار را انجام دهند؛ چون سبب هرج و مرج می‌شود. بلکه باید طبق برنامه و ضوابط، و زیر نظر حاکم شرع و مسئولین ذی ربط، انجام شود.

ز) فیلمها و طنزها

سؤال ۱۷۱۹- آیا می‌توان از برنامه‌های طنز و شوخی و خنده و تفریح و سرگرمی، در جهت ارزشهای اسلام و انقلاب و فقه اسلامی استفاده کرد؟

جواب: کاملًا امکان‌پذیر است؛ مشروط بر این که در محتوای آن دقّت کافی شود.

سؤال ۱۷۲۰- آیا شرعاً می‌توان مطالب جدّی و حقیقی را با لعاب نازک‌اندیشی و نازک گویی، ظریف کاری و لطیف‌پردازی، همراه با فکاهی و مطایبه طنز، ارائه کرد؟

جواب: هرگاه خالی از سخن خلافی باشد، و اهداف سازنده‌ای حاصل گردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۱- آیا در روایات طنز وجود دارد؟ آیا می‌توان طنز را به طنز قرآنی و روایی تقسیم کرد؟

جواب: در تواریخ اسلامی، و سیرهٔ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یا ائمّهٔ هدی علیهم السلام دیده می‌شود.

سؤال ۱۷۲۲- طنز و نقد مذموم، از طنز و نقد و مزاح ممدوح، با چه معیاری جدا می‌شود؟

جواب: معیار، رعایت موازین شرعی، و جدا کردن حلال از حرام است.

سؤال ۱۷۲۳- آیا تضییع اوقات مردم، در قالب فیلم، نمایشنامه، شعرخوانی و خاطره گویی از طریق برنامه‌های سرگرم کنندهٔ کم محتوی، و نمایشهای سبک و بی‌مغز شرعاً جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۳

جواب: اگر صرفاً تضییع اوقات باشد، کار خوبی نیست، ولی اگر بدآموزی و خلاف شرع در آن باشد، حرام است.

سؤال ۱۷۲۴- به نظر شما ویژگی شرعیِ طنز دینی کدام است؟

جواب: طنز دینی آن است که اوّلًا: هدف صحیحی را دنبال کند. و ثانیاً: خالی از خلاف شرع باشد.

سؤال ۱۷۲۵- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون طنز جواب فرمایید:

الف) دروغهایی که در برنامه‌های طنز و سرگرم‌کننده گفته می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قرینه‌ای بر جدّی نبودن وجود داشته باشد، اشکالی ندارد.

ب) استهزا و توهین به دیگران در برنامه‌های تفریحی طنز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعاً توهین باشد، جایز نیست.

ج) لطیفه‌هایی که دربارهٔ اهالی برخی مناطق ایران گفته می‌شود، در چه محدوده‌ای مجاز، و در چه صورت حرام می‌باشد؟

جواب: در مواردی که باعث هتک اهالی آن منطقه شود، جایز نیست.

د) اگر طنز به گونه‌ای در جامعه ترویج یابد که دیگر هتک حرمت و توهین حساب نشود، یا به دلیل وجود قرائن حالیّه یا مقالیّه، باعث اذیّت و ایذا نگردد، چه حکمی دارد؟

جواب: در چنین فرضی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۶- لطیفه‌هایی که دربارهٔ ملل غیر مسلمان گفته می‌شود، چه حکمی دارد؟ در مورد ملل مسلمان چطور؟

جواب: در هر دو مورد باید ادب اسلامی رعایت شود، و هتک و توهینی به عمل نیاید. مگر ملّتهایی که محارب با مسلمین هستند.

سؤال ۱۷۲۷- آیا می‌توان برای جذب مخاطبین در صدا و سیما، و فیلم‌ها و سریالها و سینماها، با تمسّک به عناوین ثانوی و رعایت مصالح اهمّ، طنز را تجویز کرد؟

جواب: طنز به صورتی که در بالا گفتیم، احتیاج به عناوین ثانویّه ندارد. و با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۴

امکان استفاده از طنزهای مشروع، نیازی به طنزهای حرام نیست.

سؤال ۱۷۲۸- اگر نمایشهای طنزآمیز و خنده‌آور، بدآموزی داشته باشد، یا سبک و بی‌مغز و گمراه‌کننده باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض بالا جایز نیست.

سؤال ۱۷۲۹- اگر در طنز قصد جدّی بر دروغ و توهین و استهزا نباشد، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قرینه‌ای همراه آن باشد، و مایهٔ هتک و بی‌احترامی نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۳۰- آیا طنز در قرآن و سیرهٔ عملی اهل بیت علیهم السلام وجود دارد؟

جواب: آری؛ طنز به معنای بالا در کتاب و سنّت وارد شده است.

سؤال ۱۷۳۱- آیا استفاده از صدای زنان، و رفتار و کردار آنان، در عرصه‌های هنری، در قالب طنز و ایجاد خنده و شادی جایز است؟

جواب: زنان باید در همه حال، وقار اسلامی خود را حفظ کنند.

سؤال ۱۷۳۲- آیا در برنامه‌های صدا و سیما و نمایش طنز، به مقتضای فضای شاد برنامه، خندیدن بازیگران و هنرمندان زن به صورت قهقهه، فریاد، آه و ناله جایز است؟ به عنوان ثانوی چطور؟

جواب: از جواب سابق معلوم شد.

سؤال ۱۷۳۳- اگر طنز و طنزپردازی به صورت شغل درآید، یا حرفهای بیهوده و لغو و سبک برای سرگرمی و ایجاد خنده در آن به کار رود، چه حکمی دارد؟

جواب: در چنین صورتی حرام است.

سؤال ۱۷۳۴- ماهیّت طنز و مطایبه، با رعایت موازین شرعی چیست؟

جواب: طنز و مطایبهٔ شرعی همان سخنان نشاطانگیزی است که مشتمل بر یکی از محرّمات مانند توهین، هتک، غیبت، و فساد جنسی نباشد.

سؤال ۱۷۳۵- آیا تمسخر افرادی که متجاهر به فسق هستند، جایز است؟

جواب: در صورتی که راه نهی از منکر، منحصر به این کار باشد، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۵

۱۸- سؤالات سیاسی

سؤال ۱۷۳۶- با توجّه به وضعیّت کنونی مسلمانان فلسطین، و عدم امکان حضور فیزیکی و جهاد برای مسلمانان کشورهای دیگر، وظیفهٔ ما در قبال این مسأله چه می‌باشد؟ به نظر حضرتعالی وظیفهٔ خاصّ دانشجویان چیست؟

جواب: مسألهٔ فلسطین یک مسألهٔ کاملًا جدّی، و انتفاضه در شکل اخیر از هر زمان پرشورتر است، و شرایط بین المللی و کشورهای اسلامی نیز با گذشته تفاوت بسیار دارد، که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد. به همین دلیل باید اقدامات جدّی تری صورت گیرد. ولی چون اقدامات پراکنده مخصوصاً در زمان ما، نتیجه‌بخش نیست، باید یک برنامه‌ریزی حساب شده با حضور نمایندگان ارگانهای مختلف انجام گیرد، و به دنبال آن حمایتهای گوناگون از فلسطینی‌هایی که همه روزه آماج حملات دشمنان بی‌رحم و وحشی قرار دارند، صورت پذیرد.

تشکیل چنین جلسه‌ای را برای برنامه‌ریزی، واجب و لازم می‌دانیم.

سؤال ۱۷۳۷- نظر اسلام در مورد اعتصاب غذا، که بعضی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی به عنوان اعتراض به وضع نامناسب زندان، و یا اعتراض به حکمی که دادگاه صادر کرده، به آن متوسّل می‌شوند چیست؟

جواب: در صورتی که باعث ضرر مهمّی در جان یا بدن نشود، اشکال ندارد.

مگر این که زندانی در معرض خطری باشد که هیچ راهی برای رهایی از خطر جز اعتصاب غذا نباشد؛ که در این صورت نیز جایز است.

سؤال ۱۷۳۸- اعتصاب بعضی از کارمندان دولت ظالم، به عنوان اعتراض به احکامی که از سوی دادگاه صادر می‌شود، و حاوی توهین به دین و مذهب، یا موهن جلوه دادن دین می‌باشد، چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که گاه این اعتصابات به از دست دادن شغل آنها منجر می‌شود؟

جواب: موارد مختلف است؛ گاه مسأله‌ای که به خاطر آن اعتراض کرده، از نظر اسلام مهمتر است، مثل این که مقدّسات دین، یا بلاد مسلمین، یا خود مسلمین، در خطر باشند. و گاهی از اوقات آن مسأله نسبت به خطری که برای اعتصاب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۶

کنندگان پیش می‌آید، کم اهمیّت‌تر است. خلاصه این که حکم دایر مدار قاعدهٔ اهمّ و مهمّ است.

سؤال ۱۷۳۹- وظیفهٔ مسلمانان، مخصوصاً کسانی که دارای موقعیّت اجتماعی مهمّی هستند، به هنگامی که اسلام از ناحیهٔ بعضی از حکومتها مورد تعرّض قرار می‌گیرد، چیست؟ لازم به ذکر است که این هجمه‌ها گاه مستقیم، و برخی اوقات غیر مستقیم انجام می‌شود، و اعتراض به آنگاه، منجر به زندان یا شکنجه و تبعید، و گاه نیز به قتل می‌انجامد؟

جواب: از جواب سابق روشن شد.

سؤال ۱۷۴۰- آیا تظاهرات آرام بر علیه سیاست حاکم ظالمی که وظیفه‌اش حکومت دینی است، جایز می‌باشد؟ با توجّه به این که روشهای دیگر اعتراض مفید نبوده، و این روش نیز ممکن است خطر قتل به همراه داشته باشد. آیا این عمل نوعی جهاد دفاعی محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه اسلام در خطر باشد، و هیچ راهی برای دفاع از اسلام جز این راه نباشد، این کار پس از اجازه از حاکم شرع واجب

است. ولی نباید خودسرانه دست به این کار زد، که مایهٔ تفرقه و سستی می‌شود.

سؤال ۱۷۴۱- اخیراً عدّه‌ای خود را حسینی، و گروه دیگر را یزیدی می‌نامند، و هر یک از دین و مقدّسات مایه می گذارند. این امر سبب شده که این جانب نسبت به مسائل دینی سست شوم. راهی پیش رویم بگذارید که از این آفت دین‌زدگی رهایی یابم.

جواب: شما در اینجا باید به مضمون آیهٔ شریفهٔ «یَا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ انْفُسَکُمْ لَا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ اذَا اهْتَدَیْتُمْ»؛ «۱» سعی کنید وظیفهٔ خود را خوب و خالصانه انجام دهید. خداوند شما را یاری خواهد کرد. از مطبوعات فاسد و مفسد پرهیز کنید، و وارد جرّ و بحثهای جناحی نشوید.

---

(۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید. اگر شما هدایت یافته باشید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیان نمی‌رساند.» (سورهٔ مائده؛ آیهٔ ۱۰۵)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۷

۱۹- صدقه

سؤال ۱۷۴۲- عدّه‌ای از برادران بسیجی در راستای اهداف خیرخواهانه اقدام به تأسیس مؤسّسهٔ امور خیریّه‌ای نموده‌اند. لطفاً به سؤالاتی در این راستا پاسخ فرمایید:

الف) نظر حضرتعالی دربارهٔ چگونگی صرف صدقه در امور زیر چیست؟

۱- صرف صدقه برای ساخت ساختمان مؤسّسهٔ خیریّه. این ساختمان برای درمانگاه خیریّه، ساختمان اداری، خدمات رفاهی، و قرض الحسنه مورد استفاده قرار خواهد گرفت، و سود حاصله متعلّق به خیریّه است.

۲- صرف صدقه برای خرید اقلام ضروری، مانند موادّ غذایی، پوشاک، لوازم اداری و مانند آن.

۳- اختصاص دادن صدقه به صورت وام ضروری برای خانواده‌های تحت پوشش.

۴- صرف صدقه برای امورات تعاونی به نفع مؤسّسهٔ امور خیریّه.

۵- هزینه کردن صدقه برای مدّتی معیّن و مشخّص، به عنوان موجودی اوّلیّهٔ صندوق قرض الحسنه، که زیر نظر مؤسّسه اداره می‌شود، و استفاده از سود حاصله برای امورات خیریّه.

۶- صرف صدقه برای سرمایه‌گذاری و استفاده بردن از سود آن به نفع امور خیریّه.

۷- استفاده از صدقه برای حقوق کارمندان خیریّه.

۸- صرف صدقه برای امور فرهنگی خانواده‌های تحت پوشش.

جواب: صدقات فقط به نیازمندان می‌رسد؛ مگر این که مردم به قصد هر کار خیر بدهند.

ب) دیدگاه حضرتعالی در ارتباط با نحوهٔ صرف صدقه چیست؟

جواب: صدقه به نیازمندان می‌رسد.

ج) نظرتان در ارتباط با فروش اجناس مازاد و اضافی متعلّق به خیریّه، و وسائلی که جمع‌آوری می‌شود، و مورد استفاده نیست، چه می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۸

جواب: باید آن را بفروشند، و صرف همان مصارفی کنند که صدقه‌دهندگان در نظر داشته‌اند.

سؤال ۱۷۴۳- صدقاتی در صندوق خیریّه ریخته می‌شود. آیا متولّی صندوق می‌تواند آن پولها را عوض کند، مثلًا پول خورد را

تبدیل به اسکناس نماید؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴۴- اگر فرد ثروتمندی کلیّهٔ حقوق واجب شرعی خود، نظیر خمس و زکات را ادا کند، ولی در جامعهٔ اسلامی افرادی را مشاهده نماید که به دلیل فقر و گرفتاری دچار بیماری‌هایی نظیر سوء تغذیه‌اند، که به تدریج منجر به مرگ آنها می‌شود، یا بیمارانی را سراغ داشته باشد که به دلیل نداشتن هزینهٔ درمان در معرض مرگ هستند، آیا وظیفه دارد بخشی از دارائیش را برای موارد فوق الاشاره اختصاص دهد؟

جواب: در صورتی که جان مسلمانان در خطر باشد، نجات آنها به مقدار تمکّن واجب کفایی است. ولی اگر در رنج و زحمت باشند، نه خطر مرگ، رسیدگی به وضع آنها مستحبّ مؤکّد می‌باشد.

سؤال ۱۷۴۵- در فرض دیگر اگر برخی افراد ثروتمند و مرفّه در حدّ اعلای رفاه، و از همهٔ مواهب و نعمتهای مادّی برخوردار باشند، و همزمان عدّه‌ای دیگر در نهایت عسر و حرج و مشقّت در زندگی طاقت‌فرسایی بسر ببرند، و از حدّ اقل رفاه از نظر مسکن و تأمین معیشت روزانه و مانند آن محروم باشند، هر چند این عسر و حرج منجر به مرگ و هلاکت آنها نشود، آیا شخص ثروتمندی می‌تواند با این منطق که چون حقوق شرعی واجب خود را ادا نموده، از اعانت و کمک به مستمندان دریغ ورزد؟ آیا اساساً در این قبیل موارد تکلیف شرعی خاصّی بر دوش ثروتمندان هست؟

جواب: در چنین شرایطی حکومت اسلامی می‌تواند برای برقرار ساختن نظم اجتماعی از اختیارات خود استفاد کند؛ از طریق وضع مالیاتهای عادلانه، یا مشابه آن.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۰۹

سؤال ۱۷۴۶- در فرض سؤال قبل چنانچه از افرادی که در عسر و حرج قرار دارند، آگاهی تفصیلی و جزئی نداشته باشیم، ولی به طور کلّی و به نحو اجمالی آگاهی وجود داشته باشد، آیا تحقیق و تفحّص لازم است؟

جواب: چنانچه به صورت شبههٔ محصوره باشد، تفحّص لازم است. امّا اگر غیر محصوره باشد، لازم نیست.

سؤال ۱۷۴۷- برخی می‌گویند: «در این قبیل موارد حکم مولوی (نه ارشادی) ولیّ فقیه زمان مشخّص کنندهٔ تکلیف خواهد بود.» حال اگر در کشوری، اعمّ از اسلامی یا غیر اسلامی، مسلمین دارای رهبری دینی به نحو مذکور نبودند، وظیفهٔ آنها چیست؟

جواب: به مجتهدین جامع الشرائط، و در نبود آنها به عدول المؤمنین آگاه از مسائل شرع و مسائل زمان و مکان، مراجعه می‌کنند.

۲۰- صلهٔ رحم

سؤال ۱۷۴۸- آیا صلهٔ ارحام، حقّ اللّه است، یا حقّ النّاس محسوب می‌شود؟

جواب: نوعی حقّ اللّه است، که خداوند دربارهٔ رحم مقرّر فرموده است.

سؤال ۱۷۴۹- آیا صلهٔ رحم هم مشمول قاعدهٔ «لا حرج» و «لا ضرر» می‌شود؟ مثلًا اگر صلهٔ رحم با شخصی، مایهٔ هتک آبرو یا آزار انسان گردد، آیا ترک آن جایز است؟

جواب: آری، در مواردی که ضرر یا مشقّت مهمّی باشد، استثنا می‌شود.

سؤال ۱۷۵۰- در صورت بی‌حجابی ارحام، و عدم وجود شرایط نهی از منکر، بازهم صلهٔ رحم واجب است؟

جواب: در صورتی که سبب امضای اعمال آنها نشود، باید صلهٔ رحم را به جا آورد، و تا آنجا که ممکن است با زبان خوش، امر به معروف و نهی از منکر کرد.

سؤال ۱۷۵۱- چنانچه در همنشینی با اقوام نزدیک ترس آن باشد که خود انسان به غیبت مبتلا گردد، یا شاهد غیبت کردن دیگران

باشد، و نهی از منکر را هم در آن مجالس به سخریّه بگیرند، آیا می‌توان با آنان قطع رابطه کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۰

جواب: هرگاه امیدی به تأثیر نهی از منکر ندارید، و خوف آلودگی خودتان به آن گناه می‌رود، می‌توانید رفت و آمد نکنید. ولی تا می‌توانید سعی کنید صلهٔ رحم را توأم با امر به معروف و نهی از منکر با زبان خوب ترک نکنید.

سؤال ۱۷۵۲- صلهٔ رحم چیست؟ و چه کسانی جزء ارحام محسوب می‌شوند؟ و در چه مواردی اسلام دستور به قطع صلهٔ رحم می‌دهد؟

جواب: صلهٔ رحم یعنی پیوند با خویشاوندان، که گاه با دیدار آنها حاصل می‌شود، و گاه با نامه، یا تلفن، یا دعوت از آنان، یا طرق دیگر. و خویشاوندان خیلی دور را شامل نمی‌شود، و مادام که محذور و مانع شرعی و عرفی در کار نباشد، نباید قطع کرد.

۲۱- طیّ الارض

سؤال ۱۷۵۳- انسانهایی که طیّ الارض دارند (مثلًا در قم است، از خدا می‌خواهد که او را به مشهد، جهت زیارت حرم امام رضا علیه السلام برساند. چند قدم راه می‌رود، به یاری خداوند به حرم می‌رسد!) چگونه به این درجه نائل می‌شوند؟

جواب: این گونه کرامات بعد از تهذیب نفس و خودسازی کامل ممکن است حاصل شود.

سؤال ۱۷۵۴- انسان چگونه می‌تواند طیّ الارض داشته باشد؟ می‌گویند: «کسی که چهل روز سکوت کند، چشم بصیرت او باز می‌شود!» نظر شما چیست؟

جواب: هر قدر انسان در طریق بندگی خدا و تقوا و پرهیز از گناه و خودسازی بیشتر پیش برود، چشم حقیقت بین او بیشتر باز می‌شود، و به اموری دست می‌یابد که افراد عادی دست نمی‌یابند.

۲۲- عید الزهراء

سؤال ۱۷۵۵- شیعیان در روز نهم ربیع الأوّل به مناسبت عید الزهراء علیها السلام مراسم جشن و سرور برپا می‌کنند. در برخی از این مراسم آنچه از سخنان رکیک، و حتّی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۱

خلاف می‌دانند، می‌گویند؛ بلکه گاه مردان، خود را به شکل زن در می‌آورند! و هنگامی که به آنان تذکّر داده می‌شود، به روایت «رُفِعَ القَلَم» استناد جسته، و می‌گویند طبق این روایت، اعمال مذکور اشکالی ندارد. آیا این اعمال، جایز و موجب رضای خدا و اهل بیت عصمت و طهارت است؟ در صورت عدم جواز، توجیه روایت رفع قلم چیست؟

جواب: اوّلًا: روایتی با عنوان رفع قلم در آن ایّام مخصوص، در منابع معتبر نداریم.

ثانیاً: بر فرض، چنین چیزی باشد (که نیست) مخالف کتاب و سنّت است، و چنین روایتی قابل پذیرفتن نیست، و حرام و گناه در هیچ زمانی مجاز نیست.

همچنین سخنان رکیک و کارهای زشت دیگر.

و ثالثاً: تولّی و تبرّی راههای صحیحی دارد، نه این راههای خلاف.

۲۳- فراگیری فلسفه و علوم غریبه

سؤال ۱۷۵۶- عدّه‌ای از علما و مراجع گذشته قائل به حرمت فراگیری فلسفه، و عدّه‌ای (بنابر آنچه معروف است) قائل به وجوب

خواندن فلسفه هستند. علّامهٔ مامقانی در کتاب مرآة الرشاد به پسرش چنین نصیحت می کند: «پسرم! تا وقتی که مجتهد نشده‌ای فلسفه نخوان» نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب: خواندن فلسفه با دو شرط اشکالی ندارد. نخست این که انسان قبلًا عقاید اسلامی را به قدر کافی فراگرفته باشد. و دیگر این که نزد استاد متعهّدی بخواند.

سؤال ۱۷۵۷- نظرتان در مورد فلسفه چیست؟ آیا با فلسفهٔ نوین موافق هستید؟

منظور از ذکر این سؤال توضیح دربارهٔ فلسفه نیست، بلکه تجسّس می‌باشد، چون مشاهده می‌شود که برخی از علما با فلسفه مخالف هستند.

جواب: فراگرفتن فلسفه برای کسانی که پایه‌های اعتقادی خود را محکم کرده‌اند نه تنها ضرری ندارد، بلکه کمک به پیشرفت فکری نیز می کند، ولی باید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۲

آن را نزد استاد متعهّدی فرا گرفت.

سؤال ۱۷۵۸- فراگرفتن علوم غریبه، مثل علم رمل و جفر و اسطرلاب، که هر یک فوائدی دارد، و بعضی از علمای بزرگ نیز رغبت به این علوم داشته‌اند، چگونه است؟

جواب: دستیابی به این علوم به طور صحیح مشکل است، و چه بهتر که از صرف وقت در آن بپرهیزید.

۲۴- قرآن مجید

سؤال ۱۷۵۹- لطفاً توصیه‌ای جهت حفظ قرآن برای جوانان مملکت اسلامی، و حافظان کلام اللّه نورانی مرقوم بفرمایید.

جواب: حافظان قرآن باید سعی کنند به موازات حفظ قرآن، معانی آن را هم فراگیرند، و به موازات حفظ معانی، به آن عمل کنند، و به موازات عمل کردن، آن را منتشر سازند. که این وظایف چهارگانه، یکدیگر را تکمیل می کند.

سؤال ۱۷۶۰- اگر کسی توفیق حفظ تمام، یا قسمتی از قرآن را پیدا کند، و سپس آن را فراموش نماید، چه حکمی دارد؟ آیا سبب عقوبت او در آخرت خواهد بود؟

جواب: روایاتی در این زمینه داریم مبنی بر این که: «کسی که قرآن را حفظ نماید، سپس فراموش کند، عقوبت و مجازات دارد.» ولی ظاهراً این روایات شامل زمان ما نمی‌شود. بنابراین، اگر کسانی در عصر و زمان ما قرآن را فراگیرند، و بعد به واسطهٔ گرفتاریهایی فراموش کنند، کار حرامی انجام نداده‌اند. البتّه چه بهتر که سعی کنند فراموش ننمایند.

سؤال ۱۷۶۱- چرا اکثر آیات قرآن خطاب به مردان است؟

جواب: در ادبیّات عرب، صیغه‌های مذکّر در بسیاری موارد، مفهوم عامّی دارد، و شامل مرد و زن هر دو می‌شود.

سؤال ۱۷۶۲- اگر کسی عمداً قرآن را به زمین بزند، آیا کفّاره دارد؟ اگر سهواً به زمین بیفتد چگونه است؟

جواب: در صورت عمد، گناه بزرگی انجام داده است، و چه بسا، کسانی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۳

این کار را می‌کنند، مرتد شوند، و باید توبه کنند، و آن کار بد خود را با اعمال نیک آینده جبران نمایند، و امّا در صورت سهو گناهی نکرده، لکن در هر صورت باید خیلی مواظبت کند، و کفّاره‌ای ندارد.

سؤال ۱۷۶۳- بسیاری از مردم به علّت سخت بودن قرائت متون عربی و قرآن از یک سو، و از سوی دیگر از آنجا که برای دست زدن به قرآن حتماً باید وضو داشته باشند، تاکنون متأسّفانه یک بار هم قرآن نخوانده‌اند! حال اگر شما و امثال شما، که امکانات

نشر و چاپ کتاب را به صورت گسترده در اختیار دارید، ترجمهٔ کامل قرآن را بدون متن عربی آن چاپ کنید، به طور حتم این کار گامی خواهد بود در جهت مطالعهٔ بیشتر قرآن توسّط مردم، که می‌تواند نقش مهمّی در جهت بهبود اخلاق و شخصیّت مردم در کلّ اجتماع ایفا کند. اگر ممکن است نظرتان را در این مورد بیان فرمایید.

جواب: چاپ ترجمهٔ قرآن بدون متن عربی سبب می‌شود که تدریجاً اصل قرآن فراموش شود، و این خطر، ضایعهٔ بزرگی برای اسلام خواهد بود. ولی قرآنهایی از ما و دیگران چاپ شده که هم متن عربی دارد، و هم ترجمهٔ فارسی؛ سعی کنید تدریجاً به هر دو آشنا شوید، و اگر در ابتدا توأم با غلط بخوانید ضرری ندارد؛ تدریجاً درست می‌شود.

سؤال ۱۷۶۴- وقف غفران چیست؟ موارد آن را در قرآن مجید بیان فرمایید.

جواب: وقف غفران، مطابق فرمودهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن است که هرگاه بر آن کلمه وقف شود، موجب مغفرت و آمرزش است. و آن در ده مورد به شرح زیر است، که در بعضی قرآن‌ها در بالا یا پایین کلمه، «غفران» نگاشته شده است:

۱- مائده/ ۵۱، در کلمهٔ «اولیاء».

۲- انعام/ ۳۶، در کلمهٔ «یسمعون».

۳- سجده/ ۱۸، در کملهٔ «فاسقاً».

۴- سجده/ ۱۸، در کلمهٔ «لا یستوون».

۵- یس/ ۱۲، در کملهٔ «آثار هم».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۴

۶- یس/ ۳۰، در کملهٔ «علی العباد».

۷- یس/ ۵۲، در کملهٔ «من مرقدنا».

۸- یس/ ۶۱، در کملهٔ «أن اعبدونی».

۹- یس/ ۸۱، در کملهٔ «أن یخلق مثلهم».

۱۰- ملک/ ۱۹، در کلمهٔ «یقبضن» «۱».

سؤال ۱۷۶۵- بعضی از قاریان قرآن، الفاظ قرآن را تغییر می‌دهند، مثل این که «موسی» را «موسی» و «عیسی» را «عیسی» و نیز «تَقْوی» را «تَقْوی» و «دنیا» را «دنیی» تلفّظ می‌نمایند، آیا چنین کاری درست است؟

جواب: گرچه این گونه قرائتها در میان عرب معمول بوده، ولی فعلًا خواندن آن به مصلحت اسلام و مسلمین نیست؛ طبق مشهور بخوانید.

سؤال ۱۷۶۶- هدیه دادن قرآن به یک مسیحی چه حکمی دارد؟ اگر شخصی چنین هدیه‌ای داده باشد، آیا باید پس بگیرد؟

جواب: در صورتی که امید هدایت او به وسیلهٔ آن باشد، اشکالی ندارد، در غیر این صورت اشکال دارد.

سؤال ۱۷۶۷- آیا در قرآن کلمات فارسی هم وجود دارد؟

جواب: بعضی از کلمات در قرآن هست، که گفته می‌شود اصل آن فارسی است؛ مانند «سجّیل» که گفته می‌شود «سنگ گل» است.

سؤال ۱۷۶۸- آیا خواندن قرآن در مجالس به زبان غیر عربی جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی ثواب تلاوت قرآن را ندارد.

سؤال ۱۷۶۹- نظرتان در مورد قرائت قرآنی که همراه با خودنمایی است، چیست؟

جواب: ریا در هر عبادتی، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۰- آیهٔ ۶۱ سورهٔ نور در مورد خوردن غذا از خانهٔ اقوام احکامی دارد که مسلّماً برای تقویت نزدیکی و دوستی است. من

به تفسیر آن بزرگوار مراجعه کردم،

(۱) سرّ البیان فی علوم القرآن، صفحهٔ ۲۴۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۵

ولی شبهاتم بیشتر شد. لطفاً پاسخ فرمایید:

الف) آیا تحت هر شرایطی، می‌توان از غذای نامبردگان استفاده کرد؟

ب) آیا جلب رضایت آنها لازم نیست؟

ج) ما در خوابگاههای دانشجویی هستیم، آیا می‌توانیم بدون اجازه از غذای دوستان و هم‌اطاقی‌هایمان استفاده کنیم؟

د) منظور از جملهٔ «کلیدشان به دست شماست» چیست؟

ه) اگر جلب رضایت واجب نباشد، و احتمال مفسده هم ندهیم، سپس مفسده‌ای پیش بیاید، غذای خورده شده چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که یقین یا اطمینان به عدم رضایت داشته باشید، جایز نیست، و اگر بعداً کشف خلاف شود، باید جبران کرد، و در مجموع منظور از آیه کسانی هستند که پیوند آنها با انسان به اندازه‌ای نزدیک است که علی القاعده راضی هستند.

۲۵- کاروانهای عروسی

سؤال ۱۷۷۱- گُل کاری کردن ماشین، و بوق زدن در سطح شهر، اگر موجب جلب نظر نامحرم به داخل ماشین، یا باعث اذیّت و مزاحمت مردم شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برای مردم تولید مزاحمت کند، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۲- مدّتی است که کاروانهای عروسی به آستان مقدّس حضرت محمّد بن موسی الکاظم علیه السلام- سبز قبا- می‌آیند. ولی متأسّفانه به دلیل عدم رعایت حجاب و پوشش اسلامی کامل توسّط عروس و دامادها، و این که بعضی از آنها تنها به فیلمبرداری و عکّاسی و نماد قرار دادن ضریح متبرّک قناعت می‌کنند، موجبات توهین و بی‌حرمتی نسبت به حریم مقدّس آن حضرت را فراهم آورده‌اند. ممانعت از ورود کاروانهای عروسی به داخل اماکن مذهبی چه حکمی دارد؟

جواب: لازم است این کاروانها جهات شرعی و شئون آن اماکن متبرّکه را رعایت کنند، و مسئولین این اماکن مقدّسه باید از طرق صحیح، از جمله نصب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۶

پلاکاردهایی هشدار دهنده، و توزیع اوراق چاپی، و تذکرات پی‌درپی، به گونه‌ای که به درگیری و خشونت منتهی نشود، مسأله را دنبال کنند.

۲۶- کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان

سؤال ۱۷۷۳- با توجّه به مفاد کنوانسیون، آیا موارد تعارض این معاهده بین المللی با احکام اسلامی را به گونه‌ای ارزیابی می‌نمایید که با حذف برخی موارد جزئی آن، به گونه‌ای که با روح کنوانسیون، یعنی رفع هرگونه تمایز، منافات نداشته باشد می‌توان موارد تعارض آن را با احکام اسلامی از میان برداشت و به این معاهده پیوست؟

جواب: تعارض مفاد این کنوانسیون، که در بالا- به آن اشاره شد، به حدّی است که قابل تطبیق بر قوانین اسلامی نیست. ولی در بعضی از موارد راه حلهایی وجود دارد. امّا به طور کامل هیچ راهی برای آن موجود نیست. چه خوب است مسلمانان جهان برای

حفظ مکتب خود با این گونه امور از موضع انفعالی برخورد نکنند، و به جای خودباختگی در برابر این قراردادهای تحمیلی، علمای بزرگ آنها گرد هم بنشینند، و آنچه مورد اتّفاق و اجماع است تبیین کنند، و موارد اختلافی را به اجتهاد مجتهدین واگذارند، و برای همیشه تحمیل کنندگان فرهنگها و مقرّرات بیگانه را از سازش به قیمت مخالفت با ضرورت اسلام مأیوس سازند.

سؤال ۱۷۷۴- از آنجا که برخی از موادّ کنوانسیون مذکور از نظر فقهی قابل نقد است، مستدعی است نظر مبارک خود را نسبت به موارد زیر بیان نمایید:

۱- بر اساس مادّهٔ یک این معاهده، باید هرگونه تمایز، استثنا و یا محدودیّت بر اساس جنسیّت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، و یا هر زمینهٔ دیگر لغو گردد.

با توجّه به این مادّه تفاوت زن و مرد در مواردی چون، میزان پوشش واجب بدن، نظر و لمس بدن جنس مخالف، دیه، قصاص، شهادت، ارث، طلاق، تعدّد همسران، امامت جماعت، لزوم تمکین جنسی، ولایت بر فرزندان، سرپرستی خانواده، حقّ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۷

حضانت، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، لزوم سپری شدن عدّه برای ازدواج بعدی، مرجعیّت و قضاوت؛ تبعیض تلقّی می‌گردد، و باید از میان برداشته شود. آیا تساوی زن و مرد در موارد ذکر شده با احکام شرع مطابقت دارد؟

جواب: بی‌شک مساوات کامل، نه تنها مخالف ضرورت فقه شیعه، بلکه مخالف ضرورت اسلام و بر خلاف نصّ صریح قرآن و روایات متواتره است، و هیچ یک از علمای اسلام، نه در گذشته و نه در حال، اعتقاد به چنین مساواتی نداشته‌اند. اصولًا باید این معنی برای مجامع جهانی تبیین گردد که ملّتها نمی‌توانند با فرهنگ و مذهب خود وداع کنند، و چشم و گوش بسته تسلیم مقرّراتی شوند که نه در تصویب آن حضور داشته‌اند، و نه از نظر وجدان و منطق قطعیّت دارد.

ممکن است در بعضی از موارد جزئی، گفتگویی در میان علمای اسلام باشد، امّا مساوات کامل به صورتی که گفته شده هیچ موافقی ندارد.

سؤال ۱۷۷۵- ۲- با توجه به این که مادهٔ ۹ و مادهٔ ۱۵ بند ۴ در مورد کسب، تردّد، تغییر و یا حفظ تابعیّت خود و فرزندان، زن و مرد را مساوی می‌داند، آیا زن بدون موافقت همسر می‌تواند به تابعیّت هر کشوری درآید، و یا در هر شهری سکنی گزیند؟

جواب: این یکی از مواردی است که در بالاـ به آن اشاره شد، و با احکام و فرهنگ اسلامی سازگار نیست. به علاوه بدون شک سرچشمهٔ مفاسد زیادی در جوامع انسانی می‌شود، که نمونه‌های آن را در همان کشورهای صنعتی مشاهده می‌کنیم، و آمارها در مورد متلاشی شدن خانواده‌ها شاهد گویایی بر این مطلب است. آری اگر زن تابعیّت کشور مورد نظرش را بپذیرد، ولی عملًا محلّ سکونت را با رضای زوج انتخاب کند اشکالی ندارد.

۲۷- گروههای منحرف

سؤال ۱۷۷۶- گروهی از مردم عقیده دارند که خداوند (نعوذ باللّه) در حضرت علی علیه السلام حلول کرده، که در فارسی به «علی اللّهی» مشهور هستند، و به زبان ترکی آنها را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۸

«گوران» می‌خوانند، و به بیان خودشان «اهل حقّ» گفته می‌شوند. این فرقه در شهر ما زیاد هستند، و با همه رفت و آمد دارند، و هفته‌ای یک بار در خانقاه جمع می‌شوند، و در آن جلسه یکی از کتابهای آنها برای سرسپردگان قرائت می‌شود.

علایم ظاهری آنها این است که سبیل‌هایشان را اصلًا اصلاح نمی‌کنند، تا حدّی که دهانشان را می‌پوشاند. در زمانهای قدیم به علّت آگاهی دادن روحانیّت، مردم چندان با اهل این فرقه معاشرت نداشتند، نه از آنها دختری می‌گرفتند، و نه به آنها دختری می‌دادند، و

حتّی قبرستان آنها از قبرستان دیگر مسلمانان جدا بود. ولی بعد از انقلاب اسلامی، به خصوص در چند سال اخیر، که صوفیگری را تبلیغ می کننـد، به خود جرئت داده و تشکیلاتی کـار می کننـد، و عقایـد خود را مرموزانه ترویـج و اشاعه می‌دهنـد، و از مسـلمانان کسـانی هسـتند که آگاهـانه و یـا نـا آگاهـانه دخـتران خود را به پسـران این فرقه می‌دهنـد، یـا از افراد این فرقـهٔ فاسـد برای آشـپزی مراسمات مسلمان دعوت می کنند. نظرتان پیرامون این گروه و حشر و نشر با آنها چیست؟

جـواب: بـا تـوجّه به آنچه دربـارهٔ عقیـدهٔ طـایفه گوران، که در آن منطقه هسـتند نوشـته‌اید، آنهـا گروهی منحرف و دور از حقیقت اسلامند. آنها را تا می‌توانید توجیه و ارشاد کنید، و اگر از عقاید خود دست بر ندارند، از آنها دوری کنید.

سؤال ۱۷۷۷- بـا عنـایت به این که در منطقـهٔ آذربایجـان شـرقی در ارتبـاط بـا «بابـک خرمـدین» و افکار وی، شـبهاتی ایجاد شـده، خواهشـمند است نظر مبارک خود را در ارتباط با ایشان مرقوم فرمایید. ضـمناً بفرمایید که صـرف بیت المال در راسـتای اشاعهٔ نام و یاد ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: نامبرده دارای انحرافات مهمّی بوده، و سزاوار است به خاطر تعصّبات قومی دنبال او را نگیرند، و صرف بیت المال و غیر بیت المال در این راه جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۸- همـهٔ اهالی منطقهٔ ما شـیعیان دوازده امامی‌اند، امّا از نظر علمی، فرهنگی (چه دنیوی و چه دینی) خیلی عقبند. و بخاطر اهمیّت فراوان آن، سیّاحان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۱۹

شرق و غرب برای کوه‌نوردی وارد این منطقه می‌شونـد، و بـا توجّه به ضـعف فرهنگی و نبودن امکانـات و مـدارس، افراد فوق برای مردم مراکز فرهنگی تأسیس، و باغات احداث می کنند، و مردم ساده که از عواقب آن اطّلاعی ندارند، تحت تأثیر قرار می گیرند. آیا در چنین مناطقی، زمین دادن به غیر مسلمانان برای احداث مراکز فرهنگی، و فرستادن فرزندانشان به آن مراکز، جایز است؟

جواب: با شـرحی که نوشته‌اید، کمکهای این گروه مشکوک یا مقطوع الفساد است. مؤمنین باید از آنها بپرهیزند، و فریب نقشه‌های دشـمنان را نخورنـد. ولی اگر از کشورهـای مسـلمان، یـا بی‌طرف، یـا مراکز جهانی کمکهای بی‌قیـد و شـرط و آبرومنـدانه‌ای شود، پذیرش آن ضـرری ندارد. ضـمناً مردم می‌توانند از نصف سهم مبارک امام زیر نظر روحانیون معتمد محلّ به جای این گونه کمکها استفاده کنند.

۲۸- گناهان

الف) قاچاق

سؤال ۱۷۷۹- نظر به این که در مناطق مرزی، امر قاچاق کالا، از همه نوع، رواج فراوان داشته و دارد، و ضـررهای جبران‌ناپذیری بر اقتصاد و فرهنگ زده و می‌زنـد، این جانب با همکاری تنی چنـد از دوسـتان، و ان شاء اللّه کمک شـما بزرگواران، در حال تدارک برنامه‌ای برای مبارزه با امر قاچاق هستم. به همین جهت سؤالاتی طرح نموده، خواهشمندم پاسخ آن را مرقوم فرمایید.

۱- حکم قاچاق کالا به طور کلّی، اعمّ از اشیایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم فسادآور است، از نظر شرع مقدّس اسلام چیست؟

۲- آیـا قاچـاق خیـانت به کشور و مردم محسوب می‌شود؟ آیـا قاچاقچیان، و کسانی که به هر وسیله‌ای به آنها کمک می کننـد، در حکم منافقینند؟ آیا قرآن کریم یا احادیث، بیان خاصّی در مورد این گونه افراد دارد؟

۳- استفادهٔ افراد دیگر از اموال فرد قاچاقچی، در قبال پول یا مجّانی چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۰

۴- اگر پول حاصل از قاچاق، توسّط شخصی که آن را به دست آورده، یا اشخاص دیگر، در مسیر کارهای تولیدی، یا خدماتی و مانند آن از کارهای سالم قرار گیرد، اصل پول و درآمد حاصل از آن چه حکمی پیدا می کند؟

۵- اگر گذران زندگی به سختی انجام شود، اشتغال به قاچاق جایز است؟

۶- افراد جامعه در قبال قاچاقچیان، و به طور کلّی پدیدهٔ قاچاق چه برخوردی باید داشته باشند؟

۷- متأسّفانه امر رشوه توسّط قاچاقچیان بین برخی ارگانهای دولتی شایع گشته است، چه توصیه‌ای برای این افراد دارید.

جواب ۱ تا آخر: قاچاق کالا (یعنی ورود غیر قانونی آن از مرزها) بر خلاف دستور شرع است، و باید از آن به شدّت پرهیز کرد. مخصوصاً هنگامی که موجب ضرر و زیان جامعه می‌شود، و به اقتصاد کشور اسلامی لطمه وارد می کند، و کمک کردن به قاچاقچیان در امر قاچاق جایز نیست. و گرفتن رشوه در این زمینه گناه مضاعف دارد، و بر همگان لازم است امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکنند.

ب) خودکشی

سؤال ۱۷۸۰- متأسّفانه چند سالی است که در شهر ما خودکشی شایع شده، و عدّه‌ای از جوانان و نوجوانان اقدام به این کار زشت می کنند. ولی بنظر می‌رسد که اگر جنبهٔ شرعی و عواقب اجتماعی آن به صورت مشروح برای این گروه سنّی تشریح گردد، بسیاری از آنها از عمل خود منصرف گشته، و حتّی فکر آن را نخواهند کرد. با عنایت به این موضوع، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) حکم شرعی قتل نفس چیست؟

ب) با توجّه به این که بدن متعلّق به خود شخص می‌باشد، نه به دیگری، و مسئولیّت آن به خود شخص برمی گردد، چرا خودکشی حرام است؟

ج) افرادی که قتل نفس می کنند، در عالم برزخ چه وضعی خواهند داشت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۱

د) فردی که خودکشی می کند، آیا اثر سوء این عمل در دادگاه خداوند متعال، گریبانگیر والدین او نیز می‌شود؟

ه) گرفتن مجالس سوگواری و دفن آنها در قبرستان مؤمنین چگونه است؟

و) در برخی موارد، خانواده‌های داغدیده با این توجیه که این کار در حالت عادی صورت نگرفته، آداب و رسوم مرگ طبیعی را برای آنها اعمال می کنند، آیا این عمل صحیح است؟

ز) آیا افرادی که خودکشی می کنند از شفاعت اهل بیت برخوردار می گردند؟

ح) آیا احتمال بخشودگی در درگاه حق تعالی، با عنایت به فرمایشات معصومین علیهم السلام برای چنین افرادی، وجود دارد؟

جواب الف تا ح: خودکشی به یقین از گناهان کبیره است، و مالکیّت انسان نسبت به نفس خویش، نمی‌تواند دلیل بر خودکشی شود. همان گونه که مالکیّت انسان نسبت به اموالش، نمی‌تواند مجوّز آتش زدن آن گردد. البتّه باید تمام مراسم را برای این گونه افراد مانند مسلمان عادّی انجام داد، و برای نجات آنها دعا کرد، شاید مشمول عفو الهی واقع شوند.

سؤال ۱۷۸۱- با عنایت به این که در بعضی از مناطق خودکشی، مخصوصاً در بین زنان، زیاد شده، خواهشمند است حکم آن را بیان فرمایید.

جواب: خودکشی به هیچ وجه جایز نیست، و به حکم شرع حرام و از گناهان کبیره است. امام ششم علیه السلام می‌فرماید: «کسی که عمداً خودش را بکشد، برای همیشه در آتش جهنّم می‌ماند، و برای او خلاصی نیست.»

ج) حقیر شمردن گناه

سؤال ۱۷۸۲- آیا کارهایی همچون حقیر شمردن، یا خوش‌حالی از گناه، یا آشکار کردن آن (چه کبیره و چه صغیره)، باعث مضاعف شدن مجازات جرم مورد نظر می‌شود، یا گناه کبیرهٔ مستقلّی محسوب می گردد؟

جواب: این امور گناه دیگری محسوب می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۲

د) اهانت

سؤال ۱۷۸۳- اهانت به چه معناست؟ آیا از کبایر است؟

جواب: اهانت به معنای توهین و تحقیر نمودن مسلمانان، و از کبایر است.

ه) سوء ظنّ

سؤال ۱۷۸۴- بنده در یک جلسه، که مردم جمع بودند، عرض کردم: «فلان جا هم جلسه‌ای هست، شرکت کنید.» چند روز گذشت. در خلوت، نه در انظار دیگران، به شخصی عرض کردم: «چرا شما به این جلسه نمی‌آیید؟ نمی‌خواهم تجسّس کنم، ولی چون می‌دانم نسبت به جلسات حساسیّت دارید، و اهمیّت می‌دهید؛ انتظار داشتم مردم را به این جلسه تشویق کنید.» آن شخص گفت: «شما نسبت به من سوء ظنّ دارید!» آیا این طرز برخورد بنده از نظر شرعی سوء ظنّ محسوب می‌شود؟

جواب: این مقدار که گفته‌اید، سوء ظنّ نبوده و اشکالی ندارد.

و) آشکار کردن گناه

سؤال ۱۷۸۵- آیا آشکار کردن گناه، در جایی که غرض عقلایی وجود دارد (مثل آشکار نمودن نزد طبیب یا عالم) جایز است؟

جواب: در آنجا که ضرورتی داشته باشد، و بدون آن ضرورت برطرف نشود، اشکالی ندارد.

ز) هجرت از محیط گناه

سؤال ۱۷۸۶- در شهر تهران فساد و منکرات و بدحجابی شایع گشته، و متأسّفانه مسئولان نظام هم در خواب سنگینی فرو رفته‌اند. این جانب از دوران بلوغ، از لحاظ اجتماعی و مخصوصاً دینی با محیط تهران ناسازگارم، و به هیچ وجه تاب تحمّل آن را ندارم. با توجّه به دستور اکید خداوند متعال در قرآن کریم، سورهٔ مبارکهٔ نساء، آیهٔ ۱۰۰، آیا برای نجات خود از این فساد، بهتر نیست به شهرهای مقدّسی چون قم یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۳

مشهد هجرت نمایم، تا هرچه زودتر از این نابسامانی روحی نجات پیدا کنم؟

جواب: در صورتی که هیچ راهی برای حفظ دین و ایمان خود جز هجرت نمی‌بینید، هجرت کار لازم و شایسته‌ای است؛ ولی این کار را با مطالعهٔ بیشتر و موافقت پدر و مادر انجام دهید.

ح) توبهٔ از گناه

سؤال ۱۷۸۷- انسان بسیار گنهکاری هستم، و گناهان وحشتناکی مرتکب شده‌ام. از اعمال گذشته توبه کرده، و در اوّلین مرحله،

پشیمان و نادم هستم. آیا خدا مرا می‌بخشد؟ چه کارهایی اجر بسیار زیاد دارد، که در ابتدا آنها را انجام دهم، تا آرامش یابم؟

جواب: بالا‌ترین عمل، امیدواری به عفو و بخشش الهی، و پرهیز از آنچه خداوند در قرآن، و پیامبر اکرم و ائمّهٔ معصومین علیهم السلام در فرمایشاتشان فرموده، و علما و مجتهدین در رساله‌ها بیان کرده‌اند. سعی کنید با کارهای خوبِ آینده، مخصوصاً خدمت به مردم با دست یا زبان یا مال، اعمال بد گذشته را جبران کنید.

سؤال ۱۷۸۸– اگر انسان قبل از بلوغ گناهانی که مربوط به خودش باشد (نه حقّ النّاس) را با علم و آگاهی مرتکب شده باشد، حکمش چیست؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۲۹– مراسم ولادت امام هفتم علیه السلام

سؤال ۱۷۸۹– سالروز ولادت امام هفتم علیه السلام، مقارن با ایّام سوگواری حضرت سیّد الشهداء علیه السلام و یارانش می‌باشد، که جمع بین این دو در اذهان عمومی تا حدّی متناقض می‌نماید. در حالی که نسبت به میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام که در ایّام فاطمیّه و در شعاع شهادت حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفته، این مشکل به ذهن نمی‌آید.

در مقایسهٔ این دو، نکات ذیل حائز اهمیّت است:

۱– فاصلهٔ زمانی ولادت امام موسی بن جعفر علیه السلام (هفتم صفر، بنابر تنها روایت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۴

موجود) از شهادت امام حسین علیه السلام حدود ۲۶ روز می‌باشد. در حالی که میلاد حضرت زینب علیه السلام (پنجم جمادی الاولی) با شهادت حضرت فاطمه علیها السلام (سیزده جمادی الاولی) هشت روز فاصله دارد.

۲– بی‌شک مقام و مرتبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که هفتمین امام شیعیان است، از حضرت زینب علیها السلام که از مقام امامت برخوردار نیستند، بالاتر است، و به همین نسبت، میلادشان نیز اهمیّت بیشتری دارد.

۳– با توجّه به احادیث معتبر، بر هیچ کس پوشیده نیست که در جمع معصومین علیهم السلام، شأن و منزلت بانوی محشر، مرکز اتّصال نبوّت به ولایت، امّ الائمّه، حضرت زهرا علیها السلام نیز از فرزندش امام حسین علیه السلام والاتر است.

ولی با کمال تعجّب محافل مذهبی در سالروز میلاد حضرت زینب علیها السلام به جشن و سرور پرداخته، لکن به زاد روز آن امام همام اهتمام نورزیده، و مع الاسف بی‌توجّه از کنار آن می‌گذرند، بلکه عموم مذهبی‌ها در برخورد با مجلسی تحت عنوان بزرگداشت ولادت حضرتش، به طرح اشکال می‌پردازند. لطفاً در این راستا به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) نظر حضرتعالی در مورد موضوع فوق چیست؟

جواب: با توجّه به این که معمول شیعه آن است که عزاداری امام حسین علیه السلام را تا اربعین ادامه می‌دهد، و در پایان ماه صفر نیز وفاتهای متعدّدی است؛ به خاطر این جهات مختلف، کلّ دو ماه محرّم و صفر در عرف پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به عنوان دو ماه سوگواری معروف شده است، به همین دلیل از برگزاری جشن عروسی در تمام این دو ماه اجتناب می‌کنند؛ از این جهت تولّد امام کاظم علیه السلام تحت الشعاع مصائب مختلف مجموع این دو ماه قرار گرفته است. در حالی که مسألهٔ تولّد حضرت زینب علیها السلام در مقایسهٔ با شهادت زهرای مرضیّه علیها السلام این چنین نیست.

علاوه بر این، در بعضی روایات نیز آمده که بعد از واقعهٔ کربلا تا چهل روز آثار عزای آن حضرت در طبیعت نیز بوده است. این نکته نیز فراموش نشود که طبق بعضی روایات معروف، روز هفتم ماه صفر، روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۵

است. به خصوص این که ولادت حضرت زینب علیها السلام قبل از شهادت زهرای مرضیّه است.

ب) با عنایت به مقدّمهٔ مطوّل و موارد سه‌گانهٔ فوق الذّکر، آیا برپایی محفل میلاد زاد روز حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، و ذکر میلاد آن بزرگوار، و ابراز سرور و شادی توسّط محبّان آن حضرت، خلاف شرع است؟

جواب: خلاف شرع نیست؛ ولی اولیٰ آن است که حرمت اربعین (چهل روز) شهادت، مقدّم داشته شود.

۳۰- مسائل عمومی مشاغل

سؤال ۱۷۹۰- اگر نگهبانی به وظیفه خود عمل نکند (مثلًا سر وقت در محلّ پست خود حاضر نشود) آیا پولی که می‌گیرد و غذایی که مصرف می‌کند، اشکال شرعی دارد؟

جواب: هر کارگر و کارمندی به وظیفه‌اش عمل نکند، حقوق او اشکال دارد.

سؤال ۱۷۹۱- شخصی ۱۴ الی ۱۵ سال است که در اداره‌ای خدمت می‌کند، و چون استخدام شده، باید مبلغ معیّنی به او بدهند تا از آنجا برود. آیا می‌توان او را اخراج کرد؟

جواب: آری در صورت تخلّف و نپذیرفتن تذکّرات، اخراج او بی‌مانع است؛ ولی حقّ و حقوق عرفی و قانونی او را باید پرداخت کرد.

سؤال ۱۷۹۲- بعضی ادارات به شاگردان ممتاز کارمندانشان مبلغی به عنوان جایزه می‌دهند. اگر یکی از این کارمندها کارنامهٔ شخص دیگری (مثلًا برادرزاده‌اش) را ارائه دهد، استفاده از جایزهٔ دریافتی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مخالف مقرّرات آن اداره باشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۳- ارگانهای دولتی افرادی را از طریق امتحان و مصاحبه و مانند آن، و تعدادی را نیز از طریق رابطه و پارتی‌بازی، گزینش و به کار می‌گیرند. به نحوی که اگر این رابطه نبود، افراد دیگری را از طریق امتحان و مصاحبه، جذب می‌کردند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۶

حقوق و مزایای افرادی که از طریق پارتی‌بازی، جذب کار شده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: اصل این کار جایز نیست، و حقوقی که می‌گیرند اشکال دارد.

سؤال ۱۷۹۴- همان‌طور که مستحضرید امکانات و وسایل دولتی، نظیر خودرو، در صورتی که تمامی هزینهٔ آن توسّط بیت المال پرداخت گردد، خودرو خدمت محسوب می‌شود، و استفادهٔ شخصی از آنها ممنوع است. آیا اجازهٔ مقام مافوق مجوّز استفادهٔ شخصی از این وسایل می‌گردد؟ به عبارتی ساده‌تر، آیا مافوق می‌تواند اجازهٔ دخل و تصرّف در بیت المال را صادر کند؟

جواب: در صورتی که مطابق مقرّرات چنین اجازه‌ای نداشته باشد، استفاده از آن جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۵- ریختن اجناس زائد (میوه‌های فاسد، کارتن، بسته‌ها، و مانند آن) به داخل جوی آب چه حکمی دارد؟

جواب: ریختن آنها در جوی آب، و آنچه باعث اذیّت و آزار و ضررِ و زیان مردم می‌شود، جایز نیست، و بهتر است در مکانهایی که معمولًا برای آن کار در نظر گرفته شده ریخته شود.

سؤال ۱۷۹۶- طبق قانون ساعت ورود و خروج برای کلیّهٔ پرسنل ادارات (حتّی رئیس و مدیر کل) یکسان می‌باشد. آیا صرف ریاست مجوّز تخلّف از قانون می‌شود؟

آیا رئیس یک اداره حق دارد هر زمان که اراده کرد وارد یا خارج شود، و ساعتی برای این کار ثبت نکند؟

جواب: تفاوتی بین رئیس و مرئوس از این جهت نیست. مگر این که مقرّرات ادارهٔ متبوعه، حقّ خاصّی برای شخصی در نظر گرفته باشد.

سؤال ۱۷۹۷- در بعضی ادارات مزایایی به عناوین مختلف، که قبلًا واقعیّت خارجی داشته، به رؤسا پرداخت می‌شود. مثل این که چون بازرسان اداره در مدّت سکونت در شهر محلّ مأموریّت به علّت عدم وجود مهمانسرا، در منزل رئیس اداره پذیرایی می‌شدند، لذا مبلغی به عنوان حقّ سفره به آنها پرداخت می‌گردید، امّا با توجّه به این که در حال حاضر چنین مواردی به وجود نمی‌آید، و عناوین از بین رفته، و هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۷

اداره امکانات کافی برای امثال این امور تدارک دیده است، دریافت چنین مبالغی از بیت المال چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که خلاف مقرّرات باشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۸- در بعضی ادارات دولتی، آخرین حدّ اضافه کاری ۱۲۰ ساعت است، که محاسبهٔ آن به دقّت توسط رئیس اداره انجام می‌شود. در حالی که برای خود رئیس اداره بدون انجام هیچ گونه محاسبه، و حتّی انجام اضافه کاری، این حد لحاظ می‌شود. آیا دریافت این مبلغ بدون انجام کار، و حتّی مبلغ نهایی به خاطر چند ساعت مجاز می‌باشد؟

جواب: در صورتی که خلاف مقرّرات باشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۹- دیر آمدن و زود رفتن از محلّ کار چه حکمی دارد؟

جواب: باید وقت را شرعاً مراعات کنند.

سؤال ۱۸۰۰- هنگامی که به حضرت علی علیه السلام اعتراض کردند: «چرا در حقوق و تقسیم بیت المال فرقی نمی‌گذارید »... ایشان فرمودند: «در کتاب خدا که فرقی ندیدم، و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله را هم که خودتان دیدید!» پس تفاوت حقوق‌ها بر چه اساسی است؟

جواب: ظاهراً آنچه در آن حدیث و احادیث مشابه آن آمده، ناظر به مال الخراج است؛ زیرا اراضی خراجیّه متعلّق به همهٔ مسلمین می‌باشد، و باید به طور مساوی تقسیم شود. به علاوه بعید نیست این سخن اشاره به امتیازاتی باشد که در زمان عثمان میان شرفای قبایل و زورمندان قائل می‌شدند. ولی اگر تفاوت به خاطر کثرت عائله، یا خدمت بیشتر، و فعّالیّت افزونتر در امور اسلامی باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۰۱- کارکنانی که در ادارات مشغول خدمت هستند، نوعی اضافه کار، یا حقّ الزحمه- به تناسب مشارکت در انجام برخی از فعّالیّتها- دریافت می‌کنند. اگر به هر یک از کارکنان به تناسب فعّالیّتی که انجام داده‌اند حقّ الزحمه‌ای بیشتر یا کمتر تعلّق گیرد تکلیف چیست، و چه تکلیفی متوجّه عامل تقسیم و کارمند مربوط است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۸

جواب: عامل تقسیم باید مطابق قانون و برنامه عمل کند، و حقّ کسی را ضایع نکند. و اگر خلاف کرد، کارکنان حقّ اعتراض دارند.

سؤال ۱۸۰۲- آیا مسئول حراست یک اداره می‌تواند فردِ مسلمانِ نماز خوانِ شیعهٔ دوازده امامی را جهت تست اعتیاد بالاجبار وادار نماید که به طور ایستاده و بدون آب و طهارت در شیشه‌ای ادرار نماید؟

جواب: آزمایش عدم اعتیاد نیازی به چنین کارهایی ندارد، و هیچ کس نباید دیگری را به این گونه کارها مجبور کند.

سؤال ۱۸۰۳- در نوبت کاری شب به افرادی که در این مرکز نگهداری می‌شوند غذای ساده‌ای می‌دهند. پرسنل، یا از غذای ظهر که مفصّل‌تر بوده برای شام خود استفاده می‌کنند، یا از انبار، موادّ اوّلیّه می‌گیرند و برای خود غذای دیگری می‌پزند، که با غذای کسانی که در این مرکز نگهداری می‌شوند تفاوت دارد. لطفاً بفرمایید:

۱- خوردن غذایی که با غذای سالمندان متفاوت است، چه حکمی دارد؟

۲- خوردن غذا همراه و مانند سالمندان (از نظر نوع و طرز پخت) مخصوصاً هنگام افطار و سحر در ماه مبارک رمضان چه حکمی دارد؟

جواب: این کار اصولًا با روح آداب اسلامی سازگار نیست، و اگر بر خلافِ مقرّراتِ تغذیهٔ آن محلّ باشد، حرام است.

سؤال ۱۸۰۴- شخصی مأمور خرید یک شرکت است، و از مغازهٔ خاصّی برای آن شرکت خرید می‌نماید. البتّه اجناس آن مغازه ارزان‌تر از جاهای دیگر است، و آن شخص در حدّ ممکن چانه می‌زند. بنابراین خرید از آن مغازه به نفع شرکت می‌باشد.

ولی صاحب مغازه مبلغی به مأمور خرید می‌دهد، که همیشه از آن مغازه خرید کند.

گرفتن این پول چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه آن پول از محل درآمد صاحب مغازه باشد، و اثری روی قیمت اجناس خریداری شده نگذارد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۰۵- برخی از مؤسّسات و دستگاهها به خاطر ارائهٔ خدمات، از مردم پول دریافت می‌کنند، (و به منظور کمک به کارمندان و کارکنان آن مرکز، درصدی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۲۹

درآمد فوق میان اعضا تقسیم می‌شود) حال اگر کارمند یا کارمندانی برای افزایش درآمد مؤسّسه، اقدام به گرفتن هزینه به ناحق از مراجعه‌کننده نمایند، تا از سهم بیشتری برخوردار شوند، آیا در صورت اطّلاع از عمل فوق، دریافت پول از مرکز مربوطه (چه دولتی و چه غیر دولتی) شرعاً و قانوناً مجاز است؟ (لازم به یادآوری است که درآمد مرکز مربوطه در یک محل جمع‌آوری شده، سپس میان اعضا تقسیم می‌گردد).

جواب: اگر چیزی بیش از مقرّرات آن مؤسّسه دریافت دارند جایز نیست، و تقسیم آن نیز حرام است.

سؤال ۱۸۰۶- چنانچه یکی از کارکنان بانکها یا مؤسّسات دولتی، با استفاده از اسم و عنوان و تخصّص خود، در ساعات غیر اداری برای کسی که مشتری بانک یا مؤسّسه است کار کند، و حقوق دریافت نماید، در صورتی که در بانک یا مؤسسه خود به تخصّص او نیاز باشد و حاضر به انجام کار اضافی نگردد، حقوق دوّم او چه وضعی دارد؟

جواب: کسی مجبور نیست تخصّص خود را در خارج از دایرهٔ قراردادش در اختیار دیگری بگذارد.

سؤال ۱۸۰۷- چنانچه شرکتی، با این هدف که از موقعیّت شغلی کارگزاران دولت، یا بانکها برای کسب امتیازات مالی و پشتیبانی از برنامه‌های خود بهره‌مند شود، کارمندی را به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت معرّفی، یا انتخاب نموده، و با واگذاری سهام در سرمایهٔ شرکت شریک نماید، و آن شخص نیز به هر ترتیب از قصد شرکت آگاه باشد، آیا حقوقی که از طرف شرکت به وی پرداخت می‌شود، یا اصل سود سهامی که از طریق مذکور به نام او ثبت گردیده، برای گیرنده حلال است؟ حقوقی که شخص مذکور از مؤسّسهٔ اصلی متبوع می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه برنامهٔ جدید مزاحمتی با کار قبلی نداشته باشد، و بر خلاف مقرّرات و تعهّدات او نباشد، هر دو حقوق برای او حلال است.

سؤال ۱۸۰۸- آیا کار کردن نزد شخصی که درآمدش از پول حرام است، جایز می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۰

جواب: اگر یقین داشته باشید که مزد شما را از پول حرام می‌دهد، جایز نیست.

سؤال ۱۸۰۹- آیا تجمّل‌گرایی در ادارات را به عنوان آبروی مملکت می‌دانید؟

جواب: اگر تجمّل‌گرایی به معنای اسراف و تبذیر باشد، حرام است، و اگر اسراف و تبذیر نیست، بهتر ترک آن است.

سؤال ۱۸۱۰- از قدیم الأیام کار در خارج خانه بر دوش مردان بوده است. اکنون به خاطر جهل بعضی از مردان، برخی از مشاغل

اجتماعی را، که نیاز به بودن زن نمی‌باشد، به آنها محوّل کرده‌اند. آیا صحیح است که بعضی از زنان، مشاغل مردان را بدست بگیرند، در حالی که طبیعت برای هر یک از زن و مرد، مشاغل مختصّ به خود را قرار داده است؟

جواب: اشتغال زنان به کار، با حفظ جهات شرعی، حرام نیست. ولی بی‌شکّ مسألهٔ تربیت فرزندان برای زنان مهمتر است.

۳۱- مشاغل خاصّ

الف) شغل روحانیّت

سؤال ۱۸۱۱- هدف شما از طلبگی، و رمز موفقیّتتان در این راه چه بوده است؟

جواب: در صورتی که نظم و پشتکار و خلوص نیّت برای خدمت را رعایت کنید موفّق خواهید شد.

سؤال ۱۸۱۲- آیا طلبه‌ای که لباس روحانیّت می‌پوشد، باید همان موقع به تبلیغ برود؟ به نظر شما یک طلبه چه موقعی باید لباس بپوشد؟

جواب: بعد از اتمام لمعتین زمان مناسبی برای پوشیدن لباس روحانیّت است.

و چه بهتر که از همان زمان تمرین تبلیغ را شروع کند، و سپس به تبلیغ برود.

سؤال ۱۸۱۳- به نظر شما متحجّر به چه کسانی گفته می‌شود؟

جواب: معمولًا این کلمه دربارهٔ کسانی به کار برده می‌شود که تأثیر شرایط و زمان و مکان را در مسائل شرعیّه درک نمی‌کنند.

سؤال ۱۸۱۴- نظر حضرتعالی در مورد سخن امام راحل قدس سرّه که فرمودند «هرکس در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۱

مدرسه بماند و درس نخواند، حرام است.» چیست؟

جواب: اگر درس نخواند، استفادهٔ او از مدرسه غاصبانه و حرام است.

سؤال ۱۸۱۵- اگر در حوزهٔ علمیّه‌ای، برای کنترل شهوت، در غذا کافور بریزند، با توجّه به مضرّاتی که می‌تواند برای نطفه داشته باشد، و امکان عقیم شدن انسان نیز می‌رود، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: اگر احتمال خطر و ضرر قابل ملاحظه‌ای باشد، جایز نیست، و معمولًا مقدار بسیار کمی می‌ریزند که ضرر و خطر نداشته باشد.

ب) خدمهٔ هواپیماها

سؤال ۱۸۱۶- گرفتن غذاهای اضافی در پروازهای هوایی، برای خدمه و مانند آنها، در صورتی که امکان نگه‌داری برای پرواز بعد، یا تحویل به کترینگ وجود دارد، و غذا فاسد نمی‌شود، چه صورت دارد؟

جواب: در صورتی که مقرّرات اجازه دهد، اشکالی ندارد.

ج) رفتگران

سؤال ۱۸۱۷- بعضی از رفتگرها با این که از شهرداری حقوق می‌گیرند، و فقیر و عاجز هم نیستند، از مردم نیز مطالبه اجرت می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که دهندگان پول با میل خودشان به عنوان انعام چیزی به آنها بدهند، مانعی ندارد.

د) کارکنان کمیتهٔ امداد

سؤال ۱۸۱۸- هنگـام برگزاری بعضـی مراسـمات در کمیتـهٔ امـداد حضـرت امـام رحمـه الله، ماننـد جشـن عاطفه‌هـا، از کمک‌هـای جمع‌آوری شده، مبالغی به عنوان پاداش به پرسنل برگزارکننده پرداخت می‌گردد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: تنها می‌توان اجرت زحمات آنها را از آن کمکها پرداخت کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۲

ه) طلافروشان

سؤال ۱۸۱۹- خرید طلا از کسانی که احتمال داده می‌شود طلایشان سرقتی باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد اشکال دارد.

سؤال ۱۸۲۰- معاوضهٔ طلا با عیار ۲۱، به طلای ۱۸ عیـار، با تفاوت و زن چه حکمی دارد؟ مثلًا ده مثقال طلای ۲۱ عیار را، به هشت مثقال طلای ۱۸ عیار معامله کنند.

آیا جایز است؟

جواب: جایز نیست؛ بهتر است دو معامله جداگانه انجام دهند.

سؤال ۱۸۲۱- طلافروشان در هنگام خرید، نگین را از انگشتر یا گردنبند جدا می‌کنند، و در هنگام فروش طلا را با نگین می‌فروشند. این گونه معاملات شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق توافق طرفین صورت گیرد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۲۲- نگاه کردن به دست و صورت خانمهایی که برای خرید طلا به مغازه مراجعه می‌کنند چه حکمی دارد؟ اگر ضـرورت داشته باشد چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به گردی صورت و دستها تا مچ، هرگاه بدون قصد لذّت باشد و خوف وقوع در گناه نرود، اشکالی ندارد.

و) کارمندان مخابرات

سؤال ۱۸۲۳- این جانب مـدّتی است که در یکی از باجه‌های مخابرات مشـغول به کار هسـتم. کارفرمایم معتقد است که از نرخهای مخـابرات بیشتر بایـد گرفت. کـار دیگری که انجـام می‌دهیم، خـدمات فوری است؛ مثلًا کارهایی از قبیل خلافی ماشـینها بایـد زود گرفته شود، ولی به دلایلی زود انجام نمی‌شود. وی می‌گویـد: «ارباب رجوع را با دروغ بفرست تا بروند» حال اگر من دروغ بگویم، گناه کرده، و به خلق خدا نیز ظلم نموده‌ام، و اگر راستش را بگویم، ارباب رجوع با من درگیر شده، کارم را هم از دست می‌دهم. مشـکل دیگر این است که اگر کسـی تلفن بزند و مبلغ آن ۲۷ تومان شود، به خاطر نبودن پول خُرد، مجبور هسـتم ۳۰ تومان بگیرم. حکم شرع دربارهٔ این مسائل چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۳

جواب: چنانچه نتوانیـد کارفرما را متقاعـد کنیـد که طبق قوانین و مقرّرات عمل شود، آن کار را رها کنید، و به دنبال کار مشـروعی باشید. ان شاء اللّه خداوند به شما کمک خواهد کرد.

ز) دامپزشک

سؤال ۱۸۲۴- دامپزشکی هستم که امور درمانی حیوانات را انجام می‌دهم. با توجّه به مسئولیّت شغلی این جانب لطفاً بفرمایید: درآمد حاصل از درمان و معاینهٔ سگ و گربه در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

۱- سگ‌ها و گربه‌های ولگرد.

۲- سگ‌ها و گربه‌های اهلی، که به طور عادی در کنار انسانهای زندگی می‌کنند و مشکلاتی می‌آفرینند.

۳- سگ‌ها و گربه‌های اهلی، که برای شکار یا کار دیگر از آنها استفاده می‌شود.

۴- سگ‌ها و گربه‌هایی که به جهت امور زینتی و جایگزین شدن عاطفه در خانه یا محلّ کار نگهداری می‌شود.

جواب: درمان سگها و گربه‌هایی که فایدهٔ مشروعی دارند، و گرفتن اجرت در مقابل آن مانعی ندارد. همچنین در مواردی که حیوانات ولگردی باشند که اگر کنترل نشوند مشکلاتی می‌آفرینند.

ح) رانندهٔ تاکسی

سؤال ۱۸۲۵- سازمان تاکسیرانی جهت هر مقصدی مبلغی را به عنوان کرایه مشخّص نموده است. حال اگر عرف جهت همان مقصد مبلغی مغایر با نظر سازمان در نظر بگیرد، آیا می‌توان طبق عرف عمل کرد؟

جواب: چنانچه سازمان مذکور یک سازمان رسمی است، باید به نرخ آن عمل کرد.

سؤال ۱۸۲۶- آیا می‌توان کرایهٔ بین دو مسیر را طبق عرف محل گرفت، حتّی اگر بالاتر از انتهای مسیری باشد که سازمان برای آن کرایه مشخّص کرده است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۴

جواب: در صورتی که مسیر فرق داشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۲۷- به هنگام گرفتن کرایه بطور ناخواسته و مکرّر، دستم با دست زنان نامحرم برخورد می‌کند. حکم آن چیست؟

جواب: حرام نیست؛ ولی سعی کنید چنین اتّفاقی نیفتد.

ط) معلّمان

سؤال ۱۸۲۸- در برخی اوقات به موجب قانون، انجام خدمت معلّمان در مدارس یا مراکز آموزشی مجوّز قانونی ندارد. تعدادی از معلّمان با علم به غیر قانونی بودن این عمل، با هماهنگی مدیران مدارس، به خدمت (که غالباً به صورت اضافه کار و حق التدریس است) ادامه می‌دهند، ولی حقّ الزحمهٔ چنین معلّمانی را به نام افراد دیگری که خدمت آنان منع قانونی ندارد، ثبت کرده، و سپس جمع مبلغ را به شخصی که عملًا فعالیّت داشته پرداخت می‌کنند. اوّلًا: حکم کلّی این امر چیست؟

ثانیاً: هر یک از افراد فوق (معلّمان، مدیران و معلّمانی که اجازهٔ استفاده از نام خود را برای پرداخت حقوق به دیگران می‌دهند) چه تکلیفی دارند؟

جواب: اگر این کار با هماهنگی مسئولین بالا انجام گیرد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۲۹- تعدادی از معلّمان در ساعات کار و تدریس، به فعّالیّت‌های جنبی دیگر مثل بافتنی، خواندن روزنامه و مجلّات غیر مربوط به درس و تدریس، و مانند آن می‌پردازند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

ی) جاسوسی

سؤال ۱۸۳۰- آیا انسان می‌تواند برای رهایی از تنگناهای شدید غیر قابل تحمّل اقتصادی، جاسوسی کند؟ در صورت عدم جواز، اگر پذیرفته باشد چطور؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که ضرر ناشی از ترک این کار بیشتر باشد. که در این صورت این شغل، اگر منجر به قتل دیگران نشود، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۵

۳۲- نگهداری حیوانات

سؤال ۱۸۳۱- آیا برای نگهداری از حیوانات منعی وجود دارد؟ اگر فایده‌ای بر نگهداری حیوان مرتّب نباشد، یا صرفاً برای زیبایی، یا صدای خوش آن باشد، (مثل قناری، یا مرغ عشق، یا مانند آن) نگهداری از آن چه حکمی دارد؟

جواب: نگهداری حیوانات مانعی ندارد. ولی سزاوار است افراد با ایمان هدفی از آن داشته باشند؛ هر چند استفاده از زیبایی و صدای خوش آنها باشد؛ در ضمن باید این امر به اسراف کاری منتهی نشود.

سؤال ۱۸۳۲- امام صادق علیه السلام در حدیثی معروف می‌فرماید: «شایسته است انسان وقت خود را به چهار قسمت تقسیم کند، سپس توصیه می‌کند که یکی از آن چهار قسمت صرف تفریح شود.» این موضوع نشان می‌دهد که تفریح برای یک انسان، خصوصاً برای جوانان لازم است، و باعث می‌شود که دیگر وظایف خود را بهتر انجام دهد. نگهداری از حیوانات که در عین تفریح دارای جنبه‌های علمی و تحقیقی دربارهٔ دنیای آفرینش، تقویت روحیهٔ محبّت، و نیز نظاره و دقّت بر عجایب خلقت و قدرت خداوند متعال می‌باشد، به نظر جنابعالی چگونه است؟

جواب: نگهداری حیوانات برای اهدافی که در بالا ذکر شد، نه تنها مانعی ندارد، بلکه فواید معنوی و مادّی نیز دربردارد. ولی طوری باشد که منتهی به اسراف یا آزار حیوانات نشود.

سؤال ۱۸۳۳- کشتن و آزار حیوانات غیر موذی چگونه است؟ محبّت به آنان چه حکمی دارد؟

جواب: کشتن و آزار حیوانات غیر موذی اشکال دارد، و حمایت از آنان خوب است.

سؤال ۱۸۳۴- شکار، خریدوفروش حیواناتی که در حال انقراض می‌باشند، و از منابع طبیعی به شمار می‌روند، و متعلّق به همهٔ مردم هستند، چگونه است؟

جواب: هرگونه عملی که سبب انقراض حیوانات شود، و از این ناحیه ضرر و زیانی به جامعه برسد، جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۶

سؤال ۱۸۳۵- شکار حیواناتی که جنبهٔ تغذیه ندارند، و حرام گوشت هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: هر کاری باید هدف مشروعی داشته باشد؛ از جمله شکار حیوانات.

سؤال ۱۸۳۶- نگهداری از حیوانات ماهانه مبلغی هزینه در پی دارد، مانند دانه‌ای که برای قناری یا طوطی می‌خرند، یا کاهو یا سبزی که برای خرگوش، خریده می‌شود. چنین هزینه‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: این هزینه‌ها مادامی‌که به اسراف منتهی نشود، ایرادی ندارد.

سؤال ۱۸۳۷- اگر محیط زندگی سگ خارج از اتاق باشد، مثلًا در حیاط، یا باغ، یا پشت بام، خانه‌ای برایش بسازند، و مسائل مربوط به طهارت و نجاست را مراعات کنند، نگهداری از آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر پاکی و نجاست رعایت شود، و بودن آن حیوان در خانه فایده‌ای داشته باشد، مانعی ندارد. ولی روشی را که غربی‌ها در مورد سگ دارند، اسلام هرگز نمی‌پسندد.

سؤال ۱۸۳۸- دست زدن به سگ و نوازش آن چگونه است؟ با توجّه به این که در سایر نجاسات، مانند خون و مدفوع، دست زدن ایرادی ندارد؛ امّا باید آن را تطهیر کرد، آیا می‌توان گفت در مورد حیوان مذکور نیز همین‌طور است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۸۳۹- معروف است که «تازی» (سگ شکاری) در احکام نجاست و طهارت با سگهای دیگر تفاوت دارد. شاید دلیلش این باشد که- طبق آنچه در تاریخ آمده- اعراب (پس از اسلام) از رفت و آمد تازی به خیمه‌ها ممانعتی نمی‌کردند، و تازی حقّ داشت در خیمه با آنها بخوابد، و آن را هدیه‌ای از سوی خدا می‌دانستند. آیا تفاوتی میان تازی و سایر سگها در نجاست می‌باشد؟

جواب: تفاوتی از این جهت میان سگها نیست، و معمولًا مسلمانان از سگ‌ها برای سه منظور استفاده می‌کردند: پاسبانی خانه، پاسبانی باغ، و پاسبانی از گلّه. و در کتب فقهی ما دربارهٔ این سه نوع سگ بحث شده، و به عنوان «کلب الحارس»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۷

و «کلب الماشیه» و «کلب الحائط» از آنها یاد شده است.

سؤال ۱۸۴۰- بازی با سگ، و نگهداری از آن در خانه‌ها، و همراه داشتن آن در ماشینها و خیابانها، که نوعی تقلید از بیگانگان است، چه صورتی دارد؟

جواب: ترویج این گونه فرهنگ غلط بیگانگان جایز نیست.

سؤال ۱۸۴۱- خشک کردن حیوانات، و نگهداری آن در منازل، و خریدوفروش آن، چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۳، ص: ۶۳۷

جواب: اگر هدف عقلایی داشته باشد، و موجب اذیّت و آزار فوق العاده‌ای نگردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۴۲- برادرم کبوتر با ارزشی را در پارک گرفته، و به خانه آورده است.

اکنون آن کبوتر با کبوتر بنده جفت شده، و بچّه‌دار شده‌اند. لطفاً بفرمایید:

الف) کبوتر مذکور حلال است، یا حرام؟

جواب: در صورتی که کبوتر صاحبی نداشته، یا مشکوک است، گرفتن آن اشکال ندارد.

ب) در صورت حرام بودن، چه کنم تا حلال شود؟

جواب: اگر قرائن نشان می‌دهد که صاحبی دارد، باید صاحبش را پیدا کنید، و چنانچه مأیوس شدید، معادل قیمت آن را به شخص نیازمندی بپردازید.

ج) بچّه‌های بجا مانده از این کبوتر چگونه‌اند؟

جواب: در صورتی که کبوتر شما ماده است، جوجه متعلّق به خود شماست.

۳۳- ورزش

سؤال ۱۸۴۳- با توجّه به این که ورزش نیمی از جمعیّت دنیا را به خود جذب کرده، و گاه در سیاست و حکومت نقش مهمّی ایفا می‌کند، و در کشور ما نیز از مهمترین ابزارهای مقابله با تهاجم فرهنگی به شمار می‌رود، استدعا دارم نظر مبارک خود را پیرامون سؤالات ذیل بیان فرمایید:

۱- دیدگاه شرع مقدّس دربارهٔ ورزش چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۸

۲- اسلام دربارهٔ ورزش حرفه‌ای چه می‌گوید؟

۳- نظر اسلام در مورد کسی که شغل و کسب خود را ورزش قرار می‌دهد چیست؟

۴- شرع مقدّس پیرامون ورزش قهرمانی چه نظری دارد؟

۵- مسابقات ورزشی با تعیین عوض (پولی که برای بنده در نظر می‌گیرند) چه حکمی دارد؟

۶- آیا پخش مستقیم مسابقات ورزشی با لباس مخصوص، و نگاه آن برای عموم (زن و مرد) جایز است؟

۷- شرطبندی در مورد پیش‌بینی نتیجه، توسّط بازیکنان یا شخص ثالث چه حکمی دارد؟

جواب ۱ تا ۷: بی‌شک ورزش برای سلامت جسم و روح لازم، و در اسلام ورزش‌های هدفداری نیز پیش‌بینی شده است (مانند اسب سواری و شنا و مانند آن)، ولی شرطبندی تنها در مورد تیراندازی و اسب سواری اجازه داده شده است. متأسّفانه ورزش در جهان کنونی، همان‌طور که اشاره کرده‌اید، در پاره‌ای از موارد از مسیر اصلی منحرف شده، و به افراط و تفریط گراییده، و گاه ابزار مسائل تجاری سودپرستان، یا خودکامگی سیاست بازان واقع شده است، و اگر کار به همین وضع پیش برود، خطرات مهمّی ورزش و علاقه‌مندان به آن را تهدید خواهد کرد. امیدواریم اندیشمندان برای پیشگیری از سوء استفاده‌های مختلف از ورزش چاره‌ای بیندیشند، و آن را در جایگاه اصلی خود قرار دهند، و از این که جمعی از جوانان عزیز ما قربانی انحرافات ورزشی شوند جلوگیری کنند.

سؤال ۱۸۴۴- ورزشکاری با پول بیت المال قهرمان شده، و اکنون تیمهای خارجی با دادن پولهای کلان او را استخدام می‌کنند. آیا این کار جایز هست؟

جواب: اگر قراردادی با بیت المال دارد، باید عمل کند، و اگر قراردادی نداشته باشد آزاد است؛ ولی انصاف آن است که به نفع کشور خودش عمل کند.

سؤال ۱۸۴۵- صدمات ناشی از برخی ورزش‌ها بسیار زیاد است، به طوری که در بسیاری موارد موجب جراحت، کبودی یا سرخ شدن و مانند آن می‌شود. این ورزش‌ها چه حکمی دارند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۳۹

جواب: در صورتی که برای دفاع شخصی، یا دفاع از کشور و کیان مسلمین لازم باشد اشکالی ندارد. ولی طرفین قبل از شروع، باید از یکدیگر برائت بجویند، تا ضامن هم نباشند.

سؤال ۱۸۴۶- ورزش، یا بازی، با حیواناتی که در بسیاری از موارد منتهی به کشته شدن آن حیوانات به شکل فجیع می‌شود، چه حکمی دارد؟ مثلًا ورزشی که در آن سوارکاران با اسب به دنبال بُز می‌روند، و آن را گرفته و درصدد انداختن آن به نقطه‌ای هستند، که در بسیاری از موارد حیوان جان می‌سپارد. چنین ورزشهایی چه حکمی دارد؟

جواب: این نوع بازیها جایز نیست.

سؤال ۱۸۴۷- در جلسات تمرینی بعضی از ورزشها مثل «جودو»، «کونگفو»، «کاراته» و مانند آن، امکان دارد بدن شخص مقابل سیاه، قرمز، و یا حتّی شکسته شود. لطفاً بفرمایید: آیا پرداختن به چنین ورزشهایی به منظور آمادگی‌های رزمی و بدنی در مقابل دشمن و مانند آن جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً جنبهٔ دفاعی داشته باشد، مانعی ندارد، و در صورتی که طرفین به آثار ناشی از آن رضایت داده باشند، موجب دیه نمی‌شود.

سؤال ۱۸۴۸- دو نفر برای قوی شدن و مهارت در ورزش، با رضایت خود مسابقهٔ رزمی می‌دهند، و با ضربات لگد و مشت به هم

می‌زنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که خطرناک نباشد، و موجب صدمه‌ای نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۴۹- ورزشهای سنگین، مثل بوکس، مخصوصاً در نظام اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: ورزشهایی که معمولًا خطرناک است، خالی از اشکال نیست.

۳۴- ورزش بانوان

سؤال ۱۸۵۰- لطفاً به سؤالات زیر در مورد ورزش بانوان پاسخ فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۳، ص: ۶۴۰

۱- فعّالیّتهای ورزشی برای دختران مدارس ابتدایی، بدون رعایت حجاب اسلامی چه حکمی دارد؟

۲- ورزش بانوان با رعایت حجاب اسلامی در انظار عمومی (اجتماع مردان و زنان) چه حکمی دارد؟

۳- در ورزشهای انفرادی غیر تماسی (تنیس، بدمینتون و مانند آن) مسابقه یا تمرین خانمها با آقایان چه حکمی دارد؟

۴- آیا رعایت حجاب خانمها در سالنهای ورزشی مخصوص بانوان، لازم است؟

۵- موتور سواری و دوچرخه سواری خانمها با پوشش کامل اسلامی در خیابانها و معابر عمومی چگونه است؟

۶- آیا قبل از سنّ تکلیف، بازی کردن دختران با پسران مجاز است؟

۷- مربّیگری مردان برای تعلیم بانوان تا چه حدّی مجاز است؟

۸- حرکات هوازی و موزون زنان (که منجر به حرکات عضلات بدن می گردد) بدون حضور نامحرم چه حکمی دارد؟

۹- ورزش کردن زنان با محارم خود چه حکمی دارد؟

۱۰- تماشای ورزش مردان توسّط خانمها چه محدودیّتهایی دارد؟

جواب ۱ تا ۱۰: شکّی نیست که ورزش برای همهٔ قشرها، اعم از مرد و زن، پیر و جوان لازم، و یکی از ضروری‌ترین کارها برای حفظ سلامت محسوب می‌شود.

از این گذشته، ورزش می‌تواند به عنوان سرگرمی سالم بسیاری از اوقات فراغت را پر کند، و انسان را از سرگرمی ناسالم بازدارد. ولی مسلّم است که باید جهات شرعی هم در ورزش مردان و هم در ورزش زنان رعایت شود، و مسابقات ورزشی هرگز ایجاب نمی‌کند که ما فرهنگ اسلامی را رها کرده، دنبال فرهنگ دیگران برویم. به طور کلّی زنان می‌توانند در محیطهایی که مخصوص به خودشان است، با استفاده از لباسهای مناسب، و با حفظ حجاب یا بدون حجاب شرعی، با توجّه به این که جنس مخالفی در آنجا نیست، ورزش کنند. داوران و مربّیان آنها نیز از میان خود زنان برگزیده شوند، همان گونه که در مردان چنین است، و از ورزشهایی استفاده کنند که آسیب و زیانی به آنها نمی‌رساند. «پایان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یـک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW